

کتابخانه

۱۰۰۱
نکته از ولایت



اعلیٰ السلام

امیرالمومنین

ادب
توضیح



فصل اول

ولایت امام علی علیه السلام در ادیان و انبیاء گذشته

۴۳	۱. وسعت و عظمت دانش امام علی <small>علیه السلام</small>	◆
۴۳	۲. سؤال از وصی رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>	◆
۴۴	۳. اسم اعظم به دست وصی	◆
۴۵	۴. وصی نبی <small>صلی الله علیه و آله</small>	◆
۴۵	۵. علی و ابراهیم <small>علیه السلام</small>	◆
۴۵	۶. صاحب علم نبی <small>صلی الله علیه و آله</small>	◆
۴۶	۷. انکار انبیاء گذشته	◆
۴۷	۸. بنده گم شده را دریاب	◆
۴۷	۹. دانش آدم <small>علیه السلام</small>	◆
۴۷	۱۰. علت بعثت انبیاء	◆
۴۸	۱۱. افضل اوصیاء علی <small>علیه السلام</small> است	◆
۴۸	۱۲. از راهی می رود که نباید برود	◆
۴۹	۱۳. به عهد خدا وفا کنید	◆
۵۰	۱۴. خلیل و خلیفه و خیرشکن علی <small>علیه السلام</small> است	◆
۵۱	۱۵. کشتی نجات امت رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>	◆
۵۱	۱۶. راه سعادت و راستی	◆
۵۲	۱۷. ولایت شرط استجاب دعا	◆
۵۳	۱۸. ظالم عاصی	◆
۵۳	۱۹. ما پسر پیامبریم	◆
۵۴	۲۰. نسل نورانی	◆
۵۴	۲۱. روشن کننده راه حقیقت	◆
۵۴	۲۲. وارث بی نظیر	◆
۵۵	۲۳. ده شباهت بی همتا	◆
۵۵	۲۴. اثر انکار ولایت	◆
۵۵	۲۵. اداء کننده دین نبی <small>صلی الله علیه و آله</small>	◆
۵۶	۲۶. سپری برای دفع عذاب خداوند	◆
۵۶	۲۷. مسجد کوفه جایگاه اوصیاء	◆
۵۶	۲۸. همانند وصی موسی <small>علیه السلام</small>	◆





۵۷	۲۹. نام وصی پیامبر ﷺ آخرالزمان
۵۸	۳۰. دو بنده نورانی
۵۹	۳۱. مهر نبوت همه انبیاء
۵۹	۳۲. ریشه نبوت انبیاء
۶۰	۳۳. پاداش ولایت امام علی علیه السلام به قوم بنی اسرائیل
۶۳	۳۴. امانت بزرگ خداوند
۶۴	۳۵. پیامی برای همه امت‌ها
۶۴	۳۶. سجده‌های عاشقانه
۶۵	۳۷. به ذکر نام او از نیل بلا عبور می‌کنیم
۶۶	۳۸. راه برتری در دنیا و سعادت در آخرت
۶۶	۳۹. راه‌هایی از هر مشکل صلوات بر محمد و آل محمد
۶۷	۴۰. میثاقی بزرگ و دائمی
۶۸	۴۱. انکار نبوت همه انبیاء
۶۸	۴۲. عهدی ثابت
۶۹	۴۳. اصلاب الشامخه

فصل دوم

ولایت امام علی علیه السلام در معراج رسول خدا ﷺ

۷۳	۴۴. بدترین قرارگاه
۷۳	۴۵. علت بعثت همه انبیاء
۷۳	۴۶. جبرئیل گواه بود
۷۴	۴۷. انار بهشتی
۷۴	۴۸. صلوات دائمی
۷۵	۴۹. برترین مقام
۷۶	۵۰. شرط رحمت
۷۶	۵۱. بر سر سدره المنتهی
۷۷	۵۲. جبرئیل پاسخ آورد
۷۷	۵۳. ویژگی ۵
۷۸	۵۴. پرچم پر نور هدایت



۸۱. حسنه‌ای بزرگ در نامه عمل ۹۵
۸۲. سوره‌ای نورانی بر در بهشت ایمان ۹۶
۸۳. رابطه با امام داشته باشید ۹۶
۸۴. راه سعادت بخش در دو دنیا ۹۷
۸۵. راهی برای ورود به آسمان‌ها ۹۷
۸۶. ایمان خالص ۹۸
۸۷. راهی به سوی نور ۹۸
۸۸. پاداشی بی حساب ۹۹
۸۹. عامل نابودی عمل انسان ۹۹
۹۰. آیه تعیین امام و رهبر ۱۰۰
۹۱. خیر کثیر چیست؟ ۱۰۰
۹۲. فرزندان پاک حضرت ابراهیم علیه السلام ۱۰۱
۹۳. ناب و نورانی ۱۰۱
۹۴. راسخون در علم ۱۰۲
۹۵. نکته‌ای خاص ۱۰۲
۹۶. امری واجب مثل سایر واجبات ۱۰۲
۹۷. مفسر مبانی دین پیامبر صلی الله علیه و آله است ۱۰۲
۹۸. حقیقتی جامع ۱۰۳
۹۹. سلسله‌ای نورانی ۱۰۳
۱۰۰. فضل و رحمت خدا چیست؟ ۱۰۴
۱۰۱. نورهای جهان و جنان ۱۰۵
۱۰۲. محبت و پیروی از اهل بیت مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۰۶
۱۰۳. پیروی از امام حق ۱۰۶
۱۰۴. اطاعت مزد رسالت ۱۰۷
۱۰۵. علی علیه السلام امام روز الست ۱۰۷
۱۰۶. عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه کسانی هستند؟ ۱۰۸
۱۰۷. ما حزب خداییم ۱۰۷
۱۰۸. نشانه هدایت و ایمان ۱۰۸
۱۰۹. عمل ۷۰ پیامبر به کار تو نمی‌آید اگر... ۱۱۱
۱۱۰. امام مبین علی علیه السلام است ۱۱۱
۱۱۱. امام در قرآن ۱۱۲

- ۱۱۳ ۱۱۲. پیروان عملی علی علیه السلام آمرزیده‌اند
- ۱۱۳ ۱۱۳. امتحان خدا بود
- ۱۱۴ ۱۱۴. اولویت ولی الهی
- ۱۱۵ ۱۱۵. اشهاد در صحنه غدیر
- ۱۱۶ ۱۱۶. رستگاران دو دنیا
- ۱۱۷ ۱۱۷. برای مال دنیا پیامبر را رها کردند
- ۱۱۷ ۱۱۸. عهد ازلی خداوند
- ۱۱۸ ۱۱۹. اهل بیت آب حیات بشر
- ۱۱۸ ۱۲۰. امام چلچراغ هستی
- ۱۱۹ ۱۲۱. برترین شب
- ۱۱۹ ۱۲۲. راه روشن
- ۱۲۰ ۱۲۳. راه صداقت
- ۱۲۰ ۱۲۴. نور قیامت
- ۱۲۰ ۱۲۵. راه نورانی
- ۱۲۱ ۱۲۶. اولی الامر کیست؟
- ۱۲۲ ۱۲۷. آیه مؤذن
- ۱۲۳ ۱۲۸. نشانه مغضوبین
- ۱۲۳ ۱۲۹. معنی حسنه و سیئه
- ۱۲۴ ۱۳۰. معنای صلوات واقعی
- ۱۲۴ ۱۳۱. خلیفه‌ای نورانی
- ۱۲۵ ۱۳۲. هفتاد نگین سربلندی
- ۱۲۵ ۱۳۳. قدری ملکوتی
- ۱۲۶ ۱۳۴. راه خدا
- ۱۲۶ ۱۳۵. راه شیطان
- ۱۲۶ ۱۳۶. صاحب امت
- ۱۲۸ ۱۳۷. ثبات قدم مؤمنان
- ۱۲۸ ۱۳۸. ثروتی معنوی و اخروی
- ۱۲۹ ۱۳۹. بنیان محکم دین
- ۱۳۰ ۱۴۰. تقدیری پر برکت
- ۱۳۰ ۱۴۱. نافرمانی کردند
- ۱۳۱ ۱۴۲. اطاعت رسول خداوند متعال



۱۳۱	۱۴۳	راه بخشش گناهان
۱۳۲	۱۴۴	اطاعت خدای بزرگ
۱۳۲	۱۴۵	سؤالی کمرشکن
۱۳۲	۱۴۶	ذکر نام علی در قرآن
۱۳۳	۱۴۷	امام یعنی علی
۱۳۴	۱۴۸	فایده‌ای بزرگ
۱۳۴	۱۴۹	خواری در دنیا و آخرت
۱۳۴	۱۵۰	دعا برای شیعیان
۱۳۵	۱۵۱	نور عالمتاب هستی
۱۳۶	۱۵۲	راهنمای امت محمد
۱۳۶	۱۵۳	قرآن برای ما کافی نیست
۱۳۷	۱۵۴	طلب مزد
۱۳۷	۱۵۵	معیار دینداری
۱۳۸	۱۵۶	عهدی سعادتبخش
۱۳۸	۱۵۷	کسب حیات ابدی
۱۳۹	۱۵۸	توحید و پاکی شرط امامت
۱۳۹	۱۵۹	نعمتی نورانی
۱۴۰	۱۶۰	عمل صالح
۱۴۰	۱۶۱	عقبه‌ای مهم

فصل چهارم

امامت امام علی در احادیث شیعه

۱۴۵	۱۶۲	نور هستی
۱۴۵	۱۶۳	حرف روشن
۱۴۵	۱۶۴	انکار امامت علی
۱۴۶	۱۶۵	عبادت و طاعتی اساسی
۱۴۶	۱۶۶	صفات امام و ولی
۱۴۶	۱۶۷	شفاعت فاطمه
۱۴۸	۱۶۸	فضایلی بی مثال



- ۱۶۶ ۲۰۰. بهشت و جهنم تحت فرمان امام
- ۱۶۷ ۲۰۱. چهره‌های عرشی
- ۱۶۸ ۲۰۲. قواعد اسلام
- ۱۶۹ ۲۰۳. راه علی صراط بهشت است
- ۱۶۹ ۲۰۴. اخبار بی‌نهایت
- ۱۷۰ ۲۰۵. ارادت میثم نثار علی
- ۱۷۱ ۲۰۶. چه کسی ولی ماست؟
- ۱۷۱ ۲۰۷. اتمام حجتی عجیب
- ۱۷۲ ۲۰۸. دلایل بقاء هستی
- ۱۷۲ ۲۰۹. ولایت نگهبان سایر واجبات الهی
- ۱۷۲ ۲۱۰. تعهدی نورانی
- ۱۷۳ ۲۱۱. راه نجات
- ۱۷۳ ۲۱۲. ۷۲ گروه گمراه
- ۱۷۳ ۲۱۳. حجتی در آسمان‌ها
- ۱۷۳ ۲۱۴. بیشترین فریادها
- ۱۷۴ ۲۱۵. سپری برای آتش
- ۱۷۴ ۲۱۶. به تو پشت می‌کنند
- ۱۷۴ ۲۱۷. برهانی ربانی داریم
- ۱۷۵ ۲۱۸. خود را از آتش نجات ده
- ۱۷۵ ۲۱۹. ارزش ابدی
- ۱۷۵ ۲۲۰. نشانه‌های تشخیص راه حق
- ۱۷۷ ۲۲۱. خبری آسمانی
- ۱۷۷ ۲۲۲. دنبال روی امام بر حق
- ۱۷۷ ۲۲۳. تربیت خدایی
- ۱۷۸ ۲۲۴. نوری عمیق در قلبی با ایمان
- ۱۷۸ ۲۲۵. اولین تصدیق‌کننده
- ۱۷۹ ۲۲۶. امتحانات بزرگ خداوند
- ۱۷۹ ۲۲۷. راهی که پیامبر نشان داد
- ۱۷۹ ۲۲۸. وجود پیامبر ضروری و واجب است
- ۱۸۰ ۲۲۹. راه نجات بخش را نشان داد
- ۱۸۱ ۲۳۰. وسیله هدایت به راه راست



۲۳۱. پایه و اساس دین خدا ۱۸۱
۲۳۲. نظر کرده خدا ۱۸۲
۲۳۳. معرفی دقیق دین ۱۸۲
۲۳۴. حق جاوید ۱۸۳
۲۳۵. مفصل خطبه شفشقیه ۱۸۴
۲۳۶. چرا سکوت ۱۸۵
۲۳۷. معجزه‌های علوی ۱۸۶
۲۳۸. تنهای تنها ۱۸۸
۲۳۹. مرز رستگاری ۱۹۱
۲۴۰. راه حق کم رهرو است ۱۹۲
۲۴۱. خبر رسول خدا ﷺ از جنگ جمل ۱۹۴
۲۴۲. احتجاج امام علی علیه السلام با ابوبکر ۱۹۴
۲۴۳. وصی پیامبر ﷺ ۱۹۷
۲۴۴. ولی خدا چه کسی است؟ ۱۹۹
۲۴۵. همه اقوام شهادت دادند ۱۹۹
۲۴۶. امام معیار شناخت خداست ۲۰۰
۲۴۷. نشانه ابدی خداوند در زمین ۲۰۱
۲۴۸. احتجاج امام حسین علیه السلام ۲۰۱
۲۴۹. امام نشانگر راه خداست ۲۰۲
۲۵۰. امام هدایتگر به سوی حق ۲۰۲
۲۵۱. اطاعت امام بر حق و امام عادل واجب است ۲۰۳
۲۵۲. حق با علی علیه السلام است ۲۰۴
۲۵۳. راه کسب آمرزش ۲۰۴
۲۵۴. راه علی علیه السلام راه نجات است ۲۰۵
۲۵۵. حرف رسول خدا ﷺ وحی است ۲۰۵
۲۵۶. خطبه‌ای وثیق ۲۰۵
۲۵۷. جایگاهی که خداوند تعیین فرمود ۲۰۶
۲۵۸. نظر خدا را می‌گوئیم ۲۰۶
۲۵۹. چهره‌های همانند نبی ۲۰۷
۲۶۰. مطلبی به این روشنی ۲۰۷
۲۶۱. ریشه نبوت پیامبر ﷺ ۲۰۷

- ۲۰۸ ۲۶۲. دعای مهم پیامبر ﷺ
- ۲۰۸ ۲۶۳. دستگیره‌ای نجات‌بخش
- ۲۰۹ ۲۶۴. برتری غیرقابل انکار
- ۲۰۹ ۲۶۵. مؤمن واقعی
- ۲۰۹ ۲۶۶. پیامبر قسم خورد
- ۲۱۰ ۲۶۷. یک اشاره کافی است
- ۲۱۰ ۲۶۸. حرف‌های آخر را زد
- ۲۱۲ ۲۶۹. دلیل راه خدا
- ۲۱۲ ۲۷۰. علی علیه السلام ولی مردم است
- ۲۱۳ ۲۷۱. برگزیده بعد پیامبر ﷺ
- ۲۱۳ ۲۷۲. دو دلیل برای راهنمایی

فصل پنجم

روز غدیر و خطبه پر نور غدیر و...

- ۲۱۷ ۲۷۳. برپائی اولین مراسم عید غدیر
- ۲۱۷ ۲۷۴. نخستین شعر فارسی درباره غدیر
- ۲۱۷ ۲۷۵. غدیر مَهر طومار حج است
- ۲۱۸ ۲۷۶. کتاب الغدیر بحر بی‌ساحل
- ۲۱۹ ۲۷۷. حدیث غدیر در کتاب شریف الغدیر
- ۲۱۹ ۲۷۸. افتخار درخشان ایرانیان و پیشنهادی مهم
- ۲۲۱ ۲۷۹. ریشه خطبه غدیر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن کریم
- ۲۲۳ ۲۸۰. خدا از این عمل راضی شد
- ۲۲۴ ۲۸۱. روز بیعت
- ۲۲۴ ۲۸۲. مدارک کافی وجود دارد
- ۲۲۵ ۲۸۳. علت ناله شیطان
- ۲۲۵ ۲۸۴. ماه عالم‌تاب دین
- ۲۲۵ ۲۸۵. دستور نماز در مسجد غدیر
- ۲۲۶ ۲۸۶. روزه‌ای به اندازه تمام عمر دنیا
- ۲۲۶ ۲۸۷. اسناد و منابع روایت عرشی غدیر در کتب اهل سنت





- ۲۵۸ ای مردم! دستورات را تغییر ندهید
- ۲۵۹ خداوند در قرآن امامان را به شما معرفی کرده است
- ۲۵۹ به زبان اقرار کنید
- ۲۶۰ ای مردم مجدد اقرار کنید
- ۲۶۰ خدا صدای اقرار شما را شنید
- ۲۶۱ راه کسب رستگاری بزرگ
- ۲۶۲ ۲۸۹. زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر
- ۲۶۹ ترجمه زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر
- ۲۷۳ ۲۹۰. اتفاقات بعد از اتمام خطبه عرشی غدیر خم
- ۲۷۴ ۲۹۱. کفران نعمت ربانی
- ۲۷۴ ۲۹۲. عذاب منکر ولایت بعد از واقعه غدیر
- ۲۷۵ ۲۹۳. معاویه هم خطبه غدیر را شنید
- ۲۷۵ ۲۹۴. غدیر روز نشر ایمان
- ۲۷۷ ۲۹۵. علی میدان دار سخنوری و جنگ و جهاد
- ۲۷۷ ۲۹۶. حق طرفداران اندکی دارد
- ۲۷۷ ۲۹۷. پرده برداری از غم‌های دل حضرت زهرا
- ۲۸۰ ۲۹۸. کلامی در حد خطبه غدیر
- ۲۸۰ ۲۹۹. جای هیچ عذری باقی نماند
- ۲۸۲ ۳۰۰. خلیفه دوم از دختر پیامبر می‌گوید
- ۲۸۲ ۳۰۱. جایگاه و منزلت فاطمه زهرا در تفاسیر اهل سنت
- ۲۸۳ ۳۰۲. نشانه راه یافتگان
- ۲۸۴ ۳۰۳. نام و یاد او ابدی است
- ۲۸۵ ۳۰۴. پنج نکته باریک‌تر از مو
- ۲۸۶ ۳۰۵. غدیر در منابع روایی اهل سنت
- ۲۸۷ ۳۰۶. قیاسی عجیب
- ۲۸۸ ۳۰۷. راه عرفه
- ۲۸۸ ۳۰۸. واقعا شبهه‌ای وجود ندارد
- ۲۸۹ ۳۰۹. ۴ بار پیامبر تکرار کرد
- ۲۹۰ ۳۱۰. دو متن مستند
- ۲۹۱ ۳۱۱. حدیثی نورانی
- ۲۹۲ ۳۱۲. مدرک کافی وجود دارد



۳۳۹. ابوبکر روایت کرد ۳۰۷
۳۴۰. سندی قدیمی از عالمی محقق ۳۰۷
۳۴۱. از شروط مهم امامت ۳۰۹
۳۴۲. از انبیاء بالاتر است ۳۱۰
۳۴۳. شروط ورود به بهشت ۳۱۱
۳۴۴. به چهره پیامبر ﷺ نگاه کرد ۳۱۱
۳۴۵. عثمان روایت کرد ۳۱۲
۳۴۶. علی علیه السلام حجت خداست ۳۱۲
۳۴۷. جایگاهی که رسول خدا ﷺ نمی پسندید ۳۱۲
۳۴۸. داناترین انسان‌ها به قرآن کریم ۳۱۳
۳۴۹. احادیث مشهور ۳۱۳
۳۵۰. علت بعثت انبیاء ۳۱۳
۳۵۱. معرفی بهترین‌های امت ۳۱۴
۳۵۲. خیلی‌ها راضی نشدند ۳۱۴
۳۵۳. جای هیچ عذری نمانده؟ ۳۱۴
۳۵۴. بهترین دلیل اثبات ولایت اهل بیت علیهم السلام ۳۱۵
۳۵۵. آیا نمی‌دانست ۳۱۵
۳۵۶. مغایرت‌های عجیب در انتخاب خلیفه ۳۱۶
۳۵۷. تشخیص ضرورتی مهم ۳۱۶
۳۵۸. حکایت عجیبی در انتخاب خلیفه ۳۱۸
۳۵۹. نزدیکان نیز اعتراض داشتند ۳۲۰
۳۶۰. سؤالی بدون حب و بغض ۳۲۱
۳۶۱. عبدالله بن عمر نقل کرده است ۳۲۱
۳۶۲. آیا دنبال کسب رضایت بودند؟ ۳۲۲
۳۶۳. تناقض عجیب ۳۲۳
۳۶۴. سؤالی بی پاسخ ۳۲۳
۳۶۵. قهر فاطمه علیها السلام مسئله‌ای مهم است ۳۲۴
۳۶۶. مردی از جنس نور ۳۲۵
۳۶۷. انکار قرآن کریم ۳۲۵
۳۶۸. دوازده امام بعد از رسول الله ﷺ ۳۲۵
۳۶۹. به ۱۰۵ طریق حدیث غدیر را نقل کرده است ۳۲۶



۳۳۹	۴۰۱. اثر قیامتی نافرمانی از امام علی
۳۴۰	۴۰۲. نقش درب بهشت
۳۴۰	۴۰۳. اثر حب علی
۳۴۰	۴۰۴. در قیامت و برزخ مورد بازخواست خواهند بود
۳۴۰	۴۰۵. از آن‌ها پرسیده می‌شود
۳۴۱	۴۰۶. شجره طیبه توحید
۳۴۱	۴۰۷. با این همه روایات نمی‌توان انکار کرد
۳۴۲	۴۰۸. آمار عددی روایات و روایان حدیث در منابع اهل سنت
۳۴۳	۴۰۹. عبادتی پذیرفته شده
۳۴۳	۴۱۰. نور چهره علی
۳۴۳	۴۱۱. چه عناد بزرگی
۳۴۳	۴۱۲. آزار دهندگان رسول خدا
۳۴۴	۴۱۳. دوازده نفر امام بر حق
۳۴۵	۴۱۴. ای رسول، ولایت را هم تفسیر کن
۳۴۷	۴۱۵. ولایت علت قبولی اعمال
۳۴۸	۴۱۶. مثالی ارزنده
۳۴۹	۴۱۷. برتری در همه امور امری ضروری است
۳۴۹	۴۱۸. بیست و نه جلد کتاب درباره سند حدیث غدیر
۳۴۹	۴۱۹. کسب توبه واقعی
۳۵۰	۴۲۰. اجماعی واقعی
۳۵۰	۴۲۱. تفسیر صراط مستقیم
۳۵۱	۴۲۲. اهل ذکر اهل بیتند
۳۵۱	۴۲۳. ریسمانی از نور
۳۵۲	۴۲۴. درس سحر
۳۵۲	۴۲۵. لیلة المیت
۳۵۳	۴۲۶. حرفی با سند محکم
۳۵۳	۴۲۷. چگونه از صراط بگذریم
۳۵۳	۴۲۸. نشانه یهودیان
۳۵۴	۴۲۹. حق غیرقابل انکار
۳۵۴	۴۳۰. دلیل وراثت علی
۳۵۵	۴۳۱. ورودی مبارک

١٠٠١ نکتہ از ولایت امیرالمؤمنین علیؑ



علم مع الحقة والحقة مع العلم



١٠٠١ نکتہ از ولایت امیرالمؤمنین علیؑ



علم مع الحق و الحق مع العلم





فكر سنة مصائب

من كنز مولاه فكذا علم مولاه



انتشارات سعيد نفوس

١٠٠١ نکتہ از ولایت امیرالمؤمنین علیؑ



علم مع الحق و الحق مع العلم





فکر سینهٔ مصائب

من كذتة مولاه فكذا علم مولاه



انتشارات سجید نفین



فصل اول

امام باقر علیه السلام فرمود:



شواهد التنزيل، نوشته حسكاني عالم
بزرگ اهل سنت در قرن ۵، صفحه ۲۵۶

ولايت امام علي علیه السلام در اديان و انبياء گذشته



۱. وسعت و عظمت دانش امام علی (علیه السلام)

شیخ قمی در تفسیر خود از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که مقصود از «ومن عنده علم الكتاب»^۱ امام علی (علیه السلام) است. او می‌گوید آنگاه از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: فرق بین دو آیه: «قال الذی عنده علم من الكتاب»^۲ و آیه شریفه: «ومن عنده علم الكتاب» در چیست؟ امام فرمود: «قال الذی عنده علم من الكتاب»؛ دانش کسی که علم و دانش جزئی به کتاب را دارد (مانند عاصف بن برخیا وصی حضرت سلیمان (علیه السلام)) و منظور کسی است که عالم به جمیع و همه علم و دانش کتاب است (که همان علی (علیه السلام) می‌باشد). سپس امام فرمود: دانش او (یعنی کسی که جزئی کوچک از علم کتاب را دارد) مانند مقدار آبی است که پشه با بال خود از دریا بگیرد در مقابل همه دریا!!! آنگاه امام فرمود: امیرالمؤمنین فرموده است: دانش حضرت آدم و جمیع انبیاء تا حضرت خاتم الانبیاء (علیهم السلام) در عترت این پیامبر (علی و حسن و حسین و...) جمع است.^۳

۲. سؤال از وصی رسول الله (صلی الله علیه و آله)

روزی در عصر خلافت ابوبکر امام علی (علیه السلام) به همراه امام حسن (علیه السلام) و سلمان فارسی در مسجد الحرام نشسته بودند ناگاه مردی خوش قامت که لباس‌های زیبا پوشیده بود به نزدیک آمد به امام علی (علیه السلام) سلام کرد و در محضر امام نشست. سپس چنین عرض کرد: ای امیرمؤمنان از شما سه مسأله می‌پرسم اگر پاسخ آن را دادی می‌فهم آن‌ها که حق شما را غصب کردند دنیا و آخرت خود را تباه ساخته‌اند (و تو به حق هستی) و گرنه آن‌ها و شما در یک سطح برابر هم هستید؟ امام فرمود: بپرس.

او پرسید: - وقتی انسان می‌خواهد روحش کجا می‌رود؟
- چگونه است که انسان گاهی چیزی را به یاد می‌آورد و گاهی چیزی را فراموش می‌کند؟

۱. رعد، ۴۳.

۲. نمل، ۴۰.

۳. نهج الحق، ص ۱۱۸.

- چگونه بعضی از افراد به دایی یا عموی خود شباهت دارند؟
 امام به فرزند خود حضرت مجتبی علیه السلام فرمود: یا ابامحمد! پاسخ این مرد را بده.
 امام حسن علیه السلام پاسخ او را به طور کامل فرمود:
 آنگاه آن مرد پس از آن که از پاسخ سؤال خود به طور کامل قانع شد برخاست و مکرر به یکتایی خداوند و رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و وصایت علی علیه السلام و سایر امامان علیهم السلام تا حضرت قائم علیه السلام گواهی داد و از آنجا رفت. حضرت به فرزندش فرمود: به دنبال این مرد ناشناس برود بین کجا می‌رود؟
 امام حسن علیه السلام به دنبال او حرکت کرد ولی او وقتی از مسجد بیرون رفت از نظرها مخفی شد.
 امام حسن علیه السلام نزد پدر بازگشت و از غایب شدن او خبر داد.
 امام علی علیه السلام فرمود: آیا دانستی او چه کسی بود؟
 امام حسن علیه السلام گفت: خدا و رسول او و امیرمؤمنان آگاه‌ترند. امام فرمود: او خضر علیه السلام بود.^۱

۳. اسم اعظم به دست وصی

عن ابی جعفر علیه السلام قال: لما ان قضی محمد نبوته و استکمل ایامه اوحی الله تعالی الیه ان یا محمد قد قضیت نبوتک و استکملت ایامک فاجعل العلم الذی عندک و الایمان و الاسم الاکبر و میراث العلم و آثار علم النبوة فی اهل بیتک عند علی بن ابی طالب علیه السلام ...
 امام باقر علیه السلام فرمود:
 وقتی که دوران نبوت محمد صلی الله علیه و آله منقضی شد و مدت عمر آن حضرت به پایان رسید خداوند به او وحی فرمود:
 ای محمد! نبوت تو تمام شد و ایام عمرت هم به سر آمده است، پس علم و ایمانی که نزد توست و همچنین اسم اعظم، میراث علم و آثار علم نبوت در اهل بیت را نزد علی بن ابی طالب علیه السلام قرار ده.

۱. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۹۶.



سراغ دارید که فاتح آن عمر و ابوبکر و عثمان باشند یا کدام یک از آن‌ها توانسته‌اند مثل عمل علی را انجام داده باشند.

کارنامه عمل آن‌ها در قبل از ظهور اسلام نیز معلوم است.

- کدامیک از خلفای ثلاث توانسته‌اند شبهات دینی و اعتقادی و شرعی و علمی مردم را دفع کنند، به روایت زیر دقت کنید.

حضرت امام حسین می‌فرماید:

یکی از دانشمندان یهودی شام به حضور پدرم علی مشرف شد و گفت: هنگامی که قوم ابراهیم آن بزرگوار را در میان آتش انداختند آن برگزیده خدا صبر کرد و خدای مهربان آتش را بر ابراهیم سرد و سلامت نمود آیا خداوند برای محمد یک چنین عملی را انجام داده؟ امیرالمؤمنین علی فرمود: آری همین طور است که تو می‌گویی و برای حضرت محمد نیز نظیر این جریان رخ داد و آن هنگامی بود که آن بزرگوار وارد خیبر شد، زن یهودی آن حضرت را مسموم کرد و خداوند آن زهر را در جوف مقدس آن بزرگوار سرد و سلامت نمود تا اینکه اجل طبیعی آن حضرت فرا رسید هرگاه زهر در جوف انسان قرار گیرد نظیر آتش می‌سوزاند و این از قدرت زهر است که نمی‌توان منکر آن شد. برای اطلاع از توانایی مولا امیرالمؤمنین در پاسخگویی به شبهات علمی و دینی آن بزرگوار به کتاب ۱۰۰۱ پرسش و پاسخ از امام علی مراجعه شود.

۷. انکار انبیاء گذشته

عن ابن عباس انما لما نزلت قال النبی: من ظلم علیاً مقعدی هذا بعد وفاتی فکأنها...
ابن عباس نقل کرده که این آیه (۲۵ از سوره مبارکه انفال): **واتقوا فتنة لا تصیبن الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا ان الله شديد العقاب** درباره امام علی نازل شده و رسول خدا فرمود:

هرکس در حق علی و خلافت او بعد از من ظلم کند و جای او را غصب نماید همانند این است که پیامبری من و پیامبری پیامبران قبل از من را انکار کرده باشد.^۱

۱. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۶۰ - شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۶ نیز این روایت به همین مضمون آمده است - تاویل الایات، ج ۱، ص ۱۹۲ و ۱۹۳ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۷۲ و احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۴۶.



من آمد و گفت: یا رسول الله بپرس از پیغمبرانی که قبل از تو فرستادیم به چه دلیلی مبعوث شدند؟ گفتیم: به چه دلیلی فرستاده شدند؟
گفت: برای ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام.^۱

۱۱. افضل اوصیاء علی علیه السلام است

عن النبی صلی الله علیه و آله قال: خلق الله عزوجل مائة الف نبی و اربعة وعشرين الف نبی انا اکرمهم علی الله و لافخر و خلق الله عزوجل مائة الف وصی و اربعة وعشرين الف وصی فعلی اکرمهم علی الله و افضلهم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر آفرید که من نزد خداوند از همه آنان گرامی ترم و این سخن را نه از روی مباحثات می گویم و خداوند عزوجل یکصد و بیست و چهار هزار جانشین برای پیغمبران آفرید و علی علیه السلام از همه آنان نزد خداوند گرامی تر و با فضیلت تر است.^۲

۱۲. از راهی می رود که نباید برود

محمد بن مسلم می گوید: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: بعضی از مردم را می بینم که در عبادت جدیت دارند، با خشوع بندگی می کنند، ولی اقرار به «ولایت ائمه علیهم السلام» ندارند و حق را نمی شناسند. آیا عبادت و خشوع، آن ها را نفعی می بخشد؟
امام علیه السلام فرمود: ای محمد، مثل آن ها مثل همان خانواده ای است که در بنی اسرائیل بودند. هر یک از آن خانواده که چهل شب عبادت می کرد پس از آن هر دعایی که می نمود مستجاب می شد.

یک نفر از همان خانواده چهل شب را به عبادت گذرانید، بعد از آن دعا کرد ولی مستجاب نشد. خدمت حضرت عیسی علیه السلام آمد و از وضع خود شکایت کرد. حضرت عیسی علیه السلام تطهیر نموده و نماز خواند. آنگاه از خداوند راجع به آن مرد درخواست کرد. خطاب رسید: ای عیسی! این بنده من از راهی که نباید وارد شود وارد شده. او مرا می خواند در حالی

۱. فوائد السمطين، ج ۱، ص ۸۱.

۲. خصال صدوق، ج ۲، ص ۷۸۳.

که در قلبش نسبت به نبوت تو شک دارد. اگر آنقدر دعا کند که گردنش قطع شود و انگشتانش از هم جدا شود، دعایش را مستجاب نخواهم کرد.

حضرت عیسی (علیه السلام) رو به او کرد و فرمود: خدا را می‌خوانی با اینکه درباره نبوت، پیغمبرش مشکوکی؟

عرض کرد: آنچه فرمودی واقعیت دارد، از خدا بخواه این شک را از دل من بزداید. عیسی (علیه السلام) دعا کرد و خداوند او را بخشید و به مقام دیگر اعضاء آن خانواده نایل شد.^۱

۱۳. به عهد خدا وفا کنید

ابن عباس می‌گوید:

وقتی خداوند آیه (و اوفوا بعهدي اوف بعهديکم...) و شما به عهد من وفا کنید تا من هم به عهد خود با شما که گفتم: شما را داخل بهشت خواهم نمود وفا کنم (بقره ۴۰) را نازل کرد.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: به خدا سوگند حضرت آدم (علیه السلام) از دنیا رفت در حالیکه با قوش پیمان بسته بود تا به فرزندش شیث وفادار بمانند و به آن وفا نکردند و حضرت نوح (علیه السلام) چشم از جهان پوشید و با قوش برای وصیش سام وفادار باشند، امتش وفا نکردند و حضرت ابراهیم (علیه السلام) دنیا را ترک نکرد تا این که از قوش بر وفادار بودن به وصیش اسماعیل پیمان گرفت اما امتش انجام ندادند و حضرت موسی (علیه السلام) از دنیا رفت در حالی که با مردمش عهد بسته بود که به وفای با وصیش یوشع بن نون وفادار بمانند و حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) به آسمان بالا برده نشد و میثاق بست با قوش بر وفادار ماندن به وصیش شمعون بن حمول صفا، ولی امتش وفا نکردند.

(ای مردم) من نیز بزودی از شما جدا خواهم شد و از میان شما می‌روم... و به تحقیق عهد کردم با امتم درباره علی بن ابی طالب و او هم به سرنوشت اوصیاء پیامبران پیشین از جانب امتشان دچار خواهد شد و با وصی من مخالفت خواهند کرد و نافرمانیش خواهند کرد.

آگاه باشید عهدم را درباره علی (علیه السلام) بار دیگر به شما ابلاغ می‌کنم «فمن نکث فاهما

۱. ترجمه ج ۷ بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۵۶.



ینکت علی نفسه... پس هر کس که آن را بشکند به زیان خودش کوشش نموده و کسی که پایدار بماند به چیزی که بر سر او میثاق بسته شده به زودی پاداش بزرگی از خدا دریافت خواهد داشت»^۱.

ای مردم قطعا بعد از من علی امام و رهبر شما و قائم من بر شما است و او وصی و مددکار و برادر و یاورم و همسر دخترم و پدر فرزندان من است و اختیاردار شفاعت من و صاحب حوض من و حمل کننده پرچم من خواهد بود هر کس او را نادیده گیرد مرا نادیده گرفته و هر کس که مرا انکار نماید تحقیقا خدای عزوجل را انکار نموده و نادیده گرفته و آنکس که به امامت وی اعتراف کند قطعا به نبوت من اعتراف نموده...

ای مردم کسی که از علی فرمان نبرد مرا نافرمانی نموده...

ای مردم شخصی که علی را در گفتار یا کرداری رد نماید قطعا من را رد نموده...

ای مردم قطعا علی سرور همه اوصیاء پیشوای دست و رو سپیدان و پرهیزکاران و مولای مؤمنان است...

ای مردم به پیمانی که خدا درباره علی از شما گرفته شده وفا کنید خدا هم روز قیامت برای شما در بهشت وفا خواهد کرد.^۲

۱۴. خلیل و خلیفه و خیرشکن علی است

ابن بابویه از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به اتفاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه گردش می نمودند پیر مردی از راه رسید و به آنها سلام کرد و به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: ای خلیفه چهارم پروردگار در روی زمین، ای رسول اکرم آیا چنین نیست؟
حضرت فرمود: بلی چنین است.

آنگاه آن مرد از نظر غایب شد امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: این پیر مرد چه کسی بود که شما گفتارش را تصدیق فرمودید؟
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱. فتح، ۱۰.

۲. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳۷۲.

او برادرم خضر (علیه السلام) بود سخنان او صحیح است چرا که نخستین خلیفه و جانشین خدا در زمین آدم بود چنانچه می فرماید: «انی جاعل فی الارض خلیفه»^۱.
 خلیفه دوم هارون است که می فرماید: «... هارون اخلفنی فی قومی واصلح ولا تتبع سیل المفسدین»^۲.

خلیفه سوم داود است که می فرماید: «یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض»^۳.
 و خلیفه چهارم پروردگار تو هستی خداوند این آیه را درباره تو نازل کرده که می فرماید:
 «و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر»^۴.
 سپس فرمود: ای علی! وصی و جانشین و وزیر من تو می باشی.^۵

۱۵. کشتی نجات امت رسول الله (صلی الله علیه و آله)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی! مَثَلُکَ فی اُمَّتِکَ کَمَثَلِ سَفِیْنَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛
 ای علی! تو در امت من همانند کشتی نوح هستی که هر کس بر آن سوار شد نجات یافت و هر کس تخلف ورزید غرق شد.^۶

۱۶. راه سعادت و راستی

در کتاب امالی از حضرت رضا (علیه السلام) روایت است که فرمود:
 یکی از بزرگان یهود به حضور امام علی (علیه السلام) شرفیات شد آن حضرت به او فرمود: شما یهودیان بر چند فرقه می باشید؟
 یهودی عرض کرد: بر فلان عدد.
 امام فرمود:

۱. بقره، ۳۰.
۲. اعراف، ۱۴۲.
۳. ص، ۲۶.
۴. توبه، ۳.
۵. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ص ۶۶۲.
۶. خصال، ج ۲، ص ۳۵۶.

دروغ گفتی سپس به مردم و اطرافیان خود توجهی کرد فرمود: متفرق شدند یهودیان بر هفتاد و یک فرقه و هفتاد فرقه آن در آتش هستند و یک فرقه در بهشت و آن‌ها کسانی هستند که پیروی نمودند از یوشع بن نون وصی حضرت موسی و نصاری (مسیحیان) هفتاد و دو فرقه گردیدند ولی یک فرقه آن‌ها در بهشت است و آنان کسانی بودند که از شمعون وصی حضرت عیسی پیروی کردند و بقیه آن‌ها در جهنم می‌باشند و این امت (مسلمانان) هفتاد و سه فرقه شدند یکی از آن‌ها اهل بهشت است و آن‌ها کسانی هستند که پیروی از وصی محمد ﷺ می‌نمایند و با دست مبارک اشاره به وجود مقدس خود نمود...

سپس فرمود: سیزده فرقه از این هفتاد و سه فرقه ادعای دوستی مرا می‌کنند و حال آن که فقط یکی از آن‌ها داخل بهشت می‌شود.^۱

۱۷. ولایت شرط استجاب دعا

روزی حضرت موسی علیه السلام از محلی عبور می‌کرد در مسیر راه مردی را دید که دست‌هایش را به سوی آسمان بلند کرده و با حالت خاص گریه و زاری و دعا می‌کند و خواسته‌هایش را از درگاه خدا می‌طلبد.

موسی علیه السلام از آنجا گذشت و پس از یک هفته مراجعت نمود بازدید او در همان حال و در همان محل مشغول دعا و زاری است و هنوز حاجت خود را از خدا می‌طلبد.

در این هنگام خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد:

ای موسی! اگر آن مرد آن قدر دعا کند که زبانش بریده شده و بیفتد دعایش را به استجاب نمی‌رسانم مگر این که از طریقی که من به آن امر کرده‌ام وارد شود (یعنی رهبری پیامبران و اوصیاء مرا بپذیرد و با این اعتقاد دعا کند).^۲

۱. روضه کافی، ج ۲، ص ۳۹.

۲. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۸۰.

۱۸. ظالمه عاصی

رسول خدا ﷺ فرمود: مَنْ ظَلَمَ عَلِيًّا مَقْعَدِي هَذَا بَعْدَ وَفَاتِي فَكَأَمَّا حَجَدَ ثُبُوتِي وَثُبُوتَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي.

هر کس در حق علی علیه السلام که وصی من است بعد از وفاتم ظلم کند مثل این است که نبوت من و جمیع انبیای قبلی را منکر شده باشد.^۱

۱۹. ما پسر پیامبریم

از عیون اخبار الرضا آمده که هارون الرشید به امام هفتم عرض کرد: چگونه شما می گوئید ما ذریته پیامبریم و حال آنکه پیامبر عقبی نداشت (پسر نداشت) و جز آن نیست که عقب از برای پسر است نه از برای دختر و شما اولاد دخترید و برای آن حضرت عقبی نبود (اولاد پسر نبود).

حضرت در جواب او آیه ۸۴ سوره انعام را؛ فرمود:

«ومن ذریته داود وسليمان وایوب ویوسف وموسى وهارون وكذلك نجزي المحسنين و زكريا ويحيى وعيسى والياس كل من الصالحين».

آنگاه امام فرمود: پدر عیسی کیست؟ من ابو عیسی یا امیر المؤمنین؟

هارون گفت: برای عیسی پدری نبود (لیس لعیسی اب).

حضرت فرمود: اما الحق الله بذراری الانبیاء من طریق مریم ولذلك الحقنا بذراری النبی من قبل أمنا فاطمه؛

یعنی: به درستی که خدای متعال عیسی را ملحق کرد به ذراری انبیاء از طریق مریم و همچنین ملحق گردانیده است ما را به ذریه پیامبر ﷺ از قبل مادرمان فاطمه.

امام فخر رازی در صفحه ۱۲۴ تفسیرش ذیل همین آیه می گوید: این آیه دلالت دارد بر اینکه حسن و حسین ذریه رسول الله هستند برای آنکه خداوند در این آیه عیسی را از ذریه ابراهیم قرار داده و امام باقر در نزد حجاج به همین آیه استدلال کرد سپس امام هفتم فرمود: هارون برای تو بیشتر بگویم.

عرض کرد: بفرمائید!

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۱۷، ذیل آیه ۲۵ سوره انفال.



امام آیه مباهله را قرائت کرد و فرمود: ... مراد از انفسنا علی بن ابی طالب است و مراد از نساننا فاطمه و مراد از ابنائنا حسن و حسین که خداوند آن‌ها را پسران رسول خدا خوانده است.

❖ ۲۰. نسل نورانی ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: ان الله عزوجل جعل ذرية كل نبی في صلبه وجعل ذريتي في صلب علی بن ابی طالب.^۱
خداوند نسل هر پیامبری را در صلب خود او قرار داد و نسل و ذریه مرا در صلب علی بن ابی طالب قرار داد.

❖ ۲۱. روشن کننده راه حقیقت ❖

رسول اکرم ﷺ فرمود: ان الله تعالى جعل لكل نبی وصیاً جعل شیث وصی آدم ویوشع وصی موسی وشمعون وصی عیسی وعلیا وصی ووصی خیر الاوصیاء فی البداء وانا الداعی وهو المضی.
به درستی که خداوند متعال برای هر پیغمبری جانشین و وصی قرار داد، شیث را وصی آدم و یوشع را وصی موسی و شمعون را وصی عیسی و علی را وصی من و وصی من بهترین اوصیاء می باشد منم دعوت کننده به حق و علی است روشن کننده (حق و حقیقت).^۲

❖ ۲۲. وارث بی نظیر ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: لكل نبی وصی ووارث وان علیا وصی ووارثی.
برای هر پیامبری وصی و وارثی بود، بدرستی که علی وصی و وارث من است.^۳

۱. ینابیع المودة، ص ۲۶۶، مناقب ابن مغزالی، ص ۴۹ - جامع الصغیر، ج ۱، ص ۶۹ - صواعق، حدیث ۲۷ من فضایل علی بن ابی طالب و فردوس الاخبار دیلمی.

۲. موده القری، میرسیدعلی همدانی شافعی.

۳. کفایه الطالب، ص ۱۳۱، باب ۶۲



فقال: یوشع بن نون. قال: ع ان وصی و وارث یقضی دینی و ینجز موعدی علی بن ابی طالب ع. سلمان عرض کرد یا رسول الله ص وصی شما کیست؟ فرمود: ای سلمان وصی موسی که بود؟ عرض کردم: یوشع بن نون. فرمود: وصی من و وارث من و اداء کننده دین من و وفا کننده به وعده من علی بن ابی طالب است.^۱

۲۶. سپری برای دفع عذاب خداوند

امام حسین ع فرمود: وقتی خداوند بزرگ حضرت موسی بن عمران را آفرید و در کوه طور سینا با او سخن گفت، همه زمین را از آن آگاه کرد، پس از نور چهره موسی ع سنگ عقیق را آفرید و فرمود: بر خود لازم کردم دستی که با عقیق تماس بگیرد و ولایت علی ع را بپذیرد را به آتش عذاب نکنم.^۲

۲۷. مسجد کوفه جایگاه اوصیاء

امام علی ع فرمود: مسجد الکوفة صلی فیه سبعون نبیا و سبعون وصیا انا احدهم. در مسجد کوفه هفتاد پیامبر و هفتاد وصی (پیامبر) نماز خواندند که یکی از آنها من هستم.^۳

۲۸. همانند وصی موسی ع

ابن عباس نقل می کند، روزی از روزها پیامبر اکرم ص دست من و علی ع را گرفته به کوه ثبیر در مکه برد. ابتدا دو رکعت نماز گزارد، سپس دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدا یا! موسی بن عمران از تو خواهشی کرد و من محمد که برگزیده توأم، از تو

۱. تذکرة الخواص این جوزی، ص ۲۶.

۲. ثواب الاعمال، ص ۳۸۸، حدیث ۱۱.

۳. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۵۸.

می‌خواهم به من شرح صدر عنایت فرمایی و کارهایم را آسان گردانی و زبانی گویا و ناطق به من مرحمت فرمایی تا عرب و عجم سخنم را بفهمند، بعد فرمود: «واجعل لی وزیرا من اهلی علی بن ابی طالب (علیه السلام) اخی اشدد به ازری و اشركه فی امری».

«خدایا! وزیر و معاونی مثل علی بن ابی طالب (علیه السلام) که از اهل بیت و برادر من است برایم قرار ده، تا پشتوانه من در غم‌ها و گرفتاری‌ها و شریک در کارهایم باشد».

ابن عباس ادامه می‌دهد: در پایان سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شنیدم که منادی ندا داده یا محمد! آنچه خواستی به تو عطا کردم، آنگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: یا اباالحسن! دستت را به آسمان بلند کن و از خدایت درخواست کن تا آنچه را خواسته باشی به تو عنایت فرماید.

علی (علیه السلام) دست را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: اللهم اجعل لی عندک عهدا واجعل لی عندک ودا.

و خدای سبحان آیه شریفه «انّ الذین امنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا»^۱ را نازل کرد، سپس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آیه را برای اصحاب خویش تلاوت کرد.

وقتی اصحاب از این صحنه تعجب کردند، رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای یاران! از چه چیزی تعجب می‌کنید؟ بدانید آیات قرآن چهار قسمت است یک قسمت مختص ما اهل بیت است و یک قسمت اختصاص به مذمت دشمنان ما دارد و یک چهارم آن درباره حلال و حرام و یک چهارم باقی مانده درباره واجبات و فرایض است. خدای رحمان درباره علی (علیه السلام) کرائم قرآن را نازل فرمود.^۲

◆ ۲۹. نامه وصی پیامبر (علیه السلام) آخرالزمان ◆

در عیون از امام علی (علیه السلام) روایت شد که فرمود: حضرتش در راهی می‌رفت و مردی از اهل خبیر با او همراه شد عبورشان به رودی افتاد که آب فراوانی داشت آن مرد یهودی بر عبای خود نشست و جمله‌ای گفت و از آن آب عبور کرد، سپس امیرالمؤمنین را خطاب کرد و گفت:

۱. مریم، ۹۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۶.



ای مرد! اگر تو نیز مانند من شناخت داشتی همانند من عبور می کردی!!
امام علیؑ فرمود: در جای خود باش؛ سپس با دست مبارک به آب اشارتی کرد آب
منجمد شد حضرت از آن گذشت.

آن مرد خیبری وقتی چنین دید بر قدمهای امام افتاد و گفت: ای جوان چه گفتی که
آب را به سنگ تبدیل کردی؟

حضرت فرمود: تو چه گفتی که بر آب گذشتی؟

گفت: خدا را به اسم اعظم او خواندم.

حضرت فرمود: آن اسم کدام است؟

عرض کرد: از خداوند به اسم وصی محمدﷺ درخواست نمودم.

امیرالمؤمنین فرمود: من وصی محمدﷺ هستم.

آن مرد گفت: به راستی که حق این است سپس مسلمان شد.

۳۰. دو بنده نورانی

رسول خداﷺ فرمود:

وقتی که خداوند متعال آدم را آفرید و روح در جسم او دمید آدم عطسه کرد، سپس
به آدم الهام شد که بگوید: الحمد لله رب العالمین.

پس خداوند به او وحی نمود که ای آدم مرا حمد نمودی ولی به عزت و جلالم قسم
اگر به خاطر آن دو بنده ای که می خواهی آنها را در آخر دنیا بیافرینم نبود تو را خلق
نمی کردم.

آدم گفت: ای پروردگار آنها کی می آیند و نامشان چیست؟

خدای متعال به او خطاب کرد سرت را بلند کن، آدم سرش را بالا آورد، پس دید در
زیر عرش نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، محمد رسول الله، محمد نبی الرحمة وعلی مَقِيمُ
الْحُجَّةِ»؛ قسم به عزتم هر کسی او را دوست بدارد به او رحم می کنم و هر کسی با او
دشمنی ورزد او را عذاب می نمایم.^۱

۱. کشف الیقین، ص ۷ - نهج الحق، ص ۲۳۲ - مناقب، ج ۳، ص ۹۰.

۳۱. مهر نبوت همه انبیاء

حضرت ابوالحسن علیه السلام فرموده است: ولایت علی علیه السلام مکتوبه فی جمیع صحف الانبیاء ولن یبعث الله رسولا الا بنبوة محمد صلی الله علیه و آله ووصیه علی علیه السلام.
ولایت علی علیه السلام در تمام صحف انبیاء نوشته شده است و خدا هرگز پیامبری را مبعوث نکرد جز به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و وصایت علی علیه السلام.^۱

۳۲. ریشه نبوت انبیاء

قال الامام الصادق علیه السلام : - والله - ما استوجب آدم ان یخلقه الله بیده وینفخ فیهِ من روحه الا بولاية علی علیه السلام وما کلم الله موسى تکلیما الا بولاية علی علیه السلام ولا اقام الله عیسی بن مریم - للعالمین الا بالخضوع لعلی علیه السلام.^۲
و در روایتی از امام عسگری نیز وارد شده که:

«... فالکلیم لبس حلة الاصطفاء لما شاهدنا منه الوفاء وروح القدس فی جنان الصاغوره ذاق من حدائقنا الباکوره وشیعتنا الفئته الناجیه والفرقة الزکیة صاروا لنا رداء وصورنا...
موسای کلیم را ما به وفاداری اش گواهی دادیم تا موفق شد خلعت برگزیدگی بر تن کند و روح القدس در بوستان کودکی اش طعم میوه های نوبرانه باغ های ما را چشید و شیعیان ما هستند گروه رهائی یابنده و فرقه پاک و پاکیزه، آن ها حافظ و پاسدار ما بوند و دشمن تاریکی و سخت با آن در نبرد...»^۳
و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... والذی نفسی بیده ما استوجب آدم ان یخلقه الله وینفخ فیهِ من روحه وأن یتوب علیه ویرده الی جنته الا بنبوتی والولاية لعلی علیه السلام بعدی والذی نفسی بیده ما...».

قسم به آنکه جانم در دست اوست آدم علیه السلام مستوجب این نشد که خدا او را بیافریند و از روحش در او بدمد و او را بیمارزد و به بهشت برینش باز گردد مگر به نبوت من و ولایت علی... و قسم به آنکه جانم بدست اوست به حضرت ابراهیم علیه السلام ملکوت آسمان و

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۳۷، حدیث ۶.

۲. الاختصاص، ص ۲۵۰.

۳. امام عسگری علیه السلام این متن و حدیث را مرقوم فرمودند به سال ۲۵۴.



زمین را ارائه نداد و او را خلیل خود نکرد مگر به نبوت من و اقرار به ولایت علی قسم به آنکه جانم در دست اوست.

خدا با موسی علیه السلام با کلام خاصی سخن نگفت و حضرت عیسی علیه السلام آیه ای برای جهانیان بیان نکرد مگر به نبوت من و معرفت به علی بعد از من...^۱

۳۳. پاداش ولایت امام علی علیه السلام به قوم بنی اسرائیل

حضرت امام حسن عسگری علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «وَاذْ قَالِ مُوسَى لِقَوْمِهِ» فرموده‌اند: خداوند خطاب به قوم بنی اسرائیل می‌فرماید: به یاد بیاورید زمانی که به موسی وحی کردیم که از ما بخواه تا قاتل را معرفی نموده و او را به کیفر قتل بکشید و دیگران از تهمت و غرامت محفوظ و سالم بمانند و من می‌خواهم به این وسیله به مرد نیکوکاری از امت توسعه رزق بدهم که دین و مرام او صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و برتر دانستن محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و اولاد او بر تمام مخلوقات می‌باشد.

می‌خواهم به پاداش این عمل او را بی‌نیاز گردانم تا بداند که ثواب تعظیم و ولایت محمد صلی الله علیه و آله و آل او چه اندازه است...

خطاب رسید ای موسی به قوم بنی اسرائیل بگو گاوی که پیر و از کار افتاده نباشد و نه جوان، دارای رنگ زردی باشد که بینندگان را شادی بخشد ذبح کنند یکی از اجزاء گاو کشته شده را بمقتول بزنید او زنده می‌شود و آنوقت از او قاتلش را سؤال کنند گفتند: ای موسی چطور می‌شود از زدن عضو مرده‌ای به مرده دیگر او زنده شود آیا ما را مسخره می‌کنی؟

موسی گفت: پناه به خدا می‌برم از مسخرگی و نسبت دادن به خداوند به چیزی را که نگفته باشد، شما معارضه به امر خدای متعال می‌کنید آیا مگر نمی‌بینید نطفه نیز آب مرده‌ای بیش نیست ولی همین که نطفه مرد و زن که هر دو آب مرده هستند به یکدیگر تلاقی نمودند خداوند از آن بشری خلق می‌فرماید و این تخم‌هایی که در روی زمین می‌پاشید بر اثر رطوبت زمین باد می‌کند و متعفن شده و می‌میرد سپس خداوند از آن گندم‌های نیکو و درختان میوه ایجاد می‌نماید.

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۳ و معانی الاخبار، ص ۵۴.



همان طوری که پیش از این متذکر به ذکر صلوات بودی به این اموال هم صلوات بر محمد و آل او را بخوان همان کسی که با ذکر صلوات این اموال را روزی تو نمود با اعتقاد داشتن تو آن‌ها را حفظ می‌فرماید. مقتول زنده شده که گفتگوی موسی با جوان را شنید گفت خداوندا تو را قسم می‌دهم به آنچه را که این جوان قسم داد و صلوات می‌فرستم به محمد و آل او علیهم‌السلام و آن‌ها را شفیع خود به درگاہت قرار می‌دهم که مرا با دختر عمویم در دنیا باقی گذاری تا با خوشی و خرمی از زندگی دنیا بهره‌مند شویم و کیفر حسودان و دشمنان را بده و روزی پاکیزه به من عطا فرما...

خطاب رسید: ای موسی! به او بگو پیش از کشته شدن او شصت سال از عمرش باقی بود هفتاد سال دیگر به آن افزودیم و یکصد و سی سال عمر با خوشی و سلامت به او عطا نمودیم که در دنیا با دختر عمویش زندگی کرده با هم بمیرند و در آخرت با هم به بهشت بروند.

ای موسی! اگر آن شقی قاتل هم به محمد و آل او علیهم‌السلام متوسل شده بود و از ما درخواست می‌نمود البته او را حفظ می‌کردیم و آن جوان را از راه دیگری بی‌نیاز و غنی می‌کردیم... و اگر قاتل ما را بحق محمد و آل او قسم می‌داد او را مفتضح نمی‌نمودیم و از قصاصش صرف‌نظر می‌کردیم.

آنگاه بنی‌اسرائیل خدمت موسی آمده گفتند:

شما قبیله ما را مبتلا به فقر نمودی و بعلت لجاجت خودمان اموال زیادی را از ما گرفتی پس برای ما دعا کن تا خداوند روزی ما را زیاد کند.

موسی به آن‌ها گفت: چقدر دل شما تاریک است مگر دعای صاحب گاو و یا دعای مقتول را نشنیدید و ندیدید خداوند از برکت دعای ایشان چه نعمت و مالی به آن‌ها عطا فرمود؟

چرا خداوند را مانند آن جوان و شخص کشته شده نمی‌خوانید؟ همگی آنان جمع شده و گفتند: پروردگارا ما بسوی تو توبه نموده و تکیه‌گاه مائی.

خداوندا به مقام محمد و آل محمد علیهم‌السلام و بحق علی و فاطمه و حسن و حسین و اولاد حسین این فقر و فاقه را از ما دور کن و وسعت رزق به ما عنایت فرما.

به موسی وحی شد که به رؤسای آن‌ها بگو بطرف فلان خرابه رفته و فلان موضع



حسن و حسین و ائمه^{علیهم السلام} به نوری از انوار الهی نوشته شده است. عرض کردند: خداوند این ذوات مقدسه چقدر در حضورت گرامی و مقربند.

خداوند فرمود: برای خاطر آن‌ها شما را خلق کردم آن‌ها خزینه‌دار علم و امانی من هستند ای آدم و حوا به چشم حسادت به آن‌ها نظر نکنید و آرزوی مقام و منزلت آن‌ها را ننمائید که نافرمانی شما موجب ستمکاری است.

عرض کردند: پروردگارا ستمکاران چه کسانی هستند؟
خداوند فرمود: آن‌هایی که بدون استحقاق، مقام و منزلت محمد^{صلی الله علیه و آله} و آل او را ادعا کنند.

عرض کردند: خدایا همان گونه که جایگاه ایشان را به نظر ما رساندی منزل و مأوی دشمنان آن‌ها را در درکات جهنم به ما نشان ده. خداوند به جهنم فرمود: که تمام عذاب‌ها و اقسام مهالک خود را ظاهر کند تا آدم و حوا آن را ببینند...^۱

۳۵. پیامی برای همه امت‌ها

ابن عباس درباره آیه ۴۵ سوره بقره: **وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ** فرمود: خداوند به مسلمانان و یهودیان و کافرین می‌فرماید: استقامت و بردباری کنید از انجام حرام پرهیز کنید و امانات مردم را رد کنید و از ریاست‌های باطل دوری گزینید و به نبوت محمد^{صلی الله علیه و آله} و ولایت علی^{علیه السلام} اعتراف کنید و در خدمت آن‌ها پایدار باشید تا خداوند را خشنود کرده مستحق بهشت شوید...^۲

۳۶. سجده‌ای عاشقانه

امام عسگری^{علیه السلام} فرمود: فرشتگان آدم را سجده نکردند بلکه آدم را قبله خود برای سجده کردن قرار دادند آن‌هم به خاطر تعظیم انوار محمد^{صلی الله علیه و آله} و آل او، و آدم حاصل آن انوار بود.

و رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} فرمود: اگر سجده کردن برای غیر خدا جایز بود همانا امر می‌کردم

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. تفسیر فرات کوفی، ص ۵۹.



به موسی خطاب شد:

بگو خدایا به جاه محمد و آل محمد علیهم السلام گل این زمین را خشک فرما موسی همان گفت و خداوندی بادی فرستاد و بر آن گلها ورزید و آن را خشک کرد باز هم آن‌ها داخل نشدند و گفتند: ای موسی ما دوازده طایفه هستیم باید ردیف و در عرض یک دیگر عبور کنیم، به موسی وحی شد آن کلمات را بگو و عصای خود را به دریا بزن موسی آن کلمات را گفت و عصا را به دریا زد و دوازده راه نمایان شد و آن‌ها عبور کردند و همین که آخرین نفر بنی اسرائیل از دریا خارج شد همه فرعونیان داخل دریا شدند آنگاه خداوند به دریا امر کرد که بهم آید و بنی اسرائیل مشاهده کردند که همه آن‌ها غرق شدند.^۱

۳۸. راه برتری در دنیا و سعادت در آخرت

امام عسگری علیه السلام در آیه ۴۷ بقره: «یا بنی اسرائیل اذکروا...» فرمود: ای بنی اسرائیل به یاد آرید زمانی را که موسی و هارون را نزد پدران و پیشینیان شما فرستادیم تا آن‌ها را راهنمایی کنند به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و امامت علی علیه السلام و ائمه طاهرین و از آن‌ها عهد گرفتیم و گفتیم اگر به عهد خود وفا کنید در بهشت سروری خواهد کرد و شما را بر مردمان زمان خود برتری خواهیم داد و در دنیا و بهشت به جهت قبول کردن نبوت و ولایت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و آل آن‌ها شما را برتری خواهیم داد...^۲

۳۹. راه‌هایی از هر مشکل صلوات بر محمد و آل محمد

امام حسن عسگری علیه السلام در تفسیر آیه ۴۹ بقره «و اذ نجیناکم من آل فرعون...» می‌فرماید:
خداوند به بنی اسرائیل فرمود: به یاد آورید آن زمانی را که شما را از عذاب فرعونیان نجات دادیم آن‌ها شما را وا می‌داشتند به ساختن ساختمان‌ها و بردن گل و آجر به قصرهای بلند و از ترس آنکه مبدا فرار کنید همه شما را به یکدیگر می‌بستند و تعدادی در حین بردن گل و خاک از قصرهای بلند به زمین افتاده و هلاک می‌شدید.

۱. تفسیر امام حسن عسگری علیه السلام، ص ۲۴۵.

۲. تفسیر امام حسن عسگری علیه السلام، ص ۲۶۰.



اگر ولایت و دوستی محمد ﷺ و آل محمد ﷺ را قبول نکنید این کوه بر سرتان فرود خواهد آمد البته جز معدودی مابقی با اکراه پذیرفتند...^۱

۴۱. انکار نبوت همه انبیاء

از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه (واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا ان الله شديد العقاب)^۲ نقل شده که فرمود:

خداوند بعد از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردم را در مورد ولایت علی علیه السلام آزمایش نمود و آن‌ها علی علیه السلام را رها نمودند و با غیر او بیعت کردند در صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن‌ها را به پیروی از علی علیه السلام و جانشینان او از آل محمد صلی الله علیه و آله امر نموده بود^۳ و حاکم حسکانی در شواهدالتنزیل جلد ۱، ص ۲۰۶ از ابن عباس نقل کرده که گوید: وقتی این آیه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس بعد از من در مسأله خلافت به علی علیه السلام ستم کند و خلافت را از او غضب نماید مثل این است که نبوت پیامبری من و پیامبران گذشته را انکار نموده باشد.

۴۲. عهدی ثابت

حاکم حسکانی در کتاب خود شواهدالتنزیل آورده که ابوحمزه از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

مقصود از آیه «هنالك الولاية لله الحق هو خير ثوابا و خير عقبا»^۴ ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است زیرا هیچ پیامبری به رسالت مبعوث نشد مگر آنکه مأمور به ابلاغ آن بود.^۵

۱. بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۳۷.

۲. انفال، ۲۵.

۳. بحارالانوار ج ۲۷، ص ۶۰.

۴. آیه ۴۴ از سوره مبارک کهف.

۵. شواهدالتنزیل ج ۱، ص ۳۵۶.



فصل دوم

رسول خدا ﷺ می فرماید:



شب معراج دیدم بر ساق عرش
نوشته شده است:
لااله الاالله، محمدرسول الله،
ایدته بعلی و نرته به.

کفایة الاثر، ص ۱۱۶

ولایت امام علی علیه السلام در معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم



۴۴. بدترین قرارگاه

حضرت رضای (ع) از پدران شان (ع) و آن‌ها از رسول خدا (ص) و آن حضرت از جبرئیل، میکائیل و اسرافیل و آن‌ها از خدای تعالی نقل نمودند: خداوند تبارک و تعالی فرمود: به عزتم سوگند و به جلالم قسم که اگر بنده‌ای از بندگانم به ولایت علی (ع) معتقد باشد او را از آتش دوزخ دور و داخل بهشت نمایم و اگر بنده‌ای از بندگانم دشمن علی (ع) باشد به او غضب کنم و داخل آتش جهنم که بدترین قرارگاه است نمایم.^۱

۴۵. علت بعثت همه انبیاء

ابوهریره گفت که رسول خدا (ص) فرمود: وقتی که در شب معراج سیر داده شدم پیامبران در آسمان بر من گرد آمدند پس به من وحی شد: ای محمد! از پیامبران بپرس به چه مطلبی مبعوث شدید؟
پس من از آن‌ها پرسیدم.
همه انبیاء جواب دادند: بر شهادت به وحدانیت خداوند و پیامبری تو و ولایت علی بن ابی طالب^۲

۴۶. جبرئیل گواه بود

عمر بن خطاب در روز غدیر گفت:
«نصب رسول الله (ص) علیا علما» تعیین و نصب کرد رسول خدا (ص) علی را که بزرگتر ما بود. سپس رسول خدا بعد از دعا درباره دوستان و دشمنان آن حضرت عرض کرد:
اللهم انت شهیدی علیهم «خدایا تو گواه منی بر ایشان».
عمر می گوید: در آن هنگام جوانی زیبا با بوی خوش پهلوی من نشسته بود به من گفت: لقد عقد رسول الله عقدا لا یحلّه الا المنافق فاحذر ان تحلّه.
یعنی: عهد بست پیامبر عهدی محکم که نمی شکند این عهد را مگر منافق پس حذر کن ای عمر که تو ناقض این عهد محکم باشی.

۱. جواهر السنیه، باب الثانی عشر، ص ۴۴۶.

۲. معرفة علوم الحدیث، نوشته حاکم نیشابوری، ص ۹۶ و کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۶..



سپس عمر می گوید: به رسول خدا ﷺ عرض کردم وقتی شما درباره علی سخن می گفتید پهلوی من جوان خوش رو و خوشبوئی بود و به من چنین گفت. حضرت فرمود: **انه لیس من ولد آدم لکنه جبرئیل اراد ان یوگد علیکم ما قلته فی علی**. یعنی: او از اولاد آدم نبود بلکه جبرئیل امین بود که به این صورت جلوه گر شد تا تأکید کند بر شما آنچه را که من گفتم درباره علی.^۱

۴۷. انار بهشتی

امام باقر علیه السلام فرمود:
خداوند دو انار برای رسولش صلی الله علیه و آله فرستاد تا تناول فرماید بعد به او فرمود:
ای محمد! این دو انار از باغ بهشت چیده شده است این دو انار را کسی نخورد مگر تو و جانشین تو علی بن ابی طالب.^۲

۴۸. صلوات دائمی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی به معراج میرفتم بعد از ورود به آسمان اول فرشتگان به من سلام داده و گفتند: یا محمد صلی الله علیه و آله حال برادرت علی علیه السلام چگونه است؟
گفتم: الحمد لله حال او بخیر است.
گفتند: چون او را دیدی سلام ما را به او برسان.
گفتم: آیا شما او را می شناسید؟ گفتند: چگونه او را نشناسیم حال آنکه خداوند در روز الست^۳ پیمان تو و پیمان او را از ما گرفت و ما پیوسته بر تو و بر او صلوات می فرستیم آن حضرت فرمود: در آسمان دوم نیز بعد از سلام آن ها بر من فرشتگان گفتند: برادر خود را از طرف ما سلام برسان.
گفتم: آیا شما او را می شناسید؟
گفتند: چگونه او را نشناسیم و حال آنکه خداوند بر ولایت و امانت و محبت تو و او

۱. موده القری، فصل پنجم و بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۳۹.

۲. جواهر السنیه، باب الثانی عشر، ص ۴۸۹.

۳. روز خلقت اولیه بشر را گویند.

و شیعیان او تا روز قیامت از ما گرفته است و ما هر روز پنج بار تفحص حال شیعیان او کرده و به آن‌ها نظر می‌کنیم.

حضرت فرمود: وقتی به آسمان سوم رسیدیم فرشتگان بر من سلام فرستاده و مرحبا گفتند و به علی (ع) نیز مرحبا گفته و حال او را از من سوال کردند.

گفتم: او را در زمین خلیفه خود کرده و به جای خود گذاشته‌ام آیا او را می‌شناسید؟ گفتند: بلی چگونه او را نشناسیم حال آنکه هر سال یک مرتبه به حج بیت المعمور رفته و در آنجا نامه سفید و تمیزی هست که در آن نام تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از نسل حسین (ع) و شیعیان آن‌ها تا روز قیامت نوشته شده و ما پیوسته برای برکت، دست بر سر ایشان می‌کشیم.

آن حضرت فرمود: وقتی به آسمان چهارم رسیدم فرشتگان با سرعت به دور من جمع شدند و گفتند: **حی علی الصلاة، حی علی الصلاة، حی علی الفلاح، حی علی الفلاح....**

جبرئیل گفت: **قد قامت الصلاة.** فرشتگان گفتند: این (کلمه) مخصوص برای شیعیان علی بن ابی طالب (ع) است که آن‌ها نماز را چنانچه باید برپا شود برپا می‌دارند تا روز قیامت. سپس فرشتگان از من پرسیدند: برادر خود علی را کجا گذاشتی و او چه حالی دارد؟ گفتم: آیا شما او را می‌شناسید؟

همگی گفتند: بلی او را و شیعیان او را و ارواح شیعیان او را می‌شناسیم آن‌ها نورهایی هستند در دور عرش الهی...^۱

۴۹. برترین مقام

امام صادق (ع) از پدرش و او از پدران‌ش (ع) نقل نمود که رسول خدا (ص) فرمود:

«اتانی جبرئیل من قبل ربی فقال: یا محمد ان الله یقرئک السلام و یقول:

لک بشر اخاک علیا بانی لا اعذب من تولاه و لا ارحم عاده».

جبرئیل از جانب خداوند نزد من آمد و گفت: ای محمد! همانا خداوند به تو سلام

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۸۴.



می‌رساند و می‌فرماید: به برادرت علی علیه السلام مژده بده که به درستی من کسی را که او را دوست دارد عذاب نمی‌کنم و به کسی هم که دشمن اوست رحم نمی‌کنم.^۱

۵۰. شرط رحمت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی به آسمان عروج کردم پروردگارم مرا ندا داد یا محمد صلی الله علیه و آله بدرستی که من به ذات خود قسم خورده‌ام منم خدائی که جز من خدائی نیست، داخل بهشت می‌کنم همه امت تو را مگر کسانی که خودشان از رفتن به بهشت امتناع ورزند. عرض کردم: بارالها کیست که از داخل شدن به بهشت امتناع کند؟ فرمود:

به درستی که من اختیار نمودم تو را برای نبوت و علی را برای ولایت پس هر کس ابا نماید از ولایت علی پس ابا کرده از داخل شدن به بهشت؛ زیرا که داخل بهشت نمی‌شود کسی، مگر محب و دوست علی و بهشت حرام است بر همه انبیاء تا آنکه داخل شوی بر آن تو و علی و فاطمه و عترت ایشان و شیعیان ایشان....

۵۱. بر سر سدرۃ المنتهی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی به آسمان رفته و به سدرۃ المنتهی رسیدم از طرف خداوند ندا آمد یا محمد صلی الله علیه و آله.

جواب دادم: لیبیک یا سیدی!

فرمود: به درستی که من نفرستادم پیغمبری را مگر اینکه روزگارش سر آمد و وصی و قائم امری برای خود قرار داد. پس تو نیز قرار ده علی بن ابی طالب را امام و وصی بعد از خود زیرا که شما را از یک نور آفریده و خلق نموده‌ام و امامان هدایت کننده را از همان نور (خلق کردم)...^۲

۱. بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۱۶، باب ۱۸.

۲. جواهر السنیه، شیخ حر عاملی، ص ۵۵۲.

۵۲. جبرئیل پاسخ آورد

جابر بن عبدالله گفت: نزد رسول خدا ﷺ رفتم و به حضرت عرض کردم: یا رسول الله جانشین شما کیست؟ آن حضرت ده دقیقه‌ای از جواب دادن به من خود داری فرمود، آنگاه فرمود: ای جابر! آیا خبر دهم تو را از چیزی که پرسیدی؟ عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا شما چیزی نفرمودید من گمان کردم که از من ناراحت شدید.

رسول خدا ﷺ فرمود: از تو ناراحت نشدم لکن منتظر بودم از آسمان چیزی برسد پس جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! خداوند می‌فرماید: همانا علی بن ابی طالب (ع) در میان خانواده و امت تو وصی و جانشین توست و اوست صاحب لوای تو که تو را همراهی می‌کند به سوی بهشت.^۱

۵۳. ۵ ویژگی

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند پنج فضیلت به من و پنج فضیلت به علی (ع) عطاء کرده است مرا کلمات جامع داد و علی را علوم جامع. مرا پیغمبر خود کرد و علی را وصی من قرار داد. به من کوثر داد و به علی سلسبیل. به من وحی فرستاد و به علی الهام. و مرا به آسمانها (معراج) برد و برای علی درهای آسمان و حجابهای آن را گشود من از آسمان به او نظر می‌کردم و او از زمین به من نگاه می‌کرد. سپس آن حضرت به ابن عباس گفت: ای پسر عباس اولین سخنی که در معراج خداوند به من گفت این بود که فرمود: ای محمد به پیش پای خود نگاه کن وقتی نگاه کردم دیدم همه حجابها شکافته شد و درهای آسمان باز گردید من علی را دیدم که سر به سوی آسمان بلند کرده و به سوی من نگاه می‌کند پس من از همانجا با علی سخن گفتم علی به گفته‌های من جواب می‌داد و خدای قادر و توانا نیز بامن سخن گفت.

۱. جامع احادیث الشیعة، نوشته مرحوم آیت الله بروجردی حدیث ۴۷۱۳۱.



ابن عباس پرسید: یا رسول الله خداوند در آن زمان با تو چه می گفت؟ پیامبر ﷺ فرمود: خداوند به من فرمود: ای محمد من علی را وصی تو، وزیر تو، خلیفه تو، بعد از تو قرار دادم این مطلب را به علی اعلام کن که او سخن تو را می شنود سپس من به فرمان خداوند از همان جایی که ایستاده بودم فرمود، خداوند متعال را به علی رساندم علی در جوابم گفت: قبول کرده و اطاعت نمودم.

آنگاه خداوند به همه فرشتگان فرمان داد به علی سلام کنید، آنان همگی سلام کردند علی جواب آن ها را داد آنگاه دیدم که فرشتگان با شنیدن جواب سلام علی به وجد و شادی آمدند و خوشحالی کردند.

در آسمان ها به هیچ گروهی از فرشتگان نگذشتم مگر این که خلافت علی را به من تبریک گفتند.

فرشتگان از اینکه خداوند علی را وصی و خلیفه من تعیین کرده بود خوشحال بودند به هر دسته ای از فرشتگان که می گذشتم آن ها به من می گفتند:

یا محمد! به خدا سوگند از این که خدای متعال پسر عموی تو علی را خلیفه تو گردانید ما فرشتگان همگی خوشحالیم وقتی فرشتگانی را که حاملان عرش بودند دیدم همگی سر به زیر افکنده و به طرف زمین می نگرند از جبرئیل پرسیدم چرا حاملان عرش سر از مناظر رفعت پائین انداخته به سوی زمین می نگرند؟

جبرئیل گفت: یا محمد! هیچ فرشته ای از فرشتگان نماند که به سوی علی در زمین نظر نکند و شاد نگردد مگر حاملان عرش، فی الحال آن ها هم از پیشگاه خداوند اجازه گرفتند که به سوی زمین نظر کنند و اینک جمال علی ﷺ را تماشا کنند...^۱

۵۴. پرچم پر نور هدایت

رسول خدا ﷺ فرمود: به درستی که خداوند با من عهدی کرد: من گفتم: پروردگارا آن پیمان را برای من بیان کن.
فرمود: گوش کن گفتم: سرا پا گوشم.

۱. خصال، مرحوم صدوق، ج ۱، ص ۴۲۷.

فرمود: همانا علی (ع) بعد از تو پرچم هدایت و امام اولیای من و نور و روشنی کسی است که مرا اطاعت کند...^۱

۵۵. نام اوصیاء نبی (ص)

رسول خدا (ص) فرمود: خداوند متعال مخلوقی را فاضل تر و گرمی تر در من از پیش خود خلق نفرموده است سپس حضرت حدیث شب معراج را بیان فرمود تا رسید به آنجا که فرمود:

وقتی در افق بالا به حجابهای نور رسیدم به جائی که بزرگ ملائک را به آنجا راهی نبود همانجا ندائی از طرف خدای متعال شنیدم که فرمود:

یا محمد! توئی بنده من و منم پروردگار تو پس مرا عبادت کن و بر من توکل نما، بدرستی که تو نور منی در بین بندگان من و رسول منی به سوی مخلوقات من و حجت منی بر همه آفریده‌های من و من آفریده‌ام بهشت را برای تو و پیروان تو و آتش را برای مخالفان تو و ثابت گردانیده‌ام کرامت خود را از برای اوصیای تو و پاداش خود را برای شیعیان مقرر کرده‌ام.

پس عرض کردم: پروردگارا اوصیای من چه کسانی هستند؟
جواب آمد: ای محمد! نام‌های آنان که اوصیای تو هستند در ساق عرش من نوشته شده است. آن حضرت فرمود: سپس من در همان حال نظر کردم به ساق عرش خداوند دوازده نور دیدم که در هر نوری سطری سبز بود و در هر سطری نام یکی از اوصیای من ضبط شده بود دیدم اول آن‌ها علی بن ابی طالب و آخر ایشان حضرت (مهدی) هدایت کننده امت من بود...^۲

۵۶. طلب آمرزش ملک الموت

رسول خدا (ص) فرمود: اول من اتخذ علی بن ابی طالب (ع) اَخا من اهل السماء اسرافیل...
نخستین کسی که از اهل آسمانها امام علی (ع) را به برادری خود اختیار کرد اسرافیل

۱. جواهر السینة، ص ۵۰۸.

۲. اکمال الدین، مرحوم صدوق، ج ۱، ص ۴۸۰.



سپس میکائیل بعد جبرئیل بود و نخستین کسی از اهل آسمان‌ها که او را دوست داشت حاملان عرش و بعد رضوان خازن بهشت سپس ملک الموت بود ملک‌الموت برای دوستداران علی بن ابی طالب طلب آموزش می‌کند آن چنانچه برای پیامبران طلب آموزش می‌کند.^۱

۵۷. ولایت او در زمین تعیین نشده

سال ابوبصیر ابا عبد الله علیه السلام: کم عرج برسول الله صلی الله علیه و آله مرة؟ فقال: مرتین فواقفه جبرئیل موقفا فقال: مکانک یا محمد فلقد وقفت موقفا ما وقفه ملک قط ولا نبی...
 ابوبصیر از امام صادق علیه السلام سؤال کرد:
 معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله چند بار بود؟ امام فرمود: دو بار
 سپس فرمود: جبرئیل در مکانی پیامبر صلی الله علیه و آله را متوقف نمود و گفت: ای محمد!
 این مقام و منزلت توست هر آئینه در مکانی ایستاده‌ای که هرگز ملکی و پیامبری
 نایستاده است تا آنجا که فرمود: پس خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای محمد!
 پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: لبیک ای پروردگار من!
 خدای متعال فرمود: رهبر امت بعد از تو کیست؟
 آن حضرت عرض کرد: خدا عالم‌تر است و بهتر می‌داند.
 خداوند فرمود: علی امیرالمؤمنین و آقای مسلمانان و رهبر رو سپیدان است
 آنگاه امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود:
 ای ابامحمد به خدا قسم ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام در زمین تعیین نشده بلکه ولایت
 و امامت آن حضرت در آسمان و به طور شفاهی تعیین گردیده است.^۲

۵۸. سید و ولی کیست؟

شیخ مفید به سند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که:
 پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی یهودی وارد مدینه شد و مسائلی را از امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. مقتل الحسین، ص ۳۹، ارجح المطالب، ص ۵۲۶، مناقب مرتضویه، ص ۹۸، ینابیع المودة، ص ۱۳۳.

۲. جواهر السینة شیخ حرعاملی، ص ۴۲۴.

۶۰. شرط سعادت

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
 پدرم فرمود: هنگامی که مرا به معراج بردند وارد بهشت شدم کاخی از دُر سفید میان
 خانه دیدم که دری آراسته با دُر و یاقوت داشت و بر آن پرده‌ای آویخته بود پرده را کنار
 زدم دیدم که بر روی در نوشته شده است:
 «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی القوم؛ نیست خدایی جز الله، محمد فرستاده
 پروردگار است علی سرپرست امت است.»
 و بر روی پرده نیز این عبارت به چشم می‌خورد: «بِخِ بَخٍ مِنْ مِثْلِ شِيعَةِ عَلِيٍّ؟! مَبَارَكٌ
 بَادٌ مَبَارَكٌ بَادًا! چَه كَسَى مِثْلَ شِيعَةِ عَلِيٍّ اسْت؟»
 و در روایتی دیگر حضرت صدیقه کبری علیها السلام می‌فرمایند: ان ابی نظر الی علی و قال هذا
 و شیعته فی الجنة؛ پدرم به علی نگاهی کرد سپس با اشاره به او فرمود: این مرد و پیروان
 او در بهشت خواهند بود.^۲

۶۱. نقش نگین را نقش قلب می‌کنیم

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله انگشتر خود را به امام علی علیه السلام سپرد
 تا به مغازه انگشتر سازی برده و بر روی نگین آن جمله محمد بن عبدالله را بنویسد امام
 علی علیه السلام طبق خواسته رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد را به انگشتر ساز دستور داد اما انگشتر ساز به
 هنگام نقش کنی دچار اشتباه شد و این جمله را نوشت: محمد رسول الله.
 امام علی علیه السلام موقع تحویل انگشتر وقتی آن را دید فرمود: من به تو اینگونه دستور
 نداده بودم.
 انگشتر ساز گفت راست می‌گوئی ولی اشتباه کردم.
 امام انگشتر را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و جریان را به حضرت گزارش داد.
 رسول خدا انگشتر را تحویل گرفت و به آن نگاه کرد و فرمود:
 ای علی! من هم محمد بن عبدالله هستم و هم محمد رسول خدا اشکالی ندارد.

۱. بحار الانوار ج ۶۸، ص ۷۷.

۲. عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۸۷۴.

سپس انگشتر را بر انگشت مبارک گذاشت.

شب گذشت و صبح فرا رسید رسول خدا به انگشتر نگاه کرد دید زیر جمله محمد رسول الله جمله علی ولی الله نوشته شده است.

پیامبر شگفت زده شد. ناگاه جبرئیل فرود آمد و رسول خدا (ص) ماجرای انگشتر را باز گفت: جبرئیل پاسخ داد:

ای محمد شما آنچه اراده کردی نوشتی و ما نیز آنچه خواستیم نوشتیم.^۱

۶۲. جایگاه علی (ع) در بین فرشتگان آسمان

... رسول خدا (ص) درباره علی (ع) فرمود: جبرئیل طرف راست علی و میکائیل طرف چپ و اسرافیل پشت سر او و عزرائیل در پیش روی و خداوند بزرگ بر فراز عرش با نگاه محبت آمیز ناظر بر او و یاری دهنده اوست.^۲

۶۳. صدیق اکبر

پیامبر اکرم (ص) فرمود: در معراج خداوند متعال به من فرمود: یا محمد! چه کسی را به خلافت بعد از خود بر امت انتخاب کردی؟
عرض کردم: پروردگارا تو داناتری.

فرمود: ای محمد من ترا به رسالت مبعوث کردم و برای خود انتخاب کردم... و پس از تو آن صدیق اکبر و آن پاکیزه نهادی است که او را از سرشت تو آفریدم و او را وزیر تو کردم و او پدر دو سبط پاک و پاک نهاد تو، سرور جوانان اهل بهشت قرار دادم و همسر او بهترین زنان جهان است.

(ای محمد) تو درختی و علی شاخه و فاطمه برگ و حسن و حسین بار آن درخت هستند... شیعه شما نیز از (سرشت) شما ساختم چه اگر گردنهای آنان را با شمشیر بزنند بر مهر و محبتشان نسبت به شما (خاندان) می افزایند
عرض کردم: پروردگارا صدیق اکبر کیست؟

۱. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۷، حدیث ۷۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹ ص ۲۸۴.



فرمود: برادرت علی بن ابی طالب است.^۱

۶۴. سلام بر امیرالمؤمنین

امام باقر علیه السلام از پدرش روایت کرده که جد بزرگوارش فرموده است که خداوند متعال جبرئیل را نزد محمد صلی الله علیه و آله فرستاد تا آن حضرت در حال حیات خویش برای ولایت علی علیه السلام از مردم شاهد و گواه بگیرد و پیش از وفات خود حضرتش را به نام امیرالمؤمنین نامگذاری نماید.

پیامبر صلی الله علیه و آله نه نفر از یاران و مشهورین اصحاب خود را فرا خواند و فرمود:

«من شما را فرا خواندم تا گواهان الهی در روی زمین باشید خواه بر گواهی خود پایداری کنید یا کتمان نموده و از ادای شهادت خودداری کنید». آنگاه فرمود: ای ابابکر برخیز و بر علی به نام امیرالمؤمنین سلام ده.

او گفت: آیا فرمان خدا و رسول اوست؟ فرمود: آری. وی برخاست و بر آن حضرت به عنوان امیرالمؤمنین سلام داد. سپس فرمود عمر برخیز و بر علی به نام امیرالمؤمنین سلام کن آنگاه مقداد بن اسود سپس ابوذر غفاری و بعد از آن‌ها حذیفه یمانی و بعد از آن عمار بن یاسر و بعد عبدالله بن مسعود و بعد بریده، که از همه آن‌ها جوان تر بود فرمود: برخیز و بر امیرمؤمنان سلام کن او هم برخاست و سلام داد.

پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من شما را برای این کار خواندم تا در این زمینه گواهان الهی باشید خواه بر آن پایدار بمانید و یا ترک ادای شهادت کنید.^۲

۶۵. دیده‌ام بیناست

در روایتی آمده است:

در شبی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معراج تشریف بردند، اول صبح امام علی علیه السلام حضور آن حضرت مشرف شد و گفت یا رسول الله! اگر اجازه دهید از آنچه امشب در آسمانها سیر کرده‌اید شما را خبر دهم.

۱. الغدير، ج ۴، ص ۱۹۶.

۲. امالی، شیخ مفید، ص ۳۰.



پیامبر اکرم (ص) فرمودند: یا علی! می‌دانم که تو مطلعی به آنچه امشب در آسمانها مشاهده کرده‌ام و به هر کجا قدم گذاشته‌ام تو ناظر احوال من بودی، زیرا در مقام قرب حق که خداوند خواست با من سخن گوید با صدای تو با من صحبت فرمود و اولین سخن خداوند سفارش ولایت تو بود و به هیچ واجب و مستحبی به قدر ولایت و دوستی تو توصیه نفرمود و به من فرمود: نظر به طرف زمین کن چون توجه به زمین کردم، تمام درهای آسمانها را گشاده دیدم و مشاهده کردم تو به من نظر می‌کنی و حضرت احدیت به من فرمود:

من علی را وصی و وزیر و خلیفه تو قرار دادم و چون مراجعت به زمین نمودی او را در نزد مردم به این مقام معرفی نما و به هیچ ملک برنخوردم مگر آنکه از من تقاضا کرد که سلام او را به تو برسانم و مرا به خلافت و وصایت تو تهنیت و مبارک باد گفتند و همه اظهار سرور می‌کردند به آنکه خداوند تو را خلیفه من قرار داده و دیدم حاملان عرش به طرف زمین نظر دارند از جبرئیل سبب آن را پرسیدم فرمود: آن‌ها به صورت علی (ع) نگاه می‌کنند.^۱

در روایت است که وقتی حضرت رسول (ص) از سفر معراج تشریف آوردند، مشاهده کردند که بین دوستان علی (ع) اختلاف است به این که: یکی می‌گوید علی دیشب میهمان من بود و دیگری می‌گفت: نخیر، علی دیشب میهمان من بود و سومی و چهارمی و پنجمی و الی نفر چهلم مدعی بودند که علی (ع) دیشب میهمان آن‌ها بوده است، آنگاه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اختلاف نکنید، علی میهمان همگی شما بوده است و در معراج میهمان و همراه من نیز بود.

۶۶. وای بردشمنانشان

در بصره از ابویوب انصاری حدیث مفصلی نقل شده که گفت از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود:

شب معراج دیدم بر ساق عرش نوشته شده بود «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيْدِيَهُ بَعْلِي وَنَصْرَتُهُ بِي».

۱. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۰۹.



سپس نوشته شده بود الحسن والحسین و علی وفاطمه وعلی و محمد وجعفر وموسی علی و محمد وعلی الحسن والحجّة.

پیامبر به خداوند عرض کرد: الهی ایشان چه کسانی هستند؟

وحی شد:

این‌ها اوصیاء تو هستند بعد از تو «**فطوبی لمحیبههم والویل لمبغضهم**»، پس خوشا به

حال دوستداران آن‌ها و بدا به حال دشمنان آن‌ها.^۱

۶۷. چهره امام علی در آسمان پنجم

رسول الله ﷺ در شب معراج در آسمان پنجم صورت نورانی علی بن ابی طالب را دید

از جبرئیل سؤال فرمود: مگر ابن عم من قبل از من آمده است؟ جبرئیل عرض کرد: خیر!

ملائک مشتاق دیدن علی بودند، خداوند ملکی را به شکل علی در آورده تا ملائک

هم لذت ببرند و در روایت دیگر است که هر شب جمعه هفتاد هزار ملک به زیارت این

صورت می آیند و ثواب این زیارت برای دوستان علی می باشد.

در شب معراج ارواح انبیاء در مسجد اقصی بود که انبیاء جمع شدند، جبرئیل هم در

مسجد اقصی اذان گفت، و بازوی رسول خدا را گرفت و عرض کرد: یا رسول الله! جلو

بایست، رسول خدا فرمود: تو بایست.

جبرئیل عرض کرد:

از روزی که خدا نور تو را خلق کرد ما تقدّمی بر تو نداریم و این آیه رسید:

سئل من ارسلنا قبلك من رسلنا اجعلنا؛ من دون الرحمن آلهة يعبدون.^۲ ای پیغمبر

از این انبیاء که قبل از تو برگزیدیم بپرس که اساس دعوت آن‌ها چه چیز بوده است؟

رسول خدا پرسید: آن‌ها گفتند: اساس دعوت ما **لااله الاالله** بود و گرفتن عهد از

امّتمان راجع به تو و برادرت علی.^۳

۱. کفایه الاثر، ص ۱۱۶ - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۲.

۲. زخرف، ۴۵.

۳. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۳۱۶.



هر یک از بندگانم را که دوست بدارم ولایت و معرفت او را به وی می‌شناسانم و هر یک از بندگانم را که دشمن بدارم به جهت انصرافش از معرفت و ولایت او، دشمن داشته‌ام. به عزت خودم سوگند و به جلال خویش قسم یاد کرده‌ام که بنده‌ای از بندگانم علی را دوست نداشته و ولایت او را نپذیرد مگر آنکه او را از آتش دوزخ دور ساخته و داخل بهشتش نمایم و بنده‌ای از بندگانم او را دشمن نداشته و از ولایتش عدول ننموده مگر آنکه او را دشمن داشته و دوزخش فرستم و دوزخ بد جایگاهی است.

۷۱. تا صورت پیوند جهان بود علی بود

به امام صادق عرض شد:

یابن رسول الله! بعضی‌ها حدیثی را درباره معراج روایت می‌کنند که چون پیغمبر به معراج سیر داده شدند دیدند بر عرش خداوند نوشته است:

«لأله الا الله، محمد رسول الله، ابوبکر الصديق».

حضرت فرمودند: سبحان الله! همه چیز را حتی این را هم دگرگون کردند. حضرت فرمود:

چون خداوند عرش را بیافرید بر عرش نوشت: «لأله الا الله، محمد رسول الله، علی امیرالمؤمنین».

این‌ها را همه بر آب و بر کرسی و بر لوح و بر پیشانی اسرافیل و بر دو بال جبرئیل و بر اکناف آسمان‌ها و زمین و بر کوهها و آفتاب و ماه هم نوشتند...^۱

۷۲. تنها وسیله قرب خداوندی

رسول خدا فرمود:

شبی که من به سوی پروردگار جلیل سیر داده شدم (شب معراج) به من این گونه وحی شد: ای محمد!

من تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان را از اصل نور خود آفریدم

۱. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۵۸.

و ولایت شما را بر اهل آسمان‌ها و زمین عرضه داشتم پس هرکس آن را پذیرفت نزد من از مؤمنان است و هر که آن را انکار کرد از نظر من از کافران شد و سپس فرمود:

یا محمد!

لو ان عبدا من عیدی عبدی حتی ینقطع ویصیر کالشن البالی ثم اتانی جاحدا لولایتکم ماغفرت له حتی یقر بولایتکم.

ای محمد!

اگر یکی از بندگان من آنقدر مرا عبادت کند تا آن که قطعه قطعه شود همچون مشک پوسیده گردد سپس با انکار ولایت شما نزد من آید من از او نمی‌گذرم تا آن که به ولایت شما اعتراف و اقرار نماید.^۱

۷۳. نقش در بهشت

خوارزمی نقل می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

وقتی به آسمان عروج کردم دیدم بر درب بهشت نوشته شده است:

«لااله الاالله، محمد رسول الله، علی حبیب الله، الحسن والحسین صفوه الله، فاطمة امة الله»^۲ (لعن خدا بر دشمنان ایشان باد).

انتشارات سجید نفیسی

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۰۰.

۲. جواهر السنیه، ص ۵۸۵.



فصل سوم

رسول خدا ﷺ :



بنایع الموده ، ص ۱۸.

ولایت امام علی علیه السلام در قرآن کریم



۷۴. علی (ع) از سابقون است

مسلمان می گوید: رسول خدا (ص) فرمود: نخستین کسی که از شما وارد حوض کوثر می شود اولین شما در اسلام است و او علی بن ابی طالب است^۱ (بعضی از علماء محترم اهل تسنن می گویند اولین مسلمان ابوبکر است قطع نظر از روایاتی که از شیعه و سنی در این رابطه آمده است که اولین مسلمان امام علی (ع) است اصلاً علی بن ابی طالب در هیچ زمانی کافر نبوده که بگوییم چه وقت مسلمان شد آیا می توان گفت رسول خدا (ص) کی اسلام آورد؟ رسول خدا (ص) از اول ولادت تا روز وفات بر دین اسلام و شریعت قرآن بود و علی (ع) نیز از اول طفولیت در کنار رسول خدا بوده و با او در کوه حرا و خانه و صحرا همراه بوده و هرچه او انجام می داد علی نیز آن را پیروی می کرد ولی در مورد بقیه این طور نیست بلکه بعضی از آن ها سال ها بت پرستی کردند و سپس اسلام را پذیرفتند) لذا از حدیقه روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: مثل علی بن ابی طالب در میان مردم مانند قل هو الله احد در قرآن است^۲ حالا معنی این حدیث بهتر به دست می آید.

۷۵. ستاره هدایت اهل هستی

ابن عباس گوید:

با عده ای از جوانان در مکه نشسته بودیم و رسول خدا (ص) نیز در میان ما بود ناگهان ستاره ای از آسمان به جانب زمین فرود آمد رسول خدا (ص) فرمود: این ستاره در منزل هر کس که فرود آمد او وصی بعد من است. سپس جوانان برخاستند و نگاه کردند ناگهان دیدند آن ستاره در خانه علی (ع) فرود آمد عده ای گفتند: محمد درباره علی راه ضلالت را پیموده است در این هنگام سوره نجم نازل شد: (والنجم اذا هوی ما ضل صاحبکم و ما غوی)^۳.

۱. مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۱۳۶ و اسد الغابه، ج ۲، ص ۱۷، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۸ و کنز العمال، ج ۶، ص ۴۰۰.

۲. مناقب ابن المغازی، ص ۷۰، فردوس الاخبار دیلمی.

۳. مناقب ابن مغازی، ص ۲۶۶ - نجم، ۲۱.



۷۶. ولی با فضیلت

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند به برادر من علی ﷺ آن قدر فضیلت عطا فرموده که به جهت کثرت قابل شمارش نیست.^۱
و نیز فرمود: هان ای مردم! فضایل علی بن ابی طالب ﷺ در نزد پروردگرم بسیار فراوان است و آنچه از فضایل او در قرآن کریم آمده بیش از آن است که بتوان در یک مجلس بیان کنم.^۲
ابن عباس می گوید: سبب آیه از قرآن در حق امیرمؤمنان علی ﷺ نازل شده است.^۳

۷۷. پاکتر از گل

امام حسن ﷺ در فرازی از خطبه غرابی که در مجلس معاویه ایراد کرد و مردم را به شهادت طلبید و فرمود: **انشدکم بالله اتعلمون ان علیا اول من حرم الشهوات...** شما را به خدا آیا می دانید که علی ﷺ در میان اصحاب پیامبر ﷺ نخستین فردی بود که همه لذائذ و شهوات را بر خودش حرام کرده بود تا خداوند آیه شریفه **(یا ایها الذین آمنوا لاتحرموا طیبات ما احل الله لکم؛ ای کسانی که ایمان آورده اید پاکیزه هایی را که خداوند برای شما حلال فرموده بر خود حرام نکنید)**.^۴ را نازل فرمود.^۵

۷۸. علی عمود دین است

در ذیل آیه ۴۵ سوره عنکبوت «واقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر». روایتی آمده که از آن استفاده می شود که منظور از صلاة وجود مقدس امام علی ﷺ و منظور از فحشا و منکر دو بت بزرگ قریش می باشد. این معنا در کتب زیادی آمده که ذیلاً به بخشی از آنها اشاره می شود.^۶

۱. البکری، الموفق بن احمد بن محمد اخطب خوارزم مزائد المقلین، ج ۱، ص ۲.
۲. *يوم الانسانية*، ص ۷۵ و *احتجاج*، ج ۱، ص ۶۶.
۳. *تاریخ بغداد*، ابوبکر احمد بن علی، ج ۶، ص ۲۲۱.
۴. مائده، ۸۷.

۵. *کنوز الحکم و فنون الکلم*، ص ۶۱ مائده، ۸۷.
۶. *کافی*، ج ۲، ص ۵۹۸ - *تفسیر برهان* ج ۳، ص ۲۵۳ - *تفسیر صافی*، ج ۴، ص ۱۱۸؛ البته در خصوص رابطه ولایت و نماز کتاب های پر ارزشی تألیف شده که از جمله کتاب *الصلوة لاتقبل الا بالولاية* شهید ثانی و مرحوم مجلسی

۷۹. امامت ظالمین هرگز

امام رضا (علیه السلام) در ذیل آیه شریفه ۱۲۴ بقره: قال انی جاعلك للناس اماما قال ومن ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین.

می فرماید: پروردگار با این بیان مشروعیت تصاحب امامت مسلمین را توسط ستمکاران سلب نموده است و آن را به برگزیدگان خویش اختصاص داده است. نویسنده گوید: پس خلیفه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نمی تواند انسانی باشد که در حق دیگران ظلم روا دارد تامل در این نکته افق بلندی از معارف امامت و ولایت را بر دل آدمی سرازیر می کند.

۸۰. بزرگ مردان در صحنه قیامت

در تفسیر صافی نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امام علی (علیه السلام) فرمود: یا علی! این آیه: «القیام فی جهنم کل کفار عنید مناع للخیر معتد مریب الذی جعل مع الله الها اخر فالقیاه فی العذاب الشدید»؛ [به آن دو خطاب شود] هر کافر سر سخت و هر باز دارند خیر و هر متجاوز شکاک را که با خداوند، خدایی دیگر قرار داده را در دوزخ و عذاب سخت فرو افکنید^۱ درباره من و تو نازل شده است.

۸۱. حسنه‌ای بزرگ در نامه عمل

خداوند متعال در قرآن کریم در سوره مبارکه نمل آیه ۸۹ فرموده: «من جاء بالحسنه فله خیر منها وهم من فزع یومئذ آمنون». یعنی: هر که در روز قیامت حسنه آورد پس برای اوست بهتر از آن و آن‌ها از فزع آن روز (قیامت) ایمنند. از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت شده که فرمود: حسنه در این آیه معرفت و ولایت و محبت ما اهل بیت است.^۲

نیز روایاتی را در این خصوص در ج ۲۴ بحارالانوار از صفحه ۲۸۶ - ۳۰۴ آورده است.

۱. ق، ۲۴ - ۲۶.

۲. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۱۷، ذیل حدیث ۵۴.



۸۲. سوره‌ای نورانی بر در بهشت ایمان

قال رسول الله ﷺ : يا علي! مثلك كمثل سورة قل هو الله احد في القرآن من قراها مرة فكأنما قرأ ثلث قرآن ومن قراها مرتين فكأنما قرا ثلثي القرآن ومن قرأ ثلاث مرارة فكأنما قرأ القرآن كله وكذا انت يا علي! من احبك بقلبه فقد اخذ ثلث الايمان ومن احبك بقلبه ولسانه فقد اخذ ثلثي الايمان ومن احبك بقلبه ولسانه ويده فقد جمع الايمان كله...

فرمودند: يا علي! مثل تو مانند سوره قل هو الله احد در قرآن است هر کسی یک مرتبه آن را بخواند مثل آن است که (یک سوم) قرآن را خوانده است و هر کسی دو مرتبه آن را بخواند مثل این است که (دو سوم) قرآن را خوانده است و هر کسی سه مرتبه آن را بخواند مثل این است که همه قرآن را خوانده است.

يا علي! چنین است (مثال تو) پس هر کسی در قلبش تو را دوست داشته باشد یک سوم ایمان را دارد و هر کس با قلب و زبان تو را دوست داشته باشد دو سوم ایمان را دارد و هر کس به قلب و زبان و دست تو را دوست داشته باشد هر آینه ایمانش کامل خواهد بود.^۱

۸۳. رابطه با امام داشته باشید

در تفسیر عیاشی از یعقوب بن سراج نقل شده که گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا امکان دارد که روزی زمین از یکی از شما که ملجاء و پناه مردم هستید خالی باشد؟ امام فرمود: ای ابایوسف! هرگز زمین خالی از ما نخواهد بود و الا خدا پرستش نخواهد شد همیشه یکی از ما بین شما خواهد بود که مردم از حلال و حرام خدا به او مراجعه کنند و این در کتاب خدا به طور روشن بیان شده است.

سپس این آیه را قرائت نمود: يا ايها الذين آمنوا اصابروا وصابروا وربطوا واثقوا لله لعلكم تفلحون^۲.

سپس فرمود: بر عمل به دین خود و اذیت دشمنان و مخالفان خود صابر باشید و

۱. فلاح السائل، ص ۱۳۲.

۲. آل عمران، ۲۰۰.

ارتباط با امام خود را حفظ کنید و خدا را در واجبات و اوامر او فراموش نکنید و از عقوبت او بترسید.^۱

۸۴. راه سعادت بخش در دو دنیا

قال: ابی جعفر (علیه السلام) فی قول الله عزوجل «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا» الایة: قال ان رهطا من الیهود....

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرمودند: جماعتی از یهود که از آن‌ها عبدالله سلام و اسد و ثعلبه و ابن یامین و ابن صوری بودند خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدند و بعد از مسلمان شدن گفتند: یا رسول الله موسی (علیه السلام) یوشع بن نون را وصی خود قرار داد آیا وصی شما و ولی ما بعد از شما کیست؟

سپس این آیه نازل شد: «انما ولیکم الله ورسوله...»^۲

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: برخیزید تا به مسجد برویم و چون وارد مسجد شدند گدایی از مسجد خارج می شد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: آیا کسی چیزی به تو احسان نکرد؟ گدا عرض کرد: بلی! این خاتم را به من احسان نمود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: احسان کننده که بود؟

گدا عرض کرد: این مردی که در حال نماز است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: در چه حالی آن را به تو احسان نمود؟ گدا گفت: در حال رکوع.

پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تکبیر گفت و اهل مسجد نیز از روی تعجب تکبیر گفتند و رسول خدا به مردم فرمود: علی بن ابی طالب بعد از من ولی شماست^۳...

۸۵. راهی برای ورود به آسمان‌ها

در کتاب کافی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

خداوند رسول خود را نسبت به ولایت علی (علیه السلام) امر کرد و سپس این آیه را بر او

۱. بحار الانوار ج ۲۴، ۲۱۷.

۲. مائده، ۵۵.

۳. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۸۳.



نازل نمود و در این آیه ولایت اولی الامر بر مردم واجب شده است و چون معنای آن را ندانستند رسول خدا ﷺ مأمور شد که ولایت را برای مردم توضیح دهد همانند نماز و زکات و روزه و حج، ولی این دستور برای رسول خدا ﷺ گران آمد و ترسید که مردم ولایت علی را نپذیرند و مرتد شوند و از دین خود دست بردارند و آن حضرت را تکذیب کنند از این رو رسول خدا ﷺ با خدای خود سخن گفت:

و آیه: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک...»^۱

نازل شد و رسول خدا ﷺ آماده انجام امر خداوند گردید و ولایت امیرالمؤمنین را در غدیر خم در اجتماع مردم اعلام نمود و فرمود: این مسأله را حاضران به غایبان خبر دهند.

۸۶. ایمان خالص

فی الکافی جلد ۱، ص ۴۱۳ باسناده عن عبدالرحمن بن کثیر عن ابی عبدالله علیه السلام.
قال: «الذین آمنوا» ما جاء به محمد صلی الله علیه و آله من الولاية ولم یخلطوها بولاية فلان وفلان.
امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از «الذین آمنوا»^۲ ایمان به ولایت علی علیه السلام است که رسول خدا ﷺ مأمور به تبلیغ آن بوده و مقصود از «و لم یلبسوا ایمانهم بظلم» این است که ولایت علی علیه السلام را با ولایت فلان و فلان مخلوط نکنند.^۳

۸۷. راهی به سوی نور

والعیاشی عن الباقر علیه السلام «انه قال لبرید العجلی: «تدری ما یعنی بصراتی مستقیما»^۴ قال:
قلت: لا.... از امام باقر نقل شد که به برید عجلی فرمود: آیا می دانی مقصود از «وان هذا
بصراتی مستقیما» چیست؟ عرض کرد: نمی دانم.
امام فرمود: مقصود از بصرات مستقیم ولایت علی علیه السلام و جانشینان اوست.

۱. مائده، ۶۷

۲. انعام، ۸۲

۳. صراط مستقیم، ج ۱، ص ۲۸۸

۴. انعام، ۱۵۳



سخط الله وهی الشک بالله و الکفر به و الکفر بنبوة محمد رسول الله و الکفر ولایة علی و خلفائه و کل واحد من هذه سینة تحیط به ای تحیط باعماله فتبطلها و تمحقها...»
 احاطه گناه در این آیه، این است که گناه، او را از دین و ولایت خدا خارج کند و آن شرک و کفر به خداوند و نبوت محمد و ولایت علی و اولاد و جانشینان او است که هر یک از اینها، گناهی است که اعمال صاحبش را باطل و نابود می‌سازد.^۱

۹۰. آیه تعیین امام و رهبر

مرحوم صدوق در کتاب شریف عیون اخبار الرضا از امام رضا آورده که آن امام ضمن روایتی طولانی فرموده است... خداوند مقام امامت را به ابراهیم بعد از نبوت و خلت خلیل بودن به او عطا نمود پس امامت مقام سوم و فضیلتی است که خداوند به ابراهیم عطا نمود و نام او را با صدای بلند به این فضیلت یاد کرد و فرمود: «انی جاعلک للناس اماما» یعنی: من تو را رهبر و امام مردم قرار دادم.^۲
 ابراهیم از خوشحالی عرض کرد: آیا ذریه و فرزندان من نیز به این مقام می‌رسد؟
 خطاب شد: ستمکاران به این مقام نمی‌رسند سپس امام رضا فرمود: این آیه، امامت و رهبری هر ظالم و ستمگری را تا قیامت باطل نموده و امامت را مخصوص پاکان و معصومین قرار داده است.^۳

۹۱. خیر کثیر چیست؟

در کتاب کافی ابوبصیر از حضرت صادق نقل نموده که آن امام فرمود:
 مقصود از حکمت و خیر کثیر در آیه «یؤتی الحکمة من یشاء من یوت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا...».^۴

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۰.

۲. بقره، ۱۱۴.

۳. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۱۱۱.

۴. بقره، ۲۶۹.



۹۴. راسخون در علم

در تفسیر نور الثقلین از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: ماییم کسانی که خدا اطاعت از ما را بر مردم واجب نموده و انفال و اموال را بر ما واجب نموده و ماییم راسخون در علم و ماییم مورد رشک و حسد مردم که خداوند فرموده: ^۱ «ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله». ^۲

۹۵. نکته‌ای خاص

فی کافی والعیاشی عن الباقر علیه السلام قال: ابانا عنی خاصةً امر جمیع المؤمنین الی یوم القیامة بطاعتنا؛
یعنی: امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از اولی الامر ^۳ فقط ما هستیم که خداوند همه مؤمنان را تا قیامت به اطاعت از ما امر نموده است. ^۴

۹۶. امری واجب مثل سایر واجبات

از امام صادق علیه السلام نقل شده که از آن امام سؤال شد: آیا اطاعت از اوصیاء واجب است؟ امام فرمود: بلی خداوند اطاعت آن‌ها را در آیه ^۵ «اطیعوا الله واطیعوا الرسول...» و آیه ^۶ «انما ولیکم الله ورسوله و...» واجب نموده است. ^۷

۹۷. مفسر مبانی دین پیامبر صلی الله علیه و آله است

در کتاب کافی و تفسیر عیاشی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر این آیه آمده است که

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۴ و کافی، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲. نساء، ۵۴.

۳. نساء، ۵۹.

۴. کافی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۵. نساء، ۵۹.

۶. مائده، ۵۵.

۷. کافی، ج ۱، ص ۱۸۷.

فرمود: این آیه درباره علی بن ابی طالب و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نازل شد گفته شد: مردم می گویند چه شده که نام علی و اهل بیت او در قرآن ذکر نشده؟ امام صادق علیه السلام فرمود: به آن‌ها بگویید نماز در قرآن آمده ولی خداوند نفرموده سه رکعت است و یا چهار رکعت تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آن‌ها آن را روشن نمود و زکات نیز در قرآن آمده ولی نیامده که از هر چهل درهم یک درهم آن زکات است تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را روشن فرمود و حج در قرآن آمده ولی به آن‌ها گفته نشده که طواف آن هفت دور است تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله تفسیر آن را بیان فرمود و آیه شریفه: **اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم** درباره علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل گشته و رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام فرمود: هر که من مولا و ولی اویم علی نیز ولی و مولای اوست...^۱

۹۸. حقیقتی جامع

سلیمان قندوزی حنفی در کتاب ینابیع الموده ص ۱۱۴ از امام صادق علیه السلام روایت آورده که حضرت فرمود: اولی الامر امامان از اهل بیت علیهم السلام هستند. و این حقیقتی است که از کتاب یکی از علمای قدیمی و بزرگ برادران اهل سنت آورده‌ایم. و در تفسیر عیاشی از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: مقصود از اولی الامر، آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین هستند و آن‌ها عالم به قرآن و حلال و حرام آن و حجت‌های خدا بر بندگان او هستند.

۹۹. سلسله‌ای نورانی

امام حسین علیه السلام فرمود: آنگاه که آیه ۷۵ سوره انفال نازل شد و در آن خداوند فرموده: «و خویشاوندان در احکامی که خدا مقرر داشت نسبت به یکدیگر سزاوارترند». از رسول خدا صلی الله علیه و آله تفسیر آن را پرسیدم: فرمود: به خدا سوگند غیر از شما، خاندان من اراده نشده است شمائید خویشاوندان یاد شده در این آیه، پس آنگاه که من وفات کنم

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۷، نساء، ۵۹.



پدرت علی نسبت به مقام و منزلت من از دیگران سزاوارتر است وقتی پدرت وفات کرد برادرت حسن از دیگران سزاوارتر است.

و پس از حسن تو سزاوارتری.

پرسیدم: ای رسول خدا چه کسی پس از من سزاوارتر است؟

فرمود: پس از تو فرزندان علی از دیگران سزاوارتر است و آنگاه که او وفات کند پس فرزند او محمدبن علی از دیگران سزاوارتر است.

و پس از وفات محمد فرزندش جعفر از دیگران سزاوارتر است.

و پس از وفات او فرزندش موسی از دیگران سزاوارتر است و....

و پس از وفات حسن دوران غیبت از فرزند نهمین تو واقع می‌شود.

این امامان نه گانه که اسم آنان را آوردم همه از تو و فرزندان تو می‌باشند خدا به آنان علم و درک مرا بخشیده است سرشت آنان از سرشت من است ملتی آن‌ها را آزار نمی‌کند جز آنکه شفاعت من به آنان نخواهد رسید.^۱

۱۰۰. فضل و رحمت خدا چیست؟

رسول خدا ﷺ به امام علی علیه السلام فرمود:

... سوگند به خدائی که محمد را به رسالت مبعوث کرد آنکس که تو را انکار کرد به من ایمان نیاورده است...

– فضیلت و ارزش‌های تو از ارزش‌های من و ارزش من از خداست و این سخن

خداوند متعال است که فرمود: «بگو به فضل خدا و رحمت او پس به این فضل و رحمت

شاد و مسرور باشند که از آنچه گرد می‌آورید بهتر است».^۲

معنای این آیه این است که: فضل خدا؛ یعنی نبوت پیامبرتان و رحمت پروردگار

یعنی: امامت علی بن ابی‌طالب علیه السلام.

از این رو فرمود: با نبوت و ولایت شادمان باشید.

۱. اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۴۵، کفایه الاثر، ص ۱۷۵.

۲. یونس، ۵۸.

پس شیعیان علی علیه السلام با داشتن نبوت و ولایت از آنچه که مخالفان آن‌ها در دنیا جمع می‌کنند «از زن و فرزند و اموال فراوان» برترند...
 - و همانا گمراه شد آنکس که نسبت به تو آگاهی ندارد و گمراه است...
 - و این سخن پروردگار بزرگ من است که فرمود:
 «و همانا من بسیار بخشنده‌ام نسبت به آنکه توبه کند و ایمان بیاورد و اعمال نیکو انجام دهد و هدایت بپذیرد»^۱.

یعنی: ولایت تو را بپذیرد، خداوند بزرگ آنچه از حق مرا واجب شمرد، حق تو را نیز واجب کرد حق تو بر آنکس که به من ایمان آورد واجب است.
 - خداوند بزرگ این آیه را نازل کرد: «ای پیامبر آنچه بر تو نازل کردیم از طرف پروردگارت ابلاغ کن» یعنی: ولایت تو را ای علی باید ابلاغ می‌کردم.^۲
 و فرمود: «اگر امروز ولایت علی را ابلاغ نکنی رسالت خود را به پایان نرسانده‌ای». و اگر در روز غدیر ولایت تو را ابلاغ نمی‌کردم اعمال گذشته‌ام نابود می‌شد.
 هرکس خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند اعمال گذشته‌اش نابوده شده است این وعده حتمی خدا به من است.
 من چیزی نمی‌گویم جز آنچه را که پروردگار بزرگ من فرمود آنچه را امروز به تو گفته‌ام از طرف پروردگار بزرگ بود که در حق تو نازل فرمود.^۳

❖ ۱۰۱. نورهای جهان و جنان ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله: **لَوْ عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى أَنَّ فِي الْأَرْضِ عِبَادًا أَكْرَمَ مِنْ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ لَأَمَرَنِي أَنْ أَبَاهِلَ بِهِمْ وَلَكِنْ أَمَرَنِي بِالْمُبَاهَلَةِ مَعَ هَؤُلَاءِ وَهُمْ أَفْضَلُ الْخَلْقِ فَغَلَبْتُ بِهِمُ النَّصَارَى.**
 اگر خداوند متعال در روی زمین از علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بهتر و عزیزتر سراغ داشت به من دستور می‌داد با آن‌ها به مباحله بروم لکن خداوند امر کرد به وسیله

۱. طه، ۸۲.

۲. مائده، ۶۷.

۳. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۸۸، حدیث ۲ این حدیث طولانی‌تر از آن بود که آورده شد.



ایشان به مباحله رفته پس این دلیل است بر افضلیت ایشان نسبت به همه مخلوقات لذا من به وسیله ایشان به نصاری غلبه کردم.^۱

۱۰۲. محبت و پیروی از اهل بیت مزد رسالت پیامبر

به رسول خدا ﷺ عرض کردند: ای پیامبر! مردمانی نزد تو می آیند و از محضر مبارک تو درخواست کمک دارند و تو دستت خالی است این امر باعث می شود که دشمنان نسبت به تو بدگویی کنند؛ لذا ما دوست داریم یک سوم اموالمان را به تو تقدیم کنیم تا هر که به تو مراجعه کرد دستانت پر باشد.

رسول خدا ﷺ سکوت کرد و در انتظار فرمان خداوند نشست تا اینکه جبرئیل فرود آمد: «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی؛ بگو در برابر رسالتم مزدی از شما نمی خواهم مگر دوستی خویشاوندانم».^۲

با نزول این آیه رسول خدا ﷺ از آن ها چیزی نگرفت. امام صادق علیه السلام ادامه دادند که منافقان به سخن در آمدند که: چیزی بر محمد نازل نشده است دیروز اهل بیتش را بر ما تحمیل کرد و گفت: «من كنت مولاة فعلی مولاة» و امروز می گوید: «قل لا اسئلكم...».^۳

۱۰۳. پیروی از امام حق

امام حسین علیه السلام فی قوله تعالی: (یوم ندعوا کل اناسٍ بامامهم): امام دعا الی هدی فاجابوه الیه و امام دعا الی ضلالةٍ فاجابوه الیها هولاء فی الجنة وهولاء فی النار.

امام حسین علیه السلام درباره آیه: «روزی که هر گروه از مردم را به پیشوایانشان می خوانیم» فرمود: یک امام به راه راست فرا خوانده و پیروانش دعوت او را لیبیک گفته اند و امامی به گمراهی خوانده و پیروانش دعوت او را پذیرفته اند پس آن گروه در بهشتند و این گروه در آتش.^۴

۱. کتاب فاطمه الزهراء علیه السلام، ص ۵۴.

۲. شوری، ۲۳.

۳. تفسیر کنزالدقائق، ج ۹، ص ۲۵۸.

۴. تفسیر نورالقلین، ج ۳، ص ۱۹۲.

۱۰۴. اطاعت مزد رسالت

امام صادق (ع) می فرماید: وقتی آیه شریفه «قل لا استلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی»^۱ نازل شد در پی آن رسول خدا (ص) ایستاد و به مردم فرمود: ای مردم! خداوند متعال حق را برای من بر شما واجب کرده آیا حق آن را به جای می آورید؟ اما هیچ کس جواب حضرتش را نداد.

رسول خدا (ص) به خانه برگشت و فردای آن روز سخن خود را تکرار کرد، اما باز جوابی نشنید و روز سوم نیز مثل روز دوم، پس رسول خدا (ص) فرمود: ای مردم! این واجب الهی طلا و نقره و خوراک و آشامیدنی نیست.

عرض کردند: اکنون باز گو!

رسول خدا (ص) فرمود: خداوند متعال بر من این آیه را نازل کرده است که «قل لا استلکم...» من از شما مزد و پاداشی نمی خواهم اجر و رسالت و زحمات من دوستی نزدیکان من است در آن لحظه گفتند: اگر این گونه است پس ما قبول می کنیم.^۲

اما در حدیثی دیگر امام صادق (ع) تصریح فرمودند: والله! به این عهد وفا نکردند مگر ۷ نفر؛ سلمان، ابوذر، عمار، مقداد و جابر بن عبدالله انصاری وزید بن ارقم.^۳

۱۰۵. علی (ع) امام روز است

رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: تو کسی هستی که خداوند با تو بر خلائق احتجاج نمود و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری.

فرمود: آیا محمد! پیامبر شما نیست؟ گفتند: آری.

فرمود: و علی امام شماست.^۴

۱. شوری، ۲۳.

۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۷۲.

۳. تفسیر کنزالدقائق، ج ۹، ص ۲۵۶.

۴. جواهر السنیة.



۱۰۶. عترت پیامبر اکرم ﷺ چه کسانی هستند؟

ریان بن صلت گوید: امام رضا علیه السلام در مرو در مجلس مأمون که جمعی از دانشمندان عراق و خراسان جمع بودند حاضر شد مأمون رو به آن‌ها گفت مرا از تفسیر این آیه خبر دهید، «سپس کتاب را ارث دادیم با آن‌ها که برگزیدیم از بندگان خود»، علمای حاضر گفتند: مقصود از آنان همه امت اسلامی است. مأمون گفت: ای ابوالحسن تو چه می‌گویی؟ امام رضا علیه السلام فرمود: من هم عقیده آن‌ها نیستم بلکه می‌گویم مقصود خدا همان عترت طاهره است. مأمون گفت: چگونه است که عترت مقصود است و امت مقصود نیست؟ امام رضا علیه السلام فرمود: اگر همه امت مقصود باشد باید همه مردم اهل بهشت باشند چون خدا متعال در ادامه می‌فرماید برخی ظالم به نفس باشند و برخی میانه‌رو، بعضی سابق بالخیرات به اذن خدا و این همان فضل بزرگ است و سپس همه را در بهشت جمع کرده و فرمود: به بهشت عدنی که در آن در آیند و دست بندهای طلا پوشند، بنابراین وارث مخصوص عترت طاهره است نه دیگران، مأمون گفت: عترت طاهره کیانند؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود: هم آن‌ها که خدا در قرآن وصفشان کرده و فرموده^۱ همانا خدا می‌خواهد پلیدی را از شما خاندان ببرد و به خوبی پاکتان کند. و هم آنانند که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌شان فرمود: من در میان شما دو ثقل را بر جا می‌گذارم کتاب خدا و خاندانم که اهل بیت منند و آن‌ها جدا نشوند تا سر حوض بر من در آیند شما بنگرید چگونه با آن‌ها هستید بعد از من، ای مردم به آن‌ها نیاموزید زیرا آن‌ها از شما داناترند، علماء گفتند: ای ابوالحسن! به ما بگو که عترت طاهره همان آل می‌باشند یا غیر آل؟ فرمود: همان آل رسولند.^۳

۱۰۷. ما حزب خداایم

هشام بن حسان گوید: پس از آنکه با امام حسن مجتبی علیه السلام برای حکومت بیعت شد از آن حضرت شنیدم که برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: ما حزب پیروز خداوند، و

۱. فاطر، ۳۲.

۲. احزاب، ۲۳.

۳. تحف العقول، ص ۷۷۵.

خاندان نزدیک پیامبر خدا و خانواده پاک و پاکیزه او و یکی از دو چیز گرانبهایی هستیم که رسول خدا ﷺ پس از خود در میان امتش به جای گذارد، و ما همدوش کتاب خداییم که تفصیل هر چیز در آن هست، و هیچ گونه باطلی از پس و پیش در آن راه ندارد، پس اعتماد و اطمینان در تفسیر آن بر ماست، و ما در تأویل آن راه گمان نپوییم بلکه حقائق آن را به یقین می‌دانیم، پس از ما اطاعت کنید که اطاعت ما واجب شمرده شده، چرا که به طاعت خدای - عزوجل - و رسولش مقرون گشته است، خداوند - عزوجل - می‌فرموده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و رسول او و صاحبان امر اطاعت کنید، پس اگر در مورد چیزی نزاع پیدا کردید آن را به حکم خدا و رسول باز گردانید»، (فرمود) «و اگر آن را به نزد رسول یا صاحبان امر باز می‌گرداندند هر آینه کسانی از صاحبان امر که حکم آن را استنباط می‌کردند به حقیقت آن پی می‌بردند» و شما را از گوش فرا دادن به آواز شیطان برحذر می‌دارم که او دشمن آشکار شماست.

در نتیجه مانند دوستان شیطان می‌شوید که به آنان (در آن آیه) می‌گوید: «امروز احدی از مردم بر شما پیروز نمی‌شود و من خودم پناه شمایم، و چون دو گروه پیکار جو (صف مسلمین و کفار) بهم برخوردند پا به فرار گذاشت و به پشت خود گریخت و گفت: من از شما بیزارم، من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید»، و سپس هدف نیزه‌ها، طعمه شمشیرها و هدف تیرها واقع می‌شوید، سپس «در آن روز هیچ کسی را که قبلاً ایمان نیاورده و کار خوبی نکرده ایمانش سودی نبخشد»^۱.

◆ ۱۰۸. نشانه هدایت و ایمان ◆

...سلیم بن قیس می‌گوید: از امام علی علیه السلام شنیدم که مردی به حضورش آمد و این سؤال را کرد: ۱. کمترین چیزی که انسان با آن «مؤمن» می‌شود؟ ۲. کمترین چیزی که انسان به خاطر آن «کافر» می‌گردد؟ ۳. کمترین چیزی که انسان به خاطر آن «گمراه» می‌شود چیست؟

امام علی علیه السلام فرمود: کمترین چیزی که انسان به وسیله آن مؤمن می‌شود آن است که خداوند خود را به او بشناساند، و انسان به اطاعت از خدا اقرار کند و سپس خدا، پیامبرش

۱. امالی شیخ مفید، ص ۳۹۸، انعام، ۱۵۸ - مناقب، ج ۳، ص ۷۶.



را به او بشناساند و او به اطاعت از پیامبر ﷺ اقرار نماید و همچنین خداوند امام و حجتش را در زمین و گوااهش را بر مردم (یعنی امام را) به او معرفی کند و او به اطاعت از امام اقرار نماید.

سلیم می‌گوید: من عرض کردم: ای امیرمؤمنان! اگر همین مقدار بداند کافی است؟ حضرت فرمود: آری! اگر به او امر کردند، انجام دهد و اگر نهی کردند او ترک کند.

سپس حضرت ادامه داد، اما کمترین چیزی که انسان به خاطر آن کافر می‌شود: آن است که چیزی را که خداوند نهی کرده گمان کند که انجام آن روا است و این پندار را در دین خود قرار دهد (بدعتگذار گردد) و به این عقیده باقی بماند و خیال کند که آنچه را (به پندار او) خدا دستور داده، باید خدا را بر آن اساس پرستش کرد، در صورتی که چنین کسی شیطان را می‌پرستد.

و کمترین چیزی که انسان به خاطر آن گمراه می‌شود: آن است که حجت و گواه خدا بر بندگانش را نشناسد یعنی آن امامی را که خداوند به اطاعت از او دستور داده و رهبریش را واجب کرده نشناسد.

سلیم می‌گوید:

عرض کردم «ای امیرمؤمنان! آن حجت و گواهان الهی را برای من تعریف کن!». امام علی علیه السلام در پاسخ فرمود: آن‌ها کسانی هستند که خداوند (اطاعت) آنان را (در قرآن) قرین اطاعت خود و پیامبرش قرار داده و فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا و اطاعت کنید صاحبان امر را»^۱.

عرض کردم: ای امیرمؤمنان! خدا مرا فدایت کند این مطلب را روشن‌تر بیان کن. حضرت فرمود: آن‌ها (صاحبان امر) کسانی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه‌اش در روز رحلتش فرمود: «همانا من دو چیز را در میان شما می‌گذارم که پس از من تا وقتی که به آن دو چنگ زنید، هرگز گمراه نشوید: کتاب خدا و عترت من که خاندان من هستند زیرا خداوند لطیف و آگاه به من سفارش کرده که آن دو از هم جدا نشوند تا

۱. نساء، ۵۹.



۱۱۱. امام در قرآن

کلمه امام در قرآن به معنای مختلف آمده ولی مسلماً مقصود از امام در آیه همان رهبر مطاع و واجب‌الاطاعة می‌باشد.

در قرآن از تورات به امام تعبیر شده «ومن قبله کتاب موسی اماما ورحمة»^۱ و از لوح محفوظ نیز به عنوان امام تعبیر شده است آنجا که می‌فرماید: «وکل شیء احصیناه فی امام مبین»^۲.

در آیه ۷۱ سوره اسراء مقصود لوح محفوظ نیست زیر لوح محفوظ یکی است و آیه می‌گوید:

هر مردمی امامی دارند «روزی که هر جمعیتی از مردم را با امامشان می‌خوانیم و احضار می‌کنیم پس کسانی که کارنامه اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود آنان کارنامه خود و پرونده اعمالشان را مطالعه می‌کنند و اندکی هم به آن‌ها ظلم نخواهد شد و کسانی که در این دنیا (از راه حق) کور بوده‌اند در آخرت نیز کور و گمراه‌تر خواهند بود»^۳.

در آیه فوق مقصود کتب آسمانی نیست زیرا اولین کتاب آسمانی کتاب نوح است و قبل از آن کتابی نبوده در صورتی که آیه می‌گوید: «ندعوا کل اناس بامامهم»؛^۴ و اگر مقصود کتاب باشد پس باید مردم قبل از نوح بی‌امام باشند پس مقصود از امام در آیه کسی است که به او اقتدا می‌شود و مردم از او تبعیت می‌کنند.

علاوه بر این‌ها از آیه بر می‌آید که اطاعت از امام بر حق انسان را به سوی رشد و کمال و بصیرت سوق می‌دهد و دوری از امام حق عامل ضلالت و کوری و سقوط می‌باشد.

لذا طبق روایات متعدد از ائمه اطهار علیهم‌السلام آمده، آن نوری که فرا راه حرکت جامعه قرار می‌گیرد نور وجود امام است.^۵

۱. هود، ۱۷.

۲. یس، ۱۲.

۳. اسراء، ۷۱.

۴. اسراء، ۷۱.

۵. کافی، کتاب حجة، باب ۱۳.

۱۱۲. پیروان عملی علی (علیه السلام) آمرزیده‌اند

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

یا علی! به درستی که خداوند متعال اولاد و ذریه و اهل تو و شیعیان تو و محبان شیعیان تو را بخشیده و آمرزیده است.^۱

۱۱۳. امتحان خدا بود

علی بن ابراهیم از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرد که فرمود: امیرالمؤمنین با صدای بلند آیه «الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله اضل اعمالهم»^۲؛ را تلاوت نمودند. ابن عباس عرض کرد: ای مولای من چرا این آیه را قرائت نمودید؟

فرمود: آیه‌ای از قرآن را تلاوت کردم.

عرض کرد: آیه را برای منظور خاصی تلاوت نمودید؟

فرمود: بلی! پروردگار در قرآن می‌فرماید: «ما اتیکم الرسول فخذوه وما نهیکم عنه فاتھوا».^۳

ای ابن عباس! آیا گواهی می‌دهی بر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) که ابوبکر را خلیفه و جانشین خود گردانیده باشد؟

عرض کردم: ای مولای من سوگند به خدا از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشنیده‌ام که وصی و جانشین کسی را جز حضرتت قرار دهد.

امام فرمود: پس چرا با ابوبکر بیعت کردی و با من بیعت نکردی؟ عرض کرد: مردم همه بر بیعت ابوبکر اجتماع نمودند، من هم از آن‌ها متابعت کردم.

امام فرمود: همان طوری که مردم بعد از موسی به پرستیدن گوساله اجتماع نمودند در اینجا خداوند شما را آزمایش نمود، مثل شما که با ابوبکر بیعت کردید...^۴

امام علی (علیه السلام) در جواب طلحه فرمود: اگر به آنچه در قرآن است عمل کنید از دوزخ

۱. التحدیر، ج ۳، ص ۷۸.

۲. محمد، ۱.

۳. حشر، ۷.

۴. تفسیر علی ابن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۳۰۱.



نجات خواهید یافت و به بهشت خواهید رفت و در قرآن حجت ما، و بیان حق ما، و واجب بودن اطاعت از ما آمده است.^۱

۱۱۴. اولویت ولی الهی

پس از نزول آیه: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُمْ...»^۲

مردم از رسول خدا ﷺ تفسیر آن را پرسیدند: فرمود: **السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ**؛ یعنی: من دو سمت دارم:

یکی رسالت که بر اساس آن احکام الهی را نقل و خود نیز به آن عمل می‌کنم و دیگری ولایت و امامت و رهبری جامعه است، من فرمانده جنگ و صلح هستم و مسائل کشوری و لشکری بر عهده من است، فرمانم را باید اطاعت کنید.

«**أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ**» یعنی: قلمرو ولایت من همه مؤمنانند «**بأنفسهم وأموالهم وحقوقهم**». پیامبر اکرم ﷺ در غدیر خم ابتدا معارف و اصول دین را بازگو کرد و همگان به آن اقرار کردند بعد آیه «**النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ**»^۳ را تلاوت کرد و از حاضران اقرار گرفت: «**الست أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ**»^۴.

فرمود:

هرکسی صاحب اختیار خویش است، ولی پیامبر والی، متوالی، ولی و اولی است به جان همه شما از خود افراد؟

اولویت (اولی) در آیه سوره احزاب و در سخن پیامبر اکرم ﷺ تعیینی است نه تفضیلی. اگر گفته شود دیگری نیز می‌تواند این کار را انجام بدهد ولی فلانی اولی است این افعال تفضیل است ولی افعال تعیین مثل «**أولوا الارحام بعضهم اولی ببعض**»^۵ که معنایش این نیست که در ارث همگان مساوی هستند لیکن طبقه اول سزاوارتر

۱. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲. احزاب، ۶.

۳. احزاب، ۶.

۴. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۲۳.

۵. احزاب، ۶.

است بلکه بدین معناست که با بودن طبقه اول، ارث به طبقه دوم نمی‌رسد و همچنین با بودن طبقه دوم به طبقه سوم نمی‌رسد.

بنابراین چون اولویت تعیینی است، با بودن پیغمبر، انسان صاحب اختیار نیست نه این که ما صاحب اختیار خود هستیم و پیامبر نیز صاحب اختیار ماست ولی بهتر است که او کارهای ما را اداره کند که آن اولویت تفضیلی است نه تعیینی.

پس معنایش این است که وقتی پیغمبر چیزی را اراده کرد انسان در برابر او حقی ندارد مردم در کارهای شخصی خود، بر خود سلطه دارند، ولی هنگامی که در تحت رهبری رسول اکرم ﷺ قرار گرفتند حرف اول و آخر را رسول گرامی می‌زند.

پیغمبر اکرم ﷺ در غدیر همین بهره را از شمشین آیه سوره احزاب گرفت.^۱

۱۱۵. اشهاد در صحنه غدیر

خدای سبحان در موطن خاص میثاق‌گیری، از انسان‌ها، آنان را بر خودشان گواه ساخت و به آنان فرمود:

«أيا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا؟ گواهی دادیم» «واذ اخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم الست برّبكم قالوا بلى شهدنا ان تقولوا يوم القيامة انا كنا عن هذا غافلين»^۲.

خلیفه الله و انسان کامل، یعنی رسول اکرم ﷺ نیز که آثار خدایی در او جلوه کرده است، به عنوان آیت کبرای حق در روز غدیر از مردم اقرار گرفت و فرمود:

«ای مردم آیا من از خود شما به شما اولی نیستم؟ گفتند: چرا» «أيها الناس الست اولی بكم من انفسكم؟ قالوا بلى».

آنچه در میثاق الهی گذشت اشهاد و اقرار و اعتراف به ربوبیت و عبودیت انسانها بود و در غدیر خم اشهاد برای ولایت و رهبری و خلافت.

شاهدگرفتن برای آنست که انسان بر اساس واقعیتی تصمیم بگیرد و تسلیم شود. خدا ربوبیت خود و عبودیت ما را به ما نشان داد و برای گرفتن پیمان، اطاعت و

۱. گفتاری از علامه کبیر حضرت آیه‌الله جوادی آملی.

۲. اعراف، ۱۷۲.



پذیرش شریعت و تکلیف پرسیده آیا من پروردگار شما نیستم؟ ما گفتیم چرا، پیامبر نیز مردم را بر نبوت خود شاهد گرفت و حاضران در صحنه غدیر گفتند: آری. بعد فرمود لازمه پذیرش نبوت و ولایت من، پذیرش امامت و ولایت وصی من علی است. بسیاری از ائمه به واقعه غدیر احتجاج و استدلال کرده‌اند. امیرالمؤمنین نیز پس از حادثه خلافت استشهدا کرد و فرمود: مردم! مگر در غدیر و موارد دیگر شاهد نبودید که پیغمبر مرا وصی قرار داد پس باید رهبری مرا بپذیرید.

وجود مبارک امیرالمؤمنین در نهج البلاغه فرمود:
به خدا سوگند من از همه مردم حتی از خود مردم به آن‌ها اولی هستم.
«فوالله اني لا اولى الناس بالناس»^۱

این اولویت تعیینی است نه تفضیلی. آنچه را وجود مبارک حضرت امیر در خطبه نهج البلاغه بیان فرموده از خطبه غدیریه پیغمبر استفاده کرده است.^۲

۱۱۶. رستگاران دو دنیا

شیخ طوسی در کتاب امالی به سند صحیح از امیرالمؤمنین علی نقل کرده است که: رسول خدا: «لا یستوی اصحاب النار واصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون؛ دوزخیان و بهشتیان مساوی نیستند بهشتیان رستگارانند» را تلاوت کرد آنگاه فرمود: بهشتیان کسانی هستند که در اطاعت من باشند و پس از من تسلیم فرمان علی و به ولایتش اقرار نمایند. پرسیده شد: اصحاب نار (دوزخیان) کیانند؟ فرمود: کسی که نسبت به ولایت او خشم ورزد، نقص عهد کند و با او از درجنگ درآید.

مرحوم صدوق نیز این حدیث را از علی نقل کرده و ابوالمویدبن موفّق احمد از جابر آورده است که پیامبر اکرم فرمود: سوگند به آن کسی که جانم در اختیار اوست این (علی) و شیعیانش در روز قیامت رستگارانند.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۸.

۲. غدیر (گفتاری از حضرت علامه کبیر، آیت الله جوادی آملی).

۳. حشر، ۲۰.



از «یفسدون فی الارض» انکار امامت کسانی است که خداوند امامت آن‌ها را بر مردم واجب نموده و اعتقاد به امامت کسانی است که خداوند مخالفت و بیزاری از آن‌ها را نیز واجب نموده است...^۱

❖ ۱۱۹. اهل بیت آب حیات بشر ❖

قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یتیکم بماء معین: بگو اگر آب همه به زمین فرود برود کیست که آب گوارا برایتان بیاورد؟^۲
در تفسیر علی بن ابراهیم^۳ ذیل این آیه آمده «ارایتم ان اصبح امامکم غایبا فمن یتیکم بامام مثله»؛ که حضرت فرمودند: اگر امامتان از شما غایب شود پس چه کسی برای شما امامی مثل او می آورد؟
(از این حدیث شریف درمی یابیم که وجود امام از ضروریات حیات مادی و معنوی است چنانچه اگر روزی به انسان آب نرسد او با مرگ مواجه خواهد شد پس دنیا نیز نیازمند ولایت و امامت آن امام است).

❖ ۱۲۰. امام چلچراغ هستی ❖

وقتی آیه: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم»^۴ نازل شد. جابر بن عبدالله انصاری از آن حضرت پرسید: ... اولی الامر که اطاعتشان در ردیف اطاعت شما به حساب آمده است چه کسانی هستند؟
پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آن‌ها جانشینان من و ائمه مسلمانان هستند که اولین آن‌ها علی بن ابی طالب و بعد از او فرزندش حسن و... به این ترتیب تک تک ائمه اطهار را نام بردند وقتی به امام دوازدهم رسیدند به این تعبیر ایشان را یاد می کنند که: «ثم سمی

۱. بحارالانوار ج ۲۴، ص ۳۸۹.

۲. ملک، ۳۰.

۳. شرح من لا یحضره الفقیه مشهور به لوامع صاحبقرانی، نوشته مجلسی اول، ج ۲، ص ۳۷۹.

۴. نساء، ۵۹.

محمد وکنی حجة الله في ارضه و بقیة في عباده ابن الحسن بن علی...؛ سپس همام محمد هم کنیه من حجة الله و بقیة الله در بین مردمان فرزند حسن به علی (ع) هستند!...

۱۲۱. برترین شب

مرحوم صدوق می گوید:

حدَّثنا ابي رحمه الله قال: حدثنا سعد بن عبدالله، قال ذكر عند ابي عبدالله (ع) : انا انزلناه في ليلة القدر قال: ما ابدن فضلها،...

مرحوم صدوق می گوید: حدیث کرد ما را پدرم... که در حضور امام صادق (ع) انا انزلنا فی لیلۃ القدر خوانده شد امام (ع) فرمود: چقدر فضل این سوره بر سایر سوره های قرآن آشکار است من گفتم: آن فضل چیست؟

فرمودند: برای آنکه این سوره مشتمل بر لیلۃ القدر است که ولایت علی بن ابی طالب در همان شب نازل شده است، گفتم: در همان شب قدری که امیدواریم در ماه مبارک رمضان باشد امر ولایت آن حضرت نازل گردیده است؟ فرمودند: آری آن شبی است که آسمانها و زمین در آن مقدر شده و نیز ولایت امیرالمؤمنین (ع).^۲

۱۲۲. راه روشن

ابوبصیر روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود: صراطی که ابلیس در این آیه^۳ گفته مراد از آن حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است و حاصل معنی آیه کریمه این است که من بر سر راه راست که ولایت و محبت علی (ع) است می نشینم تا نگذارم که کسی به آن راه رود.^۴

۱. تفسیر برهان، ص ۳۸۱.

۲. معانی الاخبار، ص ۳۱۵.

۳. آیه ۱۶ از سوره اعراف.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۹.



۱۲۳. راه صداقت

سلیم بن قیس از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که چون آیه: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین نازل شد سلمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه عام است یا خاص؟

حضرت فرمود: امر به تقوی برای جمیع مؤمنین عام است ولی صادقون خاص است که نازل شده برای برادر علی و اوصیاء بعد از او تا روز قیامت. پس حضرت امیرالمؤمنین در زمان خلافت عثمان به جمعی از مهاجر و انصار گفت که:

آیا شما نمی دانید که این حدیث (حدیث فوق) از رسول خدا است و شما همه آن را نشنیدید؟ همه آن ها گفتند: اللهم نعم.^۵

در اصول کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مراد و مقصود از آیه «...ان لهم قدم صدق عند ربهم»^۶ ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است.^۷

۱۲۴. نور قیامت

ابوسعید خدری نقل می کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خدا سوگند هیچ بنده ای اهل بیت مرا دوست نمی دارد مگر اینکه خداوند عزوجل در قیامت نوری به او می دهد تا در کنار حوض کوثر نزد من آید»^۸.

۱۲۵. راه نورانی

حضرت ابوجعفر، امام تقلین حضرت باقرالعلوم علیه السلام در تفسیر آیه کریمه: «یجعل لکم نورا تمشون»^۹ می فرماید:

۵. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۲.

۶. آیه ۲ سوره یونس.

۷. تفسیر شریف لاهیجی ذیل آیه فوق.

۸. شواهد التنزیل، ج ۲، حدیث ۹۴۷.

۹. حدید، ۲۸.

امام فرمود: همان کسی که پیامبر ﷺ در روز غدیر خم او را نصب کرد و به مردم خبر داد که: «اختیار او نسبت به مردم از خود آنان بیشتر است».

و دستور داد تا حاضران به غایبان اطلاع دهند.

گفت: یعنی شما یا امیرالمؤمنین؟

فرمود: من اول آنها و آقای آنها هستم و بعد از من پسر من حسن صاحب اختیار مردم است سپس پسر حسین و بعد از او جانشینان پیامبر ﷺ تا وقتی بر سر حوض کوثر یکی پس از دیگری به حضور آن حضرت برسند.

سپس آن مرد از جا بلند شد و به طرف علی ﷺ رفت و سر امام را بوسید و گفت:

مطلب را برایم روشن کردی و غم و گرفتگی را از من گشودی و هر اشکالی در قلبم

بود را از بین بردی.^۳

۱۲۷. آیه مؤذن

حاکم ابوالقاسم حسکانی که از دانشمندان اهل سنت است درباره آیه شریفه: «و نادی

اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربکم حقا

قالوا نعم فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله على الظالمین»^۴ به سند خود از محمد حنفیه و از

علی ﷺ نقل می کند که آن امام فرمود:

انا ذلك المؤذن، آن که این ندا را سر می دهد منم.

و در روایتی دیگر ابن عباس نقل می کند: علی ﷺ در قرآن نامهایی دارد که مردم آنها

را نمی دانند از جمله آنها مؤذن در آیه شریفه «فاذن مؤذن بینهم» علی ﷺ است که این

ندا را سر می دهد و میگوید: لعنت خدا بر آنها باد که ولایت مرا تکذیب کردند و حق

مرا کوچک شمردند.^۵

۳. اثبات الهداة، ج ۱، ص ۹۴.

۴. اعراف آیه ۴۴.

۵. مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث.

۱۲۸. نشانه مغضوبین

علی بن ابراهیم قمی^۱ از امام صادق (ع) روایت نموده که مغضوبین ناصبین و گمراه شدگان اهل شک می‌باشند که امام خود را شناختند.^۱
و از پیامبر اسلام (ص) روایت است که فرمود:
الذین انعمت علیهم شیعیان علی (ع) هستند یعنی خداوند به آنها انعام فرموده ولایت علی بن ابی طالب (ع) را و خداوند به آنها غضب نکرده و گمراه نشدند.^۲
حضرت صادق (ع) فرمود:

صراط مستقیم طریق به معرفت الهی است و آن دو صراط است: یکی در دنیا و یکی در آخرت.

اما صراط دنیا امام واجب‌الاطاعة می‌باشد و هر که شناخت او را در دنیا و از آن امام تبعیت نمود او از صراطی که پل جهنم است در آخرت بگذارد.
و هر که امام را در دنیا شناخت، بلغزد قدم او بر صراط آخرت و در جهنم بیفتد.^۳

۱۲۹. معنی حسنه و سیئه

روزی ابو عبدالله جدلی به حضور امیرالمؤمنین علی (ع) رسید، بحث آن عده پیرامون آیه شریفه «**من جاء بالحسنة فله خیر منها وهم من فزع یومئذ آمنون**»^۴ بود حضرت علی (ع) به ابو عبدالله فرمود: آیا می‌خواهی معنای آیه را برایت بگویم؟ او عرض کرد: بلی.
حضرت فرمود: منظور از حسنه معرفت و ولایت و دوستی ما است و مراد و غرض از سیئه انکار ولایت و بغض و دشمنی ما اهل بیت می‌باشد.^۵

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۹.

۲. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۴۷.

۳. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰، حدیث ۲۱.

۴. نمل، ۸۹.

۵. تحفة الاولیاء، ج ۱، ص ۵۸۵.



۱۳۰. معنای صلوات واقعی

امام علی علیه السلام در ذیل آیه شریفه: ان الله و ملائکته یصلون علی النبی...^۱ می فرماید: برای این آیه ظاهر و باطنی است. ظاهر آن «صلوا علیه» است و باطنش «وسلموا تسلیما». یعنی: تسلیم باشید در مقابل کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را وصی و خلیفه خود بر شما نموده و در آنچه به او سپرده است.^۲

۱۳۱. خلیفه‌ای نورانی

ابن بابویه به سند خود از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است و گفت آن حضرت به ابن شاذان فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده هر کس اعتقاد نداشته باشد که من خلیفه چهارم خداوند در روی زمین هستم لعنت خدا بر او باد. راوی می گوید: حضور امام عرض کردم شما می فرمائید آن حضرت خلیفه اول پیامبر است؟ امام فرمود:

درست، لکن مراد از چهارمین خلیفه که آن حضرت فرموده آنست که خداوند در قرآن می فرماید «انی جاعل فی الارض خلیفه».^۳ آدم اولین خلیفه خداوند در روی زمین بود و باز فرمود: «یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض». (خلیفه دوم)^۴ و هارون خلیفه سوم است، و امیرالمؤمنین خلیفه چهارم خدا در روی زمین و اول خلیفه محمد صلی الله علیه و آله است این است معنای آنچه که آن حضرت فرموده بود.^۵

۱. احزاب، ۵۶.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳. بقره، ۳۰.

۴. ص، ۲۶.

۵. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۶۹.

۱۳۲. هفتاد نگین سربلندی

در روایتی امام علی (ع) به مکحول ۷۰ فضیلت و برتری خود را بیان فرمودند و تأکید کردند که هیچ یک از مردم در این امتیازات با من شریک نیستند حضرت در منقبت ۴۲ از خود می فرمایند:

رسول خدا (ص) فرمود:

ای علی تو را بشارت دهم که خانه تو در بهشت مقابل خانه من است و در اعلی علیین در کنار رفیق اعلی تو با منی.

امام علی (ع) فرمود: به رسول خدا (ص) عرض کردم ای پیامبر خدا اعلی علیین چیست؟ فرمود: قبه‌ای از دُر سفید که هفتاد هزار لنگه دارد و جای سکونت من و توست.^۱

۱۳۳. قدری ملکوتی

امام صادق (ع) می فرماید: علی (ع) غالباً می فرمود: هرگاه که تیمی و عدوی (ابوبکر و عمر) خدمت رسول خدا (ص) بودند و آن حضرت سوره قدر را با خشوع و گریه تلاوت می فرمود می گفتند چقدر در این سوره دلت می سوزد پیغمبر (ص) می فرمود: برای آنچه چشمم دیده و دلم فهمیده و نیز برای آنچه دل این شخص (علی (ع)) پس از من در می یابد آن‌ها می گفتند: مگر شما چه دیده‌ئی و او چه می بیند؟

حضرت برای آن‌ها روی خاک می نوشت «تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر» سپس فرمود: پس از این که خدای عزوجل فرماید: «هر امری» دیگر چیزی باقی می ماند؟ گفتند: نه.

می فرمود: می دانید آنکه هر امری بر او نازل می شود کیست؟ گفتند: تو هستی ای رسول خدا می فرمود: آری اما شب قدر بعد از من هم می باشد؟ می گفتند: آری. فرمود: در شب‌های قدر پس از من هم آن امر نازل می شود؟ گفتند: آری.

فرمود: به چه کسی نازل می شود؟ گفتند: نمی دانیم، پیغمبر دست بر سر من گذاشت

۱. خصال صدوق، ص ۵۷۲.



و فرمود: اگر نمی‌دانید، بدانید، آن شخص پس از من این مرد است سپس آن دو نفر شب قدر را بعد از رسول خدا ﷺ می‌شناختند بواسطه هراس سختی که در دل آن‌ها می‌افتاد.^۱

۱۳۴. راه خدا

ابی سعید خدری عن النبی ﷺ: وقفوهم انهم مسئولون؛ عن ولاية علی بن ابی طالب ﷺ.
ترجمه: ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ درباره آیه (وقفوهم ...) ، نگاهشان دارید که در کارشان مسئولند) نقل می‌کند که فرمود: از امامت علی ﷺ پرسیده می‌شود.^۲

۱۳۵. راه شیطان

در تفسیر قمی آمده که مقصود از آیه: یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم...^۳
ورود در ولایت امیرالمؤمنین علی ﷺ است.
و در تفسیر عیاشی ابوبصیر از امام صادق ﷺ نقل کرده که امام فرمود مقصود، ورود در ولایت علی ﷺ و ولایت جانشینان بعد از اوست.
سپس امام فرمود: به خدا سوگند مقصود از خطوات الشیطان نیز ولایت آن دو نفر است.^۴

۱۳۶. صاحب امت

امام محمد تقی ﷺ فرمود: ای گروه شیعه با سوره قدر مخاصمه و مباحثه کنید تا پیروز شوید به خدا که آن سوره پس از پیامبر، حجت خدای - تبارک و تعالی است بر مردم و آن سوره سرور دین شماست...

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲. شواهد التنزیل، ص ۲۷۷.

۳. بقره، ۲۰۸.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۲.

ای گروه شیعه: خدای متعال می‌فرماید: «هیچ امتی نیست مگر آنکه بیم رسانی در میان آن‌ها بوده است»^۱.

شخصی عرض کرد: ای اباجعفر! بیم رسان امت، محمد ﷺ است.
امام فرمود:

درست گفתי ولی آیا پیامبر در زمان حیاتش چاره‌ای از فرستادن نمایندگان در اطراف زمین را داشت؟

(یعنی می‌توانست آن‌ها را نفرستد).

عرض کرد: نه، امام فرمود: به من بگو مگر فرستاده پیامبر، بیم رسان او نیست چنانکه پیغمبر ﷺ فرستاده خدای عزوجل و بیم رسان اوست.

گفت: چرا، فرمود: پس هم چنین پیامبر ﷺ برای پس از مرگ خود هم فرستاده و بیم رسان دارد اگر بگویی ندارد پس آن‌هائی را که در طلب مردان امتش بوده‌اند را ضایع کرده و آن‌ها را بدون رهبر گذاشته است.

آن مرد گفت: مگر قرآن برای آن‌ها کافی نیست؟

امام فرمود: چرا در صورتی که مفسری برای قرآن داشته باشند.

گفت: مگر پیغمبر ﷺ قرآن را تفسیر نفرموده است؟ چرا تنها برای یک مرد تفسیر کرد و شان آیه مرد را که علی بن ابی‌طالب است به امت خود گفت. عرض کرد: ای اباجعفر این مطلبی است خصوصی که عامه مردم زیر بار آن نروند.

امام فرمود: خدا حتما می‌خواهد که در نهان پرستش شود تا هنگامی که دینش آشکار شود همچنان که (سال‌های اول بعثت) پیامبر ﷺ با خدیجه در پنهان پرستش خدا را می‌کردند تا آن زمانی که مأمور به اعلان آن شد.

گفت: آیا صاحب این دین باید آن را نهان دارد؟ فرمود: مگر علی بن ابی‌طالب ﷺ از روزی که با رسول خدا ﷺ اسلام آورد نهان نکرد تا آن زمانی که امرش ظاهر گشت؟ کار ما نیز هم چنین است...^۲

۱. فاطر، ۲۴.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۶۴.



۱۳۷. ثبات قدم مؤمنان

حضرت ابو جعفر علیه السلام درباره آیه شریفه: «وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ اگر بر آن راه استوار شوند آبی فراوانشان نوشانیم»^۱. فرمود: اگر بر ولایت علی بن ابی طالب امیرمؤمنان و اوصیاء از فرزندان او استوار شوند و اطاعت آن‌ها را در امر و نهی شان بپذیرند «آب فراوانی به آن‌ها نوشانیم» به این معنی که ایمان را در دلشان جایگزین کنیم و مقصود از طریقه ایمان به ولایت علی و جانشینان اوست.^۲

۱۳۸. ثروتی معنوی و اخروی

امام عسگری علیه السلام در تفسیر «صراط الذین انعمت علیهم» چنین فرمود: یعنی ما را به راه اشخاصی راهنمایی فرما که آنان را به نعمت دین و فرمانبرداریت کامیاب کرده‌ای، و ایشان همان افرادی هستند که خداوند در حقشان فرموده است: «ومن يطع الله والرسول فأولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين والصدّيقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك رفيقا»؛ کسانی که خدا و پیغمبرش را اطاعت نمایند همراه با اشخاصی هستند که پروردگار نعمت خود را به آنان مرحمت فرموده است، یعنی پیغمبران، درستکاران، شهیدان و نیکان آنان چه خوب دوستان و همراهانی هستند.^۳

و همین معنا از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است، سپس امام افزود این نعمت ثروت دنیا و یا تندرستی بدن نبوده است، گرچه تمامی اینها از نعمت‌های آشکار خداوند است، مگر نمی‌بینی گاهی کافران بی‌دین دارای این نعمت‌ها هستند!

ولی شما را تشویق فرموده است که دعا کنید تا راه آن‌ها را به شما نشان دهد، بلکه فقط دستور داده شده که بخواهید به راه اشخاصی که نعمت ایمان و تصدیق پیامبر خدا و ولایت خاندان پاکیزه پیامبر به آنان عطا گشته هدایت شوید و به تقیه نیک شما را راهنمایی کند که بدان وسیله از گزند بندگان ایمن شوید.

تقیه‌ای که با آن از افزودن گناهان و کفرورزی دشمنان خدا جلوگیری می‌شود، به

۱. جن، ۱۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۲۰، جن، ۱۶.

۳. نساء، ۶۹.

این گونه با آنها مدارا کنید و آنها را به مرزی نکشاند که تحریک شده و به تو و مؤمنین آزار رساننده و همچنین مأمور گشته‌اید تا از خدا بخواهید که شما را به شناختن حقوق برادران مؤمن‌تان راهنمایی فرماید.

بنابراین هیچ بنده، مرد یا زنی نیست که محمد ﷺ و آل محمد را دوست بدارد و با دشمنان آنان دشمنی کند مگر آن که خود را جهت جلوگیری از عذاب خداوند در پشت دژی استوار و سپری محکم قرار داده است....

.... امام ﷺ فرمود: پس او را به محمد ﷺ و خاندانش ملحق می‌سازد، و از برگزیدگان پیروان ایشان قرارش می‌دهد. سپس آن حضرت چنین فرمود: روزی پیامبر ﷺ به یکی از یاران خود گفتند: ای بنده خدا دوستی و دشمنی و جنگ و آشتی‌ات را برای رضای خدا و در راه خدا کن، زیرا ولایت خدا شامل حالت نخواهد گردید مگر از این رهگذر، و هیچ کس تا به این صورت نگردد مزه ایمان را نخواهد چشید اگرچه نماز و روزه‌اش زیاد باشد. مردم بیشتر برادریشان در این دوران به خاطر دنیاست بر پایه آن یکدیگر را دوست می‌دارند و بر اساس آن بر یکدیگر خشم می‌کنند و این به هیچ وجه آنها را از خدا بی‌نیاز نمی‌سازد.

آن صحابی عرض کرد: یا رسول‌الله! چگونه می‌توانم بدانم که دوستی و دشمنی و کینه‌ورزی در راه خداست یا نه؟ و ولی خدا کیست تا دوستدار او باشم؟ و دشمن وی کیست تا با او ستیز کنم؟ پیامبر خدا ﷺ به علی ﷺ اشاره کرد و فرمود: آیا او را می‌بینی؟ گفت: بلی! فرمود: دوستدار و مطیع او محب و فرمانبردار خداوند است، پس علی ﷺ را دوست بدار و دشمن وی را دشمن بدار، و با هر کس که دوست علی ﷺ بود دوستی کن حتی اگر چنین شخصی قاتل پدر و یا قاتل فرزندت باشد و با دشمن او دشمن باش اگرچه پدر یا پسرش باشد.^۱

۱۳۹. بنیان محکم دین

امام علی ﷺ در خطبه‌ای در روز غدیر فرمود: «اعلموا ایها المؤمنون ان الله عزوجل قال: (ان الله يحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کأنهم بنیان مرصوص) اتدرون ما سبیله؟». انا سبیل الله الذی نصبنی للاتباع بعد نبیّه ﷺ.

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۸۱ - ۷۸.



بدانید ای مؤمنان که خدای عزوجل فرموده است: «خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او صف بسته همچون بنایی پولادین می‌جنگند». آیا می‌دانید راه او چیست؟ من هستم راه خدا که منصوبم کرد تا بعد از پیامبرش آن را ببمایند.^۱

۱۴۰. تقدیری پربرکت

اصبغ بن نباته از حضرت علی بن ابی طالب روایت نموده که رسول خدا به من فرمود: یا علی! آیا می‌دانی معنی شب قدر چیست؟ عرض کردم: نه! یا رسول الله. پیغمبر فرمود: خداوند تبارک و تعالی در آن شب به تقدیر و سرنوشتی که در روز قیامت خواهد بود قضا و حکم و اندازه‌گیری نموده و در آنچه خدای عزوجل فرمان داد ولایت تو بود و نیز ولایت امامان از نژاد تو تا روز قیامت.^۲

۱۴۱. نافرمانی کردند

جابر بن عبدالله انصاری حکایت کردند: در آخرین مراسم حج یعنی حجة الوداع در نزدیک پیامبر ایستاده بودم که آن حضرت فرمود: «لَا أَلْفِينَكُمْ تَرْجِعُونَ بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، وَأَيُّمُ اللَّهِ لَئِن فَعَلْتُمُوهَا لَتَعْرِفَنِي فِي الْكِتَابِ التِّي تَضَارِبُكُمْ»؛ ای یاران! شما را توصیه می‌کنم، بعد از من به کفر و بی‌دینی نگرایید که با شمشیر به جان یکدیگر بیفتید و گردن همدیگر را بزنید. به خدا سوگو کند اگر چنین کنید، مرا از کسانی خواهید یافت که شما را با شمشیر برانم.

سپس به پشت سرش نگاه کرد و فرمود: علی یا علی یا علی! چون سه بار نام علی را به زبان آورد؛ دیدیم جبرئیل بر آن حضرت فرود آمد و گفت:

«قَامًا نَذَهَبُ بِكَ قَانَا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ بِعَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ ۖ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ ۖ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

خدای سبحان می‌فرماید: به وسیله علی بن ابی طالب از آنان انتقام می‌گیرم. ای

۱. تفسیر نورالقلین، ج ۳، ص ۴۱۱.

۲. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۵۰.

رسول من! آنچه از امر علی بن ابی طالب (ع) بر تو وحی می کنم به آن تمسک کن، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ که تو بر صراط مستقیم و طریق حقیقت هستی.^۱

۱۴۲. اطاعت رسول خداوند متعال

در روایتی رسول خدا (ص) به امام علی (ع) فرمود: **من اطاعك فقد اطاعني**.^۲
یعنی: هر کس تو را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است.

۱۴۳. راه بخشش گناهان

در تفسیر صافی از حضرت عسگری (ع) نقل شده که فرمود: مقصود از قریه در آیه «وَاذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ».

شهر اریحا از شهرهای شام است و این زمانی بود که بنی اسرائیل از بیابان خارج شده و به شهر آمدند و به آن‌ها گفته شد: از نعمت‌های شهر (قریه) استفاده کنید و در آسایش باشید و چون از در این قریه وارد می شوید سجده کنید (و علت سجده این بود که خداوند بر در آن قریه مثال محمد (ص) و علی (ع) را تمثیل کرده بود و آن‌ها را امر نمود که برای تعظیم به آن‌ها سجده کنند و بیعت و عهد و میثاقی را که از آن‌ها به عهده داشتند تجدید نمایند و بگویند: سجده ما برای خدا به جهت تعظیم مثال‌ها می باشد و اعتقاد ما به ولایت آن‌ها سبب پاک شدن از گناه است.

و خداوند به آن‌ها فرمود: اگر چنین کردید گناهان گذشته شما را می بخشم و به کسانی که اهل گناه نبوده و بر عهد ولایت محمد (ص) و علی (ع) باقی مانده اند ثواب مضاعف می دهیم ولی ستمکاران آن‌ها به جای استفاده از این وسیله و وعده آمرزش خداوند (از روی استهزاء) سخن دیگری گفتند و وارد شدند اولاً آن‌ها از پشت وارد شدند و به جای گفتن حطه چیزی گفتند که معنای آن عبارت بود از اینکه اگر حنطه و گندم سرخ را بخوریم و از خود دفع کنیم نزد ما بهتر از گفتن این سخن و انجام این کار است.^۳

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۱۶ - العمدة، ص ۳۵۳ - الطرائف، ص ۱۴۲.

۲. تنبیه العاقلین من فضائل الطالبین، ص ۴۴.

۳. تفسیر صافی، ذیل آیه ۵۸، سوره بقره.



۱۴۴. اطاعت خدای بزرگ

صاحب کتاب تنبیه الغافلین در ذیل کلمه اولی الامر (نساء، ۵۹) پس از نقل اقوال مفسران، از شیعه نقل می کند که منظور از اولی الامر علی است و از ابوذر روایت می کند که رسول خدا ﷺ به امام علی فرمود: هر کس تو را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و در ذیل آیه «ولو ردوه الی الرسول والی اولی الامر...»^۱

ابن عباس روایت می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: اقصی بکتاب الله علی بن ابی طالب.^۲

۱۴۵. سؤالی کمرشکن

ابوسعید خدری از قول پیامبر ﷺ درباره فرموده خدای عزوجل در قرآن کریم: «وقفوهم انهم مسئولون» (و باز دارید ایشان را چون باید بازپرسی شوند).^۳

چنین گوید: از آنان پرسیده می شود که در مورد ولایت علی چه کرده اند؟ زیرا خدا آنان را آگاه نمود که او خلیفه بعد از پیامبر ﷺ می باشد. (آیا طبق سفارش پیغمبر حق ولایت او را ادا کردند یا امر ولایت را ضایع کرده و مهمل گذاردند؟!)^۴

۱۴۶. ذکر نام علی در قرآن

ابن شاذان در کتاب مناقب امیرالمؤمنین یکصد منقبت و فضیلت از آن امام ذکر کرده است او در منقبت و فضیلت هشتاد و پنج روایت نموده که حضرت باقر فرمود: پدرم امام زین العابدین فرمودند: روزی عمر بن خطاب در حضور رسول خدا ﷺ از جای خود برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا شما همیشه درباره علی بن ابی طالب می فرمائید: «انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لانی بعدی؛ تو یا علی به منزله هارون نسبت به موسی در نزد من هستی جز آن که پس از من نبوت وجود نخواهد داشت».

مقام هارون و موسی در قرآن بیان شده ولی برای علی در قرآن ذکر نشده است؟

۱. نساء، ۸۳.

۲. تنبیه الغافلین من فضایل الطالبین، ص ۴۴ - ۴۶.

۳. صافات، ۲۴.

۴. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۵۳.



۱۴۸. فایده‌های بزرگ

جابر بن یزید گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم چرا علی علیه السلام را امیرالمؤمنین نامیدند؟

فرمود: او از علم خود آنان را تغذیه و نفع می‌داد و به آن‌ها علم می‌آموخت. مگر قول خداوند را ننشیده‌ای «وَمِمَّا آهَلْنَا»^۱ (و می‌آوریم غذایی برای خاندانمان).^۲

۱۴۹. خواری در دنیا و آخرت

صفوان بن یحیی به نقل از شخصی که این حدیث را برایش بازگو کرده است گوید: از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد: معنای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» چیست؟ فرمود: «با» یعنی: روشنی خدا، «سین» یعنی: برتری و رفعت پروردگار و «میم» بزرگواری و سلطنت الهی خدا را معنی می‌دهد.

راوی گوید:

عرض کردم: «اللَّهُ» یعنی چه؟ فرمود: «الف» به معنی نعمت‌های خدا است بر آفریدگانش که به سبب ولایت ما به آن‌ها داده، «لام» نیز اشاره به افکندن رشته ولایت ما بر گردن مخلوقات خود می‌باشد، که دوستی ما را بر آنان لازم گردانیده، عرض کردم: «ها» یعنی چه؟ فرمود: خواری و بی‌مقداری کسی است که با محمد و دودمان او - صلوات‌الله‌علیهم - در افتاد و دشمنی ورزد.

گفتم معنای «الرحمن» چیست؟ فرمود: مهرش شامل تمام مخلوق می‌گردد؛ پرسیدم «الرحیم» چه مفهومی دارد؟ فرمود: مهرش خاص مؤمنین است.^۳

۱۵۰. دعا برای شیعیان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سبع المثانی (سوره مبارکه حمد) به من تعلیم داده شده است و امت من در عالم طین (عالم ذر) برای من نمایان شد تا این که به کوچک و بزرگشان

۱. یوسف، ۶۵.

۲. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۴۷.

۳. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۷.



چشم انداختم و در همه آسمان‌ها نظر انداختم و چون خوب نگرستم ای علی تو را دیدم پس برای تو و تمامی شیعیانت که تا روز قیامت می‌آیند آموزش طلبیدم.^۱

❖ ۱۵۱. نور عالمتاب هستی ❖

فضیل بن یسار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: تفسیر «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» چیست؟ فرمود: بلی! خداوند عزوجل فروغ آسمان‌ها و زمین است (همچنان که ساکنین آسمان‌ها و زمین برای از هم نپاشیدن نظم اجتماعیشان محتاج به راهنماینده خود آسمان‌ها و زمین هم به راهنمایی نیاز دارند اگر خدا اجرام و کرات آسمانی و زمین را با جاذبه‌ها و فعل و انفعال‌های خاصی که برایشان قرار داده رهبری نکند همه از مدار خارج گشته و نابود می‌شوند).

پرسیدم: مقصود از «مَثَلُ نُورِهِ» صفت نوری که منسوب به پروردگار است چیست؟ فرمود: حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. گفتم: «گَمِشْكُوتِ» (یعنی: چراغ‌دان یا ستونی که چراغ را بر روی آن می‌نهند و محفظه‌ای بود برای چراغ در برابر حمله باد و طوفان، و بیشتر در دیوار ایجاد می‌شد و نور چراغ را مانند نورافکن متمرکز و منعکس می‌نمود) چیست؟ فرمود: سینه پر فروغ حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. عرض کردم: «فِيهَا مِصْبَاحٌ» (که چراغی در آن باشد) چه معنایی دارد؟ فرمود: نور دانش، منظور نبوت است که در سینه اوست. گفتم: «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ» (آن چراغ افروخته در میان یک جناب صاف شیشه‌ای) چیست؟ فرمود: علم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در قلب حضرت علی علیه السلام است. گفتم: «كَانَتْهَا» فرمود: چرا با ضمیر تأنیث خواندی؟ عرض کردم: فدایت شوم، پس چگونه بخوانم؟ فرمود: كَانَتْه (نظر به تأویل الزجاجة به قلب حضرت علی علیه السلام کوکب درّی آن جناب همانند اختری پرتوافشان است).

عرض کردم: «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَشَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ».

(برافروخته شده از روغن درخت بسیار نافع زیتون نه در جانب خاور و نه در طرف باختر است با این وصف درخشش آن شرق و غرب جهان را فرا گرفته است)، یعنی چه؟ فرمود: مقصود امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است نه یهودی و نه مسیحی. عرض کردم: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضَيُّ وَلَوْ لَمْ تَمَسَّهُ نَارٌ»؛ آن روغن زیتون به اندازه‌ای شفاف

۱. احوال مفید، ص ۱۰۲.



است که اگر آتشی هم به آن نرسد خودبخود پرتوافشان باشد چه مفهومی دارد؟ فرمود: نزدیک است که دانشی از دهان عالم خاندان حضرت محمد ﷺ بیرون آید پیش از آنکه درباره آن سخن بگوید.

سؤال کردم: «نور علی نور» نوری است بر فراز نور دیگر چیست؟ فرمود: امامی است پس از امام دیگر.^۱

۱۵۲. راهنمای امت محمد ﷺ

امام علی علیه السلام فرمود: همانا من فرا خواننده شما به اطاعت پروردگارتان و راهنمای شما به واجبات دینتان و هدایت کننده شما هستم به آنچه که نجاتتان می دهد...^۲
من برادر پیامبر خدا و پسر عموی او و شمشیر انتقام او و تکیه گاه پیروزی امام...^۳
و من جانشین پیامبر خدا در بین شما هستم و پیا دارنده احکام دینتان و فرا خواننده شما به بهشت آرامشم.^۴

۱۵۳. قرآن برای ما کافی نیست

عمر می گوید: قرآن برای ما کافی است و پیامبر اسلام ﷺ این گفته را صحیح نمی دانستند لذا قبلاً فرموده بودند کتاب خدا و اهل بیت من عامل نجات شماست. قرآن می فرماید: مزد رسالت پیامبر اکرم ﷺ دوستی با اهل بیت است ولی او می گوید: ما نیازی به آن نداریم.

قرآن (سوره اعراف، آیه ۱۵۷) می فرماید:
«آنان که از این رسول، این پیامبر اُمّی که نامش را در تورات و انجیل خود نوشته می یابند پیروی می کنند... پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی کردند رستگارانند.»

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۳۳.

۲. ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳. معانی الاخبار، ص ۵۸.

۴. غررالحکم، حدیث ۳۷۷۱.

۱۵۴. طلب مزد

علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه ۲۳ سوره شوری که می‌فرماید: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هرکس کار نیکی انجام دهد بر نیکی‌اش می‌افزایم.

آورده که: سوگند به خدا که منظور از حسنه ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) است.^۱

۱۵۵. معیار دینداری

در کافی از عبدالله بن ابی‌یعفور روایت شده که گفت در حضور امام صادق (ع) عرض کردم من با مردم معاشرت دارم و تعجب می‌کنم از کسانی که شما اهل بیت و خاندان نبوت را دوست ندارند و به مخالفین شما ارادت می‌ورزند آن‌ها در وفا و دوستی خود به منافقین استوارترند....

گفت: تا این سخن را گفتم دیدم مثل آنکه حضرت متغیر شد و غضبناک به من نگاه کرد و فرمود: کسی که اعتقاد به ولایت ما ندارد دین ندارد و پیرو امام و پیشوای ستمکاری است که از جانب خدا نیست و کسی که متدین باشد به ولایت امام عادل که از جانب خداست بر او هیچ ناراحتی و یأسی نخواهد بود عرض کردم می‌فرمائید آن‌ها دین ندارند.

امام فرمود: آیا نمی‌شنوی قول خدای متعال را که در قرآن کریم می‌فرماید: «اللّه ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور».

یعنی: خداوند این گونه اشخاصی را از تاریکی گناه به سوی نور توبه و مغفرت بر اثر ولایت ما و قبول پیشوایی امامان عادل و منصوب از طرف پروردگار رهبری و هدایت فرموده است.

«والذین کفروا اولیائهم الطاغوت ینخرجونهم من النور الی الظلمات».

بعد امام فرمود: آیا می‌دانی برای کفار چه نوری است که خداوند آن‌ها را از آن نور خارج و به تاریکی سوق می‌دهد؟ همانا خداوند آن‌ها را که بر نور اسلام بوده‌اند را همین که دوستی و ولایت پیشوایان ستمکار را پذیرفتند به واسطه آنکه ولایت خطا و غلط را

۱. تفسیر قمی، صفحه ۴۸۰.



پذیرفتند از نور اسلام خارج و به سوی ظلمات کفر رها ساخت پس بر آنان واجب گردید آتش همان طوری که آتش بر مشرکین و کفار واجب بود...^۱ در روایت دیگر آن حضرت فرمود:

خداوند آن‌ها را از نور آل محمد بیرون کرد و به سوی ظلمت و تاریکی که از برای دشمنان آل محمد می‌باشد داخل نمود و فرمود مراد کسانی هستند که به ولایت علی کافر شدند...

عیاشی از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت به حضرت صادق عرض کردم مراد و مقصود از «من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه»^۲ چه کسانی هستند؟ امام فرمود: ما ائمه هستیم که شفاعت می‌کنیم.

❖ ۱۵۶. عهدی سعادت بخش ❖

در آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک امر خداوند به صورت بَلِّغ صادر گردید، نه به صورت اَبْلِغ که دلالت بر تأکید دارد و این امر به صورت ما اُنزِل یعنی با فعل مجهول عنوان گردیده است که دلالت موضوع بدون اسناد به فاعل، دارای اهمیت است و آنگاه که فرمود: من ربک صراحت دارد که این فرمان از طرف خداوند است نه از طرف رسول خدا.

امام صادق به داودرقی فرمود: ای داود ولایت ما در وقت پیمان و میثاق (عالم ذر)^۳ بر آن‌ها تأکید شده و از آن‌ها نسبت به آن اقرار گرفته شد.^۴

❖ ۱۵۷. کسب حیات ابدی ❖

از ابن ربیع شامی نقل شده که می‌گوید:

از امام صادق از تفسیر این آیه:

«یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم...»^۵.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲. بقره، ۲۵۷، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۶.

۳. اشاره به آیه مبارکه: الست بریکم قالوا بلی.

۴. تفسیر صافی از فیض کاشانی، ج ۲، ص ۲۵۲.

۵. انفال، ۲۴.

سؤال نمودم امام فرمود: **نزلت فی ولایة علی (ع)**؛ این آیه درباره ولایت علی (ع) نازل شده است.^۱

۱۵۸. توحید و پاکی شرط امامت

روزی یکی از کفار وزندیقان به امام علی (ع) گفت:
من در قرآن دیدم که خداوند کنار نام پیامبر (ص) خود نام شاهی را از اهل او برده در حالی که جانشینان بعد از او (ابوبکر) مدتی از زندگی خود را بت پرست بوده اند؟! امام علی (ع) فرمود: آن کسی که نام او بعد از نام پیامبر به عنوان شاهد آمده او حجت خداوند است^۲ که خداوند او را برای رهبری مردم معین نموده و بدین طریق به آن‌ها فهمانده که جانشین پیامبر نیست جز کسی که در مرتبه او باشد و در پاکی و طهارت نیز مانند او باشد تا این که بدانند مقام امامت و رهبری به کسانی که آلوده به کفر بوده اند نمی‌رسد و هیچ راه عذری برای طرفداران آن‌ها نباشد زیرا خداوند مقام انبیا و اولیای خود را بر ناپاکان و ناهلان ممنوع کرده است.
چنان که به حضرت ابراهیم (ع) فرمود:
پیمان رسالت و امامت از طرف من به ستمکاران نمی‌رسد^۳ و شرک و بت پرستی را در قرآن ستم و ظلم بزرگ دانسته^۴ و چون ابراهیم (ع) است که عهد و پیمان خداوند به ستمکاران و بت پرستان نمی‌رسد به خدای خود گفت: خدایا مرا و فرزندان مرا از پرستش بت دور بدار.^۵

۱۵۹. نعمتی نورانی

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: برای چه عده‌ای سنت رسول خدا (ص) را تغییر دادند و از وصی و جانشینی او عدول نمودند و از عذاب خداوند ترسیدند.

۱. تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۱۴۲.

۲. اشاره به آیه ۱۷ هود است.

۳. لاینال عهدی الظالمین.

۴. ان الشکر لظلم عظیم.

۵. واجنبی وبنی ان نعبد الاصنام احتجاج، ج ۱، ص ۳۷۳ - بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۱۶.



سپس امام این آیه مبارکه را تلاوت نمود^۱ و فرمود: ماییم آن نعمتی که خداوند بر بندگان خود ارزانی داشته است و ماییم که در قیامت مردم به واسطه ما نجات می‌یابند.^۲

۱۶۰. عمل صالح

در کتاب تأویل آیات از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که در تفسیر سوره مبارکه عصر مراد از «الا الذین آمنوا» ولایت علی بن ابی طالب است، یعنی کسانی که ایمان نیاورند به ولایت علی بن ابی طالب از اشخاص زینکار می‌باشند و مراد از «عملوا الصالحات» کسانی باشند که واجبات خود را به جای آورده باشند و مراد از «تواصوا بالحق» کسانی باشند که ولایت را قبول نمودند و پایدار ماندند و مراد از «تواصوا بالصبر» کسانی باشند که ذراری و فرزندان خود را وصیت و سفارش نمودند به ولایت علی بن ابی طالب.

۱۶۱. عقبه‌ای مهم

از ابان بن تغلب نقل شده که گوید: امام باقر علیه السلام دست خود را به سینه مبارک زد و فرمود: عقبه^۳ ما هستیم و هر کس ما را بپذیرد و ولایت ما را قبول نماید نجات خواهد یافت.^۴

قمی در تفسیر خود گوید:

مقصود از عقبه پذیرفتن ولایت ائمه علیهم السلام است و چون پذیرش آن برای مردم گران آمد تعبیر به عقبه شده پس هر که این عقبه را طی کند و از آن بالا رود از عذاب الهی نجات خواهد یافت.

و مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: ای مولای من درباره آیه (واذا الموءدة سئلت بای ذنب قتلت)^۵ چه می‌فرمائید؟

حضرت فرمود: ای مفضل! به خدا قسم منظور محسن علیه السلام است چرا که مصداق این

۱. ام تر الی الذین بدلوا نعمه الله کفرا واحلوا قومهم دارالبوار؛ ابراهیم، ۲۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۱۷ - تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۵۴۴، حدیث ۸۴؛ فرمودند: نحن والله نعمت الله التي انعمها علی عباده.

۳. بلد، ۱۱، «فلا اقتحم العقبة».

۴. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۲، ص ۳۳۲ - تفسیر فرات بن ابراهیم، ص ۲۱۱ - کافی، ج ۱، ص ۴۳۰.

۵. تکویر، ۸.



فصل چهارم

رسول خدا ﷺ می فرماید:

«لایقبل الله ایمان عبد الا

بولايته على ﷺ...»

«خداوند سبحان ایمان کسی را

قبول نمی کند مگر به ولایت و

دوستی علی ﷺ...»

بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۲۹.

امامت امام علی ﷺ در احادیث شیعه





سپس سر مبارک را پایین آورد و با دست خود خطی به زمین کشید و چون سر مبارک را بلند کرد فرمود: **ویضل الله الظالمین ویفعل الله ما یشاء.**

گفتم: فدای شما شوم آن چگونه است؟

فرمود: هر که بعد از من در حق این فرزند من ظلم کند، امامت او را انکار نماید او مانند کسی است که در حق علی بن ابی طالب علیه السلام ظلم کرده و امامت او را پس از پیامبر صلی الله علیه و آله انکار نموده است.^۱

۱۶۵. عبادت و طاعتی اساسی

امام حسین علیه السلام ضمن سخنانی برای اصحاب و یاران خود فرمود: ای مردم! خداوند عزوجل نیافرید مردم را مگر این که او را بشناسد، هنگامی که او را شناختند او را پرستش می کنند و با پرستش او از پرستش جز او بی نیاز می شوند. آنگاه مردی از امام پرسید: یا بن رسول الله! پدر و مادرم به فدایت! شناخت خدا چگونه خواهد بود؟ امام فرمود: **معرفة اهل كل زمان امامهم الذی یجب علیهم طاعته**؛ شناخت خدا عبارت است از شناخت مردم هر عصر به امام خود، که اطاعتش نیز بر آنها واجبست.^۲

۱۶۶. صفات امام و ولی

امام علی علیه السلام می فرماید: **یحتاج الامام الی قلب عقول ولسان قنول وجنان علی اقامه الحق صئول.** امام نیازمند است به فکر تیزبین و زبانی گویا و قلبی که برای استوار ساختن حق شجاع باشد.^۳

۱۶۷. شفاعت فاطمه

روزی رسول الله صلی الله علیه و آله با حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نشسته بودند. در این حال حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کردند: بار پروردگارا! تو حقاً می دانی که این جماعت

۱. تفسیر نورالقلین، ج ۲، ص ۵۴۲.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۳.

۳. غررالحکم، ص ۳۴، حدیث ۷۷۸۰.



رسول الله دست خود را به سوی آسمان بلند نموده، عرض کرد: بار پروردگارا! من تو را گواه می‌گیرم که من دوستدار کسی هستم که آن‌ها را دوست بدارد و دشمن کسی هستم که نسبت به آنان کینه بورزد و دوستدارم کسی که با آنان به سلامت رفتار کند و در جنگم با کسی که با آنان محاربه کند و دشمنم با کسی که با آن‌ها دشمنی کند؛ و ولی هستم برای کسی که ولایت آنان را متعهد گردد!

۱۶۸. فضایلی بی‌مثال

امام صادق می‌فرماید: چون کار ابوبکر و بیعت مردم با او و کاری که با او و علی بن ابی‌طالب کردند انجام گرفت ابوبکر همواره به علی روی خوش نشان می‌داد ولی از علی گرفتگی مشاهده می‌نمود این موضوع برای ابوبکر سنگین بود.

لذا علاقه پیدا کرد که علی را ملاقات کند و از نظر او اطلاع حاصل نمایند و در این که مردم جمع شدند و کار امت را بر گردن او انداختند عذرخواهی کند و بی‌اعتنایی خود را به خلافت ابراز کند...

لذا بی‌خبر خدمت آن حضرت آمد و اجازه ملاقات خصوصی خواست پس از شرفیابی عرض کرد: یا اباالحسن! به خدا قسم که برای این کارها از طرف من زمینه‌سازی نشده بود و من به کاری که گرفتار آن شدم مایل نبودم و حرصی به آن نداشتم و اطمینانی به خود ندارم که نیازمندی‌های امت را رفع نمایم... سپس به امام عرض کرد: چرا تو از من چیزی را که مستحق‌اش نیستم به دل گرفته‌ای؟ و در این کاری که برای من روی داده از خود کراهت نشان می‌دهی؟ و به چشم بدبینی به من نگاه می‌کنی؟

حضرت به او فرمود: اگر علاقه‌ای به این کار نداری و به خویش‌تن اطمینانی نداری که بتوانی به این امر قیام کنی و رفع نیازمندی‌های آن را در خود نمی‌بینی برای چه زیر این بار رفتی...؟ آنگاه امام علی برای ابوبکر چهل و سه دلیل بر علیه او اقامه کرد که همه آن‌ها نشان دهنده فضایل بی‌مثال امام علی می‌باشد و در همه آن‌ها امام، ابوبکر را قسم می‌داد و او نیز به این برتری‌ها و فضائل امام علی اقرار کرد... حضرت به قضیه غدیر آیه تطهیر و اینکه فاطمه همسر اوست اشاره کرد. سپس

۱. به نقل از امالی صدوق، ۲۹۱.



و چون خداوند پیامبر خود را از میان مردم برد و به لقای خود رساند مردم همانند چشم بر هم زدن و جستن برق به جاهلیت قبلی بازگشتند و در مقام ظلم و انتقام جویی (از بنی هاشم) به جنگ با اهل بیت علیهم السلام بر آمده درها را به طرف آنها بستند و وضعیت را بر آنها دگرگون نمودند و آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله را تغییر دادند و از دستورات او سرپیچی نمودند و خود را از انوار با برکت آنها (یعنی اهل بیت) محروم نمودند و از راه ظلم و ستم، دیگری را به جای جانشینی او گماشتند و گمان کردند آنکه از آل ابی قحافه برگزیدند از کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به جای خود منصوب نموده بود به خلافت و امامت سزاوارتر است و فکر کردند در بین مهاجران ابوبکر بهتر از مهاجر الهی است که از نسل هاشم بن عبدمناف است.

سپس فرمود: آگاه باشید که اولین شهادت دروغی که در اسلام واقع شد شهادت آنها به جانشینی ابوبکر از رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **یا علی! انت المظلوم بعدی؛ یا علی!** تو بعد از من مظلوم واقع می شوی.^۲

و امام علی علیه السلام نیز فرمودند: **لقد ظلمت عدد المدرو الوبر؛** من به تعداد خاکهای بیابان و کرکهای حیوانات مورد ستم قرار گرفتم.^۳

و در آخرین فراز زیارت غدیر آمده است که: «... درود و رحمت و برکات خداوند بر تو باد که نخستین مظلوم و نخستین کسی هستی که حقش به تاراج رفت».^۴

امام کاظم علیه السلام در کنار مزار پر نور و معطر و مطهر امام مظلوم علی بن ابی طالب علیه السلام خطاب به آن امام فرمود:

«السلام عليك يا ولي الله اشهد انك اول مظلوم واول من غضب حقه».

درود بر تو ای ولی خدا! من گواهی می دهم که تو اولین مظلوم و نخستین کسی هستی که حقش غضب گردید.^۵

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۹.

۲. مصباح المتهجد، ص ۲۴۵.

۳. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۳۹.

۴. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۵۱.

۵. کامل الزیارات، ص ۴۱.

امام صادق علیه السلام در فرای از زیارتنامه امام علی علیه السلام می فرماید:
«السلام عليك! ولی الله انت اول مظلوم واول من غضب حقه».

درود بر تو ای ولی خدا تو نخستین مظلوم و نخستین کسی هستی که حقت به یغما رفت.^۱

۷۱. رمز معرفت الله

خرج الحسين بن علی علیه السلام ذات یوم علی اصحابه فقال بعد الحمد: أيها الناس! ان الله تعالی والله ما خلق العباد الا ليعرفوه فقال له رجل: باي انت وامي يا بن رسول الله! ما معرفه الله تعالی؟

قال علیه السلام: معرفة اهل كل زمان امامتهم الذي يجب عليهم طاعته.^۲
روزی امام حسین علیه السلام بر اصحاب خود وارد شد و بعد از حمد الهی فرمودند: ای مردم! قسم به حق که خداوند نیافرید بندگان خود را مگر برای عرفان و معرفت ربوبی. پس مردی از اصحاب عرض کرد: پدر و مادرم به فدای شما باد! معرفت الله تعالی چیست؟ فرمود: معرفت بالله شناخت امام است در هر زمان، همان امامی که اطاعتش واجب است.

۱۷۲. ایمان مقبول

قال رسول الله ﷺ: لا يقبل الله ايمان عبد الا بولايته علی علیه السلام والبراءة من اعدائه. فرمودند: خداوند متعال قبول نمی کند ایمان بنده ای را مگر به ولایت و دوستی علی علیه السلام و دوری و بیزاری از دشمنان آن حضرت.^۳

۱۷۳. امام و خلیفه، عین الله است

عن ابی الصباح الكنانی قال: صرتُ الى باب ابی جعفر الباقر علیه السلام ففرعت الباب فخرجت الى ...

۱. المزار الكبير، ص ۲۳۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۱۲.

۳. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۲۹ - كشف الغمه، ج ۱، ص ۱۱۲.



ابوالصباح کنانی گوید:

درب خانه حضرت باقر^{علیه السلام} رفتم و درب را کوبیدم زن خادمه‌ای که سینه‌ای برجسته‌ای داشت درب را برویم باز نمود من دست خود را به او زدم و گفتم برو به مولا و آقایت بگو که درب خانه هستم.

حضرت از درون خانه صدا زد وارد شو مادر برای تو مباد من داخل خانه شدم و عرض کردم به خدا سوگند نیت بدی نداشتم و قصد چنین کاری را نکردم مگر برای آنکه یقینم نسبت به شما زیاد گردد.

امام فرمود: راست گفتی. اگر چنین خیال کنی که این دیوارها می‌تواند مانع از دید چشم ما شود چنانچه مانع دیدن‌های شماسست پس بین ما و شما چه فرق خواهد بود؟ مبادا دیگر امثال این کارها را مرتکب شوی؟^۱

❖ ۱۷۴. دیده ملکوتی امام ❖

قال: كنت جالسا عند ابي جعفر^{علیه السلام} اذا مر بنا فرس انثى...^۲

راوی گوید: من خدمت امام جواد^{علیه السلام} نشسته بودم ماده اسبی از مقابل ما گذشت. حضرت فرمود: این اسب امشب کره نری می‌زاید که پیشانیش سفید و در صورتش خال سفیدی بزرگ‌تر از درهم دیده می‌شود.

من از حضرت اذن رفتن خواستم و بعد همراه صاحب اسب به راه افتادم و پیوسته با او تا شب صحبت می‌کردم تا این که آن اسب به همان کیفیتی که امام فرمود زائید. فردای آن روز خدمت امام رسیدم، به من فرمود: ای پسر سعید در آنچه روز گذشته برای تو گفتم شک کردی؟ زنی که در خانه تو است آبستن می‌باشد پسری به دنیا می‌آورد که دارای یک چشم می‌باشد به خدا سوگند که محمد پسرم به دنیا آمد و دارای یک چشم بود.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۸.

۲. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۵۸.

۳. بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۶۸.

۱۷۵. امام، آینه تمام‌نمای هستی است

اسحاق بن منصور از پدرش نقل می‌کند که گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که خبر مرگ یکی از شیعیان را به خود او داد من پیش خود گفتم که ایشان می‌دانند در چه زمانی این مرد که از شیعیان اوست می‌میرد.

در این هنگام حضرت متوجه من شد و فرمود به کار خود مشغول باش که عمر تو به آخر رسید و کمتر از دو سال از عمرت باقی مانده است و همچنین برادرت یک سال بعد از تو بیشتر زنده نخواهد ماند و همچنین بیشتر اهل بیت تو بلکه همه آن‌ها پراکنده و متفرق خواهند شد و دشمنان به آن‌ها شماتت خواهند کرد و خانواده‌ات مورد ترحم برادران دینی خود قرار خواهند گرفت، آیا فکر این امور را در سینه خود می‌پروراندی؟ من گفتم از آنچه در خاطر و قلبم بود استغفار می‌کنم. بعد از آن منصور دو سال را به پایان نرساند که از دنیا رفت یک سال بعد از آن هم برادرش وفات نمود و کلیه خانواده‌اش فوت کردند و آن‌هایی که باقی ماندند چنان فقیر و پراکنده شدند که به صدقه مردم احتیاج پیدا کردند.

۱۷۶. امام آینه آینده

احمد بن یحیی اودی گوید: برای ادای نماز ظهر وارد مسجد جامع شدم پس از ادای نماز حرب بن حسن طحان و جماعتی از اصحاب خودمان را دیدم که دور هم نشسته بودند من به طرف آنان رفتم سلام کردم و نشستم و در بین این حسن بن سماعه هم بود درباره حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و سرگذشت او مذاکره می‌کردند و بعد جریاناتی از زید بن علی به میان کشیدند و در میانه ما مرد غریبی بود که او را نمی‌شناختیم آن مرد غریب گفت:

نزد ما در سامرا مردی علوی از اهل مدینه که یا ساحر یا کاهن است می‌باشد. ابن سماعه پرسید: به چه نامی معروف است. گفت: علی بن محمد بن الرضا. آن جماعت پرسیدند ساحر یا کاهن بودن او از کجا برای تو معلوم شده است؟ گفت ما با او درب خانه‌اش نشسته بودیم و او در سامرا همسایه ما بود هر شب نزد او نشسته



صحبت می کردیم وقتی یکی از فرماندهان سلطان از جلو ما گذشت خلعت‌هایی با او بود و تعداد زیادی از فرماندهان و مردم معمولی و چاکران همراهش بودند.

وقتی که علی بن محمد او را دید بر او سلام کرد چون از ما گذشت به ما فرمود: این مرد خیلی شادمان و خوشحال است ولی فردا قبل از نماز می میرد و در زمین مدفون می گردد، از این حرف او تعجب کرده و از نزد او برخاستم و گفتم این آدم علم غیب دارد. سه نفر بودیم با هم عهد و پیمان بستیم که اگر این خبری که داد واقع نشد او را می کشیم و خود را از دست او راحت می کنیم فردا صبح من در خانه ام بوم و نماز صبح را خواندم ناگهان غوغائی شنیدم بیرون آمدم جمعیت زیادی از لشکریان و دیگر مردم را دیدم که می گفتند فلان فرمانده شب گذشته مُرد او مست کرده این طرف و آن طرف می افتاد تا بر زمین خورد و گردنش کوبیده شد مرده است.

من گفتم شهادت می دهم به یگانگی خداوند (از خانه بیرون) آمده بالای سرش حاضر شدم دیدم بله او همان طوری که ابوالحسن علیه السلام گفت مرده است.^۱

۱۷۷. ناراحتی‌های دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: خداوند متعال را شاهد می گیرم که از پدرم شنیدم که فرمود: ای مردم! علی علیه السلام بهترین جانشینی است که پس از خود برایتان می گذارم او همان پیشوا و جانشین حقیقی پس از من بر شماست و دو فرزندم حسن و حسین و نه فرزند حسین علیه السلام پیشوایان الهی و نیکوکار پس از من هستند اگر از آنان پیروی کنید خواهید دید که آنان هدایت شده پروردگار و هدایت کننده خلق هستند و اگر با آنان مخالفت کنید پیوسته تا روز قیامت بین شما اختلاف خواهد بود...

به خدا قسم حقیقت آن است که اگر حق در دست حق دار می گذاشتند (و آن را از دست علی علیه السلام خارج نمی کردند) و از خاندان پاک پیامبرشان پیروی می کردند حتی دو نفر یافت نمی شدند که درباره خدا با هم اختلاف داشته باشند.

اگر برنامه خدا و رسولش را بر هم نمی زدند یقیناً امامان معصوم یکی پس از دیگری خلافت و حکومت را در دست می گرفتند و مردم را به راه راست رهنمون می ساختند

۱. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۸۶.

تا آن که آخرین امام، حضرت قائم (عج) ما، که نهمین فرزند حسین (ع) است قیام جهانی می فرمود لکن با کمال تأسف آنان کسی را پیشوا و جانشین پس از پیامبر قرار دادند که خداوند او را عقب زده بود و آن کس که خداوند امام و پیشوای مردم قرار داده بود (یعنی علی (ع)) را عقب زدند همه این حوادث به قدری سریع انجام شد که هنوز پیکر مطهر رسول خدا (ص) روی زمین بود و پس از این فاجعه بزرگ او به خاک سپرده شد و... آنان طبق شهوات نفسانی خود پیش رفتند و به نظرات خود عمل کردند مرگ بر آنان...^۱

۱۷۸. اولین پیشتاز و جانباز در اسلام

امام سجاد (ع): اول من شری نفسه لله علی بن ابی طالب؛ نخستین کسی که جانش را برای خداوند فروخت علی بن ابی طالب (ع) است.^۲

۱۷۹. نشانه‌های مردی از طایفه پاکان

ابوسعید خدری می گوید: با رسول خدا (ص) بودم که جبرئیل به شکل مرد عربی به حضور رسول خدا (ص) مشرف شد و از آن حضرت پرسید: ای محمد! موقعیت جایگاه علی در قلب شما چگونه است؟
حضرت فرمود:

یا اعرابی ولدی فلق الحبة وبرأ النسمة وسطح الارض علی وجه...

ای اعرابی! سوگند به خدایی که دانه را شکافت و آدمی را آفرید و زمین را بر فراز آب گسترد از سرور هر سپید و سیاه پرسیدی او نخستین کسی است که روزه گرفت و زکات داد و انفاق نمود، او به دو قبله نماز خواند دو بار هجرت کرد، دو پرچم حمایل نمود و در بدر و حنین فاتح بود و هرگز یک چشم بر هم زدن نافرمانی خدا را نکرد.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۲.

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۲.

۳. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۰ - محاسن، ج ۲، ص ۳۳۱.



۱۸۰. تنها دلیل تکمیل دین

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه به حج رفت همه واجبات را بیان نموده بود جز مساله حج و ولایت پس جبرئیل نزد آن حضرت آمد و گفت: خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید.

من هیچ پیامبری از پیامبران خود را از دنیا نبردم جز این که دین مرا کامل نموده بود و جانشین خود را که حجت من بود معرفی کرده بود برای تو نیز دو واجب باقی مانده است که باید به مردم ابلاغ کنی یکی حج و دیگری ولایت و خلافت جانشین تو؛ زیرا من زمین را خالی از حجت نگذارده‌ام و نخواهم گذارد.

سپس جبرئیل گفت: خداوند تو را امر نموده که حج را به مردم تعلیم دهی و کسانی را که استطاعت دارند باید از مدینه و اطراف آن با تو حج بگذارند و همانند نماز و روزه و زکات و بقیه واجبات که به آن‌ها یاد داده‌ای حج را نیز عملاً به آن‌ها بیاموزی امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

بعد از این دستور از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم ابلاغ شد که پیامبر خدا می‌خواهد به حج برود و مسائل حج را مانند مسائل دیگر اسلام به شما بیاموزد پس رسول خدا صلی الله علیه و آله آماده حج شد و مردم نیز همراه آن حضرت حرکت نمودند و گوش فرا می‌دادند و توجه می‌کردند که آنچه آن حضرت انجام می‌دهد آن‌ها نیز انجام دهند پس در آن سال از مدینه و اطراف آن هفتاد هزار نفر یا بیشتر با آن حضرت حج به جا آوردند و این عدد مانند عدد اصحاب موسی علیه السلام بود که موسی علیه السلام از آن‌ها برای هارون بیعت گرفت و آن‌ها بیعت خود را شکستند و از سامری و گوساله او پیروی کردند.

چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز با همین جمعیت برای علی بن ابی طالب علیه السلام بیعت گرفت و آن‌ها بیعت خود را شکستند و از گوساله پیروی کردند و این دو قصه همگون و مطابق یکدیگر رخ داد...^۱

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۹ - احتجاج طبرسی. مرحوم ملاحسن فیض در تفسیر صافی آورده که بعد از معرفی امام علی علیه السلام به عنوان خلیفه و امام و ولی و سرپرست، نخستین کسانی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله دست بیعت دادند ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه و یزید بودند...

۱۸۱. پیشتاز میادین خطر

امام حسین علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: ...
 آیا می‌دانید در هر مشکلی که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش می‌آمد علی علیه السلام را که مورد اطمینان او بود جلو می‌انداخت و هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله پدرم را به نام صدا نمی‌زد و همیشه می‌گفت: «ای برادر!» یا به یارانشان می‌فرمود: «برادرم را صدا کنید!».
 مردم در پاسخ به امام حسین علیه السلام گفتند: بارخدا! چنین است...^۱

۱۸۲. مرز عبور از دین

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
 التارکون ولایة علی علیه السلام المنکرون لفضله المظاهرون اعدائه خارجون عن الاسلام.
 فرمود: افرادی که ولایت و سرپرستی علی علیه السلام را ترک نمایند و فضیلت و آقائی او را منکر شوند و پشتیبان دشمنان او باشند از دین اسلام خارج می‌گردند.^۲

۱۸۳. بهترین هدایت‌ها در نزد آن‌هاست

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال قرار داد علی علیه السلام و همسرش فاطمه علیها السلام و فرزندان گرامیشان را حجت‌هایی بر مردم و آنانند درهای علم و دانش هر کس به وسیله ایشان هدایت یافت به راه مستقیم واصل شد.^۳

۱۸۴. هدایتی واجب

امام صادق علیه السلام فرمود: اینکه دارای ولایت امیرمؤمنانم نزد من محبوب‌تر از آن است که فرزند جسمانی (نسبی) او هستم به جهت این که ولایت و پیرویم از علی علیه السلام واجب است. و مولود جسمانی بودنم از علی علیه السلام یک امتیاز و فضلی است.^۴

۱. احقاق الحق، ج ۴، ص ۳۵۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۴.

۳. کتاب فاطمه الزهراء علیها السلام، ص ۲۹.

۴. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۹۹.



۱۸۵. نوری واحد و متصل

امام حسین علیه السلام فرمود: «هرکس به ما محبت کند به خاطر محبتی است که به جد ما دارد و هرکس با ما دشمنی ورزد از عداوتی است که به جد ما دارد»^۱.

۱۸۶. جانشین امام علی علیه السلام بر جنیان

...امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام از جد شهید خود امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: یک روز جمعه امام علی علیه السلام بر منبر کوفه با مردم سخن می‌گفت ناگاه صدای افتادن چیز سنگین و دویدن مردم را که بر هم می‌افتادند شنید. امام پرسید: چه خبر است؟ عرض کردند: ماری بزرگ که گویی نهال بلند خرماست از در مسجد داخل آمده است از آن در هراسیم می‌خواهیم او را بکشیم ولی نمی‌توانیم.

امام فرمود: نزدیک او نشوید برایش راه باز کنید فرستاده‌ای به سوی من است با من کار دارد مردم راه را باز کردند تا او به گنجینه دانش رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید صدای زیر و بمی از خود در آورد امام نیز چون او پاسخش را داد سپس از میان مسجد بیرون رفت و با شتاب هرچه بیشتر ناپدید شد و دیگر او را ندیدند.

مردم پرسیدند: ای امیرمؤمنان این مار چه بود؟ فرمود: این درجان بن‌مالک جانشین من بر جنیان است آنان در یک مسئله دینی با هم اختلاف داشتند او را به سوی من فرستادند تا درباره آن از من بپرسد من هم پاسخ او را دادم او پاسخ را دریافت و به سوی آنها برگشت.

معنای نام درمی که این مار از آن وارد شده بود را از باب ثعبان (اژدها - مار بزرگ) به باب فیل تغییر داد تا این ماجرا را از ذهن مردم محو کند و این در هنوز در مسجد کوفه باقی است.^۲

۱۸۷. سری از اسرار الهی

اصبغ بن نباته که از یاران امام علی علیه السلام است می‌گوید:

۱. موسوعه امام حسین علیه السلام، ص ۶۵۴.

۲. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۱۷۱.



از امام حسین علیه السلام پرسیدم: آقای من درباره چیزی از شما می‌پرسم که خود به آن یقین دارم و آن از اسرار الهی است و شما راز دار آن هستید.

امام فرمود: ای اصبغ! می‌خواهی درباره گفتگوی رسول خدا صلی الله علیه و آله با ابوبکر در مسجد قبا پیرسی و ببینی؟

عرض کردم: این همان خواسته من است.

فرمود: برخیز در این هنگام من و او در کوفه بودیم در همان لحظه پیش از آنکه چشمم را بر گردانم خود را در کنار مسجد قبا دیدم پس حضرت بر روی من تبسم فرمود: آنگاه فرمود: ای اصبغ همانا به سلیمان بن داود (تسخیر) باد عطا شد «در صبح، یک ماه راه برد در عصر یک ماه»^۱ و به من بیشتر از سلیمان عطا کرده است.

عرض کردم: به خدا سوگند درست می‌فرمایی ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله.

سپس فرمود: ماییم آن‌هایی که علم کتاب خدا و تفسیر حقیقت مکنون آن نزد ماست و آن اندازه از اسرار که نزد ماست پیش هیچ کس نیست زیرا ما به حق، رازدار خداییم، پس در صورت تبسم نمود و فرمود: ما آل الله و وارثان پیامبر خدائیم...

سپس فرمود: داخل (مسجد) شو پس داخل شدم در همان لحظه رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم در حالی که در محراب عبايش را به خود پیچیده بود نگریم در همان ساعت امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم که گریبان آن بدبخت را گرفته بود پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از ناراحتی و تعجب انگشتان به دندان می‌فشرد و به او خطاب نموده: «تو و یارانت بد جانشینی برای من بودید نفرین خداوند بر شما باد»^۲.

◆ ۱۸۸. انکار امام کفر است ◆

امام صادق علیه السلام فرمود: الامام عَلَمٌ بَيْنَ اللَّهِ؛ عَزَّوَجَلَّ و بَيْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ انْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا.

یعنی:

۱. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۰۹.

۲. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۰۹.



امام راهنمای میان خداوند متعال و آفریدگان اوست هر که او را بشناسد مؤمن است و هر که انکارش کند کافر خواهد بود.^۱

۱۸۹. پاسدار حریم نورانی دین

امام صادق علیه السلام : ان الارض لاتخلو الا وفيها امام...
 زمین هیچ گاه خالی از امام معصوم نیست تا اگر مؤمنان چیزی به دین افزودند آن‌ها را برگرداند و اگر چیزی کاستند آن را کامل کنند.^۲

۱۹۰. ریسمان محکم خداوند

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اسمعوا واطيعوا لمن ولاةالله الامر فانه نظام الاسلام.
 از کسی که خداوند او را ولی امر شما کرده است شنوایی و اطاعت داشته باشید که او رشته کار اسلام است.^۳

۱۹۱. شرط دینداری

امام علی علیه السلام : ان لاله الاالله شروطا وانی وذیرتی من شروطها.
 به راستی که برای گفتن کلمه لاله الاالله شرایطی است و من و فرزندانم از جمله آن شرطها هستیم.^۴

۱۹۲. دستور خداوند

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد!
 پروردگارت می گوید: همانا علی بن ابی طالب وصی و جانشین تو در میان خاندان و امت تو می باشد.^۵

۱. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۸۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۳. امالی مفید، ص ۷.

۴. غررالحکم، ص ۱۱۶، حدیث ۲۰۰۲.

۵. امالی مفید، ص ۱۰۰.

و رسول خدا ﷺ فرمود: **صديق عدو علیّ عدو علیّ**؛ دوستِ دشمنِ علی، دشمنِ علی است.^۱

امام علی (ع) : **احسن الحسنات حبنا واسوء السيئات بغضنا.**

بهترین خوبی‌ها، دوستی ما اهل بیت و بدترین بدی‌ها، دشمنی با ماست.^۲
و در روایتی دیگر در غرر امام علی (ع) فرمود: نزدیک‌ترین مردم به ما کسی است که ما را دوست بدارد و با دشمن ما دشمن باشد.

۱۹۳. حدود فدک

مهدی خلیفه عباسی پس از پدرش منصور و بنابر وصیت وی و برای ایجاد جو مناسب به منظور ادامه حاکمیت خود تصمیم می‌گیرد اموالی را که به زور از مردم غصب شده بود را به آن‌ها باز گرداند در مرحله اول از امام هفتم (ع) نیز دعوت نمود تا با این حرکت سیاسی عدالت خود را نشان دهد.

امام هفتم (ع) به مهدی عباسی فرمود: اگر قرار است جبران ستمگری‌هایی را که به عمل آمده است بشود چرا حقوق مورد تجاوز ما باز گردانده نمی‌شود؟
مهدی پرسید: حقوق غصب شده شما چیست؟
امام فرمود: فدک.

مهدی گفت: حدود آن را برای من بیان کن تا پس دهم.

امام در اینجا به جای اینکه صرفاً به باغ غصب شده فدک توسط ابوبکر اشاره کند تمام قلمرو و محدوده حکومت او را به عنوان مرزهای فدک مشخص کرد مهدی عباسی با دیدن این مطلب رنگ از چهره‌اش پرید و گفت: این‌ها خیلی زیاد است باید درباره آن اندیشه کنم.^۳

البته مشابه این گفتگو را امام با هارون الرشید نیز دارد^۴ و در اینجا مشخص می‌شود که چرا حضرت صدیقه کبری (ع) برای گرفتن فدک این همه تلاش نمود و برای چه

۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۴.

۲. غررالحکم، ص ۱۱۷، حدیث ۲۰۳۶.

۳. حیاة الامام موسی بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۴۵۲.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۳۵.



هدفی تلاش می‌کرد، چرا که طبق دستور قرآن کریم هر امانتی باید در دست اهل آن قرار گیرد و تاریخ خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس نشان داد که آن‌ها واقعا استحقاق این خلافت را نداشتند.

۱۹۴. اعجاز نشانه امام است

أُمّ‌اَسْلَمَ، یکی از بانوان مسلمان عصر پیامبر ﷺ می‌خواست بداند که وصی پیامبر اسلام ﷺ کیست؟ تصمیم گرفت شخصا از رسول خدا ﷺ سؤال کند او به سوی خانه پیامبر ﷺ حرکت کرد. او از همسر پیامبر ﷺ پرسید: پیامبر کجاست؟ همسر پیامبر گفت: به دنبال کاری رفته هم اکنون می‌آید.

أُمّ‌اَسْلَمَ وقتی رسول خدا ﷺ را دید عرض کرد: یا رسول الله پدر و مادرم فدایت من کتابها را خوانده‌ام و به پیامبران و اوصیاء آن‌ها آگاهی دارم حضرت موسی ﷺ در زمان حیات خود وصی به نام (هارون) و بعد از وفاتش نیز دارای وصی (بنام یوشع) بود حضرت عیسی ﷺ نیز برای خود وصی داشت (در زمان حیاتش کالب‌بن‌یوحنا و بعد از غیبت او شمعون بود) اکنون بفرمائید: **فمن وصیک یا رسول‌الله: «ای رسول خدا! وصی شما کیست؟»**

پیامبر ﷺ فرمود: ای اُمّ‌اَسْلَمَ! وصی من در حیات و وفات یکی است ای اُمّ‌اَسْلَمَ! هرکس این کار را که اکنون انجام می‌دهم انجام دهد، او وصی من است، همان دم پیامبر ﷺ مشتی از سنگریزه‌های زمین را برداشت و با دستش مالید تا مانند خاکی نرم شد همان را خمیر کرد و با انگشترش آن را مهر نمود و جای مهر در آن نقش بست!! اُمّ‌اَسْلَمَ از محضر رسول خدا ﷺ بیرون آمد و به حضور امیرمؤمنان علی ﷺ رسید و گفت: پدر و مادرم به فدایت آیا وصی رسول خدا ﷺ شما هستید؟

امام علی فرمود: آری ای اُمّ‌اَسْلَمَ سپس آن حضرت با دستش مشتی سنگریزه برداشت و آن را مالید تا به خاکی نرم تبدیل شد. سپس آن را گِل کرد و انگشتر خود را بر آن زد که جای انگشترش در آن نقش بست.

اُمّ‌اَسْلَمَ از محضر علی ﷺ بیرون آمد، نزد امام حسن ﷺ که کودک بود رفت و گفت: آیا تو وصی پدرت هستی؟

امام حسن فرود: آری ای اُمّ‌آسلم سپس امام حسن علیه السلام همان کار جد خود و پدرش را در مورد سنگریزه انجام داد.

اُمّ‌آسلم سپس نزد حسین علیه السلام آمد و گفت: آیا تو وصی برادرت هستی؟ امام حسین علیه السلام فرمود: آری ای اُمّ‌آسلم! آنگاه آن حضرت همان کار جد و پدر و برادرش را انجام داد.

اُمّ‌آسلم زنده بود تا بعد از شهادت امام حسین علیه السلام آنگاه به حضور امام سجاده علیه السلام آمد و پرسید: آیا شما وصی پدرت هستی؟

امام سجاده علیه السلام فرمود: آری ای اُمّ‌آسلم سپس آن حضرت همان کار اجداد و عمو و پدرش را انجام داد.^۱

❖ ۱۹۵. سن کمر شرط امام بودن نیست ❖

خیرانی از پدرش نقل می‌کند که گفت: در خراسان نزد امام رضا علیه السلام بودم کسی از آن حضرت پرسید: اگر برای شما حادثه‌ای رخ دهد به چه کسی رجوع کنیم؟

حضرت فرمود: به پسر ام ابوجعفر.

(سؤال کننده که سن و سال امام جواد را برای امامت کافی نمی‌دانست) تعجب کرد، سپس امام رضا علیه السلام فرمود: خدای متعال عیسی را به نبوت و رسالت برانگیخت در حالی که سن او از سن کنونی ابوجعفر هم کمتر بود.^۲

و در روایتی دیگر عبدالله بن جعفر می‌گوید: همراه با صفوان بن یحیی خدمت امام رضا علیه السلام شرفیاب شدیم امام جواد سه ساله بود و در آنجا حضور داشت از امام پرسیدیم اگر حادثه‌ای روی دهد جانشین شما کیست؟

امام به ابوجعفر اشاره کرد و فرمود: این فرزندم.

گفتیم: با این سن و سال؟

فرمود: آری با همین سن و سال خدای متعال عیسی علیه السلام را حجت خویش قرار داد در حالی که سه سال هم نداشت.^۳

۱. سفینة البحار، ج ۱، ص ۶۴۲.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳. کفایه الاثر، ص ۳۲۴.



۱۹۶. اتمام حجت

بعد از رحلت رسول خدا ﷺ و نشستن ابوبکر بر سند خلافت روزی علی علیه السلام ابوبکر را ملاقات کرد و به عنوان اعتراض به او فرمود: «ظلمت و فعلت» ظلم کردی و بر مسند خلافت نشستی.

ابوبکر: از کجا معلوم که امروز من ظلم کرده و رسول خدا ﷺ شما را شایسته خلافت دانسته نه مرا!!

علی علیه السلام: رسول خدا بر این کار آگاهی دارد و مرا حق و تو را باطل می‌داند.
ابوبکر: چگونه من رسول خدا ﷺ را با این که از دنیا رفته ملاقات کنم و از او سؤال کنم و حق و باطل قضیه را بفهم مگر این که در عالم خواب به حضورش برسم و جریان را به من بفرماید.

علی علیه السلام: حاضرم اکنون تو را نزد رسول خدا ﷺ ببرم و آن حضرت حقیقت را به تو بگوید، ابوبکر اعلام آمادگی کرد و همراه علی علیه السلام به مسجد قبا رفتند، علی علیه السلام در آن مسجد به اعجاز الهی رسول خدا ﷺ را به ابوبکر نشان داد، رسول خدا ﷺ نشست و به ابوبکر رو کرد و فرمود: **اعتزل عن ظلم.**

یعنی: از ظلم کردن به امیرمؤمنان علی علیه السلام دوری کن، ابوبکر از مسجد بیرون آمد و تصمیم گرفت زمام امور را به دست علی علیه السلام بسپارد، در مسیر راه با عمر ملاقات کرد و جریان دیدار با پیامبر ﷺ در مسجد قبا و گفتار پیامبر ﷺ را برای عمر شرح داد عمر با تندی گفت: «اسکت اما عرفت قدیما سحر بنی هاشم بن عبدالمطلب، خاموش باش ای ابوبکر آیا از قدیم الایام سحر و جادوگری فرزندان هاشم پسر عبدالمطلب را نشناخته‌ای؟»^۱

۱۹۷. هم شأن پیامبر اکرم ﷺ

روزی مردی خدمت علی علیه السلام آمد و عرض کرد:
یا علی! به شما امیرالمؤمنین لقب داده‌اند چه کسی تو را بر مؤمنین امیر کرده؟
حضرت فرمود: خداوند متعال مرا امیرالمؤمنین کرده، آن مرد نزد رسول خدا ﷺ رفت و

۱. الاختصاص شیخ مفید، ص ۲۷۴؛ نظیر این مطلب با اندکی تفاوت در اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۳ آمده است - بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۱ - بصائر الدرجات، ص ۲۷۶.



نیز امر کرد که مقام امامت را به پسر ت محمد بن علی (امام باقر) بسپاری و به او از جانب رسول خدا ﷺ و من سلام برسانی. آنگاه امام علی ﷺ بار دیگر به پسرش امام حسن ﷺ متوجه شد و فرمود: پسر جانم! تو صاحب امر (امامت) و اختیار دار خون من هستی (که در مورد ابن ملجم تصمیم بگیری) تو حق داری ابن ملجم را بیخشی یا بخشی اگر او را کشتی همان گونه که او یک ضربت به فرق سرم زد تو نیز یک ضربت بر سر او بزنی و کار ناروا نکن.^۱

۱۹۹. دو ثقل اکبر

از امیرمؤمنان علی ﷺ پیرامون معنای گفتار پیامبر خدا ﷺ که فرمود: همانا من در میان شما دو نعمت گرانبها گذاشتم کتاب خدا و عترت؛ سؤال شد عترت چه کسانی هستند؟ امام فرمود: عترت عبارت است از من و حسن و حسین و نه امام دیگر از نسل حسین که نهمین آن‌ها مهدی و قائم آنان است می‌باشیم آنان از کتاب خدا جدا نمی‌شوند و کتاب خدا هم از آنان جدا نمی‌شود تا کنار حوض کوثر بر رسول خدا ﷺ وارد شوند.^۲

۲۰۰. بهشت و جهنم تحت فرمان امام

روزی مأمون به امام رضا ﷺ عرض کرد:
مدتهاست این پرسش مرا به خود مشغول ساخته است که چرا به علی ﷺ «قسیم النار والجنة» می‌گویند؟
امام ﷺ فرمود: آیا از پدران خود از ابن عباس روایت نشده است که پیامبر ﷺ فرمود:
«دوستی علی ایمان است و دشمنی با علی، کفر است».
مأمون عرض کرد: آری! این روایت به ما رسیده است.
امام ﷺ فرمود: اگر تقسیم بهشت و دوزخ، بر اساس دوستی و دشمنی با علی ﷺ است، بنابراین علی ﷺ تقسیم کننده بهشت و دوزخ است.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۱.

۲. موسوعة کلمات الامام الحسنین ﷺ، ص ۶۵۹.



سه حرف است. او در همه آموزش پیرو پیامبر است و در همه امور کوچک و بزرگ او را یاری می‌کند و پریشانی‌ها را از او می‌زداید... او جانشین پیامبر است و او را بعد از وفاتش در حجره‌اش دفن می‌کند.^۱

۲۰۲. قواعد اسلام

کمیل بن زیاد می‌گوید: روزی از امیرالمؤمنین علی پرسیدم قواعد اسلام چیستند؟ فرمود: قواعد اسلام هفت چیز است:

۱. خردمندی که ریشه آن شکیبایی است. ۲. آبرومندی و راستگویی. ۳. قرآن خواندن با توجه. ۴. دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا. ۵. حق خاندان محمد و شناخت ولایت آنان. ۶. حق برادران دینی و حمایت از آن‌ها. ۷. همسایگی (معاشرت) با مردم به شکل نیکو، کمیل عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! بنده‌ای دچار گناه می‌شود و از آن آمرزش می‌خواهد. اندازه آمرزش خواستن چیست؟ علی فرمود: کمیل! اندازه‌اش توبه کردن است. گفتم: همین؟ فرمود: نه. گفتم: پس چگونه است؟ فرمود: هرگاه بنده گناه کرد بگوید: **استغفرالله** و بجناندد، عرض کردم: جناباندد چیست؟

فرمود: دو لب و زبان را به قصد این که به دنبالش حقیقت باشد. گفتم: حقیقت چیست؟ فرمود: از روی دل باشد و نیت کند که به گناهی که از آن استغفار کرده بازنگردد. عرض کردم:

یا علی! چون چنین کردم از مستغفرین هستم؟ فرمود: نه. عرض کردم: پس این چگونه حاصل گردد؟ فرمود: برای اینکه تو هنوز به اصل و ریشه آن نرسیدی. عرض کردم: پس ریشه استغفار چیست؟ علی فرمود: برگشت قطعی از گناهی که از آن استغفار کردی و اول درجه آن عبادت و ترک گناه است. استغفار یک نام است برای شش معنی.

۱. پشیمانی از گذشته؛ ۲. تصمیم قطعی بر عدم بازگشت به آن گناه؛ ۳. پرداخت حق هر یک از بندگان خدا که به او بدهکاری؛ ۴. ادای حق خدا در هر یک از واجبات؛ ۵.

۱. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۴۰ و کنز الفوائد، ص ۱۱۵ از منابع اهل سنت.

آب کردن هر گوشتی از تن خود را که به حرام در بدن تو روییده تا پوستت به استخوان بچسبد و سپس گوشت تازه میان آن‌ها بروی؛ ۶. به خود سختی عبادت خدا را برسانی آن گونه که از گناه لذت بردی.^۱

❖ ۲۰۲. راه علی صراط بهشت است ❖

محمد بن عباس از جابر انصاری روایت کرده که گفت: حضور پیغمبر (ص) ذکر بهشت شد فرمود: اول کسی که داخل بهشت می شود علی (ع) است. ابودجانه عرض کرد: ای رسول خدا آیا بهشت بر پیغمبر حرام است تا قبل از آنکه امیر المؤمنین داخل آن شود؟ فرمود: بلی.

مگر نمی دانی برای خداوند پرچم و عمودیست از نور که خلق نموده آن را دو هزار سال قبل پیش از آن که آسمان‌ها و زمین را بیافریند و بر آن نوشته شده «لا اله الا الله محمد رسول الله، آل محمد خیر البریه و علی صاحب اللواء و امام القوم». امام علی (ع) گفت: «الحمد لله الذی هدانا لک یا رسول الله و شرفنا بک». پیامبر فرمود:

یا علی! به دوستانت بشارت ده که کسی نیست که تو را دوست بدارد مگر آنکه خداوند او را در قیامت با ما محشور نماید...^۲

❖ ۲۰۴. اخبار بی نهایت ❖

ام سلمه می گوید: روزی نوبت من بود تا رسول خدا (ص) به حجره من آید، با علی (ع) وارد حجره شد و در حالی که دست به دست هم داده بودند پیامبر دست بر دوش علی (ع) گذاشت و به من فرمود: ای ام سلمه! لحظه ای از حجره بیرون برو و خانه را برای ما خلوت کن. ام سلمه می گوید: من بیرون رفتم آهسته صحبت آغاز کردند و من صدای آن‌ها را می شنیدم ولی سخن آن‌ها را نمی فهمیدم تا این که روز به نیمه رسید من به

۱. تحف العقول، ص ۱۹۶ و بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۶.



در حجره رفتیم و سلام کردم حضرت رسول ﷺ فرمود: به مکان اول خود باز گرد، آن‌ها را تنها گذاشتم، بعد از مدتی بار دیگر همین کار را کردم رسول خدا ﷺ همان جواب را به من داد بار دیگر من رفتم بر در حجره که رسول خدا ﷺ فرمود: داخل شو! علی دست خود را به زانوی پیامبر ﷺ گذاشته بود و با یکدیگر صحبت می‌کردند به محض ورود من کلام را قطع کردند حضرت امیر برخاست و رفت رسول خدا ﷺ به من فرمود: ای ام‌سلمه! جبرئیل از طرف خدا نازل شده و به من دستور داد چون بعد از تو علی جانشین و وصی تو است بگو آنچه را که بعد از تو تا قیامت واقع خواهد شد آگاه باش خدای تعالی برای امتی پیغمبری انتخاب نمود و برای هر پیغمبری وصی معین فرمود، پیغمبر این امت من هستم و علی وصی من می‌باشد.^۱

۲۰۵. ارادت میثم نثار علی

صالح یکی از فرزندان میثم تمار، نقل کرده است که پدرم گفت: روزی در بازار بودم، اصبح بن نباته یکی از یاران امام علی نزد من آمد و با حالتی شگفت زده گفت: ای وای میثم، از امیرالمؤمنین سخنی دشوار و عجیب شنیدم. گفتم: چه شنیدی؟ گفت: شنیدم که می‌فرمود: حدیث و سخن اهل بیت بسیار سنگین و دشوار است و آن را جز فرشته‌ای مقرب یا پیامبری صاحب رسالت یابنده مؤمنی که خداوند دلش را برای ایمان آزموده است توان تحملش را ندارد و به درک عمیق آن نمی‌رسد.

میثم می‌گوید: فوری برخاسته خدمت حضرت علی رفتم و از او نسبت به کلامی که از اصبح شنیده بودم توضیح خواستم حضرت تبسمی کرد و فرمود: بنشین ای میثم! آیا هر صاحب دانشی می‌تواند هر علمی را حمل کند و بار آن را بکشد؟!

خداوند وقتی به فرشتگان گفت که می‌خواهم در زمین جانشینی قرار دهم فرشتگان گفتند: خدایا آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد کند و خون بریزد؟ سپس حضرت به داستان حضرت موسی و خضر و سوراخ کردن کشتی و گشتن آن غلام اشاره کرد، آنگاه فرمود: پیامبر در روز غدیر خم دست مرا گرفت و فرمود: خدایا هر که را من مولایش بودم علی مولای اوست، ولی جز اندکی که خداوند نگاهشان داشت آیا دیگران این کلام

۱. احتجاج، ج ۱، ۴۲۱.

پیامبر را به دوش کشیدند و فهمیده و عمل کردند؟ پس بشارت باد بر شما که با آنچه از گفته پیامبر حمل کردید و به آن متعهد ماندید خداوند به شما امتیازی بخشید [ای میثم] که به فرشتگان و رسولان نداد. پس بدون ترس و گناه فضیلت ما و کار بزرگ و شان والای ما را برای مردم بازگویی کنید^۱ پس از شهادت حضرت مسلم در کوفه میثم توسط شخصی بنام عریف و به همراه ۱۰۰ نفر از مأموران میثم تمار به همراه مختار توسط ابن زیاد به زندان افتادند و بعدها مختار از زندان آزاد شد ولی میثم به دار آویخته شد^۲ و در کوفه مدفن این یار با وفای حضرت علی (ع) است.

❖ ۲۰۶. چه کسی ولی ماست؟ ❖

ابوسعید خدری به سلمان فارسی گفت: از پیغمبر (ص) سؤال کن که چه کسی جانشین و وصی شماست؟ سلمان نیز از پیامبر (ص) این موضوع را سؤال کرد. پیامبر (ص) فرمود: یا سلمان! وصی موسی چه کسی بود؟ سلمان جواب داد: یوشع بن نون. فرمود: همانا وصی من و وارث من، ادا کننده دین من و انجام دهنده امور من علی بن ابی طالب (ع) است.^۳

❖ ۲۰۷. اتمام حجتی عجیب ❖

رسول خدا (ص) رحلت کرد و ابوبکر بر مسند خلافت نشست روزی علی (ع) ابوبکر را دید و به او فرمود: ای ابوبکر قرآن می فرماید: «ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون؛ ای پیامبر! هرگز گمان مبر آن ها که در راه خدا کشته شده اند، مردگانند؛ بلکه آن ها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند».^۴

و من گواهی می دهم که محمد رسول خدا (ص) شهید از دنیا رفت، سوگند به خدا آن حضرت نزد تو می آید، وقتی که نزد تو آمد یقین کن چرا که شیطان نمی تواند خود را به صورت آن حضرت در آورد؟

آنگاه امام علی (ع) دست ابوبکر را گرفت و پیامبر (ص) را به او نشان داد، پیامبر (ص) به

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۲۵.

۳. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۶۳.

۴. آل عمران، ۱۶۹.



ابوبکر فرمود: «یا ابابکر آمن بعلی و باحد عشر من ولده، انهم مثلی الا النبوة و تب الی الله مما فی یدک، فانه لاحق لك فیه؛ ای ابوبکر! به (امامت) علی و یازده فرزندش ایمان بیاور، آن‌ها (در مقام رهبری و در وجوب اطاعت از آن‌ها) مانند من هستند فقط مقام نبوت ندارند از آنچه در دست گرفته‌ای در پیشگاه خدا توبه کن زیرا تو در آن مقام حقی نداری»، سپس پیامبر رفت و دیده نشد.^۱

۲۰۸. دلایل بقاء هستی

امام صادق فرمود:
«لو بقیت الارض بغیر امامٍ ساخت»؛ اگر زمین بدون امام می‌ماند به یقین (ساکنانش را) فرو می‌برد.^۲

۲۰۹. ولایت نگهبان سایر واجبات الهی

امام علی فرمود: حدود و مرزهای فریضی که خداوند بر خلق خود مقرر فرموده پنج فریضه است، که از بزرگ‌ترین فریضند: نماز و زکات و حج و روزه و ولایت که نگهبان چهار فریضه دیگر است.^۳

۲۱۰. تعهدی نورانی

در کتاب کافی در اول کتاب حج حدیث طولانی از حضرت صادق است که خداوند متعال عهد گرفت در رکنی از ارکان کعبه که حجرالاسود در آنجاست از برای ربوبیت خود و نبوت محمد و امامت و وصایت امیرالمؤمنین علی و اول کسی که به این مطلب اقرار کرد همین حجرالاسود بود، او در نزد خداوند از بزرگ‌ترین فرشتگان بود به واسطه و جهت محبت زیادی که به محمد و آل محمد داشت.

۱. اختصاص شیخ مفید - اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۳ - بصائر الدرجات، ص ۲۸۰، باب ۵ - بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۵۱، باب ۳.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۸۸.

۲۱۱. راه نجات

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند ایمان هیچ بنده‌ای را قبول نمی‌کند مگر به ولایت علی علیه السلام و برائت و بیزاری از دشمنان او.^۱
و در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود:
...و کسی که یکی از دشمنان ما را دوست بدارد یا دوستی از ما را دشمن بدارد، به خداوندی که سبع مثنی و قرآن عظیم را نازل کرده کافر شده است.^۲

۲۱۲. گروه گمراه

موفق بن احمد از ابوبکر بن مردویه به اسناد خود از امام علی علیه السلام نقل کرده که امام فرمود: امت اسلام به ۷۳ فرقه تقسیم می‌شوند، همه آن‌ها در آتشند جز یک فرقه که در بهشت است و آن‌ها کسانی هستند که خداوند درباره آن‌ها فرموده: «از میان کسانی که آفریدم گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند و به آن عدول می‌کنند» و این گروه، من و شیعیانم هستیم.

۲۱۳. حجتی در آسمان‌ها

در حدیثی قدسی خداوند متعال می‌فرماید: «...و حجتی فی السموات والارضین علی جمیع من فیهن من خلقی لاقبل عمل عامل منهم الا بالاقرار بولایتی مع بنوة احمد رسولی»؛ من علی را در آسمان‌ها و زمین بر همه آفریدگان خود حجت قرار دادم و عمل هیچ کسی را بدون اقرار به ولایت او و نبوت پیامبر خود نمی‌پذیرم.^۳

۲۱۴. بیشترین فریادها

امام باقر علیه السلام فرمود: «بنی الاسلام علی خمس: علی الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية ولم یناد بشيءٍ کما نودی بالولاية».

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۲۹.

۲. امالی صدوق، ص ۱۱۱، حدیث ۷.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۲۱۲.



اسلام بر پنج پایه استوار شد: نماز، زکات، روزه، حج، و ولایت. و برای هیچ چیز به اندازه ولایت فریاد نشده است.^۱

❖ ۲۱۵. سپری برای آتش ❖

رسول خداﷺ فرمود: «لو اجتمع الناس کلهم علی ولایة علی ما خلقت النار». اگر مردم همگی بر ولایت علیؑ جمع می‌شدند آتش را خلق نمی‌کردم.^۲

❖ ۲۱۶. به تو پشت می‌کند ❖

رسول خداﷺ از اتفاق بعد از خود به امام علیؑ خبر داده بود. چنانچه فرموده بود: ان الامة ستغدر بك من بعدی؛ امت من پس از من به تو خیانت می‌کند اگر یارانی یافتی قیام کن و گرنه سکوت اختیار کن.^۳

❖ ۲۱۷. برهانی ربانی داریم ❖

چه کسی بیشتر از امام علیؑ از سنت رسول خداﷺ پیروی کرد و آن را اجراء کرد؟ آن کسی که در این راه تلاش کرده و عمل کرده و آن را حفظ کرده امام مسلمین است. راوی از امام رضاؑ می‌پرسد: آنچه شما می‌گویید از کتاب خدا و سنت رسول خدا است یا از اجتهاد شخص خودتان؟

امام فرمود: آنچه ما می‌گوییم از کتاب خدا و سنت پیامبر است.^۴ امام محمد باقرؑ فرمود: اگر ما به رأی خود می‌گفتیم گمراه شده بودیم، مانند کسانی که پیش از ما گمراه شدند، نه چنین نیست، بلکه ما با برهان پروردگاران سخن می‌گوییم، برهانی که پروردگار ما آن را برای پیامبرش بیان فرموده و آن حضرت نیز آن را برای ما بیان کرده است.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. امالی صدوق، ص ۵۲۳.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۰۷ - مناقب ابن مغازی شافعی، ج ۳، ص ۲۱۶ - نهج الحق، ص ۳۲۹ و تاریخ بغداد.

۴. بصائر الدرجات تألیف محمد بن صفار متوفی ۲۹۰ هـ، ص ۳۰۱.

و امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر چنین نبود (یعنی اگر برهان الهی نداشتیم و به پیامبر پیوسته نبودیم) یقیناً همانند مردم بودیم.^۱
 لذا در طبقات ابن سعد آمده که از امام علی علیه السلام پرسیدند: چگونه است که تو از سایر صحابه رسول خدا بیشتر حدیث می‌گویی؟
 فرمود: من چنان بودم که اگر از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرسیدم آگاهم می‌کرد و اگر ساکت می‌شدم او خود شروع می‌فرمود.^۲

۲۱۸. خود را از آتش نجات ده

سلیمان بن خالد به امام صادق علیه السلام عرض کرد: اهل بیت و فامیل من کاملاً حرف و سخن مرا می‌شوند، آیا آن‌ها را به مسئله امامت دعوت کنم؟ حضرت فرمود: آری، چون خداوند می‌فرماید: ای مؤمنین، خود و اهل بیت خود را از آتشی که هیزمش عبارت از سنگ و انسان است نجات دهید.^۳

۲۱۹. ارزش ابدی

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله شدت محبت خود به علی علیه السلام را برای دختر بزرگوار خود بیان فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام نیز در پاسخ پدر فرمود:
 پدرجان! سوگند به خدایی که تو را به رسالت انتخاب کرد و برای هدایت انسانها برگزید تو را هدایت و امت اسلامی را به وسیله تو هدایت نمود تا زنده‌ام همواره به ارزش‌های علی اعتراف خواهیم داشت.^۴

۲۲۰. نشانه‌های تشخیص راه حق

در روایتی حضرت رضا علیه السلام سی نشانه از علائم امام را بیان فرمودند که مواردی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. بصائر الدرجات، ص ۳۰۱.
۲. طبقات ابن سعد بخش معرفی امام علی علیه السلام، ج ۲، ص ۳۳۷ چاپ بیروت، احمد بن حنبل نیز در کتاب - خطی - خود در بخش فضایل امام علی علیه السلام این روایت را آورده است.
۳. کافی، ج ۲، ص ۲۱۱، تحریریم، ۶.
۴. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۹۴.



- امام عالم‌ترین مردم می‌باشد.
- قضاوت امام از همه بالاتر و جامع‌تر است.
- امام با تقواترین انسانها در زمان خود (حیات خود) می‌باشد.
- او بردبارترین انسانها است.
- شجاع‌ترین مردم امام معصوم است.
- او با سخاوت‌ترین مردم است.
- عابدترین مردم در هر زمانی امام همان زمان است.
- او پاک و پاکیزه متولد می‌شود.
- برای امام سایه‌ای نیست. (نمونه‌ای و ماندنی ندارد).
- وقتی متولد می‌شود و کف دست را روی زمین گذاشته با صدای بلند شهادت به یگانگی خداوند و رسالت رسول خدا ﷺ می‌دهد.
- احتلام برای او نیست.
- چشم او به خواب می‌رود ولی قلبش بیدار است.
- فرشته با او سخن می‌گوید. (وحی نمی‌شود).
- زره رسول خدا ﷺ به تن هر امام اندازه است.
- بول و غائط او دیده نمی‌شود و زمین مأمور مخفی کرده آن است.
- بوی خوشی دائما از امام ساطع است که از بوی مشک خوش‌بوتر است.
- شفقت، زحمت و دلسوزی امام نسبت به امت و مردم بیشتر از پدر و مادر آنها است.
- تواضع امام نسبت به خدا از همه بیشتر است.
- وقتی امری می‌نماید خود بیشتر از دیگران به آن عمل می‌کند (چنانچه امیرالمؤمنین ﷺ نیز در نهج‌البلاغه سوگند یاد می‌فرمایند که آنچه به شما دستور می‌دهم خود قبل از شما به آن عمل نموده‌ام).
- از چیزی که نهی می‌کند بیشتر از دیگران دوری می‌کند.
- دعای امام همیشه مستجاب است اگر دعا کند درباره صخره‌ای آن سنگ نصف می‌شود.



رحم‌ها قرار گرفته‌ایم و در صلب مردها بوده‌ایم و از آنچه در زمین و آسمان هست با علم خداوند به آن آگاه شده‌ایم ما به این ویژگی مخصوص شده‌ایم من و دو فرزندم شیر و شبیر و مادرشان زهرا و ائمه بعد از ما تا به قائم از یک چشمه سیراب شدیم و بر یک چشمه وارد شدیم از من و ائمه بعد از من هر سؤالی داری بپرس خداوند زمین را از ما خالی نخواهد گذاشت تا قیام قائم.^۱

۲۲۴. نوری عمیق در قلبی با ایمان

روزی میمونه همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! من از میان اصحاب تو، تنها تعداد کمی را می‌شناسم که علی بن ابی طالب را دوست بدارند. حضرت فرمود: همان جمع کم مؤمنین (درحقیقت) زیاد هستند. و از این‌ها کدامشان را می‌شناسی؟ میمونه گفت: اباذر و مقداد و سلمان را می‌شناسم و شما می‌دانی که من نیز علی رضی الله عنه را به خاطر محبت شما به او، و دلسوزی علی بن ابی طالب نسبت به شما، دوست دارم. حضرت فرمود: راست گفتی. تو قلبت را خداوند به ایمان آزموده است.^۲

۲۲۵. اولین تصدیق کننده

اصبغ بن نباته می‌گوید: روزی حارث همدانی با گروهی از شیعیان بر امیرمؤمنان رضی الله عنه وارد شدند حارث به آن حضرت عرض کرد: مردم درباره شما و سه خلیفه پیشین با هم اختلاف و دشمنی دارند. امام پس از سخنانی فرمود: یا حارث: الا انی عبدالله واخو رسوله وصدیقه الاول قد صدقته و آدم بین الروح والجسد ثم انی صدیقه الاول فی امتکم حقا.^۳ یعنی ای حارث: ... آگاه باش که من بنده خدایم و برادر رسولش و اولین تصدیق کننده او هستم من در حالی پیامبر خدا را تصدیق کردم که هنوز آدم بین روح و جسد بود پس در میان امت به حق، اولین تصدیق کننده‌ام (یعنی من امام بر حق هستم).

۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۸۳.

۳. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۷۹.



از دستورات آنها می‌فرمایند: چون مردم خود از چنان توانی برخوردار نیستند که بتوانند مصلحت خود را کاملاً درک کنند و از طرفی سازنده هستی نیز برتر از آن است که مشاهده شود و ضعف و ناتوانی بندگان از ادراک او نیز کاملاً روشن است پس ناچار باید میان خدا و مردم فرستاده‌ای معصوم (پیامبر یا امام) باشد تا اوامر و نواهی و آموزشهای او را به مردم برساند و به آنچه منافعشان را تأمین و زیانهایشان را دفع می‌کند آگاهشان سازد.

چرا که در وجودشان وسیله‌ای که بتوانند با آن آنچه را بدان نیاز دارند و سود و زیانشان را بشناسند وجود ندارد.

اگر شناخت پیامبر و اطاعت از او بر مردم واجب و لازم نبود آمدن پیامبر برای آنان حاصلی نداشت و مشکلی را حل نمی‌کرد و فرستادن او کاری بیهوده و غیر سودمند می‌بود و این حرکت از موجود (خداوند) حکیمی که همه چیز را با حساب و کتاب و متقن آفریده به دور است.^۱

❖ ۲۲۹. راه نجات بخش را نشان داد ❖

روزی رسول خدا ﷺ به سلمان فارسی فرمود: ای سلمان! به زودی بعد از من فتنه‌ها ظاهر می‌شود سلمان عرض کرد پس در آن هنگام تکلیف ما چیست؟

پیامبر ﷺ فرمود: بر شما باد که به شیخ پناه ببرید.

عرض کرد: شیخ کیست؟

فرمود: علی بن ابی طالب.

عرض کرد: اگر علی علیه السلام دار فانی را وداع کرد چه کنیم؟

فرمود: بر شما باد به دو سبط من حسن و حسین.

عرض کردم: اگر این دو نیز رحلت کردند؟

۱. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۴۰.

فرمود: بر شما باد که به اهل بیت پیامبران پناه ببرید برآستی که اینان شما را در گمراهی داخل نمی کنند و از هدایت خارج نمی سازند پس با اینها باشید.^۱

۲۳۰. وسیله هدایت به راه راست

ابن عباس گفت: وقتی از حجه الوداع برگشتیم با رسول خدا ﷺ در مسجد نشسته بودیم حضرت فرمود: آیا می دانید چه مطلبی را می خواهیم برای شما بگوییم؟ مردم گفتند: خدا و رسولش دانانترند.

فرمود: بدانید که خداوند بر اهل دین منت گذاشت آن زمان که آن ها را بوسیله من هدایت کرد من بر اهل دین منت گذاشتم آن وقتی که آن ها را به علی بن ابی طالب علیه السلام که پسر عمویم و پدر فرزندانم است هدایت کردم آگاه باشید کسی که به واسطه این ها هدایت شود نجات یافته و کسی که از (فرمان) این ها تخلف نماید گمراه شده و سرگردان و نابود می گردد.

سپس فرمود: ای مردم خدا را خدا را در مورد عترت و اهل بیت من مراعات کنید فاطمه پاره ای از (تن) من است و دو فرزندش دو عضو من هستند و من و شوهرش همانند نوری از نور هستیم بار خدایا! مهربان باش با کسی که به اینها مهربان باشد میامرز کسی را که به اینها ستم روا دارد.^۲

۲۳۱. پایه و اساس دین خدا

امام باقر علیه السلام روایت کند که رسول خدا ﷺ به علی بن ابی طالب فرمود: ای علی! من و تو و دو فرزندت حسن و حسین و نه نفر از اولاد حسین پایه های دین و استوانه های اسلام هستیم هر کس از ما پیروی کند نجات یابد و هر کس از فرمان ما سر پیچد راهش به سوی آتش خواهد بود.^۳

۱. احقاق الحق، ج ۹، ص ۲۲۸.

۲. بحرالمناقب، ص ۱۱۶.

۳. امالی صدوق ص ۴۷۴.



و در روایتی دیگر رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس را که خداوند متعال به معرفت و ولایت اهل بیت من رهنمون ساخت همه خوبی‌ها را برایش فراهم کرده است.^۱

۲۳۲. نظر کرده خدا

پیامبر اکرم ﷺ به حضرت صدیقه کبریٰ فرمود:
دخترم! آیا نمی‌دانی که خداوند بر روی زمین نظر کرد و از بین آن‌ها پدرت را به نبوت برگزید و آنگاه بار دیگر نظر افکند و شوهرت را برگزید و به من وحی فرمود: تا تو را به ازدواج او در آورم و او را وصی خود قرار دهم.^۲

۲۳۳. معرفی دقیق دین

سلیم بن قیس >هلالی می‌گوید: از امام علی فرمودم: یا امیرالمؤمنین! امر و اعتقادی که باید مرد مسلمان آن را داشته باشد چیست که با وجود آن شک در سایر موارد مانعی نخواهد داشت؟
امام فرمود:

شهادت به یگانگی خدا و آنکه شریکی ندارد و اینکه محمد بنده و پیامبر اوست و اقرار به آنچه که از طرف خدا نازل شده و اقامه نماز و زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا، و ولایت ما اهل بیت و براءت و بیزاری جستن از دشمنان ما و اینکه از هر مست کننده‌ای دوری کند.

سؤال کردم: اقرار به آنچه که فرمودید؟ به طور کلی (گفتن) کافی است یا شرح و تفسیر لازم دارد؟

فرمود: نه بلکه فی‌الجمله و کلی آن بس است.

عرض کردم: مست کننده چیست؟

فرمود: آشامیدنی است که زیاد خوردن او مستی آورد حتی یک جرعه بلکه یک قطره آن نیز حرام است.

۱. امالی مفید، ص ۲۳۹.

۲. ذخایر العقبی، ص ۳۲.



با این همه حرمت پیوند سببی تو و حقی که سؤال تو ایجاب می کند، محفوظ می باشد بی گمان طالب دانستنی پس بدان که: داستان خود کامگی ای که در مورد خلافت بر ما تحمیل شد با آن که ما هم برتری نسبی داشتیم و هم همبستگی فکری و فرهنگیمان با رسول خدا ﷺ شدیدتر بود نوعی انحصارطلبی از جانب گروهی و گذشت و ایثار گروهی دیگر چیزی نبود به هر حال داور مطلق خداست و بازگشت همه در روز قیامت به سوی اوست...^۱

۲۳۵. مفصل خطبه ششقیه

امیرالمؤمنین هنگامی که در حال قرائت خطبه ششقیه بود مردی برخاست و نامه ای به دست امام داد در آن نامه ده مسئله از امام سؤال کرده بودند حضرت همه را جواب داد و اما سؤالات:

.... آن چیست که قلیل آن مباح و زیاد آن حرام است؟

فرمود: نهر طالوت، خداوند می فرماید: «**الا من اغترف غرفة بيده**»؛^۲ که هر که بیشتر آن را بیاشامد حرام است.

- کدام عبادت است که اگر بجا بیاورند حرام است و اگر آن را ترک کنند نیز حرام است؟

فرمود: نماز انسان است، خدا می فرماید: «**لاتقربوا الصلوة وانتم سكارى**».^۳

- چیزی که از شکم حیوانی بیرون آمد و شباهت و نسبتی بین آن ها نبود؟

فرمود: یونس که از شکم ماهی خارج شد.

- چهار نفر شهادت دادند بر زنای محصن پس حاکم شرع حکم به رجم او کرد یک

نفر از آن شهود با مردم او را رجم کرد در حال رجم کردن این شاهد از شهادت دادن

خود برگشت در حالی که هنوز مرجوم (رجم شونده) زنده بود و بعد فوت شد. بعد از فوت

آن سه نفر شاهد دیگر نیز از شهادت خود منصرف شدند در این صورت دیه آن مرد به

گردن کیست؟

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱.

۲. بقره، ۲۴۹.

۳. نساء، ۴۳.



پروردگارت (مرگ) مانع من نبود و نه اینکه نمی دانستم آنچه در نزد خداست برای من از دنیا و زندگی آن بهتر است. بلکه آنچه مرا منع می کرد فرمان پیامبر اکرم ﷺ و پیمان او با من بود، آنچه امت بعد از پیامبر کردند او به من خبر داده بود آن هنگامی که به چشم خود کارهای آنان را می دیدم یقین و دانائی من با قبل آن فرقی نداشت من بگفته پیامبر بیش از آنچه می دیدم و شاهد بودم یقین داشتم...

پیامبر فرمود: اگر یارانی پیدا کردی خود را در مقابل آنان قرار بده و با آنان جهاد کن و اگر یاری پیدا نکردی دست نگهدار و خون خود را هدر نده... تا اینکه یارانی برای برپایی دین و کتاب خدا و سنت من بیایی.^۱

(امام چند شب بعد از ماجرای سقیفه چند شب متوالی به در خانه اهل بدر و سابقین از مهاجرین و انصار می رفت و آن ها را به دفاع از ولایت دعوت کرد و در آن میان ۴۰ نفر و به روایتی ۴۴ نفر) قول مساعدت دارند امام به آن ها فرمود: فردا سر خود را تراشیده و در فلان محل جمع شوید ولی فردای آن روز از آن ۴۰ نفر فقط ۴ نفر بودند که حاضر به دفاع از حریم ولایت شدند که آن ها عبارت بودند از سلمان، مقداد، ابوذر، زبیر). سپس امام به قیس فرمود: بخدا قسم اگر آن چهل نفر که با من بیعت کردند به من وفا می کردند و صبحگاه با سرهای تراشیده در خانه ام حاضر می شدند قبل از آنکه بیعت ابوبکر را بپذیریم بر ضد آنان نهضت به پا می کردم و او را نزد خداوند به محاکمه می کشیدم.

و نیز اگر قبل از بیعت کردن با عمر یارانی پیدا می کردم با آنان می جنگیدم... (من تنها ماندم).

۲۳۷. معجزه‌ای علوی

انس بن مالک^۲ می گوید: روزی رسول خدا ﷺ به من امر کرد تا ده نفر از اصحاب او را در نزد ایشان حاضر کنم وقتی آن ها حاضر شدند امر فرمود تا فرشی را که یکی از بزرگان قبیله به آن حضرت هدیه داده بود را پهن کنم.

۱. /ارشاد القلوب، ص ۳۹۴.

۲. انس بعدها منکر ولایت امیرالمؤمنین شد و طبق نفرین امام علی علیه السلام به بیماری برص مبتلا شد.



سپس پیامبر ﷺ به آن ده نفر امر فرمود: تا بر روی آن فرش بنشینند. آنگاه فرمود: ای انس! تو نیز بر این فرش بنشین و آنچه را در این سفر دیدی به من خبر ده.

انس می‌گوید: وقتی همه بر روی آن فرش قرار گرفتیم. امیرالمؤمنین علی (ع) به باد امر کرد تا این که آن فرش را حرکت دهد آنگاه این فرش با ساکنان آن از مکانی به مکان دیگر حرکت می‌کردند. تا این که مجدداً علی (ع) به باد امر نمود که ما را به روی زمین بگذارد وقتی روی زمین قرار گرفتیم فرمود: آیا می‌دانید در چه محلی می‌باشید؟ عرض کردیم: خدا و رسول و وصی او داناتر است. حضرت فرمود: این کوه آرامگاه اصحاب کهف^۱ است برخیزید ای اصحاب پیغمبر و به اصحاب کهف سلام کنید.

آنگاه ابوبکر و عمر که همراه این ده نفر بودند بلند شدند هر دو در جلو غار آمدند و بر آن‌ها سلام کردند ولی جوابی نشنیدند. آنگاه سایر اصحاب دو به دو برخاستند و در جلوی غار قرار می‌گرفتند و به اصحاب کهف سلام می‌کردند ولی جوابی نیز نصیب آن‌ها نشد. تا این که امیرالمؤمنین علی (ع) در جلو غار آمد و فرمود:

«السلام علیکم یا اصحاب الکهف والرقیم کانوا من آیات الله عجايب».

سپس همه ما شنیدیم که از میان غار صدایی بلند شد: «وعلیک السلام یا وصی رسول الله ورحمه الله وبرکاته».

علی (ع) فرمود: ای اصحاب کهف چرا شما جواب سلام سایر اصحاب پیغمبر را ندادید؟ آن‌ها گفتند: ای خلیفه پیغمبر آخر الزمان ما اجازه نداریم با کسی تکلم کنیم مگر با پیغمبر یا وصی او، و اگر تو نیز وصی پیغمبر نبودی با تو هم تکلم نمی‌کردیم. علی (ع) به ما فرمود: آیا شنیدید آنچه را که اصحاب کهف گفتند.

۱. آرامگاه اصحاب کهف فی الحال در سه منطقه ذکر شده ۱- در منطقه‌ای در آذربایجان شوروی سابق در منطقه قفقاز ۲- در کشور سوریه نزدیکی شهر دمشق در کوه قاسیون و منطقه‌ای در اردن.



عرض کردیم: بلی یا امیرالمؤمنین آنگاه امام فرمان داد تا این که هر کس به جای خود در روی آن فرش قرار گیرد.

سپس باد ما را حمل کرد تا در مسجد پیغمبر در مدینه که ما را به زمین گذاشت. رسول خدا ﷺ رو به او کرد و فرمود:

ای انس! آیا تو می‌گویی آنچه را که دیدی یا من بگوییم.

عرض کردم: یا رسول الله سخن از زبان شما شنیدن شیرین تر است.

سپس حضرت تمام ماجرای ما را از اول تا آخر نقل فرمود در پایان فرمود:

«ای انس! چون وصی من علی، بعد از من از تو در این باب شهادت خواست کتمان مکن».

ولیکن وقتی رسول خدا ﷺ از دنیا رفت و خلافت را از علی ﷺ گرفتند روزی در حضور جمعی علی ﷺ از او شهادت طلبید که او در پاسخ امام گفت:

پیری مرا دریافته و همه چیز از نظرم محو شده است.

امام فرمود: ای انس! اگر آنچه در نظر داری کتمان کرده‌ای خدا تو را به مرض برص و کوری دل مبتلا گرداند.

انس می‌گوید: هنوز از مجلس امام برخاسته بودم که آثار نفرین امام را در خود دیدم.^۱

◆ ۲۳۸. تنهای تنها ◆

امیر مؤمنان علی ﷺ پس از بازگشت از جنگ نهروان نامه‌ای را نگاشت و دستور داد به مردم آن را ابلاغ کنند، اما سبب نوشتن نامه این بود که عده‌ای در مورد ابوبکر و عمر و عثمان از آن مولای بزرگوار پرسش کردند که علی ﷺ از این سؤال خشمگین شدند و فرمودند: این پرسش‌های بی‌حاصل را چه سود؟ بنگرید که شهر مصر را تصرف کرده‌اند و معاویه «ابن خدیج» و «محمد بن ابی‌بکر» را به قتل رسانیده، چه مصیبت بزرگی! کشته شدن محمد مرا مصیبتی است بزرگ.

به خدا سوگند که او مانند یکی از فرزندان من بود. سبحان الله ما امیدوار بودیم که بر

۱. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۱۴۱.



ساختم تا خدایتعالی چه خواهد... عبدالرحمن بن عوف به من گفت: ای پسر ابوطالب تو آیا به این امر (حکومت) بسیار دلبسته‌ای؟

گفتم: دلبسته به آن نیستم اما میراث محمد ﷺ و حق او را مطالبه می‌کنم و ولایت این امت بعد از او از آن من است و شما به این امر (حکومت) حریص‌ترید تا من، زیرا که شما با زور شمشیر میان من و حق من حائل شده‌اید و مرا از حقم باز داشته‌اید بار خدایا! من شکایت قریش را به درگاه تو می‌آورم... رسول اکرم ﷺ با من عهد کرد و فرمود:

ای پسر ابوطالب! ولایت امر من با تو است پس اگر با عافیت و سلامتی ولایت را به تو وا گذاشتند و به اتفاق بر آن تسلیم شدند و به آن کار و پذیرش آن قیام کن، اما اگر اختلاف کردند آن را و آنچه را که به آن سرگرمند را رها کن...

و اما اگر بعد از رسول خدا ﷺ حمزه عمویم و جعفر برادرم برای من مانده بودند به اجبار و اکراه با ابوبکر بیعت نمی‌کردم.

من دچار دو مرد (عباس) و (عقیل) بودم که کاری از آنان ساخته نبود پس در نظر گرفتم که خاندان خود را حفظ کنم و با خار و خاشاک در دیده، چشم بر هم نهادم و جرعه‌های خشم و اندوه را با گلوی گرفته فرو بردم و با شکیبایی تلخ‌تر از حنظل و شکافنده‌تر از تیغ ساختم...

به خدا سوگند در خون عثمان اتهامی ندارم (شراکت نداشتیم) من مسلمانی بودم از مهاجران که در خانه خود بود وقتی او را کشتید نزد من آمدید تا با من بیعت کنید.

من از قبول آن خودداری کردم شما عذر مرا نپذیرفتید دستم را که برای بیعت گرفتید و کشیدید، واپس کشیدم آنگاه به من هجوم آوردید مانند هجوم شتران تشنه که به آب‌شخور خود هجوم برند، ازدحام شما چنان بالا گرفت که بیم آن کردم که کشته شوم و یا بعضی از شما بعضی دیگر را به قتل برسانند، از شدت هجوم بند نعلینم پاره شد و ردا از دوشم افتاد و ناتوانان پایمال شدند...

(حضرت از اینجا به بعد در نامه خود به شورش‌ها و بیعت‌شکنی‌ها و ظلم‌های بعد از بیعت که بر او روا داشتند را تحلیل می‌نمایند و به شدت اعمال ناجوانمردانه بعضی را سرزنش می‌نمایند و در انتها... می‌فرمایند)...



سلیم می‌گوید: عرض کردم، «ای امیرمؤمنان! آن حجت و گواهان الهی را برای من تعریف کن!».

امام علی علیه السلام در پاسخ فرمود: آن‌ها کسانی هستند که خداوند (اطاعت) آنان را (در قرآن) قرین اطاعت خود و پیامبرش قرار داده و فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا را و اطاعت کنید صاحبان امر را»^۱.

عرض کردم: ای امیرمؤمنان! خدا مرا فدایت کند این مطلب را روشن‌تر بیان کن. حضرت فرمود: آن‌ها (صاحبان امر) کسانی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه‌اش در روز رحلتش فرمود: «همانا من دو چیز را در میان شما می‌گذارم که پس از من تا وقتی که به آن دو چنگ زنید هرگز گمراه نشوید: کتاب خدا، عترت من، که خاندان من هستند؛ زیرا خداوند لطیف و آگاه به من سفارش کرده که آن دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد گردند؛ مانند این دو انگشت؛ سپس امام دو انگشت اشاره خود را بهم چسبانید و...

آنگاه فرمود: «تمسکوا بهما لاتزلوا ولا تزلوا ولا تقدموهم فتزلوا؛ پس به هر دوی این‌ها چنگ بزنید تا لغزش نکنید و گمراه نگردید و از آن‌ها جلو نیفتید که گمراه خواهید شد»^۲ و در روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

سوگند به خداوندی که جان من در دست اوست اگر کسی عمل هفتاد پیامبر را انجام دهد هرگز وارد بهشت نخواهد شد مگر این که برادرم علی را دوست داشته باشد.^۳

۲۴۰. راه حق که رهرو است

روزی عبدالرحمن بن ابی لیلی در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام برخاست و عرض کرد: ای امیرمؤمنان از شما پرسش می‌کنم تا چیزی را از شما فرا گیرم، البته منتظر بودیم که درباره کار خودت چیزی بفرمائی اما چیزی نفرمودی. آیا از کار خویش به ما خبر نمی‌دهی که آیا (این سکوت شما) به دلیل سفارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است یا نظر خودتان

۱. نساء، ۵۹.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۱۴ - الطرائف، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۲۶۱.



چنین است؟ ما می‌گفتیم: اگر حکومت پس از رسول خدا ﷺ به دست شما می‌رسید احدی با شما به نزاع نمی‌پرداخت، به خدا سوگند اگر از من بپرسند نمی‌دانم چه بگویم؟ آیا چنین خیال کنیم که این جماعت به آنچه که در آند از شما شایسته‌ترند؟ اگر چنین بگویم پس به چه دلیل رسول خدا ﷺ در بازگشت از حجة الوداع شما را نصب نمود و فرمود: «ای مردم! هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست». و اگر شما از آنان نسبت به آنچه که آن‌ها در آند شایسته‌تری پس برای چه ما ولایت آن‌ها را بپذیریم؟ امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: ای عبدالرحمن همانا خدای متعال پیامبر خود را به نزد خود برد و من در آن روز نسبت به مردم از شایستگی خود به این لباسم شایسته‌تر بودم و همانا از جانب رسول خدا ﷺ به من سفارشی شده بود که اگر مرا مستخر خود نمودید، به خاطر اطاعت از خدا اقرار کنم و بپذیرم و همانا نخستین چیزی که پس از آن حضرت (یا پس از غصب خلافت) از حقمان کاسته و ضایع شد ابطال حق ما در خمس بود پس چون کار ما سست گشت چوپانی چند از قریش در ما طمع ورزیدند و همانا مرا حقی بر مردم است که اگر بدون درخواست و درگیری به من باز گردانند می‌پذیرم و به انجامش بر می‌خیزم و آن تا مدت معلومی ادامه خواهد یافت و من بسان مردی هستم که از مردم طلبی در مدت معینی دارد، اگر در پرداخت مال او تسریع کنند آن را بگیرد و سپاسشان گوید و اگر به تأخیر اندازند بالاخره آن را می‌ستانند بدون این که دیگر مورد سپاس قرار گیرند و من مانند مردی باشم که راه سهولت نرمی را پیش گیرد اما در نظر مردم بسان حیوان چموشی جلوه می‌کند.

جز این نیست که همیشه حق از این راه شناخته می‌شود که طرفداران اندکی از مردم دارد، پس هرگاه سکوت کردم از من صرف نظر کنید که اگر مطلبی پیش آید که نیازمند پاسخ باشید شما را هدایت خواهم کرد، پس تا آنگاه که من دست می‌دارم شما نیز دست از من بدارید.^۱

۱. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۷۷.



۲۴۱. خبر رسول خدا ﷺ از جنگ جمل

عبدالله بن مسعود گفت: به پیامبر ﷺ عرض کردم: یا رسول الله ﷺ هرگاه از دنیا رحلت کردی چه کسی شما را غسل می‌دهد؟ فرمود: هر پیغمبری را وصی او غسل می‌دهد. عرض کردم: یا رسول الله! وصی شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. عرض کردم: یا رسول الله! پس از شما چه مدت زندگی می‌کند؟ فرمود: سی سال همانند یوشع بن نون که وصی حضرت موسی بود که بعد از موسی وی نیز سی سال زندگی کرد و صفورا همسر حضرت موسی [دختر شعیب پیامبر] بر یوشع بن نون خروج کرد و گفت من از تو به امر پیشوائی و رهبری سزاوارترم پس یوشع با وی جنگید و به خوبی با وی کارزار کرد و اسیرش نمود و در حال اسیری به نیکی با وی رفتار کرد.

حضرت علی با وی [عایشه] می‌جنگد و به خوبی با او می‌جنگد و اسیرش می‌کند و با وی به نیکی رفتار می‌کند و خدا درباره او نازل فرموده که «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»^۱ یعنی در خانه‌هایتان قرار بگیرید و همچون خودآرایی جاهلیت پیشین، خودآرایی و جلوه‌گیری نکنید و مقصود پروردگار از جاهلیت قدیم در این آیه صفورا دختر شعیب است.^۲

۲۴۲. احتجاج امام علی با ابوبکر

حضرت امام صادق از پدرانیش روایت می‌کند، چون ابوبکر پایه‌های خلافت خود را محکم یافت جهت عذر آوردن نزد امام علی می‌رود و به حضرت می‌گوید: یا ابالحسن به خدا سوگند میل و رغبتی به خلافت نداشتم و خود را از دیگران به این مقام سزاوارتر نمی‌دانم.

امام علی: اگر مسئله چنین است پس چه چیز تو را به این کار وادار کرد؟ ابوبکر عرض کرد: از پیامبر شنیدم که فرمود: خداوند امت مرا به گمراهی جمع نمی‌کند، چون جماعت مردم را دیدم و مخالفانی مشاهده نکردم این مقام را پذیرفتم.

۱. احزاب، ۳۲.

۲. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۷.



امام علی علیه السلام: آیا در آیه زکات، ولایتی که با ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله هم ردیف آمده مربوط به تو است یا به من؟
ابوبکر: مربوط به تو است.

امام علی علیه السلام: آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای مباحله مشرکین نصارا با اهل و فرزندان من به سوی آن‌ها خارج شد یا با تو و فرزندان تو؟
ابوبکر: نه با شما و فرزندان خارج شد.

امام علی علیه السلام: آیا آیه تطهیر درباره من و اهل‌بیتم نازل شد یا درباره تو و اهل‌بیت تو؟
ابوبکر: به یقین برای تو و اهل‌بیت تو نازل شد.

امام علی علیه السلام: آیا در زیر کساء، من و همسر و فرزندانم مشمول دعای پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شدیم یا تو؟

ابوبکر: بلی! تو و اهل و فرزندان بودند.

امام علی علیه السلام: آیا منم صاحب آیه «یؤفون بالنذر ویخافون یوما کان شره مستطیرا» یا تو هستی؟

ابوبکر: البته تویی.

امام علی علیه السلام: آیا تو بودی آنکه آفتاب برای او برگشت تا او نماز خود را خواند، سپس آفتاب غروب کرد، یا من بودم؟

ابوبکر: تو بودی.

امام علی علیه السلام: آیا تو بودی آن که در روز احد از جانب آسمان او را چنین خطاب کردند «لاسیف الا ذوالفقار لافتی الاعلی» یا من بودم؟

ابوبکر: البته تو بودی...

امام علی علیه السلام: آیا آن که پیامبر او را به سوی طایفه جن مأموریت داد و او مأموریت را پذیرفت تو بودی یا من؟

ابوبکر: یا علی تو بودی.

امام علی علیه السلام: آیا منم که پیامبر صلی الله علیه و آله به علم قضا و فصل الخطاب دلالت کرد و فرمود: «علی اقضاکم»، یا تویی؟

ابوبکر: تو بودی.



امام علی (ع): آیا تو بودی آن کسی که پیامبر (ص) در حق او به فاطمه (س) فرمود: تو با کسی ازدواج کرده‌ای که از حیث ایمان و اسلام بر همه مقدم است یا من بودم؟ ابوبکر: آن شخص تو بودی.

امام علی (ع): آیا تو بودی که در روز «بدر» ملک‌های هفت آسمان به او سلام دادند، یا من بودم؟

ابوبکر: البته تو بودی...^۱

امام علی (ع): از مناقب خویش می‌گفت و ابوبکر آن را تصدیق می‌کرد. آنگاه امام به او فرمود: پس چه چیز تو را از خدا و پیامبر و دین خدا باز داشته و مقامی را که اهلیت آن را نداری تصاحب کردی؟

ابوبکر در این حال به گریه افتاد و عرض کرد: راست فرمودی امروز را به من مهلت بده تا در این مبارزه بیندیشم آنگاه به سوی خانه خود مراجعت کرد. سحرگاه ابوبکر خدمت حضرت علی (ع) آمد و گفت: یا ابوالحسن دستت را باز کن تا با تو بیعت کنم و ماجرای خواب شب گذشته خود را که حضرت رسول اکرم (ص) به او بی‌اعتنائی کرده و به او فرموده که حق را به اهلس باز گرداند را برای حضرت تعریف کرد.

علی (ع) دست خود را گشود و ابوبکر با امام دست بیعت داد. آنگاه امام علی (ع) به او فرمود: این واقعه را برای مردم در مسجد بازگو کند ابوبکر به سوی مسجد روان شد، لکن در راه عمر با او برخورد کرد، چون ماجرا را شنید او را از این عمل بازداشت.^۲

۲۴۳. وصی پیامبر (ص)

امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که رسول خدا (ص) در بستر وفات قرار گرفت سر مبارکش بر دامن حضرت علی (ع) بود و خانه پر از انصار و مهاجران بود و عباس عموی پیامبر (ص) در پیش روی حضرت بود. رسول خدا (ص) به عباس فرمود: آیا وصیتم را عمل می‌کنی و قرضم را ادا می‌نمائی و به وعده‌هایم وفا می‌نمایی؟ عباس گفت: من پیر و عیال دارم و تهی دست (توان این کار را ندارم)؛ لذا پیامبر (ص) در آن جمع ۳ مرتبه تکرار کرد، ولی

۱. احتجاج حضرت امیر (ع) حدود ۱۴ مورد دیگر است که به علت طولانی بودن آن حذف گردید.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۵۷.



عباس نپذیرفت. آنگاه پیامبر ﷺ فرمود: این امور را به کسی می‌سپارم که حقش را ادا خواهد کرد و مانند تو سخن نخواهد گفت. سپس به حضرت علی ﷺ فرمود: ای علی ﷺ! ای برادر محمد ﷺ آیا قبول می‌کنی که به وعده‌های محمد ﷺ عمل و وفا کنی و قرضش را بپردازی و میراثش را بگیری؟

حضرت علی ﷺ گریه گلویش را گرفته بود نتوانست جواب دهد. پیامبر سخن خود را تکرار کرد و در این هنگام عرض کرد: آری فدایت گردم، سود و زینش با من، علی ﷺ فرمود: من به پیامبر ﷺ نگاه می‌کردم دیدم انگشتر خود را از انگشت خود بیرون کرد و فرمود تا من زنده‌ام این انگشتر را به دست خود کن. حضرت علی ﷺ می‌فرماید: چون آن را در انگشت خود کردم آرزو کردم که از تمام میراث پیامبر ﷺ همین انگشتر را داشته باشم.

سپس پیامبر ﷺ بلال حبشی را خواست و به او فرمود: این وسایل را بیاور که عبارتند از: کلاه خود، زره، پرچم، پیراهن، ذوالفقار، عمامه سحاب، جامه برد، کمر بند و عصا (که آن کمر بند بهشتی بود) دو جفت نعلین، دو پیراهن معراج پیامبر و پیراهن جنگ احد و سه کلاه: ۱. کلاه مسافرت ۲. کلاه عید قربان و عید فطر و روزهای جمعه حضرت کلاهی که پیامبر ﷺ به سر می‌گذاشت و با اصحابش به گفتگو می‌نشست و بعد فرمود تا دو استر شهباء، و دلدل و دو شتر غضبا و قصواء و دو اسب جناح و اسب حزوم و حمار عقیق را نیز بیاورند.

پیامبر ﷺ همه اینها را به امام علی ﷺ سپرد و فرمود: **اقبضها فی حیاتی** «تا من زنده‌ام اینها را از من دریافت کن!»؛ و در کلامی دیگر حضرت فرمود: **یا علی! قم، فاقبض هذا بشهادة من فی البیت من المهاجرین والانصار کی لا ینازعک احد من بعدی**.^۲

«ای علی! برخیز و در برابر چشم حاضران از مهاجران و انصار اینها را دریافت کن تا بعد از من هیچ کس با تو (و رهبری تو) نزاع و ستیز نکند».

سپس امام علی ﷺ برخاست و آن‌ها را تحویل گرفت و به خانه خود برد و در محل امنی گذاشت و برگشت.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲. علل الشرائع، ص ۶۷ و بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۵۹.

لذا به شهادت مأخذ روایی صحیح و شعرای زمان صدر اسلام و کتاب‌های اصیل اسلامی، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در صدر اسلام نیز به «وصی» شناخته شده بود ولی بنی‌امیه دست به دست هم دادند که آثار امیرالمؤمنین را محو کنند و یکی از کارهای آن‌ها حذف این لقب و اشتهار آن حضرت به وصی صلوات‌الله‌علیه بود.^۱

❖ ۲۴۴. ولی خدا چه کسی است؟ ❖

روزی جمعی از یهودیانی که تازه مسلمان شده بودند مانند عبدالله بن سلام و اسد و ثعلبه و ابن‌یامین و ابن‌صوری نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند و عرض کردند: یا رسول‌الله صلی الله علیه و آله حضرت موسی بن عمران وصی خود را یوشع بن نون قرار داد، وصی بعد از شما چه کسی است؟

هنوز سؤال آن‌ها تمام نشده بود که آیه شریفه «**اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا** الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۲ نازل شد که ولی شما خدا و رسول او است و آن کسانی که گرویدند و نماز به پا کردند و در رکوع زکوة پرداختند.^۳

❖ ۲۴۵. همه اقوام شهادت دادند ❖

شخصی از ابوحمراء خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد که آنچه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام می‌کرد را برای من بازگو کن.

ابوحمراء گفت: ای مرد آنچه دیده‌ام را می‌گویم.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای ابوحمراء برو و صد تن از مردم عرب و پنجاه تن از مردم عجم و سی تن از جماعت قبط و بیست تن از مردم حبش را نزد من حاضر کن من نیز طبق دستور این جماعت را آماده کردم. سپس فرمود: عرب‌ها را در صف ردیف کن بعد از آن به دنبال آن‌ها عجم‌ها و بعد قبطی‌ها و بعد حبشی‌ها در یک صف بایستند. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست و حمد و ستایش خداوند را کرد. سپس فرمود: ای گروه

۱. اصول کافی، ج ۱ ص ۳۴۲.

۲. امالی صدوق، ص ۱۲۴.

۳. مائده، ۱۲۴.



عرب و عجم و قبط و حبش شما اعتراف کردید که نیست حقی جز خدای یگانه و محمد بنده و فرستاده اوست؟ آن‌ها جملگی گفتند: آری یا رسول‌الله!

بعد پیامبر ﷺ فرمود: شما اعتراف دارید که لا اله الا الله وانی محمد عبده ورسوله وان علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین و ولی امرهم من بعدی.

آن‌ها گفتند: آری (ما رسالت تو و ولایت علی ﷺ را قبول داریم) پیامبر سه بار فرمود: خدایا تو گواه باش.

آنگاه فرمود ای علی! برو کاغذ و دواتی برایم بیاور سپس آن را گرفت و به دست علی ﷺ داد و فرمود: بنویس ای علی!

عرض کرد چه بنویسم؟ فرمود: بنویس مردم عرب، عجم قبط و حبشه اعتراف دارند که نیست معبودی جز خدا و محمد بنده و رسول اوست و علی بن ابی طالب امیرمؤمنان است و امام بعد از من.

سپس رسول خدا ﷺ آن عهدنامه را مهر کرد و به علی ﷺ سپرد.

آن مرد به ابوحمراء گفت باز هم برایم بگو. ابوحمراء گفت: روز عرفه رسول خدا بیرون آمد و دست علی را به دست خود داشت سپس فرمود: ای گروه مردم به راستی خدای تبارک و تعالی امروز به شما مباحثات می‌کند که همه شما را بیامرزد. سپس رو به علی کرد و فرمود: تو را بالخصوص بیامرزد. بعد فرمود: ای علی! نزدیک من بیا، علی ﷺ نزدیک رفت. سپس پیامبر فرمود... ای علی! هرکس با تو بجنگد با من جنگیده و هر که با من بجنگد با خدا جنگیده، ای علی! هر که تو را دشمن دارد مرا دشمن داشته و هر که مرا دشمن بدارد خدا را دشمن داشته و خدا او را بخت برگشته کند و به دوزخ برد.^۱

۲۴۶. امام معیار شناخت خداست

خرج الناس الحسین بن علی ﷺ ذات یوم علی اصحابه فقال بعد الحمد: ایها الناس! ان الله تعالی والله ما خلق العباد الا ليعرفوه فقال له رجل: بای انت وامی یابن رسول الله! ما معرفه الله تعالی؟ قال ﷺ معرفه اهل كل زمان امامتهم الذي يجب عليهم طاعته.^۲

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۳۸۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۱۲.

روزی امام حسین علیه السلام به اصحاب خود رسیدند و بعد از حمد الهی فرمودند: ای مردم! قسم به خداوند که او نیافریده است مردم را مگر برای عرفان و معرفت ربوبی. در این حال مردی از اصحاب عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت، معرفت الله تعالی چیست؟ امام فرمود: معرفت بالله شناخت امام است، در هر زمان، همان امامی که اطاعتش واجب است.

۲۴۷. نشانه ابدی خداوند در زمین

در اصول کافی کتاب الحجّة از محمد بن ابی العلاء نقل شده که او گفت از امام ششم حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: آیا می شود روی زمین امام نباشد؟ امام فرمود: نه. گفتم می شود دو امام باشند؟ فرمود: نه، مگر این که یکی از آنها صامت باشد (به معنای این که امر و نهی نکند).^۱

۲۴۸. احتجاج امام حسین علیه السلام

بعد از مرگ ابوبکر عمر روزی بر منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست و با مردم سخن می گفت: در ضمن از این آیه شریفه که پیامبر صلی الله علیه و آله از خود مؤمنان نسبت به خود آنان سزاوارتر است یاد کرد.

در این حین امام حسین علیه السلام که کم سن و سال بود از گوشه مسجد برخاست و خطاب به عمر فرمود:... از منبر پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله پائین بیا این منبر پدر تو نیست». عمر گفت: حسین تو راست می گوئی این منبر پدر توست نه منبر پدر من، این مطلب را پدرت علی بن ابی طالب به تو آموخته است؟

امام حسین علیه السلام فرمود: اگر فرمان پدرم را هم برده باشم قطعاً او هدایت کننده است و من ره یافته او هستم، او از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مردم ولایت دارد، ولایت او را جبرئیل از نزد خدا آورد و جز کافران این مطلب را انکار نکنند، مردم او را با دل های خود شناختند

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۴۲۴.



ولی با زبان انکارش کردند وای بر آنانی که حق ما خاندان رسالت را انکار کنند چگونه خواهد بود زمانی که با این انکار پیامبر را ملاقات خواهند کرد.

عمر گفت: حسین جان! لعنت خدا بر کسی باد که حق پدر شما را منکر شود این مردم بودند که مرا امیر و سرپرست خود کردند من هم پذیرفتم و اگر پدر تو را حاکم کرده بودند ما نیز می پذیرفتیم.

امام حسین علیه السلام فرمود: آگاه باش اگر مؤمنان با زبان و عمل یاری کرده بودند تو به راحتی نمی توانستی بر آل محمد تسلط یابی تا بر منبرشان آیی و حاکم بر آنان شوی آن هم حکومتی که کتابش (قرآن) در خاندان محمد صلی الله علیه و آله نازل شده و تو از نکات سربسته و تأویل آیات آن جز شنیدن چیزی نمی دانی.

همانا مرد درستکار و نادرست در نزد تو برابر است پس خدا به آنگونه که هستی سزایت دهد و از بدعتی که در دین خدا پدید آوردی به سختی بازخواست خواهد کرد.^۱

۲۴۹. امام نشانگر راه خداست

سعید اعرج می گوید: من و سلیمان بن خالد خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم امام فرمود: ای سلیمان هر امری که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام رسیده باید اخذ شود و از هر چه نهی فرموده باید ترک شود برای او همان فضیلت است که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله است و رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر تمام مخلوق خدا فضیلت است کسی که نسبت به چیزی از احکام او عیب گیرد مانند کسی است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عیب گرفته و هر که او را در امری کوچک یا بزرگ رد کند در مرز شرک به خدا قرار گرفته است.

امیرالمؤمنین علیه السلام دری است که از غیر آن به خدا نتوان رسید و راهی به سوی خداست که هر که جز آن را پوید هلاک شود...^۲

۲۵۰. امام هدایتگر به سوی حق

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۹۲.

۲. کافی، کتاب حجت، ج ۱، ص ۲۸۱.



۲۵۲. حق با علی است

عن ابی ذر (رض) قال: قال النبی ﷺ: یا علی! من فارقنی فقد فارق الله ومن فارقک یا علی فقد فارقنی.^۱

رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: یا علی! هر که از من جدا شود از خدا جدا شده و هر که از تو جدا شد، از من جدا گشته است.

۲۵۳. راه کسب آمرزش

قال رسول الله ﷺ: ان الله - تبارک و تعالی - جعل لاهی فضائل لایحصى عددها غیره فمن ذکر فضیلة من فضائله مقرا بها غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر ولو وافى القيمة بذنوب الثقلین ومن كتب فضیلة من فضائل علی بن ابی طالب ﷺ لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقى لتلك الكتابة رسم ومن استمع الی فضیلة من فضائله غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالاستیماع ومن نظر الی كتابة فی فضائله غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالنظر، ثم قال، رسول الله ﷺ النظر الی علی بن ابی طالب ﷺ عبادة وذكره عبادة ولا یقبل ایمان عبد الا بولایته والبرائة من اعدائه.^۲

رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند برای برادر من علی بن ابی طالب ﷺ فضائل بی شماری مقرر نموده است. هر که یک فضیلت از فضائل او را ذکر کند، با اعتراف بدان خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد، اگرچه با گناه جن و انس وارد محشر شود و هر کس یک فضیلت از فضائل آن حضرت را بنویسد، تا وقتی که آن نوشته بماند، فرشتگان برایش طلب آمرزش می کنند و هر که به به فضیلتی از فضایل امیرالمؤمنین ﷺ گوش فرا دهد خداوند گناهی که از راه گوش مرتکب شده است می آمرزد و هر کس به یک فضیلت از فضایل امیرالمؤمنین ﷺ بنگرد، خداوند گناهی که از راه چشم مرتکب شده است بیاموزد! سپس رسول خدا ﷺ فرمودند: نگاه نمودن به علی بن ابی طالب عبادت است، و یادآوری و ذکر علی ﷺ عبادت است و ایمان بنده پذیرفته نیست، جز به ولایت او و برائت از دشمنان او.

۱. احقاق الحق، ج ۶ ص ۳۹۵.

۲. امالی صدوق، ص ۱۳۸، حدیث ۹.



۲۵۷. جایگاهی که خداوند تعیین فرمود

قال ابو عبد الله عليه السلام في حديث طويل يقول في آخره: ان رسول الله قال لام سلمة - رضی الله عنها - يا أم سلمة اسمعی و اشهدی هذا علی بن ابی طالب اخي في الدنيا و اخي في الاخرة.

يا أم سلمة اسمعی و اشهدی هذا علی بن ابی طالب وزيری في الدنيا و وزيری في الاخرة.

يا أم سلمة اسمعی و اشهدی هذا علی بن ابی طالب حامل لوائی في الدنيا و حامل لواء الحمد غدا في الاخرة.

يا أم سلمة اسمعی و اشهدی هذا علی بن ابی طالب وصي و خليفتي من بعدي و قاضي عداق و الذائد عن حوضي.

يا أم سلمة اسمعی و اشهدی هذا علی بن ابی طالب سيد المسلمين و امام المتقين و قائد الغر المحجلين و قاتل الناكثين و المارقين و القاسطين...^۱

امام صادق عليه السلام می فرماید: که رسول خدا صلى الله عليه وآله به ام سلمه - رضی الله عنها - فرمودند: ای ام سلمه! گفتار مرا بشنو و گواه من باش که این علی بن ابی طالب در دنیا و آخرت برادر من است.

ای ام سلمه! بشنو و شاهد باش که این علی بن ابی طالب در دنیا و عقبی قائم مقام من است.

ای ام سلمه! از من بشنو و گواهم باش که این علی بن ابی طالب پرچمدار من در دنیا و حامل پرچم حمد است فردا در عقبی.

ای ام سلمه! از من بشنو و گواهی ده که این علی بن ابی طالب وصی و جانشینم بعد از من و درهم کوبنده دشمنان من و حامی و حافظ شرف و حوض منست.

ای ام سلمه! گفتار مرا بشنو و گواهم باش که این علی بن ابی طالب سالار مسلمانان و امام تقوا پیشگان و رو سپیدان است و کشنده ناکثین (اصحاب جمل) و مارقین (گروه گمراه نهروان) و قاسطین (صفین) است.

۲۵۸. نظر خدا را می گوئیم

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند ولایت ما را واجب ساخته و دوستی ما را واجب و لازم

۱. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۳.

شمرده است. به خدا سوگند ما به دلخواه خود سخن نگوئیم و به رأی شخصی خود عمل نکنیم و جز آنچه را که پروردگار ما فرموده به زبان نرانیم.^۱

❖ ۲۵۹. چهره‌های همانند نبی ❖

رسول خدا ﷺ در روایتی فرمودند:

اما علی بن ابی طالب (ع) برادر و دوست من و رهبر شما بعد از من است. او صاحب پرچم من در دنیا و آخرت است او صاحب حوض و شفاعت من است مولای هر مسلمان و پیشوای هر مؤمن و رهبر هر متقی پرهیزگار است. او وصی و جانشین من است در زندگی و مرگم، دوستدار او دوستدار من و دشمن او دشمن من است، امت من به خاطر ولایت او مورد رحمت‌اند و مخالفان او از میان امت، به خاطر دشمنی با او نفرین شده‌اند.^۲

❖ ۲۶۰. مطلبی به این روشنی ❖

أبان (شاگرد امام باقر (ع)) گوید:

از امام باقر (ع) درباره گفته پیامبر ﷺ که فرمود: «هر که را من مولا یم، علی نیز مولای اوست»، پرسیدم، فرمود:
ای ابوسعید! (ای ابان)
مطلب به روشنی سؤال دارد؟ (به اصحابش) فهماند که در میان آنان علی (ع) قائم مقام او خواهد بود.^۳

❖ ۲۶۱. ریشه نبوت پیامبر ﷺ ❖

وقتی که اخبار سقیفه پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ به حضرت علی (ع) رسید، فرمود:
«انصار چه گفتند؟»
خبر دادند که انصار گفتند: امیری از ما و (یک) امیری از شما باشد.

۱. امالی مفید، ص ۷۳.

۲. بشاره المصطفی، ص ۱۹۸.

۳. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۵۱.



آن حضرت فرمود:

آیا به گروه انصار این طور استدلال و احتجاج نکردید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وصیت فرموده است که به نیکوکار انصار نیکی شود و از بدکارشان اغماض گردد؟

به آن حضرت گفتند: در این توصیه چه حجتی بر انصار وجود دارد؟

حضرت علیه السلام فرمود: «اگر زمامداری از آنان بود، وصیت درباره آنان نمی فرمود.»

سپس فرمود: «قریش چه گفت؟»

به آن حضرت گفتند: قریش احتجاج و استدلال به این کرد که آنان شاخه‌هایی از درخت پیامبرند.

حضرت فرمود: «به درخت احتجاج کردند و میوه آن را ضایع و تباه نمودند»^۱.

۲۶۲. دعای مهم پیامبر صلی الله علیه و آله

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودند، و در نزد آن حضرت امام علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بودند.

در این حال حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کردند: بار پروردگارا! تو به حق می‌دانی که این جماعت، اهل بیت من هستند!

سپس فرمود: ای علی! تو امام امت من، و جانشین من پس از من هستی! و تو قائد و سپهسالار قافله مؤمنین به سوی بهشت می‌باشی!...

پس از این حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست خود را به سوی آسمان بلند نموده، عرض کرد: بار پروردگارا! من تو را گواه می‌گیرم که من دوستدار کسی هستم که آن‌ها را دوست بدارد؛ و مُبغض کسی هستم که نسبت به آنان بغض بورزد.^۲

۲۶۳. دستگیره‌ای نجات‌بخش

عیسی بن عبدالله از علی بن ابی‌طالب علیه السلام روایت کند:

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله تا سه مرتبه فرمود: «پروردگارا! جانشینان مرا مشمول رحمت فرما»

۱. نهج البلاغه، ص ۱۷۷.

۲. امالی صدوق، ۲۹۱.



شنیدم که به علی بن ابی طالب می فرمود: سلام خدا بر تو باد! ای پدر دو ریحانه، سفارش می کنم تو را به دو ریحانه من از دنیا، پیمانه عمر من نزدیک است پر شود و به زودی از میان شما خواهم رفت، به خدا به زودی دو تکیه گاه تو درهم فرو ریزند، به خدا سوگند خلافت و جانشینی من بر عهده تو است.

چون پیامبر خدا ﷺ جان به جان آفرین تسلیم کرد، علی ﷺ فرمود: این یکی از آن دو رکنی است که رسول خدا ﷺ به من فرموده بود، و چون حضرت فاطمه ﷺ شهید گردید، علی ﷺ فرمود: این تکیه گاه دومی بود که پیغمبر خدا ﷺ فرموده بود.^۱

۲۶۷. یک اشاره کافی است

امام صادق ﷺ فرمود: کسانی که بت پرست باشند هرگز حق امامت و رهبری ندارند.^۲ مرحوم محدث بزرگ فیض کاشانی می فرماید: در این حدیث اشاره به آن سه نفر شده که قبل از اسلام بت می پرستیدند.

۲۶۸. حرفهای آخر را زد

عبدالله بن حسن گوید: مادرم فاطمه دخت گرامی امام حسین ﷺ فرمود: چون بیماری جدهام حضرت فاطمه ﷺ دختر بزرگوار پیامبر خدا ﷺ به وخامت گرائید و گلشن جوانیش پژمرد، چند تن از زنان مهاجر و انصار به قصد عیادت به خانه آن حضرت آمدند و گرد بستر وی حلقه زدند و عرضه داشتند:

ای دختر نازنین پیامبر! شب را با مریضی جانکاهت چگونه به صبح رساندی و اکنون حالت چطور است؟

زهرای مرضیه که خود را در آستانه انتقال به ابدیت می دید، در پاسخ به آنان به جای این که از درد و درمان خود سخن گوید، با لحنی غم آلود اما جدی و طوفانی، از درد کشنده اجتماع سخن گفت و زنگ خطر در گوش مسلمین نواخت، تا شاید بتواند در آخرین لحظات زندگی خود، با آگاهی دادن آنان را از نابودی حتمی برهاند، فرمود: به خدا سوگند شبم را به صبح رساندم در حالتی که از طعم ناگوار میوه دنیای شما سخت متنفر

۱. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۴۳۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۷۵.



چه مسیر خطرناکی افتاده‌اید، سرگشته و گم شده و از عواقب زیانبار آن بی‌اطلاعی، بی‌گمان کورکورانه خود را به ظلمت انداخته‌اید و بالاخره کشته خویش را درو خواهید کرد، مگر ما که حامی حقوق شمائیم می‌توانیم شما را ملزم و مجبور سازیم که به راه هدایت باز گردید، در حالی که خود از آن بیزارید؟!۱

۲۶۹. دلیل راه خدا

رسول خدا ﷺ فرمود:

یا علی! این دین با شما شروع شده و به دست شما پایان پذیرد، صبر را پیشه سازید که سرانجام امور از آن پرهیزکاران است شما حزب خدائید و دشمنان حزب شیطان. خوشا به حال آن کس که از شما فرمان برد، و وای بر آن کسی که شما را نافرمانی کند شما حجت و دلیل خدا بر آفریدگانش و دستاویز محکم خدائید. هر کس به آن دستاویز چنگ زند هدایت یافته و آن کس که آن را رها سازد گمراه گردد.

من از خداوند بهشت را برایتان درخواست می‌کنم هیچ کس به طاعت خدا از شما پیش نگیرد که شما از همه به طاعت خداوند سزاوارترید.^۲

۲۷۰. علی ولی مردم است

رسول خدا ﷺ به علی بن ابی طالب ﷺ فرمود:

«یا علی! انت ولی الناس بعدی فمن اطاعك فقد اطاعنی ومن عصاك فقد عصانی».
ای علی! تو صاحب اختیار و سرپرست مردم پس از من خواهی بود و هر کس از تو فرمان برد مرا فرمان برده و هر کس از تو نافرمانی کند مرا نافرمانی کرده است.^۳

۱. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳۳۴ تا ۳۲۸.

۲. امالی مفید، ص ۱۲۰.

۳. امالی مفید، ص ۱۲۴.



فصل پنجم

قرآن کریم:



«یا ایها الرسول بلغ ما انزل

الیک من ربک...»

«ای رسول ما! آنچه را که به تو

نازل کردیم به مردم بگو»

سوره مائده، آیه ۶۷

روز غدیر و خطبه پر نور غدیر و...





خاطر این دو خاطره - که هر دو مربوط به ولایت است - بعضی از بزرگان این ماه را شهر الولاية و افضل ماهها دانسته‌اند.

وقتی برای یک ملت قضیه ولایت و حکومت حل شود آن هم به شکلی که در غدیر خم حل شد به حقیقت آن روز برای آن ملت عید است.

پس اگر ملتی توانسته باشد این مسأله اساسی را به نحوی حل کند که در آن همه چیز آن ملت کرامت او معنویت او، توجه او به خدا، حفظ سعادت دنیایی او و بقیه چیزهایی که برای یک ملت عید است رعایت شده باشد واقعا آن روز و آن لحظه برای آن ملت عید است در اسلام این قضیه اتفاق افتاد روز عید غدیر، ولایت اسلامی - یعنی رشحه و پرتوی از ولایت خدا در میان مردم - تجسم پیدا کرد و این چنین بود که دین کامل شد بدون تعیین و تبیین این مسأله دین واقعا ناقص می‌ماند و به همین خاطر بود که نعمت اسلام بر مردم تمام شد مسأله ولایت در اسلام این طور مسأله‌ای است.^۱

۲۷۶. کتاب الغدير بحری ساحل

کتاب شریف‌الغدیر نوشته علامه بزرگ امینی پس از نقل واقعه نورانی غدیر و بیان اهمیت و جایگاه آن در تاریخ اسلام از یکصد و بیست نفر از صحابه و هشتاد و چهار نفر از گروه تابعین و سیصد و شصت نفر از عالمان و حافظان و مفسران در قرن‌های دوم تا چهاردهم هجری که مجموع آن‌ها به ۵۶۴ نفر می‌رسد نام برده و معرفی شده‌اند.

این کتاب همانند حلقه‌های زنجیر، سلسله راویان حدیث غدیر را از زمان ما تا به زمان وقوع آن وصل می‌کنند.

البته در این کتاب ۲۶ نفر از مؤلفان شیعه و سنی که درباره حدیث غدیر به تألیف کتاب اقدام کرده‌اند معرفی شده‌اند.

مرحوم علامه امینی در این کتاب اکثریت قریب به اتفاق منابع و مأخذ کتاب خود را از مدارک معتبر اهل سنت نقل کرده است.

در این کتاب شعر و زندگی‌نامه ده‌ها شاعر بزرگ عرب و عجم از صدر اسلام تا

۱. مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله‌خامنه‌ای.



ولایت قدردانی نکردند لذا خداوند آن را از آن‌ها گرفت و به اعجم (فارس‌ها) و فرزندان آن‌ها داد.^۱

و در روایتی دیگر رسول خدا ﷺ فرمود: **لله تعالی من عبادة خیرتان فخرته من العرب قریش ومن العجم فارس.**^۲

یعنی: خداوند متعال از میان همه بندگان خود دو گروه را انتخاب کرد از میان عرب، قریش را و از عجم، فارس را.

و در روایتی آمده است که منذر بن جاورد از کنار امام حسین علیه السلام عبور کرد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا ﷺ، خدا مرا فدایت سازد حال شما چگونه است؟

امام فرمود: عرب بر عجم مباهات می‌کند که محمد صلی الله علیه و آله از آنان است و عجم هم آن را می‌پذیرد اما ما (آل محمد صلی الله علیه و آله) در حالی صبح نموده‌ایم که قریش فضیلت ما را می‌شناسد ولی به آن عقیده ندارند و از (عجائب و) بلایا که بر این امت فرود آمده این است که: ما آنان را به (هدایت) فرا می‌خوانیم ولی آن‌ها پاسخ ما را نمی‌دهند و اگر رهایشان کنیم جز با ما هدایت نمی‌شوند.^۳

پیشنهاد: حضرت آیه‌الله بهجت نیز می‌فرمایند: ما قدردان نعمت ولایت نیستیم. در این دنیای به این بزرگی چند کشور شیعه وجود دارد چرا در جامعه ما جای حفظ کردن و خواندن خطبه غدیر در صدا و سیما خالیست روز غدیر خم در سال حجة الوداع رسول خدا ﷺ برابر با نوروز ایرانیان بوده است.

چرا نیایستی در کشور شیعه اثنی عشر در اول سال نو در صدا و سیما و منابر و خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانی‌ها و مجلات و روزنامه بخشی از خطبه نورانی غدیر خم اعلام گردد.

چرا مسابقه حفظ و قرائت خطبه غدیر در کشور ما و یا درج بخشی از آن خطبه در کتب درسی دانش‌آموزان انجام نمی‌پذیرد. چرا در اول هر سال همانند دعای نورانی عرفه در روز عرفه که علنی و وسیع در کشور، با شکوه خاصی برگزار می‌شود زیارت

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۸۰ - بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۰۴.

۲. وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۶۷ - اکمال تہذیب الکمال مغلطای، ج ۹، ص ۳۰۱.

۳. نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۵.



۳. آیا رسول خدا ﷺ می‌خواهد نماز یا روزه یا خمس و جهاد و زکاة یا مسئله حج را برای مسلمانان بازگو کند؟

۴. رسول خدا ﷺ چه موضوعی را می‌خواهد طرح کند که خداوند متعال می‌فرماید نترس؟

۵. رسول خدا ﷺ آن وقتی که تنها در بین کفار مکه بود از اظهار اسلام نترسید حالا چرا در میان مسلمانان آن هم در سفر حج بایستی بترسد؟

۶. این چه موضوعی است که ناگفتن آن زحمات ۲۳ ساله رسول خدا ﷺ را نابود می‌کند؟

۷. چرا آیه به صراحت عدم اعلام رهبری امام علی و ولایت ایشان را مساوی با عدم تبلیغ رسالت و نابودی آن بیان فرمود؟

۸. آیا چنین آیه‌ای با این لحن تند و به این شکل تهدیدآمیز نسبت به رسول خدا ﷺ در قرآن سراغ داریم؟

اگر کسی واقعا به این آیه و موضوع آن دقیق شود می‌یابد که موضوع از عمق بیشتری برخوردار است. و اکنون پاسخ سؤالات:

مسئله به قطعی غیر از مسائل توحید نبوت و معاد و یا مسائل مربوط به نماز و جهاد و خمس و... می‌باشد مسئله چیزی است که قوام و دوام و استحکام و اجرای همه آن بستگی به همان موضوع دارد که بایستی رسول خدا ﷺ آن موضوع را ابلاغ فرماید چرا که اگر ابلاغ نشود همه زحمت رسول خدا ﷺ یعنی همه دین یعنی نماز و جهاد و خمس و.... نابود خواهد شد واضح است که این مسئله جنبه سرنوشت ساز و موضوع مهمی را در خود خواهد داشت.

یعنی طرح ولایت و امامت کسی که بتواند دین اسلام را جلو ببرد و با اتصال به نبوت همه آن امانات الهی را دریافت کرده و مسیر هدایت بشری را طی نماید، البته اذهان عمومی مسلمانان حاضر در غدیر نیز با توجه به نزدیکی ارتحال رسول خدا ﷺ بعد از حجةالوداع به طور طبیعی در انتظار معرفی جانشین بعد از رسول خدا ﷺ به سر می‌برد، اگرچه رسول خدا ﷺ در مراحل مختلف مسئله ولایت امام علی را به شکل‌های



گونگون طرح نموده‌اند چنانچه اگر خطبه غدیرهم از منابع اهل سنت حذف کنیم به حدی رسول خدا ﷺ درباره جایگاه و موقعیت و ممتازی و جانشینی امام علی ﷺ فرمایش فرموده‌اند که با نگاه به آن احادیث، هم جهتی آن احادیث را با خطبه غدیر در یک کفه می‌بینیم احادیث رسول خدا ﷺ در منابع اهل سنت وقتی کنار هم جمع گردد خود یک خطبه مثل خطبه غدیرخم خواهد شد به فصل هفتم کتاب که راجع احادیث شریف نبوی ﷺ می‌باشد، در سال آخر عمر پر برکت رسول خدا ﷺ کفار که با توطئه‌هایی مثل جنگ و تحریف و تهمت و آزار نتوانسته بودند مسیر اسلام را از صراط حق خارج نمایند لذا در نقشه آخر خود ارتحال رسول خدا ﷺ بود آن‌ها روی این نقطه بسیار امیدوار بودند و انتظار نابودی دین خدا در دل می‌پروراندند لیکن خداوند فرمود تو بایستی امام و جانشین بعد خود را معرفی نمائی تا سکان هدایت در دستان او افتد.

و اگر این جانشین ویژگی‌های ممتازی همچو خود تو را نداشته باشد نتیجه زحمات تو در طی ۲۳ سال به هدر خواهد رفت. لذا خداوند تصریح فرمود این ابلاغ، علنی در آن محل با آن کیفیت اجراء شود.

❖ ۲۸۰. خدا از این عمل راضی شد ❖

وقتی رسول خدا ﷺ فرمودند: همه شما باید پیام مرا به کسانی که در این جا حضور ندارند برسانید (که علی بن ابی طالب جانشین من است) مردم پراکنده نشده بودند که آیه دیگری خطاب به مردم نازل شد که:

«الیوم یتس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم واخشون الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا».

آری! امروز همه کفار از دین شما مأیوس شدند و دین شما کامل شد و من از شما خرسند شدم و امروز نعمت خود را بر شما تمام کردم.

از آیه بعد هم چند مطلب بسیار مهم به دست می‌آید:

۱. نقشه دشمنان نقش بر آب شد و امید آنان به ناامیدی مبدل شد.

۲. دشمنان شما در بین شما در همان جمع حاضر بودند و وقتی صحنه را دیدند ناامید

شدند پس باید مواظب نقشه‌های بعدی آن‌ها بود.



۳. پس مسئله آموزش نماز حج و جهاد و بیان احکام خمس و زکات نبوده بلکه مسئله بیان و ابلاغ بخش مهمی از دین خدا بود که اتمام نعمت و خرسندی و ناامیدی دشمنان و کامل شدن دین را با خود به همراه داشته است نه چیز دیگر.

۴. مقصود از این تجمع با آن کیفیت صرفاً برای طرح مسئله دوست داشتن امام علی نبوده تبریک و تهنیت و بیعت و دستور به تبعیت مردم از امام علی و رهبری و اطاعت از امام مطرح بوده است؛ لذا رسول خدا بعد از خطبه دستور بیعت دادند معلوم است بیعت را نبایستی صرفاً دوست داشتن امام علی برداشت کرد.

۵. برای انجام بیعت مردم با امام علی خیمه‌ای فراهم شد و امام علی، در آن خیمه نشست و مسلمانان یک به یک تا غروب با ایشان مشغول بیعت بودند حتی برای بیعت زنان مسلمان نیز روش خاصی تدارک دیده شد تا آنها نیز بیعت نمایند.

۲۸۱- روز بیعت

بعد از نماز ظهر در سال آخر عمر رسول خدا و در مسیر راه مکه و مدینه و در محل جدائی مسلمانان از یکدیگر همراه با خداحافظی رسول خدا از مردم و با اقرار مسلمانان به توحید و نبوت و معاد مسئله بیعت با امام علی با حضور ۱۰۰ هزار مسلمان در آفتاب گرم و پس از انجام حج آغاز شد.

کیفیت اجرای این ابلاغ با سایر دستورات ابلاغ شده از طرف خداوند متعال تفاوت ویژه و برجسته‌ای دارد که دلالت از اهمیت موضوع دارد.

۲۸۲- مدارک کافی وجود دارد

داستان غدیر و نصب امام علی به امامت و ولایت از وقایعی است که نقل روائی آن قطعا در حد تواتر است. برای نمونه می‌توان به کتب زیر مراجعه نمود: عبقات الانوار مجلدات حدیث غدیر خلاصه عبقات الانوار جلد ۶، ۹، الغدیر جلد ۱، احقاق الحق، جلد ۳، ص ۳۲۰ و جلد ۱۴، ص ۱۸۹ - ۲۹۲ و جلد ۲۰، ص ۱۹۵ - ۲۰۰ - المراجعات، ص ۲۵۹ - سبیل النجاة، ص ۱۷۳ - ۱۸۶ و....

و جریان اعتراض دوازده تن از چهره‌های برجسته اصحاب علیه ابوبکر را مؤرخان



۲۸۶. روزه‌ای به اندازه تمام عمر دنیا

امام صادق علیه السلام فرمود: روزه روز غدیر خم با روزه تمام عمر جهان برابر است. یعنی اگر انسانی همیشه زنده باشد و همه عمر را روزه بگیرد ثواب او به اندازه ثواب روزه عید غدیر است.

«صیام یوم غدیر خم یعدل صیام عمر الدنیا لو عاش انسان ثم صام ما عمرت الدنیا لکان له ثواب ذلك»^۱.

۲۸۷. اسناد و منابع روایت عرشی غدیر در کتب اهل سنت

در اینجا لازم است به مدارک و اسناد این خطبه نورانی در منابع و کتب معتبر روایی برادران اهل سنت اشاره مختصر و کوتاه بنمائیم.

۱. در مسند احمد بن حنبل که مربوط به ۱۱۹۱ سال قبل می‌باشد و از کتب معتبر روایی اهل سنت است. این مطلب با ۴۰ سند آورده شده است.
۲. طبری صاحب کتاب ۸ جلدی تاریخ طبری و کتاب صریح السنه و صاحب تفسیر جامع البیان ۳۰ جلدی که بیش از ۱۰۰۰ سال قبل می‌زیسته با بیشتر از ۷۰ سند آن را روایت کرده است.
۳. خطیب بغدادی صاحب کتاب الرحلة فی طلب الحدیث و کتاب نصیحة اهل الحدیث و الکفایة فی علم الروایة و کتاب حدیث السنه من التابعین و تاریخ بغداد در ۴ جلد که او نیز حدود ۱۰۰۰ سال قبل در این باره (خطبه غدیر) مطالب مهمی آورده است.
۴. و محدثان بزرگی مثل ترمذی در سنن ۸ جلدی خود مربوط به ۱۱۰۰ سال قبل و نسائی هم که دارای کتب مهمی مثل سنن نسائی - رسائل فی علوم الحدیث و سنن الکبری در ۶ جلد و البلدانیة می‌باشد در ۱۰۰۰ سال پیش راجع به خطبه غدیر مطالب نابی دارد.
۵. مفسر بزرگ قرن ۶ هجری قمری فخر رازی در تفسیر ۳۲ جلدی خود روایت‌های مهمی را از غدیر آورده است و ثعلبی که در بیش از ۵۰۰ سال قبل می‌زیسته در تفسیر ۵ جلدی خود بر این مطلب اذعان داشته است.
۶. جلال الدین سیوطی نیز در کتاب ازهار المتناثره فی اخبار المتواتره و در کتاب تاریخ

۱. وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۳۲۴، ح ۴.



جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ إِلَّا مَادَلَّ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ وَالَّذِي يُغْشِي الْأَبَدَ نُورُهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ.

وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرٍ، وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرٍ صَوْرًا مَا أبتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِلا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلُفٍ وَلَا احتِيَالٍ أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَبَرَّأَهَا فَبَانَتْ، فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْمُتَمِّقِنُ الصَّنِيعَةَ الْحَسَنَ الصَّنِيعَةَ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاصَحَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ مَالِكُ الْأَمْلَاقِ وَمَمْلُوكُ الْأَفْلاكِ، وَمَسْحُورُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ كُلُّ يَجْرِي لِإِجْلٍ مُسَمًّى، يُكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ، يَطْبُقُهُ حَتِيثًا قَاصِمٌ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَمُهْلِكٌ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نَدٌّ، أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

إِلَهُ وَاحِدٌ وَرَبٌّ مَاجِدٌ، يَشَاءُ فَيَمْضِي، وَ يُرِيدُ فَيَقْضِي، وَ يَعْلَمُ فَيُحْصِي، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ يُفْقِرُ وَ يُغْنِي، وَ يُضْحِكُ وَ يُبْكِي، وَ يَدْنِي وَ يَقْصِي وَ يَمْتَعُ وَ يُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَ يُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ، مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ، وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ، الَّذِي لَا يَشْكُلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ لَا يَضِجُرُهُ صِرَاحُ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَ لَا يَبْرُمُهُ إِحْالُ الْمُلْحِحِينَ، الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ الْمُؤَفِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ خَلْقٍ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَاءِ وَالضَّرَاءِ وَالشُّدَّةِ وَالرِّخَاءِ وَ أُوْمِنُ بِهِ وَ مِمْلَأْتُكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَرَسُولِهِ، أَسْمَعُ أَمْرَهُ وَأَطِيعُ وَأَبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ، وَاسْتَسَلِمُ لِمَا لِقَضَائِهِ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ، وَخَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرَهُ وَلَا يُخَافُ جَوْرَهُ.

♦♦ فرمان برای ابلاغ مطلبی مهم ♦♦

[وَأَقْرَبُهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُوَدِّي مَا أُوْحِي بِهِ إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ، فَتَجَلَّ بِى مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ .
لِإِلَهِ إِلَّا هُوَ، لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي [أَنِّي] إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَيْبِي فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ،



♦♦ اعلام رسمی ولایت و امامت دوازده امام علی ♦♦

٢. فَأَعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ: ذَلِكَ فِيهِ وَافَهُمُوهُ وَأَعْلَمُوا إِنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا قَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحَرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَعَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ، مَا ضِ حُكْمُهُ، جازِ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَمَنْ صَدَقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

٣. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَانْقَادُوا لِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ الْأُمَخَاطِبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْأِيمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَرَسُولَهُ.

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَسُولُهُ وَهُمْ وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْصَيْتُ مَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

٤. مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَضْلُوه مَامِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَكُلِّ عِلْمٍ عَلَّمْتُمْ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَامِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلَيًّا وَهُوَ الْأِيمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ).

٥. مَعَاشِرَ النَّاسِ: لِاتَّضَلُّوا عَنْهُ وَلا تَتَنَفَّرُوا مِنْهُ، وَلا تَسْتَنْكِفُوا مِنْ وَلايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيُنْهِي عَنْهُ وَلا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَانِم.

ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيْمَانِ بِي أَحَدٌ وَ[هُوَ] الَّذِي قَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ. وَ [هُوَ] الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلا أَحَدٌ يَغْبِذُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ إِنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي فَفَعَلْ فَادِيَا لِي بِنَفْسِهِ.

٦. مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَضْلُوه فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

٧. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلايَتَهُ، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ مِمَّنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْإِبَادِ، وَدَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَضَلُّوا نَارًا وَفُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.^١

٨. مَعَاشِرَ النَّاسِ: بِي وَاللَّهِ بَشَرِ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَنَا خَاتِمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ،

١. بقره، ١٢٤.



أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوَّلَى بِكُمْ مَنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَقَالَ: إِلَّا فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَإِلِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرَ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ.

١٤. معاشر الناس: هذا عليٌّ أخی وَوَصِيِّي وَوَاعِي عِلْمِي، وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَعَلَى مَنْ آمَنَ بِی وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالِدَاعِي إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ، وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ، وَالنَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ، وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَقَاتِلِ النَّاكِثِينَ وَالْفَاسِقِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ، يَقُولُ مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَيْ يَا رَبِّ، أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَإِلِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرَ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَالْعَنَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ، وَأَغْضَبَ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ وَلِيكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ، وَتَصَبَّكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ (الْيَوْمِ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ، وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي، وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) ١ فَقُلْتُ: (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) وَقُلْتُ «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» ٢.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ، وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

♦♦ تأكيد بر توجه مردم به مسأله امامت ♦♦

١٥. معاشر الناس: إِذَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَهَمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ٣، (لَا يُخَفِّفُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ) ٤.

١٦. معاشر الناس: هذا عليٌّ أَنْصَرُكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي، وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ، وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ.

وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ بِالْجَنَّةِ فِي «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

١. اشاره به آیه ٣ سوره مائده.

٢. آل عمران، ٨٥.

٣. اشاره به آیه ١٧ سوره توبه.

٤. اشاره به آیه ١٦٣ سوره بقره.



۱۷. مَعَاشِرَ النَّاسِ: هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمَجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَهُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي، نَبِيُّكُمْ خَيْرَ نَبِيٍّ، وَوَصِيِّكُمْ خَيْرَ وَصِيٍّ وَبَنُوهُ خَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ.

۱۸. مَعَاشِرَ النَّاسِ: ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ.

۱۹. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَنْزَلَ أَقْدَامُكُمْ.

فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِحَظِيَّتِهِ وَاحِدَةً وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ، وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ لَا يَبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ، وَلَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ. وَفِي عَلِيٍّ وَاللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ [وَ] الْعَصْرِ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». وَالْعَصْرِ إِنَّ الْأِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ^۱ إِلَّا عَلِيٌّ الَّذِي آمَنَ وَرَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ.

۲۰. مَعَاشِرَ النَّاسِ: قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رَسُولِي، وَمَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ^۲.

۲۱. مَعَاشِرَ النَّاسِ: «إِتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»^۳.

♦♦ اشاره به کارشکنی‌های منافقان ♦♦

۲۲. مَعَاشِرَ النَّاسِ: (آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلُ أَنْ تَطْمَسَ وُجُوهَا فَزَرَدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ تُلْعِنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ)^۴ بِاللَّهِ مَا عَنَى بِهِذِهِ الْآيَةَ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِ أُعْرُقُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَقَدْ أَمَرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ أَمْرِي عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبَغْضِ.

۲۳. مَعَاشِرَ النَّاسِ: الْنُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي مَسْئَلِكِ فِي تَمِّ فِي عَلِيٍّ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْفَاتِمِ الْمُهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَيَكُلُّ حَقِّي هُوَلْنَا.

لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِنِينَ وَالْأَمِينِ وَالظَّالِمِينَ وَالْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

۱. عصر، ۳ - ۱.

۲. اشاره به آیات ۳۵ سوره نحل و ۵۴ سوره آل عمران، ۱۰۲.

۳. آل عمران، ۱۰۲.

۴. نساء، ۴۷.



٢٤. معاشر الناس: أَنْذَرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَأَنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ، وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ الصَّابِرِينَ.^١

أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا [هُوَ] الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ نَمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.
٢٥. معاشر الناس: لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِلَّا سَلَامًا بَلْ لَأَمْتُنُّوا عَلَيَّ اللَّهُ عَمَلِكُمْ وَيَسْخَطُ عَلَيْكُمْ وَيَبْتَلِيكُمْ بِشَوَاطِئِ مَنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ إِنَّ رَبَّكُمْ لِبَالِمِرْصَادٍ.

٢٦. معاشر الناس: [إِنَّهُ] سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ.
٢٧. معاشر الناس: إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُم.

٢٨. معاشر الناس: إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَيْسَ مَتَوَى الْمُتَكَبِّرِينَ.
أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ. قَالَ: فَذَهَبَ عَلَيَّ النَّاسُ إِلَّا شَرِذْمَةً مِنْهُمْ أَمْرُ الصَّحِيفَةِ.

٢٩. معاشر الناس: إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرِاثَةً فِي عُقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.
وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ، حُجَّةٌ عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ، وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَوَلَدٌ أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.
وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاعْتِصَابًا، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَالْمُعْتَصِبِينَ، وَعِنْدَهَا سَتَفْرَعُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ^٢، فَيُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاطِئُ مَنْ نَارٍ وَنَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ^٣.

٣٠. معاشر الناس: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَدْرُكْكُمْ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ، حَتَّى يَمِيرَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ^٤.

٣١. معاشر الناس: إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمُهِلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ.
وَاللَّهُ يُصَدِّقُ مَا وَعَدَهُ.

٣٢. معاشر الناس: قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوْلِيَيْنِ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوْلِيَيْنِ وَهُوَ مُهِلِكُ الْأَخْرِيِّينَ.

١. اشاره به آیه ١٤٤ سوره آل عمران.

٢. الرحمن، ٣٠.

٣. الرحمن، ٣٥.

٤. آل عمران، ١٧٩.



ألا إن أولياءهم المؤمنون الذين وصفهم الله عز وجل فقال: «الذين آمنوا ولم يلبسوا إيمانهم بظلمٍ أولئك لهم الأمن وهم مهتدون»^١.

ألا إن أولياءهم الذين آمنوا ولم يرتابوا ألا إن أولياءهم الذين يدخلون الجنة بسلام آمنين تتلقاهم الملائكة بالتسليم يقولون: «سلامٌ عليكم طيبتم فادخلوها خالدين»^٢.

ألا إن أولياءهم لهم الجنة يرزقون فيها بغير حسابٍ ألا إن أعداءهم يصلون سعيرا. ألا إن أعداءهم الذين يسمعون لجهنم شهيقا وهي تفور ويرون ولها زفير^٣.

ألا إن أعداءهم الذين قال الله فيهم: (كلما دخلت أمة لعنت أختها حتى إذا داركوا فيها جميعا قالت أخريهم لأوليهم ربنا هؤلاء أصلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف ولكن لا تعلمون).

ألا إن أعداءهم الذين قال الله عز وجل: «كلما ألقى فيها فوج سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير قالوا بلى قد جئنا نذير فكذبنا وقلنا ما نزل الله من شيء إن أنتم إلا في ضلالٍ كبيرٍ وقالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير فاعتروا بذنوبهم فسحقا لأصحاب السعير»^٤.

ألا إن أولياءهم الذين يخشون ربهم بالغيب لهم مغفرة وأجر كبير^٥.
٣٥. معاشر الناس: ستان ما بين السعير والاجر الكبير، معاشر الناس عدونا من ذمه الله ولعنه، ووليينا من مدحه الله وأحبه معاشر الناس إلا واني أنا النذير وعلي البشير.

٣٦. معاشر الناس: ألا واني منذر وعلي هادٍ.

٣٧. معاشر الناس: إني نبي وعلي وصي.

معاشر الناس إلا واني رسول وعلي الإمام والوصي من بعدي والأئمة من بعده ولده إلا واني وإلدهم وهم يخرجون من صلبه.

١. انعام، ٨٢.

٢. اشاره به آیه ٧٣ سوره زمر.

٣. اشاره به آیات ١٠٦ سوره هود و ١٣٨ سوره اعراف.

٤. ملک، ٨ - ٩.

٥. اشاره به آیه ١٢ سوره ملک.



♦ ♦ معرفى حضرت مهدى عج در خطبه غدیر ♦ ♦

أَلَا وَإِنَّ خَاتَمَ الْأُمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.
 أَلَا إِنَّهُ الْمُتَنَقِّمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.
 أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا (أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرِكِ وَهَادِيهَا).
 أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرِكِ.
 أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ كُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.
 أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدينِ اللَّهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ.
 أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.
 أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ.
 أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.
 أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُنَبِّهُ بِأَمْرِ إِيمَانِهِ (وَالْمَشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ).
 أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ.
 أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوِّضُ إِلَيْهِ.
 أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ (مَنْ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ).
 أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً، وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ، وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.
 أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ، وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.
 أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُكْمِهِ فِي خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ.

♦ ♦ مطرح كردن بيعت ♦ ♦

۳۸. مَعَاشِرَ النَّاسِ: قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ وَهَذَا عَلَيَّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي.
 أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ حُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِهِ مِنْ بَعْدِي.
 أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي، وَأَنَا أَخَذْتُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَمَنْ
 كَتَبَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَيَسُوتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۱.

۱. فتح، ۱۰.



♦♦ بيان واجبات ومحرمات ♦♦

٣٩. معاشر الناس: «إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ»، «إِنَّ الصَّافَةَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»^١.
 ٤٠. معاشر الناس: حَجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَأَبْشَرُوا وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا بَرُّوا وَافْتَقَرُوا.

٤١. معاشر الناس: ما وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ما سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَفْتِهِ ذَلِكَ فَإِذَا انْقَضَتْ حُجَّتُهُ اسْتَوْفَى عَمَلَهُ.

٤٢. معاشر الناس: الْحَجَّاجُ مُعَانُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ مَخْلَقَةٌ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ^٢.

٤٣. معاشر الناس: حَجُّوا الْبَيْتَ بِكِمَالِ الدِّينِ وَالتَّفَقُّهِ وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِفْلَاحٍ.

٤٤. معاشر الناس: أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَصَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيْتُمْ فَعَلِيٌّ وَلِيْكُمُ وَمُبَيَّنٌ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي «أَمِينَ خَلَقَهُ إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَمَنْ يَخْلِفُ مِنْ ذُرِّيَّتِي يَخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيَبْيُنُونَ لَكُمْ ما لَا تَعْلَمُونَ»، وَمَنْ خَلَفَهُ اللَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، يُخْبِرْكُم بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ، وَيَبْيُنُ لَكُمْ ما لَا تَعْلَمُونَ. أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا، فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَأَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ أُحْذِرَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ، بِقَبُولِ ما جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ «إِمَامَةٌ»، أُمَّةٌ قَائِمَةٌ - مِنْهُمْ «خَاتِمُهَا» الْمَهْدِيُّ - إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَفْضِي بِالْحَقِّ «يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يَقْدِرُ وَيَفْضِي».

٤٥. معاشر الناس: [وَ] كُلِّ حَلَالٍ دَلَلْتُمْ عَلَيْهِ وَكُلِّ حَرَامٍ نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ، أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تَعْيِرُوهُ.

أَلَا وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ، أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي، وَتَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَوْلِهِ عَنِّي وَتَنْهَوُهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي، وَلَا أَمْرٌ مَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٌ عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

١. بقره، ١٥٨.
 ٢. اشاره به آیات ١٢٠ سوره توبه و ١١٥ سوره هود و آیات دیگر.



٤٦. معاشر الناس: القرآن يُعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ، وَعَرَفْتُمْكُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ:

«وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ»^١ وَقُلْتُ: «لَنْ تَضَلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهَيَا».

٤٧. معاشر الناس: اَلتَّقْوَى، اَلتَّقْوَى، اِحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «إِنْ زُلْزِلَتِ السَّاعَةُ شَيْءٌ عَظِيمٌ»^٢.

أذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمَحَاسِبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالنَّوَابِ وَالْعِقَابِ، فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ [عَلَيْهَا] وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

◆ ◆ گرفتن بیعت ◆ ◆

٤٨. معاشر الناس: إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِئْتِزَارَ مَا عَقَدْتُ لِعَلِيٍّ مِنْ إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأُمَّةِ مِنِّي وَمِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ، فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَأَمْرٍ إِمَامِنَا عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأُمَّةِ.

نُبَايَعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَأَلْسِنَتِنَا وَأَيْدِينَا، عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي وَمَوْتُ عَلَيْهِ وَنُبْعَثُ وَلَا نَعْبُرُ وَلَا نُبَدِّلُ وَلَا نَشْكُ وَلَا نَجْحَدُ وَلَا نَرْتَابُ وَلَا نَرْجِعُ مِنْ عَهْدِهِ، وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ وَنُطِيعُ اللَّهَ وَنُطِيعُكَ وَعَلِيًّا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِدَهُ الْأُمَّةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ» الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي، وَمَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَمَنْزِلَتَهُمَا مِنْ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ، فَقَدْ أَدَيْتَ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، وَأَنْهَمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَنْهَمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ وَأَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ.

وَقُولُوا: أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأُمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَمِيثَاقًا مَا خُودًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَأَلْسِنَتِنَا وَمَصَافَقَةٍ أَيْدِينَا مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَأَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا، وَلَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا، أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ، وَكُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ وَاسْتَتَرَ وَمَلَائِكَتَهُ اللَّهِ وَجُنُودَهُ وَعَبِيدَهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

١. زخرف، ٢٨.

٢. حج، ١.



مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ «وَعِظَتِنَا بِوَعِظِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيِّمَةِ الَّذِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ
الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا فَالْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ لَهُمْ مَاخُذْ مِنْ قُلُوبِنَا وَانْفُسِنَا
وَالسِّنَّتِنَا وَصَمَائِرُنَا وَإِيدِينَا مِنْ أَدْرِكْهَا بِيَدِهِ وَالْأَقْدَاقَ بِلِسَانِهِ وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَبْرِي اللَّهُ
مَنْ أَنْفَسْنَا حَوْلًا نَحْنُ نُودِي ذَلِكَ عَنكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَاهَالِينَا وَنَشْهَدُ اللَّهُ بِذَلِكَ
وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ».

٤٩. مَعَاشِرَ النَّاسِ: مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ «فَمَنْ اهْتَدَى
فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا».

وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يَبَايِعُ اللَّهَ. «يُدَالِلُهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^١.

٥٠. مَعَاشِرَ النَّاسِ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايِعُوا اللَّهَ وَبَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ
وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيِّمَةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً، يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ
وَفِي «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^٢.

٥١. مَعَاشِرَ النَّاسِ: قُولُوا الَّذِي قُلْتُمْ وَسَلِّمُوا عَلَى عَلِيٍّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَقُولُوا:
«سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»^٣ وَقُولُوا: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا
لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ»^٤.

٥٢. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّ فُضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ
مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَّفَهَا فَصَدَّقُوهُ.

٥٣. مَعَاشِرَ النَّاسِ: مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَيِّمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

٥٤. مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَلَسَابِقُونَ [أَلَسَابِقُونَ] إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمَوَالِيَتِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ
الْمُؤْمِنِينَ، أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ.

٥٥. مَعَاشِرَ النَّاسِ: قُولُوا مَا يُرِضِي اللَّهَ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفَرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا^٥.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا آدَبْتَ وَآمَرْتَ وَأَغْضَبْتَ عَلَى الْجَاهِلِينَ الْكَافِرِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

١. زمر، ٢٦.

٢. فتح، ١٠.

٣. بقره، ٢٨٥.

٤. اعراف، ٤٣.

٥. آل عمران، ١٤٤.



حکم فرماست. مقدرات و سرنوشت عالم وجود به قدرت کامله او بدون مشورت و کمک تحقق می‌یابد و در آن تغییر و تبدیلی راه ندارد، آنچه به وجود آورده مثل و مانند نداشته و آنچه را که آفریده از کسی کمک نگرفته است. در آفرینش کائنات رنج و مشقت و نقشه و طرح نداشته است. آنچه خواسته موجود شده و آنچه را ایجاد فرموده نمایان گردیده است.

او خدای یگانه‌ایست که جز او خالق وجود ندارد. صنع او حکیمانه و آفرینش او نیکوست، دادگری که ظلم و جور ندارد. و بزرگواری که بازگشت همه امور به سوی اوست.

♦♦ مالک تمام ملک وجود ♦♦

و شهادت می‌دهم که هر موجودی در پیشگاه با عظمتش متواضع و فروتن است و هر چیزی در برابر هیبت و قدرتش حقیر و ناچیز است، مالک تمام ملک وجود و گرداننده همه کرات موجود است، خورشید و ماه به فرمان او بوده و هر یک در مجرای حرکت خود برای مدتی که خواست اوست در گردشند، روشنایی روز را به تاریکی شب می‌پوشاند و ظلمت شب را به روشنایی روز مبدل می‌نماید، چرخ آفرینش شب و روز شتابان در حرکتند.

او قهاریست که طاغی سرکش را از پای در می‌آورد و هر شیطان متمرد را هلاک می‌گرداند، کسی با او منازعه نکند و برای او شبیه و نظیری وجود ندارد. یگانه‌ایست که نیاز ندارد، نه زاییده و نه زاییده شده و کسی با او هم‌تا نیست.

خدایی که یگانه است و پروردگاری که با عظمت است، آنچه اراده فرماید موجود می‌گردد و به آنچه موجود کرده آگاه است، اوست که می‌میراند و حیات می‌بخشد. تهی دست می‌کند و بی‌نیاز می‌گرداند، می‌خنداند و می‌گریاند، باز می‌دارد و عطا می‌فرماید.

ملک هستی از آن او و ستایش برای او و خیر و سعادت به دست اوست و بر انجام هر کاری قادر است. شب را به روز می‌آورد و روز را شب می‌گرداند؛ نیست خدایی مگر خدای بخشنده و آمرزنده.

دعا را اجابت می‌فرماید و عطای خود را زیاد می‌گرداند. آمار و شماره آفرینش خود



نخواهد آمد و او بعد از خدا و رسول، ولی و پیشوا بر شماسست و این فرمان را خداوند تبارک و تعالی صادر فرموده است.

این آیه از کتاب خداست: «این است و جز این نیست، ولیّ شما خدا و رسول او هستند و آنان که ایمان آورده‌اند و اقامه نماز می‌نمایند و در حال رکوع زکات می‌دهند»^۱. و علی بن ابی‌طالب اقامه نماز نمود و در حال رکوع زکات داد و او در هر حال رضای پروردگار را می‌جوید.

.. ❖ از جبرئیل سؤال کردم ❖ ..

ای مردم! من از جبرئیلؑ سؤال نمودم آیا ممکن است که خداوند مرا از ابلاغ این امر معاف فرماید؛ برای آن که می‌دانم پرهیزکاران کم هستند و منافقین بسیارند. و فسادانگیزان گنه‌کار که به اسلام حيله و استهزا می‌کنند بی‌شمارند و خداوند تبارک و تعالی در قرآن آن‌ها را معرفی می‌نماید که:

آن‌ها آنچه با زبان می‌گویند به آن ایمان ندارند و گمان می‌کنند این کار کوچکی است در حالی که در پیشگاه خداوند بسیار بزرگ می‌باشد.

آن‌ها مرا بسیار اذیت کردند و به من نسبت دادند که به هر سخن گوش می‌دهم و آن را قبول می‌نمایم و گمان کردند چنین هستیم، برای آن که با علی ملازم بودم و به او عنایت داشتم تا این که خداوند عزوجل در پاسخ آن‌ها وحی نازل نمود و چنین فرمود: «از ایشان کسانی هستند که پیغمبر را می‌آزارند و می‌گویند رسول خداﷺ فردی خوش باور است، بگو گوش دادن پیغمبر به صحبت دیگران خیر شماسست زیرا او به خدا ایمان دارد و گفته‌های مؤمنین را تصدیق می‌نماید»^۲.

اگر بخواهم نام آن‌ها را بیان نمایم، بیان می‌نمودم و اگر بخواهم آن‌ها را معرفی کنم معرفی می‌کردم و اگر بخواهم آن‌ها را نشان دهم، نشان می‌دادم ولی به خدا سوگند درباره آن‌ها بزرگواری می‌کنم و آن‌ها را رسوا نمی‌نمایم و با همه این گذشت‌ها، خداوند

۱. مائده، ۵۵.

۲. توبه، ۶۱.



به من آموخته شد، من آن را به علی پیشوای پرهیزکاران آموختم و دیگر دانشی نیست مگر آن که به علی تعلیم کرده‌ام و او پیشوای بزرگ و آشکار شماست.^۱

♦♦ از علی دوری نکنید ♦♦

ای مردم! مبدا علی را تنها بگذارید و از او دوری کنید و از پیشوایی او سرپیچی نموده و تکبر نمایید، او تنها کسی است که شما را به سوی حق رهبری می‌نماید و به حق عمل می‌کند و باطل را محو می‌نماید شما را از باطل باز می‌دارد و از ملامت ملامت‌کنندگان در راه خدا بیمی ندارد.

علی اول کسی است که ایمان به خدا و رسول او آورد و برای حفظ جان رسول خدا جانبازی نمود.

و اول کسی است که با رسول خدا پروردگار را عبادت می‌کرد، هنگامی که احدی از مردان، غیر از او با من خدا را عبادت نمی‌کرد.

ای مردم! علی را بزرگ شمارید که خداوند او را فضیلت داده و به فرمان او باشید که خداوند او را به خلافت منصوب نموده است.

ای مردم! علی پیشوای شما از طرف خداست و خداوند هرگز عذر کسی را که منکر پیشوایی او باشد نمی‌پذیرد و چنین شخصی آمرزیده نخواهد شد.

هر که فرمان پروردگار را درباره پیشوایی علی رد کند بر خداست که او را عذاب نماید عذاب دردناکی که هرگز پایان نداشته باشد. پس ای مردم! بترسید از این که با علی

مخالفت کنید و بترسید از آتشی که هیزم آن سنگ و اندام گنهکاران باشد، این آتشی است که بر کافران مهیا شده است.^۲

ای مردم!

به خدا سوگند پیغمبران خدا همه به رسالت من بشارت داده‌اند و من خاتم پیغمبران و رسولان هستم و حجت خدا بر تمام مخلوقات زمین و آسمان‌ها می‌باشم، هر که در رسالت من شک کند کافر است و به کفر زمان جاهلیت خواهد بود و هر که در یکی از

۱. اشاره به آیه ۱۲ سوره یس است و کل شیء احصیناه فی امام مبین.

۲. بقره، ۱۲۴.



گفتارهای من شک کند محققا در همه گفتارهای من شک خواهد داشت و مأوایش جهنم است.

ای مردم! خداوند با این فضیلت که به من عطا فرموده بر من منت نهاده و این احسانی است از طرف پروردگار من نیست معبودی جز او و تا جهان برقرار و روزگار پایدار است حمد و ستایش من همیشه بر او باد.

♦♦ علی علیه السلام از همه افضل است ♦♦

ای مردم! علی را فضیلت و برتری دهید که بعد از من افضل بر همه مردم از زن و مرد می‌باشد. خداوند روزی خلائق را به سبب ما فرستاده و نظام آفرینش را به واسطه ما پایدار فرموده است، دور از رحمت خدا است، دور از رحمت خدا است، غضب خدا بر اوست، غضب خدا بر اوست، کسی که گفتار مرا رد کند و پیشوایی علی را قبول ننماید. آگاه باشید که جبرئیل از جانب پروردگار به من خبر داده که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: هر که علی را دشمن بدارد و پیشوایی او را قبول ننماید، لعنت و غضب من بر او باد، پس باید هر کس بنگرد برای فردای قیامت چه فرستاده است. بترسید از خدا! اگر با علی مخالفت نمایید، و بترسید از لغزشی که پس از ثبات و استقامت شما رخ دهد خداوند به هر چه می‌کنید آگاه است.

ای مردم! علی طرفدار حق است و خداوند در کتاب خود فرموده است: «متمردین، هنگام مرگ حسرت و اندوه می‌برند که چرا از طرفداری حق دوری کرده‌اند».^۲

♦♦ پیشوایی علی علیه السلام وحی خداست ♦♦

ای مردم! در فهم معانی قرآن دقت و تأمل نمایید و آیات کتاب خدا را بفهمید، به محکمت آن توجه داشته باشید و در متشابهات از هوای نفس پیروی نکنید، به خدا سوگند هرگز روشن نمی‌نماید بر شما نواهی قرآن را و واضح نمی‌کند بر شما تفسیر کتاب خدا را، به جز کسی که من دست او را گرفته‌ام و نزد خود قرار داده‌ام و بازوی او

۱. اشاره به سوره حشر، ۱۸.

۲. زمر، ۵۶.



را بلند کرده‌ام و اعلام می‌کنم هر که من پیشوای او هستم علی پیشوای او می‌باشد و او علی بن ابی‌طالب برادر و وصی من است و پیشوایی او بر شما از جانب پروردگار عزوجل بر من وحی گردیده است.

ای مردم! بدانید علی و پاکان از اولاد من ثقل اصغر و قرآن ثقل اکبر است و هر کدام از آن‌ها خبر دهنده یکدیگرند و مطابقت با هم دارند و هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در قیامت بر من وارد شوند.

آنان امانت خداوند در میان مردم و فرمانروای خدا در زمین می‌باشند. آگاه باشید که من امر رسالت را ادا کردم، آگاه باشید که آنچه باید برسانم رساندم، آگاه باشید که به شما شنوادم، آگاه باشید که بر شما آشکار نمودم، آگاه باشید که خداوند عزوجل فرمود و من هم از جانب پروردگار تبارک و تعالی گفتم، آگاه باشید که امیرالمؤمنین غیر از برادرم علی نیست و این منصب بعد از من بر احدی غیر از علی نخواهد بود.

♦♦ دست امیرالمؤمنین علیه السلام جلوی مردم بالا رفت ♦♦

آنگاه بازوی علی را گرفت و بلند نمود و این اولین مرتبه‌ای بود که پیامبر اکرم دست خود را تا این حد بالا برد، سپس فرمود: ای مردم! این علی برادر من و وصی من و مخزن دانش و جانشین من بر امت و مفسر کتاب خداوند عزوجل می‌باشد. او کسی است که شما را به قرآن دعوت می‌نماید و عامل می‌باشد به آنچه مورد رضای پروردگار است او با دشمنان قرآن به جنگ بر می‌خیزد و با آن‌هایی که پیرو قرآن هستند دوستی می‌نماید و مردم را از معصیت خدا باز می‌دارد. او جانشین رسول خدا و امیرمؤمنان و راهنمای مردم است و به امر خداوند با عهد شکنان و ستمگران و آن‌هایی که از دین خارج شده‌اند جهاد می‌نماید، آنچه می‌گویم از نزد خود نمی‌گویم، بلکه به فرمان خداوند می‌گویم.

خدایا! دوست بدار هر که علی را دوست دارد، دشمن بدار هر که علی را دشمن دارد، و دور گردان از رحمت خود آن‌هایی که پیشوایی او را انکار کنند و غضب فرما بر کسانی که حق او را غضب کنند.

پروردگارا! تو این فرمان را بر من نازل فرمودی و پیشوایی امت را بعد از من



مخصوص علی، ولی خود قرار دادی و دستور دادی که مردم را از آن آگاه نمایم و او را به پیشوایی منصوب گردانم و به این سبب دین را بر بندگان کامل و نعمت را بر آن‌ها تمام گردانیدی و از بندگان به داشتن دین اسلام راضی شدی^۱ و فرمودی: «هر کس دینی غیر از اسلام اختیار نماید هرگز از او قبول نخواهد شد و در قیامت از زیانکاران است»^۲.

پروردگارا! تو را شاهد می‌گیرم و شهادت تو بر من کافیهست که من فرمان تو را رساندم.

♦♦ آیات قرآن کریم در شأن علی علیه السلام ♦♦

رسول خدا صلی الله علیه و آله آیات قرآن کریم که در شأن علی علیه السلام نازل شده را بیان فرمودند: ای مردم، خداوند عزوجل به سبب پیشوایی علی دین شما را کامل فرمود، پس کسانی که به پیشوایی او و فرزندان من که از صلب او هستند و بعد از او در مقام او قرار خواهند گرفت و تا روز قیامت پیشوای امت می‌باشند نگرند، روز قیامت که بر خداوند عزوجل وارد شوند، اعمال آن‌ها باطل و تباه گشته است و در آتش منزل و مأوی ابدی خواهند داشت^۳ و تخفیفی از عذاب بر آن‌ها نخواهد بود و مورد نظر لطف قرار نخواهند گرفت.^۴

ای مردم! این علی بهتر از شما مرا یاری می‌کند و از شما نزد من سزاوارتر و نزدیک‌تر و عزیزتر است و خداوند عزوجل و من از او راضی هستیم. هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده مگر درباره او است و هیچ خطابی بر مؤمنین نشده مگر از او شروع شده و هیچ آیه مدحی در قرآن نازل نشده مگر در مورد اوست و شهادت به بهشت در سوره «هل اتی» داده نشده مگر برای او و برای احدی غیر از او آن سوره^۵ نازل نشده است و غیر او را مدح نفرموده است.

۱. اشاره به آیه ۳ سوره مائده.

۲. آل عمران، ۸۵.

۳. اشاره به آیه ۱۷ سوره توبه.

۴. اشاره به آیه ۱۶۲ سوره بقره.

۵. منظور فضائل حضرت علی علیه السلام است که در سوره انسان بیان شده است.



ای مردم! او یاری کننده دین خدا و جدال کننده از جانب رسول خداوند است، او پرهیزکار و پاکیزه و راهنما و راه یافته است، پیغمبر شما بهترین پیغمبران و جانشین او بهترین جانشینان و فرزندان او بهترین جانشینان می‌باشند.

♦♦ علی علیه السلام مرز دین داری است ♦♦

ای مردم! نسل هر پیغمبری از صلب خود اوست و نسل من از صلب علی خواهد بود.
ای مردم!

شیطان با حسدی که داشت با وسوسه آدم را از بهشت بیرون کرد، مبادا شما هم بواسطه حسد بردن اعمالتان باطل شود و قدم‌هایتان بلغزد.

همانا آدم علیه السلام به سبب یک خطا بر زمین هبوط نمود در حالی که او برگزیده خداوند عزوجل بود، پس چگونه است کفر شما و حال آن که بعضی از شما دشمنان خدا خواهید بود.

آگاه باشید که دشمنی با علی نمی‌کند مگر کسی که بدبخت است و دوستی با او نمی‌ورزد مگر کسی که پرهیزکار است.

ایمان به او نمی‌آورد، مگر کسی که ایمان او خالص باشد. به خدا سوگند که سوره «عصر» در مورد علی نازل شده است:

«به نام خداوند بخشنده مهربان - قسم به عصر که بشر در زیانکاری است»، تا پایان سوره.^۱

ای مردم! خدا را گواه می‌گیرم که ما موریت خود را انجام دادم و فرمان خدا را به شما رساندم و بر فرستاده خدا وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار نمی‌باشد.^۲

ای مردم! از خداوند بترسید و آنچه را که حق پرهیزکاری است عمل نمایید تا مسلمانان بمیرید.^۳

۱. عصر، ۳ - ۱.

۲. اشاره به آیات ۳۵ سوره نحل و ۵۴ سوره آل عمران.

۳. آل عمران، ۱۰۲.



...♦♦ دستورات پیامبر اسلام ﷺ به مسلمانان ♦♦...

دستورات پیامبر اسلام ﷺ و آنچه را که بایستی مسلمانان اطاعت کنند ای مردم! به خدا و رسول او، ایمان آورید و ایمان بیاورید به نوری که نازل شده به رسول او قبل از آن که اعمالتان ناچیز شود و صورت‌هایتان به حسرت به عقب برگردد»^۱. ای مردم! نور مطلق از جانب خداوند عزوجل می‌باشد و آن نور در طریق من و بعد از من در طریق علی و بعد از او در طریق نسل او خواهد بود تا زمان حضرت قائم مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه)؛ آن کسی که حق را آشکار نماید و حق از دست رفته ما را به ما برگرداند. خداوند عزوجل ما را حجت خود قرار داده بر آن‌هایی که کوتاهی می‌کنند و دشمنی می‌ورزند و مخالفت و خیانت می‌نمایند و گنه‌کار و ستمکار می‌باشند از بین همه مردم جهان.

ای مردم! شما را از اعمال زشتتان می‌ترسانم و من فرستاده خداوند بر شما هستم و پیش از من هم رسولانی آمدند. آیا اگر من مردم یا کشته شدم به آئین پیشینیان خود بازگشت می‌نمایید؟ هر که از اسلام برگشته به گذشتگان خود بپیوندد هرگز به خداوند ضرری نمی‌رساند و خداوند پاداش شکرگزاران را به زودی عطا می‌فرماید.^۲

آگاه باشید که علی به شکیبایی و شکرگزاری موصوف است و بعد از او فرزندان من که از صلب او هستند صبور و شاکر می‌باشند.

ای مردم! بر خدا منت نگذارید که مسلمان شده‌اید و اگر منت نهید، خداوند بر شما غضب نموده و شما را به عذاب گرفتار می‌نماید، زیرا او مراقب اعمال شماست. ای مردم!

به زودی بعد از من پیشوایانی شما را به آتش دعوت می‌نمایند و آن‌ها در قیامت باوری نخواهند داشت.

ای مردم! بدانید که خداوند تبارک و تعالی و من از آن‌ها بیزاریم.

۱. نساء، ۴۷.

۲. اشاره به آیه ۱۴۴ سوره آل عمران.



♦♦ صحیفه‌ای پنهانی از قبل نوشته بودند ♦♦

ای مردم! بدانید که آن‌ها با یاران و پیروانشان در درکات پست جهنم جای دارند و متکبران جایگاه بدی خواهند داشت.

آگاه باشند که آن‌ها در صحیفه با هم جمع شوند، پس شما باید در موضوع صحیفه توجه نمایید. زیرا توطئه صحیفه^۱ همه را جز عده معدودی به گمراهی می‌کشاند.

ای مردم! من امامت و پیشوایی امت را به امانت به شما می‌سپارم و آن را به وارث در فرزندان و اعقاب خود تا روز قیامت قرار می‌دهم.

ای مردم! آنچه به ابلاغ آن مأمور بودم به شما رساندم و این ابلاغ حجتی است بر کسانی که حاضرند و آن‌هایی که غائب می‌باشند و کسانی که شاهدند و حضور دارند و آن‌هایی که حضور ندارند و کسانی که متولد نشده‌اند پس باید حاضرین به غائبین و پدرها به فرزندها تا قیامت این پیام را برسانند.^۲

به زودی امامت به صورت زمامداری و کشورداری غصب می‌گردد، لعنت خدا باد بر غصب‌کنندگان و آن‌هایی که غاصبین را یاری می‌نمایند. و پروردگار به زودی به حساب جن و انس رسیدگی می‌فرماید^۳ و آنگاه شعله‌هایی از آتش و مس گداخته بر متمرذین می‌افروزد که نتوانند از خود دفع نمایند.^۴

♦♦ راه خود را از او جدا نکنید ♦♦

ای مردم!
خداوند عزوجل شما را به حال خود واگذار ننموده که هرچه بخواهید انجام دهید،

۱. چند نفر از نزدیکان رسول خدا ﷺ پنهانی متنی را نوشته و هم عهد شدند که بعد از رسول خدا ﷺ نگذارند خلافت به دست امیرمؤمنان علی ﷺ افتد محل این قرارداد و نام امضاء کنندگان آن در تاریخ به طور کامل آمده است.

۲. پدران و مسئولان فرهنگی کشور بایستی راهی برای گسترش و تبلیغ و ترویج این خطبه به زبان‌های مختلف و در مراکزی مثل صداوسیما و در کتب درسی و طریقه حفظ آن توسط دانش‌آموزان ببیندیشند، این دستور رسول خدا ﷺ می‌باشد.

۳. الرحمن، ۳۰.

۴. الرحمن، ۳۴.



این آزادی عمل برای آنست که ناپاک از پاک جدا گردد و خداوند شما را به علم غیب آگاه نموده است.^۱

ای مردم! به خدا سوگند اهل شهرها و قریه‌ها هلاک نشدند مگر آن که گفتار پیغمبران خود را تکذیب نمودند و خداوند هلاک می‌نماید کسانی را که ستمکار باشند همچنان که در کتاب خود نام آن‌ها را ذکر فرموده است.

این علی امام و پیشوای شماست و او از مواعید الهی می‌باشد و خداوند به آنچه وعده فرموده وفا می‌نماید.

ای مردم!

بیشتر پیشینیان گمراه شدند و خداوند آن‌ها را هلاک نمود و بازماندگان متمرّد را نیز هلاک خواهد نمود و همچنان که خداوند تبارک و تعالی فرماید:

«آیا هلاک نکردیم گذشتگان را؟ همان طور هلاک می‌نماییم بازماندگان را و با گنهکاران چنین معامله خواهیم کرد. وای بر حال آن‌ها در روز قیامت، اگر گفتار پیغمبران را تکذیب کرده باشند».^۲

ای مردم!

خداوند به من امر و نهی فرموده و من به علی امر و نهی نمودم و علی آمد به آنچه خداوند عزوجلّ به من امر و نهی فرموده است، پس بشنوید فرمان او را تا از غضب خداوند ایمن شوید و اطاعت کنید امر او را تا رستگار شوید و از نهی او احتراز کنید تا سعادتمند گردید و به میل او عمل نمایید و راه خود را از او جدا نسازید.

♦♦ معرفی پیروان اهل بیت علیهم‌السلام و دشمنان او ♦♦

ای مردم! من صراط مستقیم الهی در میان خلائق هستم که شما را به پیروی از فرمان خدا امر می‌کنم و بعد از من علی صراط مستقیم خداوند می‌باشد و بعد از علی، فرزندان من از صلب او پیشوایان امت‌اند و مردم را به پیروی از فرمان خداوند دعوت نموده و در طریق حق راهنمایی می‌نمایند. سپس فرمود:

۱. آل عمران، ۱۷۹.

۲. رسالت، ۱۶ - ۱۹.



«حمد و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است، خداوند بخشنده و مهربان است، صاحب روز پاداش است، پروردگارا! تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌طلبیم، ما را به راه راست هدایت فرما، راه کسانی که بر آن‌ها نعمت بخشیدی نه راه کسانی که بر آن‌ها غضب نمودی و نه راه گمراهان»^۱.

سوره حمد درباره من و علی و عترت من نازل شده است و شامل حال آن‌ها بوده و به آن‌ها اختصاص دارد و آن‌ها دوستان خدا هستند و ترس و وحشتی بر آن‌ها نیست و محزون هم نخواهند شد.

آگاه باشید حزب خداوند غالب است.^۲

آگاه باشید دشمنان علی اهل تفرقه و نفاق و دشمن یکدیگر بوده و از نظر خصلت برادران شیاطین هستند که بعضی بر بعضی دیگر وحی و الهام می‌نمایند و گفتار ناهنجار آن‌ها از روی غرور و جهل می‌باشد.^۳

♦ ♦ وصف پیروان علی ♦ ♦

آگاه باشید دوستان علی و فرزندان او و ایمان آورندگان به خدا هستند که خداوند عزوجل در کتاب خود آن‌ها را چنین توصیف می‌فرماید:

«ای پیغمبر! نمی‌یابی مردمی را که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند و با دشمنان خدا و رسول دوستی نمایند اگرچه آن‌ها از پدران یا فرزندان یا برادران یا اقوام ایشان باشند، خداوند ایمان را در دل‌هایشان قرار داده است و آن‌ها را از جانب خود یاری می‌فرماید و آن‌ها به بهشت‌هایی داخل می‌شوند که در زیر درختان آن جوی‌ها روان است و در آنجا جاویدان بوده و خداوند از آن‌ها راضی و آن‌ها هم از خدا راضی می‌باشند و آن‌ها حزب خدا هستند و حزب خدا رستگار خواهد بود»^۴.

آگاه باشید دوستان علی و عترت من را خداوند تبارک و تعالی چنین توصیف می‌فرماید:

۱. حمد، ۱ - ۲.

۲. اشاره به آیه ۱۱۲ سوره انعام.

۳. اشاره به آیه ۱۱۲ سوره انعام.

۴. مجادله، ۳۲.



«آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده و ایمانشان را به ظلم آلوده ننموده‌اند آن‌ها ایمن از عذاب پروردگار می‌باشند و رستگار خواهند بود»^۱.

آگاه باشید دوستان علی و عترت من کسانی هستند که داخل بهشت می‌شوند و در امن و امان می‌باشند و فرشتگان را ملاقات می‌نمایند در حالی که به آن‌ها خیر مقدم می‌گویند «و نوید می‌دهند که شما در بهشت جاویدان هستید»^۲.

آگاه باشید دوستان علی و عترت من کسانی هستند که بدون حساب داخل بهشت خواهند شد»^۳.

♦ ♦ ♦ وصف دشمنان علی علیه السلام در قرآن ♦ ♦ ♦

آگاه باشید دشمنان علی و عترت من کسانی هستند که به آتش دوزخ کشیده می‌شوند، آگاه باشید دشمنان علی و عترت من کسانی هستند که غرش جهنم را می‌شنوند و لهیب آتش را که در فوران است می‌بینند و هر دسته که داخل در جهنم شوند دسته دیگر را لعنت می‌نمایند»^۴.

آگاه باشید دشمنان علی و عترت من کسانی هستند که خداوند درباره آن‌ها چنین می‌فرماید: «هنگامی که گروهی را در جهنم می‌ریزند، خازنین جهنم از آن‌ها سؤال می‌نمایند.

آیا پیامبری که شما را عذاب بترساند بر شما نیامد؟ در جواب گویند: آری آمد، ولی ما گفتار او را تکذیب نمودیم و به او گفتیم که بر تو چیزی نازل نشده و تو در گمراهی آشکار می‌باشی»^۵.

آگاه باشید دوستان علی و عترت من کسانی هستند که در خفا و پنهانی از پروردگار خود ترسانند و ایمان آن‌ها سبب ارزش و پاداش بزرگ بر آن‌ها خواهد بود»^۶.

ای مردم! بین بهشت و جهنم تفاوت بسیار است، دشمن ما کسی است که خداوند او

۱. انعام، ۸۲.

۲. اشاره به آیه ۷۳ سوره زمر.

۳. غافر، ۴۰.

۴. اشاره به آیات ۱۰۶ سوره هود و ۱۳۸ سوره اعراف.

۵. ملک، ۸ - ۹.

۶. اشاره به آیه ۱۲ سوره ملک.



را مذمت کرده و لعنت نموده است، و دوست ما کسی است که خداوند او را مدح نموده و دوست خود خوانده است.

ای مردم! بدانید من ترساننده هستم و علی راهنماست.

ای مردم! من پیامبر هستم و علی جانشین من است.

♦♦ حضرت مهدی علیه السلام در خطبه غدیرخو ♦♦

آگاه باشید آخرین راهنمای امت هم از خاندان ما می‌باشد و او حضرت قائم مهدی است. درود خداوند بر او باد.

آگاه باشید او بر کلیه ملل با ادیان مختلف پیروز می‌گردد.

آگاه باشید او از ظالمین انتقام می‌گیرد.

آگاه باشید او تمام دژها را فتح نموده و ویران می‌گرداند.

آگاه باشید او مشرکین را از هر نژاد و ملتی باشند نابود می‌نماید.

آگاه باشید او انتقام خون دوستان خدا را می‌گیرد.

آگاه باشید او یاور دین خداوند عزوجل می‌باشد.

آگاه باشید او کشتیان دریای مواج و سامان‌بخش زندگی متلاطم خلائق است.

آگاه باشید او فضل و برتری انسان‌های دانا و جهل و بی‌خردی نادانان را می‌داند.

آگاه باشید او برگزیده خداوند و منتخب او می‌باشد.

آگاه باشید او وارث علوم است و علوم او به تمام علوم احاطه دارد.

آگاه باشید او گزارش دهنده فرمان خداوند عزوجل می‌باشد و احکام الهی را روشن

می‌نماید.

آگاه باشید او درست‌کردار است و در انجام امور پایدار و استوار می‌باشد.

آگاه باشید امور خلائق به او تفویض شده است.

آگاه باشید پیامبران گذشته همه به وجود او بشارت داده‌اند.

آگاه باشید او آخرین حجت خداوند است و بعد از او حجتی نخواهد بود و در جهان

حقی نیست مگر با او و علم و دانشی نیست مگر نزد او.

آگاه باشید هیچ کس بر او غلبه نمی‌نماید و کسی بر او پیروز نمی‌گردد.



آگاه باشید او ولیّ خدا در زمین می‌باشد و حکم و فرمان او، حکم و فرمان خداوند است و پروردگار او را به اسرار آفرینش خود از پنهان و آشکار، آگاه ساخته است.

♦♦ مطرح کردن بیعت ♦♦

ای مردم! آنچه لازم بود برای شما روشن نمودم و به شما فهماندم و بعد از من علی آنچه لازم باشد به شما می‌فهماند. پس از آن که خطبه من پایان یافت شما را به همدستی و بیعت با علی دعوت می‌نمایم و بعد از آن که من با او بیعت نمودم، شما با او بیعت نمایید و به او تبریک گوئید.

آگاه باشید من با خداوند عهد و پیمان بسته‌ام و علی با من بیعت نموده است و من از طرف خداوند عزوجلّ از شما برای علی بیعت می‌گیرم پس هر که عهدشکنی کند ضرر آن بر خود اوست.^۱

♦♦ بیان واجبات و محرمات ♦♦

ای مردم! سعی بین صفا و مروه از شعارهای خدایی است، هر کس حج خانه خدا نماید یا عمره به جای آورد گناهی بر او نمی‌باشد که بر صفا و مروه طواف نماید و کسی که کارهای نیک انجام دهد خداوند پاداش او را می‌دهد و به اعمال بندگان آگاه است.^۲ ای مردم! به زیارت خانه خدا روید، هیچ خاندانی وارد مکه نشود مگر آنکه به لطف میزبان مستغنی گردد و هیچ خاندانی سرپیچی ننماید مگر آن که فقیر و مستمند گردد. ای مردم!

هیچ بنده مؤمنی در مواقع حج توقف ننماید مگر آن که خداوند گناهایش را ببخشد و چنانچه زمان وقوف منقضی گردد و حج انجام نشود باید در سال دیگر انجام داده شود. ای مردم! حجاج مورد لطف خاص پروردگار می‌باشند و آنچه در راه خدا خرج نمایند برای آن‌ها ذخیره خواهد بود و خداوند عمل هیچ نیکوکاری را ضایع نمی‌نماید.^۳

۱. فتح، ۱۰.

۲. بقره، ۱۵۸.

۳. اشاره به آیات ۱۲۰ سوره توبه و ۱۱۵ سوره هود و آیات دیگر.



ای مردم! زیارت خانه خدا را برای اكمال دین و انفاق در راه او انجام دهید و از آن جایگاه برنگردید مگر آنکه از گناهان خود توبه نمایید و تصمیم بگیرید که دیگر هرگز مرتکب گناه نشوید.

... ای مردم! نماز ...

ای مردم! نماز به پای دارید و زکات دهید آن چنان که خداوند تبارک و تعالی دستور فرموده است و اگر هر آینه مدت زمانی گذشت و شما در انجام فرامین الهی کوتاهی کردید و یا احکام را فراموش نمودید پس علی پیشوا و روشن کننده احکام الهی بر شماست، خداوند عزوجل او را بعد از من به این سمت منصوب فرموده است. و خداوند او را مانند من آفریده، هرچه از او سؤال نمایید به شما پاسخ می دهد و بر شما بیان می نماید آنچه را که نمی دانید. آگاه باشید حلال و حرام احکام الهی بیش از آنست که من همه را یادآور شوم و شما را به تمام آنها آگاه نمایم ولی در این مقام شما را به حلال خدا امر می کنم و از حرام او نهی می نمایم و من مأمور هستم که به شما اتمام حجت نمایم و برای قبول آنچه را که پروردگار عزوجل بر من نازل فرموده از شما برای علی امیرمؤمنان بیعت بگیرم و پیشوایان بعد از او را که از فرزندان من و نسل او می باشند به شما معرفی نمایم؛ پیشوایانی که قائم آنها حضرت مهدی عج می باشد و تا روز قیامت حجت خدا بر خلق خواهد بود و به حق حکومت می فرماید.

... ای مردم! دستورات را تغییر ندهید ...

ای مردم! من شما را به هر حلالی دلالت کردم و از هر حرامی نهی نمودم و هرگز نمی توانم از گفتار خود برگردم و آن را تغییر و تبدیل نمایم، بر شماست که آنها را به یاد آورید و به خاطر بسپارید و به یکدیگر توصیه نمایید و آنها را تغییر و تبدیل ننمایید. آگاه باشید من مجدداً گفتار خود را تکرار می نمایم، نماز به پای دارید و زکات بدهید. امر به نیکی کنید و از منکر نهی نمایید و آگاه باشید که بالاترین امر به معروف آنست که در گفتار من استوار و ثابت قدم بمانید و به کسانی که در این محل حضور ندارند گفتار مرا برسانید و آنها را به قبول آن وا دارید و از مخالفت با آن نهی نمایید. این فرمانی



می‌بریم از آنچه ابلاغ نمودی ما از طرف پروردگار برای پیشوایی علی و پیشوایی فرزندان او که امامان بعد از او خواهند بود.

و بیعت می‌نماییم با دل‌ها و جان‌ها و زیان و دست خود و بر این بیعت باقی هستیم تا زمانی که زنده‌ایم و زمانی که می‌میریم و بعد از مرگ که زنده می‌شویم و بیعت خود را تغییر و تبدیل نمی‌دهیم و شک نمی‌آوریم و مردّد نمی‌شویم و از عهد خود بر نمی‌گردیم، و پیمان شکن نمی‌باشیم و از خدا اطاعت می‌نماییم و مطیع تو و فرمانبر علی امیرمؤمنان و فرزندان او می‌باشیم و اطاعت می‌کنیم امامانی را که اعلام نمودی از فرزندان تو از صُلب علی بعد از حسن و حسین خواهند بود و تو مقام حسن و حسین را به خدا معرفی نمودی و منزلت آن‌ها را در پیشگاه خداوند بیان داشتی و آن‌ها بزرگواران و آقایان جوانان اهل بهشت می‌باشند و بعد از پدرشان علی و من پیشوایان امت خواهند بود.

♦♦ ای مردم مجدد اقرار کنید ♦♦

ای مردم!

باز هم بگوئید اطاعت می‌کنیم خدا و رسول او را و اطاعت می‌نماییم علی و حسین و امامان پس از ایشان را و عهد و پیمان می‌بندیم با علی امیرمؤمنان با دل‌های خود و جان‌های خود و زبان‌های خود و بیعت می‌نماییم با کسی که با علی بیعت نموده است و اقرار می‌نماییم که هرگز این بیعت را تبدیل نکنیم و هرگز از آن سرپیچی ننماییم و در این بیعت خدا را شاهد می‌گیریم و خداوند برای شهادت کافیست و توهم بر ما شاهد باش و تمام کسانی که فرمانبر تو هستند از آن‌هایی که حضور دارند و آن‌هایی که حضور ندارند و فرشتگان و مؤمنین، همه بر ما شاهد باشید و شهادت خداوند بالاترین شهادت‌ها است.

♦♦ خدا صدای اقرار شما را شنید ♦♦

ای مردم! آنچه را که می‌گویید خداوند صدای شما را می‌شنود و از ضمیر شما آگاه



سخنی گوید که خدا از شما راضی و خشنود گردد و اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید هرگز ضرری به خدا نمی‌رسانید.^۱

پروردگارا! مردان مؤمن و زنان مؤمنه را بیمارز و کافران را مورد خشم خود قرار ده، حمد و ستایش مخصوص پروردگار عالمیان است.

۲۸۹. زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَالْمَهْمِيمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ وَصَلَوَاتَهُ وَتَحِيَّاتَهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، أَسْلَمَ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَوَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَمَوْلَى وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، أَسْلَمَ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا آمِينَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ، وَسَفِيرَهُ وَخَلْقِهِ، وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ، أَسْلَمَ عَلَيْكَ يَا دِينَ الْقَوْمِ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، أَسْلَمَ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْتَلَوْنَ، أَسْلَمَ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَصَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكْذِبُونَ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ هُمْ مُجْرِمُونَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، أَسْلَمَ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدَ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيُّهُ، وَوَارِثُ عِلْمِهِ وَآمِينُهُ عَلَى شَرْعِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ، وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَصَدَّقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِهِ، وَأَوْجَبَ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ، وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوَّلَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ، ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمْ، فَقَالَ آسَأْتُ قَدْ بَلَغْتُ فَقَالُوا أَللَّهُمَّ بَلَى، فَقَالَ أَللَّهُمَّ أَشْهَدُ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا وَحَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ جَاوِدَ وَلَايَتِكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ، وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ تَعَالَى، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ، فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوِلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ، وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمْ اللَّهَ بِنَفْسِكُمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنْ

۱. آل عمران، ۱۴۴.



عَلَى الْأُولَى فَرَهَدَتْ وَأَيْدِكَ اللَّهُ وَهَدَاكَ، وَأَخْلَصَكَ وَاجْتَبَيْكَ، فَمَا تَنَاقَضَتْ أَعْمَالُكَ، وَلَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ، وَلَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُكَ، وَلَا ادَّعَيْتِ وَلَا افْتَرَيْتِ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، وَلَا شَرِهْتِ إِلَى الْحُطَامِ، وَلَا دَنَسْتِ الْأَنَامَ، وَلَمْ تَنْزَلِ عَلَى بَيْنَتِهِ مِنْ رَبِّكَ، وَيَقِينِ مِنْ أَمْرِكَ تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، أَشْهَدُ شَهَادَةَ حَقٍّ، وَأُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ، أَنَّ مُحَمَّدًا وَاللَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّهُ وَأَخُو الرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ وَوَارِثُهُ، وَأَنْتَ الْفَائِلُ لَكَ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِى مِنْ كَفَرٍ بِكَ، وَلَا أَقَرَّ بِاللَّهِ مِنْ جَحَدِكَ، وَقَدْ صَلَّ مِنْ صَدَعْنِكَ، وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَلَا إِلَى مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ، وَهُوَ قَوْلُ رَبِّ عَزَّوَجَلَّ، وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا، ثُمَّ اهْتَدَى إِلَى وَلَايَتِكَ، مَوْلَايَ فَضْلُكَ لَا يَخْفَى، وَتُورِكَ لَا يُطْفَنُونَ مَنْ جَهَدَكَ الظُّلْمُ الْأَشْقَى مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ، وَالْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، وَالْعِدَّةُ لِلْمَعَادِ، مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَى مَنْزِلَتَكَ، وَأَعْلَى فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ، وَبَصَّرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى مَنْ خَالَفَكَ، وَحَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ، وَذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمْ الْأَخْسَرُونَ، الَّذِينَ تَلَفَحُوا وَجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَلَا أَحْجَمْتَ، وَلَا نَطَقْتَ وَلَا أَمَسْتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، قُلْتَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَضْرَبُ بِالسَّيْفِ، فُذِمَا فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مَتَى يَمْنَزِلُهُ هَرُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لِأَنِّي بَعْدِي وَاعْلَمْتُ أَنَّ مَوْلَاكَ وَحَيَاتِكَ مَعِيَ وَعَلَى سُنَّتِي قَوْلَ اللَّهِ مَا كَذِبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي وَلَا نَسِيتُ مَا عَهَدَ إِلَى رَبِّي وَإِنِّي لَعَلَى بَيْنَتِهِ مِنْ رَبِّي، بَيْنَتَا لِنَبِيِّهِ وَبَيْنَتَا النَّبِيِّ لِي، وَإِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الْفِطْهُ لَفْظًا، صَدَقْتَ وَاللَّهُ وَقُلْتَ الْحَقَّ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ مِنْ نَوَاكٍ، وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ قَرَضِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَايَتِكَ، وَأَنْتَ وَبِئْسَ اللَّهُ وَأَخُو رَسُولِهِ، وَالذَّابُّ عَنْ دِينِهِ، وَالَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى، وَفَضَّلَ اللَّهُ الْأُمَّاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا، دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةٍ وَرَحْمَةٍ، وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَجَعَلْتُمُ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأَوْلَيْكَ هُمْ الْفَائِزُونَ، يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ الْمُخْلِصُ لِطَاعَةِ اللَّهِ، لَمْ تَبْعِ بِالْهُدَى بَدَلًا، وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ



أَهْلٌ يَثْرِبَ لِمَقَامِ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَبَسْتَأْذِنُ فَرِيْقُ مِنْهُمْ النَّبِيَّ، يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ، إِنَّ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى، وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ، قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا، فَفَتَلَّتْ عَمْرُهُمْ وَهَمَزَتْ جَمْعُهُمْ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْطِهِمْ لَمَّ يَنَالُوا خَيْرًا، وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ، وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا وَيَوْمَ أُحُدٍ، إِذْ يُصْعَدُونَ وَلَا يَلُوتُونَ عَلَى أَحَدٍ، وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُخْرِيِّهِمْ، وَأَنْتَ تَدُودُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ وَذَاتِ الشَّمَالِ، حَتَّى رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمَا خَائِفِينَ، وَنَصَرَ بِكَ الْخَادِلِينَ، وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَى مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ، إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ، ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ لِيَلِيكَ وَعَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي الْمُنْهَزِمِينَ، يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمَوْتَةَ وَتَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمَعْوَةَ، فَعَادُوا إِيسِينَ مِنَ الْمُثُوبَةِ، رَاجِعِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَى بِالنُّوبَةِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ، ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مَنْ بَعَدَ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ، وَأَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ، فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ، وَيَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ حَوْرَ الْمُنَافِقِينَ، وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْتُونَ الْأَدْبَارَ، وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا، مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ وَالْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ، وَالنُّعْمَةُ السَّابِغَةُ وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ فَهَنِينَا لَكَ يَا أَيْتُكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ، وَتَبَا لِسَانِكَ ذِي الْجَهْلِ، شَهِدَتْ مَعَ النَّبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَمَغَازِيهِ تَحْمِلُ الرَّايَةَ أَمَامَهُ، وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ وَبَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ، أَمَرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ، وَكَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَقَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى، وَاتَّبَعَ عَيْرِكَ فِي مِثْلِهِ الْهُوَى، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى، صَلَّى اللَّهُ وَاللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِكِ وَمَا اهْتَدَى وَلَقَدْ أَوْصَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمَ وَأَمَرْتِي، بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، فَذَيَّرَى الْحَوْلُ، الْقَلْبُ وَجَهَ الْحَيْلَةَ، وَدُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ، فَيَدْعُهَا رَأَى الْعَيْنِ، وَيَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا، مَنْ لَاجِرِيحَهُ لَهُ فِي الدِّينِ، صَدَقَتْ وَخَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَإِذْ مَا كَرَّكَ النَّاكِثَانِ فَقَالَ نُرِيدُ الْعُمْرَةَ، فَفُلَّتْ لِهَمَّا لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ، لَكِنْ تُرِيدَانِ الْغَدْرَةَ، فَآخَذَتْ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا، وَجَدَّدَتْ الْمِيثَاقَ، فَجَدَا فِي التَّفَاقِ، فَلَمَّا تَبَهَّتْهُمَا عَلَى فَعَلِهِمَا أَغْفَلَا وَعَادَا وَمَا انْتَفَعَا، وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ فَسِرَّتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْأَعْدَارِ، وَهُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ، وَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَجٌ رَعَا ضَالُونَ، وَبِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ، وَلَا هَلْ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ بِاتِّبَاعِكَ، وَنَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى



وَهَرُونَ يُنَادِي بِهِمْ وَيَقُولُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ، وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي، قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى، وَكَذَلِكَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ، قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ، فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْكَ، وَاسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمَيْنِ فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ، وَتَبَرَّاتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ، وَقَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ، فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلِيلِ وَالْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَالزُّمُوكَ عَلَى سَفِهَةِ التَّحْكِيمِ الَّذِي آبَيْتَهُ وَأَحْبَبْتَهُ، وَخَطَرْتَهُ وَأَبَاحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي افْتَرَقُوهُ وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهَدَى وَهُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ عَمَى فَمَا زَالُوا عَلَى التَّفَاقِ مُصْرِينَ، وَفِي الْغَى مُتَرَدِّدِينَ حَتَّى آذَاهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ، فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ فَشَقِيَ وَهَوَى وَأَحْيَى بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعَدَ فَهَدَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةً وَرَأْتِحَهُ، وَعَاكِفَهُ وَذَاهِبَةً فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصَفَكَ، وَلَا يُحِيطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ، أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً وَأَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً، وَأَذْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ، أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجَهْدِكَ وَقَلَّتْ عَسَاكِرُ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ، تُخَمِّدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِنَانِكَ وَتَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بِبَيَانِكَ، وَتَكْشِفُ لَبَسَ الْبَاطِلِ عَنِ صَرِيحِ الْحَقِّ، لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَفِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غَنَى عَنِ مَدْحِ الْمَادِحِينَ، وَتَقْرِظُ الْوَاصِفِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ، وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا، وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنْ قَتَلْتَ النَّكَّاتِينَ وَالْفَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ وَصَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَدَهُ، فَأَوْفَيْتَ بَعْدَهُ قُلْتَ أَمَا إِنْ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ، أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا، وَاتِّقًا بِأَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَبَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ، مُسْتَبْتِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ، وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ، وَالْعَنْ مَنْ عَصَبَ وَلَيْكَ حَقُّهُ، وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ وَجَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ وَالْإِقْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ يَوْمَ اكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ، وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ، وَالْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَنَاصِرِيهِ، وَالرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَخَاذِلِيهِ لَعْنَا وَبِيْلًا، اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمَانِعِيهِمْ حُقُوقَهُمْ، اللَّهُمَّ خُصَّ أَوَّلَ ظَالِمٍ وَغَاصِبٍ لِأَلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَكُلِّ مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَإِلَى الطَّاهِرِينَ وَاجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ، وَبِوِلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَمِينِينَ، الَّذِينَ لَاخَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَاهُمْ يَحْزَنُونَ.



خدا را پرستش می‌کردی با اخلاص کامل در دین با شکیبایی و بردباری، تا آنکه به مقام شهادت نایل شدی الا ای اهل عالم لعنت خدا بر ستمکاران عالم باد.

۳. سلام بر تو ای سید ملت اسلام و پیشوای اهل ایمان و امام صاحبان تقوی و قائد روسفیدان و آبرومندان و نیکویان عالم، سلام و رحمت و برکت خدا بر تو باد، گواهی می‌دهم که تو برادر رسول‌خدایی و وصی و وارث علم رسول خدا و امین پر حفاظ شرع او و خلیفه رسول در میان امت او و اوّل کسی که به دعوت او به خدا ایمان آورد و به آن چه بر پیغمبرش نازل فرمود تصدیق کرد و گواهی می‌دهم که او رسانید از جانب خدا آن چه را باید درباره تو به خلق برساند پس امر خدا را به صدای بلند رسانید و بر امت لزوم طاعتت و محبتت را فرض و واجب گردانید و بر بیعت و امامت عقد و پیمان از امت گرفت...

۴. سلام بر تو ای امیر اهل ایمان، تو بندگی خدا را با خلوص تام بجای آوردی و در راه خدا با شکیبایی و حلم مجاهده فرمودی و به فرمان حق جان خود را فدا ساختی و طبق کتاب خدا عمل و از سنت رسول پیروی کردی و نماز را بپا داشتی و زکوة مستحقان ادا کردی و تا حد قدرت و توانایی امر به معروف و نهی از منکر کردی و همه را برای طلب رضا و نعم الهی و شوق و رغبت به وعده‌های رحمت حق، انجام دادی و در نوایب و سختی‌های روزگار باک نداشتی و سست نگشتی و از جنگ‌ها باز نایستادی و هر که غیر از این اوصاف سخنی درباره تو گفت دروغ و بهتان باطل و بی‌حقیقت است و لایق دشمنان و معاندان توست تو همانا در راه دین خدا به حق مجاهدت فرمودی و بر آزار امت صبر و شکیبایی را رعایت کردی و تویی اول شخص که به خدا ایمان آورد و نماز او را به پاداشتی و مجاهده کردی و روی آوردی و عرض اندام کردی در دیار شرک و بت‌پرستی که از کفر و ضلالت مشحون بود و شیطان روشن و آشکار معبود مردم آن سرزمین بود و تو آنی که فرمودی نه اجتماع مردم به گرداگرد من موجب عزت و تکبر من شود و نه تفرق مردم از دور من مرا به وحشت و اضطراب آرد اگر تمام مردم مرا تسلیم کنند ابدًا زار و نالان نخواهم بود، تو از خدا عصمت و نگرهبانی طلب کردی که عزت یافتی و آخرت را بر دنیا اختیار کردی از دنیا زهد ورزیدی و خدا تو را مؤید فرمود و هدایت به سوی خود کرد و اخلاص کامل در توحید عطا فرمود، تو را از تمام امت برگزید،



به اهل ایمان خوار و متواضع هستند و نسبت به کافران با عزت و مناعتند و در راه دین جهاد کنند و از ملامت خلق باک ندارند و این آیه در شأن علی است و باز مانند این آیه «أَمَّا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تَزَعِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» خدایا البتّه ما می دانیم که این آیات حقّ و از نزد توست و در شأن علی علیه السلام ...

۷. ای مولای من تویی حجّت بالغه خدا و طریق واضح حقّ و نعمت و واسعۀ الهی و برهان روشن، پس تو را آن همه فضل و برتری که از جانب خدا عطا شده گوارا باد و محروم باد آنکس که از جهل با تو عناد و شماتت کرد، تویی یا علی که در جمیع جنگ‌ها با پیغمبر که درود خدا بر او و آتش باد حاضر بودی و به اتفاق او در راه خدا جهاد می کردی و پرچم اسلام را پیشاپیش پیغمبر صلی الله علیه و آله می بردی و در جلو او شمشیر به فرق دشمنان می زدی و چون حزم و تدبیر و بصیرت در امور مشهود بود تو را پیغمبر در بسیار مواطن فرمانده کرد و هیچ کس بر تو امیر نبود و چه بسیار اموری که تقوی تو را از عزم و اقدام در آن امور بازداشت و غیر تو، دیگران در آنکار به هوای نفس اقدام می کردند آنگاه مردم جاهل می پنداشتند تو از آن عاجز بودی و البتّه هر که چنین پندارد عقلش گمراه است...

۸. و باز حال تو در شبی که به جای پیغمبر صلی الله علیه و آله به بستر او خفتی شبیه به حال اسمعیل ذبیح الله است که چون پدرش به او گفت: ای پسر عزیز من در خواب مأمور به ذبح تو گردیده‌ام رأی تو در این کار چیست؟ در پاسخ گفت: ای پدر! هرچه مأموری از جانب خدا انجام ده مرا انشاءالله از صابران خواهی یافت همچنین تو را نیز چون رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد مأمور کرد که در بستر او بخوابی رسول خدا صلی الله علیه و آله را بزودی اجابت کردی و خود را به جای رسول صلی الله علیه و آله برای کشته شدن آماده ساختی خدا هم طاعتت را پاداش داد و کار نیکوی تو را بر امت آشکار کرد با آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ»، باز رنج و محنتت در جنگ صفین بسیار بود در حالی که به مکر و حيله معاویه قرآن‌ها را بر سر نیزه بلند کردند و مردم را به شک و شبهه انداختند و آیین حقّ را به بازی گرفتند و گمان خود را پیروی کردند آن هنگام غصّه تو شبیه به هارون



برادر موسی بود که او را بر امت امیر گردانید و مردم از گردش متفرق شدند و هرچه هارون آنان را ندا کرد و گفت: شما به این گوساله سامری امتحان می‌شوید پروردگار شما خدای رحمان است پیرو من باشید و امر مرا اطاعت کنید قوم موسی به هارون گفتند ما بر پرستش گوساله ثابت مانیم تا موسی به سوی ما باز گردد، همچنین بود حال تو هنگامی که قرآن‌ها را بالای نیزه کردند و تو فرمودی:

ای مردم! این فتنه و خدعه و امتحان شماست، آنان با تو راه مخالفت پیموده و عصیان امر تو کردند و از تو تقاضای نصب دو حاکم کردند، پس تو از نصب حکمین ابا کردی و از فعل زشت آن‌ها به سوی خدا بیزاری جستی و کار را به ناچار به آن‌ها واگذاری...

۹. پروردگارا اولین ظالم و غاصب حق آل محمد را و هر کس تا قیامت سنت ظالم را پیروی کرد مخصوص به لعن خود بگردان پروردگارا بر محمد خاتم رسولان خود و بر سید اوصیاء و امیرالمؤمنین علی علیه السلام و آل اطهار او درود و رحمت فرست و ما را از آنان که رشته عهدشان را محکم نگهداشت و به واسطه ولایت و محبت آن‌ها به فوز و سعادت ابد رسید و ایمن از عذاب دوزخ گردید که دیگر ابد هیچ خوف و اندوهی در دل ندارد مقرر فرما.^۱

۲۹۰. اتفاقات بعد از اتمام خطبه عرشی غدیر خم

پس از پایان فرمایشان عرشی رسول نجات بخش هستی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله آیه شریفه: **اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا** نازل شد.

در این هنگام در حالی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خوشحال و مسرور بودند، فرمودند: **«الله اكبر از اكمال دين و اتمام نعمت، خداوند به رسالت من و ولایت علی بعد از من خشنود گردید»**.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در خیمه مخصوص به خود نشست و به امیرمؤمنان علی ابن ابی طالب

۱. متن این زیارت نامه بسیار زیبا در این مجموعه به طور تقطیع و کوتاه جهت اطلاع خوانندگان آورده شد. امیدواریم در اعیاد مبارک غدیر این زیارت‌نامه در تمامی مساجد ایران اسلامی به طور جمعی قرائت گردد. انشاءالله تعالی. متن ترجمه زیارت‌نامه تکه برداری شده و همه آن آورده نشده است.



امر فرمود در خیمه دیگری بنشینند سپس به مردم دستور فرمود تا بر خیمه امام علی وارد شوند و به او تبریک گویند.

سپس رسول خدا بعد از اتمام تبریک مردم به همسران خود نیز همین دستور را ابلاغ فرمود و آن‌ها نیز به امام وارد شدند و به ایشان تبریک گفتند.

طبق منابع مهم و معتبر تاریخی یکی از کسانی که به امیرالمؤمنین تبریک گفت عمر بن خطاب بود و به ایشان عرض کرد: **هنیئاً یابن ابی طالب!**

«گواری وجودت باد ای پسر ابی طالب تو مولای من و مولای همه مردان و زنان مؤمن شدی».

۲۹۱. کفران نعمت ربانی

حاکم حسکانی حنفی در کتاب خود شواهد التنزیل از ابو حمزه ثمالی و او از امام باقر نقل کرده فرمود: مقصود از **کفورا** در آیه ۸۹ سوره اسراء کفران نعمت ولایت علی است که رسول خدا در غدیر خم وی را معرفی نمود و در همان کتاب از آن حضرت نقل نمود که در تفسیر آیه «ولقد صرفنا للناس فی هذا القرآن»^۱ فرمود: مراد این است که ما علی را در همه جای قرآن یاد کردیم و او نزد ما ذکر است (یاد او و ذکر فضایل او ذکر خدای متعال است) با این وجود مردم از او فاصله گرفتند.^۲

۲۹۲. عذاب منکر ولایت بعد از واقعه غدیر

از حدیث نقل شده که گوید: وقتی که رسول خدا در غدیر خم فرمود: هر که من مولای اویم این علی نیز مولای اوست.

نعمان بن منذر فهری برخاست و گفت: آیا این سخن را از نزد خود گفتی و یا پروردگارت تو را به آن امر نمود؟

رسول خدا فرمود: بلکه پروردگارم مرا به آن امر نمود.

۱. اسراء، ۸۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۲.

پس حارث نتوانست تحمل نماید و گفت: خدایا سنگی از آسمان و یا عذابی بر ما فرو فرست تا ما را نابود کند.

حدیفه گوید:

هنوز حارث به محل خود نرسیده بود که سنگی بر سر او فرود آمد و هلاک شد و سپس این آیه نازل شد: «سأل سائل بعذاب واقع...»^۱.

۲۹۳. معاویه هم خطبه غدیر را شنید

در تفسیر نورالثقلین از تفسیر قمی نقل شده که سبب نزول این آیه: «فلا صدق ولا صلی ولكن کذب وتولی ثم ذهب الی اهله یتطمی اولی لك فاوی ثم اولی لك فاوی»^۲؛ این بود که رسول خدا ﷺ در غدیر خم مردم را به بیعت با علی ﷺ دعوت نمود و آن‌ها را به آنچه از طرف خداوند درباره علی ﷺ رسیده بود آگاه نمود.

پس مردم پراکنده شدند و معاویه در بازگشت به مغیره و ابوموسی اشعری تکیه کرده و می‌گفت: «ما هرگز ولایت علی ﷺ را نخواهیم پذیرفت و محمد ﷺ را در گفتار او نسبت به علی ﷺ تصدیق نخواهیم کرد». پس این آیات درباره او نازل شد.

و چون رسول خدا ﷺ بر منبر رفت و خواست از او بیزاری جوید این آیه نازل شد «لاتحرك به لسانك لتعجل به»؛ پس رسول خدا ﷺ ساکت شد و او را نام نبرد.^۳

۲۹۴. غدیر روز نشر ایمان

حضرت رضا ﷺ فرمودند: هنگامی که قیامت برپا شود چهار روز را زینت می‌دهند. پرسید: این چهار روز کدام ایام هستند؟

حضرت فرمود: روز عید قربان، فطر، جمعه و روز عید غدیر، اما روز غدیر در این بین تابنده‌تر است.

۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی از علمای اهل سنت، ج ۲، ص ۲۸۸؛ برای مطالعه در منابع شیعه به تفسیر نورالثقلین در ذیل آیه شریفه و بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۳۶ و کافی، ج ۱، ص ۴۲۲ مراجعه شود.

۲. قیامت، ۳۱ - ۳۴.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۶۳ و تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۷.



روز عید غدیر روزی است که حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش (نمرود) نجات پیدا کرد و برای شکرگزاری آن روز را روزه گرفت، روز عید غدیر روزی است که خداوند دین را کامل گردانید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به خلافت و حکومت برای مردم برگزید. سپس فرمود: روز غدیر روزی است که جبرئیل علیه السلام کرسی مخصوصی را که خداوند کرامت کرده و در مقابل بیت المعمور^۱ قرار داده و بالای آن رفته و بر محمد درود و تهنیت می فرستند و برای شیعیان علی و اولاد استغفار می کنند.

- غدیر روزی است که خداوند کاتبان اعمال مردم را فرمان می دهد که از نوشتن اعمال (منهی) دوستان اهل بیت و شیعیان آن ها خودداری کنند.

- روز غدیر روزی است که خداوند آن را برای محمد و آل او مخصوص گردانید و کسانی که در آن عبادت کنند و یا بر اهل و عیال خود انفاق نمایند مورد لطف و احسان پروردگار قرار گرفته اند خداوند در آن روز سعی و کوشش شیعیان را تقدیر می کند.

- غدیر روزی است که در آن علم و فضیلت نشر می گردد و روز مژده و بشارت و عید اکبر است و در آن دعا مستجاب می باشد.

- غدیر روزی است که در آن باید جامه نیکو پوشید و آن روزی است که غمها در آن زدوده می شود.

- غدیر روزی است که خداوند در آن روز دین اسلام را کامل کرده و روز عید آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد.

- غدیر روز دوستی و رسیدن به رحمت خداوند است روزی که باید خداوند را عبادت کرد و روزه داران را افطار داد.

- غدیر روز تبریک و تهنیت است هر کس در این روز با برادران ایمانی خود با چهره خندان روبرو شود خداوند نیز روز قیامت با نظر رحمت به وی نگاه خواهد کرد و هزار حاجتش را روا خواهد نمود.

- غدیر روز زینت است هر کس در این روز خود را زینت کند خداوند گناهان او را می آمرزد و فرشتگان را مبعوث می کند تا برای او حسنات بنویسند.

۱. بیت المعمور محل طواف ملائکه الهی است که بالای کعبه در آسمان چهارم می باشد.



۲۹۵. علی علیه السلام میدان دار سخنوری و جنگ و جهاد

امام علی علیه السلام در جمله کوتاه مفاهیمی بلند و وسیع و عمیق فرمایش می فرمودند از جمله آن که: «من امن آمن»؛ یعنی: هر کس ایمان آورد ایمن شد.^۱ محمد حنفیه می گوید علی علیه السلام هرگاه سخن می گفت پیشتاز و پیروز بود و هرگاه ضربه‌ای می زد می برید و نابود می کرد.^۲

۲۹۶. حق طرفداران اندکی دارد

در تفسیر عیاشی از صفوان نقل شده که گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: دوازده هزار نفر در غدیر خم شاهد مقام علی بن ابی طالب علیه السلام بودند و علی علیه السلام نتوانست حق خود را از غاصبان بگیرد. در حالی که یکی از شما با داشتن دو شاهد مال خود را از دیگری می گیرید...^۳

در روایتی دیگر آمده که فرمودند: من تعجب می کنم که شما مسلمانان اگر ادعایی داشته باشید می توانید با دو شاهد عادل در محکمه قضای اسلامی حق خود را بگیرید ولی جد ما امیر المؤمنین با داشتن یکصد و بیست هزار شاهد نتوانست حق خود را بگیرد.

۲۹۷. پرده برداری از غم‌های دل حضرت زهرا علیه السلام

محمود بن لبید (و یا اسید) می گوید: پس از وفات رسول خدا ﷺ حضرت فاطمه زهرا علیه السلام را در کنار قبر حمزه در احد ملاقات کردم در حالی که به شدت اشک می ریخت و می گریست کمی صبر کردم تا آرام گرفت آنگاه عرض کردم: ای بانوی من سؤالی برایم پیش آمده که می خواهم با شما در میان بگذارم؟
فرمود: پرس.

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۸.

۲. نثر الدر، ج ۱، ص ۴۰۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ۱۷۴ - بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۴۰.



عرض کردم: آیا رسول خداﷺ قبل از وفات خود تصریحی بر امامت علیؑ داشته است؟ و آیا از طرف ایشان نصی بر این موضوع وجود دارد؟
حضرت فرمود:

واعجباه انسیتم یوم غدیرخم، شگفتا آیا روز غدیرخم را فراموش کرده‌اید؟
عرض کردم: روز غدیر را می‌دانم از آن اسراری که رسول خداﷺ با شما در میان گذاشته مرا آگاه کنید.
آنگاه فرمود:

شهدالله تعالی لقد سمعته یقول: علی خیر من اخلفه فیکم وهو الامام والخلیفة بعدی
وسبطای وتسعة من صلب الحسین ائمة ابرار لئن اتبعتموهم وجدتموهم هادین مهدیین، ولئن
خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامة.
خدا را شاهد می‌گیرم که شنیدم رسول خداﷺ فرمود:

علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می‌دهم علی امام
و خلیفه بعد از من است و او و فرزندم (حسن) و نه تن از فرزندان حسین پیشوایان و
امامانی پاکند و اگر از آنها اطاعت کنید شما را هدایت خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید
تا روز قیامت اختلاف در میان شما خواهد شد.

پرسیدم: سرورم پس چرا علیؑ سکوت کرد و برای گرفتن حق خویش قیام نکرد؟
حضرت فرمود: یا ابا عمر! لقد قال رسول اللهﷺ مثل الامام مثل الکعبة اذ توتی ولاتاتی -
او قالت: مثل علی - ثم قالت: اما والله لو وترکوا الحق علی اهله واتبعوا عتره نبیه لما اختلف
فی الله اثنان ولورثها سلف عن سلف وخلف بعد خلف حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین
ولکن قدما من اخره الله واخروا من قدمه الله حتی اذا الحدوا المبعوث او دعوه الجذث
المجدوث اختاروا بشهوتهم وعملوا بارائهم تبا لهم اولم یسمعو الله یقول: وربک یخلق ما
یشاء ویختار ما کان لهم الخیرة!



۲۹۸. کلامی در حد خطبه غدیر

کلامی در حد خطبه غدیر، که حجت را بر انسان تمام می‌کند: آیا با این فرمایش رسول خدا ﷺ درباره شمایل پر شمیم مولی امیرمؤمنان علی علیه السلام جای عذری باقی خواهد ماند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «لولا ان تقول فيك طوائف من امتي ما قالت النصارى في عيسى بن مريم لقلت فيك قولاً لا يهرم بلاء من الناس الا اخذوا التراب من تحت قدميك يلتمسون بذلك البركة». اگر بيم آن را نداشتم که گروه‌هایی از امت من درباره تو آنچه را که مسیحیان درباره حضرت عیسی بن مریم گفتند بگویند سخنی درباره تو می‌گفتم که به گروهی از مردم نگذری مگر این که خاک زیر قدم تو را به عنوان تبرک بردارند.^۱

نباید پنداشت که توصیف رسول خدا ﷺ از شمایل پر شمیم امیرملک و ملکوت امام علی علیه السلام صرفاً به خطبه غدیر ختم می‌شود، روایات زیادی در منابع اهل سنت و کتب روایی شیعه وجود دارد که حجت را بر انسان تمام می‌کند و از همان روایات نیز می‌توان فهمید که راه امام علی علیه السلام حق و مورد پسند رسول خدا ﷺ است علی ای حال در این کتاب در دو فصل مجزا پیرامون روایات اهل سنت و شیعه، حدیث آورده شده است.

۲۹۹. جای هیچ عذری باقی نماند

پس از غصب فدک، حضرت زهرا علیها السلام در مسجد مدینه خطبه‌ای خواند و در آن خطبه از حقایق بسیاری سخن گفت. حضرت چنان محکم و وسیع و دقیق سخن راند که خلیفه

۱. آدرس در منابع و مدارک اهل سنت. (شایسته است به تاریخ فوت نویسندگان توجه شود تا به سابقه قدیمی روایات مذکور و سندیت آن بهتر پی برده شود).

الف. مجمع الزوائد هبثمی، ج ۹، ص ۱۳۱، متوفی ۸۰۷ - المعجم الكبير، ۲۰ جلدی نوشته طبرانی، ج ۱، ص ۳۲۰، متوفی سال ۳۶۰ هجری قمری - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۱۸، ص ۲۸۲، متوفی ۶۵۶ هجری قمری - شواهد التنزیل حاکم حسکانی، ج ۲، ص ۲۳۳ - مناقب خوارزمی، ص ۱۲۹ - ینابیع الموده نوشته قندوزی، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۳۸۹ و ۳۹۱ و ۳۹۳، متوفای ۱۲۹۴ هجری قمری.

ب. آدرس منابع و مدارک روایت کتب شیعه:

خصال صدوق، ص ۵۵۷، امالی شیخ صدوق علیه السلام ص ۱۵۶ و ۷۰۹ - روضه الواعظین، ص ۱۱۲ - خاتمه المستدرک میرزای نوری ج ۴، ص ۳۳۰ - کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۴۱۲، الغارات، ج ۱، ص ۶۲ و ۶۴ - مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام محمد بن سلیمان کوفی، ج ۱، ص ۲۴۹ و ۴۵۹ و ۴۹۴، ج ۲، ص ۶۱۵ - المستترشد، ص ۶۳۴ - شرح الاخبار قاضی نعمان مغربی، ج ۲، ص ۴۱۱ - ارشاد شیخ مفید، ج ۱، ص ۱۱۷ و ۱۶۵ - اختصاص، ص ۱۵۰.



۳۰۰. خلیفه دوم از دختر پیامبر می‌گوید

این فاطمه همان است که دستور محبت و دوست داشتن او در روایات کتب اهل سنت موج می‌زند پس چه شد قبر مخفی او چرا خلیفه رسول خدا بر او نماز نتوانست بخواند. در این روایات دشمن و دوست را می‌توان شناخت و حد محبت صحابی پیامبر به حضرت زهرا را می‌توان شناخت. حضرت زهرا در منابع و کتب اهل سنت فرد ناشناخته‌ای نیست با علم به وجود نازنین ایشان ظلم کردند، به اشاراتی که در وصف حضرت زهرا در بعضی از تفاسیر اهل سنت در این فصل آمده توجه فرمائید تا بدانید که صحابی رسول خدا جایگاه دختر رسول خدا را می‌شناخته‌اند. چنان که خلیفه دوم بارها ابن عباس گفت:

والله ان وليها ان يحملهم على كتاب ربهم وسنة نبيهم لصاحبك اما ان ولي امرهم حملهم على المحجة البيضاء والصراط المستقيم.

به خدا سوگند! پر جرات‌ترین این گروه که بتواند مردم را به احکام کتاب پروردگارشان و سنت پیامبرشان راه ببرد سالار تو (علی) است، همانا اگر او عهده‌دار حکومت ایشان شود آنان را به راه راست و شاهره روشن می‌برد.^۱

۳۰۱. جایگاه و منزلت فاطمه زهرا در تفاسیر اهل سنت

وقتی آیه «قل لا أسئلكم عليه أجرا الا المودة في القربى» نازل شد، عده‌ای پرسیدند: یا رسول الله! قریبی چه کسانی‌اند که محبت آن‌ها بر ما واجب است؟ آن حضرت فرمود: فاطمه و فرزندان او.^۲ فخررازی در معرفی مصداق این آیه چنین آورده: آل پیامبر کسانی هستند که امر آنان به پیامبر برگشت می‌کند و هر کس که بازگشتش به پیامبر شدیدتر و کامل‌تر باشد آل محسوب می‌شود شکی نیست که فاطمه

۱. نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدیث، ج ۱۲، ص ۵۲.

۲. شواهد التنزیل نوشته حسکانی، ج ۱، ص ۱۹۳ متوفای قرن پنجم و تفسیر کشاف نوشته زمخشری، ج ۴، ص ۲۱۹، متوفای ۵۳۸ هجری قمری.



فاطمه و همسر و اولادش نازل شده این است که خدای متعال در این سوره نامی از حورالعین نبرده و به ولدان مخلصین تصریح فرموده و این به آن جهت است که رعایت حرمت بتول و نور چشم رسول خدا ﷺ فاطمه زهرا علیها السلام می باشد.^۱

او همچنین آورده: چه می توان گفت جز آنکه علی مولای مؤمنان، وصی رسول خدا ﷺ است و فاطمه پاره تن احمد و جزء محمدی است و حسن و حسین روح و ریحان و سید جوانان اهل بهشتند.

آنگاه تصریح می کند: **ولیس هذا من الرّفص بل ما سواه عندی هو الغی.**

یعنی: این که می گویم علامت رافضی بودن من نیست بلکه غیر از این گفتن غی و گمراهی محسوب می شود.

❖ ۲۰۳. نام و یاد او ابدی است ❖

فخر رازی در سبب نزول سوره کوثر چنین آورده است که:

ابن عباس، مقاتل، کلبی و عامه اهل تفسیر گفته اند که عاص بن وائل همواره می گفت: **انّ محمداً ابتر لابن له یقوم مقامه بعده فاذا مات انقطع ذکره واسترحم منه.**^۲ سدی می گوید:

خداوند (در این سوره) بیان کرده است که دشمنان رسول خدا ﷺ ابتر و بی دنباله اند ما که می بینیم نسل این کفار منقطع شده است ولی نسل رسول خدا ﷺ هر روز، به ازدیاد و رشد است و این چنین خواهد بود تا روز قیامت.^۳

فخر رازی آنگاه آورده که کوثر اولاد پیامبر اکرم ﷺ است چون این سوره به عنوان رد بر گفتار کسانی نازل شده که می گفتند: پیامبر فرزند ندارد... پس معنای این سوره آن است که خداوند متعال به رسول خدا ﷺ نسلی عطا می کند که در طول زمان باقی خواهند بود.

فانظر کم قتل من اهل البیت ثم العالم ممتلی منهم... ثم انظر کم کان فیهم من الاکابر من

العلماء کالباقر والصادق والکاظم والرضاء والنفس الزکیة وامثالهم.

۱. تفسیر روح البعانی آلوسی، ج ۲۹، ص ۱۵۸، متوفای ۱۲۷۰ قمری.

۲. تفسیر کبیر نوشته فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۳۲ - ۱۳۳، متوفای ۶۰۶ هجری قمری.

۳. تفسیر کبیر، ج ۳۲، ص ۱۳۲، ص ۱۳۳.

یعنی: بنگرید که چقدر از اهل بیت را کشته‌اند ولی جهان پر است از آنان و از بنی‌امیه احدی که قابل ذکر باشد باقی نمانده است. نگاه بنگر که در بین اهل بیت چقدر از بزرگان علما وجود داشته‌اند مثل باقر، صادق، کاظم، رضا علیهم‌السلام و نفس الزکیه و امثال آنان.

❖ ۳۰۴. پنج نکته باریکتر از مو ❖

- حضرت زهرا علیها‌السلام با آن وصیت خود که فرمود: قبر مرا مخفی کنید چه چیز را می‌خواست به نسل‌های آتی و آینده برساند این حرکت چه پیامی از خود دارد چطور شد که دختر پیامبر اسلام این گونه وصیت کرد؟

اگر این حرکت حضرت زهرا علیها‌السلام نبود معلوم نمی‌شد مطلب از چه قرار است این بهترین مدرک نارضایتی دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از سیره و روش و منش همان کسانی است که ما می‌گوئیم صحابی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند.

لذا این مطلب مسلمانی بعضی را روشن و اثبات می‌کند با این راه و روش، حضرت نشان داد که این‌ها در مسیر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیستند؟

- آیا می‌توان تصور کرد که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستور پیروی از کسی را بدهد بعد او خطا و بیراهه رود و یا نتواند امور مردم و حکومت را درست هدایت کند؟

- کدام یک از نزدیکان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین جایگاهی در روایت اهل سنت و شیعه برای او بر شمرده شده است؟ چرا معاویه که بعضی او را جزء صحابی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌داند دستور داد بعد از هر نماز در منابر امام علی علیه‌السلام را لعن کنند.

- اهل بیت کسانی هستند که باید با اجازه وارد خانه آن‌ها شد تا چه برسد به اینکه به منزل ایشان حمله شود، ۱۲۰۰ سال قبل نویسنده و عالمی محقق به نام ابن قتیبه کتابی به نام الامامة والسیاسة نوشته این عالم بزرگوار سنی دقیقاً و مفصلاً به ماجرای حمله به خانه حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام توسط قنقذ و آتش زدن خانه اشارات مبسوطی دارد. (فأفهم و تأمل).

- اگر مودت اهل بیت را رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از ما خواسته در مثل این مودت پس اندازی است که برای خود ذخیره کرده‌ایم این به نفع خود ماست معنا ندارد خداوند ما را دستور به محبت کسی بدهد ولی راه آن‌ها را مورد تأیید قرار ندهد.



۳۰۵. غدیر در منابع روایی اهل سنت

بعد از معرفی و جانشینی امام علی علیه السلام و اتمام خطبه غدیر رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه امام علی علیه السلام به طرف خیمه‌ای که برایش ساخته بودند و محل اجرای مراسم بیعت مردم بود حرکت کردند آنگاه مردم دسته دسته جهت بیعت به حضور امام شرفیاب می‌شدند روسای قبایل، سران عشایر، بزرگان مهاجر و انصار و... امامت و پیشوایی امام را تبریک می‌گفتند و از بیعت با آن حضرت اظهار شادمانی می‌کردند از جمله افرادی که با آن حضرت بیعت کردند و به امام تبریک گفتند ابوبکر و عمر بودند که به چند مورد از منابع و مأخذ مهم اهل سنت در خصوص بیعت آن‌ها با امام علی علیه السلام اشاره می‌شود.

۱. کتاب ریاض النضره جلد ۲، ص ۱۷۰ سه روایت در این خصوص آمده که در یک روایت عمر امام علی علیه السلام را مولا و سرور خود و تمام مسلمین خطاب کرده است و در روایت دیگر مولا و سرور خود و در روایت آخر آن حضرت را مولا و سرور کسانی عنوان می‌کند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مولا و سرور آن‌هاست.

۲. فیض القدیر، نوشته المناوی جلد ۶، ص ۳۱۷ متوفای ۱۰۳۱ هجری قمری ابوبکر و عمر آن حضرت را مولا و سرور تمام مؤمنین و مؤمنات یاد می‌کنند.

۳. احمد بن حنبل در مسند خود جلد ۴، ص ۲۱۸ سلسله راویان خود را به براء بن عازب رسانده و چنین آورده که براء ابن عازب روایت می‌کند که در سفر حج با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم چون به غدیر رسیدیم اعلام نماز گردید و زیر دو درخت را تمیز و آماده کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر را به جای آورد و آنگاه دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود آیا نمی‌دانید که من نسبت به مؤمنین از خود آن‌ها سزاوارترم؟ گفتند: آری! آنگاه دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: هر کس من مولا و سرپرست او هستم علی هم مولا و سرپرست اوست خدایا! دوست بدار هر که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که علی را دشمن دارد. راوی گفت: در این هنگام عمر حضرت علی علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: خوشا به حال تو ای پسر ابی طالب که صبح و شام کردی در حالی که مولا و سرپرست تمام مؤمنین و مؤمنات گردیدی.

۴. فخر رازی در تفسیر کبیر ذیل همین آیه «الیوم اکملت» واقعه غدیر را آورده و در پایان از تبریک عمر به امام علی علیه السلام نیز سخن گفته است (علامه امینی در کتاب الغدیر



به ۶۰ مورد درباره نحوه تبریک خلفا و مردم به امام علی علیه السلام اشاره کرده است جلد ۱ الغدير، ص ۲۷۰ تا ۲۸۳).

۵. خطیب بغدادی از علمای معروف اهل سنت در کتاب خود تاریخ بغداد جلد ۸ ص ۲۹۰ روایتی نقل کرده که هر کس روز ۱۸ ذی الحججه (روز عید غدیر خم) را روزه بدارد برای او ثواب شصت ماه روزه خواهد بود آنگاه تأکید می کند که: آن روز عید غدیر خم است که پیامبر صلی الله علیه و آله دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: آیا می دانید که من نسبت به مؤمنین از خود آن ها سزاوارتر هستم. گفتند: آری. فرمود: هر کس من مولا و سرپرست او هستم. علی علیه السلام هم مولا و سرپرست اوست. آنگاه عمر بن خطاب گفت: «بخ یخ لك یابن ابی طالب اصبحت مولای ومولی كل مسلم»، به به! ای پسر ابی طالب مولای و سرور من و هر مسلمانی گردیدی سپس این آیه نازل گردید «الیوم اکملت لکم دینکم»^۱.

۶. علامه جلال الدین سیوطی ادیب و مورخ و مفسر بزرگ اهل سنت در تفسیر خود الدر المنثور ذیل آیه غدیر (سوره مائده، آیه ۶۷) می گوید: ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از ابوسعید خدری نقل می کنند که آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل» در غدیر خم درباره علی بن ابی طالب بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است وی در حدیث بعد چنین آورده که «ابن مردویه عن ابن مسعود قال: کنا نقرا علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ان علیا مولی المؤمنین وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس...» ابن مردویه از ابن مسعود نقل کرده که وی گفت: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه را چنین می خواندیم: ای رسول خدا ابلاغ کن، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل گردیده است اینکه علی علیه السلام مولا و سرور مؤمنین است و اگر این فرمان را ابلاغ نکنی رسالت خود را انجام نداده ای و خداوند تو را حفظ خواهد کرد.

۳۰۶. قیاسی عجیب

حضرت آیه الله العظمی بهجت می فرمایند: اهل تسنن می گویند: چون حدیث غدیر^۲ را بخاری نقل نکرده پس ثابت نیست...

۱. مائده، ۳.

۲. من کنت مولا فعلی مولا...



پاسخ ما این است که: مُسلم در صحیح خود آن را نقل کرده و افراد دیگر از عامه در کتاب‌های خود آن را نقل نموده‌اند^۱ چگونه روایات را می‌بینیم و نمی‌بینیم و جمع بین نقیضین می‌کنیم.

مگر در عمل به روایت در میان خودتان شرط است که حتما باید مسلم و بخاری هر دو نقل کنند؟

آیا اگر مسلم به تنهایی روایتی را نقل کند کفایت نمی‌کند؟ انصاف بدهید! چرا برای اثبات حدیث غدیر به نقل مسلم اکتفا نمی‌کنید ولی برای رد آن به عدم نقل بخاری تمسک می‌کنید.

❖ ۲۰۷. راه عرفه ❖

جابر بن ارقم از قول برادرش زید بن ارقم می‌گوید:
جبرئیل امین در بعد از ظهر روز عرفه در سرزمین عرفات خبر ولایت علی بن ابی طالب را به رسول خدا ﷺ اعلام کرد تا آن حضرت هم به مردم آن را برساند.^۲

❖ ۳۰۸. واقعا شبهه‌ای وجود ندارد ❖

مسئله غدیر و خطبه نورانی رسول خدا ﷺ در تعیین امام علی علیه السلام به عنوان رهبر جامعه اسلامی در کتب اهل سنت آن چنان طرح شده که جای هیچ انکاری را باقی نمی‌گذارد و به راحتی می‌توان با منابع اهل سنت و ولایت و امامت و رهبری امام علی علیه السلام بعد از رسول خدا ﷺ به اثبات رساند.

و اما این که بعضی از علمای بزرگوار اهل سنت آورده‌اند که ماجرای غدیر صرفا برای دوست داشتن علی علیه السلام بوده نه مسئله امامت و ولایت او، باید گفت این یک حرف

۱. فضائل الصحابه، صفحه ۱۴ - مسند احمد، ج ۱ ص ۸۴، ص ۱۱۸ و ۱۱۹ ص ۱۵۲ و ص ۳۲۳ و...
سنن ابن ماجه، ج ۱ ص ۴۵ - سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۹۷ - مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۳۴.
و تعجب است که خود بخاری حدیث غدیر را در کتاب التاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۳۷۵ و ج ۴، ص ۱۹۴ و ج ۶، ص ۲۴۱ ذکر کرده است.

- برای تحقیق بیشتر به الغدیر ج ۱، ص ۸ مراجعه شود در محضر حضرت آیت‌الله العظمی بهجت، نوشته حضرت آیت‌الله محمدحسین رخساده، ص ۲۹۰.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۶.

انحرافی است و به قول مرحوم مطهری این حرف انحرافی او از مصادیق لوث تاریخ تلقی می‌شود در تاریخ و سیره رفتاری رسول خدا ﷺ محبت به امام علی ﷺ و توصیه به آن و توجه اصحاب به این احترام و محبت بوده لذا جایگاه امام در گفتار و کردار رسول خدا ﷺ قبلاً متجلی شده بود پس در غدیر مسئله غیر از آن خواهد بود. مرحوم علامه کبیر جناب آیت الله امینی در کتاب شریف الغدیر نام ۳۵۰ نفر از بزرگان و علمای اهل سنت را آورده که ماجرای غدیر را نقل کرده‌اند و نام ۲۰ کتاب را نیز که به طور مستقل به موضوع غدیر پرداخته و در این خصوص نوشته شده است را در کتاب خود آورده است.

۳۰۹. ۴ بار پیامبر ﷺ تکرار کرد

و رسول خدا ﷺ در خطبه غدیر فرمودند:
... ای مردم!

چه کسی حتی از خود مؤمنان به آنان اولی است گفتند: خدا و رسول بهتر می‌دانند فرمود: خدا مولای من است و من مولای مؤمنین و من به مردم اولای از خودشان هستم، پس هر که من مولای اویم علی مولای اوست آنگاه سه مرتبه فرمودند (جالب این که به قول احمد حنبل چهار مرتبه) خدایا (رفتار) دوست و مهربان باش با هر که با علی ﷺ چنین رفتاری داشته باشد و... شیعیان عموماً معتقدند که آیه (اليوم أكملت كلم...) در روز ۱۸ ذی حجة سال ۱۰ هجری (مشهور به روز غدیر) و به مناسبت اعلام ولایت و سروری علی بن ابی طالب ﷺ از سوی پیامبر ﷺ در غدیر خم نازل شده است. علاوه بر شیعیان، جمعی کثیر از محدثان و مورخان بزرگ اهل سنت نیز (که ذیلاً به اسامی برخی از آنان اشاره می‌شود) در آثار خویش به احادیثی که دلالت بر این امر می‌کند اشاره کرده‌اند:

۱. حافظ ابو جعفر محمد بن حریر طبری (متوفی ۳۱۰ ق. ۰) در کتاب الولاية فی طرق حدیث الغدیر، به نقل از زید بن ارقم.
۲. حافظ ابوبکر بن مردویه اصفهانی (م. ۴۱۰) به نقل از ابوسعید خدری^۱.

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۴، الدر المنثور سیوطی، ج ۲، ص ۲۵۹، الاتقان سیوطی، چاپ ۱۳۶۰ هجری قمری ج ۱، ص ۳۱، رک، مفتاح النجای میرزا محمد بدحشی و کتاب الفرقة الناجیه نوشته قطیفی.



۳. حافظ ابونعیم اصفهانی (م. ۴۳۰) در کتاب *ما نزل من القرآن فی علی*، به نقل از ابوسعید خدری.
۴. حافظ ابوبکر خطیب بغدادی (م. ۴۶۳) در *تاریخش*، به نقل از ابوهیره.
۵. حافظ ابوسعید سجستانی (م. ۴۷۷) در کتاب *الولاية*، به نقل از ابوسعید خدری.
۶. ابوالحسن ابن معاذلی شافعی (م. ۴۸۳) در کتاب *مناقب*، به نقل از ابوهیره.
۷. حافظ ابوالقاسم حسکانی، به نقل از ابوسعید خدری، متوافق قرن پنجم در کتاب *شواهد التنزیل*.
۸. خطیب خوارزمی (م. ۵۶۸) در کتاب *مناقب* به نقل از ابوسعید خدری.
۹. حافظ ابن عساکر شافعی دمشقی (م. ۵۷۱) به نقل از ابن مردویه.
۱۰. ابوالفتح نطنزی در کتاب *الخصائص العلیویة*، به نقل از ابوسعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری.
۱۱. سبط ابن جوزی حنفی بغدادی (م. ۶۵۴) در *تذکره الخواص*، به نقل از ابوهیره.
۱۲. شیخ الاسلام حمونبی (م. ۷۲۲) در *فرائد السمطین*، به نقل از ابوسعید خدری.
۱۳. عمادالدین ابن کثیر دمشقی شافعی (م. ۷۷۴) در *تاریخ خویش*، به نقل از ابوهیره.
۱۴. جلال الدین سیوطی شافعی (م. ۹۱۱) در *تفسیر الدر المنثور*، به نقل از ابن مردویه، و نیز در *الاتقان*، در بخش آیات سفریه قرآن، ذیل *(اليوم أكملت لكم)* به نقل از عمر و با تصریح به صحت و اعتبار سند روایت^۱.

۳۱۰. دو متن مستند

برای نمونه، به نقل طبری و حسکانی در این زمینه اشاره می‌کنیم. طبری در کتاب *الولاية فی طرق الحدیث الغدیر*، به طور مستند از زید بن ارقم نقل می‌کند که گفت: زمانی که پیامبر ﷺ در بازگشت از حجة الوداع به غدیر خم رسید، توقف فرمود و ندای نماز جماعت در داد. پس ما اجتماع کردیم و حضرت خطبه‌ای بلیغ ایراد نمود و سپس گفت: خدای متعال این آیه را بر من فرو فرستاده است که «*بلغ ما أنزل الیک من ربک...*»^۲؛ و

۱. الغدیر، علامه امینی (چاپ پنجم، دارالکتب العربی، بیروت ۱۴۰۳ ق) ۲۳۱-۲۳۶.

۲. مائده، ۶۷.



سیدنا علی بن ابی طالب ص ۵۰ حدیث غدیر را از حضرت فاطمه علیها السلام چنین آورده: فاطمه دختر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از عمه‌هایش فاطمه^۱، زینب و ام‌الکلیوم دختران امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کند که آنان فرمودند: فاطمه دختر امام صادق علیه السلام از عمه‌اش فاطمه، دختر امام محمد باقر علیه السلام و او از عمه‌اش فاطمه دختر امام زین العابدین علیه السلام نقل می‌کند که فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام از عمه‌اش ام‌الکلیوم دختر امیرالمؤمنان علی علیه السلام نقل می‌کند که مادرش فاطمه زهرا علیها السلام دختر عزیز رسول خدا خطاب به مردم^۲ فرمود:

انسیتم قول رسول الله صلی الله علیه و آله یوم غدیر خم: من كنت مولاة فعلى مولاة و قوله صلی الله علیه و آله: انت منی بمنزلة هارون من موسی.^۳

آیا کلام و فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله را فراموش کرده‌اید که در روز غدیر خم فرمود: هر کس من مولای او باشم پس علی نیز مولای اوست؟ و یا کلام دیگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را که فرمود: یا علی! جایگاه تو نسبت به من همانند موقعیت هارون نسبت به موسی علیه السلام می‌باشد.

۳۱۲. مدرک کافی وجود دارد

آیه مبارکه یا ایها الرسول ما انزل الیک...؛ در روز هجدهم ذی‌الحجه در محل غدیر خم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و آن حضرت مأموریت یافت که فرمان اکید خداوند را در مورد ولایت و امامت امام علی علیه السلام به تمامی مردم ابلاغ کند.

در غایة‌المرام ۸۹ روایت از مآخذ مهم اهل سنت در این مورد نقل شده است و علامه امینی نیز در کتاب سترگ غدیر نام ۳۵۰ نفر از مورخین و مفسرین و محدثین اهل سنت را نام برده که در واقعه غدیر خم حاضر بودند و این حدیث را بدون واسطه نقل کرده‌اند و ۸۴ نفر از تابعین (آن‌هایی که شخص پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکردند اما برخی از اصحاب پیامبر

۱. منظور حضرت فاطمه معصومه در قم می‌باشد.

۲. نکته جالب آنکه معصومین علیهم السلام اهتمام جدی و بارزی در انتخاب نام فاطمه علیها السلام در خاندان عصمت و طهارت داشته‌اند که این هم نشانه‌ای نورانی بر این سعی و هدف جاری در عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

۳. سعی دیگری که مورد اهتمام ائمه اطهار علیهم السلام بوده حفظ کردن حدیث غدیر بوده که در فرزندان ایشان سینه به سینه جاری گشته چرا در کشور شیعی ما همانند حفظ قرآن کریم نیاستی خطبه غدیر نیز برای حفظ و مسابقه مفاهیم آن و یا اشعار با صبغه غدیر در مدارس کشور قرار گیرد.

را درک و ملاقات کردند) نیز حدیث غدیر را نقل کرده‌اند و در کتاب الغدیر نام ۲۶ نفر از علمای بزرگ اسلام را که مستقلاً درباره واقعه غدیر کتاب نوشته‌اند ذکر شده است.

❖ ۳۱۳. تهمتی بزرگ به رسول خدا ﷺ زدند ❖

عجیب‌ترین حرفی که بعضی اظهار می‌کنند آن است که می‌گویند رسول خدا ﷺ از دنیا رفت در حالی که کسی را تعیین نکرده بود.

این حرف با توجه به سوابق تاریخی سیره پرنور رسول خدا ﷺ انطباق ندارد. در تاریخ آمده که هرگاه قبیله‌ای مسلمان می‌شدند رسول خدا ﷺ برای آن‌ها حاکم تعیین می‌فرمود و وقتی لشکری را برای جنگ اعزام می‌کرد برای آنان فرمانده تعیین می‌فرمود.

و وقتی از مکه به مدینه هجرت کرد در مکه برای خود جانشین تعیین فرمود و... کجا در تاریخ نمونه‌ای را می‌توان یافت که رسول خدا ﷺ جماعت بسیار کوچک را بی‌سرپرست و رها کرده باشند.

❖ ۳۱۴. حرف آخر ❖

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد یا بن رسول الله من برای یکی از مخالفین شما با آیات مباحله و تطهیر به ولایت استدلال کردم ولی او با وجود این که جوابی ندارد زیر بار نمی‌رود چه باید کرد؟

امام فرمود: با او مباحله کن سه روز، روزه بگیر. روز سوم به او بگو بیا یکدیگر را نفرین کنیم تا خداوند هر کس را که باطل است نابود کند.



فصل ششم

رسول خدا ﷺ به علی رضی الله عنه و
فاطمه رضی الله عنها و حسنین رضی الله عنهم فرمود:

«انا حرب لمن حاربتم وسلم لمن
سالمتم»

«من با کسی که با شما دشمنی
کند دشمنم و با آن کسی که با
شما دوستی کند دوستم»

سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۶۹۹

ولایت امام علی رضی الله عنه در کتب اهل سنت





۳۱۵. اثر قطعی ولایت

وفی شواهدالتزیل، جلد ۱، ص ۴۲۶ و ۴۲۷ بسند، عن جابر قال: قال رسول الله ﷺ: يا علي! لو أنّ امتي صاموا حتى صاروا كالآوتاد وصلّوا حتى صاروا كالحنايا ثم ابغضوك لاكبهم الله على مناخرهم في النار.

رسول خدا ﷺ به امام علی ﷺ فرمود: یا علی! اگر امت من آنقدر روزه بگیرند که مانند میخ‌ها باریک شوند و آنقدر نماز بخوانند که مانند کمان خمیده گردند و پس از آن با تو دشمن باشند خداوند آن‌ها را با صورت به آتش خواهند افکند.^۱

۳۱۶. علی ﷺ حامی رسول خدا ﷺ

از مسند احمد بن حنبل از عباد بن عبدالله اسدی از علی ﷺ نقل شده که فرمود: چون این آیه: «وانذر عشیرتک الاقربین»؛ نازل شد رسول خدا ﷺ اهل بیت خود که آن روز سی نفر بودند را دعوت نمود و تا سه روز آن‌ها را اطعام نمود و سپس به آن‌ها فرمود: کدام یک از شما وعده من و دیون مرا ضمانت می‌کند که خلیفه من در دنیا و هم‌نشین من در بهشت باشد؟ پس علی ﷺ گفت: من ضمانت می‌کنم.^۲

۳۱۷. حسنه‌ای بزرگ

در کتاب ینابیع المودة از ابونعیم اصفهانی و حموی و ثعلبی نقل شده آن‌ها همگی از ابوعبدالله جدلی نقل کرده‌اند که گوید:

علی ﷺ به من فرمود: آیا به تو خبر ندهم از آن حسنه‌ای که هر که در قیامت با خود داشته باشد خداوند او را به بهشت وارد می‌کند و از سیئه و گناهی که هر کس در قیامت با خود داشته باشد خداوند او را با صورت به آتش می‌افکند و از او هیچ عملی را نمی‌پذیرد؟

۱. مثالی واضح اگر کسی در پاکت‌نامه ارسالی خود به شهری پول قابل توجهی بگذارد ولی روی پاکت آن تمبر یا آدرس ننویسد این پول و سرمایه به آن شهر فرستاده نمی‌شود اداره پست هم کاری ندارد شما چه کسی هستید یا چه عنوان و مسئولیت بزرگی در شهر دارید. پست می‌گوید شما تمبر روی پاکت بنزید پاکت می‌رود اعمال ما نیز با تمبر ولایت امام علی ﷺ قبول خواهد شد.

۲. ینابیع المودة، ص ۱۰۵ - خصائص نسائی، ص ۱۸ - طبری در تفسیر جامع البیان، ج ۱۹، ص ۶۸ ابن جوزی در تذکره، ص ۴۲.



❖ ۳۲۱. روسپاهان صحنه قیامت ❖

عمرو بن ابی بکار از امام باقرؑ نقل کرده که فرمود:
دشمنان علیؑ و کسانی که مقام او را در دنیا انکار می کردند چون در قیامت منزلت او را نزد رسول خداﷺ ببینند صورت هایشان سیاه می گردد...^۱

❖ ۳۲۲. هشتاد حدیث ❖

از ابن عساکر در بیان احوالات امیرالمؤمنینؑ در کتاب تاریخ دمشق نقل شده که: بیش از ۸۰ حدیث با سندهای صحیح و متواتر که منتهی به بزرگان صحابه، مثل ابن عباس، انس، سلمان، ابوذر، ابویوب، ابورافع و ابوبکر و غیر آنها می شود نقل شده که علیؑ نخستین کسی بود که اسلام را پذیرفت و ایمان آورد و نماز خواند.^۲

❖ ۳۲۳. آخرین واجب الهی ❖

حضرت باقرؑ فرمود: فرایض به تناوب از طرف خداوند نازل گردید و آخرین فریضه ولایت علی بن ابی طالب بود و پس از آن، فریضه دیگری نازل نگردید و خداوند در آن روز (روز غدیر) آیه نازل فرمود که امروز فرایض را کامل ساختم و دین را تمام نمودم.

❖ ۳۲۴. روز کامل شدن شریعت ❖

ابوالقاسم عبدالله بن حسان از ابی هارون و ابونعیم از ابی سعید خدری روایت کرده اند که رسول خداﷺ در وقت نزول آیه ابلاغ در حجة البلاغ فرمود: **اللّه اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضا الرب برسالتی و بولاية علی بعدی.**

۱. شواهد التنزیل حاکم حسان از علمای اهل سنت، ج ۲، ص ۲۶۵.

۲. تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۴۱.

مرا بر بال راست خود قرار داده بود از طرف خداوند عزوجل به من خطاب شد چه کسی را به جای خود بر اهل زمین خلیفه خود قرار دادی؟
 گفتم: بهترین اهل زمین علی بن ابی طالب را که برادر و حبیب و داماد و پسر عم من است. پس خطاب شد ای محمد! آیا او را دوست داری؟
 گفتم: آری ای پروردگار عالمیان!
 فرمود: او را دوست مدار و امت خود را نیز امر کن که او را دوست بدارند زیرا من علی اعلی هستم و از نام خود نام او را برگرفتم و او را علی نام نهادم.
 سپس جبرئیل بر من هیبوط نمود و گفت: خدایت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: بخوان. گفتم: چه بخوانم؟ گفت: این آیه را بخوان.
 «ووهبنا لهم من رحمتنا وجعلنا لهم لسان صدق علیاً»^۱.

۳۲۸. معدن تفسیر قرآن کریم

در کتاب شواهد التنزیل از حارث نقل می‌کند که گوید: از علی از تفسیر آیه «... فستلوا اهل الذکر...»^۲ پرسیدم؟
 حضرت فرمود: به خدا سوگند ماییم اهل ذکر و ماییم اهل علم ماییم معدن تأویل و تنزیل قرآن.
 سپس فرمود:
 از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: من شهر علم و دانش هستم و علی در آن شهر است پس هر کس که طالب علم و دانش است باید از در آن وارد شود^۳ در همان کتاب نیز از جابر نقل کرده که امام باقر فرمود: ما اهل ذکر هستیم.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۷ - آیه ۵۰ سوره مبارکه مریم.

۲. نحل، ۴۳.

۳. طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۱۶۷ - تفسیر الدر المنثور و مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۶ - الریاض النضره، ج ۲، ص

۲۰۹، کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۶.



لیذهب عنکم الرجس آمده و نفرموده لیذهب عنکم الرجس این خود آشکارترین گواه است که آیه تطهیر صرفاً به رسول خدا، علی، فاطمه و حسن و حسین اختصاص دارد نه زنان پیامبر اسلام ﷺ این مطلب توسط علما و مفسران اهل سنت نیز تأکید شده و صاحب کتاب احقاق الحق اسامی ۷۸ نفر از بزرگان و محدثان و علمای ایشان را نام می‌برد که در کتاب‌های خود به صراحت بیان کرده‌اند که آیه مبارک تطهیر در حق اهل بیت ﷺ بوده است و نه زنان ایشان.^۱

امام باقرؑ می‌فرماید: رجس به معنای شک است و هرگز ما (اهل بیت) در دین خودمان شک و تردید نمی‌کنیم.^۲

۳۳۱. رکن قیامت علیؑ

– قال رسول الله ﷺ: علی! قسیم الجنة والنار يوم القيامة.

رسول خدا ﷺ فرمود: علی! در قیامت تقسیم کننده بهشت و جهنم است.^۳

۳۳۲. همراه و هم عقیده علیؑ باش

– عن ابی لیلی الغفاریة قال سمعت رسول الله ﷺ يقول: سيكون من بعدی فتنة فاذا كان

فالزموا علی بن ابی طالب فانه اول من امن بی واول من یصافحنی یوم القیامة وهو الصدیق الاکبر وهو فاروق هذه الامة...

رسول خدا ﷺ فرمود: بعد از من فتنه‌ای رخ می‌دهد تو همراه علی باش همانا اول

کسی است که به من ایمان آورده...^۴

۱. احقاق الحق، ج ۳۰، ص ۳.

۲. احقاق الحق، ج ۳، ص ۳۱۰.

۳. صواعق المحرقة ابن الحجر، ص ۷۵ – کنز العمال، ج ۶، ص ۴۰۲ – کنز الحقایق منادی، ص ۹۲.

۴. اصابه ابن حجر، قسم ۱، ص ۱۶۷ – استیعاب، نوشته ابن عبدالبر ج ۲، ص ۶۵۷ – اسد الغابة، ج ۵، ص ۲۸۷ –

تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۶ و ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۵۵ – مجمع زوائد، نوشته هیشمی ج ۹، ص ۱۰۲ –

کنز العمال، ج ۲، ص ۱۵۲.

۳۳۳. برادر رسول خدا ﷺ

- قال رسول الله ﷺ: لعلي أنت اخي في الدنيا والاخرة.

یعنی: رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: یا علی! تو در دنیا و آخرت برادر منی. و با تفصیل بیشتر در کتاب تاریخ طبری و صحیح ترمذی جلد ۲، ص ۲۹۹ طبقات ابن سعد جلد ۸، ص ۱۱۴ - مستدرک صحیحین، ج ۳، ص ۱۴ - مسند احمد بن حنبل، جلد ۱، ص ۱۵۹.

۳۳۴. بشارتی سرور آفرین

فی سورة یونس آية ۲ قال سبحانه (وبشر الذین آمنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم). وفي دلائل الصدق للشيخ المظفر جلد ۲، ص ۲۹۰: انها نزلت فی ولایة علی ﷺ. ترجمه: و به کسانی که ایمان آورده‌اند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارش سابقه نیک است.

در کتاب دلائل الصدق، مرحوم علامه مظفر نقل نموده که این آیه مبارک درباره ولایت علی ﷺ نازل شده و پاداش آخرت از آن پیروان علی ﷺ است. چنان که اهل سنت مانند: الامر تسری در ارجح المطالب و شهاب الدین شافعی در توضیح الدلائل این روایت را نقل کرده‌اند و در احقاق الحق جلد ۳، ص ۴۲۲ - و در کافی جلد ۱، ص ۵۴۹.

۳۳۵. جانشینان رسول خدا ﷺ

شیخ سلیمان قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودة بعد از نقل روایات وارده از رسول خدا ﷺ که فرمود: جانشینان من دوازده نفر هستند.

از بعضی از محققین اهل سنت نقل می‌کند که گوید: امکان ندارد مقصود از جانشینان خلفا باشد چون خلفا دوازده نفر نیستند و نمی‌توان گفت مقصود ملوک اموی و یا عباسی هستند، چرا که آن‌ها بیش از ۱۲ نفر بوده‌اند و ظلم آن‌ها نسبت به اهل بیت ﷺ و سایر



مسلمانان بی گناه نیز معلوم است و لذا راهی جز این باقی نمی ماند که بگوئیم مقصود آن حضرت دوازده امام از اهل بیت علیهم السلام می باشد.^۱

۳۳۶. نقش عشق بر هستی زدند

شیخ سلمیان قندوزی حنفی در ینابیع المودة ص ۱۷۸ نیز آورده است. من درباره مردی که اهل ذمه (یهود و نصاری) در حین این که پیغمبری محمد صلی الله علیه و آله را قبول ندارند ولی به علی صلی الله علیه و آله احترام می گذارند چه بگوئیم؟...
درباره شخصیتی که پادشاهان فرنگ و روم صورت او را در عبادتگاه خود نقاشی کرده اند... و عکس او را بر روی شمشیرهای خود نقاشی کرده بودند چه بگوئیم؟ من درباره کسی که عکس وی روی شمشیر عضدالدوله بن بویه و فرزندش رکن الدوله و آلپارسلان و فرزندش ملک شاه دیده می شد چه بگوئیم؟
درباره کسی که پادشاهان ترک و دیلم به شمشیری که عکس آن حضرت را داشت تبرک می جستند و آن را وسیله پیروزی و فتح خود می دانستند چه بگوئیم؟...

۳۳۷. سی هزار فضیلت بی همتا

مردی از ابن عباس پرسید:
به راستی چقدر فضایل علی صلی الله علیه و آله زیاد است فکر می کنم که این فضایل به سه هزار رسیده باشد؟
ابن عباس در جواب او گفت: فضایل علی صلی الله علیه و آله به سی هزار نزدیک تر است تا به سه هزار.
سپس در ادامه گفت: اگر درختها قلم شوند و دریاها مرکب و جن و انس نویسند. نمی توانند فضایل علی صلی الله علیه و آله را شمارش کنند.^۲

۱. ینابیع المودة، ص ۴۴۵، (فخررازی نیز در تفسیر خود مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰ آورده است که: «علی موی من کان رسول الله مولا: هر کس که پیغمبر بر او ولایت دارد علی نیز بر او ولایت دارد»).

۲. تنکرة الخواص، نوشته ابن جوزی، ص ۱۳.



[شاید اینجا این سؤال به ذهن بعضی متبادر شود که چه اصراری بود که حتما از امام علی بیعت گرفته شود چرا که تنها امام علی نبود که با خلیفه وقتی بیعت نکرده بود تعدادی از اصحاب رسول خدا نیز از بیعت امتناع کردند این که چه حساسیتی روی بیعت امام علی بود به آن لحاظ بود که بیعت امام علی نگرانی اصحاب سقیفه را به عنوان یک مخالف برجسته و بزرگ به آرامش مبدل می ساخت در ثانی آن ها یقین داشتند که با بیعت امام علی بقیه معترضان نیز به تبع آن تسلیم خواهند شد لذا اصرار عمر بر گرفتن بیعت روی این مبنا بود].

عمر که اعتراض عمومی را دید گفت: شما به راستی گمان کردید من چنین کاری را انجام می دهم مقصود من تهدید بود در این لحظه حضرت فاطمه به پشت درب منزل آمد و خطاب به آن جماعت که در بیرون منزل بودند و فرمود: «لا عهد لی بقوم اسوء محضر منکم ترکتم رسول الله جنازه بین ایدینا و قطعتم امرکم فیما بینکم ولم تستامرونا ولم تردوا لنا حقا کانکم لم تعلموا ما قال یوم غدیر خم والله لقد عقدله یومئذ الولاة لیقطع منکم بذلک منها الرجاء ولکنکم قطعتم الاسباب بینکم و بین نیبکم والله حسیب بیننا و بینکم فی الدنیا و الاخره».

«من قومی همانند شما سراغ ندارم که این چنین عهدشکن و بد برخورد باشند پیکر رسول خدا را بر روی دستان ما گذاشته و رها کردید و عهد و پیمانی را که در میان خود داشتید قطع کردید و برخلاف عمل نمودید ولایت و رهبری ما اهل بیت را انکار کردید و زمام امر را از دست ما خارج ساختید و هیچ حقی را برای ما قائل نشدید گویا از سخنان رسول خدا در روز غدیر خم آگاهی نداشتید.

به خدا سوگند!

رسول خدا در آن روز ولایت و رهبری را برای علی تعیین کرد تا امید و طمع شما را از خلافت قطع نماید ولی شما رشته های پیوند میان خود و پیامبر را پاره کردید بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد کرد». واضح است که غضب فدک نیز به خاطر حمایت های شدید و جدی حضرت زهرا از امام علی بود آن ها با غضب فدک قصد داشتند موضوع ولایت را در اذهان عمومی مردمی به اختلاف مالی و مسائل دنیوی ابوبکر با حضرت زهرا منحرف کنند تا در اذهان این موضوع



چهارم: عدالت.

پنجم: کمال عقل.

ششم: مرد بودن و بالغ بودن....

لیکن شیعیان بنابر دلایل قرآنی و روایات و دریافت عقل و اندیشه نامداران دانشمند خود آورده که: معصوم بودن امام از همه گناهان و عالم و شجاع بودن در تمام امور و کامل بودن از دیگران در سایر صفات کمالی و داشتن معجزه و افضلیت و هاشمی بودن و.... از شروط امامی خواهد بود که اطاعتش را خدا واجب شمرده است.

۳۴۲. از انبیاء بالاتر است

فخر رازی از دانشمندان و مفسران اهل سنت در تفسیر خود در ذیل تفسیر آیه مباحله آورده که پیرمردی در شهر ری به من برخورد کرد و مدعی بود که علی از انبیاء گذشته برتر و بالاتر است از او پرسیدم: با چه دلیل و استدلالی؟

او در پاسخ آیه مباحله را قرائت کرد، سپس با این کیفیت استدلال کرد که قرآن می گوید: «ندع ... انفسنا» دعوت کنیم... جان هایمان را.

در یک دعوت طبیعتا دعوت شونده غیر از دعوت کننده می باشد، پس قطعاً منظور از «انفسنا» در آیه مباحله خود پیامبر نیست زیرا که رسول خدا در مقام دعوت کننده است.

مدعوینی که قرآن نقل می کند سه دسته اند: ابناء، نساء، انفس.

سپس می فرمایند: ما سه گروه را با خود می آوریم شما نیز سه گروه را بیاورید: پسران، بانوان و جانها.

خود رسول خدا در مقام دعوت کننده است و سه گروهی را که دعوت کرده است غیر از خود دعوت کننده است طبیعتاً پسرها عبارت بودند از امام حسن و امام حسین و بانوان هم غیر از حضرت زهرا کسی نبود «وانفسنا» که در وجود امام علی تبلور یافته است.

چرا تعبیر «انفسنا» را می آورد؟ این به آن معناست که باید کسی باشد که تمام خصوصیت های او مانند پیامبر اکرم را دارا باشد والا نمی گوید «انفسنا» یعنی خودمان.



گفت: دخترم از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: نظر کردن به چهره علی عبادت است.^۱

۳۴۵. عثمان روایت کرد

روزی امام علی ﷺ به عثمان فرمود: تو را چه شده است که این گونه به من خیره شده و نگاهم می کنی؟ عثمان گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: نگاه کردن به علی ﷺ عبادت است.^۲

۳۴۶. علی ﷺ حجت خداست

در کتاب السلافة فی امر الخلافة آمده است که: روزی اباذر غفاری بعد از بیعت غدیر در اذان خود جمله «اشهد ان علیاً ولی الله» را اضافه کرد اصحاب با ناراحتی او را نزد رسول خدا ﷺ بردند. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «آیا شما خطبه مرا درباره ولایت حضرت علی ﷺ در روز غدیر نشنیده اید و یا فراموش کرده اید؟». سپس پیامبر ﷺ تأکید فرمودند: «آیا شما سخن مرا درباره اباذر نشنیده اید که هیچ درخت یا کوهی بر صاحب سخنی راستگوتر از اباذر سایه نیفکنده است به درستی که شما بعد از من دوباره به کفر خودتان باز می گردید».^۳

۳۴۷. جایگاهی که رسول خدا ﷺ نمی پسندید

امام علی ﷺ فرمود: «... وصرنا سوقة بطمع فینا الضعیف وتیعزز علینا الذلیل». در جامعه موقعیت ما چنان شد که هر فرو دستی برای ربودن حق ما بر ما طمع می کرد و هر ذلیلی بر ما عزت می فروخت.^۴

۱. تاریخ الخلفاء سیوطی، ص ۱۷۲.

۲. البدایه والنهایه ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۵۸. (کسی که نگاه کردن به چهره اش عبادت است نافرمانی از دستوراتش معصیت محسوب نمی شود؟)

۳. نویسنده کتاب علمای اهل سنت در قرن هفتم بود که بعداً شیعه شد.

۴. نهج الصباغه، ج ۶ ص ۲۶۴.



۳۵۱. معرفی بهترین‌های امت

عبدالله بن مسعود می گوید:

روزی رسول خدا ﷺ حسن و حسین را بر پشتش سوار کرده به طور نشسته به راه افتاد و گفت:

نعم المطی مطیکما ونعم الراكبان انما و ابوکما خیر منکما. بهترین مَرکب، مرکب شماست و بهترین سوار، شما دو نفر هستید اما پدرتان از شما دو تن برتر و بهتر است.^۱

۳۵۲. خیلی‌ها راضی نشدند

در میان بزرگان، عباس بن عبدالمطلب عموی حضرت رسول اکرم ﷺ در جمع مسلمانان از موقعیت بالایی برخوردار بود و باید به طریقی او را به امر بیعت با خلیفه متقاعد می ساختند.

بنابراین دو شب پس از رحلت رسول خدا ﷺ ابوبکر به همراه عمر و ابو عبیده و مغیره بن شعبه راهی خانه عباس شدند و ابوبکر ماجرای خلافت خویش را بیان کرد و از او خواست که از سایرین تبعیت کند... سپس به او نیز وعده‌ها داد.

ولی عباس در این ماجرا متقاعد و راضی نشد و به آن‌ها چنین گفت:

.... تو ای ابوبکر، اگر این امر را به واسطه نزدیکی به پیامبر ﷺ به دست آوردی؟ که در واقع حق ما را تصاحب کرده‌ای! اگر با رأی و اجماع مسلمانان به خلافت رسیدی که ما نیز از مؤمنان هستیم و ما به خلافت تو رضا ندادیم و اما آنچه را که می خواهی به من و فرزندانم بدهی، اگر حق خلافت به تو اختصاص دارد که برای خود نگهدار، اما اگر حق مؤمنان است که مسلماً تو را در بخشش آن حقی نیست. آنان که چنین دیدند از نزد عباس ناامیدانه خارج شدند.^۲

۳۵۳. جای هیچ عذری نمانده؟

حضرت فاطمه زهرا را فرمود: «فما جعل الله لاحد بعد غدیر خم من حجة ولا عذر»؛

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۵۵.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۲۰.



این بنده اضافه بر آنچه جناب ابن ابی الحدید فرموده می آورم و می دانم که او نیز آن ها را می دانسته آیا عمر ماجرای لیلۃ المیبت امام علی را نمی دانست آیا این را هم نمی دانست که او مولود کعبه است، آیا نمی دانست مصداق آیه تطهیر علی است، آیا نمی دانست او کفو فاطمه بود، آیا نمی دانست او برادر رسول خداست، آیا اینها کافی نبود تا عمر علی را به عنوان خلیفه معرفی کند.

۳۵۶. مغایرت های عجیب در انتخاب خلیفه

نحوه انتخاب چهار خلیفه (ابوبکر - عمر - عثمان و علی) یکسان نبود. ابوبکر با بیعت دو مرحله ای در سقیفه بنی ساعده و مسجد النبی گزینش شد. عمر بنا به وصیت مکتوب خلیفه اول سرکار آمد و انتخاب عثمان نتیجه شورا و ترکیب چند نفره ای بود که عمر آن را تشکیل داده بود.

علی نیز از روی خواست مردم و مستقیماً با رجوع و بیعت مردم به حکومت رسید. از حیث شکلی انصافاً باید دید کدام یک از این انواع انتخاب سالم تر بوده و شائبه قدرت طلبی در آن به چشم نمی خورد اگر چه ما بنا به اعتقاد حدیث پر سند و متقن غدیر، علی را بعد از رسول خدا همه کاره جهان اسلام می دانیم ولی حالا از حیث شکلی و سیاسی آن کدامیک سالم تر و بهتر و بدون قتل و ارباب و تهدید به حکومت رسیدند ما ماجرای قتل مالک بن نویره^۱ و... در تاریخ به چه علتی رخ داده است (برای روشن شدن بهتر متن بعدی را مطالعه فرمائید).

۳۵۷. تشخیص ضرورتی مهم

ابن قتیبه می نویسد: عایشه همسر رسول خدا به وسیله عبدالله بن عمر پیامی برای عمر بن خطاب فرستاد که:

خصوص نمی توان یافت برای نمونه می توان به خطبه بدون نقطه و خطبه بدون الف ایشان و ادعیه های ناب عرفانی و مناجات های بلند ربانی امام علی که در جایگاه خود یک کتاب مفصل از شخصیت نورانی ایشان محسوب می شود اشاره نمود و این خود نکته ای برجسته و استثنایی محسوب می شود.

۱. مالک بن نویره پس از قضیه انتخاب خلیفه اول، بعلت عدم بیعت با ابوبکر به دستور او توسط خالد بن ولید به طرز فجیعی کشته شد.



«مبادا امت محمد را بدون شبان (چوپان) رها کنی لازم است هرچه زودتر برای تعیین جانشین پس از خود اقدام کنی».^۱

پسر عمر بن خطاب نیز به پدر خود (عمر) گفت: در میان مردم چنین شایعه است که تو قصد نداری جانشینی برای خود معرفی کنی؟

اگر تو چوپانی داشته باشی که گوسفندان را رها کند می‌گویی چرا کوتاهی کرده؟ حال می‌خواهی امت را بدون چوپان بگذاری؟

در حالی که «رعیة الناس اشد من رعیة الابل والغنم؛ نیاز مردم به رهبر بیش از نیاز یک گله به چوپان است» اگر چنین کنی جواب خدا را چه خواهی داد؟!^۲

عمر گفت: اگر ابوعبیده جراح زنده بود او را معرفی می‌کردم، چرا که رسول خدا (ص) درباره وی فرموده بود: «امین هذه الامة» اما او از دنیا رفته است و اگر سالم مولی خلیفه

زنده بود او را برمی‌گزیدم چرا که رسول خدا (ص) درباره او گفته بود: **شديد الحب لله**.^۳ اما: ضرورتی که عایشه و عبدالله بن عمر و دیگران برای معرفی جانشین خلیفه

احساس کردند و تشخیص دادند که رعایت حال و هدایت امت مهم‌تر از رعایت یک گله گوسفند یا شتر است، آیا در زمان رسول خدا (ص) وجود نداشت و آن زمان احساس نمی‌شد؟

یا این که «معاذالله» رسول خدا (ص) نتوانست این ضرورت را تشخیص دهد؟

آیا کسی برتری امام علی (علیه السلام) را در میان صحابی نمی‌دانست و به راستی ابوعبیده جراح که عمر نام او را برده از امام علی (علیه السلام) با آن همه احادیث که در شأن آن حضرت

آمده بالاتر بود که اقدام به تشکیل شورا نمودند برادران اهل سنت در کتب خود آورده‌اند که پیامبر (ص) برای خود خلیفه انتخاب نکرده و آن را بر عهده خود مردم گذارده است

ولسی جناب ابوبکر این گونه عمل نکرد و او بعد از خود عمر بن خطاب را به عنوان خلیفه انتخاب کرد.

ابن اثیر می‌نویسد:
ابوبکر به هنگام مرگ، عبدالرحمن بن عوف را به حضور طیبید و از وی درباره عمر پرسید او در پاسخ گفت: او بهتر از آن است که تو می‌گویی مگر این که تا اندازه‌ای

۱. الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۲۲.

۲. همان مدرک.

۳. کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۶۵ و تاریخ طبری ج ۳، ص ۲۹۲.



تند است. ابوبکر گفت: او در مقایسه با من چنین است ولی وقتی مسئولیت قبول کند رفتارش تغییر می‌کند.

سپس عثمان را طلبید و رای خود را درباره عمر جویا شد عثمان گفت: باطنش از ظاهرش بهتر است و در میان ما همانند او نیست. ابوبکر به عثمان گفت: این جریان را به کسی بازگو نکن سپس در فرصتی مناسب دستور داد که عهدنامه‌ای بنویسند (عثمان آن را نوشت) و برای مردم قرائت کنند.

یعقوبی متن نامه را این چنین نقل می‌کند:

«وصیت ابوبکر - جانشین رسول خدا ﷺ به مؤمنان و مسلمانان: با سپاس از خداوند من عمر بن خطاب را به عنوان جانشین خود بر شما منصوب کردم گوش سپارید و اطاعت نمایید به درستی که من هیچ نصیحتی را از شما دریغ نوزیدم.»

به راستی چگونه می‌شود تصور کرد پیامبر خدا ﷺ که مرتبط با وحی الهی بود و طبق آیات متعدد در قرآن کریم گرفتاری‌های مردم برای او سخت و دشوار بود و حریص به رفع مشکلات آن‌ها بود: «عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم»؛ مردم را بدون رهبر رها کند و در اندیشه تعیین جانشین پس از خود نباشد آیا معاذالله پیامبر ﷺ به اندازه ابوبکر قوه تشخیص نداشت؟! ابوبکر بعد از خود خلیفه تعیین کند ولی رسول خدا ﷺ چنین امر واضحی را نادیده بگیرد و جانشین برای خود انتخاب نکند.

۲۵۸. حکایت عجیبی در انتخاب خلیفه

عمر بن خطاب برای انتخاب خلیفه بعد از خود اعضای شورا را تعیین کرد سپس به «صهیب» دستور داد که پس از من تا سه روز برای مردم نماز بخوان و باید روز چهارم خلیفه تعیین گردد او به ابوطلحه (زید بن سهیل) انصاری فرمان داد با ۵۰ نفر شمشیر به دست اعضای شورا را دور هم جمع کند و آنان را وادار کند تا خلیفه‌ای را انتخاب کنند. بعد گفت: پسر من عبدالله نیز به عنوان ناظر (بدون حق رأی) بر کار آن‌ها نظارت می‌نماید.

سپس تأکید کرد: تو شمشیر به دست بالای سر این شورا می‌ایستی تا خلیفه انتخاب شود اگر ۵ نفر موافق شدند و یکی را برگزیدند که هیچ ولی اگر یکی یا دو نفر مخالفت



کردند گردنشان را بزن و اگر مساوی شدند ابن عمر حکم باشد و به هر گروهی که حکم کرد آن گروه خلیفه را انتخاب کند اگر به حکمیت او گردن ننهادهاند با گروهی باشید که عبدالرحمن بن عوف در آن قرار دارد بقیه را نیز بکشید.^۱

و اما چند سؤال: واقعا این سؤال را به خاطر این که شیعه هستم نمی‌پرسم از همه عقلا و اهل انصاف می‌پرسم از شیعیان یا برادران اهل سنت.

۱. به راستی این دیگر چه نحوه انتخاب کردن جانشین خلیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است حکومت‌های یاغی و کمونیستی امروز نیز اینگونه عمل نمی‌کنند؛ به راستی اسم این انتخاب را چه باید گذشت آیا این انتخاب مشروع است؟

۲. برای انتخاب یک خلیفه الهی باید پیرو دستور خداوند یا پیامبر او بود و اگر این انتخاب سیاسی یا یک مقام اجتماعی هم باشد باید به شکل منطقی و رجوع به افکار عمومی انتخاب حاصل شود این شیوه خیلی جدید و بدون سابقه است؟ آیا در تاریخ بشریت اینگونه کسی را انتخاب کرده‌اند؟

۳. طبیعی بود که نتیجه ترکیب شورا و نحوه خط دهی به انتخاب گزینشی عثمان منتهی می‌شود معلوم است که اکثر اعضای شورای انتخابی با علی (علیه السلام) رابطه خوبی نداشتند و از طرفی قرار دادن عبدالرحمن بن عوف که خود شوهر خواهر عثمان بود به عنوان کسی که حرف آخر را خواهد زد و تحت عنوان فصل الخطاب نتیجه را معلوم می‌کرد که خلیفه مورد نظر عمر چه کسی است! رای به نفع عثمان خواهد بود.

۴. در این ترکیب شورا عجیب‌تر این که سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف و عثمان هر سه با هم ارتباط سببی و نسبی داشتند.

۵. کشتن اقلیت در شورا روی چه اساسی باید انجام می‌پذیرفت یعنی هر کس مخالف بود باید آن را کشت و اساسا در مشورت با عدد زوج مشکلی پیش خواهد آمد چرا عمر بر شش نفر تأکید داشت آیا نمی‌توانست شورا را به عدد فرد تنظیم کند ۵ یا ۷؟!

۶. با این چنین وضعی با صرف نظر از مطالب عجیب‌تری که در داخل شورا گذشت^۲

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۹۴ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۰ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶ ص ۲۱.

۲. تاریخ طبری ج ۳، ص ۲۹۲ - مختصر حیاة الصحابه، ص ۲۳۰ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۶۵ و ج ۱، ص ۶۵.



خلیفه منتخب برگزیده خدا و پیامبر است یا برگزیده مردم!! شما برای آن اسمی پیدا کنید
واقعا مردم انتخاب کردند؟!

۷. یادتان باشد عمر کسی بود که در ماجرای وصیت رسول خدا ﷺ گفت: **حسبنا کتاب الله**، کتاب خدا برای ما کافی است آیا این روش انتخاب خلیفه در کجای قرآن یا تاریخ سیاسی جهان آمده است؟

۸. پس از انتخاب عثمان وقتی علی علیه السلام از شورا خارج می شد اصحاب شورا به او گفتند بیعت کن والا با تو می جنگیم. عبدالرحمن نیز گفت: راهی جز شمشیر نیست و حکومت ۱۴۵ ماه و ۱۹ روز عثمان شروع شد.^۱

۹. هر کسی نظرش برخلاف نظر خلیفه بود باید او را نابود کرد و از هستی اش ساقط کرد؟

۳۵۹. نزدیکان نیز اعتراض داشتند

وقتی که طلحه از قصد ابوبکر مبنی بر تعیین عمر به عنوان جانشین خود آگاه شد نزد وی رفت و گفت: می خواهی عمر را جانشین خود نمایی؟ در حالی که تو می دانی او چگونه است تو هستی و می بینی که او چه می کند اگر تنها شود چه خواهد کرد؟ ای ابوبکر اگر خدا از تو بازخواست کند که چرا چنین کاری کردی چه می گوئی؟ ابوبکر ناراحت شد و گفت: مرا تهدید به عذاب می کنی؟ اگر خدا بپرسد خواهیم گفت: **«استخلفت علی اهلك خیر اهلك؛ بهترین فرد را برای جانشینی خود برگزیده ام»**.^۲

ابن ابی الحدید نیز می نویسد طلحه گفت: آیا عمر بهتر از من است؟
ابوبکر پاسخ داد: آری! **«والله هو خیرهم وانت شرهم»**.^۳

آیا واقعا عمر برای خلافت از همگان بهتر بود؟ آیا شایستگی خاصی برای خلافت داشت؟ با رجوع به رجال سیاسی و تاریخی آن زمان می فهمیم که این طور نبوده بلکه اسرار دیگری در انتخاب وی مورد نظر ابوبکر بوده است.

۱. ابوبکر ۲۶ ماه و ۲۰ روز و عمر ۱۲۶ ماه و ۵ روز حکومت کردند عثمان در ۱۸ ذی الحجه کشته شد و مردم با یک هفته حضور دائمی و اصرار به امام علی علیه السلام در ۲۵ ذی الحجه با امام بیعت کردند، و حضرت در ماجرای بیعت خود کسی را وادار به بیعت نکرد حتی عبدالله بن عمر که حاضر نشد با امام بیعت کند را رها کرد و اجازه نفرمود که مالک اشتر به او تندی کند و فرمود آزاد باشند.

۲. کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۴۲۵.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۲.



«ما جاء لاحد من اصحاب رسول الله ﷺ من الفضائل ما جاء لعلي بن ابي طالب»؛ آن قدر که برای علی بن ابي طالب فضیلت وارد شده است برای هیچ یک از صحابه پیامبر ﷺ وارد نشده است.^۱

و عبدالله بن عمر بن خطاب می گفت: اگر می خواهید که موقعیت علی را نزد پیامبر ﷺ بدانید به موقعیت خانه او نسبت به خانه پیامبر ﷺ نگاه کنید.^۲

وزید بن ثابت نیز به امام علی ﷺ گفت: «انت من رسول الله ﷺ بالمكان الذي لا يعدله به احد»؛ موقعیت تو را نسبت به پیامبر ﷺ هیچ احدی ندارد.

هیچ جای انکار نیست که اگرچه امام علی ﷺ در زمان حکومت خلفاء رهبری سیاسی را به عهده نداشت و به عمد او را از صحنه حذف نمودند ولی رهبری علمی و فکری و قضایی و نظامی و... با امام علی ﷺ بود و تنها دست گره گشای علی ﷺ معضلات جامعه اسلامی را می گشود.

مشاوره ابوبکر با علی ﷺ درباره جنگ رومیان، مشهور کتب شیعه و سنی است^۳ و مشورت خواستن عمر از امام علی ﷺ در فتح ایران و درخواست مشورت عمر از امام برای فتح بیت المقدس^۴ و پاسخ های علمی امام به سایر ادیان و نمایندگان علمی و سیاسی سایر بلاد چیزی نیست که بشود آن را از لابلاهی صفحات تاریخ اسلام حذف نمود.

۳۶۲. آیا دنبال کسب رضایت بودند؟

در کتاب الامامة والسياسة اثر ابن قتيبه دینوری متوفای ۲۷۶ هجری قمری^۵ که خود از علمای بزرگ اهل سنت است آمده است که: عمر به ابوبکر (بعد از ماجرای حمله به خانه امام علی ﷺ) گفتند: فاطمه از ما غضبناک است به عیادت او رفته و کسب رضایت کنیم از فاطمه اجازه خواستند به آن ها اجازه نداد بالاخره وارد شدند آن حضرت روی خود

۱. الامام علی ﷺ رحمانی همدانی، ص ۱۳۴.

۲. حیات فکری، ص ۴۹.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۴. عمر در پاسخ به سؤال فرماندهانش که شام را فتح کرده بودند آن ها را تشویق به فتح بیت المقدس نمود و تأکید کرد پسرعموی پیامبر به ما بشارت فتح می دهد.

۵. شایسته است علاقمندان مبحث امامت برای کشف واقعی ماجراهای اوایل خلافت خلیفه اول و اتفاقات آن به این کتاب مستند قدیمی مراجعه نمایند.



نقل وقایع با تأسف زیاد جریان انتقادهای شدید شیعیان را در روز غدیر از خلفاء اظهار می کرد.

فقیه حنبلی گفت: تقصیر آن مردم چیست؟ این در را خود علی علیه السلام باز کرد.^۱
 آن مرد گفت: پس تکلیف ما در این میان چیست؟
 آیا این انتقادها را صحیح و درست بدانیم یا نادرست؟
 اگر صحیح بدانیم یک طرف را باید رها کنیم (یعنی: شیخین) و اگر نادرست بدانیم طرف دیگر را باید رها کنیم (یعنی امام علی علیه السلام).
 اسماعیل با شنیدن این پرسش از جا حرکت کرد و مجلس را به هم زد و گفت که این پرسشی است که خود من هم تاکنون پاسخی برای آن پیدا نکرده‌ام.^۲

۳۶۵. قهر فاطمه علیها السلام مسئله‌ای مهر است

در صحیح بخاری آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:
 «فاطمه بضعة منی فمن اغضبها اغضبنی».^۳
 فاطمه پاره تن من است و هر کس او را غضبناک کند مرا غضبناک کرده است.
 و در همان کتاب آمده است که:
 «فهجرته فاطمة فلم تکلمه حتی ماتت».^۴
 فاطمه از ابوبکر قهر کرد و تا از دنیا رفت با او سخن نگفت نتیجه کار معلوم است با کمی تأمل واضح می شود که چه شده است.
 در کتاب صحیح بخاری که از معتبرترین منابع روایی اهل سنت است آمده که:
 «فغضبت فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله فهجرت ابابکر فلم تزل مهاجرة حتى توفیت».
 پس فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوبکر غضب نمود و از او قهر کرد و تا از دنیا رفت نیز با او آشتی ننمود.^۵

۱. منظور اعتراضات زیاد و علنی و مکرر امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و یاران آن امام به مسأله غصب خلافت می باشد.

۲. نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۳۰۷.

۳. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۸۳، رقم ۲۳۲ و ص ۹۶، رقم ۲۷۸.

۴. صحیح بخاری، کتاب الفرائض، ج ۹، ص ۵۵۱، رقم ۱۵۷۴.

۵. صحیح بخاری کتاب الخمس، ج ۴، ص ۵۰۴، رقم ۱۲۶۵.



❖ ۳۶۹. به ۱۰۵ طریق حدیث غدیر را نقل کرده است ❖

ابن عقده حافظ احمد بن محمد بن سعید همدانی کوفی ابوالعباس از اکابر محدثین و حافظ جلیل القدر است در سال ۲۴۹ هـ. بدینا آمد و در سال ۳۳۳ هـ. در کوفه فوت کرد از تألیفات وی کتاب الولاية است که در طرق حدیث غدیر خم تألیف کرده است ابن عقده در میان شیعه و سنی بسیار عظیم الشان و مورد اعتماد و اعتبار است او از علمای اهل سنت است و حدیث غدیر را به ۱۰۵ طریق روایت کرده است طبری به ۷۵ طریق روایت کرده و ابن مغزالی شافعی در مناقب به ۱۲ طریق نقل کرده و بعد از آن گفته است که این حدیثی است صحیح از رسول خدا و من در آن هیچ عیبی و علتی نمی بینم و این فضیلتی است که خدا علی را به آن ممتاز کرده است. این روایت در سایر کتب اهل سنت نیز آمده از جمله در تفسیر ثعلبی، صحیح مسلم و بخاری....

❖ ۳۷۰. رسول خدا ﷺ چند بار بایستی علی را معرفی می کرد ❖

حافظ ابونعیم از اکابر اهل سنت در کتاب حلیه الاولیاء از انس روایت کرده که او گفت: روزی پیغمبر ﷺ به من فرمودند که: آبی برایم حاضر کن که وضو بسازم آب را حاضر کردم و آن حضرت وضو ساخت و دو رکعت نماز بجا آورد سپس فرمود: اول کسی که بر تو داخل شود از این در، امام متقیان و سرور مسلمانان و پادشاه مؤمنان و پیشوای دست و پا سفیدان است دیدم علی را از آن در داخل شد.

❖ ۳۷۱. جای تردید و شک باقی نمانده است ❖

خوارزمی در کتاب مناقب خود آورده که رسول خدا ﷺ فرموده است:

نقطه تفکیک اینجاست چنانچه ابن کثیر در البدایه آورده که حذیفه فرمود: یكون بعد عثمان اثنا عشر ملكا من بني امیه قیل لهك خلفاء؟

قالك لابل ملوك.

حذیفه اشاره فرموده که دوازده خلیفه را حمل بر آن دوازده ملوک ستمکار جبار و خونخوار بنی امیه ننمائید زیرا آن ها مملوکنند نه خلفا رسول الله ﷺ چرا که تا توانستند انسان های بی گناه و زنان مسلمان را مورد قتل و تجاوز قرار دادند.



حضرت فرمود: بله ای عمر! او جبرئیل بود و خواست تا بر شما در مورد آنچه را که من در مورد علی گفتم تأکید کند.^۱

۳۷۴. برتری و نورانیت او را اقرار کرده است

شعبی گوید: روزی ابوبکر در جایی نشسته بود علی بن ابی طالب از دور نمایان شد چون ابابکر او را دید گفت: هر کس خوش دارد بنگرد به کسی که بزرگترین مردم در مقام و منزلت و نزدیکترین مردم به پیامبر و برترین مردم به نام و نشان و بزرگترین مردم در بی نیازی از مردم به از جهت رسول خدا به دست آورده، به این کسی که از دور نمایان شد بنگرد.^۲

۳۷۵. رسول خدا کسی را بر علی امیر نکرد

ابوهریره روایت کرده که رسول خدا دو گروه را برای مأموریت جنگی اعزام نمود و علی بن ابی طالب را فرمانده گروهی قرار داد و خالد بن ولید را فرمانده گروه دیگر و چنین فرمود:

اگر این دو گروه با هم و در کنار هم شدند علی بر همه، امام و امیر است و اگر جدا از هم شدند هر یک فرمانده گروه خود هست.

ابوهریره گوید:

ما با بنی زبیر درگیر شدیم و هر دو گروه در کنار هم جنگیدیم و بر دشمن پیروز شدیم و آنان را اسیر نمودیم علی بن ابی طالب یکی از اسراء را برای خویشتن انتخاب کرد خالد مرا نزد پیامبر فرستاد تا او را از این کار علی با خبر سازم وقتی که خدمت رسول خدا رسیدم و قضیه را به اطلاع حضرت رساندم رسول خدا فرمود: درباره علی حرف و سخنی نگوئید زیرا که او از من و من از اویم و او ولی و وصی من بعد از من است.^۳

۱. تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۸۰.

۲. مناقب خوارزمی، فصل ۱۴، ص ۹۸.

۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۵۰ (ابوهریره یکی از افراد موثق و از روایان مورد اطمینان در نزد علمای اهل سنت است).



۳۸۰. موازی پیامبر ﷺ

«عن عمار بن یاسر رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ اوصی من آمن بی وصدقنی بولاية علی بن ابی طالب من تولاه فقد تولانی ومن تولانی فقد تولی الله».

عمار بن یاسر روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: سفارش می کنم هر کسی را که به من ایمان آورده و مرا تصدیق نموده به ولایت علی بن ابی طالب، پس هر کس که او را دوست داشته و ولایتش را بپذیرد ولایت مرا پذیرفته است.^۱

۳۸۱. حجت بالغه خدا

عن انس بن مالك رضی الله عنه قال: رایت رسول الله ﷺ جالسا مع علی فقال: انا و هذا حجة الله علی خلقه.

انس گوید: رسول خدا ﷺ را با علی بن ابی طالب در حالی که نشسته بودند دیدم پس آن حضرت فرمود: من و این (امام علی علیه السلام) حجت خدا بر خلق او هستیم.^۲

۳۸۲. اولین نطفه بزرگ به دین خدا

رسول خدا ﷺ: «اول نطفة فی الاسلام مخالفة علی».

اول رخنه و شکافی که در ریشه اسلام پدید آمد مخالفت با علی علیه السلام است.^۳

۳۸۳. اولین مرد با ایمان

طبری با اسناد خود از محمد بن سعد نقل می کند که^۴: از پدرم پرسیدم آیا ابوبکر نخستین کسی بود که اسلام آورد؟ پدرم گفت: نه.

بلکه بیش از ۵۰ نفر پیش از او اسلام آورده بودند. و این در حالی است که روایت از

۱. مناقب ابن المغازی، ص ۲۳۱، صحیح مسلم کتاب الایمان، ج ۱، ص ۶۱، صحیح ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲.

۲. ینابیع المودة، ص ۲۴۸.

۳. مودة القربی - میرسید علی بن سہاب الہمدانی، ص ۹۱، ینابیع المودة - قندوزی، ص ۱۵۷، مناقب مرتضویہ، ترمذی، ص ۱۱۵.

۴. تاریخ الامم والملوک تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۰.



سعد بن ابی وقاص گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس علی را بیازارد مرا آزرده و این جمله را سه بار فرمود.

۳۸۷. راهی به سوی سعادت

عن ابی ذر الغفاری رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: سيكون من بعدی فتنة فان كان ذلك فالزموا علی بن ابی طالب فانه الفاروق بین الحق والباطل.

ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: پس از من فتنه‌ای برپا خواهد شد اگر چنین زمانی آمد شما ملازم و همراه علی بن ابی طالب باشید زیرا اوست فرق گذارنده میان حق و باطل.^۱

۳۸۸. مؤذن حق

قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودة از امیرالمؤمنین علی ﷺ در تفسیر آیه ۴۴ سوره اعراف: «ونادی اصحاب الجنة اصحاب النار...» و آیه شریفه «واذان من الله ورسوله يوم الحج الاکبر ان الله بری من المشرکین ورسوله» نقل کرده که امام فرمود: مقصود از مؤذن من هستم.^۲

۳۸۹. اولین نور هدایت

حسکانی در شواهد التنزیل ۵ حدیث از رسول خدا ﷺ آورده که آن حضرت فرموده است: شرکای من کسانی هستند که خداوند نام آنها را با نام خود و نام من قرین نموده و فرموده: ای اهل ایمان از خدا و رسول او و اولی الامر اطاعت کنید. علی ﷺ می‌فرماید: به رسول خدا ﷺ عرض کردم: آنها کیانند؟

۱. الاصابة، ج ۷، ص ۱۶۷ - اسد الغابة، ج ۵، ص ۲۸۷ - الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۹ این روایت را دیلمی در فردوس الاخبار نیز آورده است.

۲. ینابیع المودة، ص ۱۰۱ - معانی الاخبار، ص ۵۹ در روایتی دیگر در تفسیر عیاشی از امام رضا ﷺ نقل شده که مقصود از مؤذن در این آیه امیرالمؤمنین علی ﷺ است و در کافی ج ۱، ص ۴۲۶ - مناقب، ص ۱۰۱.



نقل می‌کند در سالی که معاویه به حج رفت کسی را سراغ زنی که نامش دارمیه حجونیة بود فرستاد این زن از شیعیان امام علی علیه السلام بود.

معاویه پس از روبرو شدن با وی از او پرسید: از تو می‌خواهم بپرسم که چرا علی را دوست داری و مرا دشمن و با او دوستی کردی و با من دشمنی؟ او گفت: آیا مرا از پاسخ دادن معاف می‌داری؟ گفت: نه.

گفت: حالا که نپذیرفتی پس می‌گویم که من علی را به خاطر عدالتش در مردم و تقسیم یکسانش دوست داشتم و با تو به خاطر مبارزهات با کسی که از تو برای حکومت سزاوارتر بود و پی جویی تو نسبت به چیزی که برای تو نیست دشمنی ورزیدم. با علی دوستی و موالات نمودم به خاطر آن ولایتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم در مقابل چشم تو برای او قرار داد. به خاطر محبتش نسبت به بیچارگان و بزرگداشتش نسبت به دین مداران و با تو دشمنی کردم به خاطر خون‌ریزی‌هایت و به خاطر تفرقه اندازی و پاره کردن صفوف یک پارچه مسلمانان و به خاطر ستم کاری تو در قضاوت و داوری‌ات بر اساس هوای نفس....

❖ ۳۹۳. زنان حاضر در غدیر خم ❖

در نقل جریان غدیر خم با حضور زنانی مواجه می‌شویم که جزء راویان غدیر قرار گرفته‌اند و علماء اهل سنت نیز به حضور این زنان در کتابشان اشاره کرده‌اند در میان زنانی که جزء صحابه پیامبرند و حدیث غدیر را نیز روایت کرده‌اند می‌توان به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام - اسماء بنت عمیس - ام سلمه - ام‌هانی خواهر امام علی علیه السلام - فاطمه دختر حمزه سیدالشهداء - عایشه دختر ابوبکر و در میان تابعین به زنانی مانند: عایشه دختر سعدابی و قاص - عمیره بنت سعد بن مالک اشاره کرد.

❖ ۳۹۴. هارون نبی‌الله الاعظم ❖

شمس‌الدین محمد بن محمد معروف به ابن‌الجزری از علمای شافعیه است در سال ۸۳۳ ق. وفات نمود. از کتابی درباره فضایل امام علی علیه السلام نوشته به نام «اسنی المطالب».



عظمت خاصی برگزار گردید و بعد از اقامه نماز ظهر رسول اکرم ﷺ دست علی را گرفته در جلو جمعیت نگاه داشت و چنین فرمود: «الستم تعلمون انی اولی بالمؤمنین من انفسهم؟ قالوا بلی قال الستم تعلمون انی اولی من کل مؤمن من نفسه؟ قالوا بلی فأخذ بید علی فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاده»:

«آیا تصدیق می کنید که من سزاوارترم که بر مسلمین ولایت داشته و اختیاردار امور آن‌ها باشم؟ همه با هم گفتند: آری، بعد فرمود: آیا من سزاوارتر نیستم که ولایت بر هر مسلمانی داشته و حاکم بر سرنوشت او باشم؟ جواب دادند: بلی، سپس دست علی را گرفته فرمود: هر کس من ولایت بر او دارم علی نیز بر او ولایت دارد...».

عمر بلافاصله بعد از خاتمه سخنان پیغمبر ﷺ به سوی علی شتافته چنین سخن آغاز کرد: «هنیئاً لك یابن ابی طالب اصبحت وامسیت مولی کل مؤمن ومؤمنة». همین روایت را ابن ماجه در «سنن»^۱ و نسائی در «خصائص» از سعد^۲ و زیدبن ارقم با مختصر فرقی در مضمون، نقل می کنند.^۳

◆◆ ۳۹۶. راه کسب این فضایل و نیک بختی‌ها چیست؟ ◆◆

«زمخسری» در «کشاف» حدیثی نقل کرده که فخر رازی و قرطبی نیز در تفسیر شأن از او اقتباس کرده‌اند: حدیث مزبور به وضوح مقام آل محمد ﷺ و اهمیت حب آن‌ها را بیان می‌دارد، می‌گوید:

رسول خدا ﷺ فرمود: «من مات علی حب آل محمد مات شهیداً»؛ هر کس با محبت آل محمد بمیرد بمیرد شهید مرده است.

«الا من مات علی حب آل محمد مات تائباً»؛ هر کس با محبت آل محمد بمیرد با توبه از دنیا رفته است.

۱. سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۵۲.

۲. خصائص، ص ۲۲.

۳. متن روایتی که زیدبن ارقم نقل می‌کند چنین است: قام رسول الله ﷺ فحمد الله واثني عليه ثم قال: «الستم تعلمون انی اولی بکل مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلی نشهد لانت اولی لكل مؤمن من نفسه قال فانی «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» و اخذ بید علی الخ».



«الا من مات علی حب آل محمد ﷺ مات مؤمنا مستکمل الايمان»؛ هر کس با محبت آل محمد ﷺ بمیرد مؤمن با ایمان کامل از دنیا رفته.

«الا من مات علی حب آل محمد ﷺ بشره ملک الموت بالجنة ثم منکر و نکیر»؛ هر کس با محبت آل محمد ﷺ بمیرد فرشته مرگ سپس نکیر و منکر او را به بهشت بشارت می دهند.

«الا من مات علی حب آل محمد ﷺ یزف الی الجنة کما تزف العروس الی بیت موجهها»؛ او را با احترام به سوی بهشت می برند آن چنان که عروس به خانه داماد.

«الا من مات علی حب آل محمد ﷺ فتح له فی قبره بابان الی الجنة»؛ در قبر او دو در به سوی بهشت گشوده می شود.

«الا من مات علی حب آل محمد ﷺ جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة»؛ قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می دهد.

«الا من مات علی حب آل محمد ﷺ مات علی السنة والجماعة»؛ به سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته.

«الا ومن مات علی بغض آل محمد ﷺ جاء يوم القيامة مكتوب بين عينيه ايس من رحمه الله»؛ آگاه باشید هر کس با عداوتشان از دنیا رود روز قیامت در حالی وارد عرصه محشر می شود که در پیشانی او نوشته مایوس از رحمت خدا.

«الا ومن مات علی بغض آل محمد ﷺ مات کافرا»؛ هر کس با بغض شان از دنیا برود کافر از دنیا رفته.

«الا من مات علی بغض آل محمد ﷺ لم یشم رائحة الجنة»؛ هر کس با بغض شان از دنیا برود بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

جالب این که فخر رازی بعد از ذکر این حدیث شریف که صاحب کشاف آن را به صورت ارسال مسلم ذکر کرده است می افزاید: آل محمد ﷺ کسانی هستند که بازگشت امرشان به اوست کسانی که ارتباطشان محکم تر و کامل تر باشد «آل» محسوب می شوند و شک نیست که فاطمه و علی و حسن و حسین محکم ترین پیوند را با رسول خدا ﷺ داشتند و این از مسلمات و مستفاد از احادیث متواتر است.

بنابراین لازم است که آن ها را «آل پیامبر ﷺ بدانیم. سپس می افزاید: گروهی در



مفهوم «آل» اختلاف کرده‌اند، بعضی آن‌ها را خویشاوندان نزدیک پیامبر می‌دانند و بعضی گفته‌اند آن‌ها امت پیامبرند، اگر این واژه را بر معنی اول حمل کنیم آل پیامبر تنها آن‌ها هستند و اگر به معنی امت که دعوت او را پذیرفتند بدانیم، باز هم خویشاوندان نزدیک رسول خدا ﷺ آل او محسوب می‌شوند، بنابراین به هر تقدیر آن‌ها آل هستند و اما غیر آن‌ها در لفظ «آل» داخلند یا نه؟ محل اختلاف است.

۳۹۷. معرفی خویشاوندان

فخر رازی از صاحب کشف چنین نقل می‌کند: «وقتی این آیه (آیه ۲۳ سوره شوری) نازل شد عرض کردند: ای رسول خدا ﷺ! خویشاوندان تو کیانند که مودتشان بر ما واجب است؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندشان.»

بنابراین ثابت می‌شود که این ۴ تن ذی‌القربای پیغمبرند و هنگامی که این معنی ثابت شد واجب است از احترام فوق‌العاده‌ای برخوردار باشند.

فخر رازی می‌افزاید: دلائل مختلفی بر این مسأله دلالت می‌کند: جمله «الا المودة فی القربی»؛ که طرز استدلال به آن بیان شد.

شک نیست که پیامبر فاطمه را دوست می‌داشت و درباره او فرمود: «فاطمة بضعة منی یؤذینی ما یؤذیها» فاطمه پاره تن من است، آنچه او را آزار دهد مرا آزار داده است. و با احادیث متواتر از رسول خدا ثابت شده که او علی و حسن و حسین را دوست می‌داشت و هنگامی که این معنا ثابت شود محبت آن‌ها بر تمام امت واجب است، چون خداوند فرموده: «واتبعوه لعلکم تهتدون»؛ از او پیروی کنید تا هدایت شوید.

و نیز فرموده:

«فلیحذر الذین یخالفون عن امره»؛ کسانی که او را مخالفت می‌کنند از عذاب الهی بترسند و نیز فرموده: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله»؛ بگو اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد.

و نیز فرموده: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة»؛ برای شما در زندگی رسول خدا ﷺ سرمشقی نیکویی بود.



و حتما کسی که نافرمانی علی علیه السلام کرده باشد داخل آتش می‌کنم ولو را از من اطاعت نموده باشد.

۴۰۲. نقش درب بهشت

در کتاب فردوس آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر درب بهشت نوشته است لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی برادر محمد و بنده پاک و منزه خداست و ولایتش را چند هزار سال قبل از خلقت آسمان و زمین بر مردم در عالم ذر لازم نمودم. کسی که می‌خواهد خدا را ملاقات کند در حالی که خدا از او خشنود باشد باید دوست علی علیه السلام و اولاد علی علیه السلام باشد چون آن‌ها برگزیدگان بندگان پاک و منزه، جانشینان و دوستان من هستند.

۴۰۳. اثر حب علی علیه السلام

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:
قال الله: لو اجتمع الناس کلهم علی ولایة علی ما خلقت النار.
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند فرمود: اگر تمام مردم بر گرد ولایت علی حلقه می‌زدند و حول محور ولایت او اجتماع می‌نمودند آتش جهنم را نمی‌آفریدم.^۱

۴۰۴. در قیامت وبرزخ مورد بازخواست خواهند بود

و در روایتی دیگر آمده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: لو اجتمع الناس علی حب ابن ابی طالب لما خلق الله - عزوجل - النار.^۲

۴۰۵. از آن‌ها پرسیده می‌شود

دیلمی (همان طور که در کتاب صواعق آمده) از ابوسعید خدری نقل کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آن‌ها (مردم) در مورد ولایت علی علیه السلام بازپرسی می‌شوند و واحدی

۱. جواهر السنیة، ص ۴۶۷.

۲. فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۴۱۹.



(فضل الحسین علیه السلام) - الجامع الصغیر بشرح فیض القدیر، جلد ۳، ص ۱۴۵ - الترمذی ۱۹۵/۱۳ فی باب مناقب الحسن و الحسین - ابن ماجه کتاب المقدمه باب ۱۱ حدیث ۱۴۴ - مسند احمد جلد ۴، ص ۱۷۲ - مستدرک حاکم جلد ۳، ص ۱۷۷ - معالم المدرستین جلد ۱، ص ۵۳۸.

لذا از مجموع این روایات به دست می‌آید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایات زیادی بر امامت امام علی علیه السلام و حتی سایر ائمه اطهار علیهم السلام تأکید فرموده است و این مسأله حتی در منابع اهل سنت به راحتی قابل دسترسی است. چنانچه عبدالله بن عباس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من سید انبیاء و علی بن ابی طالب سید اوصیاء و اوصیاء بعد از من ۱۲ نفرند که اول آن‌ها علی بن ابی طالب و آخر آن‌ها مهدی است.^۱

۴۰۸. آمار عددی روایات و راویان حدیث در منابع اهل سنت

کتاب صحیح‌های شش گانه کتاب‌های حدیثی است که در نظر اهل سنت از اعتبار بالایی برخوردار است و احادیث آن‌ها را معتبر می‌دانند این کتاب‌ها به وسیله بزرگان اهل سنت تألیف شده و عبارتند از: [صحیح بخاری، صحیح مسلم، صحیح ترمذی، صحیح ابوداود صحیح نسائی و صحیح ابن ماجه].

عایشه یکی از ۷ راوی صحابی^۲ است که با عنوان راویان مکتب^۳ معرفی شده است که تعداد روایات او را ۲۲۱۰ روایت شمارش کرده‌اند که از این تعداد ۱۷۴ روایت از هر دو صحیح مسلم و بخاری آمده هم چنین تعداد زیادتری از روایات او در مسند احمد بن حنبل آمده است و مسندی که توسط ابن حجر عسقلانی (۷۷۳ - ۸۵۲ ق.) به نام عایشه تهیه شده است تعداد ۱۰۸۱ روایت او در دسترس قرار گرفته است.

ام سلمه همسر دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله با ۳۷۸ روایت و اسماء بنت یزید با ۸۱ روایت و میمومه همسر دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله با ۷۶ روایت و حفصه و اسماء بنت عمیس هر کدام با ۶۰ روایت اسماء دختر ابوبکر با ۵۸ و ام حبیبه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله با ۵۶ روایت.

۱. فرائد السمطین، ص ۱۶۰، حدیث ۱۱۶۴.

۲. اسامی ۶ نفر دیگر چنین است - ابوهیره با ۵۳۷۴ روایت عبدالله بن عمر با ۲۶۳۰ روایت انس بن مالک با ۲۲۸۶ روایت عبدالله بن عباس با ۱۶۶۰ روایت جابر بن عبدالله انصاری با ۱۵۴۰ روایت و ابوسعید خدری با ۱۵۴۰ روایت.

۳. روایانی که بیش از هزار حدیث نقل کرده باشند مکتب گفته می‌شود.



در یک نگاه تاریخی می‌توان یافت چه کسانی رسول خدا ﷺ را مورد اذیت و آزار خود قرار داده‌اند.

مگر رسول خدا ﷺ درباره دخترش و میزان علاقه او به دخترش چه سخن‌ها که نگفت پس چرا بعد از رحلت آن عزیز عده‌ای عالمانه به خانه او حمله کردند آیا این اجر نبوت رسول خدا ﷺ بود؟

مگر در کتاب روایی اهل سنت نیامده که رسول خدا ﷺ فرمود: فاطمه پاره تن من است هر که او را بیازارد مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرده است.^۱

مگر در کتب اهل سنت ماجرای به آتش کشیدن خانه نبوت نیامده مگر دفن شبانه دختر رسول خدا ﷺ در منابع روایی اهل سنت نیامده است.^۲ مگر نه این است که در روایات اهل سنت آمده که:

حضرت فاطمه علیها السلام از دنیا رفت در حالی که سخت از ابوبکر و عمر غضبناک بود^۳ به راستی مگر فاطمه علیها السلام به غیر مسأله ولایت ناراحتی دیگری داشت چرا زهرای اطهر علیها السلام به ابوبکر فرمود: بعد از هر نمازی تو را نفرین می‌کنم.^۴

آیا فاطمه علیها السلام با ابوبکر بر سر مسائل شخصی اختلاف داشته یا مسأله فراتر از این‌هاست آن‌ها ولایت مردی را غضب کردند که رسول خدا ﷺ بر آن تأکید داشت و دختر رسول خدا ﷺ نیز در دفاع از آن پایداری نمود.

۴۱۳. دوازده نفر امام برحق

مطابق نقل صحاح و مسندهای اهل سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عدد امامان را بیان فرموده است: از جمله در صحیح مسلم در کتاب الامارة از جابر بن سمره نقل کرده که گفت: با پدرم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدیم و شنیدیم که رسول خدا ﷺ فرمود:

۱. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۹۶.
 ۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳ - سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۷۸ و صحیح بخاری ج ۵، ص ۲۵۲.
 ۳. صحیح مسلم و بخاری و نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدیث، ج ۶.
 ۴. الامامة والسياسة، ص ۲۰، نوشته ابن‌قتیبه این عالم سنی در کتاب خود به ماجرای حمله کردن به خانه دختر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله مفصل اشاره کرده است. این کتاب مربوط به ۱۲۰۰ سال قبل است.



العرب» در میان آن ۲۰۰ نفر افرادی از قبیل: سعد بن ابی وقاص، و عبدالرحمن بن عوف و طلحه و زبیر و مقداد و ابن عباس و محمد بن ابی بکر و ابن عمر و حسن و حسین و عبدالله جعفر و.... بودند.

بعد از پایان صحبت‌ها و سکوت امام علی آن‌ها از او خواستند که امام نیز سخن بگوید...

حضرت با آن‌ها مفصل سخن گفت و آن‌ها اقرار نمودند که تمام فضایل آن‌ها از ناحیه رسول خداست... آنگاه امام به آیات و شواهد بسیاری توجه داد که جایگاه خاص او را نسبت به پیامبر بیان کرده است از جمله فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا می‌دانید این آیه درباره چه کسی نازل شده:

«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم»^۱ و این آیه: «و لم یتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنین ولیجة»^۲.

سپس امام علی فرمودند: مردم از رسول خدا پرسیدند: ای رسول خدا آیا اینها (مؤمنین در آیه) گروه خاصی از مؤمنان هستند یا عموم مؤمنان هستند؟ پس خداوند هم به پیغمبر امر فرمود که «ولایة امر» را به مردم معرفی کند و همان طور که نماز و زکاة و حج را برای مردم تفسیر کرده ولایت را هم تفسیر و بیان کند و مرا برای مردم منصوب نماید و بعد از این دستور رسول خدا در غدیر خم خطبه خواند و گفت: ای مردم! به درستی که خداوند مرا به ابلاغ پیامی مأمور فرمود که سینه‌ام را تنگ نموده و گمان کردم که مردم مرا تکذیب می‌کنند پس خداوند مرا تهدید نمود که یا آن را ابلاغ کنم یا مرا عذاب می‌نماید.

سپس امر فرمود: که جمعیت را ندا دهند و به نماز جمعی فرا خوانند سپس خطبه ایراد کرد و گفت: ای مردم آیا می‌دانید که خداوند مولا و صاحب اختیار من و من مولا و صاحب اختیار مؤمنان هستم و من از نفس مؤمنان بیشتر بر آن‌ها ولایت دارم؟ همگان گفتند: آری ای رسول خدا! پس گفت: یا علی! برخیز!

۱. نساء، ۶۰.
۲. توبه، ۱۶.



به ولایت اهل بیت پیامبر ﷺ هدایت یافته باشد و نیز ابن حجر می گوید: این معنی از امام باقر ﷺ نیز رسیده است.

سپس روایاتی در مورد نجات کسی که به ولایت آن‌ها هدایت یافته باشد نقل نموده است ابن حجر در نقل خود از امام باقر ﷺ به سخنی که آن حضرت به حارث بن یحیی فرموده اشاره کرده است.

چون که امام باقر ﷺ به او فرمود: ای حارث مگر نمی بینی که خداوند شرط پذیرش توبه و ایمان و عمل صالح را هدایت به ولایت ما و معرفت به حق ما قرار داده است و بدون آن هیچ کدام از ایمان و عمل صالح و توبه به حال او نفع نمی بخشد.

سپس آن حضرت از جد خود امیرمؤمنان ﷺ نقل فرموده که: اگر شخصی توبه کند ایمان آورد و عمل شایسته انجام دهد ولی به ولایت ما هدایت نشده باشد این کارها او را بی نیاز نخواهند ساخت و نفعی به او نخواهد رسید.^۱

۴۱۶. مثالی ارزنده

حضرت حجة الاسلام قرائتی فرمود:

(نقل به معنا) اگر شما اول شخص مملکت باشید بخواهید نامه‌ای مهم را در صندوق پست بیندازید پستی کاری به مقام و موقعیت شما ندارد اول نگاه می کند و می بیند که شما تمبر روی پاکت نامه خود را زده‌اید یا نه، اگر تمبر داشت، نامه را می برد و قبول می کند اگر نداشته باشد آن را برمی گرداند، اعمال به واسطه مهر ولایت امام علی ﷺ بالا برده می شود و مقبول می شود.

و چه زیبا سروده استاد ارجمند جناب آقای موسوی گرمارودی شاعر قهرمان شیعی:

بگو مهر علی، مَهری ست خاتم نگردد نامهات بی آن فراهم

۱. پرونده‌ای که در دادگاه قرار می گیرد اگر اسم و آدرس نداشته باشد مورد بررسی قرار نمی گیرد، بلکه آن را کنار می گذارند این روش در همه جای دنیا وجود دارد و در کار آخرت و قیامت نیز همانند دنیا بایستی پرونده‌ها دارای اسم و رسم باشد تا مورد بررسی قرار گیرد طبق روایات متعدد پرونده انسان بدون ولایت مجهول می باشد و غیرقابل بررسی.



که از پیامبر ﷺ سؤال شد کلماتی که آدم دریافت داشت و در اثر آن‌ها توبه آدم قبول شد چه بوده؟

پیامبر ﷺ فرمود: آدم خداوند را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ خواند پس خداوند توبه‌اش را پذیرفت و او را بخشید (این حدیث از طریق شیعه نیز رسیده است).^۱

۴۲۰. اجماعی واقعی

همه مفسران اجماع و اتفاق نظر دارند - همان طوری که قوشچی که خود از ائمه و بزرگان اشاعره است در شرح تجرید خود در مبحث امامت نیز اعتراف کرده - که آیه شریفه:

«**أما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة وهم راكعون**»^۲ درباره علی ﷺ در آن هنگام نازل شده که آن حضرت در حال رکوع صدقه داد و نسائی از علمای اهل سنت در کتاب صحیح خود نزول آن را درباره علی ﷺ از عبدالله بن سلام نقل کرده است.

۴۲۱. تفسیر صراط مستقیم

ثعلبی در تفسیر خود در تفسیر سوره فاتحه از ابی‌بریده نقل کرده که مراد از صراط مستقیم راه محمد ﷺ و آل او است و از تفسیر و کعب بن جراح از سفیان ثوری، از سدی، از اسباط و مجاهد از ابن عباس نقل کرده است که:

معنی «ما را به راه راست هدایت کن» یعنی ما را به حب و دوستی محمد و آل او ارشاد نما، است.

۱. بقره، ۳۷.

۲. مائده، ۵۵.



۴۲۴. درس سحر

در سنن نسائی و ابن ماجه و مسند احمد آمده است که: امام علیؑ فرمود: من در نزد رسول خداﷺ جایگاهی داشتم که هیچ یک از مردم نداشتند، من همیشه در سحرگاهان به نزد او می‌رفتم و می‌گفتم: درود بر تو ای نبی خدا! اگر - تنحیح - شبه سرفه می‌فرمود به خانه باز می‌گشتم و گرنه وارد می‌شدم.^۱

شیعیان و منصفان عالم چه کسی این گونه همراز و همراه و هم قدم و همدل و هم سخن و هم نشین رسول خداﷺ بوده است.

اگر معنای این معنی پیدا شود معلوم خواهد شد چه کسی امام است لذا آنچه امام علیؑ از رسول خداﷺ گرفت هیچ کسی نگرفت روی همین اصل امام صادقؑ می‌فرماید:

آگاه باشید به خدا سوگند نزد ما چیزی است که از مردمان ما را بی‌نیاز می‌کند ولی مردم نیازمند ما هستند.

نزد ما کتابی است که از املائی رسول خداﷺ و دستخط علیؑ تألیف گردید. صحیفه‌ای به درازای هفتاد ذراع که همه حلال‌ها و حرام‌ها در آن است.^۲

۴۲۵. ثبته المبیته

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله والله رؤف بالعباد؛ بعضی از مردم جان خود را در برابر خشنودی خدا می‌فروشند و خدا نسبت به بندگانش مهربان است».^۳

عالم سنی حاکم نیشابوری در صفحه ۴ جزء ۳ از کتاب مستدرک از ابن عباس آورده که: علیؑ جان خویش را به معرض فروش درآورد و لباس پیامبر را به تن پوشید حاکم تصریح به صحت این حدیث می‌کند حتی طبق آنچه بخاری و مسلم در صحت حدیث شرط می‌دانند، گرچه خودشان آن را نقل نکرده‌اند و ذهبی در کتاب تلخیص مستدرک به

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۱۰۷ و ۸۵، سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۷۸. باب تنحیح در نماز.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۴۱، خیلی از اصحاب ائمه اطهارؑ در طول مدت امامان شیعه این صحیفه را که بنام «جامعه» است را دیده‌اند از آن جمله ابوسعید و محمدبن مسلم شاگرد امام باقرؑ.

۳. بقره، ۲۰۷.



هر کسی از روی عناد نسبت به اهل بیت من بغض و کینه در دل پرورد، خدای سبحان او را در روز قیامت یهودی برانگیزد.^۱

۴۲۹. حق غیرقابل انکار

ابطال نهج الحق نوشته قاضی روزبهان دلیل خوبی است بر اینکه نویسنده آن در مسایل مربوط به امامت و خلافت تعصب خاصی دارد لیکن هنگامی که او در مقام پاسخگویی به علامه کبیر حلی در مورد آیه «**وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أَوْلَىٰ أَقْرَبُونَ**» برمی آید [علامه حلی در کتاب خود از طریق اهل سنت از ابن عباس نقل می کند: پیشگام این امت در ایمان علی بن ابی طالب است] در همان کتاب خود چنین می نویسد: این حدیث در روایات اهل سنت آمده است ولی به این عبارت: «**سَبَاقُ لَامَةِ ثَلَاثَةِ مُؤْمِنٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَ حَبِيبِ النَّجَارِ وَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ**» سپس می افزاید: شک نیست که علی پیشقدم در اسلام بود و سابقه و فضایل بی شماری داشت ولی این ها دلیل بر امامت او نمی شود!!!

۴۳۰. دلیل وراثت علی

در حواشی شواهد التنزیل این حدیث از عبدالله بن عباس و همچنین از ابو رافع نیز نقل شده است و از خصائص نسائی نقل می کند که ربیع بن ناجذ می گوید: مردی به حضرت علی علیه السلام عرض کرد به چه سبب تو وارث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شدی؟ نه عمومی تو که قاعدتا بر تو (از نظر سن و سال) مقدم تر است؟

علی علیه السلام در پاسخ به او داستان یوم الانذار را نقل فرمود تا آنجا که می فرماید:

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۹۶.

اهل تحقیق بدانند حافظ عبیدالله حسکانی در قرن ۵ هجری قمری این گونه آورده است که: یکی از دشمنان خدا را دیدم که می گفت: هرگز احدی از مفسران قرآن کریم نگفته اند که به غیر از سوره هل ائی، آیهای در قرآن برای امام علی علیه السلام نازل شده باشد. او می گوید: من مدتی منتظر ماندم تا علما و مدافعان اهل سنت نبوی به گفته او اعتراض کنند ولی چون اقدامی نشد بر خود واجب دیدم که او را پاسخ دهم و جواب دندان شکنی به او بدهم؛ لذا کتاب *شواهد التنزیل* را نوشتم در این کتاب این عالم زحمت کش سنی به استناد ۱۱۶۳ حدیث از طریق اهل سنت اثبات کرده که ۲۱۰ آیه قرآن کریم در شأن امیرمؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت او نازل شده است و بسیار جای تعجب است که در حدود ۱۰۰۰ سال قبل این عالم بزرگوار با آن امکانات محدود چگونه به تألیف این کتاب دست زده است.



یعنی: یا علی! تو سرپرست و پیشوای هر مؤمنی بعد از من.

۴۳۴. معرفی دشمن خدا

عمار بن یاسر قال: «قال رسول الله ﷺ اوصی من آمن بی وصدقنی بولاية علی بن ابی طالب فمن تولاه، فقد تولانی ومن تولانی فقد تولی الله ومن احبه فقد احبنی ومن احبنی فقد احب الله ومن ابغضه فقد ابغضنی و من ابغضنی فقد ابغض الله عزوجل»^۱

و عمار یاسر می گوید: رسول خدا ﷺ به من وصیت فرمود: به من ایمان آور و به ولایت علی بن ابی طالب هر کس او را ولی بداند مرا ولی خود کرده و هر که به ولایت من باشد از ولایت خداست و هر کس علی بن ابی طالب را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است و هر که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هر که مرا دشمن بدارد دشمن خداست.

۴۳۵. ***

رسول خدا ﷺ در اوایل خطبه مبارک غدیر خم فرمود: «و قد امرنی جبرئیل عن ربی ان اقوم فی هذا المشهد و اعلم کل ابیض و اسود ان علی بن ابی طالب اخى و وصی و خلیفتی و الامام بعدی».

آنگاه فرمود:

«معاشر الناس ذلك فان الله قد نصبه لكم ولیا و اماما و فرض طاعته علی کل احد ماض حکمه جائز قوله ملعون من خالفه مرحوم من صدقه».

یعنی: جبرئیل از طرف خداوند مرا امر نموده که در اینجا مردم را آگاه کنم تمام سفیدان و سیاهان را که علی بن ابی طالب را برادر من و وصی من و خلیفه من و امام بعد از من است.

ای جماعت مردم، خداوند علی را ولی و امام شما قرار داد و واجب کرد اطاعت او را

۱. کنز العمال، متقی هندی متوفای ۹۷۵ هجری قمری، حدیث ۲۵۷، ج ۶

بر هر فردی و حکم او نافذ و جاری است ملعون است کسی که با او مخالفت کند و در رحمت خداست آنکه او را تصدیق کند.^۱

۴۳۶. عمر بن خطاب روایت کرد

خوارزمی در مناقب: عمر بن خطاب نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «لو ان الریاض اقلام والبحر مداد والجن حساب والانس کتاب ما احصوا فضایل علی بن ابی طالب». اگر درختان قلم شوند و دریا مرکب و جنیان حساب کننده و آدمیان نویسنده نمی توانند فضایل علی بن ابی طالب (علیه السلام) را شمارش کنند.

۴۳۷. عهد گرفتند

عمر بن خطاب گفت: نصب رسول الله ﷺ علیاً علماً، یعنی: تعیین و نصب کرد رسول خدا ﷺ علی را که بزرگترین راهنما است که بعد از او به مولائی جامعه معرفی نمود. سپس رسول خدا بعد از دعا درباره دوستان و دشمنان آن حضرت به خداوند عرض کرد: «اللهم انت شهیدی علیهم؛ خدایا! تو گواه منی بر ایشان». در آن هنگام جوانی زیبا و با حسن صورت و بوی خوش پهلوی من نشسته بود به من گفت: «لقد عقد رسول الله عقدا لا یحلّه الا المنافع فاحذر ان تحلّه». یعنی: عهد بست پیامبر عهدی محکم که نمی شکنند این عهد را مگر منافق پس حذر کن ای عمر تو ناقض این عهد محکم باشی. سپس عمر می گوید: به رسول خدا ﷺ عرض کردم وقتی شما درباره علی سخن می گفتید پهلوی من جوان خوش رو و خوشبوئی بود و با من چنین گفت: حضرت فرمود: «انه لیس من ولد آدم لکنه جبرئیل اراد ان یوگد علیکم ما قلته فی علی (علیه السلام)».

یعنی: او از اولاد آدم (علیه السلام) نبود بلکه جبرئیل امین بود که به این صورت جلوه گر شد تا تأکید کند بر شما آنچه را که من گفتم درباره علی.^۲

۱. کتاب الولایه - طبری متوفی - ۳۱۰ هجری.

۲. مودة القربی، فصل ۵.



❖ ۴۳۸. بهترین پیامبر برترین کتاب و پاک‌ترین ولی ❖

رسول اکرم ﷺ فرمود: «ان الله تبارك وتعالى اصطفاني و اختارني وجعلني رسولا وانزل علي سيد الكتب فقلت الهی وسیدی انك ارسلت موسی الی فرعون فاسئلك ان تجعل معی اخاه هرون وزیرا یشد به عضده...».

خداوند متعال مرا برگزید و مرا پیغمبر قرار داد و بهترین کتابها را بر من نازل گردانید پس من عرض کردم: خدایا! موسی را فرستادی به سوی فرعون پس او از تو خواست تا این که برادرش هارون را وزیر قرار دهی و بازوی او را محکم نمائی به وجود او و به وسیله او تصدیق نمایند دعوت او را، اینک من از تو درخواست می‌نمایم که از اهل من قرار دهی برای من وزیری که به وجود او محکم گردد بازوی من، پس قرار ده برای من علی را به مقام وزارت و اخوت و شجاعت را در قلب او قرار ده و هیتی در مقابل دشمنان به او رحمت کن.

آنگاه فرمود: من این درخواست را که از خداوند نمودم او به من عطا نمود پس علی آقای اوصیا می‌باشد.^۱

❖ ۴۳۹. چهارده حرف نورانی ❖

«صراط علی حق مسکه؛ راه علی حق است و می‌چسبیم او را».

کلیه حروف جملات فوق از حروف مقطعه قرآن کریم است اگر حروف مقطعه قرآن را (بدون تکرار) سرهم کنیم متن بالا به دست می‌آید. کلیه حروف مقطعه قرآن کریم بدون تکرار ۱۴ حرف می‌باشد.

❖ ۴۴۰. چهارده هزار سال قبل از آدم ❖

احمد حنبل در مسند خود می‌نویسد که: رسول خدا ﷺ فرمود: «خلقت انا وعلی من نور واحد قبل ان یخلق الله تعالی آدم باربعة عشر الف عام فلما خلق الله تعالی آدم ركب ذلك النور فی صلبه فلم یزل فی شی واحد حتی افترقا فی صلب عبدالمطلب ففی النبوه و فی علی

۱. بنابیع الموده، باب ۱۲.



نگاه می‌کردیم و در نقلی عبدالله بن عمر، امام علی را بهترین مردم بعد از رسول خدا نام برده است.^۱

۴۴۴. خلیفه خالق هستی

احمد حنبل در مسند می‌نویسد: رسول خدا فرمود: «یا علی! انت تیره ذمّتی وانت خلیفتی علی امتی».

یا علی! تو دین و ذمه مرا ادا می‌کنی و تو خلیفه منی بر امت من.

۴۴۵. دوازده گوهر پاک

رسول اکرم فرمود: «انا سید النبیین وعلی سید الوصیین وانّ اوصیائی بعدی اثنا عشر اولهم علی وآخرهم القائم المهدی».

من آقا و بزرگ انبیاء و علی سید اوصیاء می‌باشد و به درستی که اوصیاء من بعد از من دوازده نفر هستند اول آنها علی و آخرشان مهدی می‌باشد.^۲

۴۴۶. فضلی آسمانی

در نزدیکی ارتحال رسول خدا ایشان به دخترشان فرمود: «انّ لکرامه الله ایاک زوجک من هو اقدمهم سلما واکثرهم علما».

یعنی: از جمله کرامتهای خداوند آن است که تزویج کرد تو را به کسی (علی) که جلوتر از مردم است در اسلام و عالم‌ترین آنها از حیث علم و دانش.

آنگاه فرمود: خداوند متعال نظر کرد بر اهل زمین پس مرا به پیغمبری اختیار نمود آنگاه نظر دیگری فرمود علی را برگزید به وصایت بعد از من سپس وحی نمود که تو را به ازدواج او در آورم و او را وصی خود قرار دهم.^۳

۱. مسند امام احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۶ در نقل روایت از نافع - ذخائر العقبی، ص ۷۷.

۲. فرائد السمطين، باب ۷۷ (روایت به این سبک و سیاق خیلی زیاد می‌باشد).

۳. منابع الموده باب ۷۳، جواهر العقدین - صواعق المحرقة - طبرانی متوفای سال ۳۶۰ هجری قمری در کتاب المعجم اواسط ۹ جلدی با مختصر تفاوتی در الفاظ و عبارات این حدیث را آورده‌اند. این عالم سنی معجم صغیر در ۲ جلد و معجم کبیر در ۲۰ جلد نیز دارد.



❖ ۴۵۰. راه گمراهی و کفر ❖

«عنه بن عامر الجهنی نقل می کند که گفت: بایعنا رسول الله علی قول ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا نبیه وعلیاً وصیه فای من الثلاثة ترکناه کفرنا». با رسول خدا ﷺ بیعت نمودیم بر این که شهادت دهیم به وحدانیت خداوند که شریکی برای او نیست و این که محمد پیغمبر اوست و علی وصی او، پس هر یک از این سه را ترک نمائیم کافر شده ایم.^۱

❖ ۴۵۱. نشانه پاکی ❖

رسول خدا ﷺ فرمود:
«من لم یعرف حق عترتی من الانصار والعرب فهو لاحد ثلاث امانا منافق واما ولدزانیة و اما امر و حملت به امه فی غیر طهر». کسی که حق عترت مرا از انصار و عرب نشناسد پس او یکی از سه چیز خواهد بود یا منافق است یا ولدالزنا است یا ولد حیض است.^۲

❖ ۴۵۲. بهترین وصی ❖

رسول خدا ﷺ به دختر خود فرمود: «یا فاطمة! منا خیر الانبیاء وهو ابوک و منا خیر الاوصیاء وهو بعلمک...». یا فاطمه! از ماست بهترین انبیاء و او پدر تو می باشد و از ماست بهترین اوصیاء او شوهر تو است...^۳

❖ ۴۵۳. ستاره ای بدرخشید ❖

ابن مغزالی شافعی مذهب روایت کرده از ابن عباس که وی می گوید شبی اصحاب پیامبر در خانه ایشان جمع بودند تا این که پیامبر فرمودند امشب در نزدیکی سحر کوبی

۱. مودة القربی، فصل چهارم، ص ۱۶ و ینابیع المودة، ج ۲، ص ۲۸۰.

۲. صواعق المحرقة، ص ۱۷۲ و ینابیع المودة، ج ۲، ص ۴۵۹.

۳. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۶۹، نوشته قندوزی، متوفای ۱۲۹۴ هجری قمری و فراندالسمطین، ج ۱، ص ۹۲، حدیث، ۶۱.



خدای متعال فرمود: «اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم».

و این کلام خداوند در شأن علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اوصیکم بکتاب الله واهل بیتی انی سألت الله ان لا یفرق بینهما

حتى یورد هما علی الحوض فاعطانی ذلك».

یعنی: شما را به کتاب خدا و اهل بیت خود سفارش می‌کنم بین آن‌ها جدایی نیندازید

تا در حوض کوثر بر من وارد شوید چون خدای متعال آن دو ثقل را به من عطا فرمود.^۱

۴۵۶. راهنمایی بر حق

فضیل بن زبیر از زید بن علی علیه السلام در تفسیر آیه «و یدعی من یشاء الی صراط مستقیم» نقل

می‌کند که خداوند بندگان را به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام هدایت و راهنمایی می‌کند.^۲

۴۵۷. نشانه گمراهان راه حق

ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «ادعوالی الله علی بصیرة» فرمود: به

خدا سوگند منظور از آیه، ولایت ما اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله است که جز گمراهان و ضالین

کسی ولایت ما را منکر نمی‌شود. و علی علیه السلام را جز گمراهان کسی عیب‌جویی نمی‌کند.^۳

۴۵۸. دشمن دنیا

عمار یاسر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی! ان الله زینک بزینة لم یزین العباد باحسن

منها، بغض الیک الدنیا وزهدک فیها وحبب الیک الفقراء فرضیت بهم اتباعا ورضوا بک اماما».

یا علی! خدای متعال تو را به زینتی نیکو آراسته کرد که احدی آن گونه نی‌آراسته که

بغض و کینه دنیا نسبت به تو و زهد تو نسبت به دنیا از جمله آن است قلب فقراء جایگاه

توست و قلب تو راضی به اطاعت و متابعت آنان است امامت تو را به جان خریدارند و

به آن رضایت کامل دارند.^۴

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۷.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۵۹.

۴۵۹. هادی امت

رسول خدا ﷺ فرمود: «یا علی انت الهادی بعدی یا علی بک یمتدی المهتدون». ای علی! تو هادی امت بعد از من هستی به سبب تو تشنگان هدایت و جویندگان حقیقت هدایت می یابند.^۱

۴۶۰. سقوط به جهنم

سعد اسکاف از اصیغ بن نباته نقل کرد که امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در شرح آیه کریمه «انّ الذین لایؤمنون بالاخرة عن الصراط لناکبون» فرمود: کسانی که به ولایت ما ایمان و اعتقاد نداشته باشند از صراط سقوط می کنند.^۲

۴۶۱. راه رضوان

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «ان تولّوا علیا - ولن تفعلوا - تجدوه هادیا مهديا یسلک بکم الطریق المستقیم». اگر ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بپذیرید - که نمی پذیرید - او را هادی و مهدی می یابید، شما را به طریق مستقیم سیر می دهد، که هرگز گمراهی در آن نباشد.^۳

۴۶۲. شب زنده دار بزرگ

ابن عباس در تفسیر آیه کریمه «ومن یرض عن ذکر ربّه...» گفت: «ذکر ربّ؛ یعنی ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و ولایت اولاد گرامی اش». و هر کسی از ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) روی بگرداند؛ او را عذابی شدید فرا خواهد رسید و در روایتی دیگر گفت: «انّ ربک یرحمک»؛ یعنی یا محمد! خدای تو می داند که برای اقامه نماز و تلاوت

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، نوشته حاکم ابوالقاسم حسکانی، ص ۵۲۴، او با استناد به ۱۱۶۳ حدیث و روایت از طریق اهل سنت اثبات کرده که ۲۱۰ آیه از آیات قرآن کریم در شأن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و اهل بیت او نازل شده است.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۸۳.



قرآن کمتر از نصف یا یک سوم یا دو سوم شب را بیدار می‌مانی و همچنین خدا می‌داند «طائفة من الذین معک»؛ یعنی: علی بن ابی طالب که همیشه و پیوسته همراه تو است مثل تو شب زنده داری می‌کند.

سپس ابن عباس ادامه داد و گفت: نخستین کسی که با پیامبر اکرم به نماز ایستاد علی بود نخستین کسی که اسلام آورد علی بود نخستین کسی که با پیامبر اکرم بیعت کرد امام علی بود نخستین مهاجر فی سبیل الله همراه پیامبر اکرم علی بود. نخستین کسی که همراه پیامبر اکرم شبها بیدار بود و به نماز و تلاوت قرآن می‌پرداخت، علی بود و این آیه شریفه برای او نازل شد.^۱

۴۶۳. حکیه امت محمد

ابن عباس در تفسیر و توضیح آیه «هو الذی بعث فی الامین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیته ویزکیهم ویعلمهم الکتب والحکمة» بیان کرد.

«الکتب یعنی: قرآن، والحکمة یعنی: ولایت علی بن ابی طالب»، معنای آیه چنین می‌شود: رسالت پیامبر تعلیم کتاب خدا و تعلیم ولایت علی به بندگان خداست.^۲

۴۶۴. پایه‌های رضوان

عمرو بن حنبل می‌گوید:

نزد رسول خدا نشسته بودم که فرمود: یا عمرو! اتحب ان اریک عمود الجنة. یعنی: ای عمرو! می‌خواهی ستون بهشت را ببینی؟
عرض کردم: آری!

در این هنگام علی نزد رسول خدا آمد، آنگاه رسول خدا فرمود:

«هذا واهل بیته عمود الجنة؛ او و خاندانش (فرزندان) ستون بهشت می‌باشند.

و در روایتی آمده است که صدای کوبه (درب) بهشت کلمه طیبه یا علی می‌باشد لذا

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۷.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۴۰.



الحوض»؛ همانا علی با قرآن است و قرآن با علی می‌باشد، این دو هرگز از هم جدا نشوند تا در کنار حوض در کنار من حاضر شوند.

۲. مرحوم مجلسی حدود ۱۹ حدیث درباره این که مصداق آیه «ومن عنده علم الكتاب»؛ امام علی است، با استناد به منابع متعدد و گوناگون فریقین و اهل سنت در جلد ۳۵ بحار الانوار آورده است.

۳. محقق سترگ اهل سنت سیوطی که بیشتر کارهای تحقیقی او درباره قرآن^۱ است در کتاب اتقان خود آورده:

همان گونه که قرآن نازل شده است امام علی است آن را جمع کرده و حتی آورده که احدی در این کار بر او پیشی نگرفته و دلایل این ادعای خود را نیز محققانه مطرح کرده است.^۲

او این روایت را آورده که وقتی رسول خدا از دنیا رفت علی فرمود: «آلیت الاخذ ردای الا الصلوة جمعة حق اجمع القرآن»؛ سوگند یاد کردم که جز برای نماز جمعه ردا برنگیرم و از خانه بیرون نروم تا آنگاه که قرآن را جمع کنم.

جمع‌آوری قرآن کریم توسط امام علی بعد از ارتحال رسول خدا امر قطعی و از واضحات ثابت شده تاریخی است که مدافعان زیادی در بین حضرات علمای اهل سنت دارد.^۳ برای مطالعه بیشتر به سنن ترمذی جلد ۱۳، ص ۲۰۰ و مسند امام احمد حنبل جلد ۳، ص ۱۴ و ۱۷ و مسند دارمی، متوفای ۲۵۵ هجری، جلد ۲، ص ۴۳۱ و الجامع الصغیر، جلد ۱، ص ۴۰۲ و المعجم الکبیر نوشته طبرانی متوفای ۳۶۰ هجری و المستدرک حاک نیشابوری جلد ۳، ص ۱۰۹ متوفای ۴۰۵ هجری قمری طبقات ابن سعد، جلد ۲، ص ۳۳۸ و الصواعق المحرقة، ص ۱۲۶، الاتقان، جلد ۱، ص ۵۹ و مناهل العرفان، جلد ۱، ص ۲۴۷ و المحرر الوجیر، جلد ۱، ص ۴۷، التفسیر والمفسرون نوشته ذهبی، جلد ۱، ص ۹۰، طبقات مفسرین سیوطی مراجعه شود.

۱. تفسیر الدر المنثور، در ۶ جلد، و لباب النقول و کتاب طبقات المفسرین از وی است.

۲. الاتقان، ج ۲، ص ۲۰۴.

۳. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷ نوشته ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، ت ۴۳۰ هجری قمری.



۴. ابن مسعود می گفت: «ما رأیت أحدا اقره من علی بن ابی طالب (ع) للقرآن» احدی را نمی یابم که آگاه تر از علی بن ابی طالب (ع) در قرائت قرآن باشد.

شعبی در فضائل عکبری می گوید: آگاه ترین افراد به کتاب خدا بعد از رسول خدا (ص) علی (ع) است و در حلیه الاولیاء، جلد ۱۷ ص ۱۶۵ و در اتقان سیوطی، جلد ۴، ص ۲۳۳ والتفسیر والمفسرون ذهبی، جلد ۱، ص ۸۹ متوفای ۷۴۸ هجری قمری آمده است که ابن عباس می گفت:

«جُلُّ ما تعلمت من التفسیر من علی بن ابی طالب و ابن مسعود ان القرآن انزل علی سبعة احرف ما منها وله ظهر و بطن وان علی بن ابی طالب علم الظاهر و الباطن»؛ آنچه از تفسیر فرا گرفتم سراسر آن از علی بن ابی طالب و ابن مسعود است قرآن بر هفت حرف و بخش نازل شده هر حرفی از آن دارای ظاهر و باطن است و علی بن ابی طالب دارای علم و آگاهی به ظاهر و باطن است.

ذهبی در تفسیر و المفسرون جلد ۱، ص ۸۹ آورده که سعید بن جبیر می گفت: «اذا ثبت لنا الشيء عن علی لم تعدل عنه الی غیره»؛ وقتی چیزی برای ما به نقل از علی (ع) به ثبوت می رسید از آن به دیگری عدول و مراجعه نمی کردیم».

عمق اطلاعات امام علی (ع) در باب تفسیر و علوم و دانش قرآن و علم قرائت آن چنان وسیع است که همه به این موضوع اقرار دارند لذا سیوطی در کتاب اتقان خود از امام علی (ع) روایتی آورده است که:

«والله ما نزلت آية الا وقد علمت فيما نزلت و این نزلت ابلیس ام بنهار نزلت فی سهل او جبل ان ربی وهب لی قلبا عقولاً و لسانا سوؤلاً».

یعنی: سوگند به خداوند آیه ای نازل نشده است مگر آن که به حق و صواب می دانم در باره چه امری و در کجا، چه در شب و چه در روز، در دشت و سرزمین هموار یا در کوهساران نازل شده است چرا که خداوند به من قلب و دلی پر خرد و زبانی بس پرسان ارزانی داشته است.^۱

سیوطی آورده که:

۱. الاتقان، نوشته سیوطی، ج ۴، ص ۲۳۳.



روایات تفسیری از سه خلیفه (ابوبکر و عمر و عثمان) جدا اندک است و از ابی‌بکر در تفسیر جز آثاری که جدا اندک است به خاطر ندارم که از ۱۰ حدیث فراتر نمی‌رود ولی از امام علی علیه السلام روایات تفسیری فراوان نقل شده است.

در جلد دوم کنز العمال نوشته متقی هندی که جزء علمای اهل سنت در قرن دهم می‌باشد حدیث تفسیری از امام علی علیه السلام آمده است.

آن چنان که در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عَلَى... لِكِتَابِ اللَّهِ أَقْرَبُكُمْ».

۵. امام علی علیه السلام می‌فرماید: هر آیه‌ای که نازل می‌شد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شیوه قرائت آن را به من می‌آموخت، آنگاه املاء می‌کرد و من می‌نوشتم سپس تأویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه آن را می‌آموخت و دعا می‌کرد که آن حقایق را دریابم و حفظ کنم و من پس از آن هیچ گاه آنچه را که دریافتم فراموش نکردم.^۱

۶. ابوعبدالرحمن سلمی می‌گوید: من کسی را آگاه‌تر از علی به قرآن ندیدم او همواره می‌گفت از من بپرسید به خدا سوگند درباره هر آنچه از قرآن بپرسید پاسخ خواهم گفت. و این شبرمه نیز می‌گوید: هیچ کس بر فراز منبر این سخن را بر زبان نیاورد که: از قرآن هر آنچه خواهید بپرسید جز علی بن ابی‌طالب.^۲

۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله عزوجل انزل علی القرآن...».

همانا خداوند قرآن را بر من نازل کرده است هر کس با آن مخالفت کند گمراه است و هر کس علم آن را در نزد غیر علی علیه السلام طلب کند هلاک می‌شود.^۳ لذا روی همین اصل شعبی می‌گوید:

روزی ابوبکر نشست به بود که علی علیه السلام از دور ظاهر شد ابوبکر به جمع حاضر گفت: اگر کسی طالب خوشحالی است نگاه کند به فردی که بیشترین منزلت و نزدیک‌ترین قربات را نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد و بالاترین راهنمایی‌ها و بزرگ‌ترین بی‌نیازی‌ها را از رسول خدا صلی الله علیه و آله کسب کرده است، (یعنی به امام علی علیه السلام نگاه کند)^۴ و علامه امینی در

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۸ از منابع اهل سنت، متوفای قرن ۵.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲.

۳. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۹۴، حدیث ۱۰.

۴. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۵۴ نوشته ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی، در ۱۴ جلد متوفای ۴۶۳ هجری قمری.



جلد ۶ الغدير خود دهها روايت از كتب برادران اهل سنت آورده است که عمر بن خطاب به فضيلت و برتری علی (علیه السلام) در علم و فقه اعتراف نموده است.

۸. امام باقر (علیه السلام) فرمود: هیچ کس از مردم جمع کردن همه قرآن را آنگونه که نازل شده است ادعا نکند مگر آن که کذاب است و قرآن را آن طوری که نازل شده کسی حفظ و جمع نکرد مگر علی بن ابی طالب و ائمه بعد از وی.

لذا محمد بن طلحه شافعی که از علمای بزرگ اهل سنت است می گوید: پیشوایی ابن عباس در تفسیر قرآن میان امت شهره است او پیشتاز تفسیر است... ولی روشن است که ابن عباس شاگرد علی و پیرو اوست و تفسیر را از او گرفته و از علی (علیه السلام) بهره‌ها برده است.^۱

۹. امام علی (علیه السلام) می فرماید: هان ای مردم!

دانش به سرعت دامن بر می چیند به زودی مرا از دست خواهید داد پس از من پرسید و بدانید که هرگز از هیچ آیه‌ای نخواهید پرسید مگر آن که حقایق آن را بر خواهم نمود بی گمان شما هرگز کسی که چون من بدین سان از قرآن سخن گوید نخواهید یافت.^۲ لذا ابن عباس می گوید: آنچه را که علی (علیه السلام) می گفت فرا گرفتیم آنگاه در اندوخته‌ها و آموخته‌های خود اندیشیدم دریافتیم که دانش من به قرآن در سنجش با دانش علی مثل برگه‌ای خرد در برابر دریایی موج خیز.^۳

و عبدالله بن مسعود نیز می گوید: در میان اهل مدینه علی (علیه السلام) آگاه‌ترینشان به قرآن بود.^۴ این سخن را نیز عایشه گفته که: علی (علیه السلام) آگاه‌ترین اصحاب رسول الله به قرآن می باشد.^۵

و عمر بن خطاب نیز می گفت: علی بن ابی طالب از همه ما به معارف قرآن آگاه‌تر بود.^۶

۱. مطالب السنو، ج ۱، ص ۱۳۵ نوشته محمد بن طلحه شافعی متوفای ۶۵۲ هجری قمری.

۲. تاریخ دمشق ج ۴۲، ص ۳۹۷ تاریخ ابن عساکر: ابولقاسم علی بن حسین بن هبه الله شافعی معروف به ابن عساکر متوفای ۵۷۳ هجری قمری این کتاب ۷۰ جلد می باشد.

۳. قاموس الرجال، ج ۶، ص ۴۴۸.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳.

۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۷.

۶. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵.



۱۰. حاکم حسکانی از دانشمندان اهل سنت و صاحب کتاب شواهد التنزیل با سند متصل از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که امام علی علیه السلام فرموده است: «ما فی القرآن آیه الا وقد قرأها علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علمنی معناها»؛ هیچ آیه‌ای در قرآن نیست مگر این که آن را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله قرائت کردم و آن حضرت معنای آن را به من تعلیم داد، این عالم سنی ضمن نقل حدیث مشهور: «علی مع القرآن و القرآن مع علی» این حدیث را صحیح دانسته و در کتاب خود فصلی برای یگانه بودن امام علی علیه السلام در شناخت قرآن و معنای آن و علم به آنچه در قرآن است اختصاص داده و در این زمینه ۲۲ روایت با سند آورده است.^۱

۱۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان القرآن انزل علی سبعة احرف ما منها حرف الا له ظهر و بطن وان علی بن ابی طالب عنده علم الظاهر و الباطن».

یعنی: همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده است و هیچ حرفی از آن حروف نیست مگر این که ظاهر و باطنی دارد و به راستی که علم ظاهر و باطن قرآن تنها در نزد علی علیه السلام است.^۲

و ابن عباس می گوید:

«ان القرآن انزل علی سبعة احرف ما منها حرف الا وله ظهر و بطن وان علیا علم الظاهر و الباطن»؛ یعنی: همانا که قرآن بر ۷ حرف نازل شد و از آن‌ها هیچ حرفی نباشد مگر این که برایش ظاهریست و باطنی و علی بن ابی طالب ظاهر و باطن آن را می‌داند و در جایی دیگر نیز ابن عباس گفته است که: بیشتر آنچه از تفسیر قرآن آموخته‌ام از علی بن ابی طالب است همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده است و هیچ حرفی از آن حروف نیست مگر این که برای آن ظاهری و باطنی است و به راستی علی آن ظاهر و باطن آن را می‌داند.^۳

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۹.

۲. حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۵ (اهل تحقیق می‌دانند که یکی از وجوه قدیم خبر بر مبتداء افاده حصر است به این جهت تقدیم کلمه «عنده» بر علم الظاهر و الباطن در این حدیث دلالت بر اختصاص علم ظاهر و باطن قرآن به امام علی علیه السلام دارد.

۳. مرآة الانوار، ص ۵.



و در بیانی دیگر گفته است که: تنها علی بن ابی طالب تفسیر و تأویل و ناسخ و منسوخ و حلال و حرام این قرآن را کسی می‌داند.^۱

۱۲. امام علی (ع) می‌فرماید: تمام آیات الهی را بر رسول خدا (ص) خواندم و پیامبر معانی آیات را به من تعلیم داد.^۲

ادیب و مورخ بزرگ و صاحب کتاب نهج البلاغه عبدالحمید بن هبه الدین... مدائنی از علمای بزرگ اهل سنت مشهور به ابن ابی الحدید می‌گوید:

دانش تفسیر از او (علی (ع)) سرچشمه گرفته و از تعالیم او دامن گشوده است اگر به کتاب‌های تفسیر مراجعه کنی استواری این سخن را در می‌یابی چرا که بیشترین نقل‌ها در تفسیر از اوست.^۳

۱۳. رسول خدا (ص) فرمود: «فمن عمی علیه من علمه شیء لم یکن علمه منی ولا سمعته فعلیه بعلی بن ابی طالب (ع) فانه قد علم کما علمته ظاهره و باطنه و محکمه و متشابهه»؛ هر کس که علم قرآن برایش پوشیده است و از من یاد نگرفته و نشنیده است باید به علی بن ابی طالب رجوع کند؛ زیرا او ظاهر و باطن و محکم و متشابه آن را همان گونه که من می‌دانم، می‌داند، لذا ابونعیم نقل می‌کند که ابن مسعود گفت:

قرآن دارای معانی ظاهری و باطنی است و علی بن ابی طالب علم هر دو را داراست.^۴

۱۴. ابوجعفر محمد بن جریر طبری متوفی سال ۳۱۰ هجری در کتاب الولاية خطبه غدیر رسول خدا (ص) را آورده و سپس نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود:

«اسمعوا و اطیعوا فان الله مولاکم و علی امامکم...».

یعنی: بشنوید و اطاعت کنید پس همانا خداوند مولای شماست و علی امام بر شماست پس امامت تا قیامت در اولاد من است از صلب علی. ای مردم! علی برادر من و وصی من و حافظ علم من و خلیفه من است بر کسی که ایمان آورده و بر تفسیر کتاب پروردگار من.... (آگاهی دارد).

۱. نینایع الموده، ج ۱، ص ۳۰۷ نوشته قندوزی حنفی متوفای ۱۲۹۴ هجری قمری در ۳ جلد.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۹، متوفای ۶۵۶ هجری قمری.

۴. مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۷، متوفای ۴۰۵ هجری قمری - کنز العمال متقی هندی، ج ۱۵، ص ۱۳.



و از علقمه روایت شده که به ابن مسعود گفت: آیا علیؑ را ملاقات کرده‌ای؟ او گفت: بلی و از او علم قرآن را فرا گرفتم و از او استفاده کرده و بر او قرائت کرده‌ام، همانا بهترین و داناترین مردم بعد از رسول خداﷺ اوست و او را مانند دریایی جاری دیدم و در روایتی دیگر نیز ابن عباس می‌گوید:

علم پیامبرﷺ از علم خداست و علم علی از علم پیامبر و علم من از علم علی و علم من واصحاب محمدﷺ در برابر علم علی همانند قطره‌ای در برابر هفت دریاست.

◆◆ ۴۶۶. دوستدار تو را دوست دارم ◆◆

پیامبرﷺ فرمود: «یا علی! ان الله امرنی ان ادنیک ولااقصیک وان احب من بحبک وان اعلمک وتعی وحق علی الله ان تعی».

یا علی! خدای بزرگ به من فرمان داد، تو را به خویشتن نزدیک سازم و لحظه‌ای از خود دور نکنم، دوستدار تو را دوست بدارم، تو را علم و حکمت بیاموزم تا گوش تو شنوا گردد و خدای توانا نیز چنین کرد و گوش تو را شنوا گردانید.^۱

◆◆ ۴۶۷. دستوری آسمانی ◆◆

ابوعبداللهؑ در تفسیر و توضیح آیه کریمه «فاذا فرغت فانصب» نقل کرد: خدای سبحان به پیامبر اکرمﷺ فرمود: یا رسول اللهﷺ! چون فراغت یافتی، علی بن ابی طالبؑ را برای ولایت منصوب کن.^۲

◆◆ ۴۶۸. هدایت یافته ابدی ◆◆

ابن عباس گفت: در محفلی در حضور رسول اللهﷺ با عده‌ای از جوانان بنی‌هاشم نشسته بودیم، ستاره‌ای از جای خود حرکت کرد، پیامبر اکرمﷺ فرمود: این ستاره در منزل هر کس فرود آید او وصی و جانشین من است، جوانی از بنی‌هاشم برخاست و به تماشای

۱. شواهد التنزیل، ج ۳، ص ۳۷۲.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۲.



احتمال خطر می‌دهید و پیش خود نمی‌گویید به حرف یک بچه نباید توجه کرد، بلکه سریع اقدام کرده و محل نشستن خود را واری می‌کنید.

حضرت امام در ادامه می‌فرماید:

چرا حرف رسول خدا ﷺ و امامان در نزد بعضی از ما انسان‌ها از حرف یک بچه بی‌اعتبارتر و کم‌ارزش‌تر است و به فرمایشات رسول خدا ﷺ درباره اموری که بعد از مرگ برای ما رخ خواهد داد توجه نمی‌کنیم....

لذا شایسته است عزیزانی که فصل ۸ این کتاب را که درباره آثار عدم پذیرش ولایت امام علی در قبر و برزخ و قیامت است با تأمل بیشتری و با توجه به مثال حضرت امام خمینی مطالعه نمایند و علاج واقعه را قبل از وقوع بنمایند.

به راستی با حجم و تعداد زیاد این دسته از روایات می‌توان از کنار آن به سادگی و بی‌توجه گذشت؟ انسان قبل از آن که وارد قبر و گور خود شود راه چاره و تجدید نظر دارد.

۴۷۲. استدلال ناهق

بعضی می‌گویند:

اسم امام علی در قرآن به صراحت نیامده است لذا نمی‌توان به خلافت ایشان به عنوان خلیفه پیامبر اسلام حکم کرد.

حالا این سؤال پیش می‌آید که مگر اسم ابوبکر و عمر و عثمان در قرآن به عنوان خلیفه آمده است که آن‌ها را خلیفه کردید واقعیت دیگر آنکه درباره کدامیک از ۳ خلیفه به اندازه امام علی روایات برتری و ممتازی وارد شده است.

در همین فصل روایاتی آمده که همگی دلالت بر افضلیت و برتری امام علی بر خلافت و ولایت دارد در ثانی مؤلف قصد نداشته همه این روایات برتری امام را در این فصل بیاورد ولیکن برای علاقمندان کتاب ۱۰۰۱ فضیلت از امام علی در کتب اهل سنت را معرفی می‌نمائیم.



۴۷۳. ۱۹۳ کشور مستقل در دنیای امروز وجود دارد

امروز که در دنیای ما ۱۹۳ کشور وجود دارد اگر دقت کنیم راز موفقیت ملت‌ها در یک نکته کلیدی نهفته است و آن مسئله رئیس یا انتخاب رهبر و پیشوا در آن کشور است اگر پیشوا و رهبر یک کشور، انسانی کامل و برتر بود کشور روی پیشرفت و خوشبختی را می‌بیند لذا در همه انتخابات، مردم دنیا سعی می‌کنند کسانی را به عنوان رئیس حکومت خود برگزینند که کامل‌تر و بهتر باشد تا سعادت کشور خود را به دست آورند.

هیچ ملتی نمی‌پذیرد که جامعه و مردمش فاقد حکومت و رئیس باشد و هیچ کس هم نمی‌پذیرد که در رأس حکومت کسی قرار گیرد که نتواند پویایی شتابدار را در کشور ایجاد کند لذا کسی را در رأس حکومتی قرار می‌دهند که اطلاعات و توانایی‌های او از بقیه مردم بیشتر باشد تا بتواند جامعه را از بن‌بست‌ها و بحران‌ها و مشکلات نجات دهد اگر در این کتاب راجع به برتری‌های امام علی (علیه السلام) به عنوان پیشوا و رهبر جامعه اسلامی سخن به میان آمده است به خاطر آنست که جامعه دینی ما به خاطر عدم پذیرش امامت ایشان از پویایی و تمرکز لازم برخوردار نبوده در عصر بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مردم به این نکات نوشته شده در این چند سطر دقت نکردند لذا حقیقتی از مدار حق خارج شد و بشریت به دره‌های سقوط اخلاقی کشیده شد و طایفه ۷۳ فرقه‌ای با اسم اسلام شکل گرفت پس یکی از رمزهای بزرگ موفقیت در همه امور، انتخاب راه درست و صحیح است و گرنه تا ثریا این دیوار کج خواهد رفت.

(در سایر فصل‌های این کتاب نیز از منابع و کتب علمای اهل سنت به تناسب موضوع در آن فصل استفاده شده است.)

۴۷۴. ذکر دو مرگ

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌فرماید: «انَّ السَّعِيدَ، كُلَّ السَّعِيدِ، حَقَّ السَّعِيدِ مِنْ أَحِبِّ عَلِيَا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ»؛ همانا خوشبختی و سعادت، و رستگاری در کسی است که علی را در دوران زندگی و پس از مرگ او، وی را دوست داشته باشد.^۱

۱. ینابیع المودة، ص ۲۱۳ - مناقب خوارزمی، ص ۴۷.



۴۷۵. پدر معنوی امت پیامبر اکرم

عن جابر بن عبدالله رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ حق علی بن ابی طالب علی هذه الامة كحق الوالد علی ولده.
 جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: حق علی بن ابی طالب بر این امت همانند حق پدر بر فرزند است.^۱

۴۷۶. مقامی که خداوند داده است

عبدالله بن مسعود قال: قال رسول الله ﷺ لعلی: «یا علی! ان الله زوجك فاطمة وجعل صداقها الارض فمن مشى علیها مبغضا لك مشى حراما».
 عبدالله بن مسعود نقل کرد که رسول خدا ﷺ به امام علی علیه السلام فرمود:
 ای علی! همانا خداوند فاطمه را به تو تزویج کرد و زمین را مهریه او قرار داد و هر کس با دشمنی تو بر روی آن (زمین) راه رود حرام است^۲ و در روایتی دیگر رسول خدا ﷺ فرمود:
 دوستی و محبت علی بن ابی طالب علیه السلام گناهان را می خورد همانند آتشی که هیزم را.^۳

۴۷۷. محبتی پر ثواب

عن ابن مسعود - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله ﷺ حب آل محمد یوما خیر من عبادة سنة.
 ابن مسعود روایت کرد که رسول خدا ﷺ فرمود: یک روز محبت آل محمد ﷺ از عبادت یک سال بهتر است.^۴

۱. مناقب ابن المغازی ص ۴۷ - حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۶ - لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۹۹ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۱۳ - فردوس الاخبار دیلمی.
 ۲. ینابیع المودة، ص ۱۸۰.
 ۳. کنوز الحائق، ص ۱۱۷ - المطبوع فی حاشیه الجامع الصغیر - کنز العمال ج ۶، ص ۱۵۸ - تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۹۴ - فضایل الخمسة، ج ۲، ص ۲۱۹.
 ۴. فردوس الاخبار دیلمی - موده القری، ص ۲۴۵ - ینابیع المودة، هر ۳ کتاب از منابع روایی قدیمی اهل سنت است.



۴۷۸. نظر کرده خدای بزرگ

رسول خدا ﷺ خطاب به دختر ملکوتی و نورانی صفت خود حضرت صدیقه بتول - صلوات الله علیها - فرمود: «اما علمت ان الله تعالی اطلع الی اهل الارض فاختر منهم اباک...». مگر نمی‌دانی که خداوند متعال توجهی به اهل زمین نمود و پدرت را از میان آنان برگزید و او را به پیامبری برانگیخت یک بار دیگر توجهی فرمود و همسرت را برگزید و به من وحی فرمود که تو را به همسری او در آورم و او را به جانشینی خود برگزینم.^۱



۱. این روایت را هیشمی با تفاوتی جزئی نیز آورده مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۱۶۵ و المعجم الکبیر طبرانی، ج ۴، ص ۱۷۱. (هر دو کتاب از منابع قدیمی اهل سنت).



فصل هفتم

رسول خدا ﷺ فرمود:

«(یا علی) اینه یحک الا مومن و

لا یغضک الا منافق»

«ای علی! تو را دوست نمی‌دارد

مگر مومن و با تو دشمنی نمی‌کند

مگر منافق»

مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۱۲۷

اثرات ولایت امام علی علیه السلام در دنیا



۴۷۹. پیرو واقعی ولایت

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «ان ابغض الناس الى الله عزوجل من يقتدى بسنة امام و لا يقتدى باعماله».

یعنی: مبعوض ترین افراد نزد خدای متعال کسی است که با گفتار به روش امامی اقتدا می کند ولی عملاً از او تبعیت نمی کند.^۱

۴۸۰. ارکان ایمان به خدا

عیسی بن سری به امام صادق علیه السلام عرض کرد: پایه های ایمان را برای من بیان فرمائید که با رعایت آنها عمل من مقبول افتد و ندانستن چیزهای دیگر به من آسیبی نرساند. امام فرمود: پایه های اسلام: شهادت به یگانگی خداوند و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و اقرار به حقانیت آنچه این پیامبر از طرف خداوند آورده و پرداخت زکات و اقرار به ولایت آل محمد علیهم السلام است که خداوند امر به آن فرموده است.^۲

۴۸۱. سخت ترین زمانی که انسان به کمک امام نیاز دارد

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بمیرد و امام خود را نشناخته باشد مردن او مردن زمان جاهلیت است.

خداوند عزوجل فرمود: خدا و رسول و اولی الامر را اطاعت کنید^۳ و اولی الامر علی علیه السلام می باشد و سپس حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی علیهم السلام و این چنین ادامه خواهد یافت و زمین بدون امام برقرار نمی ماند و کسی که بمیرد و امام خود را نشناخته باشد مثل زمان جاهلیت مرده است.

سپس فرمود: سخت ترین جایی که یکی از شما نیاز به معرفت امام دارد وقتی است که جان او به گلو می رسد. سپس با دست مبارک اشاره به سینه خود نمود.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۸۱.

۳. نساء، ۵۹.

۴. ینابیع الموده، ص ۱۱۷.



۴۸۲. دوستان آل محمد

یکی از اهالی کرمند (قریه‌ای بین راوند و اصفهان) در سفری که امام رضا علیه السلام به سوی خراسان می‌رفتند، شتربان آن حضرت بود، او از اهل سنت بود. چون می‌خواست از خراسان بازگردد به حضرت عرض کرد: ای پسر رسول خدا، مرا به مقداری مختصر از خطّ مبارکت مشرف گردان تا به آن تبرک جویم. حضرت برایش چنین نوشتند: دوستدار آل محمد علیهم السلام باش اگر چه فاسق باشی! و دوستدار دوستان ایشان باش اگر چه آن‌ها فاسق باشند. رواندی می‌گوید: آن نامه و خط حضرت در نزد بعضی از اهالی کرمند موجود است.^۱

۴۸۳. اثر وضعی ولایت در کل هستی

در روایتی حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:
 «اذا كان يوم القيامة زفت اربعة ايام الى الله كما نزل العروس الى خدرها، قيل: ما هذا الايام؟ قال: يوم الاضحى ويوم الفطر ويوم الجمعة ويوم الغدير... و في يوم الغدير عرض الله للولاية على اهل السماوات السبع فسبق اليها اهل السماء السابعة فزينها بالعرش ثم سبق اليها اهل السماء الرابعة فزينها بالبیت المعمور..»
 یعنی:

وقتی که روز قیامت فرا رسد چهار روز مثل عروس‌هایی خواهند بود که خود را بیاراسته و خرامان سوی حجله می‌روند. سؤال شد: این چهار روز کدامند؟

امام فرمود: عید قربان، عید فطر، جمعه و غدیر... تا آنجا که فرمود:
 در روز عید غدیر ولایت بر اهل هفت آسمان عرضه شد وقتی اهل آسمان هفتم در پذیرش ولایت پیشتاز شدند خداوند آن را به عرش آراست آنگاه اهل آسمان چهارم به سوی آن شتافتند پس خداوند آن را به بیت‌المعمور آرایش داد سپس اهل آسمان دنیا پیشتاز شدند خداوند آن را به ستارگان آراست.

سپس آن را به زمین (و نقاط مختلف آن) ارائه کرد مکه در پذیرفتن آن پیشقدم شد

۱. به نقل از سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۹۹ - ماده حب.



لذا به کعبه آراسته شد مدینه پیش آمد که به (مدفن و مزار) محمد مصطفی (ص) زیباگر شد و سپس کوفه پیشقدم شد که به علی (ع) آرایش یافت.

همچنین آن را بر کوهها ارائه کرد اولین کوههایی که اقرار به ولایت کردند سه کوه عقیق و فیروزه و یاقوت بودند که معدن آنها شدند و از برترین جواهرات گردیدند سپس کوههای دیگر به ولایت گردن نهادند که معدن طلا و نقره شدند و هر کوهی که اقرار به ولایت نکرد لم یزرع شد.

آنگاه ولایت در این روز به آبها عرضه شد هر آبی آن را پذیرفت شیرین و گوارا شد و هر کدام که انکار ولایت کرد تلخ و شور شد و در این روز بر رستنیها نیز ولایت عرضه شد هر کدام پذیرفت شیرین و خوشمزه شد و هر کدام نپذیرفت تلخ و ناگوار گردید سپس خداوند ولایت را بر پرندگان عرضه کرد هر یک پذیرفت آواز خوان خوش سخن شد هر کدام نپذیرفت لال و شوم و بد آواز شد و مثل مؤمنان در پذیرش ایمان و ولایت امیرمؤمنان علی (ع) در روز غدیر مثل ملائکه است در سجدهشان بر آدم و کسی که از ولایت امیرالمؤمنین در روز غدیر سرباز زده است مانند ابلیس است. و در چنین روزی بود که آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» نازل شد.

خداوند متعال پیامبری را مبعوث نکرد مگر آنکه روز بعثت او همچون غدیر در نظرش بوده و حرمت آن را از آنجا می دانست که در چنین روزی جانشین و وصی پس از خود را برای امت خویش منصوب می کرد.^۱

۴۸۴. اثر عدم پذیرش امام و رهبر

قال الحسین (ع):

«ان دفع الزاهد العابد لفضل علی (ع) علی الخلق کلهم بعد النبی (ص) لیصیر کشعلة نار فی یوم ریح عاصف وتصیر سائر اعمال الدافع لفضل علی (ع)....».

شخصی که زاهد و عابد است اما فضیلت و برتری امام علی (ع) را بر دیگر انسانها پس از رسول خدا (ص) باور ندارد انکار ولایت در وجود او مثل شعله آتشی در روز طوفانی است و دیگر اعمال او هرچند فراوان باشد چون علفهای خشک بیابان است هر چند سراسر

۱. المراقبات مرحوم میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، ج ۱، ص ۴۸.



بیابان را فرا گرفته باشد اما وقتی که شعله آتش در آن افتد و باد وزیدن گیرد همه آن علف‌ها خواهند سوخت و چیزی از آن نخواهد ماند.^۱

۴۸۵. وضعیت اعتقادی انسان بدون امام علی

ابوذر غفاری گوید:

دیدم رسول خدا ﷺ با دست مبارک به پشت علی بن ابی طالب زد و فرمود: ای علی! هر کس ما را دوست بدارد از عرب است و هر کس ما را دشمن بدارد کافر عجمی است. شیعیان ما از خانواده‌ها و قبایل شریف و صحیح‌النسب و حلال زاده‌اند و جزء ما و شیعیان ما بر آئین ابراهیم هستند و سایر مردم از آئین وی بدورند و همانا خدا را فرشتگانی است که گناهان شیعیان ما را فرو ریزند همانگونه که با کلنگ و تیشه ساختمان را ویران می‌کنند.^۲

۴۸۶. راهی پر نور

ابوجعفر در توضیح آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته ویجعل لکم نورا تمشون به».

فرمود: هر کسی به ولایت علی بن ابی طالب تمسک کند برایش نوری حاصل شود و قلبش نورانی گردد.^۳

۴۸۷. روایتی عجیب از ۳ عالم بزرگوار اهل سنت

زمخشری در تفسیر کشاف می‌آورد این که در آیه مباهله، ابناء و نساء را بر انفس مقدم داشته برای این است که مکانت و منزلت آنان را روشن سازد و این قوی‌ترین دلیل بر فضل اصحاب کساء است و طبری متوفای ۳۱۰ قمری در تفسیر ۳۰ جلدی جامع‌البیان فی تأویل القرآن آورده است که:

۱. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۳۰۲، حدیث ۱۱۳.

۲. امالی مفید، ص ۱۸۷.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۰۸.



آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمدؑ بمیرد در قبر او دو در به سوی بهشت گشوده می‌شود.

آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمدؑ بمیرد قبر او زیارتگاه، فرشتگان رحمت قرار می‌گیرد.

آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمدؑ بمیرد بر سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته است.

و هر کس با دشمنی آل محمدؑ بمیرد در روز قیامت در حالی به محشر آید که در پیشانی او نوشته شده مایوس از رحمت خدا.

و هر کس با دشمنی آل محمدؑ بمیرد کافر از دنیا رفته است.

و هر کس با دشمنی آل محمدؑ بمیرد بوی بهشت استشمام نخواهد کرد.

(این روایت نورانی در کتب روایی شیعه نیز مکرر آمده است حتی یکی از راویان

این حدیث حضرت فاطمه معصومهؑ است که مزار نورانی آن بانوی بزرگوار زیارتگاه مشتاقان و ارادتمندان اهل بیت پیامبرؑ در قم است).

◆ ۴۸۸. ذکر ارتحال پیامبرؑ ◆

ابن عباس می‌گوید: هنگام وفات رسول خداﷺ در کنار بستر آن بزرگوار بودم که حال احتضار به آن حضرت روی آورد من متوجه شدم که لب‌های آن وجود مقدس متحرک می‌باشد نزدیک رفتم و گوش دادم تا بشنوم آن حضرت در حال احتضار چه می‌گوید شنیدم که می‌گوید: «اللهم انی اتقرب الیک بولاية علی بن ابی طالب».

من متوجه شدم که آن حضرت دارای چه مقام عظیمی است که رسول خداﷺ از خداوند برای نزدیکی به ولایت علیؑ متوسل می‌شود.^۱

◆ ۴۸۹. ولایت نفع دنیایی دارد ◆

مرحوم عارف حکیم و فقیه کامل مولی نظر علی طالقانی در کتاب شریف و وزین کاشف الاسرار آورده است که...

۱. فضایل الصحابة، نوشته احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۶۶۲ حدیث ۱۱۲۹.



فرمود: هر کس بخواهد مانند پیغمبران زندگی کند مانند شهیدان بمیرد و در بهشتی که خداوند رحمان آن را بوجود آورده است ساکن باشد باید علی را پیروی کرده و دوست داشته باشد و با دوستان او نیز دوستی نماید و به امام بعد از او اقتداء کند بدرستی که آنان عترت من هستند و از طینت من آفریده شده‌اند.^۱...

۴۹۱. شاعر بزرگ شیعی

از حسین بن عون روایت شده که گفت وارد شدم بر سید بن محمد حمیری برای عیادت او در همان مرضی که با آن از دنیا رحلت کرد دیدم در حال جان دادن است و عده‌ای همسایگان او که همه عثمانی مذهب بودند گرداگرد بستر او جمع شده بودند. سید حمیری بسیار زیبا و جمیل بود پیشانی باز و گشاده و گردن زیبا و بلندی داشت در آن حال یک نقطه سیاه مانند بر صورتش پیدا شد و کم‌کم رو به زیادتی گذاشت تا آنکه تمام صفحه صورت او را سیاه کرد. افرادی از شیعیان که در نزد او بودند بسیار محزون شدند ولیکن در آن نواصب و عثمانی مذهب‌ان سرور و شادی پیدا شد و شروع کردند به شماتت و سرزنش شیعیان مدتی بسیار کوتاه گذشت از همان جایی که در آغاز نقطه سیاه ظاهر شده بود یک نقطه سفید و نورانی و درخشان پدیدار گشت و دائما رو به فزونی رفت تا آنکه تمام صورتش سفید شد و درخشید.

سید حمیری لبان خود را با تبسم گشود و با حال سرور و شادی لبخند زنان این شعر را انشاء کرد.

كذب الزاعمون ان عليا	لن ينجي محبه من هنات
قد و ربى دخلت جنة عدن	وعفالى الا له عن سياتي
فابشروا اليوم اولياء علي	وتولوا علي حتى الممات
ثم من بعده تولوا بنيه	واحدا بعد واحد بالصفات

یعنی:

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۰۸.

- دروغ می گویند کسانی که گمان می کنند که علی بن ابی طالب دوستان خود را از گرفتاری ها و شدائد نجات نمی دهد.

- آری سوگند به خدا چنین است من داخل بهشت عدن شدم و پروردگار من از همه گناهان من درگذشت.

پس موالیان و محبین علی بن ابی طالب را بشارت دهید که در تحت ولایت علی باشند تا وقت مردن.

- و از علی گذشته، فرزندان او را یک به یک با صفات خاصه آنها که از لوازم امامت است ولی خود انتخاب کنید... و پس از سرودن این اشعار به دیار حق شتافت چون سید فوت کرد تمام شیعیانی که در بغداد بودند و اصل آنها از کوفه بود جمع شدند و او را تشیع کردند.^۱

۴۹۲. نوح نجات بخش

قال رسول الله ﷺ لعلي: يا علي مثلك «ومثل الائمة من ولدك بعدي مثل سفينة نوح ﷺ من ركبها نجى ومن تخلف عنها غرق ومثلكم كمثل النجوم كلما غاب نجم طلع نجم الى يوم القيامة».^۲

رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود که: ای علی! مثل تو و امامان از نسل تو بعد از من مانند کشتی نوح ﷺ هست که هر کس سوار آن شد نجات یافت و هر کس مخالفت ورزید غرق گردید و مثل شما مانند ستارگان می باشد وقتی یکی غائب شد دیگری طلوع می کند و تا قیامت چنین می باشد.

و در روایتی رسول خدا ﷺ فرمود: ای مردم علی و فرزندان او دو گوهر گرانبها هستند، آنان ثقل اصغر و قرآن اکبر هستند و هریک از آنها رهنما و خیردهنده می باشد و آنان هرگز از همدیگر جدا نمی شوند تا این که در کنار حوض پیش من آیند. ای مردم! علی و اولاد او امینان خداوند و فرمانروایان روی زمینند.

۱. کشف الغمه، ۱۲۴.

۲. کمال الدین مرحوم صدوق، ج ۱، ص ۲۴۱ باب ۲۲.



۴۹۳. راه کسب امن و ایمان

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که علی را چه در حال حیات و چه بعد از مرگ او دوست بدارد خداوند تا زمانی که آفتاب طلوع و غروب می کند برای او امن و امان می نویسد و کسی که آن حضرت را در زمان زندگی و مرگش دشمن داشته باشد مرگ او چون مرگ زمان جاهلیت است و اعمالش محاسبه خواهد شد.

رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که علی را در زندگی و بعد از مرگ (آن حضرت) دوست داشته باشد خداوند امنیت دنیا و امان آخرت را برای او می نویسد.

«من احب علیا فی حیاته ومماته كتب الله عزوجل له الا من والامان...»^۱

۴۹۴. منصور و پیروز

جابر بن عبدالله نقل کرده است که رسول خدا ﷺ بازوی علی را گرفت و فرمود: این امام و پیشوای نیکوکاران و ابرار و قاتل کفار و فجار است.

خوار و ذلیل است آن کسی که علی را خوار نماید و منصور و پیروز است هر کس که او را یاری نماید.

پس از آن با صدای بلند فرمود: من شهر علمم و علی دروازه آن است هر کس اراده و آرزوی علم دارد باید از آن آید.^۲

۴۹۵. نشانه مؤمن

قال رسول الله ﷺ علی بن ابی طالب باب الدین من دخل فیه کان موقتا ومن خرج منه کان کافرا.

عبدالله بن مسعود نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: علی بن ابی طالب دروازه دین است و هر کس داخل آن شود مؤمن است و اگر از این در بیرون باشد کافر خواهد بود.^۳

۱. امالی صدوق، ص ۵۸۳.

۲. تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۱۹ - منابع المودة، ص ۲۸۴ - جامع الصغیر، ص ۶۶ - مناقب ابن المغازلی ص ۸۰ -

احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۳۵.

۳. کتاب السبعین فی فضایل امیرالمؤمنین، نوشته میرسید علی کبیر همدانی، متوفی ۶۷۸.



که من می‌خواهم، من و علی نزد تو همان گونه‌ایم که تو در نزد من هستی و دوستان علی نزد او همانند علی در نزد تو می‌باشند.

۴۹۹. نوروزستان عشاق آل‌الله

علامه مجلسی در کتاب زادالمعاد از قول معلی بن خنیس نقل کرده که امام جعفر صادق در فضیلت نوروز به حق خانه کعبه سوگند یاد کرده و عید نوروز را تفسیر و اهمیت آن را چنین بیان داشته‌اند:

در عید نوروز خداوند در روز الست از ارواح بندگان پیمان گرفته است که او را به یگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند.

این روز اولین روز طلوع آفتاب و اولین روز وزیدن بادهای و رویش گیاهان می‌باشد در این روز جبرئیل بر حضرت رسول وحی الهی را آورد و بعثت از این روز آغاز شد و رسول خدا در چنین روزی بت‌های کافران را نابود کرد.

عید نوروز روز عید غدیر خم و روز ولایت امیرالمؤمنین به امر الهی می‌باشد و در این روز پیامبر اسلام به سر کرده‌های صحابه خود امر فرمود که به امیرالمؤمنین با این نام سلام دهند و نیز به خلافت رسیدن امیرالمؤمنین علی به درخواست مردم در این روز بوده است نوروز روز ظهور حضرت مهدی و روز رجعت امامان است به دنیا خواهد بود و روز انتظار فرج می‌باشد.

۵۰۰. امام و رهبر، حاکم بر آسمان و زمین است

امام علی می‌فرماید: قسم به خداوندی که آسمان را بدون ستون برافراشته است اگر یکی از فرشته‌ها اراده نماید از محل خودش به اندازه یک نفس کشیدن جابجا شود من باید به او اجازه دهم و هم چنان می‌باشد بعد از من حال فرزندانم حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین که نهمین آن‌ها قائم ایشان است.^۱

«والذی رفع السماء بغير عمدٍ لو ان أحدهم (الملائكة) رام ان یزول من مکانه بقدر نفس ما زال حتی اذن له وکذلك تصیر حال ولدی الحسن وبعده الحسن وتسعة من ولد الحسن» تا سعهم قائمهم».

۱. مدینه‌المعجزه، ص ۹۲.

❖ ۵۰۱. به ولایت او معتقدم ❖

اعمش روایت کرده: در مدینه زنی سیاه چهره و نایبنا را دیدم که به تشنگان آب می‌داد و می‌گفت: «به عشق و حبّ علی بنوشید؟»
 پس از مدتی مجدد به مکه رفتم او را در حالی بینا دیدم که به مردم آب می‌داد و می‌گفت: «به عشق علی بنوشید همان کسی که چشمم را بینا کرد».
 نزد او رفتم و گفتم ای خانم تو در مدینه نایبنا بودی و می‌گفتی: به عشق علی بنوشید و اکنون تو را بینا می‌بینم ماجرای تو چیست؟
 او گفت: مردی را دیدم نزد من آمد و گفت: ای بانو! تو کنیز آزاد شده علی و از دوستان آن حضرت هستی؟
 گفتم: آری.
 گفت: خدایا اگر این زن راست می‌گوید او را بینا فرما، به خدا سوگند که به دعای او بینا شدم، به سؤال کننده گفتم تو کیستی؟
 گفت: «انا الخضر وانا من شیعة علی بن ابی طالب، من خضر هستم، ومن شیعه علی بن ابی طالب»^۱.

❖ ۵۰۲. امام وسیله نزول رحمت ❖

مرحوم شیخ حر عاملی در جواهر می‌نویسد: رسول خدا ﷺ فرمود: جبرئیل از طرف خداوند متعال به من خبر داد که خداوند فرموده است: علی بن ابی طالب حجت من بر خلقم و حاکم و داور دینم می‌باشد از صلب او امامانی به وجود می‌آورم که اجراء کننده دستورات من هستند و مردم را به راه من می‌خوانند به واسطه آن‌ها عذاب را از بندگانم برطرف می‌کنم و به خاطر آن‌ها رحمتم را نازل می‌نمایم.

❖ ۵۰۳. باطنی آتشین ❖

مرحوم فیض کاشانی در جلد سوم محجة البیضاء می‌نویسد: امام باقر همسری

۱. بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۹.



را به ازدواج خود در آوردند و به این همسر خود علاقمند بودند ولی پس از مدتی او را طلاق داده و از او جدا شدند.

افرادی از نزدیکان امام علت این کار را از ایشان سؤال کردند. امام باقر علیه السلام فرمود: روزی من نام امام علی علیه السلام را در نزد او بردم او ناراحت شد و فهمیدم که او در دل با علی علیه السلام دشمنی دارد از این رو او را طلاق دادم و نخواستم سنگی از سنگ‌های جهنم با بدن من تماس بگیرد.

❖ ۵۰۴. پیوسته‌ای که به هم اتصال دارند ❖

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که یکی از شماها به وحدانیت و یگانگی خداوند و پیامبری و رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله شهادت داد باید بعد از آن به رهبری و ولایت علی مرتضی هم شهادت دهد.^۱

❖ ۵۰۵. راه قبولی اعمال ❖

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «والذي بعثني بالحق نبيا لا يقبل الله من عبد حسنة حتى يسأله عن حب علي بن أبي طالب علیه السلام».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به آنکه مرا به راستی به رسالت برانگیخت سوگند که خداوند حسنه‌ای را از بنده نمی‌پذیرد تا این که از دوستی علی بن ابی‌طالب علیه السلام از او پرسش نماید.^۲

❖ ۵۰۶. دانشمندان عذری ندارند ❖

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا يعذب الله هذا الخلق الا بذنوب العلماء الذين يكتمون فضل علي بن أبي طالب علیه السلام».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند مردم را معذب نمی‌سازد و کیفر نمی‌دهد مگر به گناهان دانشمندان آن، دانشمندانی که خودداری می‌نمایند از بیان فضائل و مناقب علی بن ابی‌طالب علیه السلام.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱.

۲. بشارة المصطفى، ج ۲، ص ۴۲.

۳. دمعہ الساکبه، ص ۸۲.

❖ ۵۰۷. کسب بالاترین عمل‌ها ❖

قال الامام الصادق علیه السلام: «فوق كل عبادة عبادةً وحبُّنا اهل البيت افضل العبادة». امام صادق علیه السلام فرمود: بالاتر از هر عبادت عبادتی است اما دوستی و ولایت ما بالاترین عبادت‌ها است.^۱

❖ ۵۰۸. حیات معنوی ❖

قال رسول الله ﷺ: «واما فضل اهل بيته علي غيرهم كفضل الماء علي كل شيء وبه حياة كل شيء».

رسول خدا ﷺ فرمود:

هم چنان که حیات و هستی هر چیز بستگی به وجود آب دارد حیات معنوی هر شخصی بلکه حیات خارجی و هستی هر فردی بستگی به وجود اهل بیت ﷺ دارد.^۲

❖ ۵۰۹. راه شناخت منافقین ❖

امام حسین علیه السلام فرمود: در زمان رسول خدا ﷺ ما منافقان را جز از راه دشمنی آنان با علی و فرزندان علی علیه السلام نمی‌شناختیم.^۳

❖ ۵۱۰. دستگیره‌ای محکم ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: هر که دوست دارد بر کشتی نجات بنشیند و به دستگیره محکم تمسک جوید و به ریسمان استوار خداوند بیاویزد بعد از من با علی علیه السلام دوستی ورزد و با دشمنش دشمنی کند و از امامان هدایت‌گر نسل او پیروی نماید زیرا که آنان جانشین و وصی من هستند.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۶.

۳. موسوعه امام حسین علیه السلام، ص ۶۵۵.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۲.



۵۱۱. نشانه علم

صاحب کتاب جواهر السنیه می نویسد: رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال فرمود:... آگاه باش که من علی را علم و نشان هدایت قرار دادم پس هر کس او را پیروی کرد هدایت شد و هر کس او را رها کرد گمراه گردید او را دوست ندارد مگر مؤمن و دشمن او نیست مگر منافق.

۵۱۲. پاداش ۱۰۰۰ شهید

امام سجاد علیه السلام فرمود: هر که در روزگار غیبت حضرت مهدی علیه السلام بر ولایت ما استوار ماند خداوند پاداش هزار شهید مانند شهیدان بدر و احد را به وی عطا فرماید.^۱

۵۱۳. خیر دنیا و آخرت

رسول خدا ﷺ فرمود: «من رزقه الله حب الائمة من اهل بيته فقد اصاب خير الدنيا والاخرة فلا يشكن انه في الجنة».

یعنی: هر کس که خداوند متعال محبت و دوستی امامان از خاندان مرا روزیش فرماید به خیر دنیا و آخرت دست یافته و بدون شک بهشتی است.^۲

۵۱۴. دژ امن الهی

حضرت رضا علیه السلام از پدران ایشان ﷺ و آنها از رسول خدا ﷺ و او از جبرئیل و او از میکائیل و او از اسرافیل و او از لوح و قلم نقل کرده اند که:

«يقول الله عزوجل: ولاية علي بن ابي طالب حصني فمن دخل حصني امن من ناري».

خداوند عزوجل فرمود: ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام قلعه و دژ محکم من است و هر کس داخل آن شود از آتش دوزخ من در امان است.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۲. مشکاه الانوار، ۸۱.

۳. جواهر السنیه، ص ۵۱۶.

۵۱۵. اگر علی در میاتان بود گمراه نمی شدید

در کافی از حسین بن خالد نقل می کند که از ابوالحسن امیرالمؤمنین پرسیدم. در زناى محصنه اگر مرد از گودال فرار کند آیا برگردانده می شود برای مجازات یا نه؟ فرمود: اگر خود او اقرار کرده باشد به زنا و پس از اصابت تعدادی از سنگها بر او فرار نماید او را دیگر بر نمی گردانند ولی اگر شاهد بر گناهکاری او اقامه شده باشد و او از گودال فرار کند باز او را بر می گردانند و حکم رجم بر او جاری می شود زیرا ماعز بن مالک نزد پیامبر به گناه زناى خود اقرار کرد و آن حضرت دستور اجرای حد صادر کردند ولی ماعز از گودال فرار کرد و زیربن عوام با استخوان شتری او را هدف قرار داد و استخوان بر او خورد و افتاد سپس مردم او را کشتند وقتی قضیه به پیغمبر گزارش شد فرمود: چرا او را پس از فرار تعقیب کردید؟ مگر او خود اقرار نکرده بود؟ سپس رسول خدا فرمود: اگر علی در میان شما بود به گمراهی نمی رفتید «لو كان علی معكم لما ظلمتم». بعد رسول خدا دستور داد از بیت المال ديه او را پرداخت نمایند.^۱

۵۱۶. خداوند در قرآن از ولایت امام علی دفاع کرده است؟

حذیفه بن یمان می گوید: وقتی پیامبر اکرم علی را در روز غدیر خم به امامت و ولایت برگزید و فرمود: «من كنت مولاه فهذا مولاه». نعمان بن منذر فهري به پیامبر عرض کرد: این گفته و فرمان شماست یا دستور خداوند؟ پیامبر فرمود: امر خداوند است او این مطلب برایش سنگین آمد و در اعتراض این دعا را کرد.

نعمان گفت: «اللهم انزل علينا حجارة من السماء»؛ در روایتی دیگر آمده «ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجارة من السماء واثنتا بعذاب اليم».

سنگی از آسمان آمد و در دم جان داد، آنگاه آیه شریفه سأل سائل بعذاب واقع للكافرين ليس له دافع نازل شد.^۲

۱. کافی، ج ۷، ص ۱۸۵ وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۷۶.

۲. شواهد التنزیل، نوشته حاکم حسکانی از علمای برجسته اهل سنت در قرن پنجم هجری قمری، ج ۱، ص ۳۰۲.



۵۱۷. بهترین کسی که بین شماست

محمود بن لیبد به حضرت فاطمه زهراؑ عرض کرد: سرورم من از مسأله‌ای از شما سؤال می‌کنم که سینه‌ام نسبت به آن آرام نمی‌گیرد.
فرمود: بپرس.

گفتم: آیا رسول خداﷺ قبل از وفاتش به صراحت علیؑ را به امامت منصوب کرد؟
فرمود: واعجبا آیا روز غدیرخم را فراموش کردید؟
عرض کردم: درست است که در غدیرخم چنین بود ولی من می‌خواهم یکی از آن سخنان خصوصی که رسول خداﷺ در این باره به شما فرموده است را بگوئید.
حضرت فرمود:

خدا را شاهد می‌گیرم که شنیدم رسول خداﷺ می‌فرمود: علی بهترین کسی است که به جای خودم در میان شما باقی می‌گذارم و اوست امام و خلیفه بعد از من و نیز دو فرزندم (حسن و حسین)....

اگر از آنان پیروی نمودید آنان را هدایت کننده و هدایت شده خواهید یافت و اگر به خلاف آنان حرکت کنید و مخالفت نمائید تا روز قیامت بین شما اختلاف خواهد بود.
عرض کردم: سرورم پس چرا علیؑ حق خود را نگرفت؟
فرمود: ای اباعمر! بدان رسول خداﷺ فرمود: مثل امام مثل کعبه است که باید مردم به سراغ او بروند نه آنکه او به سراغ مردم برود...^۱

۵۱۸. امام خورشید هدایت بشری

امام صادقؑ می‌فرماید: امام همانند خورشید فروزان است جهان را با نور خویش روشن می‌فرماید او در افقی قرار دارد که دست‌ها و دیده‌ها به او نمی‌رسد.
امام باقرؑ فرمود: به خدا سوگند خداوند زمین را از آن هنگام که آدم را قبض روح فرموده و نگذاشته مگر آن که در آن امامی بوده است که مردم به وسیله او به سوی خدا هدایت می‌شدند و او حجت خدا بر مردم می‌بود و زمین بدون امامی که حجت خدا بر مردم باشد باقی نمی‌ماند.^۲

۱. عوام، مجلد فاطمه الزهراءؑ، ص ۵۹۴، حدیث ۵۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸، حدیث ۸.

۵۱۹. علت بقاء هستی

امام علی علیه السلام می فرماید: اگر زمین به قدر یک ساعت بدون امام بماند اهل خود را مورد غضب قرار می دهد اگرچه گاهی حجت خدا به خاطر ظلم و جور مردم مخفی از نظرها باشد.^۱

۵۲۰. علی خیر برکت

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: خداوند به وسیله ما درختان را به بار نشانید و آبها را جاری کرد و باران را نازل فرمود و گیاهان را رویانید.^۲
و در حدیث است که سبزی درختان نیز از برکت وجود ائمه اطهار علیهم السلام است.^۳

۵۲۱. خورشید دل های مؤمنان

سلیمان بن مهران اعمش از امام صادق علیه السلام: تا قیام قیامت زمین از حجت خدا خالی نمی ماند و اگر چنین نبود خداوند پرستش نمی شد.
سلیمان می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: مردم چگونه از حجت غایب پنهان بهره مند می شوند؟
فرمود: همچنان که از خورشید پس ابر بهره مند می شوند.^۴

۵۲۲. دلیل نجات بخش

ولایت و امامت امری ضروری است که لازم است آن را در جامعه و خانواده خود نیز جاری کنیم. چنانچه در روایت آمده سلیمان بن خالد به حضرت امام صادق علیه السلام عرض کرد: من اهل بیتی دارم که سخنانم را می پذیرند آیا آنان را با شما اهل بیت و امام زمانم آشنا کنم؟

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۴۴.

۳. خرائج، ص ۹۸.

۴. امالی صدوق، ص ۱۵۷.



امام فرمود: بلی! خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و اهلتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها هستند حفظ نمائید.^۱

۵۲۳. دلیل گورائی

«فالتفت الی امیرالمؤمنین علیه السلام فقال: یا قبر! ان الله تبارک وتعالی عرض ولایتنا علی أهل السماوات واهل الارض من الجن والانس والثمر وغير ذلك فما قبل منه ولایتنا طاب وطهر وعذب وما لم یقبل منه خبث و ردی و تنن».^۲

۵۲۴. امام و رهبر عالم بر همه هستی

و در روایتی دیگر امام صادق به هشام می‌فرماید: ...وای بر تو ای هشام خدای تبارک و تعالی برای خلقش حجتی مقرر نمی‌دارد که همه احتیاجات مردم نزد او نباشد. و در روایتی امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: ... خداوند والاتر از آن است که فرمانبری از بنده‌ای را واجب کند که علم آسمان و زمینش را از او نهان داشته است.^۳

۵۲۵. اثرات مُردن بی شناخت امام

حضرت علی علیه السلام وقتی که به دنبال دسته‌ای از خوارج می‌گشتند چون به ساباط رسیدند مردی نزد امام آمد و عرض کرد: یا علی! من از شیعیان تو هستم من برادری داشتم که خیلی او را دوست می‌داشتم. عمر بن خطاب او را با لشکر سعد بن ابی وقاص برای جنگ به مدائن فرستاد، او در جنگ کشته شد دوست داشتم مرا از احوالات او مطلع فرمائی و قبر و محل کشته شدن او را به من نشان بدهی؟ حضرت در حالی که سوار بر اسبی بود با نیزه خود به قبری اشاره کرد ناگهان مردی

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۱۱، حدیث ۱.

۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۸۳، باب ۱۷.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۹۱.

غبارآلود از قبر بیرون آمد با زبان فارسی با حضرت صحبت کرد. امام از او پرسید: چرا با این که زبان تو عربی بود عجمی صحبت می‌کنی؟
او گفت: من در زمان حیات خود تو را دشمن می‌داشتم و دشمنان تو را دوست خود می‌دانستم به این خاطر پس از مرگم مرا به آتش کشیدند و زبانم نیز تغییر کرد.
آن مرد به امام عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! برادرم را به همان جایی که بود برگردان که مرا به او حاجتی نیست. آنگاه امام فرمود: به سوی قبر خود برگرد پس آن مرد به حال اول خود برگشت.

۵۲۶. امام‌شناسی ضرورتی عقلی است

ابن شهر آشوب در کتابش می‌نویسد: روزی امام علیؑ در محراب مسجد کوفه نشسته بود مردی برخاست و تا رجه کوفه برای گرفتن وضو رفت که ناگهان افعی بزرگی سر راهش آمد و قصد بلعیدن او را نمود او فرار کرد و آمد در مسجد خدمت امام علیؑ و ماجرای خود را به عرض امام رساند.
حضرت با او به راه افتاد تا به محلی که مار در آنجا بود رسیدند آنگاه امام سر شمشیر خود را بر سر سوراخ لانه مار نهاد و فرمود: ای شمشیر! اگر همانند عصای موسیؑ دارای معجزه‌ای، افعی را بیرون آور! ناگهان افعی بیرون آمد و آهسته به حضرت مطلبی گفت.

حضرت رو به آن مرد عرب نمود و فرمود: وقتی از نزد من در مسجد برخاستی تا بیرون آئی در خیال خود گفתי که من خلیفه چهارم هستم؟ آن مرد گفت: آری (علت حمله مار به او به جهت این اندیشه ناصواب او بوده است) سپس از کار خود توبه کرد و به امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیؑ اقرار کرد.

۵۲۷. معجزه‌ای علوی

امام حسینؑ فرمود: روزی در خدمت پدر نشسته بودیم، در حیاط منزل ما درخت خشک شده اناری وجود داشت که تعدادی مهمان همراه با سلمان فارسی بر ما وارد



شدند در آن جمع برخی از دوستان پدرم علی علیه السلام و برخی از دشمنان ما وجود داشتند پس از سلام پدرم همه آنان را به نشستن دعوت فرمود که همگی نشستند.

سپس امام علی علیه السلام فرمود: امروز نشانه‌ای از حقانیت خود را به شما نشان خواهم داد همانند مائده‌ای که در قوم بنی‌اسرائیل نازل شد و خدا فرمود:

«من آن را بر شما نازل می‌کنم اما اگر کسی پس از آن بر کفر خود باقی ماند من او را عذاب خواهم کرد عذابی که دیگران را آن گونه عذاب نکرده باشم»^۱.

سپس امام به همه حاضران فرمود به درخت خشک انار نگاه کنید درخت خشک بود ولی یک دفعه درخت رشد کرد و سبز شد، سپس برگ در آورد و شاخه‌های آن بالا آمد تا اینکه بالای سرما قرار گرفت و پر از میوه انار شد آنگاه علی علیه السلام به دوستان خود فرمود: دست دراز کنید و میوه‌ها را بخورید.

ما و دوستان ما میوه‌ها را چیدیم و گفتیم به نام خداوند بخشنده مهربان و آنگاه آن‌ها را خوردیم، اناری به آن شیرینی و گوارائی نخورده بودیم.

سپس امام به دشمنان ما فرمود: شما هم دست دراز کنید و از آن میوه‌ها بخورید. اما آن‌ها هرچه دست‌ها را بالا می‌بردند شاخه‌ها بالاتر می‌رفتند و مانع می‌شدند. عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! همراهان ما توانستند میوه‌های انار را بچینند و بخورند اما ما هرچه تلاش کردیم نتوانستیم از این میوه‌ها بچینیم؟

امام پاسخ داد: در بهشت هم این گونه است به بهشت نمی‌رسند جز یاران و دوستداران ما و از بهشت دور نمی‌شوند الا دشمنان ما. وقتی که جمعیت از منزل ما خارج شدند آن‌ها که از دشمنان ما بودند گفتند: حادثه امروز از سحر علی بود.

سلمان به آن‌ها پاسخ داد: آیا این حادثه سحر بود یا شما آگاهی ندارید؟!^۲

۵۲۸. امام ننگین کعبه

....در مواجهه خوارج با امام علی علیه السلام آنان به سؤالات متعددی پرداختند و در سؤال ششم خود این گونه گفتند که:

۱. مائده، ۱۱۵.

۲. بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۴۱، ح ۴.

یا علی! تو وصی رسول خدا ﷺ بودی و حق وصیت را ادا نکردی و آن را ضایع گذاشتی؟
حضرت فرمود:

ای جماعت شما کافر شدید و بر من پیشی گرفتید و امر را از دست من بدر بردید و بر اوصیاء لازم نیست که مردم را به خویشتن دعوت کنند چرا که این کار انبیاست و اوصیا بی نیاز از دعوت می‌باشند.

زیرا که ایشان را انبیاء منصوب داشته‌اند و هر که به خدا و رسول ایمان دارد ایشان را اطاعت می‌کند.

«ولله علی الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً»^۱.

یعنی: از طرف خداست بر مردم حج، آن خانه هر کس که توانایی رسیدن و رفتن به آنجا را داشته باشد، پس اگر مردم حج را ترک گویند به بیت‌الله زبانی نرساند بلکه خویشتن کافر شوند زیرا که خداوند بیت‌الله را برای مسلمین علامتی قرار داد و همچنان که رسول خدا ﷺ مرا در میان امت علامت قرار داد و فرمود: «یا علی! انت بمنزلة الكعبة توقي ولاتأقی»^۲. یعنی: تو مانند خانه کعبه می‌باشی که مردم به سوی تو می‌آیند و تو به سوی کسی نمی‌روی.

سپس حضرت فرمود: «نحن اهل بيت النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة وعنصر

الرحمة معدن العلم والحكمة... والينا ترجع التائب ايها القوم»^۳.

یعنی:

ما خاندان نبوتیم، خاندان ما محل نزول رسالت و ملائکه‌ها می‌باشد خاندان ما مرکز رحمت و معدن علم و حکمت می‌باشد... ای مردم، توبه‌کننده‌ها باید به سوی ما بیایند.

۵۲۹. شناخت امام اثرهویی دارد

روزی امام علی علیه السلام درهمی به بلال داد و فرمود: ای بلال خربزه‌ای برای من خریداری نما چون بلال خربزه‌ای خرید حضرت دید خربزه بسیار تلخ است، حضرت از آن میل نکرد و فرمود: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: خداوند ولایت مرا به جمیع موجودات

۱. آل عمران، ۹۷.

۲. الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۱۱۱ - المناقب، ج ۳، ص ۲۴۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۳، باب ۷.

۳. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۲۸۴ - بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۴۵۵، باب ۲۳.



عالم عرضه کرد پس هر آب و میوه‌ای که ولایت مرا قبول نمود شیرین گشت و هر میوه‌ای و آبی که ولایت را قبول ننمود تلخ گردید و این میوه چون ولایت مرا قبول نکرده پس من از او نخواهم خورد.

۵۳۰. حقیقت جاری در جهان

در تفسیر منسوب به امام حسن عسگری علیه السلام نقل است که فرموده‌اند: چون یهودیان با علی علیه السلام درباره نبوت مناظره کردند و زیر بار حق نرفتند حضرت به شتران آن‌ها دستور داد: ای شتران گواهی دهید برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم و وصی او در این وقت همه شتران و لباس‌های یهودیان به نطق آمدند و گفتند:

یا علی! راست فرمودی که محمد رسول خداست و تو وصی به حق اوئی چون یهودیان چنین دیدند اکثر آن‌ها ایمان آوردند و بعضی از آن‌ها نیز بر کفر خود باقی ماندند در همین بین آیات زیر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد:

«لم، ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین»؛ «کتاب در این آیه امیرالمؤمنین و متقین شیعیان اویند»^۱.

۵۳۱. همراه اهل بیت

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر که دوست دارد مانند من زندگی کند و چون من بمیرد و در بهشتی که خدا مرا وعده داده در آید و به شاخه‌ای که پروردگرم به دست قدرت خود کاشته دست آویزد، باید علی بن ابی طالب و جانشینانش را اطاعت کند زیرا آن‌ها شما را به هیچ وجه در گمراهی وارد نمی‌کنند و از هدایت خارج نمی‌کنند شما به ایشان یاد ندهید که آن‌ها از شما داناترند من از پروردگرم خواستم که میان آن‌ها و قرآن جدائی نیندازد تا سر حوض بر من وارد شوند این چنین - سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دو انگشت خود را به هم چسبانید^۲...

۱. تفسیر اما حسن عسگری علیه السلام، ص ۶۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۰۰ (مقصود از جدا نشدن ائمه علیهم السلام از قرآن آن است که: ایشان همیشه حافظ قرآن و مفسر قرآن و عمل کننده به قرآن و دعوت کننده مردم به سوی قرآن هستند).

۵۳۲. همه رحمت خداوندی برای کسی است که...

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَأَنَّ الرُّوحَ وَالرَّاحَةَ وَالْفَلَاحَ وَالْعُونَ وَالنَّجَاحَ وَالْبِرْكَاتِ وَالْكَرَامَةَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالْمَعَاوَةَ وَالْيَسْرَ وَالْبَشْرَى وَالرِّضْوَانَ وَالْقُرْبَ وَالنَّصْرَ وَالْتِمَكْنَ وَالرَّجَاءَ وَالْمَحَبَّةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِمَنْ تَوَلَّى عَلِيًّا وَاتَّخَمَ بِهِ وَبَرَى مِنْ عَدُوِّهِ وَسَلِمَ لِفَضْلِهِ وَلِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ حَقًّا عَلَيَّ إِنْ ادْخَلْتُمْ فِي شَفَاعَتِي وَحَقًّا عَلَيَّ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنْ يَسْتَجِيبُ لِي فِيهِمْ فَأَتَّبَهُمْ اتِّبَاعِي وَمَنْ تَبِعَنِي فَأَتَّهُ مَتًى»^۱.

امام باقر علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

همانا نسیم رحمت و آسودگی و پیروزی و کمک و کامیابی و برکت و بزرگواری و آمرزش و ایمنی و توانگری و مژده و رضوان و تقرب و یاری و توانایی و امید و دوستی خدای عزوجل برای کسی است که علی را دوست بدارد و اطاعتش کند و از دشمنش بیزاری جوید و به فضیلت او و جانشینانش معترف باشد بر من است که ایشان را در شفاعتم در آورم و بر پروردگار من است که شفاعت مرا نسبت به ایشان بپذیرد زیرا آن‌ها پیرو منند و هر که پیروی من کند از آن من است.

۵۳۳. راه آسمانی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا فَلْيَتَمَسَّكَ بِوَلَايَةِ

أَخِي وَوَصِيِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ لَا يَهْلِكُ مِنْ أَحَبِّهِ وَتَوَلَّاهُ وَلَا يَنْجُو مِنْ ابْغَضِهِ وَعَادَاهُ».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی که دوست دارد جهت صعود به مقامات معنوی به دست آویزی گرانبها و مطمئن چنگ زند که بریده نگردد باید به ولایت برادر و وصی من علی بن ابی طالب علیه السلام بپیوندد. پس کسی که او را دوست بدارد و حلقه ولایتش را از دست ندهد تباہ نگردد و فردی که با وی کینه‌توزی و دشمنی کند از سقوط در لجنزار سیه روزی نجات نیابد.^۲

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳۶۳.



۵۳۴. صفات امام و رهبر الهی

حضرت سیدالساجدین زین العابدین علیه السلام در ضمن دعای عرفه که دعای ۴۷ از صحیفه کامله است عرض می کند: «اللهم انك ایدت دینك فی كل اوان بامام...».

حضرت علی بن الحسین علیه السلام در این فقرات مقام امام را به چهار صفت توصیف می کند. اول: عصمه اللائذین: یعنی برای امام هیچ دافع و مانعی نیست که پناه آورندگان به سوی خود را در راه مستقیم رهبری کند و از ورطه هلاکت در جانب افراط و تفریط حفظ نماید.

دوم: كهف المؤمنین یعنی ملجأ و پناه تمام مؤمنان است.

سوم: عروة المتمسکین یعنی افرادی را که به او تمسک نمایند و از او امر او پیروی کنند از فرو افتادن در چاههای مهلکه و سقوط در نعمت برهند.

چهارم: بهاء العالمین یعنی نظام امور جهان و طراوت و زیبایی مناظر عالم به او بسته است.

۵۳۵. نشانه‌ها و صفات برتر

ابن مغزالی شافعی نقل می کند از اصبح بن نباته که گفت امام علی علیه السلام در خطبه‌های خود می فرمود:

«أیها الناس... انا امام البریة ووصی خیر الخلیفة و زوج سیدة نساء هذه الامة و ابوالعترۃ الطاهرة و الائمة الهادیة انا اخو رسول الله صلی الله علیه و آله و وصیه و ولیه و وزیره و صاحبه و وصفیه و حبیبه و خلیله انا امیر المؤمنین و قائد الغر المحجلین و سید الوصیین حربی حرب الله و سلمی سلم الله و طاعتی طاعه الله و ولایتی و لایه الله و اتباعی اولیاء الله و انصاری انصار الله»^۱.

ای مردم منم امام مردم و وصی بهترین مخلوقات و پدر عترت طاهرة هادیه منم برادر رسول خدا و وصی او و ولی او و صفی او و حبیب او و منم امیر المؤمنین و پیشوای دست و پا و پیشانی سفیدان و آقا و سید اوصیاء، جنگ با من، جنگ با خداست و صلح با من صلح با خداست اطاعت از من اطاعت خداست و دوستی من دوستی با خداست و پیروان من دوستان خدا هستند.

۱. امالی صدوق، ص ۶۰۵ - من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰ - مناقب، ج ۳، ص ۳۸۷.

۵۳۶. شرط بهره‌مندی از ایمان

جابر روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «الزمو مودتنا اهل البيت فانه من لقي الله عزوجل وهو يودنا دخل الجنة بشفاعتنا والذي نفس محمد بيده لا ينفع عبدا عمله الا بمعرفة حقنا»^۱.

در دوستی ما اهل بیت ثابت قدم باشید به درستی که اهل تقوی که ما را دوست دارند با ما نیز داخل بهشت خواهند شد به آن خدائی که جان محمد در دست اوست هیچ عملی به بنده‌ای نفع نمی‌رساند مگر به شناختن دوستی ما اهل بیت.

۵۳۷. شب و روز در سایه رحمت الهی

خالد بن معدان روایت نموده که رسول خدا ﷺ فرمود: «من احب ان يمشی في رحمة الله ويصبح في رحمة الله فلا يدخلن قلبه شك بان ذريتي افضل الذريات ووصيي افضل الاوصياء». کسی که دوست دارد شب کند در رحمت خداوند و صبح کند در رحمت او پس داخل نکند در قلبش شکی به اینکه ذریه و اولاد من بهترین ذراری هستند وصی من (علی علیه السلام) بهترین اوصیاء می‌باشد.^۲

۵۳۸. توصیف ارکان دین خدا

عیسی بن سَری می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ارکان اسلام را به من خبر ده آن ارکانی که کوتاهی در شناسایی آن‌ها برای هیچ کس روا و شایسته نیست و آن کس که در معرفت آن‌ها کوتاهی کند دین خود را تباه ساخته و خداوند کردار او را نمی‌پذیرد و ارکانی را به من بیاموز که هر کس آن‌ها را بشناسد و به آن‌ها عمل کند دین داری او شایسته و اعمالش نزد خدا پذیرفته می‌شود...

حضرت در پاسخ فرمود: ارکان اسلام اینهاست: گواهی دادن به یگانگی خدا و این که حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و اعتراف و باور به آن چه او از جانب خدا آورده

۱. مجمع‌الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۲ - الطرائف، ج ۱، ص ۲۸۷، حدیث ۵۳۸.

۲. نینایع‌الموده، ج ۲، ص ۲۶۸.



است و این که زکات مال و ثروت حق است و ولایت که خداوند به آن امر فرموده ولایت محمد و آل محمد است.

به امام عرض کردم:

آیا در رابطه با ولایت دلیل مخصوصی برای کسی که ادعای آن را داشته باشد هست که به آن شناخته شود؟

فرمود: آری! خداوند فرموده: ای مؤمنان از خدا و رسول خدا و از اولی الامر که متولیان امور هستند اطاعت و پیروی کنید.

سپس امام فرمود که رسول خدا فرمود:

(هر کس بمیرد و امام خود را شناسد به مرگ دوران جاهلیت از دنیا رفته است) در

ادامه امام صادق (ع) فرمودند: پیشوای مردم پیامبر بود امیرالمؤمنین اما دیگران -

یعنی مخالفان شیعه - گفتند: معاویه پیشوا است و سپس امام حسن امام است بعد از

او امام حسین، باز مخالفان گفتند: یزیدین معاویه، حسین بن علی و یزید برابر نباشد -

پر روشن است که معاویه و یزید شایستگی پیشوائی را ندارد - سپس امام سکوت کرد و

سپس فرمود: برایت زیادتر بگویم؟

یکی از اصحاب که در مجلس حاضر بود عرض کرد: آری قربانت گردم.

امام فرمود:

بعد از امام حسین حضرت علی بن الحسین بود و بعد از او ابو جعفر محمد بن علی

شیعیان قبل از ابو جعفر مناسک حج و حلال و حرام خود را نمی دانستند چون ابو جعفر

آمد باب دانش را گشود مناسک و احکام حلال و حرام را برای مردم بیان کرد تا آنجا که

مردمی که شیعه به آنان در امر مناسک و حلال و حرام نیازمند بود خود محتاج به شیعه

شدند مسئله امامت اینگونه است که زمین بدون امام معصوم باقی نمی ماند هر کس

بمیرد و امامش را شناسد مانند این است که در روزگار شرک و جاهلیت از دنیا رفته است.

بیشترین احتیاج تو به ولایت اهل بیت با دست به گردنش اشاره فرمود - هنگامی

که دنیا از تو بریده شود خواهی گفت: عقیده و باور خوبی داشتم و در هنگام جان دادن

ارزش و فضیلت ولایت را خواهی فهمید.^۱

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۲.



۵۳۹. نوری از عرش

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

هر که به ولایت علی علیه السلام تمسک جوید خداوند برای او نوری قرار می دهد «من تمسک بولاية علی علیه السلام فله نور»^۱.



۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸.



فصل هشته

رسول خدا ﷺ می فرماید:

يا علي!... فانت قسيم الجنة و
انت قسيم النار

ای علی تو تقسیم کننده بهشت و
تقسیم کننده جهنمی.

نباپی ع المودة، قندوری، جلد ۱،

صفحه ۲۲۹، حدیث ۱.

اثرات ولایت امام علی علیه السلام در قبر و قیامت





۵۴۰. ثمره ۱۰۰۰ حج بدون ولایت

رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی! اگر بنده‌ای به اندازه عمر نوح ﷺ عبادت کند و به اندازه کوه احد طلا داشته باشد و در راه خداوند انفاق نماید و عمر او طولانی شود تا این که هزار مرتبه حج بر آورد و سپس بین صفا و مروه در راه خدا کشته شود و بعد از این‌ها ولایت و محبت تو را نپذیرفته باشد هرگز داخل بهشت نخواهد شد بلکه بوی بهشت هم به او نخواهد رسید...^۱

۵۴۱. کسب نور باطنی

در تفسیر مجمع‌البیان از امام صادق ﷺ در تفسیر آیه «یوم لا یخزی الله النبی والذین آمنوا معه نورهم یسعی بین ایدیهم و...» نقل شده که فرمود: مقصود از نور، امان هستند یعنی آن‌ها در قیامت مؤمنان را رهبری می‌کنند تا به بهشت وارد کنند و در منازل خود ساکن کنند.^۲ و در تفسیر صاقی از امام باقر ﷺ نقل شده که فرمود: هر که در قیامت نور داشته باشد اهل نجات است و هر مؤمنی در آن روز نور خواهد داشت.

۵۴۲. نور عرش در سینه مؤمن

در شواهدالتنزیل جلد ۲، از سالم نقل شده که گوید رسول خدا ﷺ به من فرمود: هر که در دنیا محبت بیشتری به آل محمد ﷺ داشته باشد روز قیامت نور بیشتری خواهد داشت.

۵۴۳. محروم از بهشت

ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: آگاه باشید به خدا سوگند هیچ بنده‌ای اهل بیت مرا دوست نمی‌دارد مگر آنکه خداوند عزوجل نوری به او عطا خواهد فرمود تا این که در قیامت نزد کوثر مرا ملاقات نماید و

۱. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۸۰.
 ۲. مجمع‌البیان، ذیل آیه ۸ سوره تحریم.

هیچ بنده‌ای با اهل بیت من دشمنی نوزد جز آنکه خداوند او را از رحمت خود محروم خواهد نمود.^۱

۵۴۴. با صورت وارد آتش می‌شود

رسول خدا (ص) به امام علی (ع) فرمود: یا علی! اگر امت من آن قدر روزه بگیرند که مانند میخ‌ها باریک شوند و آن قدر نماز بخوانند که مانند کمان خمیده گردند و پس از آن با تو دشمن باشند خداوند آن‌ها را با صورت به آتش خواهد افکند.^۲

۵۴۵. اثر حسنه دائمی

ابو عبدالله جدلی نقل کرده علی (ع) به من فرمود: آیا به تو خبر ندهم از آن حسنه‌ای که هر کسی در قیامت با خود داشته باشد او را به بهشت وارد می‌کند و از سیئه و گناهی که هر شخصی در قیامت با خود داشته باشد خداوند او را با صورت به آتش می‌افکند و از او هیچ عملی را نمی‌پذیرد؟ گفتم: آری! فرمود: حسنه محبت ما خانواده و سیئه عداوت و دشمنی با ماست.^۳

۵۴۶. ناپینای صحرای محشر

ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل کرده که آن امام فرمود: مقصود از این آیه: «ومن اعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکا و نحشرة یوم القیامة اعمی» اعراض از ولایت امیرالمؤمنین (ع) است ابوبصیر گوید عرض کردم: مقصود از «و نحشرة یوم القیامة اعمی» چیست؟ فرمود: کوری چشم در آخرت که به دنبال کوری دل از ولایت امیرالمؤمنین (ع) است و سپس فرمود: او (یعنی کسی که منکر ولایت علی (ع) است) در قیامت کور و متحیر است و می‌گوید: خدایا! چگونه مرا کور محشور نمودی در حالی که بینا بودم؟ خطاب شود تو آیات و نشانه‌های ما را (که امامان (ع) هستند) نادیده گرفتی و آن‌ها را رها

۱. شواهد/التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸ از منابع قدیمی اهل سنت نوشته حاکم حسکانی.

۲. شواهد/التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۶. (از منابع اهل سنت)

۳. ینابیع/المودة، ص ۹۷. (از منابع اهل سنت)



نمودی و بدین سبب امروز نیز تو نادیده گرفته می‌شوی و در آتش رها خواهی شد چنان که در دنیا امامان خود را رها کردی و به فرموده آن‌ها توجه نکردی.^۱

۵۴۷. نشانه قلب سلیم و پاک

امام باقر علیه السلام به ابو خالد فرمود:

ای ابو خالد! به خدا سوگند هیچ بنده‌ای به محبت و ولایت ما دست نمی‌یابد مگر آن که خداوند قلب او را پاک می‌کند و خداوند قلب کسی را پاک نمی‌کند مگر این که تسلیم ما شده باشد و چون تسلیم ما شود خداوند او را از حساب سخت قیامت آسوده و از ترس آن روز ایمن فرماید^۲ و در کتاب کافی از ابو حمزه از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: مقصود از (فالدین کفروا)^۳ انکار ولایت علی علیه السلام است که منکران ولایت او در قیامت لباسی از آتش می‌پوشند.^۴

۵۴۸. علت ورود به دوزخ

از امام باقر علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: ابن الکواء سر دسته گروه خوارج نزد امام علی علیه السلام آمد و از این آیه سؤال نمود. «وعلی الاعراف رجال يعرفون کلاً بسیماهم». (اعراف/۴۶) امام فرمود: اعراف ما هستیم که یاران و شیعیان خود را به سیمایشان می‌شناسیم. سپس فرمود: ماییم که خداوند جز از ناحیه ما شناخته نمی‌شود و ماییم صاحب اعراف که خداوند ما را در قیامت بر صراط خواهد گماشت و احدی به بهشت نخواهد رفت مگر آنکه ما را شناخته باشد و ما او را پذیرفته باشیم و هیچ کس به دوزخ نخواهد رفت مگر آنکه منکر مقام ما بوده باشد و ما او را نپذیرفته باشیم.^۵

و صاحب کتاب ارجح المطالب ص ۸۴ چنان که در کتاب دلائل الصدق جلد ۲، ص ۳۳۷ که از کتب اهل سنت است. آمده، از ابن مردویه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۳۵.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۶۲.

۳. حج، ۱۹.

۴. کافی، ج ۱، ص ۴۲۲.

۵. مناقب، ص ۱۰۲.



مشاهده آن لباس‌ها و فرش‌های زیبا و خانه‌های رنگارنگ در فکر فرو رفته‌م... امام فرمود: ابوخالد فردا در اینجا نزد من بیا.

وقتی از خانه امام علیه السلام خارج شدیم به یحیی بن ام‌طویل گفتم: مرا نزد کسی آوردی که دستگاهش چنین پر زرق و برق و زیباست آنگاه با خود عهد کردم دیگر به آن خانه قدم نگذارم وقتی بامداد رسید با خود فکر کردم که رفتن به خانه امام که زینتی برای من ندارد بنابراین فردای آن روز قصد منزل حضرت را نمودم لحظه‌ای در آنجا ایستادم و کسی را ندیدم از جای خود برخاستم تا برگردم. ناگهان کسی مرا صدا زد به گمان این که دیگری را می‌خواند. جواب نگفتم صدا دیگر بار بلند شد... در پی صدا وارد خانه‌ای گلی شدم.

امام سجاده علیه السلام در حالی که کرباسی بر تن داشت بر حصیر نشسته بود، پس از لحظه‌ای امام فرمود: ای ابوخالد در این مدت همسری اختیار کرده بودم و عروسی در خانه داشتیم حجره‌ای که دیروز دیدی حجله عروسی بود و جامه‌های فاجر را به تقاضای وی پوشیده بودم.

روش زندگی من این است که امروز می‌بینی آنگاه دست من و یحیی را گرفت و به کنار برکه‌ای برد آنگاه فرمود: شما در این مکان بمانید آنگاه دو بسم‌الله گفت و قدم بر آب نهاد و به آرامی پیش رفت در شگفتی فرو رفته‌م. گفتم: الله اکبر الله اکبر، تو حجت بزرگ خدای متعالی، درود پروردگار بر تو.

امام به ما نگاه کرد و فرمود: سه گروه رستاخیز از عنایت و رحمت و لطف خدای متعال محروم خواهند شد.

۱. کسانی که شخص دیگری را به جای اهل بیت پیامبر علیهم السلام و امام شناسند؛ ۲. کسانی که امام برگزیده (توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله) را انکار نمایند و شخص دیگری را امام خوانند...
 ۳. کسانی که در راه حق با کسی که با او می‌جنگد، بی‌گناهانه کشته شوند.

۵۵۲. بعثت ولایت

ابراهیم بن عباس صولی می‌گوید: روزی در محضر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بودیم؛ و آن حضرت گفتند: در دنیا نعیم حقیقی نیست. بعضی از فقهای که در محضر

۱. عوالم‌العلوم، ج ۸، ص ۱۳۸.



عزرائیل می پرسد: امان نامه چه بود؟

جواب می دهد: ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام.

ملک الموت می گوید: راست گفتی، از آنچه می ترسیدی خدا تو را امان دارد و به آرزویت رسیدی بشارت باد تو را به رفاقت از گذشتگان نیکو، رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و امامان از اولاد او.^۱

۵۵۵. علت عبور از صراط

مرحوم شیخ طوسی در امالی از انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود: هنگامی که روز قیامت می شود و صراط بر روی جهنم نصب می گردد هیچ کس نمی تواند از روی آن عبور کند مگر این که جوازی در دست داشته باشد که در آن ولایت علی بن ابی طالب باشد و این همان است که خداوند می فرماید: «وقفوهم انهم مسؤولون».^۲

۵۵۶. راه رهایی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «معرفة آل محمد برائة من النار وحب آل محمد جواز علی الصراط والولاية آل محمد امان من العذاب».^۳
یعنی: شناخت آل محمد آزادی از آتش و حب آن ها جواز گذر از صراط و ولایت ایشان امان از عذاب خداوند است.

۵۵۷. سیراب تشنگان قیامت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! تو و شیعیانت بر حوض قرار می گیرید و تو دوستان و محبان خود را سیراب می کنی و دشمنانت را از آن منع می نمایی تو و شیعیانت روز درد و رنج و هنگام فزع اکبر در سایه عرش الهی آرامش و آسایش خواهید داشت.

۱. فروع کافی، ج ۳، ص ۱۳۱.

۲. تفسیر نورالقلین، ج ۴، ص ۴۰۱.

۳. کتاب شفا، ص ۴۰، قسم الثانی.

و در روایتی دیگر فرمودند: تو و شیعیان تو در امنیت کامل در روز قیامت خواهید بود و امیدوار (به رحمت خدا) طلب شفاعت می کنید و مورد پذیرش پروردگار قرار می گیرید.^۱

۵۵۸. ظهور ثمره محبت اهل بیت (ع)

امام صادق (ع) فرمود: محبت ما اهل بیت در هفت جا ثمر بخشد:

۱. در نزد خداوند؛ ۲. در وقت مرگ؛ ۳. در قبر؛ ۴. در روز رستاخیز؛ ۵. در کنار حوض کوثر؛ ۶. در وقت میزان؛ ۷. در هنگام عبور از صراط.^۲

۵۵۹. فریادرس شیعه علی (ع)

امام باقر (ع) می فرماید: چون روز قیامت شود خدا مردم را عریان و پا برهنه در زمین همواری جمع می کند و آن ها را در راه محشر به قدری متوقف می دارند که همگی سرا پا غرق در عرق می شوند.

در این حال منادی ندا می دهد: پیامبر امی کجاست؟! مردم می گویند: آن پیامبر را با اسمش صدا کن منادی می گوید: پیامبر رحمت محمد بن عبدالله کجاست؟

رسول خدا (ص) از همه مردم جلوتر می آید تا این که به حوض کوثر می رسد و در کنار آن حوض می ایستد.

آنگاه امام علی (ع) را فرا می خوانند او هم جلوتر می آید و در برابر مردم در کنار رسول خدا (ص) می ایستد بعد به مردم اجازه داده می شود آنان به حرکت در می آیند و به دو گروه تقسیم می گردند عده ای بر حوض کوثر وارد می شوند و تعدادی را از حوض دور می کنند.

پیامبر اکرم (ص) وقتی می بیند که از محبان اهل بیت کسی را از حوض کوثر دور کنند گریه می نمایند و می فرمایند: «ای پروردگار من شیعه علی!... شیعه علی!...»

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۷۹ و ص ۲۶۴.

۲. محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۵۲.



در این حال خداوند فرشته‌ای را می‌گمارد که از آن حضرت بپرسد ای محمد سبب گریه شما چیست؟
 رسول خدا ﷺ می‌فرماید: چگونه نگریم بر جماعتی که از شیعیان برادرم علی هستند و من آنان را می‌بینم که از حوض دور شده و به طرف دوزخ می‌روند؟!
 خداوند می‌فرماید: ای محمد! من از گناهان آن‌ها گذشتم و همه را به تو بخشیدم... و آن‌ها را در حوض تو وارد کردم و شفاعت تو را درباره آنان پذیرفتم^۱

۵۶۰. طریق نجات و راه قرب

مرحوم محدث قمی در هدیه‌الاحباب در ضمن بیان حالات مقدس اردبیلی می‌نویسد: وی بعد از این که از دنیا رفت یکی از شاگردانش وی را در خواب دید و از ایشان سؤال کرد که: در آن جهان بر شما چه گذشت؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «انا وجدنا سوق العمل كاسدا». بازار عمل را کساد یافتیم. هر عملی را قبول نمی‌کنند و چیزی مرا نجات نداد مگر حبّ و محبت حضرت امیرالمؤمنین ﷺ.

۵۶۱. بی‌نظیرترین نوع عبادت

حضرت امام صادق ﷺ در روایتی می‌فرمایند: «ان فوق كل عبادة وحبنا اهل البيت افضل عبادة»؛ یعنی بالاتر از هر عبادت، عبادتی است و محبت ما خاندان برترین عبادت است.^۲
 روی همین اصل رسول خدا ﷺ فرمود: «ادبوا اولادکم علی حبی...». فرزندان را بر پایه محبت من و محبت خاندان من و قرآن تربیت کنید.^۳

۱. مجالس مفید، ص ۱۷۰.

۲. محاسن، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. احقاق الحق، ج ۱۸، ص ۴۹۷.

❖ ۵۶۲. سنگین‌ترین عمل در ترازوی قیامت ❖

«ما فی المیزان شیء اثقل من الصلوات علی محمد وآل محمد»؛ در میزان چیزِ سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست.^۱

❖ ۵۶۳. عامل ریزش گناهان ❖

و امام سجاده^{علیه السلام} نیز در روایتی می‌فرمایند: «ان حینا اهل البیت یساقط عن العباد الذنوب کما یساقط الريح الورق من الشجر»؛ یعنی: محبت ما خاندان گناهان را از بندگان می‌ریزد همان گونه که باد برگ را از درخت فرو می‌ریزد.^۲

❖ ۵۶۴. شافع روز جزاء ❖

رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} می‌فرمایند: «انی شافع یوم القیامة لاربعة اصناف، ولو جاؤا بذنوب اهل الدنیا: (رجل) نصر ذریتی و (رجل) بذل ماله لذریتی عند المضیق (ورجل) احب ذریتی باللسان والقلب (ورجل) سعی فی حوائج ذریتی اذا طودوا او تشردوا».^۳

چهار دسته را روز قیامت شفاعت کنم، هرچند با گناه اهل دنیا به صحرای محشر حاضر شوند: آنکه اولاد مرا یاری کند، آن که از اموالش به اولاد تنگدست من کمک کند، کسی که با زبان و قلب آنان را دوست بدارد، آنکه تلاش کند در انجام حوائج و نیازهای اولاد تبعید شده و رانده شده من.

❖ ۵۶۵. نورانی‌ترین افراد صحرای محشر ❖

رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} فرمود: «أكثرکم نورا یوم القیامة أكثرکم حباً لآل محمد^{صلی الله علیه و آله}».

نورانی‌ترین شما در روز قیامت آن کسی است که عاشق‌ترین افراد به آل محمد^{صلی الله علیه و آله} می‌باشد.^۴

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲. بشاره‌المصطفی، ص ۳.

۳. وسائل‌الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۵۶.

۴. شواهد‌التنزیلی، ج ۱، این کتاب از منابع معتبر برادران اهل سنت است که در ۹۰۰ سال قبل نوشته شده است.



۵۶۶. آزادی از آتش

سلمان فارسی می گوید: رسول خدا ﷺ را دیدم که در حال دعا بود و در دعای خود می گفت: «یا الهی وسیدی ان احب حیدر الکرار جنة یا رب خفف به اوزاری»؛ یعنی: ای خدای من و ای مولای من دوستی حیدر کرار بهشت است تخفیف بده به گناهان، امت مرا. گفتم پدر و مادرم به فدای تو باد.

یا رسول الله! من نیز به همین نحو دعا می کنم و لکن در مناقب حضرت امیرالمؤمنین چیزی به من فرما که همیشه باعث فخر من باشد.

فرمود: ای سلمان! اگر این را می خواهی برو به قبرستان یهود و بگو ای بندار بیا همین که آمد بپرس از او که به دین اسلام مرده ای یا به دین یهود و کجا منزل داری؟ سلمان گفت: رفته و ندا کردم بندار آمد پرسیدم. گفت: به دین یهود مرده ام و لکن الان به جهت محبتی که با امیرالمؤمنین داشتیم در راحت و نعمتم من او را بسیار دوست داشتم و نمی خواستم یک دقیقه از او مفارقت کنم و لکن توفیق اسلام نصیب من نشد و به دین یهود مُردم پس مرا در میان اشرار به قعر جهنم انداختند و در عذاب بودم که ناگاه در همان جهنم خیمه ای از نور به من احاطه کرد که طول و عرضش به قدر چشم انداز بود و خدا مرا به سبب او از حرارت آتش حفظ نمود سلمان خدمت رسول خدا آمد. پیامبر به او فرمود: ای سلمان! از من روایت کن به هر کسی که یهودی و نصرانی و مجوسی می باشد اگر در دل او محبت حیدر کرار باشد خدا به او نیز در جهنم قبه ای از نور مثل بندار کرامت می کند.^۱

۵۶۷. راه نجات از کوری قیامت

رسول خدا ﷺ فرمود: «احبوا علیا لحبی واکرموه لکرامتی واللّه ما قلت لکم هذا من قبلی و لکن الله تعالی امرنی بذلك...».

علی را به خاطر من دوست بدارید و برای من به او احترام بگذارید سپس فرمود: به خدا سوگند آنچه را که گفتم از طرف خدا بود و او مرا به آن امر فرمود: ای مردم هر کس

۱. اسرار الشهادة، ص ۳۹۰.



۵۶۹. اثر عشق و ورزی

امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که دل او از برای مصیبت ما به درد آید در وقت مردن خوشحال می شود و شادی به او می رسد که هرگز از دل او بیرون نمی رود تا در حوض کوثر بر ما وارد شود و کوثر نیز خوشحالی می کند وقتی که دوست ما بر او وارد می شود...

بوی خوش آن (آب کوثر) از هزار سال راه احساس می شود و کسی که از آن می آشامد هر بوی خوشی به روی او می گشاید تا آن که (آن شخص) گوید: چه می شد که مرا در همین جا (کنار کوثر) جا می گذاشتند من به عوض آن، چیز دیگری نمی خواهم و هر دیده ای که در مصیبت ما بگرید البته شاد و خوشحال گردد به نظر کردن به کوثر و آب می دهند از کوثر به همه دوستان ما اما به قدر محبت و متابعت ما از آن لذت می برند و بر کوثر حضرت امیرالمؤمنین حیدر موکل است و در دست او عصائی است که از چوب درخت عوسج است و به روایت دیگری از چوب درخت طوبی و درهم می شکند به آن عصا دشمنان ما را پس محروم بر می گردند.^۱

۵۷۰. محرمان حوض کوثر

امام علی علیه السلام فرمود:

به همین دو دست خود از حوض رسول خدا صلی الله علیه و آله دشمنان خود را دور می کنم و وارد خواهند شد بر آن دوستان ما.^۲
و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی علیه السلام کسی را که از شیعیان او نیست از حوض کوثر دور می کند چنان که عرب، شتر صاحب جرب (شتر مریض) را از میان شترهای خود دور می کند.^۳

۱. حق الیقین، ص ۴۵۵.

۲. حق الیقین، ص ۴۵۳.

۳. حق الیقین، ص ۴۵۳، و سجده، ۱۷.



متابعت از امام خود کرده باشد نامه او را به دست راست او دهند و به سوی بهشت برند و هر که امام خود را نشناسد او را به جهنم برند پس در آن وقت آن‌ها که پیروی رهبران ضلالت را کرده‌اند از پیشوایان خود بیزاری جویند و پیشوایان از آن‌ها بیزاری جویند و یکدیگر را لعنت کنند.^۱

❖ ۵۷۳. سوء عاقبت ❖

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن شفاعت می‌کند برای دوست و خویش خود مگر آن که ناصبی باشد و اگر جمیع ملائکه مقربین و پیغمبران مرسلین برای ناصبی شفاعت کنند از ایشان قبول نگرند.^۲

❖ ۵۷۴. گناه بزرگتر از ترک نماز ❖

کلینی به سند معتبر از عبدالحمید روایت کرده که گفت: عرض کردم به امام باقر علیه السلام همسایه‌ای دارم که همه محرمات را به عمل می‌آورد حتی آنکه نماز را نیز ترک می‌کند علاوه بر کارهای دیگر.

حضرت فرمود: سبحان الله و بسیار بزرگ شمرد این را.

سپس فرمود: می‌خواهی خبر دهم تو را به کسی که از این بدتر است؟

عرض کردم: بلی یا بن رسول الله!

فرمود: کسی که عداوت به ما کند از این بدتر است...^۳

❖ ۵۷۵. اثر دشمنی اهل بیت علیهم السلام ❖

صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که بهشت هشت در دارد ... تا آنکه فرمود: و شفاعت کند هر مرد از شیعیان من و کسی که محبت من را داشته باشد و یاری من را کرده باشد و با دشمنان من جنگ نموده باشد با گفتار و کردار در هفتاد هزار کس از

۱. حق‌الیقین مجلسی، ص ۴۵۰.

۲. حق‌الیقین مجلسی، ص ۴۵۹.

۳. حق‌الیقین مجلسی، ص ۴۶۱.



۵۷۸. آرزوی دیدار

قال رسول الله ﷺ:

«ان الجنة لتشتاق لاحباء علی ﷺ وتشتد ضوؤها لاحباء علی ﷺ وهم في الدنيا قبل ان يدخلوها وان النار تتغيظ وتشتد زفيرها على اعداء علی ﷺ وهم في الدنيا قبل ان يدخلوها». فرمود: به راستی که بهشت سخت آرزومند دیدار دوستان علی ﷺ است و پرتو نورش به سرعت هرچه تمامتر محبان و دوستان علی ﷺ را پیش از آنکه داخل بهشت شوند در همین دنیا فرا گیرد و هر آینه آتش نیز با خشم و غیظ و با شراره‌های خروشانش دشمنان علی ﷺ را در این دنیا پیش از آنکه وارد دوزخ شوند فرا می‌گیرد.^۱

۵۷۹. بشارتی شریف

قال رسول الله ﷺ: «يا علی! بشر شيعتك وانصارك بخصالٍ عشر... رابعها الفتحة في قبرهم خامسها النور على الصراط بين اعينهم...».

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: یا علی! بشارت ده به پیروان و یاران خود ۱۰ خصلت را... چهارم بگشایش قبرشان که فراخ و وسیع می‌شود. پنجم: به نوری که در صراط در پیش دیدگانش خواهد بود.^۲

۵۸۰. اثر حبّ قلبی

قال رسول الله ﷺ: «ما من عبد ولا امة يموت وفي قلبه مثقال حبة خردلٍ من حُبِّ علی بن ابي طالب ﷺ إلا ادخله الله عزوجل الجنة...».^۳

فرمود: هیچ مرد و زنی نیست که از دنیا برود و در قلب او به اندازه یک حبه خردل دوستی علی بن ابی‌طالب ﷺ باشد مگر این که خدای عزوجل او را به بهشت برین داخل می‌گرداند.

۱. ثواب الاعمال، ص ۲۰۷.

۲. خصال صدوق، ج ۲، ص ۴۳۰ و جامع الاخبار، ص ۳۵.

۳. کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۹۸.



۵۸۴. چهار سؤال بزرگ

شیخ صدوق رحمته الله به طریق اهل بیت علیهم السلام روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت قدم‌های بنده برداشته نشود مگر از او چهار سؤال کنند:

- از عمر او که در چه چیز فانی و تمام کرده؟
- از جوانی که در چه چیزی مصرف کرده؟
- و از مالش که از کجا آورده و در چه راهی خرج کرده؟
- و از محبت ما اهل بیت.^۱

۵۸۵. ظهور باطن ولایت آل محمد علیهم السلام در قبر

علامه مجلسی رحمته الله فرموده:

در محاسن به سند صحیح از حضرت صادق یا حضرت باقر علیهم السلام روایت کرده است که وقتی مؤمن می‌میرد با او شش صورت در قبرش داخل می‌شود. که یکی از آن‌ها از مابقی خوش‌تر و خوش‌بوتر و پاکیزه‌تر است. پس یکی از آن‌ها به طرف راست می‌ایستد و دیگری در طرف چپ و آن یکی در پیش رو و دیگری در پشت سر و یکی از آن‌ها در پائین و آنکه خوش صورت‌تر است در بالای سر قرار می‌گیرند.

پس اگر سؤال یا عذاب از هر جهتی که آید آنکه در آن سمت ایستاده آن را مانع می‌شود. آنگاه آنکه از همه خوش صورت‌تر است به سایر صورت‌ها می‌گوید: خدا شما را جزای خیر دهد کیستید؟

صاحب جانب راست گوید: من نمازم و جانب چپ گوید: من زکاتم آنکه در پیش روست گوید: من روزهام و او که در عقب سر است می‌گوید من حج و عمره‌ام و آنکه پائین پا است گوید من نیکی و احسان به برادران مؤمنم.

پس آن‌ها گویند: تو کیستی که از همه ما بهتر و خوش‌تر و خوش‌بوتری؟

گوید: من ولایت آل محمد علیهم السلام هستم.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۵۸، حدیث ۱.

۲. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۶ و به نقل از منازل الاخره شیخ محدث کبیر، عباس قمی.

۵۸۶. مقبول‌ترین اعمال

از رسول خدا ﷺ روایت است که فرمود: در رویا عمویم حمزه و برادرم جعفر بن ابی طالب را دیدم در حالی که در پیش آن‌ها طبقی بود از سدر پس یک ساعتی از آن میل کردند پس از آن، سدر مبدل به انگور شد پس یک ساعتی از آن نیز خوردند پس از آن انگور رطب شد و پس از ساعتی از آن میل کردند من نزدیک ایشان رفتم و گفتم: پدرم فدای شما باد چه عملی را از همه اعمال بهتر یافتید؟
گفتند: پدران و مادران ما فدای تو باد.

همانا افضل اعمال را صلوات بر تو و سقاییت آب و محبت علی بن ابی طالب (ع) دیدم.^۱

۵۸۷. شیطان صحرای محشر

شیخ صدوق روایت کرده از ابن عباس از حضرت رسول خدا ﷺ که آن حضرت فرمود: شک کننده در فضل علی بن ابی طالب (ع) برانگیخته شود روز قیامت از قبر خود در حالی که بر گردن او طوقی از آتش باشد که در آن سیصد شعبه باشد که بر هر شعبه‌ای از آن شیطانی باشد که رو ترش کند در روی او و آب دهن افکند در صورت او.^۲

۵۸۸. عذابی ویژه و استثنایی

به سند معتبر از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود:
در جهنم چاهی است که اهل جهنم از آن استعاده و دوری می‌نمایند و آن جای هر متکبر جبار و معاند است و هر شیطان متمرّد و هر متکبری که ایمان به روز قیامت نداشته باشد و هر که عداوت و دشمنی با آل محمد (ع) داشته باشد.
و فرمود: کسی که در جهنم عذابش از دیگران سبک‌تر باشد کسی است که در دریای آتش باشد و دو نعل از آتش در پای او باشد و بند نعلینش از آتش باشد که از شدت حرارت آن مغز دماغش مانند دیگ در جوش باشد و او گمان می‌کند که از جمیع اهل

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۷۰.

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۱۱.



جهنم عذابش بدتر و بیشتر می‌باشد و این در حالی است که عذاب او از همه آسان‌تر و سبک‌تر است.^۱

۵۸۹. پاداش عشق‌ورزی

امام صادق علیه السلام غلامی داشت هرگاه امام به مسجد می‌رفت آن غلام استر امام را نگاه می‌داشت تا آن حضرت مراجعت کند روزی چند نفر مسافر از اهل خراسان بر آن غلام در حالی که استر امام را بر در مسجد نگه می‌داشت وارد شدند.

یکی از آن‌ها رو به او کرد و گفت: ای غلام آیا می‌خواهی از امام بخواهی که مرا در جای تو قرار دهد تا من غلام او باشم و من به جای تو بمانم و من به عوض، همه مالم را به تو بدهم و تو بروی و آن مال‌ها را برداری و من به جای تو اینجا بمانم؟

غلام گفت: از آقای خود می‌پرسم پس خدمت امام رفت و عرض کرد: فدایت شوم خدمت مرا نسبت به خودت می‌دانی پس هرگاه خداوند خیری را برای من مقرر فرماید شما آن را منع می‌نمائید؟

امام فرمود: هرگز! من آن را به تو خواهم داد...

پس غلام قصه آن مرد خراسانی را به امام عرض کرد حضرت فرمود: اگر تو از خدمت به ما بی‌میل شده‌ای و آن مرد رغبت به خدمت ما کرده پس ما قبول کردیم او را و تو را آزاد کردیم.

وقتی غلام قصد رفتن کرد امام او را طلبید و فرمود: به جهت طول خدمت در نزد ما یک نصیحتی تو را بکنم آن وقت آزادی در کار خود و آن این است که وقتی روز قیامت شود رسول خدا صلی الله علیه و آله به نور خدا متصل باشد و امیرالمؤمنین به رسول خدا و ائمه علیهم السلام به امیرالمؤمنین و شیعیان ما به ما، پس داخل شوند در جائی که ما داخل شویم و وارد شوند آنجائی که ما وارد شدیم غلام چون این را شنید عرض کرد من از خدمت شما جایی نمی‌روم. سپس نزد مرد خراسانی رفت و سخن امام را برای او گفت و از پیشنهاد او انصراف داد...^۲

۱. بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۹۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵، ص ۸۷، حدیث ۳.



کشته شود ولی خدا را بدون ولایت ما ملاقات کند بر خداوند شایسته است که او را به روی دماغش در آتش افکند.^۱

۵۹۲. فریادرس علی ست

مرحوم عالم عزیز حضرت محدث کبیر شیخ عباس قمی «ره» در کتاب شریف و وزین و گرانقدر منازل الاخرة حکایتی را در باب اثر وضعی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در قیامت آورده که:

سید بزرگ بهاءالدین سید علی بن سید عبدالکریم نیلی نجفی که مناقبش بسیار است و او شاگرد شیخ شهید و فخرالمحققین است در کتاب انوارالمضیئة در ابواب فضایل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مناسبتی این حکایت را از پدرش نقل کرده که در قریه نیله که روستای خودشان بود شخصی زندگی می کرد که تولیت مسجد آن روستا با او بود روزی از خانه بیرون نیامد او را طلبیدند عذر آورد که نمی توانم وقتی تحقیق کردند معلوم شد که بدن او به آتش سوخته منهای دو طرف رانهای او تا طرف زانوها که از سوختن محفوظ مانده و دیدند که درد سوختگی او را بی قرار کرده سبب آن را از او پرسیدند گفت: در خواب دیدم که قیامت برپا شده و مردم در گرفتاری بزرگی هستند و بسیاری به آتش می روند و من از آن کسانی بودم که به بهشت فرستاده شدم همین که رو به بهشت می رفتم به پلی رسیدم که عرض و طول آن بزرگ بود گفتند که این صراط است پس ما از آن عبور کردیم و هرچه از آن را طی می کردیم عرضش کم و طول آن بسیار می شد تا این که مثل تیزی شمشیر شد نگاه کردم در زیر آن دیدم که وادی بسیار بزرگی است و در آن آتش سیاهی است و در آن جمرههایی مثل قله کوهها و مردم بعضی نجات می یابند و بعضی در آتش می افتند و من پیوسته میل می کردم از طرفی به طرف دیگر مثل کسی که بخواهد بیفتد تا این که خود را به آخر صراط رسانیدم به آنجا که رسیدم نتوانستم خود را نگه دارم و در آتش افتادم و فرو رفتم در میان آن پس خود را رساندم به کنار وادی هرچه دست انداختم دستم به جایی بند نشد و آتش مرا به پایین می کشید و من استغاثه و فریاد می کردم، عقل از سر من پریده بود، بعد ملهم شدم به آنکه گفتم:

۱. وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۹۴.



پراکنده خواهند شد همگی آن‌ها در آتشند مگر یک فرقه که آنان شیعیان و پیروان علی و فرزندان آن حضرتند.^۱

و در حدیثی دیگر فرمودند: یا علی! امت من به زودی سه فرقه می‌شوند. دسته اول: فرقه‌ای از تو پیروی و اطاعت کرده و تو را دوست می‌دارند، آنان مؤمنان هستند. دسته دوم: فرقه‌ای که با تو دشمنی می‌کنند آنان ناکثین و مارقین و قاسطین می‌باشند. دسته سوم: درباره تو غلو کرده، آنان گمراهانند، تو و پیروانت در بهشت برین خواهید بود.

۵۹۵. دعایی جامع

قال الامام علی بن الحسین: «اللهم لاتسلبنی عنی ما انعمت علیّ به من ولایتک و ولایة محمد و آل محمد».

امام سجاد به خداوند عرض می‌نماید: خداوند! آن نعمت و ولایت و دوستی خود و دوستی و ولایت محمد و آل محمد که بر من ارزانی داشتی را از من مگیر.^۲

۵۹۶. عبادت ۱۰۰۰ سائله بی‌ارزش

مسیربن عبدالعزیز که یکی از یاران و شیعیان راستین است می‌گوید: به حضور امام صادق رفته و عرض کردم:

در همسایگی ما مردی زندگی می‌کند که من شب برای نماز بیدار نمی‌شوم مگر از صدای او که گاهی مشغول قرائت قرآن است و آیات آن را مکرر می‌خواند و زار زار گریه می‌کند و گاهی به مناجات و دعا مشغول است من از حال او به جستجو پرداختم گفتند: او شخصی است که از همه گناهان پرهیز می‌کند، امام فرمود: آیا آنچه را که تو به آن اعتقاد داری (قبول ولایت و امامت) او نیز اعتقاد دارد؟ عرض کردم: تحقیق نکرده‌ام خدا بهتر می‌داند.

۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۶۲۱

۲. الصحیفه الرابعه للنوری، ص ۱۳۲، جهت خواندن در قنوت نمازها دعای مناسبی است.

«اللهم اخرج حبّ الدنیا من قلوبنا و ردّ فی قلوبنا محبة امیرالمؤمنین».



پنجم این که: هرگز از ایمان به کفر و از عصمت و خویشن‌داری و عفت و پاکی به ناپاکی بر نمی‌گردد.^۱

۵۹۸. برادر رسول الله ﷺ

جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: دو هزار سال پیش از آن که پروردگار زمین و آسمان را بیافریند بر در بهشت نوشته شده بود: محمد رسول خداست و علی هم برادر اوست.^۲

۵۹۹. ستاره صبح درخشانده

عن انس بن مالک - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله ﷺ: «علی بن ابی طالب یزهر فی الجنة لکوکب الصبح لاهل الدنیا».

انس گوید که رسول خدا ﷺ فرمود: علی بن ابی طالب در بهشت مانند ستاره صبحی است که برای مردم دنیا می‌درخشد و روشنی می‌دهد.^۳

۶۰۰. آماده ورود به بهشت

عبدالله بن مسعود گوید:

رسول خدا ﷺ فرمود: «قل لمن احب علیا یتھیا لدخول الجنة».

بگو به کسی که علی را دوست می‌دارد آماده رفتن به بهشت گردد.^۴

۱. کنز العمال، ج ۶ ص ۴۰۳ - ریاض النظره، ج ۲، ص ۲۰۳ - حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۲۱۱ - مسند امام احمد بن حنبل.

۲. مناقب ابن المغازلی الشافعی، متوفی ۴۸۳، ص ۹۱.

۳. فردوس الاخبار دیلمی - کنز العمال، ج ۶ ص ۱۵۳ - فیض القدیر، ج ۴، ص ۳۵۸ - ینابیع الموده، ص ۲۸۴ - مناقب ابن المغازلی، ص ۱۴۰ حدیث ۱۸۴ و صواعق ابن حجر.

۴. ینابیع الموده، ص ۱۸۰.



۶۰۵. نشانه بی‌دینی

رسول خدا ﷺ فرمود: «یا ایها الناس من آذی علینا فقد آذانی...».
هان! ای مردم هر کس علی را بیازارد مرا آزرده است. هان ای مردم! هر کس علی را بیازارد در روز قیامت یهودی و یا نصرانی محشور می‌شود.^۱
و در روایتی دیگر فرمودند: هر کس بمیرد در حالی که در دل او کینه علی بن ابی طالب باشد یهودی و یا نصرانی از دنیا برود.

۶۰۶. غذای بهشتی مخصوص

رسول خدا ﷺ فرمود: «ان فی الجنة لطیرا مثل البخت...».
در بهشت پرنده‌ای است شبیه بخت^۲ که گوشتش از کره نرم‌تر و از عسل مصفی شیرین‌تر است، اول کسی که آن را تناول می‌کند علی بن ابی طالب است.^۳

۶۰۷. قسم خداوند را باور کن

رسول خدا ﷺ به امام علی فرمود: «یا علی! انت اول من یجوز الصراط معی...».
ای علی! تو نخستین کسی هستی که همراه من از صراط عبور می‌کند خداوند متعال به عزت خود سوگند یاد کرده که از گردنه صراط احدی عبور نکند جز اینکه مجوز ولایت تو و امامان از نسل تو را همراه داشته باشد.^۴

۶۰۸. همراه علی باش

رسول خدا ﷺ فرمود: «ستكون من بعدی فتنه فاذا كان ذلك فالزموا علی بن ابی طالب فانه اول من یرانی واول من یصافحنی یوم القیامة وهو معی فی السماء الاعلی وهو الفارق من الحق والباطل».

۱. الفردوس بما ثور الخطاب، ج ۴، ص ۱۵۳. (از اهل سنت)
۲. بخت به اشتران خراسانی گفته می‌شود و در اصل واژه‌ای است فارسی که وارد لغات عربی شده است، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۲۸.
۳. مناقب علی بن ابی طالب - الواسطی الشافعی علی بن محمد ابن مغازی، ص ۱۳۸. (از اهل سنت)
۴. بحار الانور، ج ۳۸، ص ۱۴۰.



را بشناسد و به شایستگی از آن‌ها اطاعت کند در روز قیامت به او گفته می‌شود گوارا باد بر تو انتخاب هر کدام از منازل بهشت برین.^۱

۶۱۲. پایبندی و اطاعت

مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب جواهر می‌نویسد: رسول خدا ﷺ در حدیثی طولانی از قول خدای سبحان نقل فرمود که: هر کس از شما مرا ملاقات کند در حالی که گواهی دهد خدایی جز خدای یکتا نیست و شریکی ندارد، و محمد بنده و فرستاده اوست، در گفتارش راستگو و در اعمالش بر حق باشد و علی بن ابی طالب را برادر پیامبر و وصی بعد از او بداند و آن حضرت ولی او باشد و اطاعتش را ملتزم شود همان طور که اطاعت رسول خدا ﷺ لازم است و بعد از او امامان برگزیده پاک که با برهان و دلیل روشن معرفی شده‌اند را اطاعت نماید او را داخل بهشت می‌نمایم اگرچه گناهانش به اندازه کف دریا باشد.^۲

۶۱۳. بدترین عذاب دوزخ

قال رسول الله ﷺ: «أَنَّ النَّارَ لَأَشَدُّ غَضَبًا عَلَىٰ مَبْغُضٍ عَلَىٰ مَنْهُمْ عَلَىٰ مَنْ زَعَمَ أَنَّ لِلَّهِ وَلَدًا». فرمود: همانا آتش سخت‌گیرتر است بر دشمنان علی علیه السلام از افرادی که گمان می‌برند برای خداوند فرزندی هست.^۳

۶۱۴. راه نجات

رسول خدا ﷺ فرمود:
یا علی! سوگند به خداوند، پس سوگند به خداوند، پس سوگند به خداوند، اگر مردی وارد قیامت شود در حالی که گناهان او از برگ درختان و قطره‌های باران و همچنان از سنگ ریزه‌ها و کلوخ‌ها، بیشتر باشد سپس ملاقات نماید خداوند را با دوستی و محبت تو و اهل بیت تو خداوند او را وارد بهشت خواهد نمود.

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۳۳۰ حدیث ۱۹۳ و تفسیر برهان ج ۳، ص ۲۴۵ حدیث ۳.

۲. جواهر السنیه.

۳. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۱۶۰.

قال رسول الله ﷺ: «والله ثم والله ثم والله لو انَّ الرجل جاء يوم القيامة وذنوبه اكثر من ورق الشجر وقطر المطر وما في الارض من حجر او مدر ثم لقي الله محبا لك...»^۱.

❖ ۶۱۵. کسب سعادت مندی ❖

امام صادق (ع) فرمود:

به خدا سوگند اگر بت پرستی موقع جان دادن بگوید و اقرار نماید آنچه را که شما می‌گویید و اقرار دارید به ولایت، آتش به پیکر و جسم او طمع نخواهد کرد.^۲

❖ ۶۱۶. کسب امان ابدی و دائمی ❖

قال رسول الله ﷺ: «من احب عليا في حياته وبعد موته كتب الله عزوجل له الا من والايمان ما طلعت شمس او غربت ومن ابغضه في حياته وبعد موته مات ميتة جاهلية وحوسب بما عمل».

رسول خدا (ع) فرمود:

هر کس علی را در زمان حیات آن حضرت و بعد از وفاتش دوست بدارد خداوند عزوجل تا زمانی که خورشید طلوع و غروب می‌کند برای او ایمنی (از عذاب) و (ثبات) ایمان می‌نویسد و هر کس در زمان حیات علی (ع) و یا بعد از وفاتش نسبت به آن حضرت بغض و کینه ورزد به مرگ جاهلیت خواهد مرد و همه کردار و رفتارش حسابرسی می‌شود.^۳

❖ ۶۱۷. راه قبولی اعمال ❖

امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که بنده در برابر خداوند متعال بایستد اولین سؤالی که از او می‌شود درباره نمازهای واجب، زکات واجب، روزه واجب، حج واجب، و ولایت ما اهل بیت است. پس اگر با اعتراف به ولایت ما از دنیا رفته باشد نماز و روزه و زکات و حجش پذیرفته می‌شود.^۴

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۴۸. (اهل سنت)

۲. کتاب طهارة محقق همدانی، ص ۳۴۷.

۳. امالی صدوق، ص ۱۸۲.

۴. امالی صدوق، ۲۱۲، ۱۰.



۶۱۸. در جوار رحمت خداوند

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال به مؤمن تضمین داده است که اگر به خدائی او و پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و امامت علی علیه السلام اعتراف کند و تکالیف او را به جا آورد وی را در جوار خود سُکنا دهد.^۱

۶۱۹. شفاعت مقبول

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت من شفاعت می‌کنم و شفاعتم پذیرفته می‌شود و علی شفاعت می‌کند و شفاعتش پذیرفته می‌شود و اهل بیتم نیز شفاعت می‌کنند و شفاعتشان پذیرفته می‌شود.^۲

۶۲۰. اثر وضعی محبت

حارث همدانی در ظهر یکی از روزها به نزد امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام رفت. حضرت پرسید: چه چیز باعث شد که به اینجا بیایی؟
عرض کرد: به خدا قسم علاقه به شما.
حضرت فرمود: اگر راست بگویی بی‌گمان مرا در سه جا خواهی دید:
۱. یکی آنجا جانت به گلویت رسد.
۲. هنگام عبور کردن از صراط.
۳. و در کنار حوض کوثر.^۳

۶۲۱. به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بخشیده می‌شوند

علی بن عیسی از کتاب کفایه الطالب نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود:
در روز قیامت وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌بیند شیعیان و دوستان ما را از حوض کوثر برمی‌گردانند گریه می‌کند و می‌گوید: پروردگارا شیعیان علی را دریاب.

۱. توحید صدوق، ص ۱۹.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۳.

۳. الدعوات الراوندی، ۲۴۹.



منادی از جانب خداوند سبحان ندا می‌دهد ای اهل محشر این علی بن ابی طالب خلیفه و جانشین خدا در روی زمین و حجت او بر بندگانش می‌باشد پس هر کس در دنیا ریسمان ولایت او را گرفته امروز نیز متعلق به اوست.

بدانید هر کس از هر امامی که پیروی نمود امروز هم پیرو و تابع اوست او هر کجا رفت این هم می‌رود.

۶۲۴. عامل رستگاری در دنیا و آخرت

سلمان فارسی می‌گوید: من و رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که علی علیه السلام به ما پیوست در این هنگام پیامبر خدا ﷺ مشتی ریگ به کف دست حضرت گذاشت و حضرت آن‌ها را در دست خود نگاه داشت و به محض این که ریگ‌ها را به کف گرفتند ریگ‌ها به صدا آمدند و گفتند:

«لا اله الا الله، محمد رسول الله، رضیت بالله ربا و محمد نبیا و بعلی ولیا».

سپس پیامبر ﷺ فرمود: هر کس از شما صبح کند و به ولایت علی علیه السلام راضی باشد از خوف خداوند عذاب او در امان می‌باشد.^۱

۶۲۵. قسیم الجنة و النار

یکی از اصحاب علی علیه السلام گوید: روزی سلمان رضی الله عنه به حضور امیرالمؤمنین شرفیاب شد و درخواست کرد که آن حضرت راجع به شخصیت خود بیاناتی فرماید. امام علی علیه السلام فرمود: ای سلمان! من آنم که همه مردم به اطاعت از فرمان من خوانده شده‌اند و چون سر به کفر برداشتند، در آتش دوزخ گرفتار گردیدند و اینک من خازن و نگهبان جهنم و عذاب آنانم. ای سلمان به تحقیق به تو بگویم که هیچ کس نیست که حق مرا بشناسد، مگر آنکه در ملاً اعلی در کنار من خواهد بود. سلمان گوید: در این هنگام، حسنین علیه السلام وارد شدند. امیرالمؤمنین فرمود: ای سلمان، این دو، گوشواره‌های عرش پروردگارتند و بهشت به نور ایشان، روشن می‌شود و مادرشان بهترین زنان عالم است. خداوند از همه مردمان بر ولایت من، پیمان گرفته. گروهی تصدیق و گروهی تکذیب

۱. مناقب آل ابی طالب علیه السلام، نوشته مرحوم ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۲، ص ۳۲۶.



کردند و نشستند و مدتی ساکت بودند، چون سکوت آنان طول کشید امام مقداری با آنها سخن گفت و آنها گوش می‌دادند، سپس آن بزرگوار دستور داد غذا آوردند و فرمود: «حمد می‌کنم خدا را که برای هر چیزی حدود و مقرراتی قرار داده که به آن برگشت می‌کند حتی برای این غذا هم حدودی قرار داده که باید رعایت شود».

عمر بن ذر گفت: مقررات آن چیست؟

فرمود: وقتی گذاشته می‌شود باید بسم‌الله گفت و وقتی برداشته می‌شود باید حمد پروردگار عالم نمود.

پس از آن دستور داد آب آوردند، وقتی کوزه آبرو بدست آن حضرت دادند باز همان جمله را که درباره غذا فرموده بود تکرار کرد. عمر بن ذر گفت: دستورات آب آشامیدن از این کوزه چیست؟ امام باقر علیه السلام فرمود: موقع آشامیدن بسم‌الله گفته شود و پس از آشامیدن شکر و حمد خدا شود و از محل دسته و جای شکسته آن نباید آب آشامید.

سپس فرمود: ای ابن ذر، تو هم سخنی بگو. عمر بن ذر که سخت تحت تأثیر حقیقت ولایت و بیانات آن حضرت قرار گرفته بود و جرأت نمی‌کرد چیزی بگوید (چون می‌ترسید باعث رسوائی او شود) از روی ناچاری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که آن حضرت در آخرین مجلسی در مسجد با یارانش حدیثی را بیان فرموده بود، خواند که: «انی تارك فيكم الثقلين احدهما اكبر من اخذ كتاب الله واهل بيته ان تمسكتم لن تضلوا» یعنی: من از میان شما می‌روم و دو وزنه با عظمت را در میان شما می‌گذارم که یکی بزرگ‌تر از دیگری است، کتاب خدا، قرآن و اهل بیت و فرزندانم که اگر پیرو آنها باشید گمراه نمی‌شوید.

امام فرمود:

وقتی رسول خدا را ملاقات کردید (اگر از شما سؤال کرد چرا پیرو آنها نشدید) چه جواب می‌دهید؟

عمر که خوب متوجه اشتباه خود شده بود بی‌اختیار گریان شد و گفت: آن که بزرگ‌تر بود (قرآن) پاره کردیم و آنچه کوچک‌تر بود را کشتیم. امام باقر علیه السلام فرمود: خیال می‌کنی این پاسخ درست و قانع کننده است؟ به خدا سوگند نه.

پس امام برای آنکه خوب آنها را متوجه کج رویشان کند فرمود: «لا تزول قدم



(انگشت) بیعت کند، و در حالی که تو را دوست می‌داشته بمیرد حقا به عهد و به تکلیف خود عمل نموده و هرکس در حالی که تو را دشمن بدارد و بمیرد همانا به مرگ دوران جاهلیت مرده است.... و اگر در حالی که تو را دوست می‌دارد پس از تو زنده بماند، آن وقت که خورشید طلوع و غروب می‌کند خداوند کارهای او را به امن و ایمان پایان خواهد داد.

۶۲۸. بزرگ ما علی است

مرحوم علامه طباطبائی می‌فرماید:

در کربلا، واعظی بود به نام سید جواد که ساکن آن دیار با صفا بود، ولی در ایام محرم و سوگواری در قصابات و نواحی دور دست به تبلیغ می‌پرداخت، مسائلی دینی را برای مردم می‌گفت و نماز جماعت اقامه می‌نمود.

در یکی از روستاها که همه اهالی آن مذهب سنی داشتند، با پیرمرد نورانی که محاسن سفید داشت برخورد نمود، یک روز باب گفتگو را با این کهنسال نیکو سرشت باز کرد و از او پرسید: شیخ شما کیست؟ پیرمرد در پاسخ گفت: شیخ ما مرد قدرتمندی است که چقدر خدَم و حَشَم و قبیله و عشیره و تیرانداز دارد، سیدجواد گفت: به، به این شیخ و رئیس قبیله شما، چه مرد متمکنی است! پیرمرد بعد از این گفتگوی کوتاه رو کرد به سیدجواد و گفت: شیخ شما کیست؟ او پاسخ داد: شیخ ما یک آقای است که هرکس هر حاجتی داشته باشد برآورده می‌کند اگر در مشرق عالم باشی و او در مغرب و یا برعکس اگر گرفتاری یا پریشانی برایت پیش آید و او را فراخوانی به سراغت آمده و مشکل تو را حل می‌کند.

پیرمرد گفت: به‌به! عجب شیخی است، شیخ خوب است این طور باشد، اسمش چیست؟

سیدجواد گفت: شیخ علی (شیخ در نزد مردم عادی عرب، بزرگ طایفه را گویند و منظور شیخ جواد از لفظ شیخ علی، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است) دیگر در این باره سخنی به میان نیامد و آن‌ها از هم جدا شدند و سیدجواد هم به کربلا بازگشت؛ اما آن پیرمرد از لفظ شیخ علی خیلی خوشش آمده بود و مدام در اندیشه‌اش بود. پس از مدت‌ها



دست بردارید که معاند نیست و این طور تربیت شده است و دستور دادند دو فرشته دیگر بیایند و عقاید مرا کامل کنند و این دو نفری که روی نیمکت نشسته‌اند همان دو فرشته می‌باشند؛ وقتی عقاید اصلاح شد اجازه دارم وارد آن باغ شوم.^۱

۶۲۹. پیشروان اهل بهشت

ابن عباس از رسول خدا ﷺ تفسیر آیه شریفه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ...»^۲ را پرسید: رسول خدا فرمود: آن اشاره به علی و شیعیان او است که پیشگام در رفتن به بهشت هستند.^۳

در روایتی از امام صادق آمده است که به جمعی از پیروان خود خطاب کردند و فرمودند: «انتم السابقون الاولون والسابقون الاخرون والسابقون في الدنيا الی ولایتنا وفي الاخرة الی الجنة». یعنی: شما سابقون نخستین و سابقون آخرین هستید در دنیا پیشگام در ولایت ما بودید و در آخرت پیشگام در بهشتید.^۴

۶۳۰. راه تقرب

ابن عباس می‌گوید: هنگام وفات رسول خدا ﷺ در کنار بستر آن بزرگوار بودم که حال احتضار به آن حضرت روی آورد من متوجه شدم که لب‌های آن وجود مقدس متحرک می‌باشد نزدیک رفتم و گوش دادم تا بشنوم آن حضرت در حال احتضار چه می‌گوید شنیدم که می‌گوید: «اللهم انی اتقرب الیک بولاية علی بن ابی طالب».

من متوجه شدم که آن حضرت دارای چه مقام عظمی است که رسول خدا ﷺ از خداوند برای نزدیکی به ولایت علی متوسل می‌شود.^۵

۱. معادشناسی، ج ۳، صص ۱۱۸ - ۱۱۳.

۲. واقعه، ۱۰.

۳. شواهد التنزیل، ص ۲۱۵، ح ۹۲۷.

۴. تفسیر صافی ذیل آیه ۱۰ از سوره واقعه.

۵. فضائل الصحابة، نوشته احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۶۶۲ حدیث ۱۱۲۹.



عدن است و وسعت آن به قدر فاصله مشرق تا مغرب است می آید و یکی از حلقه‌های در آن را حرکت می‌دهد.

و در حالی که خداوند داناتر است به رسولش گفته می‌شود این چه کسی است؟ رسول خدا می‌گوید: منم. گفته می‌شود در را به روی او باز کنید در را باز می‌کنند.

رسول الله ﷺ می‌گویند چون نظرم به پروردگارم افتد چنان تمجیدی از او نمایم که هیچ یک از کسانی که قبل از من آمده‌اند چنین نکرده باشند... پس از این به حال سجده می‌افتم روی خاک.

خداوند می‌فرماید:

سرت را بردار هرچه بخواهی بخواه که گفتارت قبول است و شفاعت کن که شفاعت تو پذیرفته است و سؤال کن که هرچه بخواهی به تو عنایت خواهد شد. و چون سر از سجده بردارم چنان تمجیدی نمایم که از مرتبه اول بهتر و شایسته‌تر باشد و باز برای بار دیگر به سجده بیفتم.

خداوند می‌فرماید: سرت را بردار و هرچه می‌خواهی بخواه که....

و چون من سر از سجده دوم بردارم چنان تمجیدی نمایم که از مرتبه اول و دوم شایسته‌تر است و باز به سجده بیفتم.

خداوند می‌فرماید: سرت را بردار و هرچه می‌خواهی بخواه که...

چون سر از سجده بردارم می‌گویم: بار پروردگارا! در میان بندگان گریه به سوی آتش هم شده حکمت را صادر فرما.

خداوند می‌فرماید:

آری ای محمد و در این حال ناقه‌ای را می‌آورند که خودش از یاقوت سرخ و زمامش از زبرجد سبز است من سوار می‌شوم و در مقام محمود می‌آیم تا در آنجا قضاوت و حکم کنم...

و پس از این ابراهیم را می‌خواند و او نیز بر روی چنین ناقه‌ای سوار می‌شود و می‌آید تا در طرف راست رسول خدا ﷺ می‌ایستد.

در این حال رسول خدا ﷺ دست خود را بلند کرد و بر کتف علی بن ابی طالب ﷺ زد و



و بعد از آن علی بن الحسین علیه السلام می ایستد...

و سپس ولید بن عبدالملک می ایستد و به دنبال او پیروان او می روند در آتش و بعد محمد بن علی علیه السلام می ایستد و به دنبال او پیروان او می روند و پس از آن می ایستم و به دنبال من پیروان من می روند و گویا می بینم که شما دو نفر (مفضل بن عمر و خیثمة جعفی) با من هستید...^۱

«اللهم ارزقنی شفاعة الحسین یوم الورد».

۶۳۲. وسیله ای برای نیکبختی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه از پروردگار خویش برای من درخواستی نمودید از او وسیله بخواهید؛ از آن حضرت پرسیدم وسیله چیست؟ فرمود: آن نردبان (مقام و مرتبه) من در بهشت است که هزار پله دارد و بین هر پله آن به اندازه یک ماه دویدن اسب فاصله می باشد، و پله های آن از انواع گوهرهای گرانبه است پله ای از زبرجد (یک قسم آلومین رنگ مانند زمرد به رنگ زرد یا سبز) پله ای از یاقوت، و پله ای از طلا و پله ای از نقره، روز رستاخیز آن را می آورند که در کنار نردبان سایر پیامبران بر پا سازند، و آن در بین نردبان های ایشان همچون ماه در میان اختران است در آن روز هر پیغمبر و انسان نیکوکار مخلص و شهیدی حتماً می گوید: خوشا به حال شخصی که این نردبان از آن اوست، آنگاه از جانب خدا آوازی آید که آن را تمامی پیامبران و همه آفریدگان بشنوند و می گوید: این درجه (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله است. و من در حالی که لباسی از نور در بر، و تاج سلطنت و دیهیم بزرگواری بر سر دارم به صحرای محشر گام نهم و علی بن ابی طالب درفش مرا که پرچم «حمد» است و نشان «لا اله الا الله، المفلحون هم الفائزون بالله»؛ (معبود به حقی نیست جز خداوند یکتا، رستگاران آنانند که به وصل خدا کامیاب شدند) بر آن نوشته شده در پیشاپیش من بر افراشته دارد هنگامی که از مقابل پیامبران بگذریم گویند: این دو فرشته مقربند تا به حال، اینان را نشناخته و ندیده ایم و چون از صفوف ملائکه بگذریم گویند: این دو پیامبر مرسلند همچنان به پیش می رویم تا به محل نصب آن نردبان برسیم، آنگاه من بر آن نردبان بالا روم و علی نیز از پی من آید تا بر بالاترین

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۱۰ تا ۳۱۳.



است. اگر بخواهد آن را به چپ و راست می کشاند، دوزخ در آن هنگام از تمامی مخلوقات از علی بیشتر فرمانبرداری می کند، و هرچه به او فرمان دهد اجرا می نماید.^۱

۶۳۳. شناخت مؤمن و کافر

امام باقر می فرماید:... امیرالمؤمنین فرمود: من در میان بهشت و دوزخ از طرف خدا مُقسّم هستم و کسی جز طبق تقسیم من به بهشت یا دوزخ نرود من پیشوای مردم پس از خود و رساننده از جانب پیش از خود (رسول خدا) می باشم کسی جز احمد بر من پیشی ندارد و من و او در یک روش هستیم.

جز این که نبوت تنها به نام اوست.

به من شش فضیلت عطا شده است:

۱. علم آجال و مرگها؛ ۲. علم بلاها؛ ۳. علم وصایا (آنچه اوصیاء پیامبران می دانند)؛
۴. فصل الخطاب (قرآن یا داوری میان حق و باطل)؛ ۵. و من صاحب کزات (حمله های مکرر و مشهور در میدان جنگ یا عالم به حوادث گذشته و آینده)؛ ۶. و من صاحب عصا و میسم و جنبده ای که با مردم سخن گوید می باشم (عصا چوب دستی مخصوصی است که از پیامبران به اوصیائشان رسیده و آن کنایه از قدرت و تصرف است و امامیسم در لغت به معنی آلت نشانه گذاری است و آهنی است که به وسیله آن گوسفند را داغ می کنند تا با گوسفندان دیگر اشتباه نشود صاحب عصا و میسم یعنی او چوپان و گله دار امت است بعد از رسول خدا).

از بعضی روایات استفاده می شود که امیرالمؤمنین در قیامت ابزاری در دست دارد که میان دو چشم اهل ایمان علامت مؤمن و میان دو چشم کفار علامت کافر را می گذارد.^۲

۶۳۴. شفاعت مرا از آن ها دور کن

امام باقر می فرماید: که رسول خدا فرموده است:

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۶۹ تا ۲۷۳.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۸۴.



تجهیز او رفت و پیراهن مبارک خود را داد تا او را کفن کنند و در تشییع جنازه او با پای برهنه آهسته قدم برمی داشت و در نماز او هفتاد تکبیر گفت و در قبر او خوابید و بعد از آن به دست مبارکش او را در لحد گذارد و شهادت و تلقین نمود و چون قبرش را پوشاندند و مردم خواستند برگردند سه مرتبه فرمود: پسر تو نه جعفر و نه عقیل!!

پسر تو علی بن ابی طالب!

مردم گفتند: یا رسول الله درباره این جنازه چند کار انجام داده‌اید که در مورد جنازه‌های دیگر نکرده‌اید؟

حضرت فرمود: این که من آهسته گام بر می‌داشتم برای کثرت و ازدحام ملائکه بود و هفتاد تکبیر گفتن از برای آن بود که هفتاد صف از ملائکه بر او نماز خواندند. و اما این که در لحدش خوابیدم برای آن بود که در حال حیات ایشان روزی فشار قبر را برایش گفتم و او گفت وای از ضعف در آن روز پس در لحدش خوابیدم که زمین بر او فشار نیورد و اما این که او را کفن کردم به پیراهن خودم، چون روزی در حال حیات برایش از قیامت گفتم که مردم عریان محشور می‌شوند گفت: وای از آن روز لذا او را به پیراهن خود کفن کردم تا در آن روز پوشیده محشور گردد و اما این که به او گفتم: فرزندت، برای این بود که دو ملک آمدند و از او در مورد خدایش سؤال نمودند و گفت: خداوند پروردگار من است. گفتند: پیامبر تو کیست؟

گفت: محمد ﷺ پیامبر من است گفتند: امام تو کیست؟ او شرم نمود از این که بگوید فرزندم علی ﷺ پس به او گفتم بگو: فرزند تو علی بن ابی طالب ﷺ و خداوند دیده‌اش را به این روشن نمود!

۶۳۶. تنها راه نجات

فی مجالس الصدوق علیه الرحمة

مسندا الى ابي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام عن ابيه، عن جده، قال؛ قال: رسول الله ﷺ من سرّه ان يجوز على الصراط كالريح العاصف ويلج الجنة بغير حساب فليتول وليي ووصيي وصاحبي وخليفتي على أهلي وامّتي على بن ابی طالب ومن سرّه ان يلج النار فليترك ولايته فو

۱. حق اليقين، ص ۳۹۸.



یا علی! تو و شیعیان واقعیات خیرالبریه یعنی بهترین بندگان خدا هستید، چون روز قیامت فرا رسید شما راضی و مرضی در صف محشر حاضر می شوید و دشمنان تو غضبناک و سرکوب شده می باشند.^۱

۶۳۹. اجازه ورود

ابوجعفر علیه السلام در تفسیر آیه کریمه «یوم يقوم الروح والملائكة صفا لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا» بیان کرد:

چون روز قیامت فرا رسد شعار «لا اله الا الله و محمد رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم» از قلبها همه محو می گردد مگر کسانی که اقرار به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام داشته باشند و این به سبب قول خدای سبحان «الا من اذن له الرحمن» است که خدای رحمان به آن کسانی که به ولایت علی علیه السلام اقرار داشته باشند اجازه دخول به بهشت می دهد.^۲

۶۴۰. خنده رویان بهشتی نسب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر آیه «وقفوهم انهم مسؤولون» فرمود: چون روز قیامت و رستاخیز فرا رسد من و علی علیه السلام بر صراط می ایستیم و هرکس که از مقابل ما عبور کند ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام از او سؤال می کنیم، اگر با ولایت علی علیه السلام زیسته باشد، نجات یابد و خندان بگذرد و اگر با ولایت علی علیه السلام بیگانه یا منکر و معاند باشد اجازه عبور نخواهد یافت و در آتش جهنم سرنگون خواهد شد.^۳

۶۴۱. معرفی علنی

روزی امیرالمؤمنین در سمت راست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک پله پایین تر روی منبر قرار داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بعد از حمد خداوند و... در مورد فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام صحبت فرمودند. سپس فرمودند:

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۶۰.
 ۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۲۰.
 ۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۷۷.

ای مردم! من کوتاهی نکردم در تبلیغ آنچه خدا بر من نازل کرده زیرا جبرئیل سه بار بر من نازل شده تا در این مکان اعلام کنم علی بن ابی طالب (ع) وصی و جانشین و امام بعد از من است.

بعد بازوی علی (ع) را گرفت و علی (ع) دستان مبارکش را به طرف حضرت بلند کرد و رسول خدا (ص) دست آن حضرت را بالا برد و فرمود: هر که من مولی و صاحب اختیار او هستم پس از من علی مولی و صاحب اختیار اوست...

منابع مربوط به ماجرای غدیر در کتب شیعه زیاد می باشد که از جمله غایه المرام علامه بحرانی، اثبات الهداة شیخ حر عاملی، عبات الانوار علامه میرحامد حسین هندی از جمله آنها و در کتب اهل سنت نیز تفسیر کبیر رازی ذیل آیه ابلاغ و تفسیر الدر المنثور سیوطی و خصائص نسائی و اسباب النزول واحدی و نورالابصار شبلینجی از جمله آنهاست.

به محل غدیر، جحفه، خرار و غربه نیز می گویند منطقه غدیر در سال های کم آب عربستان نیز خشک نمی شود که به این جهت به آن عین الغدیر نیز می گویند. سه قلعه مخروبه در اطراف غدیر وجود دارد که بنابر کتب موجود بعد از شهادت امام علی (ع) فرزندان و شیعیان و اصحاب آن حضرت در مکان های مختلف متفرق شدند که از جمله این اماکن در کنار غدیر خم بوده است.

اسامی زیادی برای روز غدیر وجود دارد (حدود ۸۰ اسم) که از آن جمله: یوم العهد المعهود، عید الله اکبر، یوم الفضل، یوم دحر الشیطان، یوم البشاره، یوم عید شیعتنا، افضل الاعیاد، یوم العطیه، یوم التبسم، یوم النبأ العظیم، یوم نشر العلم، اشرف الاعیاد می باشد. روز عید غدیر برابر با عید نوروز ایرانیان است و با روز بیعت مردم با امیرالمؤمنین پس از ۲۵ سال نیز یکی بوده است. و با روزهای نجات دادن خداوند ابراهیم را از آتش نمرود یکی بوده است. و در این روز حضرت عیسی وصایت شمعون صفا وصی خود را علنی کرد و به یوم ادریس و یوم هود و یوم شعیب و روزی که رسول خدا بین اصحاب خود عقد اخوت بست و روز پیروزی موسی بن عمران بر فرعون و ساحران نیز می باشد.



۶۴۲. حق نزد ماست

امام حسنؑ فرمود: به راستی که ابوبکر و عمر تمام توجه خود را در این امر (خلافت) به کار بردند (و آن را از دست ما ربودند) و حال آن که تمامی اختیارات آن از آن ما است.

پس بدون دخالت دادن ما، آن را به دست گرفتند و برای ما سهمی مانند سهم جده (که در نظر ابی بکر به خلاف نص قرآن اصلاً سهمی ندارد) قرار دادند. هان به خدا سوگند در آن روزی که مردم شفاعت ما را می طلبند آنان شدیداً در گیر نجات خود از غم و اندوهی هستند که آن‌ها را احاطه کرده است.^۱

۶۴۳. راه روشن خداوند

جابر گوید: از حضرت باقرؑ پرسیدم درباره تفسیر این آیه «وَلئن قتلتم فی سبیل اللّٰه اومتّم» و اگر در راه خدا کشته شوید، یا بمیرید...^۲ فرمود: آیا تو می دانی راه خدا کدام است؟

گوید: عرض کردم، نه به خدا قسم مگر آن که آن را از شما بشنوم. فرمود: راه خدا و «سبیل اللّٰه» علیؑ و فرزندان او می باشند، کسی که در راه ولایت او کشته شود، در راه خدا مقتول گردیده و هر کس که در ولایت علیؑ بمیرد در راه خدا جان داده است.^۳

۶۴۴. حامل پرچه حمد علیؑ است

وقتی رسول خداﷺ مسلمانان را با هم برادر ساخت و بین آن‌ها صیغه برادری جاری کرد و به علیؑ فرمود: ای علی! تو برادر منی و تو نسبت به من همچون هارونی نسبت به موسی جز این که بعد از من پیغمبری نمی آید.

ای علی! اول کسی که در روز قیامت خوانده شود منم، که در سمت راست عرش می ایستم و حله سبزی از حله های بهشتی می پوشم و پس از آن پیغمبران الهی را یک به یک دنبال هم فرا می خوانند و آن‌ها در دو صف، سمت راست عرش خداوند در زیر سایه آن می ایستند و جامه های سبز بهشتی بر تن می کنند.

۱. امالی مفید، ص ۶۱

۲. آل عمران، ۱۵۷.

۳. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۳۷۳.



بایستی بعد امر می فرماید به دو ملک که آن‌ها بنشینند پایین تر از تو، پس وقتی ما بر منبر می رویم خلق اولین و آخرین حاضر شوند.

آنگاه ملکی که پایین تر از تو نشسته ندا سر می دهد ای مردم هر که مرا می شناسد که می شناسد، اما هر که مرا نمی شناسد بداند که من نگهبان بهشتم همانا خداوند به من امر کرده که کلیدهای بهشت را به محمد ص بدهم و محمد ص مرا امر فرموده که آن‌ها را بدهم به علی بن ابی طالب پس مردم شما را شاهد می گیرم در این مورد سپس نگهبان جهنم که پایین تر از آن ملک بهشت است همانند ملک بهشت همان گوید و عمل کند علی ع فرمود: پس من می گیریم کلیدهای بهشت و دوزخ را، سپس رسول خدا ص فرمود: یا علی! تو متوسل به من می شوی و اهل بیت تو متوسل به تو خواهند شد و شیعیان تو متوسل به اهل بیت تو می شوند.

امیرالمؤمنین فرمود:

اصبغ من دست‌های خود را بر هم زدم و گفتم یا رسول الله پس ما به سوی بهشت می رویم. حضرت فرمود: به خدای کعبه سوگند بله به بهشت می رویم. اصبغ گفت: این آخرین حدیثی بود که از مولای خود علی ع شنیدم آنگاه او به شهادت رسید.^۱

❖ ۶۶. سیئاتی که به حسنات تبدیل می شود ❖

پیغمبر اکرم ص لشکری را به فرماندهی حضرت علی ع برای یکی از غزوات فرستاد، پس از پیروزی در جنگ و در موقع تقسیم غنائم امیرالمؤمنین ع قصد داشت کنیزی را با سهمی از غنائم که نصیب حضرتش می شد خریداری نماید.

حاطب بن ابی بلتعه و بریده اسلمی حيله کردند و قیمت کنیز را زیاد کردند و در موقع برگشت به مدینه آن دو نفر به حضور پیغمبر اسلام ص آمدند و شروع به سعایت و بدگوئی علی ع کردند و به پیامبر ص عرض کردند: علی ع کنیزی را خریداری کرده و قیمت آن را از غنائم مسلمانان پرداخت کرده است.

پیغمبر اسلام ص سخت خشمناک شد و رنگ چهره مبارکش تغییر کرد و اعضاء بدنش به لرزه افتاد، آنگاه فرمود: ای بریده! چگونه رسول خدا را اذیت می کنی و حال آن که امروز شنیدی آیه «ان الذین یؤذون الله ورسوله» بعد حضرت تا آخر آیه را قرائت فرمود.

۱. منتهی الامال، فصل زندگی امیرالمؤمنین علی ع.



جمع را می دانستیم ولی حسنات و خوبی های آن ها را نفهمیدیم خطاب می رسد اینها دوستداران علی علیه السلام بودند، چون آن ها علی علیه السلام را دوست داشتند ما هم ایشان را به دوستی خود پذیرفتیم و به دوستی و محبت علی علیه السلام گناهان ایشان را بخشیدیم و سیئات آن ها را به حسنات تبدیل کردیم و بهشت را به آن ها واجب کردیم.^۱

۶۴۷. هفت حجت بالغه

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمود: یا علی! من برای تو حجت می آورم و حجت نبوت من است و تو برای مردم خویش حجت می آوری و حجت برای آنان هفت حجت خواهد بود، برپا داشتن نماز، پرداخت زکوة، نیکی کردن و از بدی باز داشتن و دادرسی در میان رعایا و تقسیم بیت المال به طور مساوی و اطاعت خدای عزوجل و رها نکردن دستور خداوند.

ای علی! مگر نمی دانی که در روز قیامت ابراهیم به نزد ما می آید و طبق دعوتی که می شود بر جانب عرش می ایستد سپس جامه های بهشتی بر تنش می کنند و با زیور بهشتی اش بیاریند ناودانی زرین از بهشت برای او روان گردد که آبی شیرین تر از عسل و سفیدتر از شیر و سردتر از یخ از آن فرو می ریزد و من نیز دعوت شوم و بر جانب چپ عرش می ایستم و رفتاری که با ابراهیم شد با من نیز همان شود سپس تو ای علی خوانده شوی و با تو نیز چنین کنند.

یا علی! آیا راضی نیستی که همزمان با دعوت من تو نیز دعوت شوی و چون مرا بپوشانند تو را نیز بپوشانند و چون مرا بیاریند تو را نیز که خدای عزوجل به من دستور داده که تو را به خود نزدیک کنم و از خود دورت نسازم و بی دریغ به تو دانش بیاموزم و بر تو است که نیکو فرا گیری و بر من لازم است که فرمان پروردگارم را گردن نهم.^۲

۶۴۸. دوستان خدا

مرحوم شیخ مفید در اختصاص می نویسد: اصبع بن نباته روایت کرده: روزی داخل منزل امیرالمؤمنین علیه السلام شدم و منتظر ورود و تشریف آوردن آن حضرت بودم که ناگاه وارد منزل شدند به پا ایستاده و سلام کردم جواب سلام مرا داده و با دست مبارک به کتف

۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام ج ۳، ص ۲۱۲.

۲. خصال صدوق، ص ۴۰۹.



می‌شوید به راستی خداوند علی را نشانه میان نفاق و ایمان قرار داده است هر کس او را دوست دارد مؤمن است و هر که دشمن بدارد منافق است به راستی خداوند علی را وصی و نوریخس شما قرار داده، پس از من؛ او سر نگهدار و گنجینه علم من و خلیفه بعد از من است، به خداوند از ظالمان در حق علی شکایت می‌کنم؟^۱

هر کس می‌خواهد چون برق جهنده از صراط بگذارد و بی حساب وارد بهشت شود باید ولایت او را بپذیرد... به دوزخ رود هر که ترک ولایت او را کند به عزت و جلال پروردگار سوگند علی باب‌الله است که جز از آن نیابند و او است صراط مستقیم و او است که در روز قیامت از ولایتش پرسش می‌شود.^۲

۶۵۱. دیدار یار آشنا

حارث که از اصحاب حضرت علی علیه السلام است شبی سراسیمه به خدمت علی علیه السلام رفت آن حضرت از حارث پرسید: ای حارث تو را چه بر آن داشته که در این موقع شب نزد من آیی؟

حارث گفت: والله دوستی و عشقی که در جان من است مرا پیش تو آورده. آنگاه حضرت به او فرمود: بدان ای حارث که نمی‌میرد آن کسی که مرا دوست می‌دارد الا اینکه در وقت جان دادن مرا می‌بیند و با دیدن من امیدوار رحمت الهی می‌شود و همین طور کسی که مرا دشمن می‌دارد و مرا می‌بیند در وقت مردن، اما عرق ناامیدی در صورت او می‌نشیند.^۳

۶۵۲. تعریف واقعی مرگ

امام حسین علیه السلام فرمود: روزی شخصی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض کرد: یا علی! مرگ را برایم وصف کن. حضرت فرمود: با مرد آگاهی روبرو شده‌اید مرگ یکی از سه امری است که بر آدمی وارد می‌شود یا نوید به نعمت‌های جاودان است و یا خبری است به عذاب همیشگی و یا اندوهگین نمودن و ترسانیدن است، کار شخص «محتضر» مبهم می‌باشد؛ زیرا نمی‌داند جزو کدامیک از این سه گروه خواهد بود اما انسانی که

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۲۸۵.

۲. امالی شیخ صدوق، ص ۲۸۸.

۳. منتهی‌الامال، فصل زندگی امام علی علیه السلام.



۶۵۵. نامه امان

در امالی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: روز قیامت که پل صراط را روی جهنم نصب می کنند، هیچ کسی از صراط عبور نمی کند مگر این که جواز ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را با خود داشته باشد و از ابی سعید خدری روایت کرده که گفت: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت پروردگار امر می کند به دو فرشته که بر صراط بایستند و نگذارند کسی از آن عبور کند مگر این که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام برات و جواز عبور داشته باشند، و هر کسی که جواز نداشته باشد او را به صورت در آتش افکنده؛ ابی سعید می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: فدایت شوم معنای برات امیرالمؤمنین علیه السلام چیست؟ حضرت فرمود: نامه ای است که در آن نوشته شده است: «لا اله الا الله، محمد رسول الله و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب وصی رسول الله و وجهه الله علی خلقه و اقبل بعضهم علی بعض یتسائلون».^۱

۶۵۶. آیه امیدواری

علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمودند که: روز قیامت من در موقف شفاعت می ایستم و آنقدر گنهکاران را شفاعت کنم که خداوند گوید: آیا راضی شدی ای محمد؟! می گویم راضی شدم، راضی شدم. سپس علی علیه السلام فرمود: امید بخش ترین آیات قرآن این آیه است «ولسوف یعطیک ربک فترضی».^۲

۶۵۷. با پیشوایان خود محشور می شوید

امام صادق علیه السلام فرمود: چون روز قیامت شود آواز دهنده ای از اندرون عرش ندا دهد: خلیفه خداوند در زمینش کجاست؟ پس حضرت داود علیه السلام بر می خیزد، از جانب خداوند ندا دهد: منظور ما تو نیستی، هر چند که خلیفه خداوند بوده ای. بار دوم ندا رسد: خلیفه خداوند در زمینش کجاست؟ پس امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بر می خیزد، از جانب خداوند ندا می رسد: «ای آفریدگان، این علی بن ابی طالب خلیفه خدا در زمین او، و حجتش بر بندگان او است، پس هر که در دنیا به ریسمان (ولایت) او

۱. تفسیر جامع، ج ۵.

۲. شواهد التنزیل، ص ۳۲۴، الضحی، ۵.



خداوند مرا امر فرموده است که تو را بشارت دهم به این که تو و عترت تو در بهشت خواهند بود و دشمن تو در جهنم است و دشمن تو وارد حوض من نشود...
علی فرمود: من به سجده افتادم و خدای تو را حمد کردم به آنچه به من احسان فرموده از اسلام و قرآن و از اینکه مرا دوست خاتم النبیین گردانید.^۱

۶۶۰. علی اعلی والا

ابن عباس می گوید: روزی رسول خدا دست علی بن ابی طالب را گرفت و از منزل خارج شد و می فرمود: ای گروه انصار و ای گروه بنی هاشم و ای فرزندان عبدالمطلب! من محمدم و فرستاده خدا، همانا من از گل رحمت به همراه چهار کس دیگر از خاندانم آفریده شدیم خودم، علی و حمزه و جعفر.

یکی گفت: یا رسول الله اینها روز قیامت با تو سوار می باشند؟ حضرت فرمود: مادرت به عزایت بنشینند در آن روز کسی سوار نباشد جز چهار تن من و علی و فاطمه و صالح پیغمبر، من بر براق سوارم و فاطمه دخترم بر ناقه عضا، و صالح پیغمبر بر آن شتری که پی شد و علی بر یکی از ناقه های بهشتی که مهارش یاقوت است و او میان بهشت و دوزخ می ایستد، در آن روز مردم خیس عرق هستند که بادی از طرف عرش می وزد و عرق آنها را خشک می کند فرشتگان مقرب و صدیقان می گویند این ملکی است مقرب یا پیغمبری است مرسل اما منادی از طرف عرش ندا می کند او علی بن ابی طالب برادر رسول خداست در دنیا و آخرت.^۲

۶۶۱. ده نشانه برتری

روزی رسول خدا به علی بن ابی طالب فرمود: ای علی! به شیعیان و یاران ده امتیاز را بشارت بده. ۱. حلال زادگی؛ ۲. ایمان صحیح؛ ۳. دوستی خدا با آنها؛ ۴. گشادی قبر؛ ۵. روشنی پل صراط؛ ۶. نترسیدن از فقر و بی نیازی قلب؛ ۷. دشمنی خدا با دشمنانشان؛ ۸. ایمنی از خوره؛ ۹. آمرزش گناهان؛ ۱۰. همنشین با من در بهشت.^۳

۱. مناقب خوارزمی، ص ۷۵.

۲. امالی صدوق، ۲۰۷.

۳. ترجمه ج ۷ بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۳۴.



عبور کنید و تو به دوزخ گویی این شخص از آن من و این شخص از آن تو؟ علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله اینان (که من برای خود بر می گیریم) چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: آنان شیعیان تواند و هر کجا که باشی با تو خواهند بود.^۱

۶۶۵. نشانه‌های بت پرست‌ها

ای مسلم می گوید: من با حسن بصری و انس بن مالک به در خانه ام سلمه آمدیم انس بر در خانه نشست و ما وارد خانه شدیم حسن به ام سلمه گفت: درود بر تو ای مادرم، ام سلمه پاسخ داد و پرسید تو کیستی؟ گفت: من حسن بصریم. پرسید: برای چه اینجا آمده‌ای؟ گفت: آمده‌ام حدیثی از پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام بگویم. ام سلمه گفت: به خدا برایت حدیثی گویم که با این دو گوشم از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم و گرنه هر دو کر شوند و با این دو چشمم دیدم و گرنه کور شوند و دلهم آن را حفظ کرده و گرنه مهر بر آن نهاده شود و لال شوم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمود:

ای علی! هر بنده‌ای که خدا را ملاقات کند و منکر ولایت تو باشد همچو بت پرست خدا را ملاقات کرده است، آنگاه حسن بصری گفت: الله اکبر گواهی می‌دهم که علی مولای من و مولای هر مؤمن است...^۲

۶۶۶. اندکی که بسیار بود!

حضرت علی علیه السلام به حارث فرمود: ای حارث! بشارت می‌دهم تو را که مرا در هنگام مرگ و در هنگام عبور از پل جهنم و در کنار حوض کوثر در وقت مقاسمه بشناسی... سپس علی علیه السلام دست حارث را در دست خود گرفت و گفت: ای حارث!

روزی من از آزار و حسادت قریش و منافقان این امت بر خودم، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کردم رسول خدا صلی الله علیه و آله دست مرا گرفت و در دست خود قرار داد همین طوری که من دست تو را در دست خود گذارده‌ام. آنگاه فرمود: چون قیامت برپا گردد من دست به دامان عصمت پروردگار تعالی صاحب عرش خواهم زد و تو ای علی دست به دامان من

۱. امالی شیخ مفید، ص ۳۷۵.

۲. امالی شیخ صدوق، ص ۳۱۶.



این زن، دختر جوانی داشت که در مرگ مادرش، خیلی بی‌تابی می‌کرد، او چنان ناله می‌زد، ضجه می‌کرد و اشک می‌ریخت که در تشییع جنازه، همه را متأثر نموده بود. جنازه را کنار قبر نهادند و قبر را آماده کردند، اما وقتی خواستند جسد را دفن کنند، این دختر که بی‌نهایت به مادر دل بسته بود، خود را بر روی پیکر مادرش انداخت و با گریه و شیون گفت: هرگز از مادرم جدا نمی‌شوم، مادرم را رها نمی‌کنم.

هرچه خواستند او را آرام سازند و از جنازه مادرش جدا کنند، نتوانستند. دخترک مصیبت‌زده چنان اضطرابی داشت و طوری بدن مادر را آغوش گرفته بود که دیدند اگر بخواهند با خشونت جدایش کنند و او را به دور شدن از جنازه مجبور سازند، قطعا از غصه جان می‌سپارد.

سرانجام به این نتیجه رسیدند که جنازه را در قبر بگذارند، اما روی قبر را با خاک نپوشانند، فقط روی آن را تخته‌ای که دریچه کوچکی برای جریان هوا داشته باشد، بگذارند تا دخترک قدری پهلوی جسد مادرش بنشیند و وقتی به وضع عادی برگشت، خود از درون قبر خارج شود.

به این ترتیب میت را در گور نهادند، دختر مادر مرده هم شیون زنان و اشک ریزان، کنار بدن سرد میت نشست، آنگاه روی قبر تخته‌ای قرار دادند که روزنه‌ای برای تنفس داشت.

آن شب، که شب اول قبر میت بود، دختر در میان گور، پهلوی جسد مادرش ماند. سپیده دم بستگانش آمدند که از حال دختر باخبر شوند، وقتی تخته را از روی قبر برداشتند و دخترک را بیرون آوردند، مشاهده کردند تمام موهای سرش، سفید شده است. آنان حیرت زده پرسیدند:

چه شده؟! چرا موهایت یکبارہ سفید شده است؟!

دختر گفت: دیشب که در کنار مادرم ماندم، دیدم مردی بزرگوار به همراه دو فرشته بر سر مادرم حاضر شدند.

آن دو فرشته که مأموران بازپرسی و سوال از اعتقادات بودند، شروع به پرسش از مادرم نمودند.

پرسیدند: پروردگارت کیست؟

مادرم جواب داد: خدای واحد.

سؤال کردند: به کدام پیامبر اعتقاد داری؟



مادرم گفت: به محمدبن عبدالله علیه السلام.

آنگاه پرسیدند: امام تو کیست؟

مادرم ساکت ماند و به آن مرد نگاه کرد.

در این هنگام، آقای بزرگواری که میان آن دو فرشته ایستاده بود، به آنان فرمود: من امام او نیستم. به محض اینکه فرشتگان این جمله را شنیدند، چنان با گرز آتشین بر سر مادرم کوبیدند که شعله‌های آتش، به طرف آسمان زبانه کشید.

من از مشاهده حال مادرم، چنان وحشت کردم که از شدت ترس، یکباره جسم و جانم منقلب گردید و به این وضعی که می‌بیند، دچار شدم!

بواسطه این حادثه تعدادی زیادی از افندی‌ها و اقوام سنی آن زن به مذهب شیعه روی آوردند و شیعه شوند.



۱. معادشناسی، ج ۱، ص ۱۰۸.



فصل نهم

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان الله جعل و لايتنا اهل بيت

قطب القرآن»

«خداوند ولايت ما اهل بيت را

محور و ركن قرآن قرار داده است»

بحار الانوار ، ج ۹۷ ، ص ۲۷

احاديث تمثیلی در باب ولايت و امامت امام علی علیه السلام





در صورتی است که او صبح کرده و در گمراهی و سرگردانی و اگر با چنین حالی بمیرد مرگش مرگ کفر و نفاق است...^۱

۶۷۲. زمام دین در دست امام

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «ان الامامة زمام الدین ونظام المسلمین»؛ تحقیقا امامت مه‌ار دین و نظام دهنده مسلمین است.^۲

۶۷۳. ولایت محور قرآن

امام صادق علیه السلام فرمود: «ان الله جعل ولایتنا اهل البيت قطب القرآن»؛ خداوند ولایت ما اهل بیت را محور قرآن قرار داده است.^۳

۶۷۴. عبوری مثل تند باد

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «من سره (من آراد) ان یجوز علی الصراط کالریح العاصف ویلج الجنة بغير حساب فلیتول ولیی ووصیی وصاحبی وخیفتی علی اهلی علی بن ابی طالب علیه السلام ومن اراد ان یلج النار...».

هر کسی مشتاق است که از پل صراط مثل باد تند پاییزی بگذرد و خود را بدون حساب به بهشت جاویدان برساند، ولایت ولی و وصی و صاحب و خلیفه من، علی بن ابی طالب علیه السلام را بپذیرد و بر دل بسپارد و هرکسی می‌خواهد در آتش جهنم سرنگون شود، ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را رها کند.

به عزت و جلال پروردگرم سوگند علی علیه السلام باب‌الله است، هیچ کسی وارد نمی‌شود مگر از آن باب، و او صراط مستقیم است علی علیه السلام آن کسی است که خداوند در روز قیامت از ولایت او سؤال خواهد کرد.^۴

۱. کافی، ج ۱، باب فیمن دان الله عزوجل بغير امام من الله عزوجل.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۰۰.

۳. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۷.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۶.



امیرالمؤمنینؑ فرمود: من باب حطه هستیم.

۶۷۹. معرفی جبل الله

ابن عباس گوید: خدمت رسول خداﷺ بودیم که یک نفر از اعراب بادیه نشین وارد شد و عرض کرد: یا رسول الله! از شما شنیدم که فرمودید: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا»؛ پس جبل الله کدام است که ما به آن تمسک جوئیم و به آن چنگ زنیم؟ رسول خداﷺ دست مبارک خود را بر دست علیؑ زد و فرمود: «تمسکوا بهذا هو حبل الله المتين»؛ به این تمسک جوئید که او حبل الله متین و ریسمان محکم خداوند است.^۱

۶۸۰. شبیه پیامبرؑ

قال رسول اللهﷺ: من سره ان يحيا حياقی و يموت مماتق ویسكن جنه عدن غرسها ربی فلیوال علیا من بعدی...

پیامبر خداﷺ فرمود: هر کس می خواهد مانند من زندگی کند و مثل من از دنیا برود و در بهشت جای گیرد علی بن ابی طالبؑ را پس از من ولی (خود) قرار دهد و بعد از من به اهل بیتم اقتدا کند و همانا عترت من از خاک من آفریده شده اند و علم و درک من به آن ها عطا شده است و وای بر منکر فضائلشان از امت من «فویل للمکذبین بفضلهم من امتی القاطعین فیهم صلتی لا انا لهم الله شفاعتی».

(و وای) بر آنانی که پیوندشان را از من قطع کنند که هرگز شفاعت من به آنان نمی رسد.^۲

۶۸۱. روشنی بخش جانها

رسول خداﷺ فرمود:

«ان رب العالمین عهد فی علی الی عهدا انه رایة الهدی و منار الایمان و امام اولیائی و نور جمیع من اطاعتی».

۱. ینابیع الموده، ص ۱۱۹ - نهج السعادة، ج ۷، ص ۲۰۱.

۲. کنز العمال، ۲۱۷/۶.



هر کس در دینش به علی بن ابی طالب علیه السلام اقتدا کند هدایت می شود چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند! هر جا که علی هست حق را با او قرار بده.^۱

۶۸۵. امام ریشه اسلام است

امام رضا علیه السلام فرمود: «ان الامامة اسُّ الاسلام الناهی وفرعة السامی»؛ امامت اساس اسلام و شاخه سربلند آن است.^۲

۶۸۶. چنین تعبیری را برای کسی جزء او نگفته است

ابی الحمراء روایت می کند که ما نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که در این حین علی علیه السلام به سوی ما آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله با دیدن امام فرمود: کسی که خشنود می شود به آدم علیه السلام در علمش و به نوح علیه السلام در فهمش و به ابراهیم در مقام خلیل اللهیش، بنگرد به علی بن ابی طالب که همه این صفات در او جمع است.^۳

ابن عباس روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که می خواهد به ابراهیم در حلمش و به نوح در حکمتش و به یوسف در مردم داریش نگاه کند پس به علی بن ابی طالب نگاه کند.^۴

۶۸۷. ستاره پر نور در آسمان دین

انس بن مالک گوید: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز صبح و تعقیباتش را انجام داد، چهره آبرومندش به درگاه خدا را به جانب ما نموده، فرمود: مردم (افراد بشر جهت حرکت و راه یابی) از خورشید استفاده می نمایند و هر کسی که خورشید را از دست داد باید فوراً به نور ماه بپیوندد، و هر کسی که از ماه نیز محروم شد فوراً به ستاره ناهید تمسک جوید و اگر ستاره زهره نیز از دیدش نهان گردید باید به فرقدین (ستاره نزدیک قطب شمال که در فارسی به آن دو برادران گویند) چشم بدوزد.

۱. تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۰۵ و ص ۲۰۷.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، حدیث ۱۱۶.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ح ۱۴۷.



۶۹۱. پیروی از او واجب است.

ابن عباس می گوید: روزی رسول خدا ﷺ فرمود: ولایت علی بن ابی طالب، ولایت خداست و دوستیش، دوستی خدا و پیرویش فریضه خدا و اولیائش اولیاء خدا و دشمنانش دشمنان خدا، نبرد با او نبرد خدا، و سازش با او سازش با خدای عزوجل است.^۱

۶۹۲. اکثریت، ملاک حقانیت نیست

روزی عمار یاسر بر رسول خدا ﷺ وارد شد و سلام کرد رسول خدا ﷺ به عمار خوش آمد گفت و به او فرمود: ای عمار! بعد از من در میان امت من حوادث سخت و ناگواری پدید خواهد آمد تا به جایی که بر روی یکدیگر شمشیر بکشند و بعضی یک دیگر را بکشند پس چون چنین وضعی پیش آمد «فعلیک بهذا الاصلع عن یمین - یعنی علی بن ابی طالب - فان سلك الناس کلهم وادیا وسلک علی وادیا فاسلک وادی علی ﷺ و دخل عن الناس یا عمار...». بر تو باد (پیروی کردن) از این مردی که جلوی سر او مو ندارد و در سمت راست من است.

یعنی:

علی بن ابی طالب! پس اگر تمام مردم همگی در راهی به راه افتادند و علی به راه دیگر افتاد تو آن راه را برو که علی می رود! و مردم را ترک کن، ای عمار! علی تو را از هدایت بر نمی گرداند و به ضلالت رهبری نمی نماید، ای عمار! اطاعت کردن از علی اطاعت کردن از من است و اطاعت نمودن از من اطاعت نمودن از خداوند عزوجل است.^۲

۶۹۳. بعضی از افراد این امت اینگونه اند

مسلم می گوید از امام باقر ﷺ شنیدم که می فرمود: هر کس که بخواهد بدون داشتن برنامه از امام زمانی که خداوند برای او تعیین فرموده به خدا نزدیک گردد اگر خود را به رنج و مشقت هم بیندازد خداوند تلاش او را نمی پذیرد و او گمراهی متحیر است و خداوند اعمالش را دشمن می دارد و مثل او مثل گوسفندی است که از گله و چوپان خود

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۳۲.

۲. غایبه الهرام، ص ۵۴۰.



«او ما سمعتم الله عزوجل يقول: يا ايها الذين آمنوا اطيعواالله واطيعواالرسول واولى الامر منكم»؛ ای ایمان آوردندگان! فرمان خداوند و رسول او و صاحبان امر را اطاعت کنید... آیا ندیدید خداوند متعال چگونه از بدو خلقت آدم ﷺ پناهگاه و معقل و پرچم‌های هدایتی برای شما قرار داد؟ هرگاه یکی از پرچم‌های هدایت به زمین افتاد پرچم دیگری به اهتزاز در می‌آید و هر زمان که یکی از ستارگان درخشان آسمان توحید و نبوت و امامت غروب می‌کند ستاره فروزان دیگری به جای او طلوع می‌نمود پس آنگاه که پدرم از دنیا رفت گمان کردید که خداوند دین خود را باطل و بی‌سرپرست گذاشته... نه چنین است.

نه در گذشته این طور شده و نه در آینده این طور خواهد شد... «واجعلوا قصدکم الینا بالمودة علی السنة الواضحة...»؛ یعنی: «هدف و مقصد خود را بر اساس دوستی و محبت با ما قرار دهید و راه روشن را دنبال کنید آنچه لازم محبت و نصیحت بود به شما گفتیم»، آن ستمگری که در مقابل خداوند سرکشی کرده و مدعی مقامی شد که برای او نبود (ادعای امامت کرد) آن نادان به زودی نتیجه عمل پست خود را خواهد دید.^۱

۶۹۵. مثالی استثنایی برای مردی بی‌نظیر

در کتاب خصال ضمن شمارش فضایل امیرالمؤمنین علی ﷺ آمده: و اما فضیلت بیستم از فضایل آن حضرت این است که حضرت علی ﷺ فرمود: «فانی سمعت رسول الله ﷺ يقول لی: مثلك فی امتی مثل باب حطّة فی بنی اسرائیل فمن دخل فی ولایتک فقد دخل الباب کما امره الله عزوجل».

از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: یا علی مثل تو در این امت، باب حطّه در بنی اسرائیل است (که هر کس بر آن وارد می‌شد آمرزیده بود) پس هر که در ولایت تو داخل شود به باب حطّه این امت وارد شده است.^۲

۱. غیبت طوسی، ص ۱۷۲.

۲. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۲۵.

۶۹۶. صحرائی پر از آتش

قال الامام الحسين عليه السلام: «ان دفع الزاهد العابد لفضل علي عليه السلام على الخلق كلهم بعد النبي صلى الله عليه وآله ليصير كشعلة نار في يوم ريح عاصف وتصير سائر اعمال الدافع لفضل علي عليه السلام كالحلفاء وان امتلات منه الصحارى واشتعلت: فيها تلك النار وتخشاها تلك الريح حتى تاتي عليها كلها تبقى لها باقية».

شخصی که زاهد و عابد است اما فضیلت و برتری امام علی را بر دیگر انسان‌ها پس از رسول خدا باور ندارد انکار ولایت در وجود او مثل شعله آتشی در روز طوفانی است و دیگر اعمال او هرچند فراوان باشد چون علف‌های خشک بیابان است (یعنی آتش آن علف‌ها را می‌سوزاند) هرچند سراسر بیابان را فرا گرفته باشد اما آنگاه که شعله آتش در آن زبانه کشد و باد وزیدن گیرد همه آن علف‌ها خواهند سوخت و چیزی از آن باقی نخواهد ماند.^۱

۶۹۷. پنج رکن رکن

حضرت باقر می‌فرماید: «بُنِيَ الاسلام على خمس: على الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية ولم يناد بشيءٍ كما نودي بالولاية».

اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و هیچ یک از آن ارکان به پای ولایت نمی‌رسد.^۲

زراره می‌گوید: پس از اینکه امام باقر ارکان پنجگانه اسلام را بیان کرد از آن حضرت پرسیدم کدام یک از این ارکان برتر است؟

امام فرمود: «الولاية افضل لانها مفتا جهنّ والو الي هو الدليل عليهن».^۳

ولایت برترین پایه است زیرا ولایت در میان ارکان دین نقش کلیدی دارد و امام راهنمای دین است.

در ادامه امام فرمود: بلندای امر و قله بلند و کلید آن و در هر چیز، رضایت خداوند

۱. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۰۲، حدیث ۱۱۳.

۲. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۲۹.

۳. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۳۲.



پس از شناخت امام علیه السلام پیروی از اوست و خداوند فرموده: هر کس از رسول پیروی کند از خدا پیروی کرده است...^۱

سپس امام تأکید فرمودند: اگر کسی تمامی شبها به نماز ایستد و همه روزها را روزه بدارد و همه اموالش را صدقه بدهد هر ساله حج بیت الله کند ولی، ولایت ولی خدا (امام) را نشناسد تا آن را بپذیرد و همه کارهایش را با راهنمایی او انجام دهد از طرف خدا هیچ ثوابی ندارد و از اهل ایمان نیست «...و لا کان من اهل الایمان».^۲

۶۹۸. تشبیهی بی اغراق

رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:
ای علی!

تو در بین امت من همانند «قل هو الله» در قرآن می‌مانی اگر کسی تو را دوست داشته باشد و با زبان به آن اقرار کند یک سوم ایمان را دارا است و هر وقت که زبان و قلب او آغشته به عشق تو باشد دو سوم ایمان را دارد و چون با زبان و قلب دوست داشته باشد، با قلم، قدم و عمل تو را یاری کند تمامی ایمان را دارا خواهد بود.
چنان که خواندن یک بار «قل هو الله احد» برابر با قرائت ثلث قرآن است و دو بار، دو سوم آن و سه بار تمامی قرآن.^۳

۶۹۹. هر انسان عادی نمی‌تواند در جایگاه امام بتشیند

در حدیثی از امام رضا علیه السلام به فلسفه امامت و ویژگی‌ها و جایگاه نورانی امام اشاره شده است در اینجا به بخشی از آن حدیث نورانی اشاره می‌شود:

حضرت فرمود: آیا مردم ارزش و منزلت امامت و جایگاه آن را در امت اسلامی می‌شناسند؟ تا به انتخاب آن دست بزنند ارزش امامت بیشتر و شأن آن والاتر و جایگاهش بلندتر و درون آن ژرف‌تر از آن است که خرد و عقل انسانها به آن راه یابد و بشر بتواند

۱. نساء، ۸۰.

۲. بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۳۳۳.

۳. امالی مفید، ص ۴۰۲.

با عقل و درک خویش امام را برگزیند بلندی مقام امامت چنان است که خداوند، ابراهیم خلیل را پس از نبوت و دوستی به آن مفتخر ساخت.

- امامت، زمام دین، نظام مهین، صلاح دنیا و عزت مؤمنان است امامت بنیاد بالنده و فرع نمایان است تمامیت نماز، زکات، روزه، حج و جهاد، تقسیم عادلانه سرمایه‌های عمومی اجرای احکام و حدود شرعی، پاسداری از مرزهای مملکت اسلامی با امام تحقق می‌پذیرد.

- امام همانند خورشید است که با نور خود جهان را روشن می‌سازد و کسی را به آن دسترسی نیست امام آب گوارایی است که تشنگان هدایت را سیراب می‌سازد امام دلالت کننده به هدایت و رهاننده از گمراهی است امام چونان آتشی است بر بلندی که هم راه را به راهروان می‌نماید و هم به کسانی که از او گرمی بخواهند گرما می‌بخشد و هر کسی از او جدا شود نابود می‌شود.

- امام امین خداوند در میان مردم و حجت پروردگار بر بندگان و جانشین او در جهان است امام ما را به سوی خداوند فرا می‌خواند و از حرمت‌های الهی پاسداری می‌کند.
- امام از گناهان پاکیزه از عیب‌ها پیراسته و از علم و حلم ویژه برخوردار است.
- امام یگانه عصر خویش است در دانش و فضایل انسانی نظیر ندارد او فضیلت و دانش را از کسی نیاموخته است بلکه خداوند وهاب به او ارزانی کرده است.
پس چه کسی می‌تواند مقام و منزلت امام را بشناسد تا انتخاب او برایش ممکن باشد.^۱

انتشارات سجده نوین
۷۰۰. هر مطلبی راه ورود خود را دارد

امام صادق علیه السلام فرمود:

«...انه من اتى البيوت من ابوابها اهتدى و من اخذ فى غيرها سلك طريق الردى و صل الله طاعة ولى امره بطاعة رسوله و طاعة رسوله بطاعته فمن ترك طاعة ولاة الامر لم يطع الله ولا رسوله».

همانا هر کس از درهای خانه‌ها وارد شود اهل هدایت است و آن که از غیر در بیاید

۱. کافی ج ۱، کتاب الحجّة، حدیث ۱.



راه هلاکت پیموده است خداوند اطاعت از ولی امر خود را به اطاعت از رسول خود و اطاعت از رسول خود را با اطاعت از خود پیوند زده است بنابراین هر کس اطاعت از اولیای امر را ترک کند از خدا و رسول او اطاعت نکرده است.^۱

۷۰۱. هدف رسیدن به قله هدایت است

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«ذروة الامر وسنامه ومفتاحه وباب الاشياء ورضا الرحمن الطاعة للامام بعد معرفته...». بلندترین نقطه و قله دین و کلید آن در همه چیزها و مایه خشنودی خدای مهربان اطاعت کردن از امام پس از معرفت نسبت به او است خدای عزوجل می فرماید: «من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم حفيظا».^۲

۷۰۲. این محبت دستور خداست

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «حبّ علي بن ابي طالب عليه السلام يأكل السيأت كما تأكل النار الحطب (في حديث آخر) حبّ علي بن ابي طالب عليه السلام يأكل الذنوب كما تأكل النار الحطب».^۳ پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: دوست داشتن علی بن ابی طالب عليه السلام زشتی ها و بدی ها را می خورد و از بین می برد چنانچه آتش هیزم را می خورد و می سوزاند. و در حدیثی دیگر آمده که آن حضرت فرمود: دوستی و محبت علی بن ابی طالب عليه السلام گناهان را می خورد و محو می کند آن گونه که آتش هیزم را می خورد.

۷۰۳. این جایگاه نورانی را خدا تعیین کرده است

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: منشأ خوشحالی دل من، فاطمه است و دو پسرانش (حسن و

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۸۱، باب معرفه الامام - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۸۱ و ج ۳، ص ۲۰۵ و ج ۱۲، ص ۱۶.

۲. نساء، ۸۰، کافی کتاب ایمان و الکفر.

۳. مناقب، ج ۳، ص ۱۹۸ - بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۵۷، باب ۸۷ و ص ۳۰۴، باب ۸۷ - الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۹۸.



گفتند: فلانی ده هزار دینار طلا را با ده هزار درهم نقره معاوضه نموده و ثروتش از ده هزار سکه طلا به ده هزار درهم سکه نقره کاهش یافته است.
حضرت فرمودند: آیا اگر یک بدره (ده هزار سکه نقره) را با هزار سکه نقره معاوضه نماید از این بدتر و حسرت انگیزتر نیست؟
گفتند: آری!

فرمود: می خواهید از این زیانبارتر و حسرت انگیزتر به شما خبر دهم؟
گفتند: بلی!
فرمود: اگر کسی هزار کوه طلا داشته و آن را با هزار حبه طلای قلبی معاوضه نماید از این زیانکارتر و تأسف بارتر نیست؟
گفتند: بلی!

فرمود: آیا می خواهید از این هم زیانکارتر و حسرت بارتر به شما خبر دهم؟
گفتند: بلی!
فرمود:

کسی که در نیکی نمودن به پدر و مادر بدنی را بر پدر و مادر دینی خود ترجیح می دهد و پدر و مادر دینی انسان حضرت محمد ﷺ و علیؑ هستند. زیرا فضیلت و برتری پدر و مادر دینی حضرت محمد و علیؑ بر پدر و مادر بدنی بیشتر از برتری هزار کوه طلا بر هزار حبه طلای قلبی است.

۷۰۷. ضرورت شناخت ولایت

«عن ابی جعفرؑ : اما لو ان رجلا قام ليله وصام نهاره وتصدق: بجمع ماله وحج جميع دهره لم يعرف ولاية ولي الله فيواليه ويكون جميع اعماله بدلاته اليه ما كان له على الله حق في ثوابه ولا كان من اهل الايمان».

اما اگر کسی شبهایش را به نماز پردازد و روزها روزه بگیرد و همه اموالش را صدقه دهد و همه عمر در طواف کعبه باشد اما ولایت ولی خدا را نشناسد تا از وی تبعیت کند



۷۱۱. در بیابان گمراهی امام راهبر است

ابن بابویه از عبدالله بن عباس روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس دوست داشته باشد به ریسمان محکم خدا تمسک جوید که هرگز بریده نشود باید توسل جوید به ولایت برادرم و وصیم علی بن ابی طالب ﷺ زیرا هلاک نشود کسی که دوست داشته باشد او را و نجات نیابد هر کس که علی ﷺ را دشمن بدارد.^۱

۷۱۲. پیامبر سرنوشت امت را به دست امام داد

فی العیون عن الرضا ﷺ عن ابیه عن آبائه عن الحسن بن علی قال، قال رسول الله ﷺ لعلی یا علی! انت حجة الله وانت باب الله وانت الطريق الی الله وانت النبا العظیم وانت الصراط المستقیم.^۲
یعنی: پیامبر ﷺ فرمود: یا علی تو حجت خدا و باب خدا و راه خدایی و تویی آن خبر بزرگ و تویی صراط راست و مستقیم خدا.

۷۱۳. چهره خورشید

«احمد بن اسحاق» که از بزرگان شیعه و پیروان ویژه امام عسگری ﷺ است می گوید: «خدمت امام عسگری ﷺ شرفیاب شدم^۳، می خواستم در مورد جانشین پس از او پرسش کنم، آن گرامی بدون آنکه سؤال کنم فرمود: ای احمد، همانا خدای متعال از آن هنگام که آدم را آفرید زمین را از حجت خدا خالی نگذاشته و نیز تا قیامت خالی نخواهد گذاشت، به واسطه حجت خدا از اهل زمین بلا دفع می شود و باران می بارد و برکات زمین خارج می گردد.

عرض کردم: ای پسر رسول خدا ﷺ، امام و جانشین پس از شما کیست؟

۱. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۳۷۱.

۲. تفسیر صافی ذیل آیه نباء از سوره نباء.

۳. مزار نورانی این یار صدیق امام در شهر سرپل ذهاب ایران اسلامی است ایشان به دستور امام عسگری ﷺ قبل از ساخته شدن مسجد جمکران مسجدی در قم ساختند به نام مسجد امام عسگری این مسجد از جهت قداست یکی از بزرگترین مساجد قدیمی ایران اسلامی است که در زمان امام عسگری بنا شد و هم اکنون از مساجد مهم شهر قم محسوب می شود.



حال امام صادق علیه السلام شوم، ناگاه چشمم به خود امام افتاد که در مسجدالحرام در حال سجده بود.

منتظر شدم تا سر از سجده بردارد، ولی سجده آن حضرت طول کشید برخاستم و چند رکعت نماز خواندم و هنوز دیدم آن حضرت در سجده است، به غلامش گفتم: امام از چه وقت به سجده رفته است؟ گفت: قبل از آن که ما به اینجا بیائیم، امام سخن ما را شنید و سجده را به پایان رسانید و سر از سجده برداشت و به من فرمود: ای ابامحمد نزد من بیا، نزدیک رفتم و سلام کردم و جواب سلامم را داد، در این هنگام صداهائی از پشت سر شنیدم، فرمود: این صداها از کیست؟

گفتند: صدای «عبادت» گروهی از مُرجعه و قَدْرِيّه و معتزله (سه گروه منحرف زمان امام علیه السلام) می‌باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: آن‌ها قصد دارند با من ملاقات کنند، برخیز از اینجا برویم، برخاستم و امام برخاست، آن سه گروه نزد امام آمدند، امام به آن‌ها فرمود: «از من دور شوید و مرا نیازارید، من فتوا دهنده به شما نیستم» سپس دستم را گرفت و از آن‌ها جدا شد و با هم حرکت کردیم و از مسجدالحرام بیرون آمدیم، آنگاه امام صادق علیه السلام به من فرمود:

«ای ابامحمد! سوگند به خدا اگر ابلیس پس از آن که از فرمان خدا در مورد سجده کردن آدم علیه السلام سرپیچی کرد، تمام عمر دنیا را برای خدا سجده کند سودی به حال او نخواهد داشت و خدا از او نمی‌پذیرد مگر این که او آدم را سجده کند همچنین این امت گنهکار و سرکش و اغفال شده که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امام بر حق و نصب شده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (یعنی علی علیه السلام) را ترک کرده‌اند، هرچه عبادت و کار نیک کنند، خداوند از آن‌ها نمی‌پذیرد، مگر این که امامت علی علیه السلام را بپذیرد و مطابق فرمان خدا، زیر پوشش ولایت علوی در آیند و وارد آن دری گردند که خدا به رویشان گشوده است.

ای ابامحمد! خداوند پنج فریضه را بر امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم واجب کرد: ۱. نماز؛ ۲. زکات؛ ۳. روزه؛ ۴. حج؛ ۵. ولایت و رهبری ما؛ در مورد چهار فریضه اول در بعضی موارد رخصتی داد ولی به خدا سوگند به احدی از مسلمین در مورد ترک ولایت ما، در هیچ مورد رخصتی نداد.^۱

۱. جزاء الاعمال جزائری، ج ۱، ص ۸۸۰.



وی نازل کرد و تمام امور حلال و حرام و حدود احکام و جمیع مایحتاج بشر را در کتاب خود بیان کرد.

در آخر عمر پیغمبر در حجةالوداع که عبارت از حجی باشد که در موقع مراجعت از مکه، داستان غدیرخم در بین آمد خداوند آیه:

«الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا» (مائده/۳)

را نازل فرمود.

امر امامت هم جزء تمامیت دین است، لاشک و بدون شبهه و تردید باید بیان نماید چنانچه پیامبر بیان کرد و خود از دنیا نرفت مگر آن که کلیه اموری که مربوط به مصالح و مفاسد امت خود بود را تبیین نمود و راه را برای آنان معین نمود.

علی بن ابی طالب را برای آنان امام و پیشوا و خلیفه خود ساخت و هیچ یک از امور را فرو گذار ننمود.

چنانچه کسی گمان کند که خداوند دین خود را کامل ننموده است کتاب خدای را رد کرده است و قبول نکرده و کسی که رد کند کتاب خدا را کافر است.

آیا می دانید که امامت چیست و محل و قدر امام در امامت چه هست؟

مقام امام بزرگتر و شایسته تر و مکان و درجه او بلندتر از این است که مردم بتوانند فکری در اطراف آن بنمایند و غور و تأمل و اندیشه در آن کنند و به عقل و فکر ناقص خود بفهمند و دریابند مقام او را یا از خود اختیاری در انتخاب و برگزیدن امام داشته باشند. زیرا مرتبه امامت مقام خاصی است که تازه پس از برگزیدن خداوند ابراهیم خلیل را به پیغمبری و مرحله دوستی در مرتبه سوم امامت را به ابراهیم خلیل از جهت فضیلت و شرف به او عطا می کند و اشاره به ذکر آن می نماید چنانچه هم خداوند در قرآن می فرماید: «انی جاعلک للناس اماما؛ در این مقام ابراهیم خلیل با خوشحالی و فرح از خداوند درخواست می کند که در ذریه و اولاد و اعقاب من نیز امر امامت را مقرر فرمای در جواب خلیل فرماید: «قال لاینال عهدی الظالمین». (بقره/۱۲۴)

به موجب این آیه فرمود خداوند امامت هر شخص ظالم و ستمکاری باطل است تا روز قیامت، زیرا که این حکم نسخ نشده است و امامت را مخصوص به اشخاصی برگزیده از طرف خود که شایسته مقام امامت را دارند و از هر جهت پاک و منزّه از عیوب و نقایص هستند.



طرف حضرت رسول ﷺ می‌باشد، شخص امام باید کسی باشد که بتواند زمام دین و نظام امور مسلمین را در دست گیرد و اصلاح مسلمین را تشخیص بدهد.

امام اساس اسلام و در حقیقت پایه و بنای اسلام است.

امام کسی است که باید حلال خداوند را حلال بداند و حرام خداوند را حرام و اقامه حدود الهی کند و طرفداری از دین کند و مردم را از روی حکمت و موعظه حسنه و حجت بالغه و کامله دعوت نماید.

امام مانند آفتابی است برای عالم که در افق و در جای بلندی جلوه کند و افهام و عقول مردم به کنه آن نمی‌رسد و عاجز از ادراک آن باشد.

امام بدر تابان و چراغ پر نور و ستاره درخشانی است که در شب تاریک نور آن به زمین تابیده و به واسطه نور ستاره‌ها ظلمت و تاریکی شب تخفیف یافته و در اثر نور ستاره‌ها - می‌توان راه را تشخیص داد، به این معنی چنانچه ستاره‌ها در شب تاریک به واسطه نور خودشان راهنمای مردم می‌شوند امام هم از همین طریق به واسطه نور علم خود مردم را از گمراهی و بدبختی و تیرگی جهالت و نادانی نجات می‌بخشد. امام مانند ابر بارنده و بارانی است که لاینقطع می‌بارد.

امام امین مردم و رفیق و مهربان و مانند برادر است با دیگران و نجات دهنده بندگان است از آتش آخرت.

امام امین خداوند در روی زمین و حجت کامله یزدان بر بندگان و راهنمای مردم است به طرف خداوند.

امام کسی است که پاکیزه است از گناهان و مبراست از عیوب و نقائص در علم مخصوص و در حلم منحصر و در نظام خلق یگانه عصر و سبب عزت و سربلندی مسلمین و از بین برنده دشمنان و هلاک کننده کافران و بی‌دینان است.

امام یگانه دهر خودش است که کسی در علم و دانش و حلم و شجاعت، جود، سخاوت با او برابری نکند و مانند او مثل و ماندنی نباشد که در این امور باید باشد به این معنی که عالم به جمیع علوم باشد بدون اکتساب که درس بخواند و مدرسه برود تحصیل علم و دانش کند، نه بلکه باید علم او لدنی و از طرف خداوند باشد.

ای عبدالعزیز! گمراه گردید عقول از اندیشه مردم و سرگردان شدند، صاحبان خرد و فهم عاجز شدند بزرگان حیران شد، حکما و فلاسفه و عاجز ماندند خطبا و گویندگان



خسته شدند و ناتوان شدند ادباء و اقرار به عجز خود کردند از این که بتوانند یک مقام امامت را بیان و یا یک شأنی از شئون وی را تشریح دهند یا یک فضیلتی از فضایل آن را توضیح دهند، چگونه می‌توانند توصیف و تعریف امام را طوری که باید و شاید بنمایند و طوری که باید امام را بشناسند.

چگونه می‌توانند فضلا و دانشمندان با اقرار به عجز و قصور خودشان و نشناختن امام را طوری که باید مقام امامت را تعریف بنمایند.

چطور می‌توانند امام را از طرف خودشان انتخاب کنند در صورتی که صلاحیت این امر را ندارند آیا می‌توانند امامی را که باید واجد جمیع امور مذکوره باشد غیر از اهل بیت پیغمبر و آل علی پیدا نمایند سوگند به خدا دروغ می‌گویند.

وقتی مراجعه به باطن خود نمایند وجدان آنان گواهی می‌دهد که خودشان به خودشان دروغ گفتند و خیال باطل و آرزوی خام نمودند و به جای بلند رفته و پرواز به مکانی که در خور لیاقت آنان نبود، نمودند و یک مرتبه از مقام بلند به پرتگاه عمیق و ژرف افتادند و به درّه بدبختی و جهالت و پرتگاه مذلت دچار گردیدند.

زیرا امام را از پیش خود قرار و انتخاب نمودند در صورتی که عقول آنان ناقص و فهم آنان قاصر و گمراه و افکار و اندیشه آنان باطل و فاسد بود، نتیجه از افکار خود نگرفته مگر آن که گمراه شدند خدای آنان را نابود کند.

قدم در کار مشکلی نهادند و از خود دروغ‌ها گفتند و پیش خود هر کس را می‌خواستند امام نمایند تا این که کاملاً گمراه شدند و از راه راست منحرف و دور افتادند و در وادی حیرت و نادانی رهسپار شدند.

زیرا امام خود را ترک نمودند و از روی بصیرت و بینائی باطن در این امر نگاه نکردند شیطان هم اعمال باطل آنان را در نظر آن‌ها جلوه‌گر ساخت تا این که آنان را از این راه راست برگرداند و گمراه ساخت به خیال خودشان که بینا هستند و کار حق نمودند و اعمالشان درست و صحیح است در صورتی که دروغ و باطل و غیر حق بود.

از اختیار خداوند و دستور رسول خداوند اعراض و دوری نمودند و از امر الهی سرپیچی نمودند و عمل نکردند تا به این سیه روزی و بدبختی و گمراهی دچار شدند با وجودی که قرآن در میان آن‌ها داد می‌زند و آن را مخاطب می‌ساخت «وَرَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» (قصص/۶۸)



پروردگار شما جمیع امر را برای شما فراهم و ایجاد نموده است و هر چیزی را که برای شما مصلحت می‌دید انتخاب کرد و از خودتان اختیار ندارید. در جای دیگر فرمود: «ما کان لمؤمن ولا مؤمنة الی آخر» (احزاب/۳۶) از برای مؤمنین اختیاری نیست.

پس از دستور دادن خداوند و بیان کردن رسول خدا در کارهای خودشان برخلاف گفتار خدا و رسول رفتار نمایند و اختیار داشته باشند تغییر و تبدیلی در امور بدهند. در جای دیگر فرمود: از روی چه مأخذ و برهانی چنین حکمی می‌کنید آیا در کتابی دیده‌اید و یا درسی خوانده‌اید؟ آیا دارای عقل بودید یا ایمان کامل داشته‌اید که تا روز قیامت همراه شما باشد. در جای دیگر فرمود:

«سَلِّمُوا إِلَهُكُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ» (قلم/۴۰) و یا «ام لهم شركاء فليأتوا بشركائهم ان كانوا صادقين...» (قلم/۴۱) از این‌ها سؤال نمائید که عقیده‌مند شدند و پیش خود کارهایی انجام دادند و بدون دستور الهی رفتار نمودند بگویند جواب بدهند که چرا چنین کاری کردند آیا دستور داشته یا شریک و رفیقی داشته‌اند آن را بیاورید تا گواهی بدهند اگر راست می‌گویید... اساساً خداوند آنان را شایسته و سزاوار ندید با آن حالت و اوصافی که داشتند تا به آنان بگوید آن وقت فرمان برند و در صورتی که اعراض و دوری می‌نمودند زیرا به ظاهر گفتند که گوش کردیم ولی باز عمل نکردند و معصیت خداوند را به جای آوردند. «بل هو فضل الله يؤتیه من یشاء» امامت از رحمت و فضل خداوندی است، به هر کسی که لایق باشد تفضل می‌کنند چگونه اختیار در انتخاب امام خواهند داشت. امام باید عالم به مقام امور باشد و نسبت به هیچ امری جاهل نباشد. امام کسی است که مردم را به طرف خداوند بخواند و راهنمایی کند بدون این که ترسی داشته باشد.

امام باید معدن طهارت و پاکیزگی عبادت و زهد و تقوی باشد. امام باید از نسل مطهر بتول باشد و کسی در حسب و نسب به پای او نرسد و از ذریه هاشم و از عترت رسول الله ﷺ شریف‌ترین مردم باشد رواج دهنده علم و عالم به امامت و واجب اطاعت و قائم به امراه منصوب از طرف خداوند و ناصح بندگان و حافظ دین خداوند باشد و انبیاء و ائمه کلیه علوم خود را به او بیاموزند بدون این که به دیگران

بیاموزند و باید علم و دانش امام در هر زمانی مافوق کلیه اهل زمان باشد زیرا خداوند در قرآن خود می‌فرماید:

«افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لایهدی الا ان یهدی فمالکم کیف تحکمون» (یونس/۳۵)

کسی که از طرف خداوند هدایت یافته است و از طرف خداوند به او مدد و کمک می‌شود و تمام امور را به وسیله حق می‌فهمد و تمام امور را عالم است سزاوار و شایسته است که متابعت و پیروی از او بنماید و فرمان او را بپذیرند و مطیع گفتار او باشند یا کسی که خود هدایت نیافته است و عالم نیست و باید در اموری که اطلاع ندارد از دیگران سؤال کند.

آیا چنین شخصی شایسته اطاعت است «فمالکم کیف تحکمون» (یونس/۳۵) چه شده است که چنین حکمی می‌کند چرا از روی فکر و عقل و اندیشه و شعور کار نمی‌کنند. هرگاه کسی را خداوند انتخاب کند و او را امام قرار دهد سینه او را گشاده کرده‌اند و قلب او را منبع علم و حکمت قرار می‌دهند و کلیه امور را به او الهام می‌کند عاجز از جواب هیچ سؤالی نشود و هیچ وقت از راه راست منحرف نگردد و هیچ گاه گناهی مرتکب نشود و معصوم و مؤید و موفق از طرف خداوند است مأمون از خطا و لغزش است خداوند این اوصاف را در آن جمع کرده است تا آن که حجت بر بندگان باشد.

آیا مردم می‌توانند یک چنین کسی را انتخاب نمایند یا کسی را پیدا کنند که دارای چنین اوصافی باشد مردم که عالم نیستند و خودشان گمراه هستند و نادان جاهل می‌باشند و به این وصف چگونه می‌توانند امام را خودشان انتخاب کنند.^۱

۲۱۹. اتصالی ملکوتی

امام باقر علیه السلام فرمود: مثل ما اهل بیت مثل درختی است که پا برجا باشد و هر که به شاخه‌ای از آن تعلق پیدا کند اهل آن خواهد بود.

عرض کردم: مقصود از شاخه درخت کیست؟ فرمود: علی علیه السلام است.^۲

۱. امالی صدوق - عیون اخبار الرضا علیه السلام اکمال الدین.

۲. کافی، ج ۴، ص ۴۱.



۷۲۰. صفات امام

طارق ابن شهاب از حضرت امیر علیه السلام روایت نمود که به من فرمود: ای طارق امام کلمه خدا و حجت و آیه و علامت خداوند است که خداوند او را برگزیده و انتخاب نموده است و هر چیز که لازم باشد به او می‌دهد و مردم را فرمان می‌دهد که از او متابعت و پیروی نمایند و او را ولی و پیشوای خود قرار دهند.

امام ولی آسمان و زمین است و خداوند از جمیع بندگان خود عهد و میثاق گرفته است که پیروی از او نمایند و مطیع و فرمانبردار او باشند.

امام فعال ما یشاء است و هر چیزی که خداوند می‌خواهد او می‌خواهد غیر از دستور خداوند عمل نمی‌کند.

امام نفس راستی و درستی است و از طرف خداوند درباره وی گفته شده است «**وَمَثَلُ كَلِمَةِ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا**»؛ کلمه خداوند به تو اختتام پذیرفت و از حیث راستی و درستی.

امام کسی است که هیچ چیز بر وی پوشیده و مخفی نیست و بر تمام امور جمیع عالم از مشرق و مغرب اطلاع دارد و عالم به زبان حیوانات و موجودات و تمام درندگان است.

امام کسی است که خداوند او را برگزیده و به او علم غیب داده و حکمت را به او تلقی و قلب او را معدن مشیت و اراده خود قرار داده و از تمام مردم نسبت به امامت او اقرار گرفته و فرمان صادر نمود که باید مطیع او باشند و به دستور و گفتار او عمل نمایند.

امام وارث پیغمبران و جانشین برگزیدگان و خلیفه خداوند و جانشین رسول خدا است در امامت عصمت و ولایت و سلطنت و آقائی و هدایت و راهنمایی جمع است برای این

که امام تمام دین است و دین به واسطه امامت تمام می‌گردد.

امام مثل چراغ درخشانی است و راهنما و نجات دهنده است.

امام مانند چشمه‌ایست زاینده و دریای مواج و آفتاب تابان و مانند آسمانی که تمام موجودات در زیر سایه او باشند و مانند دریائی است که هیچ وقت خالی نشود.

امام مانند طیب حاذق و پدر مشفق و خیرخواه نجات دهندگان بندگان از بلاها و بدبختی و حاکم امر و نهی و جهت خداوندی است نسبت به بندگان پاکیزه از گناهان

مبرا از عیوب و نقائص بر عیوب و امور خفی و پنهان ظاهر امامت امر لایبوصف و باطنش



بت‌پرست بود و بت‌ها را عبادت و ستایش و پرستش می‌نمود، در موقع جنگ ترسو و جبان است و راه عزیمت و فرار را اختیار می‌کند.

امام باید عالم باشد به تمام امور و به هیچ یک از احکام جاهل نباشد. اما باید شجاع و دلیر و در هیچ موقع ترس و بیم نداشته باشد.

امام باید در حسب و نسب کسی با او برابر نکند.

امام باید از ذریه و اولاد قریش باشد.

امام باید شرافت حسبی و نسبی از اولاد هاشم داشته باشد.

امام باید از نسل و اعقاب ابراهیم باشد.

امام باید منبع کرم و سخاوت باشد.

امام باید نفس رسول‌الله و تالی مرتبه پیغمبر خداوند و راضی به رضای خداوند و کردار و گفتارش از طرف خداوند باشد.

امام باید اشرف ناس و شریف‌تر از تمام مردم باشد.

اما باید عالم کیفیت امور سیاست و قائم به ریاست و واجب‌الاطاعه تا روز قیامت باشد.

امام باید قلبش ودیعه اسرار الهی و لسان و نطقش در نهایت درجه فصاحت و بلاغت باشد.

امام باید معصوم و پاک از کلیه عیوب و نقائص و نه ترس و بیم داشته و نه جاهل و نادان باشد.

ای طارق! چنین امامی که اوصاف او را ذکر کردم مردم ترک نمودند و صرفنظر کردند و متابعت هوای نفسانی خویش کردند و گمراه شدند و خود را به ورطه هلاکت انداختند و بدون دستور و گفتار خداوندی رفتار کردند و «ذک هو الخسران المبین».

ای طارق! امام باید بشر ملکوتی و انسان آسمانی و طایر قدسی و مقام علوی و نور جلی و سرخفی باشد.

امام باید دارای نفس ملکوتی و صفات الهی و دارای کلیه محسنات و عالم به مغیبات و مخصوص از طرف خداوند و منصوص از طرف خدا و رسول باشد.

ای طارق! کلیه این امور که راجع به شرائط امامت ذکر گردید همه آن در آل علی و اهل بیت رسول‌الله است و دیگران هیچ یک در این امور شریک با آل رسول نیستند

زیرا: آل رسول معدن تنزیل و عالم به تأویل و مخصوص از طرف پروردگار و مهبط وحی و الهام از طرف خداوند و برگزیده خدا و سرّ خدا و کلمه خدا و شجره نبوت و معدن عصمت و غایه القصوی و بیان کننده رسالت و احکام و نور جلال عظمت الهی و ودیعه دستور پروردگار و منبع حکمت و نعمت و راهنمای طریقه توحید و رساننده مردم به شاهراه هدایت و راستی جانشینان پیغمبر و انتخاب شدگان و امین درگاه خداوند هستند. کسی که آنان را بشناسد و مطابق دستور آنان رفتار نماید از آنان خواهد بود از این جهت است که رسول خدا ﷺ فرموده «ومن تبعنی فانه منی» هر کس متابعت و پیروی از من نماید از من خواهد بود.

خداوند ائمه و پیشوایان را از نور عظمت خود خلق و ایجاد نمود و آنان را والی و فرمانروای امور مملکت خویش ساخت.

امام علم انبیاء و سر اوصیاء و عصمت و عزت اولیاء است در مجد و شرف و آسمان و زمین در نزد امام مانند دست خود اوست که عالم به ظاهر و باطن و خوب را از بد و خشک را از تر تمیز می‌دهد و اطلاع به ظاهر عالم و آسمان و زمین دارد زیرا:

خداوند پیغمبر خود را به علوم اولین و آخرین و علم ما کان و ما یکون مطلع نمود و به او تعلیم داد از پیغمبر اوصیائی که از طرف خداوند برگزیده گردیدند وارث این علوم گردیدند و از پیغمبر به آنان یکی بعد از دیگری بدون کم و زیاد و نقصان رسید و کسی که انکار این امر نماید ملعون و شقی است و خداوند و رسولش او را لعن می‌نمایند.

این قسمت واضح است زیرا صحیح نیست که خداوند بندگان خود را فرمان دهد که اطاعت و پیروی از شخصی بنمایند که عالم به امور او نباشد و جاهل و نادان باشد محال و ممتنع است که خداوند چنین فرمان و دستوری به بندگان خود بدهد. هر آیه در قرآن که اسمی از عین، وجه، ید، جنب، برده شده باشد مانند عین الله یا جنب الله یا وجه الله همه آنان و مقصود از وجه الله و عین الله و جنب الله ائمه خواهند بود برای آن که اینان وجه الله حق الله و جنب الله و صراط مستقیم و وسیله و واسطه نبوی خداوند و وسیله از برای عضو خداوند ائمه هستند که سرّ خدائی هستند از این جهت است که هیچ کس را نتوان با اینان مقایسه نمود. پس اینان بندگان مخصوص و خالص خداوند هستند و راهنمایان طریقه توحید و نجات دهنده بندگان و فضل و رحمت خدا و عین الیقین و حقیقت صراط



مستقیم و مبدأ الوجود و غایت الوجود و قدرت پروردگار و مشیت حق و ام‌الکتاب و خاتمه و دلیل خداوند و منبع و خزینه وحی و معدن تنزیل و نهایت تأویل هستند زیرا:

این طایفه بهترین نیکوکاران و ائمه طاهریں و عترت معصومین و بهترین افراد بشر و خلفاء راشدین و بزرگان راستگویان و متقین و پرهیزکاران و راهنمای گمراهان و نخبه آل طه و یاسین اهل بیت نبوت و عصمت حجج و براهین خداوند برای اولین و آخرین هستند که اسامی هر یک در روز ازل و مشیت الهی در کلیه موجودات از شجر و حجر و مدر ثبت و ضبط شده است.

از علم ازل گذشته که این عده مخصوص درگاه حضرت احدیت و راهنما و هادی عالم بشریت از بدو عالم تا انقراض وی پس از ختمی مرتبت و دوره پیغمبری یکایک تا انقراض دنیا در روی زمین باقی و پایدار باشند.

این است که فرموده (لولا الحجة لساقط الارض أهلها؛ اگر حجت و امام در روی زمین نباشد زمین اهل خود را فرو برد).

ای طارق خداوند هیچ مخلوقی را نیافرید مگر آن که از آن مخلوق اقرار وحدانیت و احدیت خود و ولایت آن عترت و خاندان نبوت و عصمت و دوری و بیزاری از دشمنان آل رسول الله را گرفت پس از اقرار مخلوقات بیگانگی خداوند و ولایت اهل بیت عترت و خاندان نبوت آن وقت مخلوقات را خداوند ایجاد نمود.

ای طارق این است معنی امامت و ولایت و خلافت^۱.

۷۲۱. یک دلیل قانع کننده کافی است

روزی عده‌ای از اصحاب امام صادق علیه السلام مانند حمران بن اعین و محمد بن اعین و محمد بن نعمان و هشام بن سالم و طیار و عده‌ای دیگر که در بین آن‌ها هشام بن حکم - خدمت امام صادق علیه السلام حاضر بودند، سپس امام صادق علیه السلام به هشام بن حکم فرمود: ای هشام! آیا قصه خود را با عمرو بن عبید (عالم سنی مذهب معروف شهر بصره) تعریف نمی‌کنی؟

هشام عرض کرد: از جلالت و بزرگی شما حیا می‌کنم چیزی عرض کنم.

۱. بحار الانوار مرحوم مجلسی، ج ۲۵، ص ۱۶۹، باب ۴ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۳۶ - شواهد التنزیل حسکانی، ج ۱، ص ۱۳۹.



گفت: با آن صداها را می شنوم.

پرسیدم: آیا قلب داری؟

گفت: آری!

پرسیدم: قلب را برای چه می خواهی؟

عمر و گفت: با قلب خود صحت و سقم حرکت اعضای دیگر را تشخیص می دهم.

پرسیدم: آیا اعضاء جوارح دیگر، تو را از قلب بی نیاز نمی کنند؟

عمر و گفت: هرگز.

به او گفتم: چگونه از قلب بی نیاز نمی شوی در حالی که اعضای دیگر بدن تو سالم است؟

عمر و گفت: پسر جان! اعضای دیگر اگر در چیزی که می بیند و یا می بوید و یا می چشد

و یا می شنود شکی پیدا کند مراجعه به قلب می کند تا شک او مبدل به یقین شود.

هشام می گوید: پس به او گفتم: بنابراین خداوند در بدن تو قلب را راهنمای جوارح

دیگر تو قرار دارد.

گفت: آری!

گفتم: به نظر شما قلب برای راهنمایی و نیاز جوارح لازم است؟

گفت: آری!

به او گفتم: ای ابامروان! (کنیه عمرو بن عبید است) آیا خدایی که جوارح و اعضای

بدن تو را بدون راهنما قرار نداده و برای آن ها امام و رهبری معین نموده تا این که

جوارح تو متحیر نباشند و در شک و تردید باقی نمانند این مردم را بدون امام و رهبر در

حیرت و شک و اختلاف رها می کند و امامی از طرف خود برای آن ها قرار نمی دهد که

نادانی ها و اختلافات خود را به وسیله او برطرف کنند.

و در این جهان کوچک بدن تو امامی را برای تو معین کرده که حیرت و شک جوارح

تو را برطرف کند.

پس عمرو بن عبید ساکت ماند و پاسخی به من نداد، سپس نگاهی به من کرد و گفت:

تو هشام بن حکم نیستی؟.

گفتم: خیر!

گفت: از شاگردان او نیستی؟

گفتم: خیر!



از او محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و تو ای جابر او را درک خواهی نمود و وقتی او را ملاقات نمودی از قول من به او سلام برسان.

بعد از ایشان جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی علی بن محمد، حسن بن علی، و بعد از ایشان کسی که هم اسم و هم کنیه و حجت خداوند و بقیه الله در روی زمین است و فرزند حسن بن علی می باشد امام خواهد بود که خداوند اسم او را به تمام عالم شرق و غرب مشهور خواهد ساخت.

او کسی است که پس از ظهور غیبت خواهد نمود و از نظر شیعیان پنهان می شود و در زمان غیبت وی کسی به امامت او قایل نشود مگر آن که خداوند قلب او را آزمایش و امتحان می کند.

جابر گفت: که از رسول خدا سؤال کردم که آیا شیعیان در ایام غیبت از فرزند حسن بن محمد استفاده خواهند کرد رسول خدا در جواب من سوگند به خدا یاد نمود و گفت که شیعیان در ایام غیبت به واسطه نور و ضیاء فرزند دوازدهمی من و وجود او بهره مند می شوند.

از ولایت او استفاده خواهند کرد مانند استفاده مرد از آفتاب اگرچه آن آفتاب در زیر ابر پنهان باشد.

ای جابر!

این خبر که از اسرار مکنون است کاملاً او را محفوظ دار و اظهار نکن مگر برای کسانی که صلاحیت داشته باشند.^۱

۲۲۴. با هدایت امام عادل راه خدا پیدا می شود

امام صادق علیه السلام فرمود: مثل ما در کتاب خدا مثل قندیلی است که در آن چراغی نمی باشد پس ما به منزله آن قندیل هستیم و محمد صلی الله علیه و آله به منزله آن چراغ است او مانند ستاره ای درخشان می باشد که از شجره مبارک آفرخته شده باشد و فرمود: شجره مبارک

۱. تأویل الایات مرحوم مقدس اردبیلی، ص ۱۴۱.



فصل دهم

صاحب بن عباد گوید:



بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۵

ولایت امام علی علیه السلام در کلام علماء



۷۲۷. شیخ مفید مردی استثنایی

یکی از علمای بسیار برجسته شیعه، محمد بن محمد نعمان معروف به «شیخ مفید» است، وی در ۱۱ ذی‌قعدة سال ۳۳۶ یا ۳۳۸ ه. ق. در روستای «سوبقه» از توابع «عکبرا» (ده فرسخی شمال بغداد) به دنیا آمد، او با پدرش که معلم بود، به بغداد آمد و به تحصیل پرداخت، تا اینکه از علمای بزرگ شیعه، و مورد قبول همه فرقه‌های مسلمین شد، علامه حلی درباره شیخ مفید (ره) می‌گوید: «او از بزرگترین مشایخ شیعه، و رئیس و استاد آنها است، هر که پس از او آمد، از علم او بهره‌مند شده است.»^۱

ابن کثیر شامی در کتاب «البدایة و النهایه» می‌گوید: «شیخ مفید، بزرگ شیعه و مصنف و مدافع ایشان بود، در مجلس درس او، بسیاری از علمای مذاهب گوناگون، شرکت می‌نمودند.»^۲

شیخ مفید «ره» متجاوز از دوپست کتاب در فنون مختلف، تألیف کرد، نجاشی نسب شناس معروف، متجاوز از ۱۷۰ کتاب از تألیفات شیخ مفید «ره» را نام می‌برد.^۳ شیخ مفید «ره» در شب جمعه، سوم ماه رمضان سال ۴۱۳ ه. ق. در بغداد درگذشت، و قبر شریفش در کاظمین، کنار قبر امام جواد (ع) است.

شیخ مفید (ره) در فنّ مناظره، بسیار قوی بوده، پاره‌ای از مناظرات پر محتوا و مستدل او در کتابها نقل شده در اینجا به ذکر یکی از مناظرات او می‌پردازیم، که به قول عده‌ای به خاطر همان مناظره، لقب «شیخ مفید» به او داده شده:

در عصر شیخ مفید «ره» یکی از علمای بزرگ اهل تسنن، در بغداد مجلس درسی داشت، او به نام «قاضی عبدالجبار» خوانده می‌شد، روزی قاضی عبدالجبار، در مجلس درس خود نشسته بود، شاگردانش از سنی و شیعه حاضر بودند، در آن روز شیخ مفید «ره» نیز به آن مجلس وارد شد و نزدیک در نشست، قاضی تا آن روز شیخ مفید را ندیده بود، ولی وصفش را شنیده بود. پس از لحظه‌ای، شیخ مفید به قاضی رو کرد و گفت: «آیا اجازه می‌دهی، در حضور این دانشمندان سؤالی از شما کنم؟».

۱. رجال نجاشی، ص ۳۱۱ - کافی، ج ۱، ص ۲۹۳ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۵ باب ۴۷ و ص ۳۴ در شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۹ تعبیر عمودالجنة آمده است.

۲. البدایة و النهایه، ج ۱۲، ص ۱۵.

۳. مقدمه اوائل المقالات.



قاضی: بپرس.

شیخ مفید: این حدیثی که شیعیان روایت می‌کنند پیامبر ﷺ در صحرای غدیر، درباره علی ﷺ فرمود: «من كنت مولاة فعلى مولاة؛ هر کس که من مولای اویم، پس علی ﷺ مولای اوست».

آیا صحیح است و یا این که شیعه آن را به دروغ ساخته است؟
قاضی: این روایت صحیح است.

شیخ مفید: منظور از کلمه «مولی» در این روایت چیست؟
قاضی: منظور، آقائی و اولویّت است.

شیخ مفید: اگر چنین است پس طبق فرموده پیامبر ﷺ، علی ﷺ آقائی و اولویّت بر دیگران دارد، بنابراین، این همه اختلاف و دشمنی‌ها بین شیعه و سنی برای چیست؟
قاضی: ای برادر! این حدیث (غدیر را به روایت دو مطلب نقل شده)، ولی خلافت ابوبکر، «درایت» و امری مسلم است، و آدم عاقل، به خاطر روایتی، درایت را ترک نمی‌کند!!

شیخ مفید: شما درباره این حدیث چه می‌گوئید که پیامبر ﷺ در شأن علی ﷺ فرمود:
يا عَلِيُّ حَرْبُكَ حَرْبِي وَ سَلْمُكَ سَلْمِي: «ای علی! جنگ تو، جنگ من است، و صلح تو، صلح من است».

قاضی: این حدیث صحیح است.

شیخ مفید: بنابراین آنان که جنگ جمل را به راه انداختند مانند طلحه و زبیر و عایشه و... و با علی ﷺ جنگیدند، طبق حدیث فوق، و اعتراف شما به صحت آن، باید با شخص رسول خدا ﷺ جنگیده باشند و کافر باشند.

قاضی: ای برادر! آن‌ها (طلحه و زبیر...) توبه کردند.

شیخ مفید: جنگ جمل، درایت و قطعی است، ولی در این که پدید آورندگان جنگ توبه کرده‌اند، روایت و شنیدنی است و به گفته تو نباید درایت را فدای روایت کرد، و مرد عاقل به خاطر روایت، درایت را ترک نمی‌کند.

قاضی، در پاسخ این سؤال فرو ماند، پس از درنگ سرش را بلند کرد و گفت: «تو کیستی؟».



شیخ مفید: من خادم شما محمد بن محمد بن نعمان هستم.
 قاضی هماندم برخاست و دست شیخ مفید را گرفت و بر جای خود نشانید و به او
 گفت: **أَنْتَ الْمُفِيدُ حَقًّا**: «تو در حقیقت، مفید (فایده بخش) هستی».
 علمای مجلس از رفتار قاضی رنجیده خاطر شدند و همه مه کردند، قاضی به آن‌ها
 گفت: من در پاسخ این شیخ (مفید) در مانده شدم، اگر هر یک از شما پاسخی دارد،
 برخیزد و بیان کند.
 هیچ کس بر نخاست، به این ترتیب، شیخ مفید، پیروز شد و لقب «مفید» در این
 مجلس، برای او بر سر زبانهای مردم افتاد.^۱

۷۲۸. شش نکته بدیع

در آیه ۴۰ سوره توبه آمده.

«**الَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذَا خَرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا تَائِبِينَ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ
 لَا تَحْزَنْ إِنَّا لَنَرَاهُ فِئْتَنَةً مِّنْ أَهْلِ الْبَلَدِ فَاصْبِرْ إِنَّ هُمَا لَبِئْسَ الْبِئْسَ الْبَلَدِ**»؛ «اگر پیامبر ﷺ را
 یاری نکنید، خداوند او را یاری خواهد کرد (همان گونه که در سخت‌ترین ساعات، او را
 تنها نگذارد) آن هنگام که در جریان هجرت کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی
 که دومین نفر بود (و یک نفر همراه او بیش نبود) در آن هنگام که آن دو، در غار بودند،
 و او به همسفر خود می‌گفت: غم مخور، خدا با ما است، در این موقع خداوند آرامش خود
 را بر او (پیامبر) فرستاد، و با لشکری که آن‌ها را نمی‌دیدند او را تقویت نمود».
 علمای اهل تسنن، نکات این آیه را از دلائل معروف فضائل ابوبکر می‌دانند، و ابوبکر
 را به عنوان «یار غار» خوانده، و برای تأیید خلافت او به آن تکیه می‌نمایند، و شعرای
 آن‌ها با یادآوری همین عنوان، او را می‌ستایند در این قسمت به مناظره شیخ مفید
 می‌پردازیم:

علامه طبرسی در کتاب احتجاج و کراچی در کنز الفوائد، از شیخ ابوعلی حسن بن محمد
 رقی نقل می‌کنند که شیخ مفید «ره» فرمود:

شبی در خواب دیدم گویا به راهی می‌روم، ناگاه چشمم به جمعیتی افتاد که به گرد

۱. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۲۰۱ مجلس پنجم.



مردی حلقه زده بودند، و آن مرد برای آن‌ها قصه می‌گفت، پرسیدم آن مرد کیست؟ پاسخ دادند: «عمر بن خطاب» است.

من نزد عمر رفتم دیدم مردی با او سخن می‌گوید، ولی من سخن آن‌ها را نمی‌فهمیدم، سخنشان را قطع کرده و به عمر گفتم: بگو دلیل برتری ابوبکر، در آیه غار (ثانی اثنین اذهما فی الغار...) چیست؟

عمر گفت: شش نکته‌ای که در این آیه وجود دارد بیانگر فضیلت ابوبکر است. آنگاه آن شش نکته را چنین برشمرد.

۱. خداوند در قرآن (آیه ۴۰ توبه) از پیامبر ﷺ یاد کرده، و ابوبکر را دومین نفر قرار داده است. (ثانی اثنین)

۲. خداوند در آیه فوق، آن دو (پیامبر و ابوبکر) را در کنار هم، در یک مکان یاد کرده، و این بیانگر پیوند آن دو است (اذهما فی الغار).

۳. خداوند در آیه مذکور، ابوبکر را به عنوان صاحب (رفیق) پیامبر ﷺ یاد نموده که حاکی از درجه بالای ابوبکر است (اذا یقول لصاحبه).

۴. خداوند از مهربانی پیامبر ﷺ به ابوبکر خبر داده، آنجا که طبق آیه مذکور، پیامبر به ابوبکر می‌گوید «ولا تحزن: غمگین نباش».

۵. پیامبر ﷺ به ابوبکر خبر داده که خداوند یاور هر دو ما به طور مساوی، و مدافع ما است. (ان الله معنا).

۶. خداوند در این آیه از نازل شدن سکینه و آرامش به ابوبکر خبر داده است، زیرا پیامبر ﷺ همیشه دارای آرامش بود و نیازی به فرود آمدن آرامش نداشت (فانزل الله سکینه).

این شش نکته از آیه مذکور، بیانگر برتری ابوبکر است، که برای تو و دیگران قدرت بر رد آن نیست.

شیخ مفید «ره» می‌گوید:

من به او گفتم: براستی حق رفاقت با ابوبکر را ادا کردی، ولی من به یاری خدا

۱. توبه، ۴۰.



به همه آن شش نکته پاسخ می‌دهم، مانند باد تندی که در روز طوفانی، خاکستر را می‌پراکند، و آن این است:

۱. دومین نفر قرار دادن ابوبکر، دلیل فضیلت او نیست، زیرا مؤمن با مؤمن، و همچنین مؤمن با کافر، در یکجا قرار می‌گیرند، وقتی که انسان بخواهد یکی از آن‌ها را ذکر کند می‌گوید دومین آن دو (ثانی اثین).

۲. ذکر پیامبر ﷺ و ابوبکر در کنار هم، نیز دلالتی بر فضیلت ابوبکر ندارد، زیرا چنانکه در دلیل نخست گفتیم - در یکجا جمع شدن، دلیل بر خوبی نیست، چه بسا مؤمن و کافر در یکجا جمع می‌شوند، چنانکه در مسجد پیامبر ﷺ که شرافتش از غار ثور بیشتر است، مؤمن و منافق... می‌آمدند و در آنجا کنار هم اجتماع می‌کردند، از این رو در قرآن آیه ۳۶ و ۳۷ معارج آمده:

«فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مَهْطَعِينَ، عَنِ الِیْمَنِ وَعَنِ الشَّمَالِ عَزِيزِينَ»؛ «این کافران را چه می‌شود که با سرعت نزد تو می‌آیند، از راست و چپ، گروه گروه» و همچنین در کشتی نوح ﷺ هم پیغمبر بود و هم شیطان و حیوانات، پس اجتماع در یک مکان، دلیل فضیلت نیست.

۳. اما در مورد مصاحبت، این نیز دلیل فضیلت نیست، زیرا مصاحب به معنی همراه است و چه بسا کافر با مؤمنی همراه باشد چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «قال له صاحبه وهو يحاوره اكفرت بالذی خلقك من تراب...».

«دوست (با ایمان) او (ثروتمند مغرور و بی‌ایمان) که بسا او به گفتگو پرداخته بود، گفت: آیا به خدائی که تو را از خاک آفریده کافر شدی»^۱.

۴. اما این که پیامبر ﷺ به ابوبکر فرمود: «لا تحزن» محزون مباش این دلیل خطای ابوبکر است نه دلیل فضیلت او، زیرا حزن ابوبکر، یا اطاعت بود یا گناه، اگر اطاعت بود، پیامبر ﷺ از آن نهی نمی‌کرد، پس گناه بود که پیامبر ﷺ از آن نهی کرد.

۵. اما این که پیامبر ﷺ فرمود: «ان الله معنا» (خدا با ماست) دلیل، آن نیست که منظور هر دو باشند، بلکه منظور شخص پیامبر ﷺ به تنهایی می‌باشد، و پیامبر خودش تعبیر به

۱. کفف، ۳۷.



جمع می‌کند، چنانکه خداوند در قرآن از خود بالفظ جمع یاد کرده و می‌فرماید: «انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون» (ما ذکر قرآن) را فرو فرستادیم و ما قطعاً آن را نگهداریم).^۱ اما این که گفتی سکینه و آرامش بر ابوبکر نازل شده، با ظاهر سیاق آیه مخالف است، زیرا سکینه بر آن کس نازل شد که طبق قسمت آخر آیه، لشکر نامرئی خدا به یاری او شتافت، که پیامبر ﷺ می‌باشد، اگر بخواهی بگوئی هر دو یعنی: سکینه و یاری و لشکر نامرئی برای ابوبکر بود، باید پیامبر ﷺ را در اینجا از نبوت خارج سازی، پس سکینه بر پیامبر ﷺ فرود آمد، زیرا او در این مورد (در غار) تنها کسی بود که شایستگی آرامش را داشت، ولی در قرآن در مورد دیگر که مؤمنین در شمول سکینه و آرامش، با پیامبر ﷺ شرکت داشتند، نام هر دو آمده است، چنان که در قرآن می‌خوانیم: «فانزل الله سکینته علی رسوله وعلی المؤمنین»: «خداوند آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان فرو فرستاد». بنابراین اگر به این جمله (آیه غار) برای رفیقت استدلال نکنی بهتر است.^۲ شیخ مفید گوید: او (عمر) دیگر نتوانست، پاسخ مرا بدهد، و مردم از دورش پراکنده شدند و من از خواب بیدار شدم.^۳

۷۲۹. دلایلی قانع کننده

ابوالهذیل، دانشمند معروف اهل تسنن عراق می‌گوید: در سفری وارد شهر «رقه» (یکی از شهرهای سوریه کنونی) شدم، در آنجا شنیدم که مردی دیوانه ولی خوش کلام در «معبد زکی» زندگی می‌کند. برای دیدار او به آن معبد رفتم، دیدم در آنجا یک پیرمرد با جمال و خوش قامتی بر روی زیراندازی نشسته و موی سر و روی خود را شانه می‌زند بر او سلام کردم، جواب سلام را داد، آنگاه بین من و او چنین گفتگو شد:

ناشناس هوشمند: اهل کجا هستی؟

ابوالهذیل: اهل عراق هستم.

ناشناس هوشمند: آری! پس اهل تجربه‌ها و هنرهای زندگی و آداب هستی، بگو

بدانم در کدام نقطه عراق زندگی می‌کنی؟

۱. حجر، ۹.

۲. فتح، ۲۶.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۶ تا ۳۲۹.



اما در مورد مهاجران، همانا «زبیر» گفت: من غیر از علی با هیچ کس بیعت نمی‌کنم، شمشیر او را شکستند، ابوسفیان نزد علی آمد و گفت: «اگر بخواهی همه مردم را جمع کرده (و با تو بیعت می‌کنیم) و سلمان بیرون آمد و گفت: «کردند و نکردند و ندانند که چه کردند» (کارهایی که در مورد بیعت با ابوبکر انجام شده برخلاف اصول صورت گرفته) و همچنین مقداد و ابوذر اعتراض نمودند، این بود وضع مهاجران [پس همه مردم به رهبری ابوبکر رضایت نداده‌اند].

ای ابوالهذیل! اکنون چند سؤال از تو دارم، پاسخ این سؤال‌ها را به من بده:

۱. به من بگو بدانم مگر نه این است که ابوبکر بالای منبر رفت و گفت: ای مردم!... «انّ لی شیطانا یعتزینی، فاذا رأیتمونی مغضبا فاحذرونی؛ همانا! در وجود من شیطانی هست که مرا غافلگیر کرده و بر من چیره می‌شود وقتی که مرا خشمگین یافتید از من دوری کنید» او در حقیقت با این سخن می‌خواهد بگوید: من همانند دیوانه هستم، بنابراین چگونه شما او را رهبر نموده‌اید؟

۲. به من بگو بدانم، کسی که معتقد است پیامبر کسی را جانشین خود نکرد ولی ابوبکر، عمر را جانشین خود نمود و عمر کسی را جانشین نمود، در رفتار آن‌ها یک نوع تناقض دیده می‌شود جواب این ایراد چیست؟

۳. به من بگو بدانم، وقتی که عمر خلافت بعد از خود را به عهده شوراى شش نفری گذاشت و گفت آن‌ها از اهل بهشت می‌باشند، پس چرا بعدا گفت: اگر دو نفر از آن‌ها با چهار نفر دیگر مخالفت کردند، آن دو نفر را بکشید و اگر سه نفر با سه نفر دیگر مخالفت نمودند آن سه نفر را که عبدالرحمن بن عوف در میانشان است بکشید؟ آیا چنین دستوری از دیانت است که فرمان قتل اهل بهشت را صادر نماید؟!

۴. ای ابوالهذیل به من بگو بدانم: ماجرای ملاقات ابن عباس و عمر و گفتگوی آن‌ها را چگونه با عقیده خود سازگار می‌دانی؟ آن هنگام که عمر بن خطاب بر اثر ضربه بستری شد و عبدالله بن عباس نزد او رفت دید بی‌تابی می‌کند، پرسید: «چرا بی‌تابی می‌کنی؟» عمر در پاسخ گفت: بی‌تابی من برای خودم نیست، بلکه از این رو است که بعد از من چه کسی عهده دار مقام رهبری می‌گردد، سپس بین او و ابن عباس چنین گفتگو شد: ابن عباس: طلحة بن عبیدالله را رهبر مردم کن.



عمر: او تندخو است، پیامبر او را این چنین می‌شناخت، من مقام رهبری را به آدم تندخو نمی‌سپرم.

ابن عباس: زبیر بن عوام را رهبر مردم کن.

عمر: او مرد بخیل است، دیدم درباره مزد همسرش در مورد مقداری از پشمی که رشته بود، ستیز و سخت‌گیری می‌کند، مقام رهبری مسلمین را به شخص بخیل واگذار نمی‌کنم.

ابن عباس: سعد و قاص را رهبر مردم کن.

عمر: سعد، با اسب و تیر، سر و کار دارد (و فردی نظامی است) چنین فردی برای اداره امور رهبری شایسته نخواهد بود.

ابن عباس: عبدالرحمن بن عوف را رهبر کن.

عمر: او از اداره خانواده خود عاجز است.

ابن عباس: عبدالله پسر ت را رهبر کن.

عمر: نه به خدا، مردی را که از طلاق دادن همسرش، درمانده است عهده‌دار مقام رهبری نمی‌کنم.

ابن عباس: عثمان را رهبر کن.

عمر: سه بار گفت: سوگند به خدا اگر عثمان را رهبر کنم، طایفه بنی معیط (تیره‌ای از بنی امیه) را برگرده مسلمانان سوار می‌کند و با این وضع جا دارد که او را بکشند.

ابن عباس می‌گوید: سپس ساکت شدم، و به خاطر دشمنی و عداوتی که بین عمر و علی (ع) بود، نام امیر مؤمنان علی (ع) را متذکر نشدم ولی خود عمر به من گفت: «ای پسر عباس! رفیقت را نام ببر!».

گفتم: پس علی (ع) را رهبر مردم کن.

عمر: سوگند به خدا! پریشان و بی‌تاب نیستم مگر به خاطر این که حق را از صاحبش گرفتیم، «والله لئن وئیته لیحملنهم علی المحجة العظمی وان یطیعوه یدخلهم الجنة؛ سوگند به خدا! اگر علی (ع) را رهبر مردم قرار دهیم، او قطعاً آن‌ها را به جاده بلند سعادت روانه می‌کند و اگر مردم از او پیروی کنند او آن‌ها را به بهشت وارد می‌سازد».



عمر، این مطالب را گفت در عین حال مسأله خلافت بعد از خود را به شورای شش نفری واگذار نموده، وای بر او از ناحیه پروردگارش.

ابوالهذیل می‌گوید: آن مرد خوش قامت و خوش کلام (ناشناس هوشمند) وقتی که سخنش به اینجا رسید، حالش منقلب شد و همانند دیوانگان گردید (برای تقیه، خود را به دیوانگی زد). ماجرای او را به مأمون (هفتمین خلیفه اموی) گفتم، مأمون او را طلبید و درمان کرد و او را همدم خود در امور قرار داد، مأمون بر اثر همین گفتار منطقی او شیعه شد. (به طور ظاهری).^۱

۷۳۰. برتری ولای ولی‌الله

عباس محمود عقاد، شاعر و نویسنده و مورخ و ناقد بزرگ و برجسته مصری می‌باشد او کتابی درباره امام علی علیه السلام به رشته تحریر در آورده به نام شخصیت حضرت علی علیه السلام این کتاب ۱۲ فصل دارد.

او فصل دهم را به نام برتری علی بر سایرین نامیده و با ذکر مثل معروف عرب «زبان مردم قلم حق است» به دلایل برتری امام اشاره می‌کند از جمله آن که لقب امام را صرفاً مختص امام علی علیه السلام دانسته و هیچ یک از خلفای راشدین را دارای این لقب ندانسته و حلقه‌های اتصال علمای علم کلام را به امام منتهی دانسته و امام را در زندگی و مرگ دارای نشانه‌های شهداء ذکر کرده و تمام علوم اسلامی و قدیمی را به امام علیه السلام منتسب دانسته بیانات امام را در نهج البلاغه سیل فیض و نشانه‌های توحید و حکمت الهی بر شمرده و امام را در فقه و کیفیت قضاوت، افقه و افضل از تمام مردم آن دوره و مقتدرترین فرد در استنباط احکام الهی از قرآن و سنت نبوی و عرف معرفی نموده نحو عربی را به امام می‌رساند و فن بلاغت او را ستایش کرده و برتری ادبی امام را بر سایرین با ذکر سخنانی از او یادآوری کرده دانش و فنون جنگی و قشون کشی او را بر شمرده و به تاکتیک‌ها و دلیرهای امام اشاره کرده است.^۲

۱. احتجاج به طبرسی، ج ۲، ص ۱۵۱ تا ۱۵۴ - شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۶، ص ۱۸ و ج ۱۷، ص ۱۵۹.

۲. شخصیت علی علیه السلام نوشته عباس محمود عقاد، ص ۲۴۸.

۷۳۱. خورشید مشرق و مغرب ❖

جارالله زمخسری مفسر و نحوی بزرگ اهل سنت می گوید:
چه بگویم درباره مردی که دشمنان از حسد و طمع، فضل او را انکار کردند و دوستان
از ترس و بیم فضائل او را انکار کردند و از میان این دو آن قدر مناقب منتشر شد که
بین مشرق و مغرب را پر کرد.^۱

۷۳۲. جامع همه فضایل ❖

جبران خلیل جبران شاعر نامدار عرب می گوید: به عقیده من علی بن ابی طالب
نخستین فرد قوم عرب است که جامع همه فضایل کامله بود و روح فضیلت را در قوم
خویش آورد و آهنگ آن را به گوش مردم رساند که پیش از آن مانند آن نشنیده بودند
در بین تاریکی های جاهلیت از روش روشن او متحیر ماندند آن کس که طریقه علی (ع) را
پسندید به فطرت سلیم باز گشت و از نهاد پاک خود رأی گرفت و آن که از در خصومت
بیرون شد جاهلیت را ترجیح داد.^۲

۷۳۳. جوانمردی شریف ❖

لوتاس کار لایل، حکیم برجسته اسکاتلندی می گوید: اما علی، ما چاره نداریم جز این
که او را دوست بداریم بلکه عاشق او باشیم چون جوانمردی شریف و بزرگوار بود دلش
سرشار از مهر و عطوفت و دلیری و عظمت، از شیر شجاع تر بود اما شجاعتش آمیخته
با مهر و لطف و احسان و محبت.

سزاوار بود که جنگجویان صلیبی در قرون وسطی چنین باشند او را در کوفه ناگهان
کشتند و این جنایت را او خود برای خود خرید از آنکه نیک و عادل بود...^۳

۱. امام علی ندای عدالت انسانیت، نوشته جورج جرداق مسیحی، ترجمه مرحوم آیت الله علامه ابوالحسن شعرانی،
ص ۴۱۲.

۲. امام علی ندای عدالت انسانیت، نوشته جورج جرداق مسیحی، ترجمه آیت الله ابوالحسن شعرانی، ص ۴۱۷.

۳. امام علی، ندای عدالت انسانیت، جورج جرداق مسیحی ترجمه آیت الله ابوالحسن شعرانی، ص ۴۲۴.



۷۳۴. معرفی کتابی جامع

۱. حجة الاسلام و المسلمین آقای شیخ احمد دورودی نقل کردند: یکی از نواده‌های آیه‌الله میلانی که در درس آیه‌الله وحید خراسانی شرکت می‌نمودند به این حقیر اظهار داشتند که شبی در عالم خواب دیدم بیمارم و مبتلا به دل درد شده‌ام به طیب مراجعه نمودم و آیه‌الله حاج شیخ مرتضی حایری «ره» هم در آن مجلس حضور داشتند، طیب هم مشغول معالجه شد که از خواب بیدار شدم.

روزی خدمت حضرت آیه‌الله حائری «ره» رسیدم چند نفر از طلبه‌ها نیز آنجا بودند. بنده اظهار داشتم چنین خوابی دیده‌ام، بفرمایید تفسیر آن چیست؟ قبل از آن که معظم‌له خواب را تعبیر کنند یکی از طلبه‌ها گفت: تعبیر خواب شما این است که در درس آقای حایری شرکت می‌کنید آنگاه مجهولات شما برطرف می‌شود، به مجرد این که آقای حایری این تعبیر را از آن طلبه شنیدند عصبانی شده به من فرمودند: شما کتاب اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی را دارید؟ عرض کردم: آری! فرمودند: آن کتاب را بخوانید تا مجهولات شما برطرف شود. در ضمن اضافه نمودند، من (آقای حایری) تا چند صفحه از آن کتاب را در شب نخوانم نمی‌خواهیم.

۲. باز ایشان (آقای شیخ محمد دورودی) اظهار داشتند روزی طلبه‌ای فاضل به منزل ما آمد گفتگو از کتاب‌های حدیث به میان آمد. ایشان فرمودند که: به حضرت آیه‌الله حایری «ره» عرض کردم: گاهی شک و شبهه‌ای در مورد اصول و عقاید دینی برایم پیدا می‌شود. فرمودند: کتاب اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی را مطالعه کنید تا شبهات شما برطرف شود.

۳. همچنین بنا بر قول یکی از موثقین، قضیه دیگری را نقل نمودند که آیه‌الله حائری «ره» در مسجد امام حسن علیه السلام بالای منبر فرمودند: بهترین کتابی که در اثبات ولایت کلی نوشته شده کتاب اثبات الهداة مرحوم شیخ حرّ عاملی «ره» است.

۷۳۵. معراج معنوی

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره مبارکه انعام می‌فرماید:

«قد جاءکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه ومن عمی فلعلیها...».

یعنی: پروردگارتان به شما ادراک داده است هر که از روی بصیرت می‌نگرد به سود اوست و هر که چشم بصیرت برهم نهد به زیان اوست...

و در آیه ۹۷ همان سوره می‌فرماید:

«وهو الذی جعل لکم النجوم لتهتدو بها فی ظلمات البحر والبحر...».

اوست خدایی که ستارگان را پدید آورد تا به وسیله آن‌ها در تاریکی‌های خشکی و دریا راه خویش را بیابید...

به راستی چگونه می‌توان با چشم بصیرت و ادراکی ولو مختصر محاسبه کرد که خداوند متعال برای هدایت انسان در راه‌های دنیا ستارگان را خلق فرمود.

ولیکن برای صراط مستقیم و نشان دادن راه حق فقط پیامبر اسلام (ص) را مبعوث فرموده و امامی بعد از او به جانشینی برنگزیده باشد تا در همه زمان‌ها انسان‌ها به معراج معنوی خود واصل شوند.

❖ ۷۳۶. ره پویان راه روشن ❖

آقای دکتر احمد راسم النفیس مصری پزشک داخلی، استاد دانشکده پزشکی دانشگاه منصوره از شخصیت‌های علمی مصری است که بر اثر مطالعات فراگیر درباره مذهب اهل بیت (ع) به تشیع گراییده و تألیفات گرانمایی در این زمینه دارد که به برخی اشاره خواهد شد.

در دیداری که بین آیه‌الله سبحانی و دکتر احمد راسم النفیس بود. آیه‌الله سبحانی از ایشان پرسید: عامل گرایش شما به تشیع چه بود؟ آیا تحت تأثیر فردی قرار گرفته‌اید؟ وی در پاسخ گفت: من از طریق مطالعه پی‌گیر، به این حقیقت پی برده‌ام و برایم روشن شد که بعد از درگذشت رسول خدا (ص) فعالیت‌هایی برای عقب زدن اهل بیت (ع) و سرپوش نهادن بر حقایق آغاز شد که سرانجام حقیقت برای بسیاری از مسلمانان مخفی ماند. از آثار وی:

۱. کتاب نفحات من السیرة می‌باشد که به صورت فشرده زندگانی رسول گرامی (ص) و امامان معصوم (ع) را با مدارک آورده است و این کتاب در ۲۲۷ صفحه نشر داده شده است.



۲. کتاب علی خطی الحسین می‌باشد که مفسد روی کار آمدن بنی‌امیه را تشریح کرده هم‌چنین راز نهضت حسین بن علیؑ را به خوبی بیان کرده و انگشت روی تناقض گویی‌های گروهی از مورخان خودفروش مانند ابن‌کثیر نهاده است این کتاب در ۱۵۳ صفحه منتشر گشته است.

۳. کتاب الشیعة والثورة.

۴. الجماعات الاسلامیة - محاولة استمساخ الامة الاسلامیة.

۵. الجمل وفقه الطابور الخامس.

۶. التحکیم.

۷. المصریون والشیع الممنوع.

۸. شرح دعاء السحر لابی حمزه الثمالی.

۹. علی بن ابی‌طالب والعدالة الاجتماعیة.

۱۰. المهدي المنتظر ومعركة تحرير القدس.

وی در این کتاب درباره حضرت مهدیؑ و وعده‌هایی که رسول خداﷺ درباره او داده و بحث نموده امیدوار است که قدس به وسیله حضرت مهدی از چنگال صهیونیست‌ها خارج شود و قسمتی از علایم ظهور را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

۷۳۷. نشر مجله النداء

این فصلنامه اسلامی و سیاسی است، نخستین شماره آن در زمستان ۲۰۰۱ در مصر منتشر شده است. در اینجا نویسندگانی درباره فلسطین مقالاتی دارند، و مقاله‌ای درباره سیاست امام به قلم احمد صبری درج گردیده است و معرفی زیبایی از امام سجادؑ به قلم احمد راسم انجام گرفته است.

۷۳۸. سعادتمندان دیار سروری

جناب آقای دکتر احمد الحیاری از شخصیت‌های علمی و تربیتی کشور اردن است که سال‌هاست به مذهب اهل‌بیت گرویده است. او نه تنها تشیع را پذیرفته بلکه در خود دانشگاه از طریق مذاکره علمی گروهی را نیز با این مکتب آشنا ساخته است.

وی در دانشگاه یرموک اردن، در بخش مدیریت و علوم تربیتی فعالیت دارد و به یک معنا رییس گروه است از آثار علمی اوست:

۱. معالم فی الفكر التربوی فی المجتمع الاسلامی (نشر دارالأمل، ۲۰۰۱ م.). یکی از مدارک وی در این کتاب نهج البلاغه سید رضی، والمیزان علامه طباطبایی والمدرسة القرآنیة مرحوم آيةالله صدر است.
- او برای معرفی مظلومیت اهل بیت (ع) و تسلط ظالمان بر مسند حکومت در آغاز کتاب از یکی از دعاهای صحیفه سجادیه بهره گرفته که آن حضرت تنفر خود را از ظالمان چنین بیان می کند:

«اللهم ان الظلمة جحدوا آیاتك وكفروا بكتابك وكذبوا رسلك...».

۲. اسرار الوجود و انعکاساتها التربویة (چاپ اردن، ۱۹۹۴). در این کتاب اسرار وجود را با مسایل تربیتی گره زده است. برخی دیگر آثار ایشان عبارتند از:
۳. التصور الاسلامی للوجود که در «اربد» اردن که در سال ۱۹۸۹ منتشر شده است.
۴. اصول التریبة اسلامية و فلسفیه که در اردن در سال ۱۹۹۳ به چاپ رسیده است.

وی یادآور شد که من کتابی در دست تألیف دارم به نام مدرسه النبی (ص) و آل بیته الاطهار (ع) که اگر این کتاب منتشر شود، مردم اردن با مکتب اهل بیت (ع) آشنایی بیشتری پیدا خواهند کرد.

۷۳۹. مقایسه مقام نبوت و امامت

بخشی از سؤالات مربوط به مبحث امامت که در محضر علامه بزرگوار حضرت آيةالله سیدمحمد حسین طباطبایی جمع آوری گردیده در اینجا آورده می شود.

سؤال: آیا امامت بالاتر است یا نبوت؟

جواب: امامت از نبوت بالاتر است؛ زیرا حضرت ابراهیم (ع) عبد، نبی، رسول اولوالعزم



و خلیل بود ولی بعد از این همه مقامات خداوند متعال به او فرمود: «انی جاعلك للناس اماما!»؛ من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم.

سؤال: در بعضی از کتاب‌های تان مرقوم فرموده‌اید: توحید بدون اعتراف به امام و ولی علیه السلام درست نیست^۲ دلیل آن چیست؟

جواب: چون توحید، اعتراف به ذاتِ موصوف به صفاتِ حمیده مانند عالم و قادر است و از جمله صفات حمیده که جزو توحید است این است که خداوند دارای اولیاء است.

سؤال: اگر ولایت جزء توحید است باید از ولایت نیز اخذ میثاق شده باشد آیا چنین است؟

جواب: بله! روایاتی نیز در این باره وارد شده است.^۳

سؤال: آیا می‌توان بدون شناخت امام علیه السلام به شناسایی خدا راه پیدا کرد؟

جواب: شناسایی خداوند بدون شناسائی امام صورت نمی‌گیرد زیرا امام به منزله مصب، محل ریزش، آبشار و جایگاه افاضه فیض از بالاست پس نخست امام علیه السلام که از همه کامل‌تر است فیض می‌گیرد و بعد بقیه موجودات از امام فیض می‌گیرند.^۴

۷۴۰. بررسی تاریخی

خوب است برویم بررسی کنیم تاریخ را ببینم بزرگانی که در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و حضرت از دست آن‌ها ناراحت شد و بنا به نقل خودشان آن‌ها را طرد نمود و به آن‌ها فرمود:

«قوموا عنی»؛ برخیزید و از نزد من بروید.^۵ چه کسانی بوده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود آن‌ها را از خود راند و دور نمود چرا که قرآن می‌فرماید: «آنچه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما آورده بگیریید و آنچه از آن نهی می‌کند خودداری کنید».^۶

۱. بقره، ۱۲۴.

۲. شیعه در اسلام، ص ۲۲۷ نوشته حضرت استاد علامه طباطبایی رحمه الله علیه.

۳. بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۷۷، روایت ۳۰ و ۹ و ۱۸ و ۲۰.

۴. در محضر علامه طباطبایی، نوشته حضرت آیت الله محمدحسین رخشاد.

۵. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۲۵ - صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۷، ج ۷، ص ۹، ج ۸، ص ۱۶۱ - شرح نهج البلاغه

ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۸۷ - بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۴، ج ۳۰، ص ۵۳۱، ص ۵۳۶، ص ۵۳۸، ص ۵۴۵.

۶. حشر، ۷.

۷۴۱. نماز خواندن یعنی خلیفه بودن ❖

اهل تسنن می‌گویند: پیغمبر اکرم (ص) در بیماری آخر خود که منجر به رحلت آن حضرت شد به ابی‌بکر امر فرمود که برو به جای من با مردم نماز بخوان و این فرمان را دلیل بر برتری ابی‌بکر بر خلافت می‌دانند می‌گوییم آیا معنای این سخن که تو برو نماز بخوان استخلاف و تعیین جانشین و رهبری است؟ از آن گذشته اگر حضرت به او دستور داده بود پس چرا خود با آن حال کسالت تشریف برد و او را کنار زد و خود به نماز ایستاد؟...

۷۴۲. صحابی عجیب ❖

چرا اینقدر بر صحابی رسول خدا (ص) تأکید و پاکی و پیروی را اصرار می‌کنند مگر صحابی رسول خدا (ص) صاحب مقام عصمت هستند که در کتب اهل سنت این همه روی آن‌ها حرف می‌زنند و در بعضی مواقع حرکات آن‌ها را محور حق بودن موضوع تلقی می‌نمایند.

باید بدانیم که عقلای قوم حضرت موسی (ع) در فاصله چهل روز که حضرت موسی (ع) میان آن‌ها نبود از دین خود برگشتند و گوساله‌پرست شدند.^۲
باید بدانیم عقلا و خواص اصحاب و حواریین حضرت عیسی (ع) بودند که از توحید برگشته و گفتند:

«المسیح ابن الله، مسیح پسر خداست؟»^۳

آری باید پذیرفت که صحابی که برخلاف راه روشن رسول خدا (ص) گام بر می‌دارد صحابی نیست زیرا نزدیکان رسول خدا (ص) و فرزندان او را به هزاران شکل می‌آزارد.
چرا شهادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) و ام‌ایمن و سوگند حضرت صدیقه کبری (ع) در ماجرای فدک پذیرفته نمی‌شود؟ مگر نگفتند: **حسبنا کتاب الله؛** کتاب خدا برای ما کافی است پس چرا قسم حضرت زهرا (ع) به کتاب خدا را نمی‌پذیرند؟

۱. در محضر حضرت آية الله العظمى بهجت، ص ۳۲۳ با کمی تلخیص.

۲. بقره، ۵۱ و اعراف، ۱۴۲.

۳. توبه، ۳۰.



آیا این کار در واقع مخالفت با آیه شریفه تطهیر (سوره احزاب، آیه ۳۳) نیست که در شأن آن‌ها نازل شده و بیانگر مقام عصمت آن‌ها می‌باشد و نیز رد روایاتی که در شأن آن‌ها نازل شده است؟!!

۷۴۳. علت مسلمانی

علامه ذی فنون حضرت آیه‌الله حسن زاده آملی می‌فرماید: مرحوم علامه طباطبایی رحمه‌الله علیه فرمود:

میهمانی از پاریس داشتم که فرانسوی بود وی دانشمند و اهل مطالعه بود روزی گفت: من مسلمانم از او پرسیدم پدر و مادران مسلمان بوده است گفت: نه خودم مسلمان شدم از او پرسیدم به چه سبب مسلمان شدم؟ گفت:

انسان ساخته پروردگار عالم و حکیم است و بدون برنامه و آئین نیست همان طوری که مصنوعات بشری بدون دین و آئین و برنامه نیست من هم به دنبال برنامه بودم اوستا، عهد جدید، عهد عتیق و تلمود را مطالعه کردم دیدم کتاب همین است «ذکر الكتاب لاریب فیه» و به آن معتقد شدم بعد که مسلمان شدم دیدم در بین مسلمانان چقدر اختلاف است از مطالعه به این حقیقت رسیدم که راهی جز ائمه اثنی عشر نیست لذا شیعه اثنی عشری شدم و به سرّ آنان هم معتقد شدم گفتم سرّ آنان چیست؟ گفت وجود مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا فدا بعد حضرت آیت الله حسن زاده آملی فرمودند:

... اگر کتاب‌های شیعه را کنار بگذاریم مذهب شیعه از کتب عامه قابل اثبات است و نیازی به کتب شیعه نداریم گرچه آنان سعی در حذف مناقب آل محمد ﷺ داشته و دارند کشکول شیخ بهائی را که در مصر چاپ شده با چاپ‌های سنگی آن تطبیق کنید می‌بینید که مناقب حضرت فاطمه زهرا ﷺ را که از مدارک خودشان در آن کتاب آورده شده حذف کرده‌اند کتابدار کتابخانه عبدالعزیز در عربستان خودش گفته بود ما چند صد از کتاب‌های خطی مربوط به شیعه را سوزاندیم ابن‌ابی‌الحدید از کتابی به نام ابن‌متویه

این مطلب را نقل می‌کند که: کسی در بین صحابه جز علی (ع) معصوم نبود اما این کتاب یافت نمی‌شود و هر چه کوشش شده هنوز یافت نشده است.^۱

۷۴۴. خلیفه باید جزء برترین‌ها باشد

آنان که در حکومت بودند و به مشورت امام علی (ع) نیازمند بودند از اندیشه‌های نورانی او راه درست را می‌جستند و خود را به واسطه نظریات امام از ورطه هلاکت و نابودی حکومت می‌رهانیدند پس چرا از رأی امام در سایر موارد استفاده نکردند و او را از حکومت و خلافت حذف نمودند؟

در کتب تاریخی آیا کسی را سراغ دارید که با امام مشورت کرده باشد و او به صراط مستقیم راه نیافته باشد پس چرا با امام همدم و همقدم و همراه نمی‌شویم مگر از طریق قرآن به ما مودت ذی‌القربی امر نشده چرا او را درست قبول نکنیم آیا نیاستی بر این موضوع دقیق‌تر بنگریم؟!

خیلی عجیب است که انسان از کسی که عالم به راه و حقایق و مسلط به امور است سؤال نکند انسان نباید به سراغ کسی برود که خود اقرار دارد که نادان است علمای عامه مانند مسلم در کتاب خود (صحیح و مسلم) تصریح می‌کنند و می‌گویند چرا این همه روایات آیات منقول از امام باقر (ع) را هیچ کدام از شیوخ روایت و ناقلین احادیث، ذکر نکرده‌اند.

۷۴۵. امامت امری بدیهی و ضرورتی بزرگ

امام خمینی (ع) در مثالی در باب مسئله ضرورت امامت در کتاب کشف‌الاسرار خود آورده‌اند که: یک رئیس کارخانه که پنجاه نفر کارمند دارد یا یک سرپرست که عائله ده نفر افراد را به عهده دارد، اگر بخواهد دو ماه مسافرت کند نه آن کارخانه را بی‌تکلیف میاندازد و نه این عائله خود را بی‌سرپرست می‌گذارد اینک پیغمبر اسلام (ص) که هزاران قانون بزرگ آسمانی و دستورات محکم الهی آورده و یک نظام بزرگ خردمندان و یک حکومت خدائی عادلانه بر پا کرده می‌خواهد از میان امت برای همیشه برود و

۱. روزنه‌هایی از عالم غیب، ص ۳۴۸.



خیانت کارانِ منافق آن را که چهل سال با آن‌ها معاشرت کرده می‌شناسد و خدای او، اکنون خود می‌گوید: باید این کار آخر را (انتخاب ولی و سرپرست) که بزرگترین کارهاست، برای بقاء اساس توحید و عدالت انجام دهد.

۷۴۶. نشانه ایمان

ادعای اسلام داشتن دلیل بر ایمان شخص نیست بلکه قبول کردن ولایت علی علیه السلام دلیل قبول کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هر کس رسول خدا صلی الله علیه و آله را قبول کرد باید علی بن ابی طالب را بپذیرد و اگر کسی علی علیه السلام را رد کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله را رد کرده و این یعنی پذیرفتن رسالت و پذیرفتن رسالت یعنی ادعای ظاهری اسلام را داشتن و این دلیل بر ایمان نخواهد بود.

۷۴۷. قانونی بدهی در دنیای امروز

واضح‌ترین حرف در باب ولایت آنست که در دنیای امروز اگر پدر و مادری یا هر یک از آن‌ها صلاحیت عهده‌داری و فرزندداری را نداشته باشد حکومت با سلب این اختیار، فرزندان را بواسطه عدم صلاحیت والدین از ادامه حضانت محروم می‌نماید چطور ممکن است ما بپذیریم هر کسی از راه رسید عهده‌دار و سرپرست جامعه اسلامی باشد آیا جامعه اسلامی حد و اهمیتش کمتر از یک یا چند فرزند است چرا بایستی به مسأله امامت و رهبری جامعه اسلامی این قدر کم اهمیت نگاه کرد مگر هر کسی می‌تواند بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله عهده‌دار بار سنگین ادامه نبوت گردد اگر می‌توانستند پس چرا مکرر می‌گفتند اگر علی نبود و به فریاد ما نرسیده بود نابود شده بودیم.

۷۴۸. نقش ولایت

امام برای اهل عالم مثل قلب است برای اعضاء، ولایت یعنی همان طور که قلب تو بر دست تو ولایت دارد و نمی‌شود که دستت یک جایش خار فرو برود و نفهمی، در تمام اعضایت جای چند تا سر سوزن وجود دارد؟ بگو، میلیاردها، حالا یک خار بردار فرو کن



کریم روحی نورانی دارد که بدون آن روح نورانی، نمی‌توان از آن کتاب بهره برد لذا اهل بیت رسول خدا ﷺ قرآن ناطق و روح معنوی قرآن کریم هستند چه آیه‌ای بزرگ‌تر از امام علی ﷺ وجود دارد در جایی حضرت فرمود: من بزرگترین آیه خدا هستم چه آیه‌ای بزرگ‌تر از حسین بن علی ﷺ فافهم و تأمل.

۷۵۰. سؤالی حکمت‌آمیز

بعضی از برادران مسلمان که منصفانه قضاوت می‌کنند می‌گویند: مسأله غدیره سایر دلایلی را که خلافت علی ﷺ را به ثبوت می‌رساند نمی‌توان انکار کرد ولی چرا حضرت علی ﷺ پس از مرگ پیامبر از حق مسلم خویش دفاع نکرد؟ در صورتی که در زمان خلافتش با آنانی که بر ضد امام قیام کردند و می‌خواستند حکومت او را غضب کنند به نبرد (جمل و صفین و نهروان) پرداخت؟ پاسخ: علی ﷺ حکومت ابوبکر را به رسمیت نمی‌شناخت... و از مردم نیز کمک می‌خواست تا حق از دست رفته خود را باز پس گیرد حتی آن حضرت شبانه، همراه فاطمه ﷺ دختر پیامبر به در خانه‌ای انصار رفت و از آنان خواست او را یاری کنند تا حق خود را بگیرد ولی انصار به او گفتند: ما با این مرد بیعت کرده‌ایم و کار از کار گذاشته است.^۱

انصار تازه به اسلام گرویده بودند و هنوز اخلاق و کردار جاهلیت در عمق جان و دلشان وجود داشت لذا نتوانستند از بیعت نابجای با ابوبکر صرف نظر کنند و علی را نصرت و یاری دهند.

واضح است که علی ﷺ پس از رسول خدا ﷺ یآوری نداشت تا بتواند قیام کند و گرنه حق خود را می‌گرفت و جهان اسلام را رهبری می‌کرد چنان که وقتی مردم از حکومت عثمان به ستوه آمدند و او را به قتل رساندند سراسیمه به نزد علی ﷺ رفتند و دستهای خود را برای بیعت با او دراز کردند آن حضرت فرمود: اکنون که کمک و پشتیبان پیدا

۱. شرح نهج البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۶ ص ۱۳.



۷۵۲. سؤالی عجیب اما بی پاسخ

حضرت آیه الله العظمی بهجت می فرماید: آیا امکان دارد که رسول خدا ﷺ اول نایب تعیین کند که به جای او نماز بخواند ولی بعد خودش با آن حالت بیماری و تب شدید و در حالی که بر دوش عمویش عباس و دیگری - که حضرت امیر ﷺ بود و نمی خواهند نام او را ذکر کنند - تکیه کرده بود و زیر بغل آن حضرت را تا مسجد گرفته بودند تا به مسجد برود و نایب خود را کنار بزند و خود به نماز بایستد؟!۱

آیا چنین چیزی متصور است که خود به او امر کرده باشد و او را تعیین نموده باشد ولی بعد با آن حالت برود و او را به کنار بزند و به جای او بایستد؟!
لذا اصل جریان به سه صورت از عایشه نقل شده است (جالب است که رسول خدا ﷺ در زمان حیات پر برکت خود از دست بعضی از این صحابی ناراحت می شوند و به نقل منابع اهل سنت آن ها را طرد می نمودند و به آن ها می فرمودند: «قوموا عنی»؛ برخیزید و از نزد من بروید.^۲

۷۵۳. دلیل برتری

ما در افضلیت علی ﷺ بر سایر صحابه شک نداریم ولی این مطلب را نمی شود انکار کرد که افراد بسیاری الی ماشاءالله بوده اند و هستند که می گویند علی الله است ولی درباره هیچ یک از سایر صحابه یک نفر نیز قایل به الوهیت آن ها نشده اند.

کفی فی فضل مولانا علی و وقوع الشک فیہ انه الله^۳

در فضیلت مولایمان علی ﷺ همین بس که عده ای در این که آیا او خداست یا نه، تردید دارند؛ البته دلیل علی الهی ها این است که علی ﷺ کارهای خدایی می کرد ولی ما می گوئیم حضرت رسول ﷺ نیز کارهای خدایی داشته است و اساسا «لا یقاس بآل محمد ﷺ من هذه الامة احد»؛ هیچ یک از افراد این امت را نمی توان با آل محمد ﷺ مقایسه نمود.

۱. در محضر حضرت آیه الله العظمی بهجت، نوشته حضرت آیت الله محمدحسین رخشاد.

۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۲۵ - صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۷.

۳. الاربعین قمی شیرازی، ص ۳۸۰.

۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۳۸.



۷۵۶. سؤالی و جوابی شنیدنی

ابن تیمیه که بوسیدن ضریح و توسل به اولیای خدا را شرک و حرام می‌داند به خود اشکال می‌کند که اگر به ما بگویند پس چه طور شما استلام حجرالاسود و تقبیل و بوسیدن و تبرک به آن در حج و نیز طواف کردن برگرد بیت‌الله الحرام را انجام می‌دهید چه بگوئیم؟! سپس خود در جواب می‌گوید: [در شریعت] چنین وارد شده است. آیا در قرآن توسل جستن فرزندان یعقوب پیغمبر علیه السلام به او برای بخشش گناهان آنها نیامده است. آنها شفاء گرفتن چشمان یعقوب به واسطه پیراهن یوسف را چگونه تحلیل می‌کنند.

۷۵۷. بیت‌المال و حق‌الناس

به نقل از مروج‌الذهب آمده است که: وقتی طلحه و زبیر بصره را از دست استاندار امام علی علیه السلام گرفتند وارد بیت‌المال شدند همین که طلا و نقره‌های انباشته در آنجا را دیدند به یکدیگر گفتند: این‌ها (طلاها و نقره‌ها) همان غنیمت‌هایی است که خداوند ما را به آنها وعده داده است. ابوالاسود گوید: این سخن را از آن دو نفر شنیدیم اما پس از آن ماجرا امام علی علیه السلام وقتی بصره را از دست آن دو نفر گرفت و وارد بیت‌المال شهر بصره شد وقتی آن طلاها و نقره‌ها را دید فرمود: ای زرد (طلا) و ای سفید (نقره‌ها) دیگری را بفریبید. ابوالاسود می‌گوید: به خدا سوگند! علی به آنچه در بیت‌المال بود اصلاً توجهی نکرد بلکه ثروت‌ها نزد او مثل خاک بی‌ارزش بود.^۱

۷۵۸. وجود دعاها دلیلی بر افضلیت ائمه اطهار علیهم السلام

کسی که می‌گوید: **حسبنا کتاب‌الله** «کتاب خدا برای ما کافی است». حداقل بایستی بتواند مفاهیم آن را استخراج کند نه این که در واضحات آیات قرآن

۱. الجمل، ص ۲۸۵.

دچار تردید و یا شک شود. برای اثبات حقانیت روش روشن اهل بیت پیامبر (ع) همین رجوع به قرآن و تفسیر آن بر حقانیت ائمه اطهار (ع) کافی است.

دعاهای معنوی و عرفانی و عرشی که از اهل بیت (ع) به دست ما رسیده و در کتب روایی ما موج می زند دلیل بر بی بدیلی ایشان است پای بندی اهل بیت پیامبر (ع) به سنت نبوی نیز دلیلی دیگر بر دلایل قبلی، به راستی آیا پرسیده ایم که سنت نبی اکرم (ع) در دست کیست؟

۷۵۹. غصب خلافت از دیدگاه پدر ابوبکر

مرحوم شیخ مفید در امالی می نویسد: سعید بن مسیب می گوید: چون پیامبر اسلام (ع) رحلت نمود شهر مکه از این خبر ناگوار به لرزه افتاد، ابوقحافه (پدر ابوبکر) گفت: چه خبر است؟

گفتند: رسول خدا (ع) وفات یافته است. گفت: چه کسی زمام امور خلافت را بدست گرفته؟ گفتند: پسر تو ابوبکر!!!

گفت: آیا بنی شمس و بنی مغیره (دو قبیله از عرب) به این امر (خلافت) راضی شدند؟ گفتند: آری، گفت: برای آنچه خدا بخشیده جلوگیری نیست، و نسبت به آنچه خدا باز داشته بخشیده ای نباشد، چه عجیب است این امر، شما (بنی عبد شمس و بنی مغیره) در امر نبوت نیز با پیامبر خدا (ع) به نزاع و جنگ برخاستید و در امر خلافت (که به ناحق غضب شده) با مسالمت عمل کردید و آن را پذیرفتید!!!
البته که این از مشکلات روزگار است که گریزی از آن نیست.

۷۶۰. مصیبت بزرگتر

امام خمینی (ع) مصیبت وارده بر امیر المؤمنین و بر اسلام بالاتر است از آن مصیبتی که بر سیدالشهداء - سلام الله علیه - وارد شد.

۷۶۱. اقراری عجیب

ابوجعفر محمد بن عبدالله اسکافی از علمای بزرگ اهل سنت (م. ۲۴۰ قمری) در کتاب



خود نقض عثمانیه که در رد کتاب العثمانیه (نوشته) جاحظ نوشته آورده اگر جهل و نادانی بر مردم حکومت نمی کرد نیازی به رد سخنان جاحظ نداشتیم ولی همه می دانند که قدرت همواره به دست ارباب‌های آن‌ها بود هر کس در فضیلت ابوبکر حدیثی جعل می کرد به او جایزه می دادند.

ولی آن‌ها با تمام قدرت تلاش می کردند که امیرالمؤمنان را گمنام نشان دهند و نور او را خاموش کنند و فضایلش را مخفی نمایند بر فراز منبرها به او ناسزا می گفتند و از شمشیر بنی‌امیه خون می چکید یاورانش بسیار کم و دشمنانش بی‌شمار بودند فرزندان علی همواره مقتول، اسیر، فراری و مخفی بودند کار به جایی رسیده بود که فقیه و محدث و متکلم ناگریز بودند چیزی از فضایل آن حضرت را نقل نکنند و گرنه با شدیدترین مجازات کیفر داده می شدند و اگر محدثی می خواست روایتی از امیرمؤمنان علی نقل کند می گفت.

مردی از قریش چنین گفت.^۱

۷۶۲. فصل گریه و غصه

بیشتر از آنچه که از فضایل امام علی جمع شده در طول تاریخ به جهت سعی هدفدار بنی‌امیه از بین رفته است و گرنه ابوحنیفه عمر بن شاهین (م ۳۸۵ ق.) می گوید: من فضایل مخصوص امیرمؤمنان علی را در یک هزار جلد گرد آوردم.^۲ و در کتاب سوزی کتابخانه مدینه منوره به دستور ابن سعود ۴۰۰۰ هزار جلد کتاب خطی نفیس طعمه حریق شد.^۳

۷۶۳. برترین فضایل

ابن ابی‌الحدید در نهج البلاغه خود دلایل ابو جعفر اسکافی که از بزرگان اهل سنت

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۱۹ - ۲۹۵.

۲. اعلام الوری با علام الهدی، ص ۱۸۴.

۳. تاریخ آل سعود، ص ۱۸۰.

می‌باشد را در رد شبهات ابوعثمان جاحظ در اثبات افضلیت علی (ع) بر ابوبکر آورده و می‌گوید:

«قال علماء المسلمین ان فضیلة علی (ع) تلك اللیلة لانعلم احدا من البشر نال مثلها الا ما كان من اسحق و ابراهیم عند استلامه للذبح».

اتفاق و اجماع علماء مسلمین بر آن است که احدی از بشر به فضیلت خوابیدن علی در فراش پیامبر نرسیده است مگر اسحاق و ابراهیم در تسلیم به قربانی شدن در راه خدا. عقیده اکثر مفسرین آن می‌باشد که ذبیح اسماعیل بوده نه اسحاق.^۱

۷۶۴. شایسته خلافت علی (ع) است

عته بن ابی لهب بعد از ماجرای سقیفه و انتخاب ابوبکر برخاست و گفت: گمان نمی‌کردم که امر (خلافت) از بنی‌هاشم و در میان ایشان از ابوالحسن بگذرد از کسی که از همه مردم در ایمان و سابقه پیش‌تر و به قرآن و سنت‌ها داناتر است آخر کسی که پیامبر را دید و کسی که در غسل دادن و کفن کردن (پیامبر) جبرئیل یاورش بود کسی که آنچه در آنها است در او هست و خود آنان را در این شبهه‌ای نیست لیکن آنچه از نیکی در اوست در دیگران نیست.^۲

نکته: واضح است که کسی که مدعی است جانشین پیامبر اکرم (ص) است باید به سؤالات مردم در امور دین و دنیا دقیقا احاطه و آگاهی کامل داشته باشد و قطعی است که خلفای بعد از رسول اکرم (ص) تا قبل از امیر ملک ملکوت علی بن ابی طالب (ع) این گونه نبوده‌اند و در بدیهیات به وجود حضرت امیر مؤمنان (ع) نیازمند بودند و آن چنان این مسئله (نیازمندی و بی‌اطلاعی آنان از امور دینی و دنیایی) در کتب شیعه و عامه آمده که جای هیچ گونه انکاری را باقی نمی‌گذارد.

۷۶۵. خاک پای شاه عشق

صاحب بن عباد می‌گوید:

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۲۶۹ ادامه این گفتار بسیار زیباتر و شنیدنی‌تر است.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۵۲۳.



انا وجميع من فوق التراب فداء تراب نعل ابي تراب

من و تمامی انسان‌هایی که در کره زمین زندگی می‌کنند جملگی فدای خاک زیر کفش امام علی علیه السلام گردیم.^۱

۷۶۶. پانزده نکته ناب

آیا می‌دانید که ولی و سرپرست با توجه به طبع و عقل بشری برای کسی است که باید بهترین‌ها و ممتازترین‌ها باشد یک نفر از آن برترین‌ها، عبارت است از ولی بی‌همتا امام علی بن ابی طالب علیه السلام چرا که:

- او دارای زیباترین ولادت‌هاست زیرا که در کعبه زاده شد.
- دارای بهترین و زیباترین نام‌هاست که بنابر روایت مشتق از نام خداوند است.
- او دارای زیباترین معلم‌هاست حدود ۳۰ سال اولین و آخرین کسی بوده که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نزدیک بوده و امام در این باره خود را همانند بچه شتر نسبت به مادرش تشبیه فرموده‌اند.
- او دارای زیباترین نوع ایثارگری است او در جای رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابید و خود را سپر بلای او کرد.
- بزرگ‌ترین و قوی‌ترین مدافع رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ‌ها.
- او دارای زیباترین و کامل‌ترین نوع اخلاص‌هاست چنانچه سوره هل اتی در شأن پر شمیم او نازل شد.
- او دارای زیباترین نوع بندگی‌هاست در بعضی شب‌ها ۱۰۰۰ رکعت تا صبح اقامه نماز می‌کردند.
- او دارای زیباترین نوع انفاق‌هاست در رکوع انگشتی خود را بخشید تا آنجا که در شأن اینکار آیه‌ای نازل گشت.
- او دارای زیباترین دعا‌های عرفانی است.
- او دارای زیباترین کلمات است کتاب شریف نهج البلاغه و خطبه‌های بدون نقطه و بدون الف از او می‌باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۴۵، باب ۴ - مناقب، ج ۳، ص ۱۱۲.



معاویه به کمتر از این اعمال هم راضی بود ولی او بر اساس سرشت پست خود این کارها را انجام داد، سپس فرزندش عبیدالله آمد و کارهای بد پدر را با شهید کردن امام حسین تکمیل کرد.^۱

او در کوفه دوستان امام علی را کشت و دست و پای آن‌ها را برید و عده زیادی از آن‌ها را به جرم محبت امام علی کور کرد.

۷۶۹. معرفی عمرو عاص

ابوالقاسم بلخی استاد ابن ابی‌الحدید معتزلی شارح نهج‌البلاغه درباره عمرو عاص رفیق غار معاویه می‌گوید: او همواره در حالت الحاد و کفر بود و معاویه نیز در این جهت مانند او بود^۲ و به دستور معاویه بود که بُسَربن ارطاة به جهت تحکیم خلافت معاویه زنان طایفه همدان را به اسارت گرفت و آنان را در بازار مسلمین برای فروش عرضه کرد و آن‌ها را به فروش رساند و آنان اولین مسلمانانی بودند که در مملکت اسلامی اسیر شدند^۳ البته بُسَربن ارطاة جنایات زیادی کرده که بهتر است به کتب و منابع مراجعه شود تا این شخص بهتر شناخته شود.^۴

۷۷۰. تحریفات نویسنده مصری معاصر

وزیر معارف مصر نویسنده مشهور محمدحسین هیکل در کتاب خود به نام حیاة محمد قاضیه اطعام رسول خدا در خانه خود و اینکه ایشان فرمود: کیست از شما تا قبول کند وزیر و خلیفه من باشد بعد از من... (قاضیه اندر عشرتک) را نقل کرد تا این که پس از نشر کتاب در مصر چاپ اول آن هیاهو به پا خاست که این قضیه را چرا در کتاب خود نقل کرده زیرا این واقعه (اندر عشرتک) ادعای شیعه را در خلافت امیرالمؤمنین به طور صریح ثابت می‌کند.

۱. شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۵، ص ۱۳۹، ذیل نامه ۲۱.

۲. شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۶۴.

۳. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۱، ص ۱۶۰.

۴. در حیاة الامام الحسن بن علی، ج ۲، ص ۱۹۱ آمده که بُسَربن ۳۰ هزار مسلمان را کشت و عده‌ای را نیز در

آتش سوزاند.

بالاخره هیکل را مجبور کردند تا در چاپ‌های بعدی کتاب آن جملات و روایت را که در منابع اهل سنت نیز به آن تصریح شده حذف کند و مرحوم علامه شهرستانی و آقای سید محمدعلی هبه‌الدین در این باره دو بیتی سروده و برای هیکل فرستادند و مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر نیز به این موضوع اشاره فرموده‌اند.

۷۷۱. حرفی معقول

نجم‌الدین رازی (متوفای ۶۵۴ قمری) در کتاب مرصاد العباد می‌گوید:
سعادت عظمی و دولت کبری در آن است که صاحب همتی را سلطنت دین و کرامت کنند که به خلافت - ان للاخرة والاولی - متصرف هر دو مملکت گردد چنان که داود (ع) را این مرتبه ارزانی داشتند که در سوره ص، آیه ۲۶ آمده «یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض...».

نویسنده گوید: دین و دنیای مردم بایستی در دست کسی باشد که بتواند هر دوی آن را بر اساس فرهنگ نبوت و دستورات کتاب خدا تدبیر کند نه این که در بدیهیات مسائل مبتلابه ناتوان بماند.

۷۷۲. امام الحکماء

ابن‌ابی‌الحدید شارح معتزلی نهج‌البلاغه در جلد ۶، ص ۳۷۰ می‌نویسد:
«و اما الحکمة والبعث فی الامور الالهية فلم یکن من فن أحد من العرب ولانقل فی جهاد اکابرهم واصغرهم شیء من ذلك اصلاً وهذا فن کانت اليونان واوائل الحکماء واساطین الحکمة نیفردون به واول من خاص فیہ من العرب علی (ع) ولهذا تجد المباحث الدقیقة فی التوحید والعدل...».

اما حکمت و بحث از امور الهی در توان هیچ یک از اعراب نبود و در کوشش بزرگان و کهتران عرب چیزی در این باب نقل نشده است بلکه این فن در یونان و در نزد نخستین حکیمان بود و اساطین حکمت منفرد به این فن بود. و اولین کسی که از اعراب در این فن وارد شد علی (ع) بود و از همین روی مباحث دقیق در توحید و عدل را در ظاهر کلام و خطبه‌های او آشکار می‌یابی و در کلام هیچ یک از صحابه و تابعین



کلمه‌ای واحد از این عبارات نمی‌یابی و آن‌ها توان تصور این معانی را نداشتند و اگر به آن‌ها تفهیم می‌شد از فهم آن در می‌ماندند عرب کجا می‌توانست به این مباحث راه برد... او در ذیل خطبه هشتاد و چهار پس از ذکر نکات ظریفی که به خطبه آن حضرت اشاره دارد آورده:

«واعلم ان التوحيد والعدل والمباحث الشريفة الالهية ما عرفت الا من كلام هذا الرجل...»
 بدان که توحید، عدل و مباحث شریف الهی جز از کلام این مرد شناخته نمی‌شود و کلام بزرگان صحابه چیزی از این امور را بر ندارد آن‌ها از تصور این امور عاجز بودند زیرا اگر تصور می‌کردند آن را بیان می‌نمودند به نظر من این فضیلت علی بزرگترین فضائل او است.

۷۷۳. مرد میدان توحید

نویسنده می‌گوید: خلیفه رسول خدا بایستی در امور توحیدی و مباحث غامض و سخت و سنگین الهیات صاحب یدی بلند باشد و این را همه اقرار و اذعان کرده‌اند که مرد این میدان نیز جز علی کسی نیست.
 و این مطلب در اشعار و خطب و احادیث و دعاهای بسیار پیچیده حضرتش به کثرت دیده می‌شود.

۷۷۴. بو علی سینا در معراج

ابن سینا در رساله معراجیه ص ۹۴ پس اشاره به این که اکثر مخاطبان رسول خدا اهل ظاهر بوده و دل به جوال خیالی خویش داشتند و از آستانه وهم در نگذاشته‌اند امام علی را به عنوان خزانه عقل معرفی کرده و او را در بین دیگران چون معقول در میان محسوس معرفی می‌نماید.

«و برای این بود که شریف‌ترین انسان و عزیزترین انبیاء و خاتم رسل به مرکز دایره حکمت و ملک حقیقت و خزانه عقل، امیرالمؤمنین علی گفت که:
 «یا علی اذا رایت الناس یتقربون الی خالقهم بانواع البر تقرب الیه بانواع العقل تسبقهم به».



۷۷۷. حرفی نورانی

خداوند درباره قرآن فرمود:

«لو انزلنا هذا القرآن علی جبل الراهبته خاشعا مستدعا من خشيته الله»^۱.

یعنی:

اگر قرآن بر کوه نازل شود کوه متلاشی می‌گردد وقتی به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند سهل بن حنیف در کوفه رخت بر بست (فوت کرد).

امام فرمود: کوه اگر بخواهد محبت و ولایت مرا تحمل کند متلاشی می‌شود: «لو

احبني جبل التهافت»^۲.

اگر طایر اندیشه متفکری بخواهد به اوج مقام علی علیه السلام بار یابد پرش می‌سوزد کوه

مرتفع پرنده را خسته می‌کند. فرمود: فکر هیچ کسی به مقام والای من نمی‌رسد...^۳

۷۷۸. چه پاسخی باید داد

خداوند متعال در سوره مبارکه یونس آیه ۳۵ می‌فرماید: «آیا کسی که هدایت می‌کند

مردمان را به حق، سزاوارتر است که پیروی کرده شود یا کسی که خود هم هدایت

نمی‌شود تا اینکه دیگری او را هدایت کند؟ پس چه شود که شما نمی‌فهمید و چگونه

حکم می‌کنید».

به راستی چه جوابی برای این آیه شریفه باید گفت کسی می‌تواند امام هستی باشد

که همه چیزی برای او شدنی باشد و ذره‌ای جهل بر او وارد نگردد با مطالعه کتب روائی

در منابع شیعه و سنی می‌یابیم که کسانی که ادعای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله را داشتند در

بدیهی‌ترین امور دچار ناتوانی و نادانی شده‌اند: تو خود بخوان مابقی آن را!!!

۷۷۹. گفتار و اقراری عجیب

در کتب تاریخی آمده که ابوبکر در وقت مردن شک کرد که آیا شایسته خلافت بوده

۱. حشر، ۲۱.

۲. حکمت ۱۱۱.

۳. گفتاری از علامه بزرگوار حضرت آیت الله جوادی.

است یا نه و گفت: کاش از پیغمبر ﷺ سؤال کردیم که خلافت حق کیست و با اهل آن منازعه نمی‌کردیم.

و در جمله‌ای دیگر گفته است که: از برای من شیطانی است که مرا فریب می‌دهد پس اگر صواب بکنم مرا اعانت بکنید و اگر خطا بکنم مرا از او دور کنید.^۱

۷۸۰. نصب امام بدست خداست

اگر نصب امام در دست اختیار مردم باشد پس عزل او هم در دست آن‌ها خواهد بود پس طبیعی است که هر وقت خلاف توقع مردم عملی از امام منصوب مردم انجام پذیرد مردم می‌توانند او را عزل کنند پس در اینجا معنای رهبری الهی و جانشینی پیامبران و اهداف پیامبران مخدوش می‌گردد و با بسیاری از آیات قرآن این روش در تعارض است بلکه این روش با منش عقلانی نیز مغایر است.

آیا امامی که تابع توقع مردم باشد را می‌توان امام خواند؟

و اگر بگوئیم «العیاذ بالله» پیامبر ﷺ تعیین خلیفه را بعد از خود به انتخاب مردم گذاشت پس باید گفت: خود پیامبر ﷺ «العیاذ بالله» - باعث فتنه و آشوب و اختلاف در میان امت خود شد و باعث گردیده که امت وی به ۷۳ فخره متفرق شوند و اگر اینگونه است پس چرا انتخاب پیامبر بدست مردم نباشد وقتی تعیین جانشین پیامبر ﷺ را عده‌ای می‌گویند عهده مردم است این حرف را درباره خود پیامبران نیز می‌توان زد و این حرف غلط با آیات قرآن کریم در تعارض جدی است و این اندیشه بسیار ناصواب می‌باشد.

۷۸۱. باوری ناباورانه

هیچ انسان ذی شعوری باور نمی‌کند که رسول خدا ﷺ بدون تعیین جانشین از دنیا رحلت فرموده و امام بعد از خود را معین نکرده اگر این گونه بود پس دین تکمیل نشده و ناقص است و حال آن که خداوند می‌فرماید:

«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دنیا».^۲

۱. سقیفه، نوشته علامه بزرگوار عسگری (رحمة الله علیه)

۲. مائده، ۳.



از این آیه متوجه می‌شویم که:

۱. تعیین جانشین به عهده شخص رسول خدا ﷺ و خداوند متعال بوده چنانچه اگر این امر محقق نشده بود پس چگونه نعمت خداوندی به اتمام رسیده است.
 ۲. و امر نصب جانشین رسول خدا ﷺ اتفاق افتاده و به دست مردم نبوده که اگر اینطور می‌بود نعمت خداوند به اتمام نرسیده.
 ۳. این که مسلمانان بی‌سرپرست و بدون امام گذاشته نشده‌اند و با توجه به آیه فوق معلوم می‌گردد این موضوع در زمان حیات رسول خدا ﷺ محقق گردیده است.
 ۴. خداوند می‌فرماید: «اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم»^۱.
- امام فخر رازی می‌گوید: «اولی الامر» باید معصوم باشد و علمای اهل سنت که بعد از وی آمده‌اند نیز عموماً بر این موضوع و نظر اذعان و تأکید دارند.

۷۸۲. سیره انبیاء گذشته چگونه بوده است؟

آیا می‌توان پذیرفت که رسول خدا ﷺ مسلمین را بی‌جانشین گذاشته، پیامبری که تمام جزئیات احکام شرع را برای مسلمانان بیان فرموده آیا موضوعی که سایر موضوعات منوط به اوست و جنبه رکنی دارد را رها می‌کند و مسئله امامت و جانشین بعد از خود را بیان نمی‌نماید و با وجود آن همه منافقین که قرآن کریم نیز بر وجود آن‌ها و فتنه آن‌ها اشاره دارد موضوع خلافت و هدایت جامعه مسلمین را پیامبر اسلام ﷺ مطرح ننموده است؟

آیا چنین موضوعی در سیره انبیاء گذشته دیده شده است که پیامبر خاتم نیز همانند سایر انبیاء گذشته عمل کند.

آیا انبیاء گذشته تعیین امر جانشین خود را به مردم و رأی آن‌ها واگذار کرده بودند. آیا انبیاء گذشته اساساً در روش آن‌گونه بوده‌اند که جانشین خود را تعیین نمی‌کرده‌اند و اگر رأی مردم ملاک بوده در انتخاب خلیفه رسول خدا ﷺ پس چرا در دنیای امروز یعنی به سال ۱۴۲۰ در بلاد اسلامی که مسئله انتخاب پادشاه در کشورهای اطراف ایران مطرح

۱. نساء، ۵۲.



بعضی از آن نامه نقیض بعض دیگر است یکبار می گوئی خلیفه خدا و یکبار خلیفه رسول و یکبار می گوئی که مردم به من راضی شده‌اند...^۱

۷۸۵. کشتی نجات

رسول خدا ﷺ فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است هر کسی بر آن چنگ زد نجات یافت و هر کس از آن تخلف نمود به هلاکت رسید.
شرح: واضح است که اهل بیت رسول خدا ﷺ چه کسانی هستند.^۲

۷۸۶. قدرت امام مافوق هستی

حضرت علامه کبیر، مفسر والا مقام، علامه طباطبائی رضوان الله تعالی علیه در بحثی کوتاه درباره علم امام ﷺ ص ۴ می فرماید:
«امام ﷺ به حقایق جهان هستی در هر گونه شرایطی که وجود داشته باشند به اذن خدا واقف است اعم از آن‌ها که تحت حس قرار دارند و آن‌ها که بیرون از دایره حس می باشند مانند: موجودات آسمانی و حوادث گذاشته و وقایع آینده.^۳»

۷۸۷. افصح جمیع فصحاء علی است

عزالدین عبدالحمید بن محمد بن محمد بن الحسن بن ابی الحدید مدائنی از اکابر علمای

۱. احتجاج طبری، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲. مستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۴۳. (اهل سنت)

۳. روی همین اصل است که روایات زیادی درباره حوادث آینده جهان و افراد مختلف در احادیث شیعی از ناحیه امامان ﷺ دیده می شود و این فرمایشات که مجال پرداختن به آن‌ها نیست صرفاً از طرف امامان ﷺ دیده می شود و از سایر خلفائی که ادعای جانشینی پیامبر اکرم ﷺ را می نمودند ذره‌ای و مطلبی دیده نشده است لذا امام صادق ﷺ در روایتی فرمود:

من می دانم مانند اینکه نظر می کنم به کف دست خودم چنانچه ابن ابی الحدید از علمای اهل سنت درباره امام علی ﷺ می گوید:

هر که بهره‌ای از فضیلتی داشته از او داشته و هر که حکومتی یافته از او یافته و هر که لوی معرفتی را برافراشته از میان او برافراشته و هر که مبدأ و معاد را شناخته از کلام او شناخته و هر که چراغی از عرفان روشن نموده از مشعل معارف او روشن نموده منع همه فضایل و همه کمالات او بوده و گویی سبقت از میادین فنون معارف او بوده. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۷.



۷۹۰. هنگامه سؤال چه می‌کنی

بعد از این که ابوبکر خلیفه شد ۱۲ نفر در مسجد بر علیه ابوبکر و به دفاع از امیرالمؤمنان علی علیه السلام پرداختند سلمان فارسی دومین نفری بود که در حضور خلیفه برخاست و گفت: «کردید و نکردید و ندانید چه کردید... ای ابابکر هنگامی که برای تو جریانی پیش آید که حکم آن را ندانی به چه چیز تکیه خواهی کرد؟

هنگامی که از تو سؤالی شود که نمی‌دانی، به چه کسی پناه خواهی برد؟^۱ چه عذری داری که خود را بر داناتر از خود و نزدیکترین افراد به پیامبر و دانا به تأویل کتاب خدا و سنت پیامبر مقدم می‌داری؟

کسی که پیامبر او را در زمان حیاتش مقدم داشته و هنگام وفاتش درباره او به شما توصیه کرده است.

شما کسانی هستید که فرمان پیامبر را فراموش کرده و وصیت او را از یاد بردید و وعده او را مخالفت کردید و...^۲

سلمان فارسی در خطبه‌ای که پیرامون ولایت دارد گفته است:
آگاه باشید... اگر از نخست ولایت امر را به علی علیه السلام واگذاشته بودید از آسمان و زمین و از بالای سر و زیر پا روزی می‌خورید...
پس منتظر بلا باشید!!

من رابطه ولای خود را با شما قطع می‌کنم. آگاه باشید اگر وظیفه من دفع ستم و قیام به وظیفه و یاری دین باشد شمشیر خود را به دوش نهاده قدم به قدم شمشیر می‌زنم و می‌شکافم و پیش می‌روم.

ای مردم... هرگاه فتنه‌ها را دیدید که همچون پاره‌های ظلمت در شب تار به سراغ شما می‌آید و قصد نابودی تان را دارد آن زمان حتی تک سواران و سخنوران و پیشگامان را هم از آن ایمنی نیست.

۱. در دراز مدت معلوم شد که عملاً به چه کسی پناه برد آن‌ها همیشه دست به دامن امیرالمؤمنان علی علیه السلام می‌شدند و آن امام نیز با اینکه حقش را غصب کرده بودند با اینحال آن‌ها را راهنمایی می‌کرد نشانه و مدرک درماندگی‌های آن‌ها در کتاب هزار و یک پرسش و پاسخ از امام علی علیه السلام آمده است.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۰۸.

پس ملازم آل محمد ﷺ باشید که آنان قافله سالاران بهشتند و پیوسته ملزوم علی (ع) باشید به خدا سوگند ما در زمان پیامبر بر او به عنوان ولایت سلام دادیم. آگاه باشید ... که من امر خود را آشکارا بیان کردم و به خداوند ایمان آورده و تسلیم پیامبر هستم و به تبعیت از مولای خودم که مولای هر مسلمان است افتخار می‌کنم.^۱

۷۹۱. استنادی با سند

ابن عبدربه صاحب کتاب عقدالفرید از علمای اهل سنت در جلد ۳، ص ۳۸ آورده که مأمون عباسی در مجلس فقهاء برای اثبات برتری امام علی (ع) به این کلام رسول خدا ﷺ استناد کرد. «من کنت مولاه فعلی مولاه...»^۲

۷۹۲. صلوات بر علی (ع)

عالمان حسود در دربار سلطان اکبر شاه در زمان عالم بزرگ قاضی نورالله شوشتری مکرر او را در نزد سلطان اکبر شاه به استیضاح کشاندند تا به نحوی سبب قتل او را فراهم نمایند.

حاسدان در پی فرصتی بودند که به سعایت اقدام کنند تا این که روزی شنیدند قاضی نورالله شوشتری کلمه «علیه الصلاة والسلام» را در وصف امیرالمؤمنین علی (ع) آورده است. آن‌ها این عمل را بدعت دانسته و بکار بردن این کلمات را صرفاً برای رسول خدا ﷺ می‌دانستند و فتوی به حلال بودن خون او دادند در این خصوص حکمی را تهیه و امضاء کرده و نزد اکبر شاه فرستادند.

آن‌ها همه جملگی این فتوی را امضاء کردند مگر یکی از بزرگان ایشان که با این فتوا مخالفت کرد و بی‌تی را به این مضمون نوشت و به نزد اکبر شاه فرستاد.

گر لحمک لحمی بحديث نبوی هی بی‌صل علی نام علی بی‌ادبی هی

۱. رجال کشی، ص ۲۰.

۲. فخرالدین رازی در تفسیر خود مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰ نیز در این خصوص مطلب آورده است و طبری در ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۷۰، از عمر نقل کرده که او گفت: علی مولی من کان رسول الله ﷺ مولاه، یعنی: هر کس که پیغمبر بر او ولایت دارد علی نیز بر او ولایت دارد.



«اگر چنین است که پیامبر درباره حضرت علی علیه السلام فرموده است ای علی گوشت تو گوشت من است پس نام بردن از علی بدون صلوات بر علی علیه السلام بی ادبی نسبت به پیامبر است.»

اکبرشاه پس از دیدن این شعر از کشتن قاضی نورالله صرف نظر کرد.^۱ لیکن چند سال بعد در سال ۱۰۱۹ به جرم شیعه بودن در حالی که حدود هفتاد سال عمر داشت در زیر شلاق به دستور جهانگیرشاه و با تبنای علمای درباری و حسود به شهادت رسید و بدن نورانی او را در آگره هند به خاک سپردند.^۲

۷۹۳. معارف ربانی در نهج البلاغه

حضرت آیه الله بهجت می فرماید:

...باید ملتفت باشید دیگر چاره‌ای نیست الا اینکه خودتان را به خدا بسپارید و متوسل شوید یک دست شما قرآن و دست دیگر عترت باشد عترت معارفش در مثل نهج البلاغه است، اعمالش در مثل صحیفه سجادیه است...
از این‌ها شما را خارج نکنند بلکه امتیاز ما - در مسلمین و غیر مسلمین - همین است که دو اصلی داریم که برای دنیا و آخرتمان نافع است برای دنیای ما، هم اگر مریض شدیم اگر بلایی بر سر ما آمد به اینها که متوسل شدیم برای ما فرج می‌رسد این امتیاز در خصوص شیعه است در اهل سنت این مطلب نیست...^۳

۷۹۴. امتیاز مخصوص از آن ماست

حضرت آیه الله بهجت می فرماید: باید بدانید این که ما مسلمان‌ها امتیازی از غیر مسلمان‌ها نداریم الا به قرآن و عترت والا ما هم مثل غیر مسلمانها می‌شویم اگر ما قرآن نداشته باشیم مثل غیر مسلمان‌ها هستیم اگر ما عترت را نداشته باشیم مثل مسلمان‌هایی که اهل ایمان نیستند هستیم.

۱. احقاق الحق، ج ۱، ص ۱۵۹.

۲. فوائد الرضویه، ص ۶۷۹.

۳. به سوی محبوب، ص ۶۶.

باید ملتفت باشیم روز به روز در این دو امر ترقی بکنیم همچنان که سن ما به بالا می‌رود معلومات ما هم در همین دو امر (قرآن و عترت) بالا برود.

۷۹۵. جلوه جمال حق

امام خمینی: آن چیزی که موجب تاسف است این است که نگذاشتند حضرت امیر (ع) آن طور که باید و دلخواه اسلام است جلوه پیدا کند.

۷۹۶. نظر شیخ کبیر مفید^۱ در اثبات ولایت و امامت علی (ع)

مقدمه:

«یک دوره اصول دین و عقاید استدلالی را مرحوم شیخ مفید در کتاب النکت الاعتقادیه آورده است.

مرحوم شیخ مفید این کتاب را به شکل پرسش و پاسخ بیان نموده است چندی پیش فصلنامه وقف اقدام به چاپ آن در ۵ فصل (توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد) نموده است این متن را مرحوم شیخ مفید در ۱۰۷ سوال طرح نمود. و سپس این عالم بزرگوار خود اقدام به پاسخگویی سؤالات نموده است. این متن توسط دکتر محمدجواد مشکور ترجمه شده است.»

- اگر گویی: دلیل برانگیختن پیغمبران در حکمت خدا چیست؟

دلیل بر آن، لطف است و لطف در حکمت واجب.

- اگر گویی: آیا حکمت خداوند مقتضی برانگیختن پیغمبران و فرستادگان است یا نه؟

گوئیم: آری حکمت او مقتضی این کار است و آن را ایجاب می‌کند.

- اگر گویی: تعریف لطف چیست؟

گوئیم: لطف چیزی است که مکلف بدان به فرمانبرداری نزدیک و از گناهکاری دور

می‌گردد نه تا بدانجای که در تمکین مکلف دخیل بود و به حد اجبار رسد.

- اگر گویی: دلیل بر واجب بودن لطف در حکمت چیست؟

۱. شیخ مفید با امام عصر (ع) مکاتباتی داشته و مورد توجه خاص و شدید امام عصر (ع) بوده‌اند قبر نورانی این بزرگمرد در کاظمین می‌باشد.



گوییم: دلیل وجوبش آن است که غرض و مقصود از تکلیف مردم، موقوف بر آن است، پس لطف، واجب در حکمت می‌باشد و این مطلوب ماست.

- اگر گویی: تعریف عصمت چیست؟

گوییم: لطفی است که خدای تعالی درباره مکلف کند تا او را از کردن گناهی و ترک طاعتی، با اینکه به کردن آن دو تواناست باز دارد.

- اگر گویی: دلیل بر معصوم بودن پیغمبر از آغاز تا پایان عمرش چیست؟

گوییم: دلیلش آن است که اگر سهو و نسیانی از او سرزند وثوق و اعتماد مردمان در خبرهایی که می‌دهد از او سلب می‌شود و اگر گناه و لغزشی ورزد خردها از پیروی او روی گردانند و برانگیخته شدن او بیهوده ماند.

- اگر گویی: آیا حکمت اقتضا و ایجاب می‌کند که امامی گمارده و منصوب گرد یا نه؟
گوییم: آری حکمت، نصب امام را اقتضا و ایجاب می‌کند.

- اگر گویی: تعریف امام چیست؟

گوییم: امام کسی است که در کارهای دین و دنیای جانشین پیغمبر بوده و ریاست عامه داشته باشد.

- اگر گویی: دلیل بر اینکه امام لازمه حکمت (خداوند) است چیست؟

گوییم: دلیل آن لطف است و لطف (خداوند) لازمه حکمت است؟

- اگر گویی: آیا شرط است در امام که حتما معصوم باشد یا نه؟

گوییم: چنان که در پیغمبر، شرط عصمت ضروری است در امام هم عصمت شرط است.

- اگر گویی: دلیل بر اینکه امام باید معصوم باشد چیست؟

گوییم: دلیل آن چند وجه دارد: نخست اینکه اگر خطائی بر او روا باشد هرآینه به امام دیگری نیاز پیدا می‌کند. تا او راه نماید و درباره آن یکی هم همین سخن پیش می‌آید این رشته به درازا می‌کشد و تسلسل پیدا می‌شود یا اینکه مطلوب به ثبوت می‌رسد.

دوم: این که اگر خطاکاری بر او روا باشد یا باید آن کار را بر وی زشت شمرد و یا نباید، پس اگر واجب باشد که آن کار را بر وی زشت شمارند از پایگاهی که در دلها دارد فرو افتد و دیگر از او پیروی نکند و چون منظور از نصب وی پیروی از او است، پس



گویم: پسرش حسن و پس از او پسر دیگرش حسین و پس او علی پسر حسین (زین العابدین)...

- اگر گویی: دلیل بر امامت هر یک از نامبردگان چیست؟

گویم: دلیلش آن است که پیغمبر آن است که پیغمبر آنان را به تواتر به جانشینی خود نامزد کرده است.

چنان که درباره حسین علیه السلام فرمود: «ابنی هذا، امام ابن امام اخو امام ابوالائمة تسعة تاسعهم قائمهم یملأ الارض قسطاً وعدلاً بعد ما ملئت جوراً وظلماً».

یعنی: این پسر امام است، پسر امام و برادر امام و پدر نه امام دیگر، که نهمین آن‌ها قائم آنان است و آن گاه که زمین از ستم و بیداد آکنده شود آن را از برابری و داد پر می‌کند....

- اگر گویی: امام این زمان کیست؟

گویم: قائم آل محمد، مهدی... که درود بر او باد.

- اگر گویی: دلیل بر وجود او (مهدی علیه السلام) چیست؟

گویم: دلیلش آن است که در هر زمانی ناگزیر بایستی امام باشد، وگرنه زمان از امام تهی ماند، با این که وجود او لطف است و لطف بر خدای تعالی در هر زمانی واجب.

- اگر گویی: چنان که در پیش گذشت، وجود امام لطف است و لطف هم بر خدا واجب، پس هرگاه امام پنهان بود لازم آید که خدای تعالی اخلال در امر واجب کرده باشد و خدای از چنین کارهایی برتر و بزرگ‌تر است؟

گویم: لطفی که در مساله امام بر خداوند واجب است آن است که او را بدان کار بر گمارد و مکلف به امامت سازد و خدای تعالی نیز این کار را کرده و در امر واجب اخلال نکرده است. همانا اخلال به واجب از رعیت اوست و بر آنان واجب است که از وی پیروی کرده و امرها و نهی‌های امام را اطاعت کنند و او را اختیاردار خود سازند و چون این کارها را نکنند اخلال در امر واجب کرده هلاکشان به دست خودشان است.

امام و تعیین امام به دلایل عقلی زیاد اولاً بایستی معصوم باشد و همه بر این اتفاق رأی دارند که امام عالم آرای هستی علی بن ابی طالب علیه السلام معصوم و به دور از هرگونه گناه



او را چه زیر، چه بالا هر جا که هست چراغ منور است الا می خواهد که نور او به دیگران برسد این آفتاب که بر بالای آسمان است اگر زیر باشد همان آفتاب است...^۱

۷۹۹. جزء نیکی ناه او را مبر

عروة بن زبیر از جدش نقل می کند که مردی در حضور عمر بن خطاب به علی بن ابی طالب جسارت کرد عمر به او گفت: صاحب این قبر را می شناسی (اشاره به قبر پیامبر اسلام) او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب است و علی نیز پسر ابی طالب بن عبدالمطلب است جز به نیکی نام علی را مبر که اگر او را عیب جوئی کنی و جسارت و بدگوئی او را کنی این را (اشاره به قبر شریف پیامبر اسلام) در قبرش آزاد کردی.^۲

۸۰۰. سؤال رسا

چند سؤال اساسی درباره ولایت و امامت در منظر چشم مشتاقان قرار داده تا اصل ولایت به وضوح روشن شود.

- آیا در طول مدت رسالت نبی اکرم ﷺ و با توجه به آیات متعدد قرآن احدی از یاران رسول خدا ﷺ درباره لزوم مسئله رهبری و مسئله مهم سرنوشت جامعه اسلامی از رسول خدا ﷺ سؤال نکرده است.

- آیا رسول خدا ﷺ نیز به این مسئله مهم عنایتی نمودند و در طول بعثت خود نسبت به این مسئله که بالاخره کسی را به عنوان آن که از همه اصحاب برتر و بالاتر است، مطرح نکرده اند تا در دشواری های دین به آن رجوع کنند.

- بر فرض این که بپذیریم که رسول خدا ﷺ درباره جانشینی خود، امتش را به اطاعت و پیروی از فرد مشخص امر نکرده باشد حداقل باید از راهنمایی آنان در این باره دریغ ننموده و فرد برتر و شایسته تر امت را که خود می شناخت به مردم معرفی نماید.

۱. فیه ما فیه مولانا، (یعنی: چراغ های نفتی را که در قدیم روشن می کردند چراغ با زبان باطنش می گوید اگر می خواهی از نور بیشتری استفاده کنی مرا بالاتر بگذار منظور آن است که تو ولایت امامان را بپذیری و بیشتری در سرزمین جنت روشن کرده ای.

۲. امالی شیخ صدوق، ص ۳۸۸.



- آیا رسول خدا ﷺ چنین فرد شایسته‌ای از امت خود را می‌شناخت و به مردم معرفی نکرده یا نمی‌شناخته است؟

- رسول خدا ﷺ که از بیان کوچک‌ترین مسائل دینی و احکام الهی دریغ نمی‌ورزید آیا به راستی موضوع بدان اهمیت را که امتش پس از او نیازمند رهبری می‌باشند بیان نفرموده است؟

و تشخیص و انتخاب این مسئله مهم را به عهده مردم واگذار نمود؟
- آیا در سقیفه نمایندگان مردم جمع شده بودند اساساً چه کسی آن‌ها را نماینده خود دانسته و به سقیفه فرستاد برای انتخاب خلیفه؟ و آیا در آن جمع نظر اکثریت جلب شد (که نشد) اگر اعتبار خلیفه رأی بزرگان است پس خلیفه دوم و سوم را چگونه توجیه کنیم؟

- چگونه است که حضرت در سفرهای کوتاه مدت خود در شهر جانشین انتخاب می‌فرمود؟ آیا شدنی است که امت خود را بدون رهبر رها کند؟
- رسول خدا ﷺ مدت‌ها قبل پیش از رحلت خود نزدیکی وفات خود را می‌دانست و پیروان خود را به این مسئله خبر داده بود آیا از مسئله رهبری و سرنوشت جامعه اسلامی در بعد از خود و مسائل آن بی‌خبر بوده است؟

- بر فرض این که رسول خدا ﷺ کار تعیین خلیفه را به مردم واگذار کرد پس چرا هیچ یک از خلفای ثلاثه از همین شیوه هم پیروی نکردند.

- آیا رحلت رسول خدا ﷺ یکباره رخ داد تا اصحاب موفق نشوند شخص مشخصی را از حضرت سؤال کنند؟ و یا سؤال شد و حضرت لب فرو بست و اقدامی نکرد تا اصحاب سقیفه با رأی خود رهبر برگزینند.

- آیا اصحاب سقیفه فرد مورد نظر رسول خدا ﷺ را نمی‌شناختند؟ یا می‌شناختند و دست رد بر گفته رسول خدا ﷺ زدند و دیگری را برگزینند.^۱

- چرا خلیفه دوم در تعیین جانشین خود نه به شیوه پیامبر عمل کرد و نه به شیوه خلیفه اول؟ و اساساً چرا خلیفه اول در تعیین خلیفه دوم نظر خود را بر اکثریت رأی مردم تحمیل کرد.

۱. نگاهی تاریخ به مسأله خلافت - یوسف غلامی با اندک تصرف.



«تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل»

۸۰۱. پذیرفتنی نیست

عزالدین ابو حامد معتزلی می نویسد: روزی به استادم گفتم: برای من بسیار دشوار است که بپذیرم رسول خدا ﷺ در معرفی پیشوای بعد از خود کوتاهی کرد و پیروانش را بدون سرپرست رها کرد در حالی که شیوه آن حضرت چنین بود که هرگز مدینه را بدون تعیین جانشین ترک نمی نمود.

چگونه در وقتی که فاصله چندانی با مدینه نداشت و خود زنده بود شهر را بدون سرپرست نمی گذاشت، ولی زمانی که مطمئن است می خواهد رحلت کند و حوادث آینده را نمی بیند تا خود درباره آن تصمیم گیرد جانشین بر نمی گزیند؟

مسلمانان همه او را دارای فکر و عقل کامل می دانستند غیر مسلمانان هم وی را فردی دوراندیش می شناختند که اندیشه‌ای بسیار نیرومند داشت به طوری که توانست امتی را تشکیل دهد و آیینی پایه گذاری نماید... استادم در پاسخ من فرمود:

البته مطلب همان طور است که تو می گویی رسول الله ﷺ برای مردم جانشین تعیین نمود و مردم را هم به پیروی از او فرمان داد اما چون صحابیان اطاعت از آن جناب را در این نوع موضوعات، بر خود واجب نمی دانستند پیروی اش ننمودند.^۱

۸۰۲. قرآن فرمود: ای مردم به خدا و رسولش خیانت نکنید

محبی الدین عربی در کتاب نورانی فتوحات تکیه می فرماید:

کسی که به اهل بیت علیهم السلام خیانت کند به رسول الله ﷺ خیانت کرده هر کس به آنچه را که رسول الله ﷺ به عنوان سنت قرار داده خیانت کند به درستی که در سنت آن حضرت خیانت ورزیده است (سنت از دیدگاه محبی الدین چنان که او آورده مودت و دوستی ذوی القربی و اهل بیت رسول الله ﷺ است).^۲

۱. نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۸۳

۲. فتوحات مکیه، ج ۴، باب ۵۰۲، ص ۱۳۹

۸۰۳. زیور زیور علی (ع) است

روزی علی (ع) در مسجد کنار عمر نشسته بود و جمعی نیز حضور داشتند وقتی امام از آنجا بیرون رفت شخصی امام را به متکبر بودن نکوهش کرد. عمر در پاسخ به او گفت: اگر او خود را بستاید و به فضایلش مباحثات کند حق دارد سوگند به پروردگار اگر شمشیر او نبود ستون اسلام استوار نمی‌گردید او سابقه و شرافت دارد و داناترین مردم به امور قضایی است. مردی برخاست و گفت: اگر چنین است که می‌گویی به چه عذر خلافت را تسلیم وی نساختید؟ عمر در پاسخ گفت: چون او جوان بود و به فرزندان عبدالمطلب علاقه فراوان داشت، (لذا) دوست نداشتیم خلافت به او برسد.^۱

۸۰۴. حق دار ابدی

روزی خلیفه دوم به ابن عباس گفت: آیا هنوز پسر عمویت (علی بن ابی طالب) می‌پندارد که رسول خدا (ص) درباره خلافت او سخنی گفته است؟... سپس افزود: البته رسول خدا (ص) در حق او فزون از حد، مطالبی را اظهار می‌کرد، ولی از آن همه گفتار می‌خواست امتش را درباره پذیرش خلافت او بیازماید آن حضرت می‌خواست در روزهای بیماری‌اش نام او را به صراحت بیان کند ولی من برای شفقت بر امت و حفظ اسلام از آن جلوگیری کردم آنگاه رسول خدا دانست که من به چیزی که در خاطرش می‌گذرد پی بردم به همین دلیل از دنبال کردن هدف خود باز ایستاد. ابن عباس در گفتگوی دیگر خود به خلیفه می‌گوید: پسر عمویم علی معتقد است که رسول خدا (ص) خلافت را فقط شایسته او می‌دانست. عمر گفت: این خواسته پیامبر چه نتیجه‌ای داشت با آن که خداوند چنین نخواست بود؟ رسول خدا (ص) چیزی را می‌خواست و خدا غیر آن را سرانجام نیز خواسته رسول خدا انجام نشد مگر هر چه رسول خدا خواست باید خدا هم بخواهد.

۱. ایرادات عمر به امام علی (ع) در باب عدم واگذاری خلافت را می‌بینید!!!



۸۰۵. جای فکر و تعقل دارد؟

بنی‌امیه و عباسیان در ترویج این اندیشه که «اولی‌الامر» لازم نیست معصوم باشد و اطاعت از آن‌ها واجب نیست را قرن‌ها تقویت و تبلیغ کردند و بر اساس همین اندیشه بود که امام حسین علیه السلام را به شهادت رساندند چرا که بر خلیفه‌ای شراب خوار قیام کرد. آن‌ها می‌گویند که پیشوا و رهبر اگر مفسد و ستمگر و معصیت‌کار و بی‌توجه به حدود الهی، از خلافت عزل نمی‌شود و پیوسته اطاعتش واجب و قیام بر ضد او حرام است. وجه اشتراک اندیشه شیعی و علمای اهل سنت صرفاً در داشتن خلیفه است هر دو دسته اعتقاد به وجود خلیفه و رهبر دارند اما شیعه می‌گوید خلیفه یا «اولی‌الامر» ویژگی‌هایی دارد و آن ویژگی‌ها در قرآن و وحی ریشه دارد، ولی اهل سنت به آن ویژگی‌هایی که شیعه اعتقاد دارند قائل نیستند.

یک سؤال اساسی اینجاست و آن این که: کسی که بر ضد اهداف قرآن و خاتم انبیاء عمل می‌کند می‌تواند جانشین خاتم پیامبران باشد و بر طبق قرآن حکم کند؟

۸۰۶. رشد روحی

برخی از غرایز و امیال گوناگون و متفاوتی که خداوند حکیم به انسان‌ها ارزانی داشت به طور طبیعی رشد می‌کنند اما احتیاج به رهبری و امامت و هدایت ندارند مانند شهوت برخی دیگر برای رشد و کمال نیازمند به کار و تلاش مدام هستند و خود به خود رشد نمی‌کنند. مانند غریزه علم جویی.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: در زمانی که اکثر مردم پیمان خدا را فراموش کرده بودند و حق او را نمی‌شناختند... پیامبرانش را در میان آن‌ها مبعوث ساخت و پی در پی رسولان خود را به سوی آنان فرستاد تا پیمان فطرت را از آنان مطالبه نمایند (رشد فطرت خود به خود نیست و نیازمند امام و پیامبر است).^۱

۱. مرحوم حجة الاسلام والمسلمین دشتی، مترجم نهج البلاغه.

۸۰۷. افضل بشر

ابن ابی الحدید در جلد اول T ص ۴ نهج البلاغه می گوید:
«أنه (ع) افضل البشر بعد رسول الله (ص) وأحق بالخلافة من جميع المسلمين».
 به درستی که علی (ع) بعد از رسول خدا (ص) افضل بشر و اولی به امر خلافت از جمیع مسلمانان بوده است.

۸۰۸. زینت زمین آسمانها

صعصعة بن صوحان یکی از پیروان دائمی علی (ع) بود او هنگامی که علی (ع) به خلافت رسید خطاب به آن حضرت گفت **«زینت الخلافة وما زانتك ورفعتهما وما رفعتك وهی اليك احوج منك اليها»** یعنی تو با قبول خلافت به آن زینت بخشیدی و جلا دادی اما خلافت تو را زینت نبخشید و جلال نداد تو به خلافت رفعت دادی و مقامش را بالا بردی ولی خلافت به تو رفعت و مقام نداد و تو را بالا نبرد خلافت به تو نیازمندتر است از تو به خلافت، همین صعصعة بن صوحان وقتی که حضرت ضربت خورده بود و در بستر آرمیده بود به عبادت امام آمد و خطاب به آن حضرت عرض کرد **«يرحمك الله يا امير المؤمنين حيا وميتا؛ فوالله لقد كان الله في - صدرك عظيما ولقد كانت بذات الله عليما»؛** ای امیر مؤمنان، خدایت در زندگی و پس از مرگ رحمت کند، زیرا به خدا سوگند که خدا در نزد تو بزرگ بود و تو بشناسائیش کاملاً دانا بودی علی (ع) خطاب به صعصعة بن صوحان فرمود: **«وانت يرحمك فلقد كنت خفيف الموهنة كثير المعونة»** تو را نیز خداوند رحمت کند که مردی کم خرج و سبک بار و بسیار یاری کننده و کمک کار بودی.^۱

صعصعة جزء افراد معدودی بود که در شب شهادت امیرالمؤمنین (ع) در تشییع جنازه آن حضرت و مراسم تدفین او در دل تاریک شب شرکت کرد. صعصعة پس از پایان تدفین کنار قبر مطهر علی (ع) ایستاد و یک دست روی قلب پر تپش خود گذاشت و با دستی دیگر مشتیی از خاک قبر برداشت و بر سر خود ریخت و خطابه‌ای پر شور در جمع خاندان و یاران خاص علی (ع) ایراد کرد که دو جمله زیبای آن را در اینجا ذکر می‌نمایم.

۱. بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۳۴، ص ۲۵۹.



«فأسال الله ان مَمَّن علينا باقتفائنا اثرک والعمل بسیرتک»؛ از خداوند تقاضا می‌کنم که بر ما منت نهد و توفیق دهد که پیرو تو باشیم و به سیره تو عمل کنیم.

«فوالله لقد کانت حیاتک مفاتح الخیر ومفالق للشر»؛ به خدا سوگند زندگی تو درهای خیر را گشود و راه‌های شر و بدی را بست.^۱

۸۰۹. برداشتی لطیف

امیرملک و ملکوت یعسوب المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: **ومن علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا**؛ اگر کسی کلمه‌ای به من بیاموز مرا بنده خود کرده است.

حجة الاسلام حاج سیدعباس شیخ الاسلامی از اساتید بزرگوار حوزه مقدسه قم می‌فرمود: «قبل از خلقت آسمان و زمین و در ملت‌های گذشته احدی این قدرت را نداشته تا کلامی به امام بیاموزد و حتی تا قیامت کسی را نمی‌توانی پیدا کنی که کلمه‌ای به امام یاد داده باشد».

لذا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام امام بر حق ماست و آن‌ها که دائما می‌گفتند اگر علی علیه السلام نبود هلاک شده بودم قطعاً امام و شایسته پیشوائی امت محمد صلی الله علیه و آله را نداشته‌اند.

۸۱۰. فرمایشات حضرت آیت‌الله بهجت درباره مسئله امامت

...اگر کسی بگوید ما قرآن را می‌خواهیم و می‌گیریم، اهل بیت را کار نداریم یا چه کار داریم به اهل بیت علیهم السلام، **حسبنا کتاب الله**.

آیا این کتاب‌الله که **الا مودة ذی القربی... درش هست** او را می‌گویی؟

می‌شود آن وقت بگویم که کاری به اهل بیت نداریم؟

کتاب‌الله که درش می‌گویی: **اکملت لکم دینکم... آن را می‌گوئی؟**

آن قرآن را می‌گویی **اها ولیکم الله ورسوله... آن را می‌گوئی** یانه! در قرآن شما این

آیات نیست.

بله! اگر در قرآن شما این آیات نباشد ممکن است بگوید ما قرآن را می‌گیریم...

...از محبت این‌ها (اهل بیت) باید دست بر نداشت همه چیز توی محبت است ما اگر

۱. بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۳۴، ص ۲۵۹.



خدا را دوست می‌داشتیم آیا ممکن بود دوستانش را دوست نداشته باشیم آیا ممکن بود اعمالی که او دوست دارد دوست نداشته باشیم.^۱

یکی از معانی ولایت به معنی اطاعت است که در زندگی روزمره ما نیز این نوع ولایت‌ها در شوون مختلفی دیده می‌شود لذا کسانی که مدعی هستند ما ولایت را اصلاً قبول نداریم.

خواسته و یا ناخواسته در تبعیت ولایت حرکت می‌کنند، برای روشن شدن مطلب وقتی ما به دکتر مراجعه می‌نمائیم و دکتر ما را به چیزی امر و از مطلبی نهی می‌نماید در حقیقت ما ولایت پزشک را قبول کرده‌ایم اینجا کسی نمی‌گوید من اختیار خود را دارم و کاری به نظر دکتر ندارم.

بلکه به عکس چون قبول داریم مصلحت ما را دکتر بهتر تشخیص می‌دهد نظر او را اطاعت می‌کنیم و اختیار خود را به او می‌دهیم تا هرچه بگوید ما اطاعت کنیم حتی بعضاً خود امضاء می‌دهیم تا زیر تیغ او رفته و او بدن ما را جراحی کند پس ما از ولایت در شوون مختلف زندگی بی‌بهره نیستیم حال ما می‌گوئیم خداوند به واسطه قانده لطف انبیاء و رسولان و امامان (علیهم‌السلام) را فرستاده و قبول داریم آن‌ها مصلحت ما را بهتر از ما می‌دانند و تشخیص می‌دهند؛ لذا بر اساس این که عقل حکم می‌کند ما حرف آن‌ها را بر نظر خود ارجح و برتر می‌دانیم.

۸۱۱. تفسیری لطیف

در روایات ما از این عید به - عیدالله الاکبر - بزرگ‌ترین عید الهی - تعبیر شده است یک وقت مسأله این است که شخصیت والایی مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) که از همه خصوصیات و جهات منحصر به فرد است در مراسمی به حکومت برگزیده شده است... لیکن مسأله‌ی غدیر از این‌ها بالاتر است مسأله‌ی غدیر فقط از این جهت شرافت ندارد که در آن شخصی مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) که هم طراز او در عالم وجود کسی نیست به حکومت و خلافت و ولایت منصوب شده است بلکه علاوه بر این جهت مهم دیگری

۱. این سخنرانی در جمع مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) ایراد شده بود.



در غدیر هست و آن عبارت از اصل مسأله‌ی ولایت است مضمون ویژه‌ای که در مسأله ولایت در اسلام است....

شاید بشود گفت که اساس و پایه حقیقی اسلام در این بخش از قضیه است مضمون حقیقی غدیر اهمیتش چنان است که آیه قرآن می‌فرماید: «فان لم تفعل فما بلغت رسالتك»^۱.

۸۱۲. دوازده نور پر نور

شبی عده‌ای در نزد عبدالله بن مسعود نشستند و او به آن‌ها قرآن تعلیم می‌داد مردی از او پرسید: ای ابا عبدالرحمن هیچ از رسول خدا ﷺ پرسیدید که این مردم بعد از او چند جانشین و خلیفه دارد؟

عبدالله گفت: از وقتی که به عراق آمده‌ام تاکنون کسی این سؤال را از من نکرده! آری من از رسول خدا ﷺ پرسیدم و ایشان فرمودند: خلفا، بعد از من دوازده نفرند به عدد نقباء بنی اسرائیل.^۲

۸۱۳. دلیل برتری‌ها

روایت است که پیامبر اکرم ﷺ لشکری را به جنگی فرستاد یک به یک افراد را نزد خود می‌خواند و می‌فرمود: از قرآن چه می‌دانی؟ عرض می‌کرد: فلان سوره تا این که جوانی پیش آمد که در سن و سال از همه کوچک‌تر بود.

عرض کرد: فلان و فلان و سوره بقره.

پیامبر فرمود: بیرون روید که این جوان امیر شما می‌باشد.

گفتند: یا رسول الله جوانی را که از همه کوچک‌تر است بر پیرمردان امیر می‌سازی؟ فرمود: او سوره بقره را می‌داند؟^۳

۱. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.

۲. صواعق المحرقه، نوشته ابن حجر، ص ۱۱۳، و ینابیع الموده، باب ۷۷، ص ۴۴۴، نوشته قندوزی. (اهل سنت)

۳. تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۳۲.

از فرمایش حضرت به دست می‌آید که منصب حکومت و ریاست و امامت بر مسلمانان به کثرت علوم و فضایل است نه به زیادی سن. پس بنابراین حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) که جامع همه علوم نبوی و عالم به مغیبات و حلال مشکلات بود مسلماً مقدم است بر دیگران.

❖ ۸۱۴. ۲۵۰ سال دانایی و توانایی ❖

مؤلف گوید: متجاوز از دویست و پنجاه سال ائمه اطهار (ع) در میان مردم بودند با آن‌ها معاشرت کردند ولی احدی نتوانست لغزشی - العیاذ بالله - از آن‌ها ببیند و به عکس خلفای مقابل ائمه اطهار (ع) دچار ناتوانایی‌های علمی، سیاسی، حکومتی، تفسیری و جنگی بوده‌اند. در هیچ جای تاریخ و روایات و نقل‌ها، کلمه‌ای وجود ندارد تا دلالت بر عدم توانایی امامان (ع) وجود داشته باشد حتی در کتب اهل سنت. چنانچه روایت است می‌فرمایند: ممکن نیست که از امام چیزی پرسند و او بگوید نمی‌دانم.

❖ ۸۱۵. عاشق بی‌تاب ❖

سلیمان کتانی نویسنده مسیحی لبنانی می‌گوید: ای سرور من! علی آیا این روا و سزا است که به جای فراهم آمدن به خدمتت، دربارها اختلاف پیدا کنند؟! بعضی از آن‌ها تو را از دست دادند و تو را نیافتند... گروهی تو را از دست دادند و یافتند... و فرقه‌ای تو را یافتند آن‌گه از دست دادند... بی‌شک این شگفت حیرت‌زایی است!...

و این از مسخره‌های روزگار است که حتی آنان که تو را یافتند چگونه شخصیت تو را مشخص کرده و بر وجود نامتناهی تو حد و مرزی قائل گشتند؟! کلمه‌ای که از دو لب فرو غلطید هنوز که چهارده قرن می‌گذرد شرم دارد تا به اقلیم زمان یا مکانی در آید، زیرا که از ارزش‌های اندیشه و تپش‌های قلب زندگی باردار است و بسی دورتر از آن که در محدوده‌ای بگنجد.^۱

۱. امام علی (ع) مشعلی و دژی، سلیمان کتانی، مترجم، جلال‌الدین فارسی، ص ۱۲.



۸۱۶. مقصود پیامبر ﷺ ولایت بود

حضرت آیه الله بهاء الدینی می فرماید:

حال که رحمت و نعمت ولایت نصیب ما شده است، باید آن را تقویت کنیم، نیروی ولایت است که نیروی های شیطانی را از بین می برد و تا نیروهای شیطانی از بین نروند حکومت حق برقرار نمی شود. فقط حرکت و قدرت ولایی است که می تواند قدرت های شیطانی شرق و غرب را نابود کند. اسلام حتی در برخورد با نباتات و اشجار هم آداب دارد. آداب اسلام سلطه گری و غارتگری نیست، روش اسلام عدالت اجتماعی است، لکن هنوز آن طور روشن نیست، بالاخره یک روز باید مرد الهی در این جهان حکومت کند و شما آثار حکومت الهی را مشاهده کنید. تمام قدرت ها باید جمع شوند و قدرت ولایی را تأیید کنند، تا همه قدرت های شیطانی نابود شوند.

و این معنایی است که پیامبر خدا از اول به آن اهتمام داشت پیامبر خدا و ائمه و اولیاء کار خود را کردند، لکن اجتماع نتوانست قدرت الهی را حس کند. مردان الهی و حق پرست باید این حکومت را به دست گیرند، تا بشر تکامل پیدا کند، مبدأ هر کمال علم و دانش است و مبدأ هر سعادت علم و دانش است. باید از این مبدأ حرکت کرد تا انسان شناس و خداشناس شد باید دستگاه خدا را فهمید و با آن آشنا شد. خلیفه الله کسی است که صفات و علم و کارهایش خدایی باشد.^۱

۸۱۷. ما خود شاهد ماجرا بودیم

آیه الله حسن زاده آملی می نویسد: جناب استاد ما علامه طباطبائی صاحب تفسیر قیم و عظیم «المیزان» - رضوان الله علیه - فرموده است که: «استاد ما مرحوم آقا سید علی قاضی حکایت کرد که کسی از جن پرسیده است (و فرموده است شاید آن کس خود مرحوم قاضی بوده است) طائفه جن به چه مذاهب اند؟ آن جن در جواب گفت: «طائفه جن مانند انس دارای مذاهب گوناگون اند، جز این که سنی ندارد برای این که در میان ما کسانی هستند که در واقعه غدیر خم حضور داشتند و شاهد ماجرا بوده اند».^۲

۱. نردبان آسمان، ص ۲۳ و ۲۲.

۲. هزار و یک کلمه، ج ۳/۳۰۱، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی - قم.

۸۱۸. حرفی بکر از ابوعلی سینا

شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا گفته: «والاستخلاف بالنص اصوب فان ذلك لا یودی الی التشعب والتشاغب والاختلاف».

یعنی: تعیین جانشین و انتخاب خلیفه به نص و نصب (که مذهب شیعه دارد) صواب‌تر است برای آن که منجر به تفرقه و اختلاف و شر و فتنه نمی‌شود.

۸۱۹. به سوی علی (ع) بشتاب

صله بن زفر می‌گوید: چون رحلت حذیفه نزدیک شد در همان لحظات آخر که می‌خواست جان تسلیم کند و پارچه سراسری را به روی او کشیدند من سر خود را به زیر پارچه بردم و به حذیفه گفتم: «ان هذه الفتنة قد وقعت؛ فما تامرني قال: اذا انت فرغت من دفنی فشد علی راحلتك والحق بعلی (ع) فانه علی الحق والحق لا یفارقة؛ این فتنه واقع شد حال تو مرا به چه امر می‌کنی؟ حذیفه گفت: چون از دفن کردن من فارغ شدی بر مرکب سوار شو و با سرعت خود را به علی برسان و به او ملحق شود زیرا که او بر حق است و حق از او مفارقت نمی‌کند»^۱.

۸۲۰. از رسول خدا (ص) شنیدم

ابوسخیله می‌گوید: من و سلمان فارسی حج به جا آوردیم آنگاه بر ابوذری غفاری وارد شدیم پس از مدتی در نزد او بودیم هنگامی که حرکتیمان نزدیک شد. گفتم: ای ابوذری! من اموری می‌بینم که حادث شده و می‌ترسم در میان مردم اختلاف واقع شود اگر چنین شود چه دستوری به من می‌دهی؟

ابوذری گفت: از کتاب خداوند - عزوجل - و علی بن ابی‌طالب جدا مشو. من گواهی می‌دهم که از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: علی (ع) اول کسی است که به من ایمان آورده و نخستین کسی است که روز قیامت با من مصاحفه می‌کند و او صدیق اکبر و فاروق یعنی جدا کننده حق از باطل است.^۲

۱. غایه المرام، ص ۵۴۱، حدیث دوم.

۲. احقاق الحق، ج ۲۰، ص ۴۷۲.



۸۲۱. اطاعت تو واجب است

امام صادق علیه السلام می فرماید: روزی محمدبن ابی بکر به حضرت امیرالمؤمنین عرض کرد: ای علی جان! دستت را بده تا با شما بیعت کنم و سپس با آن حضرت بیعت کرد و آنگاه گفت: «شهد انك امام مفترض طاعتك...». گواهی می دهم که تو امامی هستی که اطاعتت واجب است...؛ لذا علی علیه السلام می فرمود: «محمد ابني من صلب ابی بکر»؛ محمد! فرزند من است از صلب ابوبکر.^۱

محمدبن ابی بکر در پایان جنگ جمل خطاب به خواهرش عایشه گفت: مگر نشنیدی که «الحق مع علی و علی مع الحق».

۸۲۲. معنای واقعی مولا

در برخی نقل ها روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من كنت وليه فعلي و ليّه». در این روایت سخن از مولی نیست تا برخی بتوانند آن را توجیه کرده و بگویند: مولی به معنای ناصر و دوست است نه رهبر.

اینان گفته اند به قرینه ذیل این حدیث که می گویند: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله».

واژه مولی در صدر حدیث نیز به معنای دوست و یاور است نه رهبر، غافل از این که استشهاد به سیاق، صدر سخن معیار است و زمام ظهور سخن به دست صدر آن است نه ذیل.

تابلو نشان دهنده و هدف اصلی کلام، صدر آن است و در صدر سخن بحث از اشهاد و استشهاد بر ولایت و رهبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است زیرا آن حضرت بر اساس ششمین آیه سوره احزاب «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم»^۲ از مردم اقرار گرفت که نسبت به آنان از خودشان اولی و شایسته تر است. آنگاه فرمود: اگر من اولایم هر کس ولایت مرا پذیرفته باید ولایت علی علیه السلام را نیز بپذیرد.^۳

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۵۲.

۲. احزاب، ۶.

۳. گفتاری است از حضرت آیت الله جوادی آملی.



کتاب خدا برای ما کافی است اما وقتی خود در بستر مرگ افتاد نگفت: «حسبنا کتاب الله»؛ بلکه دستور داد شورایی شش نفره تعیین کنند تا خلیفه بعد او را انتخاب کنند. شما باور می کنید که رسول خدا ﷺ صراط مستقیم و راه راست را بر مردم باز نماید و دین حق را از خود ساقط کند و به امت واگذارد تا آن‌ها خود امام و ولی را انتخاب کنند آیا این منطقی است.

❖ ۸۲۷. قرآن چه فرموده؟ ❖

طبق آیات متعدد در قرآن کریم خداوند دستور می فرماید که مسلمانان امر رسول خدا ﷺ را اطاعت کنند و آن را واجب و امری از طرف خداوند محسوب نمایند ولیکن عده‌ای مصالح سیاسی خود را در نظر داشتند و در مقابل فرمایش رسول خدا ﷺ که فرمود کاغذ بیاورید تا بنویسم بعد از من گمراه نشوید مانع شدند و گفتند: «الرجل فانه لیهجر حسبنا کتاب الله». مگر کتاب خدا نفرموده.

«اطيعوا الله واطيعوا الرسول...»^۱

به راستی آن‌ها در مقابل این آیه چه جوابی دارند و اما درباره این که گفت: «الرجل فانه لیهجر»؛ قرآن کریم می فرماید: «وما ینطق عن الهوى»^۲ و یا آیه شریفه «وما اتیکم الرسول فخذوه»^۳؛ اگر کتاب خدا فقط کافی بود چرا خداوند فرموده است: «فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعملون»^۴ اگر شما نادانید از اهل ذکر سؤال کنید.

❖ ۸۲۸. کمی دقت کنید واقعیت معلوم است ❖

عمر بن خطاب از وصیت کردن ابوبکر در حال مردن جلوگیری نکرد چنانچه ابوبکر در وقت مردن به عثمان بن عفان گفت بنویس آنچه من می گویم که این عهدنامه من است برای این مردم و او نوشت آنچه ابوبکر تقریر کرد و عمر و دیگران آنجا حاضر بودند و عمر اینجا نگفت «حسبنا الله کتاب الله» ولی به بهانه کتاب خدا گذاشتند پیامبر اسلام وصیت کند.

۱. آل عمران، ۳۲.

۲. نجم، ۳.

۳. حشر، ۷.

۴. نحل، ۴۳؛ انبیا، ۷.



۸۳۱. او حقیقت را پیدا کرد

در زمان سلطنت با لجایتو (محمدشاه خدابنده) برادر غازان خان، مورخ معروف شافعی همدانی در تاریخ خود آورده که بر اثر مناظره‌ای که بین مرحوم علامه حلی (که از عراق به ایران آمده بود) و خواجه نظام‌الدین عبدالملک مراغی قاضی القضاة شافعی که افضل و اعلم علمای اهل سنت در زمان خود بود شیعه شد.

در آن مناظره مبحث امامت مورد گفتگو قرار گرفت و علامه حلی با دلائل بسیار قوی امامت و خلافت امیرالمؤمنین علی را اثبات کرد تا جائی که خواجه نظام‌الدین گفت: ادله جناب علامه بسیار روشن و قوی است ولی چون گذشتگان ما راهی را رفته‌اند ما هم باید برای آرام نگه داشتن مردم و جلوگیری از تفرقه در اسلام آن راه برویم و پرده‌ری نکنیم.

در این مجلس شاه مذکور چون تعصبی نداشت حقانیت شیعه بر او ظاهر شد لذا مذهب امامیه را اختیار کرد و اعلام آزادی مذهب شیعه را در تمام بلاد ایران صادر کرد. و در همان مجلس به تمام حکام و فرمانداران خود اعلام کرد که در تمام مساجد و مجامع خطبه به نام امیرالمؤمنین و ائمه اطهار بخوانند و امر کرد بر روی دینارها کلمه طیبه «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» را در سه سطر موازی نقش کردند و علامه حلی را در نزد خود نگاهداشت و برای او مدرسه‌ای سیار تهیه و طلاب علوم در اطراف آن عالم جمع شدند.^۱

۸۳۲. آخرت را رها کردند

قعقاع بن زراره بر سر قبر امام علی ایستاد و گفت: خشنودی خدا بر تو باد ای امیرمؤمنان که به خدا سوگند زندگانی‌ات کلید هر خیر بود و اگر مردم تو را می‌پذیرفتند از بالای سر و زیر پای خود می‌خوردند لیکن اینان نعمت را ناسپاسی کردند و دنیا را بر آخرت برگزیدند.^۲

۱. احقاق الحق (در احقاق الحق عکس آن دینارها می‌باشد).

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۰.

۸۳۳. الامام اصله دائم، ونسله دائم» عرض کردم: خیر

روزی به حضر مبارک استادم جناب آیه الله محمد آقای غروی املی - رضوان الله تعالی علیه - تشرف حاصل کرده بودم، به من فرمود:

این عبارت را در جائی دیده‌اید که «الامام اصله دائم، ونسله دائم» عرض کردم: خیر در جائی ندیده‌ام، چه جمله شگفت و شیوا و شیرین و دلنشین است که خود اصلی استوار و قانونی پایدار است، حضرت تعالی از کجا نقل می‌فرمائید؟ فرمود من از جائی نقل نمی‌کنم. آنگاه انگشتان دست راستش را جمع کرد و در حالی که بر گرد لبانش دور می‌داد. فرمود: دیروز که از خواب بیدار شدم این جمله را بر سر زبان دارم و بدان گویایم. راقم گوید: در اصطلاح عرفان اینگونه القاءات سبوحی را در حدیث برزخی گویند.^۱

۸۳۴. کدام آیه در باب امامت از همه مهتر است؟

مرحوم استاد محمدتقی شریعتی می‌گوید:

من بارها با خود می‌اندیشیدم که در بین آیات نازل شده در شأن مولا، کدامیک از همه مهم‌تر است و عظمت مقام او را بهتر می‌شناساند چند بار در این خصوص تغییر عقیده دادم عقیده ماقبل آخرم این بود که آیه کریمه: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته واللّه یعصمک من الناس».^۲

مهم‌تر از همه است زیرا خداوند می‌فرماید: ای پیغمبر! آنچه به سوی تو فرود آمده به مردم برسان که اگر نکردی وظیفه رسالتت را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از مردم نگهداری می‌کند.

چنین تهدید عجیبی که اگر پیغمبر دستوری را تبلیغ نکند اصلاً به وظیفه پیغمبری عمل نکرده و مثل این است که هیچ یک از عقاید و احکام را ابلاغ نفرموده باشد، در سراسر قرآن نظیر ندارد، آن هم در حجة الوداع که اصول دین از توحید و نبوت و معاد و فروع آن تماماً به مردم تبلیغ شده و خمس و زکات پرداخته و مناسک حج را با پیغمبر انجام داده‌اند.

غزوات بدر و خندق و احد را گذارنده‌اند یعنی به وظیفه جهاد نیز عمل کرده‌اند آن وقت چه دستور مهمی است که آن را از ترس مردم تبلیغ نکرده و آن مردم کیستند که

۱. هزار و یک کلمه، ص ۵۳.

۲. مائده، ۳.



آن حضرت از آن‌ها بی‌مناک است در صورتی که مشرکین مغلوب شده و فتح مکه، اسلام را بر همه نیروها و طوایف پیروز گردانیده است.

بسیار روشن است که این امر مهم جز ولایت و نصب امیرالمؤمنین به امامت و خلافت نمی‌تواند باشد که مطابق عقیده شیعه شرط قبول همه طاعات است بنابراین تمام دین بدون این شرط مقبول نیست... در این جا برای آنکه دیگر دچار اشتباه نشوم به تفاسیر هم رجوع کردم خوشبختانه دیدم خود امیرالمؤمنین نیز این آیه را مهم‌تر از همه می‌دانند چنانچه فیض و ابوالفتوح و بسیاری دیگر از مفسرین نقل نموده‌اند دیگر جای تأمل و تردید نبود حال ملاحظه بفرمائید که اولاً علی در برابر خداوند شاهد قرار داده شده و ثانیاً صدق پیغمبر در ادعای رسالت و حقانیت دیانت و شریعت اسلام به شهادت علی اثبات گردیده است و از آن حضرت (امام علی علیه السلام) به کسی که علم‌الکتاب را دارا است تعبیر فرموده است یعنی چنین مقام شامخ و عظمت بی‌مانندی را به سبب این علم پیدا کرده است.^۱

آری من این آیه (سوره مائده، آیه ۳ «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل علیک») را مهم‌ترین آیه نازل شده در شأن علی علیه السلام می‌پنداشتم به ویژه این که این آیه در سوره مائده است و این سوره به طوری که من تصور می‌کنم سراسرش مربوط به همین است... دیدم پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خیانت اصحاب و پیمان شکنی آن‌ها به صورت تاریخ امت‌های گذشته (در سوره مائده) بیان گردیده است و خیال می‌کردم چنین سوره‌ای باید مشتمل بر بزرگ‌ترین آیه‌ای باشد که عظمت علی را کامل‌تر نشان بدهد...^۲

۸۳۵. ابن عباس می‌گوید

عبایه اسدی می‌گوید: ابن عباس گفت: به زودی فتنه و آشوبی خواهد آمد، که اگر فردی از شما دچار آن گردید، بر او باد به دو خصلت کتاب خدا و علی بن ابی طالب علیه السلام چون من از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که دست علی را گرفته بود شنیدم که فرمود: این نخستین فردی است که به من ایمان آورده، و اول کسی است که در روز رستاخیز دست به دست من خواهد نهاد و اوست فاروق این امت که حق و باطل را از هم جدا خواهد ساخت و او رئیس و بزرگ دین و ثروت، رئیس ستمگران است و قطعاً او عدالت گستر و

۱. چشمه کویر، نوشته محمدتقی شریعتی، ص ۳۲۶.

۲. چشمه کویر، نوشته محمدتقی شریعتی، ص ۳۲۶.

دوست وفادار بزرگ می‌باشد و او در (علم) من است که از جانب او می‌آید و او جانشین من است بعد از درگذشتم.^۱

۸۳۶. علی افضل بشر است

ابن‌ابی‌الحدید در جلد اول ص ۴ نهج‌البلاغه خود می‌گوید:
 «أنه (ع) افضل البشر بعد رسول الله (ص) وحق بالخلافة من جميع المسلمين».
 به درستی که علی (ع) بعد از رسول خدا (ص) افضل بشر و اولی به امر خلافت از جمیع مسلمانان بوده است.

۸۳۷. دورجال الهی

حضرت آیه‌الله بهاء‌الدینی می‌فرماید: کتاب به تنهایی ضمان جلوگیری از حوادث ناگوار در جامعه مسلمین نیست. بعد از رحلت پیامبر گرامی (ص) با وجود کتاب آن حوادث رخ داد. کتاب احتیاج به صاحب و مفسر و متولی دارد و این عترت پیامبر بودند که صاحبان و مفسران کتاب خدا محسوب می‌شدند. فهم کتاب از خصایص عترت و مقام ولایت است - فهم کتاب خدا، فهم لغات و عبارات نیست، فهم جنبه ادبی جملات نیست. درک حقیقت کتاب مخصوص صاحبان کتاب یعنی ولایت معصوم است نه کسانی که صرفاً جنبه ادبی می‌دانند یا آشنا به اصطلاحات علمی هستند.

فهم کتاب نزد مقام ولایت با قدرت تفکر نیست بلکه به نورانیت است. استدلال‌ات و سخنان ائمه (ع) از سنخ استدلال‌ات و حرف‌های متفکران و اندیشمندان نیست نور و رشد و کمال محض است.

ولایت امری است که به جعل الهی تحقق پیدا می‌کند نه به انتخاب مردم. بیان پیامبر اکرم (ص) در معرفی و نصب امیرالمؤمنین (ع) کشف واقع است. لذا نصب حضرت امیر (ع) از طرف پیامبر (ص) جعل الهی است شخصیت حضرت امیر (ع) تالی شخصیت حضرت پیامبر (ص) است هر دو رجل الهی بودند.

برنامه شیعه، انسان‌ها را به حرکت در می‌آورد. رضای ولی‌الله در پیشرفت و حرکت ما به سوی انسانیت است ائمه (ع) دست انسان‌ها را می‌گیرند و به سوی هدایت و مبدأ

۱. معانی‌الاخبار، ج ۲، ص ۴۲۸.



نور می‌برند و معنای هدایت این است که بشر از ظلمت‌هایی که دارد از پستی‌هایی که گرفتار آن است رها شود و به سوی نور راه پیدا کند.^۱

۸۲۸. مناظرات و مکاتبات علمی امری رایج و صحیح است

شهرستانی در ملل و نحل آورده است: مهم‌ترین اختلاف و درگیری در امت درباره امامت و رهبری بوده و برای هیچ موضوعی چون امامت شمشیرها بر کشیده نشده است. در طول تاریخ عده زیادی مزدور که به خاطر تیرگی باطنشان تحمل نور پر فروغ امامت و ولایت را نداشته برای آلوده ساختن اندیشه مردم کتاب‌ها نوشتند و علماء و بزرگان نیز در پاسخ به آن‌ها برای جلوگیری از انحراف‌ها در صدد پاسخ گوئی بر آمدند^۲ یکی از این نوشته‌ها العثمانیه جاحظ است که به گفته مسعودی جاحظ آن را به انگیزه میراندن حق و درگیری با اهل آن نوشته است اما «والله متم نوره ولو كره الكافرون»^۳.

سیدمرتضی علم‌الهدی در قرن پنجم کتاب عظیم، الشافی فی الامامه را در نقد بخش امامت از کتاب المغنی قاضی عبدالجبار معتزلی نوشت. در قرن ششم نیز اثری با عنوان بغض فضائح الروافض نوشته می‌شود که پاسخ آن را نصیرالدین عبدالجلیل القزوینی الرازی به عنوان بعض مثالب النواصب که اینک به النقض مشهور است نوشت.

علامه حلی نیز در دفاع از ولایت بخش زیادی از کتاب نهج‌الحق و کشف الصدق خود را به این موضوع اختصاص داده و کتاب منهج‌الکرامه را در اثبات امامت نگاشت و اثری دیگر به نام الفین را نیز در همین راستا تدوین کرده است که در نوع خود اثری پر قوت تحلیل می‌گردد.

البته فضل‌بن‌روزبهان در پاسخ ردی بر کتاب نهج‌الحق به نام ابطال الباطل خود را در ورطه اشتباهات انداخته است.

از جمله کتب دیگر می‌توان به الصوارم‌المهرقه که به انگیزه رد الصواعق‌المحرقه ابن‌حجر نوشته شده است اشاره کرد و کتاب بزرگ احقاق‌الحق جناب علامه قاضی نورالله شوشتری نیز از آن جمله است و منهج‌الکرامه نیز در زمره کتب بسیار گرانبغی است که زحمات زیادی برای آن نوشته کشیده شده است.

و از کتب دیگری که در این زمینه نوشته شده کتاب عباقات‌الانوار مرحوم علامه

۱. نردبان آسمان، صص ۲۵۲ - ۲۵۱.

۲. الغدیر فی التراث الاسلامی در این کتاب به آثار مرتبط غدیر آورده شده است.

۳. صروج الذهب، ج ۳، ص ۲۳۷، صف ۸.



میرحامد حسین هندی عبقات است این کتاب فارسی نگاشته شده چرا که کتاب تحفه اثنی عشر به فارسی بوده، کتاب تحفه اثنی عشر توسط عبدالعزیز دهلوی هندی نوشته شده که در باب هفتم آن به مسئله امامت و ولایت اشاره کرده و بر این نظریه شیعی رد می‌نویسد: مرحوم میر حامد حسین هندی کتاب عبقات الانوار را به فارسی نگاشت تا پاسخ کتاب تحفه اثنی عشر داده شده باشد.

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در جلد دوم اثر جاویدانش الذریعه از شماره ۱۲۶۱ تا شماره ۱۳۶۳ کتاب‌های امامت را بر می‌شمارد این فهرست از کتاب الامامة الصغیر و الامامة الکبیر تألیف ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی (۲۸۳ م.) از عموزادگان مختار بن ابی عبید می‌آغازد.

در این جا تنها کتاب‌هایی آورده شده است که در موضوع امامت است با همین نام یا بدون نام مخصوصی اما کتاب‌هایی که در این موضوع است و نام دیگری دارد از این جا پی‌گیری علمی شیعی درباره این اصل روشن و حیاتی به خوبی نمایان می‌شود برای پیگیری عمیق‌تر می‌توان به کتاب اهل‌البیت فی المکتبیه العربیه که موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث به نشر آن همت گماشته مراجعه کرد.^۱

اما اثر بلند مراجعات نوشته علامه بزرگوار مرحوم سید عبدالحسین شرف‌الدین «المراجعات، مجموعه ۱۱۲ نامه است که بین سید عبدالحسین شرف‌الدین و شیخ الاسلام سلیم بشری مفتی و رئیس جامع‌الازهر مبادله شده است این دو عالم اسلامی در این نامه‌ها حقایق بسیاری را مورد بحث و نظر قرار داده‌اند بیان نامه‌ها ادبی زیبا و محکم است و مطالب مطرح شده در آن‌ها غنی و سرشار».

به گفته سلیم بشری «شرف‌الدین در این نامه‌های پر مغز و خوش سبک و محکمش بسان سیلی است که از قله‌های کوه خیزد یا ابری که از آن ژاله ریزد».

از نامه‌های شیخ سلیم بشری نیز پیداست که دانشمندی عمیق و حق‌جو و منصف و پر اطلاع است وی در نوشته‌هایش حقایق مهمی را از مسائل اعتقادی شیعه تصدیق کرده است که از جمله، اهمیت اساسی فقه شیعه و صحت عمل به آن است.^۲ کتاب خلافت و ولایت نیز از کتبی است که در مورد آن می‌توان گفت بسیار سودمند و با ارزش است. چنانچه مرحوم علامه شوشتری در نامه‌ای به حسینیه ارشاد می‌نویسد:

۱. آینه پژوهش، ص ۶۴

۲. شرف‌الدین، ص ۱۲۹.



کتاب خلافت و ولایت از انتشارات آن حسینیه مقدسه که انصافاً بهتر کتابی است که در عصر حاضر در باب امامت نوشته شده...^۱
 مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری به چاپ اول این کتاب وزین مقدمه‌ای زیبا نوشته‌اند و در ضمن آن مقدمه از زندگی مرحوم استاد محمدتقی شریعتی و جایگاه وی در تاریخ معاصر به عنوان مدافع جدی و خستگی‌ناپذیر اندیشه اسلامی یاد کرده‌اند.

۸۳۹. تعریف امام

صاحب کتاب تنبیه‌الغافلین در ذیل آیه «یوم ندعو کل اناس بامامهم»^۲ آورده است: امام را به نامه اعمال و کتاب آسمانی، پیشوا و دین و معبود و مادر معنی کرده‌اند... و البته امام هدایت علی و ائمه از اولاد او هستند و امام ضلالت دشمنان علی و خاندان پیغمبر...^۳
 ابوحفص صانع حکایت کرد، عبدالله بن حسن در توضیح آیه کریمه «لنستلن یومئذ عن النعیم» بیان کرد: ای اباحفص! به خدا سوگند در قیامت از شما درباره ولایت ما اهل بیت سؤال می‌کنند که در حق ما چگونه رفتار کردید...^۴

۸۴۰. حفظ وحدت ضروری است

اهل فرقه تبریه می‌گویند: پس از پیامبر اسلام علی افضل‌ترین مردم بود و به خلافت از همه لایق‌تر اما او خلافت را به خاطر وحدت مسلمین به ابوبکر و عمر واگذار نمود.^۵

۸۴۱. یار نزدیک دو امام

عمرو بن حَمِقِ خزاعی از شرطه‌الخمیس و از خواص اصحاب امیرالمؤمنین علی بود این شهر آشوب او را از نزدیک‌ترین یاران امام علی و امام حسن می‌داند.
 برخی نقل کرده است که عمر بن حمق روزی رو به علی کرد و عرض کرد:
 «یا امیرالمؤمنین! به خدا سوگند، من تو را دوست نداشتم و با تو بیعت نکردم برای

۱. خلافت و ولایت، چاپ دوم، ص ۶

۲. اسراء، ۷۱.

۳. تنبیه‌الغافلین من فضایل الطالبین، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۴. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۷۷.

۵. مقالات الاسلامیین.

این که خویشاوندی بین من و تو وجود دارد و نه برای گرفتن پولی و یا درخواست مقامی از تو بلکه به این خاطر ولایت تو را پذیرفتم که تو را پنج خصلت است: تو پسر عمومی رسول خدا ﷺ و اولین کسی هستی که به او ایمان آوردی و تو همسر سرور زنان امت، فاطمه زهرا دختر رسول خدا ﷺ هستی و تو پدر ذریه پیامبر اکرم ﷺ می باشی و تو عظیم ترین مرد از مهاجرین هستی که در جهاد خدا والاترین سهم را دارا هستی، پس اگر به من دستور داده شود که کوه های سنگین را از زمین بر کنم و به جایی دیگر منتقل نمایم و یا دریا های موج را از آب خالی سازم تا این که بتوانم به نحوی در هر امری دوستان و اولیای را تقویت نموده و دشمنان را منکوب سازم، گمان نمی کنم توانسته باشم حقی را که بر گردنم داری ادا نمایم».

حضرت امیر (ع) در پاسخ او فرمود: بارالها! قلبش را به نور تقوی منور ساز و او را به صراط مستقیم هدایت کن. ای کاش در سپاه من صد نفر مانند تو وجود داشت.

۸۴۲. حقایقی که نمی توان رد کرد

یکی از شیعیان به اتفاق «فضال بن حسن کوفی» در شهر حرکت می کردند تا این که رسیدند به مسجدی که «ابوحنیفه» امام سنّیان در آنجا تدریس می کرد؛ فضال بن حسن به دوستش گفت: «من از اینجا نمی روم مگر این که ابوحنیفه را به قبول مذهب شیعه ملزم کنم».

سپس نزد ابوحنیفه رفت و به او گفت:

«ای ابوحنیفه، مرا برادری است که از جهت سن از من بزرگ تر است ولی شیعه مذهب است؛ هر چند به او می گویم بعد از پیغمبر اکرم ﷺ فاضل تر از همه اصحاب و بهتر از همه ابوبکر است، او می گوید: بهتر از همه آنها علی بن ابی طالب (ع) است، تقاضا مندم شما دلیلی بر افضلیت ابوبکر برای من بیاورید تا به او تذکر بدهم بلکه او هم مثل من سنّی شود».

ابوحنیفه گفت: «به برادرت بگو، چگونه علی را بر ابوبکر و عمر مقدم می داری در حالی که در غزوات و جنگ ها، پیغمبر، ابوبکر و عمر را نزد خود می نشاند و علی را به میدان جنگ و مبارزه می فرستاد و این خود دلیل است که پیغمبر آنان را بیشتر از علی (ع) دوست می داشته است».

فضال بن حسن گفت: «اتفاقا این سخن را به برادرم تذکر دادم ولی او گفت: خدا در



قرآن در سوره نساء می‌فرماید: «فضل الله المجاهدين على القاعدین اجرا عظیما»^۱؛ یعنی پروردگار برتری داده است مجاهدین را بر کسانی که در گوشه‌ای خزیده‌اند به اجر و مزدی بزرگ پس ب موجب این آیه علی علیه السلام افضل است نه آن دو».

ابوحنیفه گفت: «به برادرت بگو چگونه علی را بر آن دو ترجیح می‌دهی در حالی که عمر و ابوبکر در کنار پیغمبر مدفونند و علی فرسنگ‌ها دورتر است و این خود فضیلتی است از برای آن‌ها».

فضال بن حسن گفت: «اتفاقا روزی با برادرم در این خصوص هم صحبت شد و من همین سخن را به او گفتم ولی او در پاسخ گفت: مگر قرآن نخوانده‌ای؟ خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید داخل نشوید در خانه‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله مگر آن که به شما اجازه داده شود و معلوم است که بدن شریف پیغمبر صلی الله علیه و آله در خانه شخصی خودش مدفون است و مسلما آن حضرت در زمان حیاتش اجازه نداده بود تا آن دو را در خانه‌اش دفن کند و وارثین حضرت نیز راضی به دفن آن دو در نزد پیغمبر نبودند، پس آن دو در مکان غصبی مدفونند و این هرگز فضیلت نیست».

ابوحنیفه گفت: «به برادرت بگو عایشه و حفصه (دختران ابوبکر و عمر) اجازه دادند که در مقابل صداق و مهریه آنان ایشان را در آنجا دفن نمایند.

فضال بن حسن گفت: اتفاقا این سخن را نیز مطرح کردم ولی او در جواب گفت: مگر خداوند در قرآن کریم فرموده: «یا ایها النبی انا احلنا لك ازواجك اللاتی آتیت اجورهن»؛ یعنی: ای پیغمبر! ما حلال کردیم بر تو زن‌هایی را که صداق و مهریه آن‌ها را داده‌ای، پس معلوم می‌شود که صداق آن‌ها در ذمه پیغمبر صلی الله علیه و آله نبوده است.

ابوحنیفه سر به زیر انداخت و مدتی در فکر فرو رفت. آنگاه گفت: «ای جوان! به برادرت بگو که منزل پیامبر به عایشه و حفصه به ارث رسیده و آن دو ابوبکر و عمر را در منزلی که به ایشان به ارث رسیده است دفن کرده‌اند؛ در این صورت غصبی هم صورت نگرفته است».

فضال بن حسن گفت: «این سخن را نیز به برادرم گفتم، ولی او گفت: شما سنی مذهبان معتقدید که پیغمبر صلی الله علیه و آله پس از رحلت خود برای کسی ارث نگذاشته و روی همین نظر فدک را از فاطمه زهرا علیها السلام گرفتید و نسبت دادید به پیغمبر که فرموده: «نحن معاشر

۱. نساء، ۹۷.

۲. احزاب، ۴۹.

الانبياء لانورث فما تركناه صدقة» (ما گروه پیغمبران ارث نمی‌گذاریم، پس آنچه از ما باقی می‌ماند صدقه است) و در صورتی که دختر پیغمبر خود ارث نبرد، همسران او چگونه ارث می‌برند؟! و به فرض این که ارث هم ببرند پیغمبر اکرم ﷺ نه زن داشته و سهم همسر (چه یک نفر باشد و چه بیشتر) یک هشت است حال اگر بخواهیم این مقدار را بین همسران تقسیم کنیم به حفصه و عایشه به هر کدام بیش از یک وجب ارث نمی‌رسد پس چگونه به مقدار دو قبر تصرف کرده‌اند؟ ابوحنیفه که خود را مغلوب می‌دید رو به جانب شاگردان خود کرده و گفت: «اخرجوه فانه افضى ولاخ له»؛ او را بیرون کنید زیرا او شیعه است و اصلاً برادری ندارد.^۱

۸۴۳. حرفی رسا

عالم بزرگ اهل سنت محمد بن ادریس شافعی پیشوای مذهب شافعیه در سی‌ام رجب سال ۲۰۴ قمری در مصر دار فانی را وداع گفت. او در دیوان اشعارش اینگونه سروده است:

يا آل بيت رسول الله حبيكم
كفاكم من عظيم الفضل انكم

فرض من الله في القرآن انزله
من لم يصل عليكم لاصلاة له

یعنی: ای اهل بیت رسول خدا دوستی و محبت شما را خداوند در قرآنی که نازل کرده واجب فرموده است در عظمت و بزرگی شما همین قدر بس است که هر کسی که در نماز خود بر شما صلوات نفرستد نمازش درست نیست.

انتشارات سجید نون

۱. خزائن، ص ۱۰۹، احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۸۲.



فصل یازدهم

نقش عشق:



(کلمات فوق نقش سکه نقره‌ای است که
امام عصر در قم به کسی هدیه دادند)

امام مهدی علیه السلام و امامت امام علی علیه السلام





آن‌ها با ترس و تحیر از نزد او خارج شدند و در مجلسی جمع شدند تا شاید راه حلی پیدا کنند. در آن مجلس، بر این موضوع نظر دادند که از صلحاء بحرین ده نفر را انتخاب کنند. این کار را انجام دادند، آنگاه از بین ده نفر، سه نفر را انتخاب نمودند. بعد به یکی از آن سه نفر گفتند: تو امشب به طرف صحرا برو و خدا را عبادت کن و به امام زمان حضرت صاحب‌الامر علیه السلام استغاثه نما زیرا او حجت خداوند عالم و امام زمان ما است شاید آن حضرت راه چاره‌ای به تو نشان دهند.

آن مرد از شهر خارج شد و تمام شب، خدا را عبادت کرد و گریه و تضرع نمود و به حضرت صاحب‌الامر علیه السلام استغاثه نمود تا صبح شد، ولی چیزی ندید به نزد شیعیان آمد و ایشان را خبر داد.

شب دوم، دیگری را فرستادند، او هم مثل نفر اول، تمام شب را دعا و تضرع نمود اما چیزی ندید و برگشت، لذا ترس و اضطرابشان زیادتر شد.

سومی را احضار کردند. او مردی پرهیزگار به نام «محمدبن عیسی» بود شب سوم با سرو پای برهنه به صحرا رفت آن شب، شمی بسیار تاریک بود ایشان به دعا و گریه مشغول و به حق تعالی متوسل گردید و درخواست کرد که آن بلا و مصیبت را از سر مؤمنین رفع کند و به حضرت صاحب‌الامر علیه السلام استغاثه نمود.

وقتی آخر شب شد، شنید که مردی با او صحبت می‌کند و می‌گوید: ای محمدبن عیسی! چرا تو را به این حال می‌بینم؟ و چرا به این بیابان آمده‌ای؟ گفت: ای مرد! مرا رها کن که برای امر عظیمی بیرون آمده‌ام و آن را جز به امام خود نمی‌گویم و جز نزد کسی که قدرت بر رفع آن داشته باشد، شکایت نمی‌کنم.

فرمود: ای محمدبن عیسی! من صاحب‌الامر هستم، حاجتت را ذکر کن. محمدبن عیسی گفت: اگر تو صاحب‌الامری، قصه‌ام را میدانی و احتیاج به گفتن من نیست. فرمود: بلی راست می‌گویی. تو به خاطر بلایی که در خصوص آن انار بر شما وارد شده است و آن تهدیداتی که حاکم نسبت به شما انجام داده است، به اینجا آمده‌ای.

محمدبن عیسی می‌گوید: وقتی این سخنان را شنیدم، متوجه آن طرفی شدم که صدا می‌آمد. عرض کردم: بلی ای مولای من! تو می‌دانی که چه بلایی به ما وارد شده است. تویی امام و پناهگاه ما و تو قدرت برطرف کردن آن بلا را داری.

حضرت فرمودند: ای محمدبن عیسی! در خانه وزیر لعنة الله، درخت اناری هست وقتی که آن درخت بار گرفت، او از گل قالب اناری ساخت و آن را به دو نیم کرد. در میان هر



عذرخواهی نمود. این قضیه و قبر محمدبن عیسی نزد اهل «بحرین» مشهور است و مردم او را زیارت می‌کنند.^۱

۸۴۵. شبهه در امر امامت و پاسخ امام زمان

بعد از شبهاتی که جعفر کذاب بعد از شهادت امام عسگری علیه السلام بوجود آورد و پس از ادعای دروغین او و با توجه به اینکه امام زمان علیه السلام در انظار عمومی به غیر از یکی دو مرتبه آن هم کوتاه رؤیت نشد امر امامت بر عده‌ای سست عقیده مشتبه شده بود که آیا جانشینی برای امام عسگری علیه السلام وجود دارد یا خیر؟

این عده شبهه خود را به نزد نائب امام زمان علیه السلام سمری بردند که توقیعی از ناحیه امام صادر گردید امام در آن توقیع فرمودند: من بر تمامی این اختلافها واقفم و به خدا پناه می‌برم از کوری بعد از روشنایی و از گمراهی و ضلالت بعد از هدایت، همچنین به خدا پناه می‌برم از فتنه‌های نابود کننده و از اعمالی که باعث هلاکت انسان می‌شود همان گونه که خداوند فرمود: آیا گمان می‌برید که شما را بدون آزمون رهایتان می‌کنیم^۲ چه شده که اینها در فتنه فرو رفته و در حیرت سرگردان و بی‌هدف به این سو و آن سو می‌روند آیا دینشان را ترک گفته‌اند یا اینکه در آن به تردید افتاده‌اند یا با اینکه حق برای آنها آشکار است عناد می‌ورزند یا روایات صادق و صحیحی نمی‌دانند؟ یا می‌دانسته ولی فراموششان شده که زمین هیچ‌گاه بدون حجت چه آشکار و چه پنهان باقی نخواهد ماند. آیا نمی‌دانند بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله یکی بعد از دیگری (امامان) مردم را به سوی هدایت رهنمون می‌کرده‌اند و به ترتیب عهده‌دار این سمت می‌شده‌اند اگر خداوند اذن می‌داد آنچنان حق برای عموم روشن می‌شد که هیچ‌گونه ابهامی برای کسی باقی نماند لکن قضا و قدر الهی قابل مخالفت نیست.

پس می‌بایست پیروی از هواهای نفسانی را فرو گذارید و بر همان مبنای پیشین باقی بمانید و باید بدانید که حق با ما و در میان ماست جز ما هیچ کس (در موضوع امامت) چیزی نمی‌گوید مگر آنکه دروغگوی تهمت زنده است و مدعی آن نمی‌شود مگر گمراه و گمراه کننده، پس آنچه را به صورت سر بسته برای شما گفتم بپذیرید.^۳

۱. برکات حضرت ولی عصر علیه السلام ۳۴ - العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۹۳ - النجم الثاقب، ص ۵۵۶ - ملاقات با امام

زمان، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. مضمون آیات اول سوره کهف.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱.



مقامی شد که برای او نبود (ادعای امامت کرد)... آن نادان به زودی نتیجه عمل پست خود را خواهد دید...

۸۴۷. دلایل امامت در نامه امام عصر

احمد بن اسحاق می‌گوید: از جعفر نامه‌ای به دست من رسید که در آن نامه او ادعا کرده بود به این که دین و نیز کلیه علوم و آنچه را که مردم به آن نیازمندند را آگاهی دارد.

وقتی آن نامه را خواندم عریضه و نامه‌ای خدمت حضرت ولی عصر نوشتم و نامه جعفر را نیز همراه آن فرستادم حضرت ولی عصر در پاسخ چنین جوابی را مرقوم فرمودند: «بسم الله الرحمن الرحيم»: «اتانی کتابك ابقاك الله والكتاب الذي انغذته درجه...». خداوند تو را پایدار بدارد نامه شما و ضمیمه آن (نامه جعفر) به من رسید از مضمون آن که با اختلاف الفاظ و اشتباهات بسیار توأم بود مطلع شدم و اگر شما هم دقت کرده بودید برخی از آن‌ها را آگاه می‌شدید...

ای احمد بن اسحاق!...

خداوند خلاق را بیهوده نیافریده... برای رسیدن به کمال واقعی اسباب تکامل را به آنان مرحمت فرموده از جمله برای شنیدن حقایق گوش و برای دیدن آیات الهی چشم و برای درک حقایق و تمیز باطل از حق قلب و عقل عنایت فرمود.

سپس انبیاء را مبعوث کرد تا به نعمتهای خداوند در آخرت و الطاف وی در این دنیا بشارت دهند و مردم را از عذاب او بترسانند... و از دیگر الطاف بزرگ الهی فرو فرستادن قرآن کریم است که تمام دلایل و موجبات خوشبختی و سعادت و همه عوامل شقاوت و بدبختی را در آن بیان می‌دارد...

سپس حضرت محمد را به رسالت مبعوث فرمود و به وسیله او نعمت را تمام و نبوت و پیامبری را به او ختم نمود و وجود اقدسش را برای همه جهانیان رحمت واسعه الهی قرار داد...

و پس از او امر اسلام و خلافت امامت را به برادر، پسر عم، وصی و وارث وی علی بن ابی طالب و پس از آن حضرت به فرزندانش یکی پس از دیگری سپرد تا با تعلیمات ائمه معصومین دین خود را زنده و نور خود را تمام کند...



۸۴۸. دلایل امام مهدی در اثبات ولایت امام علی

سعدبن عبدالله قمی اشعری گوید: روزی مرا با یکی از نواصب (لعنة الله عليه) و دشمنان سرسخت حضرت امیرالمؤمنین اتفاق صحبت و مناظره افتاد تا بحث ما به جایی رسید که به من گفت: مرگ بر تو و اصحاب تو! شما رافضی‌ها (شیعیان) مهاجران را نکوهش می‌کنید و محبت حضرت رسول اکرم را نسبت به آن‌ها انکار می‌کنید و حال آن که ابوبکر به جهت سبقت در اسلام و افتخار همراهی با آن حضرت در غار، از همه دیگر اصحاب آن حضرت برتر است و پیامبر بزرگ همان گونه که بر جان خود می‌ترسید در مورد او هم نگران بود، زیرا می‌دانست که ابوبکر پس از او خلیفه امت اسلامی خواهد شد و اگر زنده باشد امر اسلام منظم و در صورتی که کشته شود امر اسلام مختل خواهد شد در حالی که همان شب علی را در رختخواب خود خواباند، زیرا می‌دانست اگر علی کشته شود امر اسلام مختل نمی‌شود و در میان صحابه کسانی که جانشین او باشند، هستند.

سعدبن عبدالله می‌گوید: البته به او جواب‌هایی دادم، ولی ساکت نشد. سپس آن مرد ناصبی به من گفت: شما رافضی‌ها (شیعیان) می‌گوئید اولی و دومی (ابوبکر و عمر) منافق اند و در این مورد به ماجرای شب «عقبه» استدلال می‌کنید. آیا به نظر شما اسلام آن دو نفر از روی رضا و رغبت بوده و یا با اکراه و اجبار ایمان آورده‌اند؟ سعدبن عبدالله اضافه می‌کند که از پاسخ بدین سؤال احتراز کرده، با خود گفتم اگر بگویم آن دو با رضا و رغبت ایمان آوردند، خواهد گفت پس نمی‌توان آن‌ها را منافق دانست و اگر بگویم در نتیجه ترس و اجبار دین مقدس اسلام را پذیرفته‌اند در آن زمان اسلام چنین قدرتی که کسی به اکراه و اجبار به آن ایمان بیاورد نداشت.

به هر صورت، در حالی که نزدیک بود. قلبم از حرکت باز ایستد از وی فاصله گرفتم و متعاقباً طی نامه‌ای تعداد چهل و چند مسأله را که جوابی برای آن‌ها نداشتیم و بر من مشکل شده بود، نوشته، با خود گفتم از جناب احمدبن اسحق نماینده حضرت عسگری سؤال خواهد کرد، و پس از این که برای ملاقات با ایشان رفتم معلوم شد که به سوی سامراء حرکت کرده‌اند. من نیز به راه افتادم و در بین راه ایشان را دیده، ماجرا را با وی در میان گذاشتم.

فرمودند: با من به سر من رأی (سامراء) بیا تا این مسائل را از مولایمان حضرت عسگری بپرسیم. من نیز همراه ایشان به سر من رأی (سامراء) رفتم و چون بدانجا



سال و فلان ماه در نزد نساج (بافنده) ای امانتی داشت و آن شخص در همسایگی او زندگی می‌کرد: مدتی مدید گذشت و در نتیجه اینکه دزدی دستبرد زد آن امانت ربوده شد و با اینکه آن شخص به صاحب امانت اطلاع داد که امانتش ربوده شده است او باور نکرد و بیش از ارزش آن امانت از او غرامت گرفت و از همان جنس پیراهنی دوخت و این پول از بهای آن پیراهن است. کیسه را چون گشودند همان گونه که حضرت بقیه‌الله روحی له الفداء فرموده بودند، عینا همان طور بود.

سپس کیسه دیگری را بیرون آوردند و به محض اینکه چشم مبارک حضرت بقیه‌الله امام مهدی روحی له الفداء به آن کیسه افتاد فرمودند: در این کیسه پنجاه دینار است و شایسته نیست که دست ما به سوی آن دراز شود. احمدبن اسحق عرض کرد: چرا؟ فرمودند: زیرا این پول بهای گندمی است که میان صاحب آن و زارع مشترک بوده و در وقت تقسیم، صاحب گندم‌ها سهم خود را به طور کامل برداشته و سهم زارع را کمتر داده است.

امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند: ای احمدبن اسحق! این کیسه‌ها و ظرف‌های پول را ببر و صاحبانشان تسلیم نما و سعی کن که به صاحبانشان برسد، زیرا ما نیازی به این گونه پولها نداریم. سپس فرمودند: پیراهن آن پیر زن را بده. احمدبن اسحق می‌گوید: آن پیراهن را در منزل فراموش کرده بودم. و در نتیجه برای آوردن آن راهی منزل شد. سعدبن عبدالله ادامه داد: سپس مولایم حضرت عسگری علیه السلام نگاهی به من افکنده، سؤال فرمودند: برای چه به اینجا آمده‌ای؟ عرض کردم: احمدبن اسحق مرا تشویق کرد تا به زیارت مولایم نائل شوم. فرمودند: مسائلی را که می‌خواستی سؤال کنی و بدان خاطر به اینجا آمده‌ای چه شد؟ عرض کردم: به همان صورت باقی است. فرمودند: از نور چشمم [حضرت مهدی علیه السلام] بپرس. آنگاه عرض کردم: ای مولا و پسر مولای من! به طوری که برای ما روایت شده است، جدّ شما حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله موضوع طلاق زنان خویش را به امیرالمؤمنین علیه السلام واگذار نمودند و در جنگ جمل امیرالمؤمنین علیه السلام طیّ پیامی به عایشه فرمودند: در نتیجه خطائی که مرتکب شده‌ای، امت اسلامی را به هلاکت و فرزندان اسلام را به وادی جهالت و نادانی کشیده‌ای و اگر از این عمل دست برداری تو را طلاق می‌دهم. بنابراین بفرماید معنی طلاقى که پیامبر بزرگ ما به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تفویض فرمود، چیست؟

امام عصر روحی له الفداء در پاسخ سعدبن عبدالله فرمودند: خداوند بزرگ، مقام



خانه دلم را از غیر تو پاک نموده‌ام.» در حالی که خاندانش را بسیار دوست می‌داشت. لذا خداوند به او فرمود: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ» یعنی محبت و علاقه شدید خانواده‌ات را از دل بیرون کن اگر محبت تو نسبت به من خالص و از میل بجز من دلت پاک است. (چون جایگاه من است، باید محبت اهل و عیال خود را از دل بیرون کنی). (سپس عرض کردم: از تأویل «کهیصص» مرا مطلع فرمائید.

حضرت امام عصر علیه السلام در جواب فرمودند: این حروف از اخبار غیبیه است که خداوند زکریا را از آن مطلع نمود؛ سپس داستان را برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله بیان فرمود و خلاصه ماجرا این است که زکریا از خداوند درخواست نمود که اسامی پنج تن را به او یاد دهد و جبرئیل فرود آمده، اسامی پنجگانه را به ایشان تعلیم نمود.

هر زمان که زکریا نام‌های محمد، علی، فاطمه و حسن علیهم السلام را می‌برد، شاد می‌شد، ولی آنگاه که نام مقدس امام حسین علیه السلام را می‌برد دلش شکسته و اشکش جاری می‌گشت. روزی گفت: خدایا! مرا چه می‌شود که هرگاه نام چهار تن بالا را می‌برم دلم تسلی می‌یابد و هرگاه نام مبارک امام حسین علیه السلام را می‌برم اشکم جاری می‌شود و نفسم در سینه گره می‌خورد؟ خداوند از حادثه مربوط به امام حسین علیه السلام بدین گونه خبر داد. امام عصر روحی له الفداء فرمودند که:

«کاف» اسم کربلا و «هاء» اشاره به شهادت و کشته شدن عترت طاهره (خاندان مکرّم حضرت رسالت) است «یاء» اشاره به یزید است که بر حسین علیه السلام ظلم نمود، «عین» اشاره به عطش و تشنگی حسین علیه السلام و یاران عزیز اوست و «ص» اشاره به صبر آن حضرت است در مقابل مصائب و شدائد. زکریا علیه السلام چون این بشنید در مسجد خویش سه روز اعتکاف نمود و از معاشرت با مردم خودداری کرد و پیوسته مشغول گریه زاری بود و مرثیه سرائی می‌کرد که:

بار خدایا! آیا بهترین بنده‌ات و مخلوقت را به مرگ فرزندش با این کیفیت مبتلا می‌کنی؟

بارالها! آیا این بلیّه را با شهادت حسین علیه السلام بر حبیبیت خاتم انبیاء نازل می‌فرمائی؟ خداوند! آیا بر علی و فاطمه لباس این مصیبت را می‌پوشانی؟ پروردگارا! آیا آثار این مصیبت بزرگ را در چهره علی و فاطمه ظاهر می‌سازی؟ آنگاه زکریا عرض کرد: خداوند! به من فرزندى عنایت فرما و او را در پیری مایه روشنائی چشمم قرار ده و مرا به وسیله او امتحان فرما و در مرگ او دل مرا بسوزان،



از آن‌ها گرفته شده است و پس از اینکه انتخاب انبیاء بر افراد مفسد پیاده شد، دیگر اعتباری برای اختیار و انتخاب مهاجرین و انصار پس از رسول اکرم ﷺ باقی نمی‌ماند تا برای پیامبر بزرگ اسلام وصی و جانشین انتخاب کنید.

سپس امام عصر روحی له الفداء فرمودند: ای سعد! در مورد ادعای دشمن تو راجع به اینکه پیامبر ﷺ منتخب امت (ابوبکر) را با خود به غار بردند، زیرا ترسیدند. اگر او کشته شود امر اسلام مختل گردد چون می‌دانستند که او پس از آن حضرت خلیفه می‌شود و رعایت اختفاء ایجاب می‌نمود کس دیگری را به غار نبرند و علی را در رختخواب خود بخوابانند، زیرا می‌دانستند که اگر علی کشته شود اختلالی در اسلام پیدا نخواهد شد و این که کسانی که بتوانند جای علی را بگیرند و امور اسلام و مردم را منظم نمایند وجود داشتند.

درباره این سؤال و ادعای این شخص چرا جواب نقضی ندادی؟ چرا نگفتی که مگر نه این است که شما در روایاتتان از قول رسول اکرم ﷺ نقل کرده‌اید که آن حضرت فرمودند خلافت پس از من سی سال خواهد بود و بقای عمر آن به وجود این چهار نفر (ابوبکر و عمر و عثمان و علی) بستگی دارد؟

بنابراین، این چهار نفر بر اساس مذهب شما جانشینان رسول الله هستند. قطعاً دشمن تو چاره‌ای جز اینکه بگوید «درست است»، ندارد (یعنی گفته تو را قبول کند ندارد). پس از این امر به دشمن می‌گویی با توجه به این موضوع همان گونه که ابوبکر خلیفه پیامبر است، این سه نفر هم بوده‌اند؛ پس چرا پیامبر یکی از این چهار نفر (ابوبکر) را با خود به غار برد و آن سه نفر دیگر را نبرد؟ [در حالی که از نظر مقام و آثار وجودی، هر چهار نفر باید یکی باشند.] در این صورت، پیامبر اسلام ﷺ نسبت به آن سه نفر استخفاف ورزیده و ترک محبت نموده و از شفقتی که نسبت به ابوبکر روا داشته آنان را محروم کرده است. امام ﷺ فرمودند: اما در مورد سؤال دیگر دشمن - درباره اسلام اولی و دومی که آیا از روی اختیار بود و یا به اکراه و اجبار اسلام آورده‌اند. - چرا در جوابش نگفتی که آن دو نفر به جهت «طمع» ایمان آورده بودند و علت طمع آنان نیز این بود که آن‌ها با یهودیان معاشرت داشتند و در نتیجه این معاشرت از اینکه حضرت محمد ﷺ به پیامبری مبعوث خواهند شد و بر عرب استیلا پیدا می‌کنند، با خبر شده و از تورات و کتب مقدسه ماجرای آن حضرت را شنیده بودند و به این دو نفر گفته شده بود همچنانکه بخت النصر



فرستد و عظمت شما را فزونی بخشد و دشمنان را منکوب و خوار نماید و این ملاقات را آخرین دیدار ما قرار ندهد.

سعد بن عبدالله می گوید: چون سخن احمد بن اسحق بدینجا رسید، امام علیه السلام منقلب شدند و اشک از دیدگان مبارکشان روان گشت و فرمودند: احمد بن اسحق! تا می توانی در دعا کردن کوشش کن، زیرا بزودی به ملاقات خداوند خواهی رفت.

احمد بن اسحق با شنیدن این مطلب [یعنی خبر مرگ خویش] غش کرد و بر زمین افتاد و چون به هوش آمد عرض کرد: مولای من! شما را به خدا قسم و به احترام جدتان [خاتم انبیاء] پارچه ای به من مرحمت فرمائید که برای خود کفن نمایم [و به آن تبرک جویم]، حضرت دست مبارک به زیر بساط بردند و مبلغ سیزده درهم بیرون آورده، فرمودند: این پول را بگیر و از پول دیگری مخارج زندگی را تأمین نما و آنچه که خواستی (کفن) داده خواهد شد و خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی سازد.

سعد بن عبدالله می گوید: چون از حضور مبارک حضرت عسگری علیه السلام مرخص شدیم و به سه فرسنگی حلوان رسیدیم، احمد بن اسحق دچار تب شدیدی شد که او را از حیات و زندگی مأیوس کرد و چون وارد حلوان شدیم در یکی از کاروان سراها منزل کردیم. احمد بن اسحق از ما خواست که او را تنها بگذاریم و ما نیز به اطاقهای خود رفتیم.

سعد می گوید: نزدیک صبح که به یاد احمد بن اسحق بودم چون چشم باز کردم کافور، خادم حضرت عسگری علیه السلام را دیدم که می گوید: خداوند در مورد مصیبت و مرگ برادر مقرب و محبوبتان به همه شما پاداش نیکو مرحمت فرماید. ما از غسل و کفن کردن دوست شما فارغ شدیم، برخیزید و او را دفن نمائید. با گفتن این جمله، کافور خادم از نظر ما پنهان شد.^۱

۸۴۹. امام عصر علیه السلام پاسخ فرمودند

عالم جلیل القدر، ابوالقاسم محمد بن ابی القاسم حاسمی با یکی از علمای اهل سنت به نام رفیع الدین حسین، رفاقتی قدیمی داشت، به طوری که در اموال، شریک بود و اکثر اوقات حتی در سفر با هم بودند و هیچ یک مذهب و عقیده خود را از دیگری مخفی نمی کرد و گاهی به شوخی یکدیگر را ناصبی و رافضی می گفتند، اما در این مدت بین آنها بحث مذهبی نشده بود.

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۸.



می دهد دوستیش با او سست شد و بعد از گفتگوی زیاد به ابوالقاسم گفت: صبر می کنیم، هر مردی که به مسجد آمد آنچه را حکم کرد، چه به نفع مذهب من یا مذهب تو، همان را قبول می کنیم. چون ابوالقاسم عقیده اهل همدان را می دانست؛ یعنی می دانست که همه سنی هستند از این شرط می ترسید، ولی به خاطر کثرت مجادله، شرط مذکور را قبول کرد و با کراهت راضی شد. بلافاصله بعد از شرط مذکور، جوانی که از رخسارش آثار جلالت و نجابت ظاهر بود و معلوم بود که از سفر می آید، داخل مسجد شد و در آنجا گشتی زد و نزد ایشان آمد.

رفیع الدین با کمال سرعت و اضطراب از جا برخاست و بعد از سلام و تحیت، از آن جوان سؤال کرد که واقعا بگوید: علی علیه السلام بالاتر است یا ابوبکر؟ جوان بدون معطلی این دو شعر را فرمود:

متی اقل مولای افضل منها اکن للذی فضلته متنقصا
الم تر ان السیف یزری بحدہ مقالک هذا السیف احدی من العصا؟^۱

وقتی جوان از خواندن این دو بیت فارغ شد، ابوالقاسم و رفیع الدین از فصاحت و بلاغتش تعجب کردند؛ لذا برای این که از حالات او بیشتر جويا شوند، از او خواستند که با ایشان صحبت کند اما ناگهان از پیش چشمانشان غایب شد و دیگر او را ندیدند. رفیع الدین چون این امر عجیب و غریب را مشاهده کرد، مذهب باطل خود را ترک گفت و مذهب حق اثنی عشری را پذیرفت.^۲

۸۵۰. جمال چهره تو حجت موجه ماست

مرحوم آیه الله اصفهانی «ره» از آیات و مراجعی بود که بی واسطه به فیض ملاقات حضرت مهدی، صاحب الزمان - ارواحنا له الفداء - مشرف شده بود، یکی از آن موارد، قضیه شگرفی است که دانشمندان معاصر آقای حاج شیخ محمد رازی «ره» در جلد اول کتاب گنجینه دانشمندان نقل کرده است.

او می نویسد: علامه متتبع آقا حاج سید محمدحسن میرجهانی طباطبایی رحمته الله صاحب تألیفات مفید که از خواص اصحاب ایشان بودند حکایت کرده اند که: «یکی از علمای

۱. یعنی هرگاه بخواهیم در مقایسه میان مولایم علی علیه السلام و آن دو نفر بگویم: مولایم از آن ها برتر است، منزلت و مقام او را پائین آورده ام. آیا نمی بینی که اگر بگویی: شمشیر از عصا برنده تر است؛ شمشیر با برندگیش تو را به خاطر این مقایسه سرزنش خواهد کرد؟!
۲. النجم الثاقب، ص ۵۷۹ - برکات حضرت ولی عصر، ص ۲۲۰ - العبقری الحسان، ج ۲، ص ۸۶.



برگشتیم، پدرم گفت: حضرت ولی عصر حجة بن الحسن العسگری علیه السلام را مشافهة زیارت کردم و با دیدنش مستبصر و شیعه اثنی عشری شدم»^۱.

۸۵۱. امام، یاور مؤمنین است

شهید ثانی، قاضی نورالله شوشتری رحمته الله می فرماید: بین اهل ایمان معروف است که یکی از علمای اهل سنت که در بعضی از فنون علمی استاد علامه حلی رحمته الله است؛ کتابی در ردّ مذهب شیعه امامیه نوشت و در مجالس و محافل آن را برای مردم می خواند و آنان را گمراه مینمود و از ترس آن که مبادا کسی از علمای شیعه کتاب او را ردّ نماید؛ آن را به کسی نمی داد که نسخه ای بردارد.

علامه حلی همیشه به دنبال راهی بود که کتاب را به دست آورد و ردّ کند. ناگزیر رابطه استاد و شاگردی را وسیله قرار داد و از عالم سنی درخواست نمود که کتاب را به او امانت دهد. آن شخص چون نمی خواست که دست رد به سینه علامه حلی بزند، گفت: سوگند یاد کرده ام که این کتاب را بیشتر از یک شب پیش کسی نگذارم. مرحوم علامه همان یک شب را غنیمت شمرد. کتاب را از او گرفت و به خانه برد که آن شب تا جایی که می تواند از آن کتاب استنساخ کند وقتی به نوشتن مشغول شد و شب به نیمه رسید، خواب بر ایشان غلبه نمود. همان لحظه حضرت صاحب الامر (ارواحنا فداه) حاضر شدند و به او فرمودند: کتاب را به من واگذار و تو بخواب. علامه حلی رحمته الله خوابید. وقتی بیدار شد، نسخه کتاب را از کرامت و لطف حضرت صاحب الامر رحمته الله تمام شده بود.

البته این قضیه را به صورت های دیگر هم بیان کرده اند؛ از جمله در کتاب قصص العلماء این طور بیان شده است؛ علامه حلی رحمته الله کتاب را توسط یکی از شاگردان خود که نزد آن عالم مخالف درس می خواند، برای یک شب به عنوان عاریه به دست آورد و مشغول نسخه برداری از آن شد، همین که نصف شب گذشت، علامه بی اختیار به خواب رفت و قلم از دستش افتاد، وقتی صبح شد و وضع را چنین دید، اندوهناک گردید ولی وقتی کتاب را ملاحظه کرد، دید تمامش نوشته و نسخه برداری شده است و در آخر آن نسخه این جمله نوشته شده است: «کتبه م ح م د ابن الحسن العسکری صاحب الزمان» و

۱. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۱، ص ۱۲۲ - ملاقات با امام زمان عج، ج ۱، ص ۲۶۴ - این قضیه مفصلاً در کتاب مجالس حضرت مهدی علیه السلام از زبان علامه میر جهانی رحمته الله نقل شده است.

(این نسخه را حجة بن الحسن العسگری صاحب الزمان علیه السلام نوشته است) علامه فهمید که حضرت تشریف آورده و نسخه را به خط مبارک خود تمام نموده‌اند.^۱ در تشریف خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام که برای آقای شیرازی در مسجد جمکران پیش آمده است طی این ماجرای مستند و مفصل حضرت امام عصر علیه السلام به ایشان سکه‌ای را هدیه می‌دهند که در یک طرف آن سکه «بسم الله الرحمن الرحيم وان یکاد»؛ نقش بسته و جالب این که در روی دیگر آن سکه «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» به طور برجسته کنده شده است. قطر این سکه ۲/۵ سانتی می‌باشد که شرح کل این تشریف در مجله خورشید مکه شماره آبان ماه ۸۲ به طور مفصل آمده است.

۸۵۲. حرف آخر پیامی روح بخش

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند من شما و روح‌های تان و بوی خوش تان را دوست می‌دارم ما را در این جهت با پرهیزگاری و تلاش خود یاری کنید هرگز به ولایت ما نمی‌رسید جز با کوشش و تقوا و کسی که دیگری را به عنوان امام و اسوه برگزیده است باید عملش مطابق با عمل او باشد.^۲

۸۵۳. نکته‌هایی برجسته

در پایان این مجموعه ضرورت دارد چند مطلب تذکر داده شود.
 ۱. به راستی یک انسان متعادل و معقول با مطالعه این همه روایات که مربوط به ولایت امام علی علیه السلام است باز می‌تواند خود را از حیطة رحمت الهی خارج نماید و انکار ولایت علی علیه السلام را بنماید؟!
 رسول خدا صلی الله علیه و آله در طی ۲۳ سال مگر چند بار بایستی مسئله امامت امام علی علیه السلام را به

۱. برکات حضرت ولی عصر ص ۱۳۴ - العبقری الحسان، ج ۲، ص ۹۸ - النجم الثاقب، ص ۴۵۲ به نقل از «مجالس المؤمنین» و «کشکول علی بن ابراهیم مازندرانی» با اندکی اختلاف - ملاقات با امام زمان عج، ج ۱، ص ۳۱۲.
 ۲. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۲ ص ۲۶۰ به نقل از «فوائد الرضویه» ص ۱۲۷ - عنایات حضرت موعود، ص ۵۵.
 ۳. ارشاد القلوب دیلمی، ص ۱۰۱.



صحابی گوشزد می‌کرد طی یک شمارش حداقلی رسول خدا ﷺ ۲۵ بار این کار را در مقیاس وسیع تکرار کردند و آخرین بار در حجة‌البلاغ این کار را انجام دادند.^۱

۲. شایسته است برادران عزیز اهل سنت بدانند که هیچ یک از حضرات مراجع بزرگوار تقلید شیعه در قدیم‌الایام و در زمان حال اهانت به مقدسات دیگران را شرعا جایز نمی‌دانند و سیره عملی امامان شیعه علیهم‌السلام نیز همین گونه بوده است لیکن در خصوص موضوع امامت بحث و تبادل نظر امری راجح عقلی است. پس آنچه بایستی اتفاق بیفتد بحث‌های علمی روشن با دلایل قرآنی و عقلی است تا بتوان راه درست و اندیشه برتر را پیدا کرد و در این معرکه فحش و توهین و سب طبق فتاوی متعدد حضرات علما و مراجع بزرگوار تقلید شیعه مخصوصا مقام معظم رهبری امری حرام تلقی می‌شود.

۳. در این مجموعه از کتب برجسته و مورد اعتماد علمای معظم اهل سنت (کتب روایی، تفسیری و رجالی و تاریخی) استفاده شده است.

۴. عزیزانی که مایلند عمیق‌تر مطالب را پی‌گیری کنند مطالعه ۱۰۰۱ فضیلت از امام علی علیه‌السلام در کتب اهل سنت و کتاب ۱۰۰۱ پرسش و پاسخ از امام علی علیه‌السلام و تفسیر ۱۰۰۱ آیه قرآن کریم از امام علی علیه‌السلام را پیشنهاد می‌نماید تا با شخصیت محیرالعقول و مظهرالعجایب امیرالمؤمنین امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بیشتر آشنا شوند.

۵. تکرار بعضی از مطالب این مجموعه از سر غفلت رخ نداده است بلکه به لحاظ اهمیت موضوع و سایر مواردی که مورد نظر مؤلف بوده اتفاق افتاده است به فضل خدای عزیز این مجموعه در سال‌های ۷۹ تا ۸۱ تنظیم یافته که در مراحل مختلف کار به ندرت آدرس بعضی از روایات از دست رفته است ولیکن این روایات از منبع متقن آورده شده است.

۶. شایسته است عزیزانی که توفیق مطالعه این مجموعه را یافتند در مناسبت‌های منسوب به امام علی علیه‌السلام احادیث مربوط را به عنوان تبلیغ و گسترش فرهنگ علوی در مساجد و مدارس و ادارات و خیابان‌ها و دانشگاه‌ها نصب نمایند و ضرورت دارد به زائران اعزامی به حرم الهی و حرم نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که در شهر مدینه و مکه مورد هجوم فرهنگی عده‌ای وهابی در کوچه و بازار قرار می‌گیرند و اندیشه‌های ضد امامت و ولایت را ارائه

۱. در سیره ابن هشام که پیراسته شده سیره ابن اسحاق است و در پایان قرن ۲ نوشته شده است آمده است که حجة‌الوداع را حج ابلاغ نیز می‌گویند چرا که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این حج ولایت را ابلاغ کرد و در کتب قدیمی نیز این حج به اسم حج ابلاغ مکرر آمده است.



به دیار تردید، قبله نمای قلب عشاق

تشنه دشت شور و عشاقی امان از نفاق

ای گل! غمت چهار رکن هستی خراب کرد

روح هستی و جان عشاق کباب کرد

۱. مرحوم عالم بزرگ جناب میرزای قمی صاحب کتاب قوانین که مزار نورانی او در قبرستان شیخان قم می‌باشد در زمان خود در منزلشان روضه هفتگی و یا ماهانه برپا می‌کرده‌اند.

ایشان همیشه به روضه‌خوان‌ها می‌فرمودند: روضه حضرت باب‌الحوایج علی‌اصغر علیه السلام را بخوانند، وقتی علت این کار سؤال را می‌کردند می‌فرمود: "در کربلا هرکسی از خود به شکلی دفاع می‌کرد اما این عزیز در نهایت مظلومیت بدون دفاع از خود شهید شد".

۲. حضرت آیة‌الله شیخ عبدالکریم حق‌شناس در یک اربعین متوسل به حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌شوند تا مشکل ایشان به واسطه خواندن زیارت عاشورا حل گردد.

در روزهای آخر این توسل چهل روزه، ایشان حضرت سیدالکونین ابا عبدالله الحسین علیه السلام را در خواب می‌بینند، امام به ایشان می‌فرمایند می‌توانستی همان روز اول یک بار به فرزندم حضرت علی‌اصغر علیه السلام توسل کنی و حاجت خود را بگیری لازم نبود چهل روز معطل شوی.

لذا در پایان این مجموعه ضرورت داشت با قطعه شعری کوچک به آن عزیز مظلوم توسل پیدا کنیم.

والحمد لله رب العالمین کثیرا

محمد رضا رمزی اوحدی

قم المقدس

فهرست راهنما

اشخاص

- آدم عليه السلام: ۴۷، ۴۹، ۵۵، ۵۹، ۶۹، ۲۵۰، ۳۵۷، ۴۵۷، ۴۷۷، ۴۹۲، ۴۹۶، ۵۰۶، ۶۰۹
- آلوسی: ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۶۳
- آیه الله اصفهانی: ۶۲۲، ۶۲۳
- آیه الله بهاء الدینی: ۵۸۶، ۵۹۵
- آیه الله حسن زاده آملی: ۵۴۴
- آیه الله خامنه ای: ۵۸۴
- آیه الله رخشاد: ۲۸۸، ۵۴۲، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱
- آیه الله مطهری: ۲۸۹، ۳۰۹، ۵۵۱، ۵۹۸
- اباذر: ۱۷۸، ۳۱۲
- ابراهیم عليه السلام: ۴۵، ۴۹، ۵۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۳۹، ۲۷۶، ۵۴۱
- ابلیس: ۱۱۹، ۲۲۵، ۳۸۵، ۴۸۹، ۵۰۶
- ابن ابی الحدید: ۳۲۵، ۵۶۶، ۵۶۷
- ابن ابی حاتم: ۲۸۷
- ابن بابویه: ۵۰، ۶۳، ۱۱۱، ۱۲۴، ۵۰۴
- ابن تیمیه: ۵۵۲
- ابن جوزی: ۲۱۷، ۵۶
- ابن حجر: ۳۰۴
- ابن سعد: ۱۷۵، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۶۸
- ابن عباس: ۴۶، ۴۹، ۵۶، ۵۷، ۶۸، ۹۳، ۹۴، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۳۲، ۱۶۶، ۱۸۱، ۲۸۴، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۸۸، ۳۹۳، ۴۲۹، ۴۵۶، ۴۷۸، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۹۱، ۵۹۴
- ابن عربی: ۵۶۱
- ابن عساکر: ۲۲۷، ۲۸۷، ۳۰۰، ۳۷۱
- ابن عقده: ۲۲۷
- ابن قتیبه: ۲۸۵، ۳۰۷، ۳۱۶، ۳۳۳، ۳۴۴
- ابن مردویه: ۲۸۷، ۴۱۸
- ابن یامین: ۹۷، ۱۹۹
- ابویکر: ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۳
- ابوحنیفه: ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱
- ابودجانه: ۱۶۹
- ابوسفیان: ۵۳۴، ۵۴۹
- احمد بن اسحاق: ۵۰۴، ۵۰۵، ۶۱۰
- اسماء بنت عمیس: ۳۳۴، ۳۴۲
- اصبغ بن نباته: ۱۳۰، ۱۵۸، ۱۷۰، ۱۷۸، ۳۶۵، ۳۷۵، ۴۰۸، ۴۶۹، ۴۷۲
- اصحاب کهف: ۱۸۷
- أمّ اسلم: ۱۶۲
- امام باقر عليه السلام: ۴۱، ۴۴، ۵۳، ۶۸، ۷۴، ۸۴، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۰، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۷۳، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۲۵، ۲۷۴، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۳۵، ۳۴۸، ۳۵۲، ۳۷۱، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۳، ۴۳۰، ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۶۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۱۳، ۵۲۳، ۵۴۵
- امام جواد عليه السلام: ۱۵۲، ۱۷۹، ۵۲۷
- امام حسن عسکری عليه السلام: ۶۰، ۶۶، ۹۹، ۴۰۶، ۴۹۵، ۶۰۹، ۶۱۳، ۶۱۴
- امام حسن عليه السلام: ۴۳، ۴۴، ۹۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۳۰۳، ۴۱۰، ۴۶۸، ۵۳۸، ۵۹۸
- امام حسین عليه السلام: ۴۶، ۵۶، ۸۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۳۳، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۲۰، ۲۹۲، ۳۰۳، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۹۷، ۴۰۳، ۴۱۰، ۴۴۵، ۴۴۵، ۴۷۴، ۵۵۸، ۵۸۰، ۶۱۶، ۶۱۷
- امام خمینی رحمته الله علیه: ۳۷۵
- امام رضا عليه السلام: ۸۷، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۷۹، ۲۱۹، ۳۳۲، ۳۳۴، ۴۳۷، ۴۸۸، ۴۹۲، ۴۹۸، ۵۰۷
- امام سجاد عليه السلام: ۴۷، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۶۵، ۳۳۵، ۳۸۳، ۳۹۸، ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۴۰، ۴۴۰
- امام صادق عليه السلام: ۴۳، ۶۳، ۶۸، ۷۵، ۸۰، ۸۷، ۸۸، ۹۶، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۷۷، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۳۵، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۶۴، ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۹، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۳۷



۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۶، ۴۶۳، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۶۶، ۵۸۸، ۶۲۵

ام سلمه: ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۶، ۳۳۴، ۳۴۲، ۴۶۵، ۴۸۰

ام هانی: ۳۳۴

بنی اسرائیل: ۵۵، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۱۳۱، ۱۷۹، ۳۲۵، ۳۶۱، ۴۰۴، ۴۹۱، ۴۹۶، ۵۱۵، ۵۸۴، ۶۱۹، ۶۱۱

بو علی سینا: ۵۶۰

بیضاوی: ۵۹۱

ثعبان: ۱۵۸

جابر بن ارقم: ۲۸۸

جابر بن عبدالله: ۷۷، ۱۰۷، ۲۰۹، ۲۹۰، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۷۸، ۳۹۲، ۴۴۲

جریئیل: ۶۷، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۱۰۶، ۱۳۰، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۷۰، ۱۷۷، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۱۳، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۹، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۲۱، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۴۹، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۹، ۴۸۱، ۵۰۵، ۵۵۵، ۶۱۶، ۶۱۷

جوادی: ۵۸۱، ۵۶۲، ۱۱۶، ۱۱۵

حارث همدانی: ۴۴۸، ۱۷۸

حسکانی: ۶۸، ۱۴۰، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۰، ۳۲۵، ۳۲۳، ۳۵۴، ۳۶۵، ۳۷۲، ۳۹۹، ۴۱۷، ۵۱۸، ۵۶۷

حسین بن عون: ۳۹۰

حضرت زهراء علیها السلام: ۱۲، ۲۱۷، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۲، ۳۰۳، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۴، ۳۲۴، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۶۱

حضرت علی علیه السلام: ۵، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲

۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۵، ۶۱۲، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷

حمزه سیدالشهداء: ۳۳۴

حنبل: ۱۷۵، ۲۲۶، ۲۸۶، ۳۰۵، ۳۲۱، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۶۰، ۳۸۸، ۴۱۹، ۴۴۲، ۴۵۶

حو: ۶۳، ۶۴

خدری: ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۷۶

خطیب بغدادی: ۲۲۶، ۲۸۷، ۳۷۰

خلیل بن احمد: ۵۶۱

خوارزمی: ۳۵۷

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: ۵۴، ۸۱، ۱۱۵، ۱۷۹، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۰۷، ۳۱۴، ۳۳۶، ۳۵۸، ۳۶۰، ۴۵۲، ۴۷۶، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۷۵، ۵۹۴، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۱۸



۵۸۴، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۱۵،
۶۲۱، ۶۲۵، ۶۲۶
روزبہان: ۳۵۴
زیر: ۱۸۶، ۲۲۸، ۳۴۶، ۵۲۸، ۵۳۴، ۵۵۲
زمخشری: ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۸۶، ۳۸۷، ۵۳۷
زیدبن ارقم: ۲۸۱، ۲۹۰، ۳۳۵، ۳۳۶
سلمان: ۴۳، ۵۵، ۹۳، ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۷۱،
۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۶، ۱۹۵، ۲۰۹، ۳۰۰، ۳۳۱، ۳۴۷،
۴۰۳، ۴۰۴، ۴۲۶، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۷۹، ۵۳۴، ۵۶۸، ۵۸۷
سلیمان کتانی: ۵۸۵
سلیمان رضی اللہ عنہ: ۴۳، ۴۵، ۵۵
سليم بشری: ۳۵۱، ۵۹۷
سید بحر العلوم: ۶۲۳
سید بن طاووس: ۲۲۵، ۳۲۵
سیوطی: ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۸۷، ۲۸۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۲۵،
۳۴۳، ۳۴۸، ۳۶۹، ۳۷۵، ۴۶۷
شیر: ۱۷۸
شعرانی: ۵۳۷
شعیب رضی اللہ عنہ: ۵۵
شیت: ۴۹، ۵۴، ۶۹
شیخ مفید: ۸۰، ۸۴، ۱۰۹، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۷۹، ۲۸۰،
۳۷۷، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۲،
۵۷۱، ۵۷۳
طبرانی: ۲۸۰، ۳۶۰، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۹
عایشہ: ۱۹۴، ۳۱۱، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۴۲،
۳۴۳، ۳۷۱، ۳۷۳، ۴۸۰، ۵۵۰، ۵۶۷، ۵۸۸، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۱۴
عبدالحسن شرف الدین: ۵۹۷
عبداللہ بن مسعود: ۴۷، ۵۵، ۸۴، ۱۹۴، ۳۱۴، ۳۲۵،
۳۷۱، ۳۷۸، ۳۹۲، ۴۴۲، ۴۹۱، ۵۸۴
عثمان: ۴۶، ۱۲۰، ۱۵۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۳۱۲،
۳۱۶، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۴۳، ۳۴۵،
۳۷۰، ۳۷۶، ۴۱۹، ۵۳۵، ۵۴۸، ۵۶۱، ۶۱۸
عثمان بن عفان: ۴۹۳، ۵۹۰
علامہ امینی: ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۸۶، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۳۳،
۳۷۰، ۵۵۹
علامہ حلی: ۳۵۴، ۵۲۷، ۵۹۲، ۵۹۶، ۶۲۴
علامہ شهرستانی: ۵۵۹
علامہ شوشتری: ۵۶۹، ۵۹۶، ۵۹۷
علامہ شیخ آقا بزرگ تهرانی: ۵۹۷

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم: ۴۲، ۴۷، ۵۱، ۵۵، ۱۰۰، ۱۵۱، ۲۰۴،
۲۷۸، ۲۸۷، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۲۲،
۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۰،
۳۴۳، ۳۵۵، ۳۷۲، ۳۷۸، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۶، ۳۹۷،
۴۰۷، ۴۰۸، ۴۲۲، ۴۳۳، ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴،
۴۴۷، ۴۶۶، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۴،
۵۵۱، ۵۵۶، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۸۱، ۵۹۵، ۶۱۹
رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم: ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۵۳، ۵۴،
۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷،
۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹،
۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶،
۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶،
۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱،
۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶،
۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵،
۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،
۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸،
۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰،
۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹،
۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴،
۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷،
۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵،
۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۸،
۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۷،
۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵،
۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵،
۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳،
۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱،
۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۲،
۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱،
۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹،
۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸،
۳۷۹، ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱،
۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹،
۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۹،
۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴،
۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۷،
۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷،
۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۲،
۴۶۳، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۴،
۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۸، ۴۹۰،
۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۰،
۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۱۷، ۵۲۱، ۵۲۸، ۵۳۳، ۵۳۹،
۵۴۰، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰،
۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵،
۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۱

